

Farhangi Rişehaye

فرهنگ
ریشه‌های

Hend Ve Urupayiye

هند و اروپایی

Zabani Farsi

زبان فارسی

تألیف: دکتر منوچهر آریایانپور

Farscanın

Sanskrit Köklü Sözlüyü

Ariyanpur

Fars-Ebced-Latin

پیش گفتار

هدف این کتاب نشان دادن ریشه‌ی هند و اروپایی واژه‌های فارسی ناب است. این هدف موجب ویژگی‌های زیر شده است:

۱- هیچ واژه‌ی فارسی که ریشه‌ی هند و اروپایی آن ناشناخته است آورده نشده است. صدها واژه‌ی فارسی وجود دارد که ریشه‌یابی آنها تا حد پهلوی و اوستایی و حتی پارسی‌باستان پیگیری شده است ولی ریشه‌ی هند و اروپایی آنها شناخته نیست. ممکن است برخی از آنها هند و اروپایی و بسیاری از آنها غیر هند و اروپایی باشند. بهمین دلیل از آوردن اینگونه واژه‌ها خودداری کرده‌ام.

۲- کوشش کرده‌ام که پیگیری واژه‌های فارسی را در این مسیر انجام دهم: فارسی ← پهلوی ← اوستایی ← پارسی‌باستان ← هند و اروپایی. ولی به دلائلی که در دیباچه آمده همیشه نتوانسته‌ام شاهد اوستایی یا پارسی‌باستان (و گهگان حتی شاهد پهلوی) واژه را ارائه دهم.

۳- هر جا که نتوانسته‌ام واژه‌های هم‌ریشه‌ی کردی و بلوچی و افغانی و اوستی و سغدی و ختنی را نیز آورده‌ام تا خویشی زبان‌های ایرانی امروز و رابطه‌ی آنها با پهلوی و اوستایی و پارسی‌باستان و هند و اروپایی آشکارتر گردد.

۴- برای نشان دادن خویشی زبان‌های هند و اروپایی و ریشه‌گیری آنها از یک سرچشمه‌ی مشترک، واژه‌های هم‌ریشه در زبان‌های سانسکریت و ارمنی و یونانی و لاتین و آلمانی و انگلیسی و روسی و غیره را نیز ارائه داده‌ام. هر آینه، این واژه‌ها (با وجود هم‌ریشه بودن) همیشه هم معنی نیستند.

۵- هر جا در درستی ریشه‌یابی‌ها شک داشته‌ام، با آوردن واژه‌ی "شاید" به خواننده هشدار داده‌ام.

۶- بسیاری از ریشه‌یابی‌های موجود در این کتاب متکی به پژوهش‌های دانشمندان پیشین (به ویژه J. POKORNY و محمد معین) است. ولی شمار واژه‌هایی که توسط خودم پیگیری و برای نخستین بار ارائه شده است نیز کم نیست. مسئولیت درستی اینگونه واژه‌ها و به طور کلی همه مطالب این کتاب را بعهد می‌گیرم.

امیدوارم که این کتاب دوست‌داران زبان پارسی و زبانشناسی را خوش آید.

منوچهر آریان‌پور کاشانی

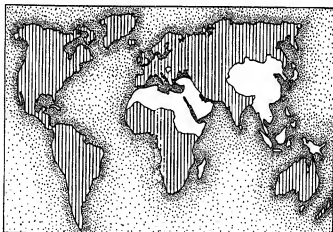
با سپاس از

دکتر ایرج آریان پور کاشانی (بازخوانی متن)

مهندس حسین فلاح (بازخوانی متن پرینت دوم)

دییاجه

«هند و اروپایی» نامی است که به خانواده‌ی بزرگی از زبانها داده می‌شود. این خانواده شامل تقریباً همه‌ی زبانهای اروپا و فلات ایران و بخش شمالی شبه قاره‌ی هند می‌شود. کوچگری اروپائیان در پانصد سال گذشته دامنه‌ی زبانهای هند و اروپایی را در سرتاسر آمریکای شمالی و جنوبی و مرکزی و همچنین در استرالیا گسترش داده است. ضمناً در گذشته زبان مردم آذربایجان و آسیای صغیر و آسیای مرکزی و چین باختری (ایالت سین کیانگ) نیز هند و اروپایی بوده ولی هجوم قبایل ترک زبان (از حدود سده‌ی پنج میلادی به بعد) موجب از میان رفتن آن زبانهای محلی گردیده است.



بخش‌های جهان که زبان بومی یا زبان رسمی آنها یکی از زبان‌های هند و اروپایی است.

چرا هند و اروپایی؟

نام «هند و اروپایی» (INDO-EUROPEAN) بدین دلیل نوآوری شده که زبانهای این خانواده‌ی بزرگ از هندوستان و فلات ایران تا باختر اروپا و بریتانیای کبیر گسترش دادند. برخی دانشمندان اروپایی (به ویژه آلمانی زبانان) نام «هندوژرمنی» (INDO-GERMANISCH) یا (INDO-GERMANIC) را بکار می‌برند. در گذشته واژه‌ی «آریایی» (ARYAN) نیز بکار گرفته می‌شد ولی امروزه این نام بیشتر برای اشاره به زبانهای بخش شمالی شبه قاره‌ی هند و به صورت ترکیب (هند و آریایی) (INDO-ARYAN) بکار می‌رود.

علت از رونق افتادن واژه‌های «آریا» و «آرین» و «آریایی» چه بود؟

در چند دهه‌ی قبل از جنگ جهانی دوم، برخی از دانشمندان اروپایی واژه‌ی «آریایی» را نه تنها در اشاره به یک خانواده‌ی بزرگ زبانها بلکه در اشاره به تیره‌ی بخصوص از نژاد سفید بکار می‌بردند و ویژگی‌های بدنی و اجتماعی و فرهنگی آنان را مورد ستایش قرار می‌دادند. در دوران تسلط نازی‌ها در آلمان، واژه‌ی «آریایی» (ARYAN) اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. نازی‌ها و فاشیست‌ها باور می‌کردند که آریایی‌های راستین مردمی بلند قامت با چشمان آبی و موی طلایی بودند که از نظر نژادی بر سایرین برتری کامل داشتند. چون در آلمان و اسکاندیناوی اینگونه مردم فراوان‌ترند، آنها معتقد بودند که گهواره‌ی آریایی‌های ابر نژاد شمال باختری اروپا بوده و از آنجا به سرزمین‌های دیگر کوچ کرده‌اند. طی این کوچ‌های متوالی، آریایی‌ها با بومیان هر محل درآمیختند و در نتیجه پاکی و برتری نژادی آنها کم شد. هر چه این کوچگران از آلمان دورتر شدند، میزان آمیختگی خون آنها با نژادهای «پست‌تر» بیشتر شد. بهمین دلیل در سرزمین‌های دور از آلمان درصد مردم چشم‌آبی و موطلایی بسیار کمتر است.

به عبارت دیگر، نازی‌ها واژه‌ی «آریایی» را که قبلاً به خانواده‌ای از زبانها اطلاق می‌شد به عنوان یک برجسب نژادی و به منظور تأکید برتری خودشان مورد تحریف قرار دادند. مثلاً در نظر این نژادپرستان حتی «اسلاوها» که به زبان‌های هند و اروپایی تکلم می‌کنند از نظر «پاکی نژادی» پست‌تر از آریایی‌های ناب (یعنی آلمانی‌ها و اسکاندیناوی‌ها) بودند، تا چه رسد به ایرانی‌ها و هندی‌ها!

بهمین دلیل پس از شکست نازی‌ها در پایان جنگ جهانی دوم، واژه‌ی «آریایی» کمتر مورد کاربرد قرار گرفت و همانطور که در بالا گفته شد امروزه فقط برای اشاره به زبانهای ناشی از

سانسکریت در هندوستان و (به طور نادرتر) برای اشاره به زبانهای ایرانی و هندی (INDO-IRANIAN) بکار می‌رود.

نکته‌ای که باید مورد تأکید قرار گیرد این است که منظور از «هند و اروپایی» نژاد بخصوصی نیست. بیشتر مردم افریقای جنوبی به زبان انگلیسی (یعنی یک زبان هند و اروپایی) تکلم می‌کنند ولی نژاد برخی از آنها سفید و برخی دیگر هندی و بقیه افریقایی است. اکثر مردم کشور پرواز نژاد سرخ پوست هستند ولی زبان مادری بیشتر آنها یک زبان هند و اروپایی (یعنی اسپانیایی) است.

سرزمین آغازین هند و اروپائیان

در چند دهه‌ی اخیر، برخی از دانشمندان (به ویژه دانشمندان روسی: T. GAMKRELIDZE V. IVANO) چنین فرض کرده‌اند که گهواره‌ی مردمان هند و اروپایی کردستان و سرزمین‌های اطراف آن است چون در این نواحی بود که در حدود ده هزار سال پیش کشاورزی و اهل‌سازی دام‌ها نوآوری شد و این نوآوری‌ها شهرزینی و ازدیاد جمعیت و ایجاد ارتش و فناوری و گسترش از راه کوچگری را میسر نمود. بنابراین دیدمان (THEORY)، مردمان این سرزمین کم‌کم از یک سو به فلات ایران و شمال هندوستان و از سوی دیگر به آسیای صغیر و از آنجا به اروپا کوچ کردند.

نکات زیر درستی دیدمان فوق را مورد تردید قرار می‌دهد: ۱- کردستان و ارمنستان و نواحی اطراف آنها دارای وسعت نسبتاً کمی هستند و بعید است سرچشمه‌ی کوچ‌های بزرگی باشند که تا مرکز هند و باختر اروپا گسترش داشته باشد. ۲- بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که زبان‌های هند و اروپایی این نواحی (هیت HITITE، لویان LUWIAN، پالایک PALAIC) همجوار لاقل دو زبان غیر هند و اروپایی (هتیک HATTIC و هوریان HURRIAN) بودند. این واقعیت، بودن آنها در حاشیه‌ی سرزمین‌های هند و اروپایی را محقق می‌کند و بعید است که جنبش کوچگری هند و اروپائیان از حاشیه آغاز شده باشد. ضمناً دیگر قرائن نشان می‌دهند که زبان‌های هند و اروپائی این نواحی زبان‌های اولیه‌ی این سرزمین‌ها نبوده‌اند و توسط کوچگران به آنجا برده شده‌اند. ۳- بسیاری از واژه‌های هند و اروپایی آغازین (PROTO-INDO-EUROPEAN) وابسته به جانوران و گیاهانی هستند که در این نواحی یافت نمی‌شوند.

دیدمان دیگر در باره‌ی گهواره‌ی آغازین هند و اروپایی‌ها این است که زادگاه (URHEIMAT) آنان شمال اروپا (به ویژه آلمان) بود. همانطور که در بالا گفته شد، نازی‌های آلمان

این دیدمان را تحریف کرده و برای اثبات برتری نژادی خود ادعا می‌کردند که اقوام هند و اروپایی از آلمان به خارج مهاجرت کردند ولی هر چه از آلمان دورتر شدند آمیزش آنان با اقوام محلی موجب پست شدن نژادی و تیرگی نسبی رنگ مو و چشم آنها شد. موضوع برتری‌های نژادی (که امروزه کاملاً مردود شده است) از عهده‌ی بحث ما خارج است. بطور کلی کوچکی نسبی آلمان و یابش‌های باستانشناسی و ویژگی‌های زبان شناختی زبان‌های ژرمنیک، دیدمان گهواره بودن آلمان را نیز غیرمتحمل می‌نماید.



گهواره‌ی هند و اروپاییان از دیدگاه هواداران و آلمان مرکزی،

آیا خاستگاه مردمان هند و اروپایی در سرزمین‌های گسترده‌ی شمال دریای سیاه و دریای خزر بود؟

اگر بپذیریم که زبانهای هند و اروپایی از یک زبان واحد سرچشمه گرفته‌اند که می‌توان واژگان کهن آنها از راه ردیابی قهرایی تعیین نمود، پرسشی که طبیعتاً پیش می‌آید این است که گهواره گاه این مردم هند و اروپایی کجا بود؟ واضح است که زبان هند و اروپایی خود یکی از زبانهای متعدد دوران نوسنگی بود و این زبانها مرحله‌ای از تطور زبانهای بشری بودند. زبان هند و اروپایی زبان واحد مردمی بود که حدود چهار تا شش هزار سال پیش در ناحیه‌ی نسبتاً محدودی زندگی می‌کردند و بهمین دلیل زبان آنها یا فاقد گویش‌های گوناگون بود و یا گویش‌های آن بهم بسیار

نزدیک بودند. علت محدود بودن گستره‌ی آنها این است که طبق اصل «پیشینه‌ی گستره‌ی مجاز» (MAXIMUM PERMISSIBLE AREA) اگر حوزه‌ی گسترش یک زبان زیاد شود، گویش‌های فرعی آن هر یک تبدیل به زبان جداگانه‌ای می‌شوند (همانطور که مثلاً لاتین تبدیل شد به فرانسه و اسپانیایی و غیره).

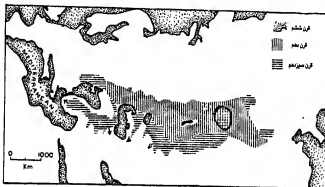
ولی چون هند و اروپایی‌ها در اصل از طریق شکار و دامداری و شبنی زیست می‌کردند و دارای ارابه و اسب بودند، تحرک آنها از کشاورزان روستائین بیشتر بود و در ناحیه‌ی وسیع‌تری کوچ می‌کردند. بدین دلیل، فرض بر این است که گهواره هند و اروپایی‌ها وسیع‌تر از حد معمول بود و شامل سرزمین‌های شمال دریای سیاه و دریای خزر می‌شد. همین خوی کوچگری و تحرک (به علاوه‌ی مجهز بودن به اسب و ارابه و سلاح‌ها و ترفندهای رزمی پیشرفته و دارا بودن خصلت رزم‌آوری) آنها را قادر کرد که طی موج‌های متوالی در ظرف حدود دو هزار سال اروپا و آسیای صغیر و فلات ایران و هندوستان را زیر مهمیز خود درآوردند.

طی این کوچ‌های مرکزگريزانه (CENTRIFUGAL MIGRATIONS) هندواروپایی‌ها زبان خود را در نواحی تسخیر شده رواج دادند. ولی در هر ناحیه، زبان مردم بومی (و ویژگی‌های دستوری و آوایی و واژگان آن) زبان کوچگران هند و اروپایی را متقابلاً تحت تأثیر قرار داد. این کنش و واکنش یکی از دلایل عمده‌ی تقسیم زبان واحد هندواروپایی ابتدا به گویش‌ها و سپس به زبان‌های گوناگون شد. (وجود واژه‌های مشترک میان هند و اروپایی و زبان سامی آغازین [PROTO-SEMITIC] از یک سو و زبان هندواروپایی و زبان فینوآوگریک [FINNO-UGRIC] از سوی دیگر مؤید این نکته است. بازگشت به: J. P. MALLORY, PP. 146-9)

از جزئیات کوچگری هند و اروپائیان در چند هزاره‌ی قبل اطلاعی در دست نداریم ولی بررسی جنبش‌های کوچگرانه‌ی دیگر در دوران‌های تاریخی الگوی کلی این کوچ‌ها و پیامدهای فرهنگی و زبانشناسی آنها را روشن می‌کند. بررسی کوچگری مردمان ترک زبان مثال بسیار مفیدی است: در قرن ششم پس از میلاد، مردم ترک زبان فقط در ناحیه‌ی نسبتاً کوچکی در شمال مغولستان و خاور دریاچه‌ی بایکال زندگی می‌کردند. آنها نیز مثل هندواروپائیان زندگی شبنی و دامداری داشتند. و اسب‌سواران ماهری بودند. این مردم در طی هفت قرن (از سده‌ی ششم تا سیزدهم پس از میلاد) طی یک سلسله تهاجم‌ها و کوچ‌های متوالی در بخش عظیمی از آسیای مرکزی و آسیای صغیر ساکن شدند. مردمان این نواحی (مثلاً ساکنان آذربایجان و ترکیه) همه به زبانهای هند و اروپایی تکلم می‌کردند ولی سلطه‌ی ترک زبانان موجب شد که طی چند قرن زبان آنها ترکی بشود ولی زبان ترکی

این نواحی نیز متقابلاً تحت تأثیر زبانهای محلی قرار گرفت و کم کم به چند گویش تبدیل شد (ترکی اسلابولی و ترکی ترکمنی و آذری و غیره).

یک پژوهش اخیر (مجله‌ی SCIENCE، جلد ۳۰۰، صفحه‌ی ۵۹۹، ۲۵ آوریل ۲۰۰۳) نشان می‌دهد که مردم ترکیه (و شاید مردم آذربایجان) از نظر زادشناختی (GENETICS) فقط دارای سی درصد ژن ترک (نژاد خاور دور یا زرد) و هفتاد درصد ژن هندو اروپایی و غیره هستند.



گسترش سریع قبایل ترک نشان می‌دهد که سرعت تهاجم و تصاحب می‌تواند بسیار زیاد باشد (تاریخ‌های فوق میلادی هستند).

از بررسی زبانشناختی برای یافت گهواره‌ی هندو اروپائیان چه نتایجی گرفته می‌شود؟

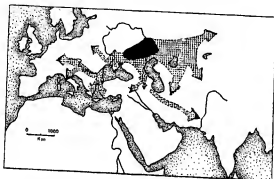
زبانهای هندو اروپایی به دو دسته بخش می‌شوند: زبانهای «ساتم» (SATEM) (ارمنی، ایرانی، هندی، اسلاوی، بالتیك) و زبانهای ستم CENTUM (ژرمنی، لاتین، یونانی، سلتیک). در زبانهای «ساتم» نخستین وات واژه‌ی «صد» سایشی (FRICATIVE) یعنی «s» یا «k» است. در زبانهای «ستم» واژه‌ی «صد» معمولاً حاوی حرف «N» است. (مثلاً در فرانسه CENT یا انگلیسی HUNDRED). مرز میان این دو دسته زبان هند و اروپایی خطی است که حدوداً در مرکز اروپا قرار دارد. حال اگر بپذیریم که کوچ هند و اروپائیان به صورت موج‌های متوالی مرکز گریز انجام شده، به این نتیجه خواهیم رسید که مرکز ثقل یا گرانیگاه (CENTER OF GRAVITY) این موج‌ها در حدود مرز میان این دو دسته زبان (نواحی شمال دریای سیاه) بوده است. آنچه این پیش را تا اندازه‌ای مورد

تردید قرار می‌دهد این است: زبان هند و اروپایی تخیاری (TOCHARIAN) که در ترکستان چین یعنی در خاوری‌ترین سرحد زبانهای هند و اروپایی قرار داشت. یک زبان ستم بود! آیا آنها از اروپا به جلگه‌ی تارم (باختر چین) کوچ کردند و علت شباهت زبان آنها با یونانی و سلتی همین است؛ آیا به همین علت است که نقش‌های دیواری یافت شده در تورفان و تارم آنها را با موی سرخ و چشمان آبی و پوست سفید تجسم می‌کنند (MALLORY, 56-63)؟ فعلاً برای این پرسش‌ها پاسخ قاطعی در دست نیست. وی علت تعیین محل گهواره در نواحی شمال دریا‌های سیاه و خزر منحصر به پیش بالا نیست. دلیل دیگر، واژه‌ی «مار» در اکثر زبانهای «ستم» مشترک است (لاتین: NATRIX) ایرلندی کهن: NATHIR، انگلیسی کهن: NAEDDRE، گوتیک: NADRE، آلمانی کهن: NATARA، ايسلندی کهن: NADR، بازگشت به: (POKORNY, 767).

ولی این واژه (که ریشه‌ی هندواروپایی آن NETR است) در زبان‌های «ساتم» وجود ندارد. مثلاً در زبان‌های هند و ایرانی این واژه بدین صورت است (فارسی: مار؛ کردی: MAR، پهلوی: MAR، اوستایی: MAIRYA، سانسکریت: MIARA، بازگشت به برهان قاطع، صفحه‌ی ۱۹۳۴). ممکن است علت این تفاوت این باشد که زبان‌های «ساتم» در اثر تماس با اقوام محلی، این واژه را از آنها اخذ کردند و یا اینکه چون مارهای فلات ایران و هند مهلک‌اند (و مارهای اروپای شمالی زهرین نیستند) این واژه کم‌کم نوآوری شده. امکان ثانی محتمل‌تر است چون ریشه‌ی واژه‌ی «مار» باریشه‌ی «مردن» و «میراندن» یکی است. در هر حال، شکاف میان زبانهای «ساتم» و «ستم» و واژگان وابسته به این دو گروه حاکی از وجود خاستگاه هند و اروپائیان در حدود مرز میان این دو گروه است.

همسانی‌های واژگانی و آوایی دیگری نیز میان زبانهای هند و اروپایی باختری وجود دارد که اندیشه‌ی فوق را تأیید می‌کند: زبانهای ژرمنی همسانی‌های نسبتاً زیادی با زبان‌های واقع در باختر خود (یعنی سلتی و لاتین دارند). از سوی دیگر همین زبان‌های ژرمنی شباهت نسبتاً زیادی با زبانی‌های واقع در خاور خود (یعنی بالتیک و اسلاوی) دارند. به عبارت دیگر ترتیب جغرافیایی شباهت‌ها چنین است: اسلاوی - بالتیک - ژرمنی - سلتی - لاتین. این واقعیت می‌تواند مبین دو چیز باشد: ۱- کوچ موجی هند و اروپائیان از خاستگاهی واقع در مرکز به سوی حاشیه بوده است (از خاور اروپا به باختر و جنوب آن). ضمناً همسانی چشمگیری نیز میان زبانهای اسلاوی و زبانهای واقع در خاور آنها (یعنی این زبانهای ایرانی: سکایی Scythian و سارمانی Sarmatian و اوستی Ossetic) وجود دارد و این زبانها نیز (به ویژه پارسی کهن و اوستایی) شباهت زیادی با زبانهای شبه فاروی هند (سانسکریت و غیره) دارند. به عبارت دیگر ترتیب جغرافیایی این زبانها چنین است: سکایی

سارماتی - سغدی - خوازمی - فارسی - پشتو - زبانهای هندوستان شمالی. جهت این موج‌های مرکز‌گرایز از شمال دریا‌های سیاه و خزر به سوی خاور و جنوب بوده است - از مرکز به حاشیه.



نقشه‌ی گسترش هند و اروپاییان از خاستگاه (بخش سیاه) به سوی باختر و خاور و جنوب از حدود ۴۰۰۰ تا ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد.

۲- همسانی‌های فوق‌الذکر (از گهواره به سوی باختر و اروپایی باختری و جنوبی و همچنین از گهواره به سوی خاور و فلات ایران و هند) مضافاً نشان می‌دهند که مکان جغرافیایی این زبانها در دو هزاره‌ی گذشته (به استثنای هجوم و ماندگري قبایل ترک و مجار و فنلاندی) تغییر زیادی نکرده است و الا میزان همسانی زبانهای مجاور به گونه‌ای دیگر می‌بود.

اصل جغرافیای زبانشناسی (LINGUISTIC GEOGRAPHY) چیست؟

این اصل چنین است: زبانهای درون گهواره و اطراف آن بیشتر دستخوش نوآوری و دگرگونی می‌شوند و زبانهای پیرامون بیشتر محافظه‌کارند و دارای واژه‌های کهن‌تراند. مثلاً زبان فرانسی رابج در ایالت کبک در کانادا (یک زبان پیرامون) از زبان فرانسی رابج در کشور فرانسه کمتر تغییر کرده است و شباهت بیشتر به فرانسی قرن هفدهم دارد. یکی از علت‌های این تفاوت این است که زبانهای حاشیه یا پیرامون حاوی واژه‌هایی هستند که قبل از خروج از گهواره جزو زبان هند و اروپایی آغازین بوده‌اند. آنها این واژگان و ویژگی‌های زبانی دیگر را با خود به سرزمین‌های دیگر بردند و در اثر قطع تماس با گهواره، این واژگان و ویژگی‌های زبانی عتیق به اصطلاح منجمد شدند. ممکن است گفته شود که علت انجماد و بی‌تغییری این زبانها (مثلاً تخاری و هیت و سغدی) این است که این

زبان‌ها قرن‌هاست که مرده‌اند و زبان مرده تغییر نمی‌کند. ولی این انجماد نسبی و محافظه‌گری در زبانهای حاشیه‌ای دیگر (مثلاً سلتی و لیتوانی و ایسلندی) نیز دیده می‌شود. زبان‌های مرکزی تر (به ویژه سکایی و سارماتی و اوستی)، برعکس لیتوانی و سلتی، دستخوش نوآوری و دگرگونی بیشتری شده‌اند. اصل جغرافیای زبانشناسی فوق‌الذکر مورد قبول همه‌ی دانشمندان نیست ولی در نظر کسانی که آنرا می‌پذیرند، خود دلیل دیگرست در تأیید مکان گهواره در مبدأ موجهای کوچگری مرکز گریز (یعنی شمال دریاهای سیاه و خزر).

دبرین‌شناسی (زبانی) (LINGUISTIC PALAEONTOLOGY) چیست؟

دبرین‌شناسی زبانی وسیله‌ی دیگری است برای شناخت هند و اروپایی آغازین و خاستگاه آن. بررسی واژگان هند و اروپایی و شواهد تاریخی و اسطوره‌ای و باستانشناسی نشان می‌دهد که جامعه‌ی هند و اروپایی حدود چهارهزار سال پیش از میلاد در ناحیه‌ی معینی وجود داشته و زبانهای هند و اروپایی آسیای صغیر و زبان‌های ایرانی و هندی حدود ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد از آن منشعب شده‌اند. این جامعه در آغاز شکارگر-گردآور (HUNTER-GATHERER) بوده و کم‌کم شبانی و کشاورزی شده است. چون واژه‌های «اسب» و «ارابه» و «چرخ» در اکثر زبانهای هند و اروپایی هم‌ریشه‌اند می‌توان نتیجه گرفت که آنان در رام کردن اسب و استفاده از ترابره‌ای چرخدار پیشگام بوده‌اند و تحرک و تفوقی که سوارکاری و ترابری به آنها داده عامل بزرگی در گسترش آنها بوده است. واژه‌های هم‌ریشه‌ی دیگر نیز در شناخت ماهیت هند و اروپائیان سودمندند: واژه‌های مشترک «شخم» و «آهن» و «جو» و «گاو» و «بز» و «خوک» نشان می‌دهد که این مردم به کشاورزی هم اشتغال داشتند. واژه‌های هم‌ریشه‌ی «خرس» و «گرگ» و «قاز» و «راش» (BEECH) و «غان» (BIRCH) و «ماهی آزاد» (SALMON) و «بید» (WILLOW) و «بلوط» (OAK) و «زنبر» (BEE) و «اردک» (DUCK) نشان می‌دهد که خاستگاه این مردم در یک ناحیه نسبتاً سردسیر بود. چون اگر مثلاً خاستگاه آنها در ناحیه‌ی گرمسیر یا استوایی بود واژه‌های هم‌ریشه‌ی آنها وابسته به گیاهان و جانوران گرمسیری نمی‌بود، در حالی‌که تقریباً همه‌ی واژه‌های گرمسیری و استوایی از ریشه‌ی هند و اروپایی نبوده و در چند سده‌ی اخیر وارد زبانهای هند و اروپایی شده‌اند. البته واژه‌های هند و اروپایی همگی دارای یک معنی نیستند. واژه‌های معدودی مانند «مادر» و «ماه» و «گاو» در همه زبانهای هند و اروپایی هم معنی هستند ولی اکثر واژه‌های هم‌ریشه معنی‌های متفاوتی پیدا کرده‌اند. مثلاً واژه‌ی هند و اروپایی BHERGO* (فارسی «غان»؛ سانسکریت: BHURJA: اوستی BARZ)

آلمانی BIRCH؛ لتونی BERZS؛ روسی BEREZA) در برخی زبانها (مثلاً فارسی) از بین رفته است و در زبانهای دیگر به گیاهان متفاوتی اطلاق می‌شود. علت این دگرگونی آشکار است. کوچگران وقتی به گیاه یا جانور تازه‌ای برمی‌خورند یا نام محلی را می‌پذیرفتند، یا نام جدیدی را نوآوری می‌کردند و یا نام هند و اروپایی قدیمی را برای آن بکار می‌بردند. این فرآیند امروز نیز صادق است. واژه‌ی «بخچال» (چاله‌ی یخ) را برای ابزار سرد ساز برقی بکار می‌بریم. واژه‌ی «سپر» را که مدت‌ها عملاً کاربرد روزمره نداشت برای بخشی از اتومبیل بکار می‌بریم. اصولاً ردیابی واژگانی بیشتر روی هم‌ریشگی تاکید دارد نه هم‌چمی.

ضمناً همه‌ی واژه‌های هم‌ریشه (COGNATE) در تعیین خاستگاه هند و اروپائیان رهنمون نیستند. مثلاً ریشه‌ی هند و اروپایی -KOU* (فارسی: کوه؛ اوستایی: KUOFA؛ پارسی کهن KAUFa؛ گوتیک: HLAINS؛ ایرلندی کهن: CUAN؛ لیوانی: KAPAS؛ اسلاوی کهن: KUPO؛ هلندی: HOOP؛ کردی: KUWI؛ بلوچی: KOPAK؛ افغانی: KVAB؛ انگلیسی: HEAP) نمی‌تواند به طور قاطع نشانگر آن باشد که خاستگاه هند و اروپائیان ناحیه‌ای کوهستانی بوده است چون مشتقات این ریشه در زبانهای مختلف دارای معنی «کوه» یا «تپه» یا «پشته» و یا «انباشته» هستند.

از آثار باستان‌شناسی چه دستگیرمان می‌شود؟

کاوشهای باستان‌شناسی و بررسی گنجانه‌های سفالی نیز می‌توانند گواه خوبی باشند. در اوکراین و استپ‌های آسیای مرکزی گورهایی یافت شده که دارای ویژگی‌های خاصی هستند. جسد یا اجساد در درون گور ساخته شده از سنگ‌های تراشیده شده قرار دارند و روی گور تپه‌ی کوچکی (KURGAN) ساخته شده. در کنار جسد گنجانه‌ی سفالی (و در مورد بزرگان قوم) اسلحه و سپر قرار دارد. استخوان اسب موجود در کنار برخی جسد‌ها نشان می‌دهد که اسب بزرگان را با جسد آنها دفن می‌کردند. جسد‌ها معمولاً بر پشت خوابید و پاهای آنها به یک سو خم شده است.

نوع جمجمه‌ها (رأس و پیشانی بلند و استخوان‌های گونه‌ی برجسته) و شاخص سر آنها (CEPHALIC INDEX) نشان می‌دهد که سفید پوست و «دراز سر» (DOLICHOCRANIAN) بودند. یافت گورهای تقریباً مشابه این گورکان‌ها (KURGANS) در سایر نواحی هند و اروپایی نشین اروپا و آسیا نشانه‌ی دیگری از مسیر کوچ هند و اروپائیان است.

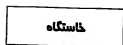
اصلاً از کجا می‌دانیم که هند و اروپائیان بومی محل‌های فعلی خود نبودند و از جای دیگری کوچ کردند؟

این پرسش منطقی نیاز به جواب دارد: کاوش‌های باستانشناسی و واژگان غیر هند و اروپایی قدیمی که در زبان‌های هند و اروپایی باستانی دیده شده نشان می‌دهد که قبل از ورود هند و اروپائیان، بسیاری از بخش‌های اروپا و آسیا دارای بومیان اولیه بوده‌اند. در آبخست‌سانه‌ی (شبه جزیره) ایبری (اسپانیا و پرتغال) سنگ‌نبشته‌هایی بدست آمده که به یک زبان غیر هند و اروپایی قبل از دوران آهن تعلق دارد.

(ENCYCLOPEDIA OF INDO-EUROPEAN CULTURE, PP. 290-299)

زبان «باسک» (BASQUE) که امروزه در بخش کوچکی از شمال خاوری اسپانیا و جنوب باختری فرانسه تکلم می‌شود در گذشته بخش عمده‌ی اسپانیا را زیر پوشش داشته است. شواهد فراوان نشان می‌دهد که پس از آمدن هند و اروپائیان، دامنه‌ی گسترش این زبان غیر هند و اروپایی به تدریج کم شده است. در شمال و مرکز ایتالیا «اتروسکان‌ها» (ETRUSCANS) تمدن درخشانی را به وجود آورده بودند که آثار هنری آن در بسیاری از موزه‌ها دیده می‌شود. ورود هند و اروپائیان از شمال باعث شد که این زبان و فرهنگ غیر هند و اروپایی نابود گردد. مدارک موجود نشان می‌دهد که در آسیای صغیر نیز اقوام غیر هند و اروپایی («هوریان‌ها» HURRIANS و «هتیک‌ها» HATTIS) توسط هند و اروپائیان تازه وارد («هتیت‌ها» HITTITES و «فریجیان‌ها» PHRYGIANS و «ارمنی‌ها» و «یونانی‌ها») برانداخته شدند.

در جنوب هندوستان نیز زبانهای غیر هند و اروپایی (مثلاً «دراویدی» DRAVIDIAN و «مونده» MUNDA) هنوز رایج‌اند. قرائن نشان می‌دهند که در شمال هندوستان هم زبانهای غیر هند و اروپایی تا حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد رواج داشته‌اند ولی ورود اقوام هند و اروپایی از شمال باختری موجب نابودی این زبانها گردیده است. در ایران نیز هند و اروپائیان به تدریج در سرزمین‌های «ایلام» ELAM رسوخ کردند و آن زبان غیر هند و اروپایی را برانداختند. جهت حرکت هند و اروپائیان در تمام سرزمین‌های فوق تقریباً از شمال به جنوب (و از خارج به داخل) بوده است. این واقعیت نشان می‌دهد که هند و اروپائیان نه تنها ساکن اولیه‌ی این سرزمین‌ها نبوده‌اند بلکه از محلی که گراینگاه آن در مرکز این موجهای کوچگری (یعنی شمال دریاهای خزر و سیاه) بوده به حواشی نفوذ کرده‌اند.



هشدار در مورد خاستگاه هند و اروپائیان

برخی از دانشمندان معتقدند که یافتن خاستگاه هند و اروپائیان نه فعلاً میسر است و نه دارای اهمیت. مثلاً ENRICO CAMPANILE چنین می‌نویسد:

«صحبت از «خاستگاه اولیه» مستلزم این است که فرض کنیم که تا ۴۰۰۰ یا ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد، هند و اروپائیان مردمانی نشیمن بوده و در محل ثابتی ساکن بودند و در لحظه‌ی معینی ناگهان تبدیل به کشور گشایان کوچگر شدند!

هیچ دلیل مستندی برای چنین فرضیه‌ای وجود ندارد... در مورد هند و اروپائیان هیچ گواه و مدرکی دال بر وجود یک «خاستگاه اولیه» در دست نیست...

(RAMAT, A.G & PAOLO, 20-21)

شاید در آینده گواهان قطعی در پاره‌ی خاستگاه هند و اروپائیان پیدا شود. تا آن زمان، همه‌ی دیدمان‌ها بر پایه‌ی قرائن و احتمالات استوارند و بس.

داستان برج بابل چه بود؟

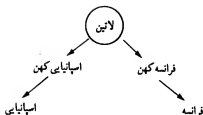
در انجیل آمده است که مردم بابل (BABEL) آغاز به ساختن برجی کردند که قرار بود بلندی آن به عرش برسد. خداوند از این گستاخی آنان به خشم آمد و ناگهان زبان آنها را که عبری بود تبدیل به زبانهای متفاوت کرد به طوری که آنان دیگر حرف‌های همدیگر را درک نمی‌کردند و مجبور شدند از ساختن برج دست بکشند. این داستان اخلاقی عواقب غرور را نشان می‌دهد ولی طی قرون متمادی بعنوان یک واقعیت زیان‌شناسی نیز مورد تأکید بود. دانشمندان عهد عتیق معتقد بودند که آغاز ساختمان برج بابل ۲۳۵۰ سال قبل از میلاد (یعنی ۱۶۵۶ سال بعد از خلقت) بود. تا آن سال همه‌ی مردم جهان به زبان عبری سخن می‌گفتند ولی از آن پس زبانهای مختلف (که در واقع نوعی تنبیه

محبوب می‌شدند) به وجود آمدند. به همین دلیل این زبانها «پست» هستند و مرتباً دگرگون می‌شوند بطوریکه مثلاً یک نفر انگلیسی یا فرانسوی نمی‌تواند زبان انگلیسی یا فرانسوی کهن را درک کند. برعکس، عبری زبانی والا و اصیل است که طی قرون تغییر نکرده است و هر کسی که عبری بداند خواهد توانست متون کهن را هم بخواند.

این دیدمان وابسته به انشعاب همه‌ی زبانها از زبان عبری قرن‌ها مورد قبول بود و موجب رکود پیشرفت شاخه‌ی عمده‌ای از زیان‌شناسی شد. ضمناً چون این دیدمان به مذهب و کتاب مقدس متکی بود، کسی آنرا مورد تردید و بررسی علمی قرار نمی‌داد.

در سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی که طی آن آموزش زبانهای خارجی رونق گرفته بود، شماری از دانشمندان اروپایی متوجه شباهتهایی میان برخی از زبانها شدند. آنچه که کم‌کم واضح شد این بود که در اروپا چند خانواده‌ی زبان وجود دارد (ژرمنی و لاتین و اسلاوی و غیره) و هر یک از این خانواده‌ها شامل چند زبان‌اند. مثلاً خانواده‌ی لاتین شامل ایتالیایی و فرانسه و اسپانیایی و پرتغالی و رومانی است. زبانهای ژرمنی عبارتند از آلمانی و انگلیسی و هلندی و دانمارکی و سوئدی و نروژی و ایسلندی. خانواده‌ی اسلاوی شامل روسی و لهستانی و چک و صربستانی و اسلواکی و بلغارستانی و غیره است. بدین روش اکثر زبانهای اروپایی دسته‌بندی شدند. ضمناً بررسی نوشتارهای کهن آنها را متوجه زبانهایی کرد که دیگر وجود نداشتند (مانند گوتیک و ایسلندی کهن). نکته دیگری که کم‌کم مشهود شد این بود که هر یک از زبانهای معاصر پیامد زبانهای قدیمی‌تری هستند. مثلاً انگلیسی برمی‌گردد به انگلیسی میانه (از ۱۱۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی) و انگلیسی میانه منشعب است از انگلیسی کهن (از ۵۰۰ تا ۱۱۰۰ میلادی). همین‌طور فرانسه برمی‌گردد به فرانسه‌ی میانه (از ۱۴۰۰ تا ۱۶۰۰ میلادی) و فرانسه‌ی میانه منشعب است از فرانسه‌ی کهن (از ۹۰۰ تا ۱۴۰۰ میلادی). ضمناً دریافته‌اند که انگلیسی کهن خود منشعب از یک زبان کهن ژرمنی است که سرچشمه‌ی آلمانی و هلندی و غیره هم هست. همین‌طور دریافته‌اند که فرانسه‌ی کهن نیز خود ناشی از زبان لاتین است و این زبان کهن مادر زبانهای اسپانیایی و ایتالیایی و پرتغالی و غیره هم هست. بدین روش کم‌کم بیشتر زبانهای اروپایی ردیابی و دسته‌بندی شدند.

چیز دیگری که دریافته‌اند این بود که هر چه به عقب برویم شباهت زبانها بهم بیشتر می‌شود. مثلاً شباهت میان انگلیسی کهن و آلمانی کهن بیشتر است تا شباهت میان انگلیسی و آلمانی معاصر. شباهت میان فرانسه‌ی کهن و اسپانیایی کهن بیشتر است تا شباهت میان فرانسه و اسپانیایی معاصر.



موضوع دیگری نیز که به تدریج برایشان مشهود شد این بود: خانواده‌های زبان‌های اروپایی با هم شباهت‌های فراوان دارند در صورتیکه شباهتی میان این زبان‌ها و عبری (HEBREW) وجود ندارد. ولی چون هنوز پایتد داستان برج بابل بودند این عدم شباهت را ناشی از «انحراف» و «پستی» زبان‌های معاصر می‌دانستند.

تسلط انگلستان بر هندوستان و بافت نوشتارهای کهن هندی

در سده‌ی هجدهم میلادی انگلستان هندوستان را تصرف کرد. یکی از پیامدهای تماس نزدیک شرق و غرب در هند برخورد انگلیسی‌ها با نوشتارهای کهن هندی به ویژه سانسکریت بود. برخی از آنان که فرهیخته‌تر بودند با شگفتی دریافتند که شباهت عجیبی میان سانسکریت و زبانهای اروپایی به ویژه زبان‌های کهن اروپایی وجود دارد. کمی بعد که به بررسی نوشتارهای کهن ایرانی (به ویژه اوستایی) پرداختند شگفتی آنان بیشتر شد چون ایرانی باستان نیز هم با سانسکریت و هم با زبانهای کهن اروپایی قرابت دارد.

اولین کسی که موضوع قرابت احتمالی زبانهای اروپایی و آسیایی را به تفصیل مورد بررسی قرار داد جیمز پارسونز انگلیسی (JAMES PARSONS) بود. او در کتاب قطور خود (THE REMAINS OF JAPHET..., 1767) نه تنها خویشی برخی زبانها را نشان داد بلکه فهرست مفصلی از واژه‌های همسان برخی زبانها را نیز به منظور اثبات نظریات خود ارائه داد. فهرست زیر که اعداد از یک تا ده و سپس صد را در چندین زبان نشان می‌دهد نخستین بار توسط پارسونز ارائه شد (زبانها لیتوانی و آلبانی و ارمنی و تخاری بعداً توسط دیگران شناسایی و به فهرست وی افزوده گردید):

فارسی	فرانسہ	آلمانی	ہلندی	سوئدی
Persian	French	German	Dutch	Swedish
۱ yak	un	einz	cen	en
۲ do	deux	zwei	tween	tvA
۳ se	trois	drei	drie	tre
۴ chahar	quatre	vier	vier	fyrA
۵ panj	cinq	funf	vijf	fem
۶ shesh	six	sechs	zes	sex
۷ haft	sept	sieben	zeven	sju
۸ hasht	huit	acht	acht	atta
۹ noh	neuf	neun	negen	nio
۱۰ dah	dix	zehn	tien	tio
۱۰۰ sad	cent	hundert	honderd	hundra

ایرلندی	ولزی	یونانی	لاتین	ایتالیائی
Irish	Weish	Greek	Latin	Italian
۱ aon	un	hen	unus	uno
۲ do	dau	duo	duo	due
۳ tri	tri	treis	tres	tre
۴ ceathair	pedwar	tettares	quattuor	quattro
۵ cuig	pump	pente	quinque	cinque
۶ se	chwech	hex	sex	sei
۷ seacht	saith	hepta	septem	sette
۸ ocht	wyth	okto	octo	otto
۹ naoi	naw	ennea	novem	nove
۱۰ Deich	deg	deka	decem	dieci
۱۰۰ cead	cant	hekaton	centum	cento

دانمارکی	انگلیسی	لہستانی	روسی	بنگالی
Danish	English	Polish	Russian	Bangali

۱	en	one	jeden	odin	ek
۲	to	two	dwie	dwa	dvi
۳	tre	three	trzy	tri	tri
۴	fire	four	cztery	chetyre	car
۵	fem	five	piec	pyat	pac
۶	seks	six	szesc	sbesht	chay
۷	syv	seven	siedem	sem	sat
۸	otte	eight	osiem	vosem	at
۹	ni	nine	dziewiec	devyat	nay
۱۰	ti	ten	dziesiec	desyat	das
hundrede	hundred	sto	sto	sa	
۱۰۰					

اسپانیایی	لیتوانی	آلبانی	ارمنی	تخاری A
Spanish	Lithuanian	albanian	Armenian	Tocharian A
۱ uno	vienas	nje	mi	sas
۲ dos	du	dy	erku	wu
۳ tres	trys	tre	erek	tre
۴ cuatro	keturi	katër	cork	stwar
۵ cinco	penkti	pesë	hing	pān
۶ seis	sesi	gjashtë	vec	sāk
۷ siete	septyni	shtatë	ewt'n	spāt
۸ ocho	astuoni	tetë	ut	okāt
۹ nueve	devyni	nentë	inn	nu
۱۰ diez	desimt	dhjetë	tasn	sak
ciento	simtas	qind	hariwr	kant
۱۰۰				

اندیشه‌ی همبستگی برخی زبانهای هند و اروپایی بار دیگر توسط حقوقدان و زبان‌شناس

انگلیسی سرویلیام جونز (SIR WILLIAM JONES, 1746-94) رسماً بیان شد. او در نطق معروفی که در دوم فوریه ۱۷۸۶ ایراد کرد و گفت:

«زبان سانسکریت که قدمت آن معلوم نیست، دارای ساختار شگفت انگیزی است: از یونانی کامل تر و از لاتین پرواژه تر و از هر دو به طور چشم گیری پالوده تر است. در عین حال شباهت آن با این دو زبان هم از نظر ریشه‌ی واژه‌ها و هم از نظر دستور زبان بیشتر از آن است که ناشی از تصادف باشد در واقع این شباهت بقدری است که هیچ زبان‌شناسی نمی‌تواند هر سه را بررسی کرده و به این نتیجه نرسد که هر سه از سرچشمه‌ی مشترکی ناشی شده‌اند که شاید امروزه از بین رفته باشد. دلیل مشابهی وجود دارد که شاید گوتیک و سلتیک هم... با سانسکریت دارای ریشه‌ی مشترکی باشند. همچنین زبان پارسی کهن را نیز می‌توان جزء این خانواده محسوب نمود. (MALLORY, 12)

سیر ویلیام جونز به ریشه‌ی مشترک این زبانها اشاره کرد ولی او هم مانند جیمز پارسونز به داستان برج بابل اعتقاد داشت و فکر می‌کرد این زبانها همه از زبان واحدی سرچشمه گرفته‌اند و این زبان واحد خود از عبری ناشی شده است. همچنین او نیز معتقد بود که پس از توفان نوح، سه پسر او (JAPHETH, SHEM, HAM) هر یک در اقلیمی ساکن شدند و نسل و زبان جداگانه‌ای را به وجود آوردند. حام (HAM) در افریقا ساکن شد و نژادها و زبانهای حامی افریقا (HAMITIC) را به وجود آورد. سام (SHEM) در بخشی از آسیا قرار گرفت و نسل و زبانهای سامی (SEMITIC) را بوجود آورد. یافت (JAPHETH) در اروپا ساکن شد و نژادها و زبانهای یافتی (JAPHETIC) را بسوجود آورد. طبق این باور سردود کلیه‌ی زبانهای دنیا متعلق به یکی از این سه خانواده‌اند.

سیر ویلیام جونز منکر این طبقه‌بندی سه گانه نبود ولی معتقد بود که زبانهای ایرانی و هندی نیز بازبانهای یافتی اروپا خویشی دارند. این وضع ادامه داشت تا اینکه دیدمان فرگشت چارلز داروین (CHARLES DARWIN, 1809-1882) که در سال ۱۸۵۹ در اروپا و امریکا ولوله ایجاد کرد، بنیاد پندارهای قدیمی در مورد سرچشمه‌ی زبانها را متزلزل کرد. جنبشی که در دانش زبانشناسی ایجاد شد از آنروز تاکنون ادامه دارد و موجب تحول عظیمی در شناخت زبانهای هند و اروپایی گردیده است. اسموس راسک (RASMUS RASK, 1787-1832) دانشمند دانمارکی اولین کسی بود که استدلال کرد شباهت‌های ظاهری میان واژه‌ها همیشه ملاک هم‌ریشه بودن آنها نیست و خویشی واژه‌ها

باید به طور علمی و سامانمند بررسی و اثبات گردد. مثلاً آوای یونانی PH برابر است با آوای ژرمنی B چون واژه‌ی «بردن» در یونانی PHERO و در انگلیسی BEAR است. واژه‌ی «برادر» در یونانی PHRATER و در انگلیسی BROTHER است. پس از دادن چند مثال دیگر، راسموس راسک نتیجه گرفت که طبق این اصل (یونانی PH = ژرمنی B)، واژه‌ی یونانی PHEGOS (به معنی درخت بلوط) با واژه‌ای انگلیسی BEECH (به معنی درخت راش) هم‌ریشه است ولی معنی آنها دگرگون شده است. چندی بعد از راسموس راسک و دانشمند آلمانی بنام باپ (FRANZ BOPP, 1791-1887) علاوه بر همسانی‌های آوایی و واژگانی، شباهت‌های دستوری را نیز مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند که مثلاً واژه‌ی سانسکریت "AGNIS" (به معنی «آذر» یا «آتش») و واژه‌ی لاتین "IGNIS" نه تنها همسانی آوایی دارند بلکه از نظر دستوری نیز دارای همسانی هستند:

لاتین	سانسکریت
IGNIS	(NOMINATIVE SINGULAR): AGNIS حالت فاعلی مفرد
IGNEM	(ACCUSATIVE SINGULAR): AGNIM حالت مفعولی مفرد
IGNIBUS	(DATIVE / ABLATIVE PLURAL): AGNIBHYAS حالت مفعولی با
	واسطه و مفعول به جمع

در سال ۱۸۱۳، تاماس یانگ (THOMAS YOUNG) واژه‌ی «هند و اروپایی» (INDO-EUROPEAN) را نوآوری کرد. ضمناً آهنگ پیشرفت دانش زیانثناسی و پژوهش دوباره زبانهای هند و اروپایی نیز کم کم سرعت بیشتری گرفت.

اگوست شلایکر (AUGUST SCHLEICHER, 1821-1868) این اندیشه را پیش کشید که چون هریک از واژه‌های زبانهای هند و اروپایی از واژه‌ی معینی در زبان هند و اروپایی ناشی شده‌اند. قاعدتاً باید بتوان از طریق «بازسازی زیانثناختی» (LINGUISTIC RECONSTRUCTION) این واژه‌ی بنیادین را احیا کرد. مثلاً پس از تعیین برابره‌ای واژه‌ی «زمین» (سانسکریت: AJRAS، یونانی: AGROS، لاتین: AGER، گوتیک: AKRS، شلایکر چنین استدلال کرد: این فهرست و فهرست‌های مشابه آن نشان می‌دهند که در زبان گوتیک "G" تبدیل به "K" شده است ولی شکل پیشین آن "AGRAS" بوده است. همچنین همسجی واژه‌های سانسکریت با سایر واژه‌های بنیادین هند و

اروپایی نشان می‌دهد که در سانسکریت "G" تبدیل به "J" شده است. لذا واژه‌های بنیادین هند و اروپایی که همه‌ی این واژه‌ها از آن مشتق شده‌اند محتملاً "AGRAS" بوده است. (امروز معتقدند که این واژه‌های بنیادین "AGROS" بوده است). طی صد سال گذشته بازسازی واژه‌های بنیادین هند و اروپایی پیشرفت بسیاری کرده است و دانشمندان ریشه مشترک اکثر واژه‌های هند و اروپایی را (از طریق پیگیری پسگرایانه‌ی شکل واژه‌ها) تعیین کرده‌اند. نمونه‌ی زیر مسیر اینگونه بازسازی‌ها را در مورد واژه‌ی «زانو» در زبان فارسی و زبان آلمانی نشان می‌دهد:

۱- فارسی: زانو - پهلوی: ZANUK - پارسی کهن: ZANUKA - اوستایی: SHNU - هند و اروپایی: GENU*

۲- آلمانی: KNIE - آلمانی میانه: KNEO - آلمانی کهن: KNIU - هند و اروپایی: GENU*
چون در دوران هند و اروپایی‌های اولیه (۳ تا ۴ هزار سال پیش از میلاد) الفبا و خط وجود نداشته تعیین دقیق آوا و معنی واژه‌های هند و اروپایی بنیادین فقط از روی پیگیری پسگرایانه و حدس و قیاس و مقایسه‌ی دستگاه‌های آوایی میسر است. بهمین دلیل در اکثر فهرست‌ها و کتاب‌هایی که با این موضوع سر و کار دارند جلو واژه‌های بازسازی شده این نشان «*» را می‌گذارند تا فرضی بودن واژه‌ی بازسازی شده را نشان دهند. (در کتاب حاضر نیز از این رسم پیروی شده است).

با این وجود، شماری از دانشمندان معتقدند که این واژه‌های بازسازی شده واقعاً وجود نداشته‌اند و چیزی جز نشانه‌های مصنوعی برای نشان دادن فرگشت زبان‌های مختلف نیستند. برخی دیگر از زبان‌شناسان معتقدند که واژه‌های بازسازی شده با پیروی از اصول اثبات شده‌ی زبان‌شناختی و پژوهش‌های مکرر شناسایی شده‌اند و آنقدر شبیه واژه‌های بنیادین هند و اروپایی هستند که یک زبان‌شناس می‌تواند (در صورت امکان بازگشت به ۶ هزار سال پیش) با هند و اروپائی‌ان آئزمان صحبت کند. واقعیت هر چه که باشد، امروزه رسم این است که واژه‌ها از دوران معاصر تا مرحله‌ی هند و اروپایی بنیادین (یعنی حدود ۶ هزار سال پیش) پیگیری می‌شوند و اگر برای یک واژه‌ی معاصر واژه بنیادین پیدا نشود، در هند و اروپایی بودن آن واژه تردید است.

در اوائل قرن بیستم، کشف زبان‌های هند و اروپایی آسیای صغیر (به ویژه "هیتی" HITTITE و زبان‌های "تخاری الف و ب" (TOCHARIAN A, B) در کامل‌سازی شجره‌ی زبانهای هند و اروپایی و شناخت واژه‌های بنیادین کمک زیادی کرد. این زبانهای مرده (تخاری مربوط به قرن‌های هفتم تا نهم میلادی و هیتی مربوط به ۲۰۰۰ تا ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد) بیش‌تر از زبانهای هند و اروپایی را کامل‌تر کرده‌اند. هنوز کار خواندن هزاران لوح و خشت هیتی به پایان نرسیده است

و باستان‌شناسان هر سال اشیاء و مدارک جدیدی را در ارتباط با هندو اروپائیان کهن ارائه می‌دهند. از این رو آینده‌ی پژوهشها وابسته به هند و اروپائیان نوید بخش است.

شاخه‌های زبانهای هند و اروپایی

کهن‌ترین نوشتارها به زبانهای هند و اروپایی نشان می‌دهند که در حدود ۳ هزار سال پیش از این زمانها به چند شاخه‌ی مختلف منشعب شده بودند. در زیر عمده‌ترین این شاخه‌ها به ترتیب قدمت متون آنها معرفی می‌گردند:

زبانهای آسیای صغیر یا آناتولی (ANATOLIAN)

این زبان‌ها کهن‌ترین زبانهای هند و اروپایی که از آنها مدارک و نوشتار در دست داریم هستند. لوحه‌های موجود به زبان غیر هند و اروپایی آسوری (Assyrian) به مردمی اشاره می‌کنند که در مرکز آناتولی زندگی می‌کردند و طرف تجارت بازرگانان آسوری بودند. نام‌های آنان و شهرهایشان نشان می‌دهد که آنها همان هتیت‌ها و لویان‌ها (LUWIANS) و پالایک‌ها (PALAICS) و لیبیان‌ها (LYCIANS) که همگی هند و اروپایی بودند می‌باشند. بعلاوه از هتیت‌ها حدود ۲۵ هزار لوحه و خشت مکشوب (برنوشته) در دست است. این خشت‌ها و لوحه‌ها به حروف میخی (CUNEIFORM) و به زبان‌های هتیت‌کهن (حدود ۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰ پیش از میلاد) و هتیت میانه (حدود ۱۵۰۰ تا ۱۳۵۰ پیش از میلاد) و هتیت نو (حدود ۱۳۵۰ تا ۱۲۰۰ پیش از میلاد) نوشته شده‌اند. خواندن این لوحه‌ها و خشت‌ها هنوز ادامه دارد. از لویان‌ها و پالایک‌ها و لیبیان‌ها مدارک کمتری یافت شده است. این مدارک وابسته به دوران برنز بوده و منحصرند به نوشتارهای روی سنگ قبر و روی گنجینه‌های سفالین. وجود گورهای برجسته (KURGAN) و آثار ویرانی ساختمان‌ها و جابجایی جمعیت حاکی از این است که این ناحیه در اوائل دوران برنز (۲۶۰۰ تا ۲۷۰۰ سال پیش از میلاد) مورد هجوم یا کوچ هند و اروپایی‌ها قرار گرفته است.

زبان‌های هندی (INDIC) یا هند و آریایی (INDO-ARYAN)

پیشین‌ترین نوشتارها به این زبانها وریگ وده (RIG-VEDA) است که قدمت آن به ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد. ودهاها (VEDAS) و براهماناها (BRAHMANS) و سوتراها (SUTRA) در سده‌های بعدی نگاشته شده‌اند. دستور زبان پانینی (PANINI) که در حدود ۵۰۰ سال پیش از

میلاد نوشته شده اولین اثری است که اصول صرف و نحو یک زبان هند و اروپایی را تشریح می‌کند. کیفیت والای این اثر در سطحی است که امروزه هم برای شناخت زبان سانسکریت از آن استفاده می‌شود. نوشتارهای هند و آریایی کامل‌ترین و پیشین‌ترین تصویر را از یک زبان کهن هند و اروپایی که فاصله‌ی آن با زبان بنیادین هند و اروپایی نسبتاً قلیل است ارائه می‌دهند. بهمین دلیل در بنیاد یابی واژه‌های مختلف زبانهای هند و اروپایی، وجود یا عدم وجود شهود هند و آریایی (به ویژه سانسکریت) اهمیت ویژه دارد. ضمناً امروزه دهها زبان (اردو، هندی، گجراتی، بنگالی، پنجابی، مراتی و غیره) که در شمال و مرکز شبه قاره‌ی هند رواج دارند از ریشه‌ی هند و آریایی هستند و از نظر شمار سخنگویان (بیش از یک میلیارد نفر) بزرگترین خانواده‌ی زبان‌های هند و اروپایی محسوب می‌شوند. خویشی نزدیک زبانهای هندی با زبان‌های ایرانی موجب شده است که در برخی کتابها این دو خانواده‌ی بزرگ را با هم تحت عنوان «زبانهای هند و ایرانی» (INDO-IRANIAN) مورد بحث قرار بدهند. طبق برآوردی که شده (RENFRÖ, 193) حدود ۸۵ درصد واژه‌های ایرانی کهن و هندی کهن هم‌ریشه‌اند. پژوهشهای اخیر همچنان نشان می‌دهد که زبانهای هند و ایرانی نسبتاً دیر به جایگاه‌های فعلی خود سرایت کردند، چون تا پیش از ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد واژه‌های هندی و ایرانی در زبان‌های مردم بین‌النهرین بسیار نادراند ولی پس از آن تاریخ شمار این واژه‌ها کم زیاد می‌شود.

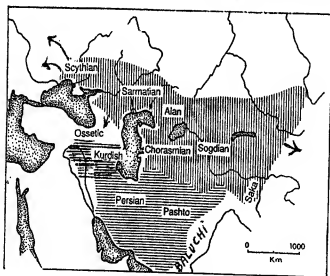
وجود واژه‌های هندی در زبانهای کهن مردم غیر آریایی بین‌النهرین موجب شده است که برخی دانشمندان معتقد شوند که کوچگران هندی قبل از ایرانیان وارد فلات ایران شده و در سرزمین وسیعی از بین‌النهرین تا شمال شبه قاره‌ی هند ماندگار شدند. سپس کوچگران ایرانی آمدند و فلات ایران را گرفتند ولی آثار و بقایای زبان هندی در بین‌النهرین بجا ماند.

زبانهای ایرانی (IRANIAN LANGUAGES)

امروزه زبانهای ایرانی محدود به ایران و افغانستان و تاجیکستان و بخش‌های باختری پاکستان و شمال عراق و خاور ترکیه و سوریه‌اند ولی در زمانهای باستان اقوام ایرانی در سرتاسر آسیای مرکزی و سرزمین‌های شمال دریای خزر و سیاه مستقر بودند. مهارت آنان در سوارکاری و کاربرد ارابه‌ی مجهز به چرخهای پره‌دار (سبک و سریع) و زندگانی شبنی و کوچگری (یادآور ایل‌های بختیاری و لر) به آنها تحرک و گسترش پذیری شگفت‌انگیزی داده بود. ایل‌های سارماتی (SARMATIAN) نه تنها در کرانه‌های رود دانونب کوچ نشین شدند بلکه در قرن دوم میلادی برای

پاسداری مرزهای امپراتوری روم در شمال انگلستان، به استخدام رومیان درآمدند (MALLORY, 48-49). قوم ایرانی دیگر، الان‌ها (ALANS) فرانسه و اسپانیا را زیر مه‌میز کشیده و در شمال آفریقا کشور ایجاد کردند. در خاور دریای خزر نیز قوم ایرانی دیگر (سغدها یا سغدیان‌ها SOGDIA NS) ساکن بودند ولی امروز اعقاب آنها فقط در بخشی از تاجیکستان باقی‌مانده‌اند. در مرکز آسیا (ترکستان چین امروزی) ساکاهای ختنی (KHOTANESE SAKA) نشیمن بودند و مذهب آن دیوار از قرن هفتم تا دهم به زبان آنها نگاشته شده است و اعقاب آنها امروزه در پامیر زندگی می‌کنند.

گسترش اقوام ترک زبان (سده‌های ششم تا سیزدهم میلادی) موجب آمیزش آنها با ایرانیان و جایگزینی زبان ترکی شد، بطوری که امروزه زبانهای ایرانی در سرزمین‌های خاور دریای خزر و شمال دریای سیاه برافزاده‌اند. فقط در شمال کوه‌های قفقاز اوستاها (OSSETES) که اعقاب الان‌ها هستند و جمعیت آنها بالغ بر حدود ۸۰۰ هزار است، به صورت جمهوری خود مختار (جزو روسیه) وجود دارند. زبان آنها (زبان اوستی) که برخی از ویژگی‌های ایرانی کهن را حفظ کرده است از نظر شناخت زبان‌های ایرانی بسیار جالب توجه است.



گسترش زبان‌ها و اقوام ایرانی تا حدود قرن ششم میلادی

(خط‌های عمود گستره‌ی پیشین اقوام ایرانی را در سرزمین‌های شمالی نشان می‌دهند و خط‌های موازی نمودار

گستره‌ی کنونی زبانهای ایرانی‌اند.

نخستین اشاره به اقوام ایرانی (مادها و پارس‌ها) در متون آسودی وابسته به قرن نهم پیش از میلاد آمده است. در این متون ذکر شده است که شاهان پارسی به «شلمنسر»

(SHALMANESSER III) سلطان آسور (۸۵۸ تا ۸۲۴ قبل از میلاد) خراج می‌دادند. از فحوای این متون چنین برداشت می‌شود که مادها و پارس‌ها تازه‌واردانی بودند که قبل از حدود قرن نهم پیش از میلاد در سرزمین‌های شمال کوه‌های زاگرس نشینند شده بودند. گیرشمن (R. GIRSHMAN) و برخی از دانشمندان دیگر معتقدند که مردمان ایرانی (در حدود ۱۲۰۰ - ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد) از شمال دریای سیاه و از طریق قفقاز به فلات ایران راه یافتند. ولی هندیان از شمال خاوری دریای خزر و از طریق آسیای مرکزی وارد فلات ایران و شمال هند شدند. وجود واژه‌های ایرانی کهن در زبانهای قفقاز و گورهای سبک کورگان (KURGAN) در شمال آذربایجان مسیر کوچ این اقوام ایرانی را نشان می‌دهد. گورهای آذربایجان (مثل کورگان‌های اوکراین) دارای دیواره‌ی چوبی بوده و تپه‌های کوچکی بر فراز آنها قرار دارد. در درون آنها استخوان انسان و اسب و گهگاه اجاق و اسلحه وجود دارد. ضمناً مسیر قفقاز در دوران‌های تاریخی نیز توسط یک قوم ایرانی دیگر، سکاها (SCYTHIANS) مورد استفاده قرار گرفت. آنان از شمال دریای سیاه به قفقاز و از آنجا به جنوب باختری آسیا هجوم بردند.

برخی دیگر از دانشمندان (به ویژه دیاکانوف (DIAKONOV) معتقدند که مسیر قفقاز به خاطر وجود کوه‌های صعب‌العبور غیر متحمل است. ضمناً آنان همسانی‌های فرهنگی ایران باستان با فرهنگ مردم شمال دریای سیاه را ناچیزتر از شباهت‌های فرهنگی میان ایرانیان و مردمان شمال و خاور دریای خزر می‌دانند. آنان همچنین معتقدند که نبودن موانع طبیعی در سرزمین‌های خاور دریای خزر و همسانی اقلیمی این سرزمین‌ها با فلات ایران، کوچ اقوام ایرانی از مسیر آسیای مرکزی به سمت جنوب را محتمل‌تر می‌نماید. مضافاً به اینکه قبل از آنان، نیاکان هندیان نیز در همین راستا کوچ کرده بودند.

کهن‌ترین نوشتار به زبان‌های ایرانی، بخش نخست اوستا یعنی «گاتاه» است. برخی این کتاب را وابسته به خود زرتشت می‌دانند و تاریخ حدود ۶۰۰ سال پیش از میلاد را برای زرتشت و کتابش قایل شده‌اند. ولی بعضی ویژگی‌های گاتاه حاکی از زندگانی در آسیای مرکزی و خاور ایران در حدود ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد (یعنی تاریخ احتمالی کوچ ایرانیان) است. خویشی بسیار

نزدیک واژگان گاتها با واژگان کتاب هندوان (ودا VEDAS) نیز می‌تواند حاکی از این باشد که اقوام هندی و ایرانی در فاصله زمانی کمی از یکدیگر از خاستگاه هند و اروپائیان به سوی جنوب کوچ کردند. (RENFRO, 192-4)

بخش‌های دیگر اوستا در سده‌های بعدی نگاشته شده‌اند. رویهم رفته اوستای ایرانیان و ودای هندیان، باستانی‌ترین نوشتارهای هند و اروپایی بوده و پل مهمی میان زبانهای هند و اروپایی است. سده‌های نوین و زبان هند و اروپایی بنیادین محسوب می‌شوند. دانش ما درباره فارسی کهن بیشتر ناشی از سنگ نوشته‌ها و سکه‌ها و لوحه‌های دوران هخامنشی از سده‌ی ششم تا چهارم پیش از میلاد است ولی چون شمار اینان محدود است شمار واژگان پارسی کهن نیز بهمان نسبت محدود است. پس از گذشت زمان، پارسی کهن تبدیل به پارسی میانه (پهلوی) شد. پهلوی زبان ایرانیان در دوران ساسانی و چند دهه‌ی اول و دوران اسلامی بود. در اثر آمیزش شمار زیادی از واژه‌های عربی (و بعداً ترکی) و همچنین به واسطه‌ی تطور طبیعی زبان، زبان پهلوی تبدیل به فارسی نوین شد. امروزه عمده زبان‌های ایرانی عبارتند از فارسی، کردی، پشتو (یا افغانی)، بلوچی، تاجیکی، و اوستی. شمار سخنگویان به این زبان‌ها بیش از ۱۳۰ میلیون نفر است.

زبان یونانی (GREEK)

خط نویسی در اروپا چند سده پس از آسیا مرسوم شد و نوشتارهای وابسته به هند و اروپائیان در اروپا قدمت نسبتاً کمتری دارند. بهمین دلیل (جز آثار باستانشناسی و حدسیات مورخان باستانی) اطلاع موثقی درباره کوچ هندو اروپائیان به اروپا و تاریخ آن در دست نیست. چندین دهه قبل، کاوشگران حدود سه هزار خشت سفالی دارای نوشتار در جزیره‌ی کرت و جنوب آبخست سانه‌ی یونان پیدا کردند، شماری از این خشت‌ها که قدیمی‌ترین (بنام LINEAR A) هنوز بطور قطعی خوانده و تفسیر نشده‌اند و احتمال می‌رود که اصلاً هند و اروپایی نباشند. تعداد دیگری از این خشت‌ها (LINEAR B) که قدمت آنها به حدود ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد به یکی از گویش‌های یونانی کهن به نام «مایسنی» (MYCENAEAN) نوشته شده‌اند. این نوشته‌ها و آثار باستانشناسی و وجود واژه‌های غیر هند و اروپایی (به ویژه نام مکان‌ها) در زبان یونانی کهن نشان می‌دهد که یونانیان بومیان اصلی آن سرزمین نبوده و به آنجا کوچ کرده‌اند.

بعد از حدود ۸۰۰ سال پیش از میلاد به نوشته‌های فراوانی به زبان یونانی کلاسیک (CLASSICAL GREEK) برمی‌خوریم. این متون تصویر کاملی از زبان و فرهنگ و ساختار

اجتماعی یونانیان را ارائه می‌دهند و جزو شاهکارهای ادبی و فرهنگی جهان محسوب می‌شوند. مهمترین این نوشتارها عبارتند از دو حماسه‌ی هومر به نام‌های «ایلیاد» و «ودیس» و نمایشنامه‌ها و آثار فلسفی و تاریخی گوناگون. زبان یونانی کلاسیک به تدریج تبدیل به یونانی نوین شد. سخنگویان این زبان حدود ده میلیون نفراند.

زبان لاتین (LATIN) یا ایتالیایی (ITALIC)

شواهد متعدد حاکی از این است که ساکنان اصلی ایتالیا غیر اروپایی بودند. «اتراسکان‌ها» (ETRUSCANS) مردمی غیر هند و اروپایی بودند که در شمال ایتالیا تمدن درخشانی به وجود آورده بودند. آثار باستانشناسی و وجود واژه‌های غیر هند و اروپایی به ویژه «اتراسکان» در زبان لاتین نشان می‌دهد که لاتین‌زبانان نیز مانند یونانیان از خارج به ایتالیا کوچ کردند.

کهن‌ترین نوشتارهای هندو اروپایی در ایتالیا وابسته به حدود ۲۰۰-۳۰۰ سال قبل از میلاد است. از میان چندین گویش هند و اروپایی رایج در ایتالیای باستان، زبان لاتین (زبان شهر رم و اطراف آن) کم‌کم رواج بیشتری پیدا کرد و زبان امپراتوری روم (که سرتاسر سواحل دریای مدیترانه را تحت تصرف داشت) گردید. کم‌کم زبان لاتین در بخش‌های مختلف امپراتوری تبدیل به گویش‌های گوناگون گردید. پس از فروپاشی امپراتوری روم و قطع تماس میان نواحی لاتین‌زبان طی قرون وسطی، این گویش‌ها تبدیل به زبانهای «رومانس» (ROMANCE) یعنی فرانسه و ایتالیایی و اسپانیایی و پرتغالی و رومانی و غیره گردیدند. کوچگران زبان‌های رومانس را به امریکای جنوبی و مرکزی و بخشی از امریکای شمالی بردند. امروزه شمار سخنگویان این زبان‌ها به حدود ۶۰۰ میلیون نفر می‌رسد و زبان اسپانیایی (بعد از انگلیسی) یکی از عمده‌ترین زبانهای بین‌المللی شده است.

زبان سلتی (CELTIC)

سلت‌ها (CELTS) مردمانی جنگجو بودند که از حدود ۵۰۰ تا ۵۰ سال پیش از میلاد در سرتاسر اروپای غربی (انگلیسی و فرانسه و اسپانیا) و اروپای مرکزی نشیمن داشتند و لشگرهای آنان تا مرکز آسیای صغیر پیش رفتند. در اثر ورود اقوام هند و اروپایی دیگر، کم‌کم گستره‌ی مردم سلت زبان محدودتر شد به طوریکه امروزه زبانهای سلتی فقط در باختر اسکاتلند (زبان گیلیک GAELIC) و در ولز زبان ولش (WELSH) و در باختر ایرلند زبان (IRISH) و در شمال فرانسه زبان برتونی (BRETON) متکلم دارد. یکی از مهمترین زبانهای سلتی، زبان ایرلندی کهن است (حدود

۶۰۰ تا ۹۰۰ میلادی). بعدها این زبان به ایرلندی میانه (۱۲۰۰ - ۹۰۰ میلادی) و سپس به ایرلندی نو (IRISH) تبدیل شد.

زبانهای ژرمنی (GERMANIC LANGUAGES)

زبانهای ژرمنی به دو دسته بخش می‌شوند: ۱- زبانهای ژرمنی باختری: انگلیسی (که حدود ۵۰۰ میلیون نفر به آن سخن می‌گویند و زبان رسمی چندین کشور دیگر و زبان بین‌المللی جهان است)، آلمانی (۱۲۵ میلیون)، هلندی و آفریقا نیز (حدود ۳۵ میلیون). ۲- زبانهای ژرمنی شمالی یا اسکاندیناوی: دانمارکی، نروژی، سوئدی، و ایسلندی (با هم حدود ۲۰ میلیون نفر). کهن‌ترین متون ژرمنی به زبان مرده‌ی «گوتیک» (GOTHIC) نوشته شده است. گوت‌ها (GOTH) از شمال به نواحی دریای سیاه کوچ کرده بودند ولی در قرن چهارم میلادی توسط اقوام «هان» (HUNS) به شبه جزیره‌ی بالکان رانده شدند. در بالکان با استفاده از الفبای یونانی، انجیل به زبان گوتیک ترجمه شد. ضمناً سنگ‌نوشته‌هایی به الفبای رونیک (RUNIC) از آنها در شمال اروپا کشف شده است. این زبان در قرن ششم میلادی از میان رفت ولی بررسی ساختار دستوری و واژگان آن در شناخت زبانهای ژرمنی نوین نقش اساسی دارد. از قرون وسطی به بعد متون زیادی به انگلیسی کهن و آلمانی کهن و ایسلندی کهن در دست داریم. علاوه بر این نوشتارها، آثار نویسندگان رومی نیز اشاره‌های زیادی به مردم آلمانی نژاد دارند. «تاسیتوس» (TACITUS) مورخ رومی در حدود سال ۱۰۰ میلادی سرحد مردم آلمانی نژاد را خاور رود «راین» (RHINE) و باختر رود «اادر» (ODER) تعیین کرده است. سه تیره از مردم ژرمن (به نام‌های: انگل‌ها ANGLES و ساکسون‌ها SAXONS و جوت‌ها JUTES) در قرن پنجم میلادی از شمال آلمان و دانمارک به انگلستان هجوم بردند و ظرف چندین دهه انگلیس را تسخیر کردند. ساکنان پیشین انگلیس یک قوم هند و اروپایی دیگر یعنی سلت‌ها بودند که به تدریج با مهاجمان آمیخته شدند. در نتیجه‌ی این آمیزش، ملت انگلیس و زبان انگلیسی کهن به وجود آمد. اطلاق واژه‌ی «انگلساکسون» به مردمان انگلیسی زبان بهمین دلیل است. بعدها انگلیسی کهن (۴۵۰ تا ۱۱۰۰ میلادی) تبدیل شد به انگلیسی میانه (۱۱۰۰ تا ۱۵۰۰) و سپس به انگلیسی نوین (۱۵۰۰ به بعد). مثلاً آلمانی کهن (۹۰۰ تا ۱۱۰۰) تبدیل شد به آلمانی میانه (۱۱۰۰ تا ۱۶۰۰) و آلمانی نوین (از ۱۶۰۰ به بعد). دیگر زبان‌های کهن ژرمنی عبارتند از: ایسلندی کهن یا نورس کهن (۱۱۰۰ تا ۱۶۵۰) و نروژی کهن (۱۲۰۰ تا ۱۴۰۰ میلادی).

زبان ارمنی (ARMENIAN)

در گذشته تصور می‌شد که زبان ارمنی همبسته‌ی نزدیک زبانهای ایرانی است ولی امروزه بیشتر اهل فن معتقدند که ارمنی‌ها حدود هزار سال پیش از میلاد از جنوب آبخست‌سانه‌ی (یعنی شبه‌جزیره) بالکان به زیستگاه کنونی خود کوچ کردند چون علاوه بر شواهد باستانشناسی و زبانشناسی که در مسیر خود در آسیای صغیر بجا گذاشتند، بررسی‌های متعدد نشان داده است که زبان آنها با زبان یونانی خویشی نزدیکی دارد تا با زبانهای ایرانی.

باستانی‌ترین اشاره به زبان ارمنی در کتاب هرودوت (مورخ یونانی) آمده که می‌گوید ارتش خشایارشا (۵۱۹ تا ۴۶۵ پیش از میلاد) دارای شماری ارمنی نیز بوده است.

کهن‌ترین متن به زبان ارمنی ترجمه‌ی انجیل است که در سده‌ی پنجم میلادی انجام شده است. امروزه ارمنی‌ها که شمار آنها بیش از پنج میلیون نفر است در جمهوری ارمنستان زندگی می‌کنند ولی در گذشته‌ی نزدیک بخش بزرگی از شمال خاوری ترکیه هم ارمنی نشین بود.

زبانهای تزاری (TOCHARIAN)

این زبانها که امروزه معدوم هستند، مشتمل‌اند بر تزاری A (TOCHARIAN A) و تزاری B (TOCHARIAN B). بیشتر نوشتارهای تزاری عبارتند از ترجمه‌ی متون بودایی که به القابای هندی نگاشته شده‌اند. این دو زبان که متون و آثار تاریخی وابسته به آنها حدود صد سال پیش در ترکمنستان چین (یعنی خاوری‌ترین مرکز گسترش زبانهای هندو اروپایی) کشف شد دو زبان مجزا هستند که شاید در حدود ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد از زبان واحدی (PROTO-TOCHARIAN) شاخه گرفته باشند.

نکته‌ی جالب درباره‌ی این دو زبان این است که آنها جزو زبانهای «ستم» (CENTUM) هستند در صورتیکه زبانهای اطراف آنها (ایرانی و هندی) همه «ساتم» (SATEM)‌اند. واژه‌ی «صد» در تزاری A (KANT) و در تزاری B (KANTE) است. ضمناً خویشی این دو زبان از نظر واژگانی و ساختاری با زبانهای ژرمنی و سلتی و یونانی بیشتر است تا با زبانهای ایرانی و هندی. بدین دلیل برخی از دانشمندان بر این عقیده‌اند که تزاری‌ها در آغاز زیستمند مرکز اروپا بودند و به علت نامعلومی حدود سه هزار کیلومتر راه پیموده و خود را به دره‌ی تارم در ترکستان چین رساندند. به احتمال زیاد تاریخ این کوچ حدود ۹۰۰ تا ۸۰۰ سال پیش از میلاد بود. در حدود ۶۰۰ میلادی نواحی تورفان و دره‌ی تارم مورد تاخت و تاز اقوام ترک قرار گرفت و زبانهای تزاری (مانند زبانهای ایرانی آذربایجان و آسیای صغیر و آسیای مرکزی) جای خود را به زبان ترکی دادند.

زبانهای اسلاویک (SLAVIC LANGUAGES)

پیشین‌ترین متن به زبان‌های اسلاوی عبارتست از ترجمه انجیل در سده‌ی نهم میلادی. این متن به زبان اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) است. زبانهای اسلاوی نوین که همه از این زبان شاخه گرفته‌اند عبارتند از: ۱- زبان‌های اسلاوی خاوری (روسی، اوکرائینی، بیلوروسی). ۲- زبانهای اسلاوی باختری (لهستانی، چک، اسلواکی). ۳- زبان‌های اسلاوی جنوبی (بلغاری، اسلونی، صربی، کرواتی، مقدونی). جمع سخنگویان به این زبان‌ها حدود ۴۵۰ میلیون نفر است.

از خاستگاه نخستین اسلاوها اطلاع قطعی در دست نیست. حدس این است که آنها در شمال و شمال خاوری دریای سیاه در اثر آمیزش اقوام ایرانی (سکاها) و مردمان ناشناخته دیگر به وجود آمدند. ولی رشد آنها آنقدر سریع بود که از قرن چهارم تا قرن نهم میلادی از خاور تا کوه‌های اورال و از باختر تا مرز باختری لهستان و از جنوب تا بلغارستان و مقدونیه را تصرف کردند. تاریخ احتمالی انشعاب زبانهای نوین اسلاوی از زبان اسلاوی کهن، قرن پنجم میلادی یعنی همان دورانی است که امپراتوری روم فرویز شد و زبانهای رومانس کم کم از لاتین جدا شدند.

زبان‌های اسلاوی با زبان‌های ایرانی خویشی نسبتاً نزدیکی دارند. بسیاری از واژه‌های اسلاوی (مثلاً پارسی کهن "BAGA" به معنی و خدا اسلاوی کهن "BOGU" و یا اوستایی "SPANTA" به معنی مقدس اسلاوی کهن "SVETO") از ایرانی اخذ شده‌اند. نام‌های محلی فراوانی نیز از ریشه‌ی ایرانی هستند. مثلاً نام رودهای «دن» (DON) و «دونتز» (DONETS) و «دونسپر» (DANIEPER) و شاید «دانوب» (DANUBE) از واژه‌ی ایرانی کهن - DANU به معنی رودخانه گرفته شده‌اند.

زبانهای بالتیک (BALTIC LANGUAGES)

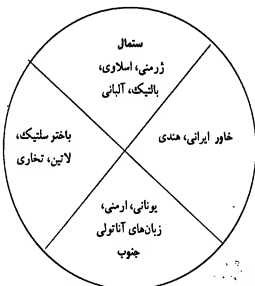
نوشته‌های وابسته به این زبان‌ها فقط حدود پانصد سال قدمت دارند ولی جالب این است که این زبانها از نظر آوایی و واژگانی دستخوش دگرگونی زیادی نشده‌اند و شباهت آنها با زبانهای هند و اروپایی کهن به ویژه سانسکریت و اوستایی چشمگیر است. بهمین دلیل در همسنجی‌های زبانشناسی تاریخی، وجود هم‌ریشه‌های بالتیکی (به ویژه لیتوانی) از اهمیت خاصی برخوردار است.

از میان سه زبان بالتیکی، زبان پروسی کهن، امروزه معدوم شده است ولی زبانهای لیتوانی (LITHUANIAN) و لتونی (LATVIAN) در جمهوری لیتوانی و لتونی رایج هستند. جمعاً حدود

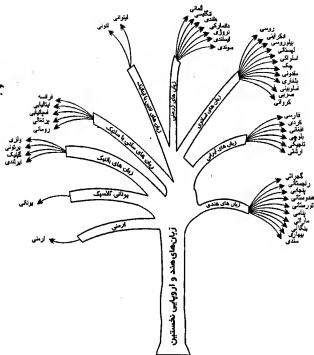
شش میلیون نفر به این دو زبان سخن می‌گویند. برخی از زبان‌شناسان زبان‌های بالتییک و اسلاوی را با هم تحت عنوان بالتواسلاویک (BALTO-SLAVIC) مورد بررسی قرار می‌دهند.

زبان آلبانی (ALBANIAN)

نوشتارهای این زبان فقط ۵۰۰ سال قدمت دارند. این زبان در کشور آلبانی و برخی نواحی مجاور آن رواج دارد و شامل است بر دو گویش، گویش شمالی یا ککگ، (CEG) و گویش جنوبی یا تسک، (TOSK). احتمال دارد که زبان آلبانی از زبان هندو اروپایی ایلیریان (ILLYRIAN) که در دوران باستان در همین سرزمین رواج داشته، مشتق شده باشد. امروزه حدود شش میلیون نفر به این زبان سخن می‌گویند.



تقسیم بندی زبانهای هند و اروپایی از نظر مکان جغرافیایی



نمودار درختی زبان‌های هند و اروپایی امروز

بازسازی فرهنگ هند و اروپایی

برای بازسازی فرهنگ مردمان هند و اروپایی از دو روش استفاده می‌شود. روش اول عبارت است از مقایسه‌ی جنبه‌های مشابه فرهنگ‌های مردمان هند و اروپایی و رسیدن به این نتیجه که این‌ها هم‌نامی‌ها از ویژگی‌های فرهنگ هند و اروپایی اولیه (PROTO-INDO-EUROPEAN CULTURE) هستند. مثلاً ویژگی‌های جنگجویان هند و اروپایی و روابط اجتماعی آنها از دیرباز مورد علاقه‌ی پژوهندگان بوده است:

۱- برابری و اخوت. ۲- رفتار نیمه جنون آمیز و سرستانه هنگام نبرد یا تهاجم یا مراسم وابسته به ویژگی های این جنگجویان از هند باستان گرفته تا آلمان، یونان و روم کهن چنین بوده است.

پروزی. ۳- بکار بردن نماد حیوانات وحشی (به ویژه گرگ) بعنوان نشان و عامل الهام‌بخش. ۴- گرایش به تجاوز از حریم‌های قانونی و سستی که اغلب موجب برخورد و اختلاف آنان با سران حکومتی و مذهبی می‌شد. انتقادی که از این روش مقایسه‌ای می‌شود این است که این ویژگی‌ها منحصر به اقوام هند و اروپایی نیست. رزم آوران سرخپوست در آمریکا و سیاهپوستان در آفریقا نیز کم و بیش همین خصوصیات را دارا بودند.

روش دوم بازسازی فرهنگی عبارت است از بکارگیری اصول دیرین‌شناسی زیباشناختی (LINGUISTIC PALAEONTOLOGY). هم‌ریشگی واژه‌های زبان‌های گوناگون نشان می‌دهد که مفاهیم وابسته به این واژه‌ها در زبان هند و اروپایی نخستین هم وجود داشته و هویت فرهنگ مشترک هند و اروپائیان را مشخص می‌کنند. مثلاً واژه‌ی «گوسفند» در چند زبان هند و اروپایی چنین است: هند و اروپایی نخستین: OWIS؛ سانسکریت: AVIS- یونانی: OIS؛ لاتین: Ovis؛ گوتیک: AWISTR؛ آلمانی کهن: OUWI؛ ایرلندی کهن: OI؛ آيسلندی کهن: AER؛ آلتوانی: AVINAS؛ اسلاوی کهن: OVINU. این هم‌ریشگی نشان می‌دهد که هند و اروپائیان نخستین گوسفند را می‌شناختند. پهلوی هم‌گذاری و همنجی صدها واژه‌ی مشابه دیگر، دانشمندان را قادر کرده است که تصویر کلی فرهنگ و جامعه‌ی هند و اروپایی حدود شش هزار سال پیش را به تقریب ترسیم کنند. طبق این تصویر هند و اروپائیان برخی در یک محل ساکن بودند (به دلیل هم‌ریشگی واژه‌های وابسته به «خانه» و «قلعه» و «دهکده») و برخی گله‌دار بودند و بیلاق و قشلاق می‌کردند (به دلیل واژه‌های هم‌ریشی مربوط به «اسب» و «گاو» و «گوسفند» و «سگ» و «خوک»). هم‌ریشگی واژه‌های متعدد دیگر نشان می‌دهد که آنان دارای پادشاه و نظام حکومتی اولیه بودند و مذهب آنها بر پایه‌ی ایزدسازی عوامل طبیعی (ماه و خورشید و توفان و غیره) استوار بود. مثلاً واژه‌ی «شاه» در شش زبان کهن هند و اروپایی چنین است: سانسکریت: RAJ؛ لاتین: REX؛ گالی: RIX؛ اسلاوی کهن: KRALI؛ ایرلندی کهن: RIG؛ گوتیک: REIKS.

مثال دیگر: پساری از زبان‌ها هند و اروپایی دارای واژه‌ی هم‌ریشه برای «گرگ» هستند (بازگشت به واژه‌ی گرگ در متن این کتاب). ولی در اکثر این زبان‌ها این واژه دارای معنی‌های ثانوی مشابهی نیز هست. در ایرلندی کهن به شخص «غریبه و خطرناک» می‌گفتند «گرگ آبی رنگ». در زبان‌های آلمانی کهن به کسی که از قبیله طرد می‌شد می‌گفتند «گرگ». در زبان هتیت «گرگ» به کسی اطلاق می‌شد که به زنی تجاوز کرده و لذا منفور است. بنابراین شاید بتوان نتیجه گرفت که در میان هند و اروپائیان نخستین نیز هر کسی که گرگ خوانده می‌شد به نحوی منفور قبیله بوده است.

نمونه‌ای دیگر از روش بازسازی فرهنگ و جامعه‌ی هند و اروپایی: انگارگان سه گانه

دانشمند فرانسوی دومزیل (G. DUMEZIL) پس از بررسی واژگان هم‌ریشه به این نتیجه رسید که اساس فرهنگ و جامعه‌ی هند و اروپایی بر سه اندیشه استوار است: ۱- روحانی و یزدانی ۲- رزمی ۳- کشاورزی و بازرگانی. این انگارگان سه گانه پس از انشعاب هند و اروپائیان به زبانها و جوامع مختلف دستخوش دگرگونی سطحی شد ولی ماهیت بنیادین خود را از دست نداده‌اند. اسطوره‌های رومی به نام سه شاه برمی خوریم که یکی پس از دیگری حکومت کردند و هر یک مظهر یکی از سه اندیشه‌ی بالا بودند. ۱- نوما پامپیلیوس (NUMA POMPILIUS) که بنیانگذار گروه‌های کشیشی و آئین‌های مذهبی بود. ۲- تولوس هوستیلیوس (TULUS HOSTILIVS) که جنگاور خشن و خون آشامی بود. ۳- رومولوس (ROMULUS) که حامی شبانان و رمه بود و برای مردان خود همسر بدست آورد و بدینوسیله موجب ازدیاد جمعیت و رونق کشاورزی و بازرگانی شد.

همین سه گانگی در اسطوره‌های یونانی نیز دیده می‌شود: «جو» یا «ژوپیتر» (JOVE) خدای خدایان و مظهر دین بود. «مارس» یا «آریس» (ARES) خدای جنگ بود. «آئینا» یا «مینروا» (ATHENA) الهه‌ی خرد و دانش و فنوری بود. در هند نیز سه «کست» (CASTE) به نام‌های «برهمن» (BRAHMAN) (روحانیون) و «کشاتریا» (KASHATRIYA) (جنگاوران) و «وایسیا» (VAISYA) (کشاورزان و شبانان و سوداگران) وجود داشتند که نقش اجتماعی آنها با الگوی سه گانه‌ی فوق مشابهت داشت. لازم به یادآوری است که در ایران باستان نیز سه طبقه‌ی اصلی عبارت بودند از: ۱- روحانیون زرتشتی ۲- جنگاوران ۳- دهگانان.

لهاد‌های بنیادین هند و اروپائیان نخستین

۱- مذهب: قبلاً گفتیم که وجود واژه‌های هم‌ریشه برای «خدا» (هند و اروپایی: DJEWS)؛ سانسکریت: DYAU) فارسی «دیو» و «زاوش»؛ لاتین: JU(PETER) «هنیت: SHUISH) نشان می‌دهد که هند و اروپائیان به خدایان اعتقاد داشتند. ولی رابطه‌ی آنها با خدایان بیشتر جنبه‌ی داد و ستد را داشت تا عشق و پرستش. انسان موظف به اجرای اعمالی بود و در مقابل خدایان متعهد به انجام اعمالی نسبت به بشر بودند. مثلاً قربانی حیوانات (و گهگاه انسان) در راه خدایان نوعی «تهاتر» بود که طبق آن طرفین متعهد به انجام کارهای مشخصی بودند.

۲- قربانی کردن انسان و حیوان: قربانی کردن حیوان در میان هند و اروپائیان کهن رواج داشت و امروزه نیز در میان برخی از آنها ادامه دارد. ولی هند و اروپائیان نیز (مانند اقوام سامی و

سرخپوستان امریکای مرکزی) مرتکب قربانی کردن انسان نیز می‌شدند. در متون سانسکریت دو چند مورد به قربانی کردن انسان اشاره شده است. ظاهراً در نظر هندیان باستان، انسان والاترین جاننداری بود که می‌توان برای تراضی خدایان قربانی کرد. در زمانهای تاریخی نیز رسم قربانی کردن انسان در میان هند و اروپائیان ادامه داشت. مورخان یونانی و رومی مکرراً و با اشتیاق به این رسم در میان اقوام ژرمنی و اسلاوی اشاره می‌کنند. شواهد نشان می‌دهد که خود یونانی‌ها و رومیان هم در ایام کهن تر همین کار را می‌کردند. مثلاً در داستان جنگ تروا آمده است که آقامنون (AGAMEMNON) فرماندهی کل یونانیان، دختر خود را قربانی کرد تا خدایان باد مساعد برای حرکت ناوگان یونان بسوی تروا بفرستند. دو مورخ کهن، لیوی (LIVY) و پلوتارک (PLUTARCH) گزارش می‌دهند که حتی در قرن سوم پیش از میلاد نیز رومیان هنگام احساس خطر برای استمالت خدایان انسان قربانی می‌کردند.

۳- اندیشه‌های وابسته به پس از مرگ: بررسی‌های زبانشناسی و باستانشناسی نشان می‌دهد که هدف مذهب هند و اروپایی‌ها بیشتر تضمین رفاه و سعادت دنیوی بود و سروکار زیادی با پرستشهای فلسفی و امور فراجاهانی نداشت. در اسطوره‌های ژرمن‌ها و سلت‌ها و یونانیان و رومیان، محل انسانها (حتی انسانهای خوب) پس از مرگ جایی سرد و تاریک است که در آن نه شادی وجود دارد نه امید. تصویر دنیای پس از مرگ که در آثار هومر منعکس شده نمونه‌ی خوبی است: سرزمین مردگان در زیرزمین قرار دارد و تاریک و غم‌انگیز است. حتی آشیل، قهرمان بزرگ یونانیان، پس از مرگ اظهار می‌کند که زنده بودن و نوکری کردن را به سلطنت در جهان مردگان ترجیح می‌دهد.

۴- خانواده: بررسی واژگان همیشگی زبانهای هند و اروپایی نشان می‌دهد که سازگان خانوادگی آنها بر پایه‌ی خانواده (پدر و مادر و فرزندان)، خانواده‌ی گسترده (پدر بزرگ‌ها و دایی‌ها و عموها)، و ایل (مرکب از چند خانواده‌ی گسترده و یک سرور) استوار بود. پدر در رأس خانواده و سرور یا پدر بزرگ در رأس ایل قرار داشت. مقام پدر به قدری اهمیت داشت که نه تنها رئیس خانواده و ایل بلکه خدایان نیز «پدر» نامیده می‌شدند. مثلاً نام خدای خدایان در لاتین این است: JUPITER (JU + JOVE) به معنی «خدا» و PITER - PITAR به معنی «پدر». ساختار پدرسالاری خانواده و قبیله‌ای هند و اروپایی از طریق چندین واژه‌ی همیشگی دیگر کاملاً مشهود می‌گردد:

واژه‌ای وابسته به «خانه» و «خانواده» در زبان هند و اروپایی نخستین DOM بود. سرپرست یا رئیس خانواده DOMS-POTIS (پدر خانواده یا خانسالار) نامیده می‌شد. در برخی دیگر از زبانهای

کهن هند و اروپایی این واژه چنین است: سانسکریت: DAMPATI؛ اوستایی DENG PAITI؛ یونانی: DESPÓTES. مثال دیگر واژه‌ی «نوه» است که هم‌ریشه‌های آن در زبان هند و اروپایی چنین است: هند و اروپایی نخستین: NEPOT؛ سانسکریت: NAPAT؛ اوستایی NAPAT؛ لاتین: NEPOS؛ آلمانی: NEFFE؛ انگلیسی: NEPHEW؛ ایرلندی کهن: NIAE؛ هلندی NEEF؛ ایتالیایی: NIPOTE؛ لیتوانی: NEPOTIS؛ کردی: NEVI؛ ساکونی کهن: NEBO؛ این واژه‌های هم‌ریشه و واژه‌های مشابه دیگر رابطه‌ی خانوادگی هند و اروپائیان نخستین را بطور تقریبی مشخص می‌کنند.

۵- زناشویی: واژگان هم‌ریشه‌ی هند و اروپایی و متون کهن ایرلندی و ولزی و همچنین افسانه‌های یونانی و رومی نشان می‌دهند که هند و اروپایی‌ها دارای گونه‌ای ازدواج و مراسم زناشویی بودند که با تأیید و تحت نظر کاهنان انجام می‌شد. ضمناً ازدواج نوعی معامله هم بود: داماد یا ایل او به پدر عروس یا ایل عروس «هدیه» (مثلاً چند رأس گاو) می‌دادند. در مقابل پدر عروس موظف بود که جهیزیه عروس را تهیه کند. معمولاً مذاکرات وابسته به زناشویی طولانی بود.

ضمناً متون حقوقی گال‌ها و ایرلندی‌های کهن و همچنین حماسه‌های باستانی (مانند آثار هومر) نشان می‌دهند که رسم چند زنی نیز در میان توانگران هند و اروپایی رایج بوده است. ژول سزار (J. CAESAR) در کتاب خود (DE BELLO CALLICO) گزارش می‌دهد که تعدد زوجات در میان اعیان گال رواج داشت و اگر شوهر به طرز اسرارآمیزی می‌مرد، زن‌های او مورد شکنجه قرار می‌گرفتند. در حماسه‌ی ایللیاد (ILIAD) اثر هومر آمده است که پریام (PRIAM) شاه تروا دو زن داشت. اولی هکوبا (HECUBA) بود که برایش نوزده پسر زاید. دومی لائوتو (LAOTHOE) بود که برایش دو پسر زاید.

عرسازمان ایل و امت: همانطور که در بالا گفتیم DOM واژه‌ی «خانه» بود و واژه‌ی رئیس خانواده یا خانسالار عبارت بود از DOM-POTIS (پدر خانه یا خانسالار). همچنین واژه‌ی هند و اروپایی Wik به معنی «ایل» یا «تیره» بکار می‌رفت و رئیس ایل WIK-POTIS (پدر قبیله) نامیده می‌شد. (برابرهای این واژه چنین‌اند - سانسکریت: VISHPATI؛ لیتوانی: VIESHPATS؛ اوستی: PATCAX؛ پارسی باستان: PATIXSHAYATHIYA).

یکان بزرگتر از ایل یا تیره عبارت بود از TOUTA* (ایرلندی کهن: TUATH)؛ گوئیک: THIUDA؛ لاتین: TOTUS؛ آلمانی کهن: DIOTA؛ انگلیسی کهن: THEOD؛ لیتوانی: TAUTA؛ ایرلندی کهن: TUAH؛ پروسی کهن: TAUTO؛ فارسی: توده). ظاهراً TAUTA به

مجموع چند ایل انلاق می شد و رئیس TAUTA که شاه شاهان بود RÉGS نامیده می شد (سانسکریت: RAJ؛ لاتین: REX؛ گالی: RIX؛ گوتیک: THIUDANS).

وفاداری شخص در مرحله نخست نسبت به پدر خانواده و در مرحله بعدی نسبت به رئیس ایل بود. تبعید یا طرد از ایل شدیدترین نوع تنبیه محسوب می شد.

یکی از بارزترین ره آوردهای زیانثناسی، شناخت نقش شاه در جامعهی هند و اروپایی نخستین بود. شاه یا پادشاه نقش نظامی عمدهای نداشت. مهمترین نقش او میانجیگری میان انسانها و خدایان بود. او نیاز انسانها را (همراه با نیایش و قربانی) به خدایان اظهار می کرد و آنان در مقابل برکات و عنایات خود را بر انسانها ارزانی می داشتند. متون ایرلندی و یونانی و هندی باستان نه تنها موضوع فوق را تأیید می کنند بلکه حاکی از آنند که شاه با سرپرستی مراسم نیایش و دارا بودن ویژگیهای ابر انسانی ضامن خوبی محصول و زایندهگی دامها و پر ماهی بودن رودها و فراوانی فرزندان و دورداری دشمنان و بیماریها هم بود. نیمه خدایی بودن شاه (معمولاً یا مادرش الهه بود یا همسرش) پیامد دیگری نیز داشت: مقام او بالاتر از مقام پدر و رئیس ایل بود ولی آنها را کاملاً تحت الشعاع قرار نمی داد. شاه در بالای هرم قدرت قرار داشت ولی پدر و رئیس ایل نیز هر یک اختیارات ویژهی خود را داشتند و در رأس هرمهای کوچکتری قرار داشتند.

هند و اروپائیان محتملاً دارای جرگه یا شوراهاى مرکب از ریش سفیدان یا اعیان و اشراف بودند که نه تنها در بسیاری از امور مورد مشورت شاه قرار می گرفتند بلکه گهگاه نیز در برکنار سازی شاهان بی لیاقت نقش اساسی داشتند. مجلس سنای روم باستان (THE SENATE) و شورای گروسیا (GEROUSIA) در یونان باستان و سینگا (THINGA) در آلمان کهن تداوم این رسم را در سدههای بعدی نشان می دهند. در میان ایلات ایران (به ویژه در میان لرها و کردها) نیز رسم تشکیل شورا جهت رایزنی و اتخاذ تصمیمات مهم از دیرباز رایج بود.

۸. برده داری: تقریباً همه ی دانشمندان بر این عقیده اند که هند و اروپائیان برده دار بودند و زنان بیشتر برده های آنها را تشکیل می دادند. شاید علت این باشد که در روزگاران کهن که راه برده گیری جنگ و پیروزی بر دشمن بود. نگهداری بردگان مرد مخاطراتی را به همراه داشت. (شورش بردگان به سرکردگی اسپارتاکوس SPARTACUS که پایه های امپراتوری روم را به لرزه درآورد، نمونه ی خوبی از این مخاطرات است). لذا رسم بر این بود که مردان و پسران را بکشند و زن ها و دختران را به اسیری ببرند. از این اسیران یا بردگان هم بعنوان همخواه و هم خدمتکار استفاده می شد. در آثار هومر یونانی آمده است که بردگان زن مسئول انجام کارهای شاق (مثلاً آرد کردن گندم و جو

با آسیاب دستی) بودند. وقتی یونانیان شهر تروا را گشودند، زنان خانواده سلطنتی (مثلاً اندروماک ANDROMACHE و کاساندرا CASSANDRA) همه به اسارت گرفته شدند ولی مردان و حتی پسر بچه‌ها (مثلاً استیاناکس ASTYANAX) را از دم تیغ گذرانند.

۹- رزمجویی: ویژگی دیگر هند و اروپائیان جنگاوری بود. مردمی که طی چند سده از کوه‌های پامیر و آسیای مرکزی و هند تا اسکاندیناوی و بریتانیا و اسپانیا (نیمی از آسیا و همه‌ی اروپا) را اشغال کردند نه تنها از برتری فنی (اسب و ارابه) برخوردار بودند بلکه از نظر جنگجویی و رزم آرای نیز بر دیگران برتری داشتند چون گسترش سریع در چنین سرزمین‌های وسیعی بدون تفوق نظامی غیر متحمل است. ظاهراً در جامعه‌ی هند و اروپائیان هر مرد هم کشاورز یا شبان بود و هم رزم‌آور، هم عضو خانواده و هم مدافع آن. این ویژگی در جوامع هند و اروپایی بعدی نیز دیده می‌شد. در روم باستان، هنگام جنگ کشاورزان عادی تبدیل به سربازان ماهر می‌شدند. در اسپارت (SPARTA) اکثر مردان سرباز بودند و بردگان و زنان کشاورزی و دامداری می‌کردند.

بررسی قهرمانان حماسه‌های هومر و فردوسی و ورجیل (VIRGIL) و همچنین اسطوره‌های یونانی و رومی و ایرانی و هندی و آلمانی و ايسلندی ویژگی‌های مشترکی را آشکار می‌کند. دلاوران هند و اروپایی تنها بخاطر زمین و ثروت جنگ نمی‌کردند. انگیزه‌ی اصلی آنها بدست آوردن افتخار ابدی بود. آنان با پیروی از آرمان‌هایی که در صدر آن جوانمردی و مروت و شجاعت قرار داشت در پی آن بودند که با به خطر انداختن جان خود (حتی با از دست دادن آن) بتوانند برای همیشه با افتخار در یاد مردمان خود باقی بمانند. رستم قهرمان حماسه‌ی شاهنامه در زمره‌ی اینگونه قهرمانان است. بیوولف (BEOWULF) و رولند (ROLAND) و ده‌ها دلاور حماسی دیگر همین‌سان بودند. شاید بهترین نمونه‌ی این دلاوران هند و اروپایی آشیل (ACHILLES) قهرمان حماسه‌ی ایللیاد باشد که می‌گوید «اگر اینجا بمانم و با مردم شهر تروا جنگ کنم، زنده به دیار خود برخواهم گشت ولی افتخار ابدی خواهم داشت. از سوی دیگر، اگر به میهن خود برگردم عمر طولانی خواهم داشت ولی هرگز به افتخار جاودانی نخواهم رسید. (ILIAD, 9, 412-418). آشیل به جنگ پشت دروازه‌های تروا ادامه داد تا کشته شد. او هم مانند دیگر قهرمانان هند و اروپایی در پی نام نیک بود نه سرای زرنگار.

۱۰- لیبیدی (نقالی): در حماسه‌های کهن هند و اروپایی (مثلاً حماسه‌های یونان و روم و نورس و ایرلند و انگلوساکسون و ایران باستان) به مردانی برمی‌خوریم که نه تنها گنجینه‌ی دانسته‌ها و تاریخ مردم خود هستند بلکه کاهن و حکیم و داور و دادگر نیز می‌باشند. دمودکوس (DEMODOCUS)

شاعر و داستان‌گزار دربار شاه السینوس (ALCINOUS) در حماسه‌ی ادیسه (ODYSSEY) نمونه خوبی از اینگونه لیبدهاست. گسترده‌گی و تداوم حرفه‌ی لیبدی در میان ملت‌های هند و اروپایی نمایشگر این احتمال است که هند و اروپاییان نخستین دارای لیبدانی بودند که قبل از اختراع القبا و خط نویسی، افسانه‌ها و تاریخ مردم خود را در حافظه‌ی خود جا داده و در بزم‌ها یا مراسم رسمی با صدای موزون می‌خواندند. آنها بمنزله گنجینه‌ی حافظه‌ی همگانی قوم خود بودند و تقالی آنان نه تنها مردم را به سرگذشت نیاکان و تاریخ خود آشنا می‌کرد بلکه وظایف آنها را یادآور شده و روحیه‌ی آنها را برای برخورد با دشواری‌های زندگی تقویت می‌کرد.

تا چند قرن پیش نیز لیبدان در میان اکثر اقوام هند و اروپایی وجود داشتند. برای مثال، در فرانسه و اسپانیای قرن‌های یازدهم و دوازدهم میلادی مینسترل‌ها (MINSTRELS) و تروبادورها (TROUBADORS) شعر عشقی یا رزمی می‌سرودند و در بزم‌ها با صدای آهنگین می‌خواندند. امروزه شمار لیبدها بسیار کم شده است ولی باز هم در برخی نقاط به آنها برمی‌خوریم. در برخی از نواحی ایران و افغانستان و صربستان هنوز هم کسانی هستند که از راه تقالی امرار معاش می‌کنند ولی البته ارج اجتماعی آنها با مقام والای لیبدهای باستانی قابل مقایسه نیست. متأسفانه اختراع رادیو و تلویزیون کار لیبدهای قهوه‌خانه‌های ایران و افغانستان را آتقدیر کساد کرده است که شاید تا چند دهه‌ی دیگر همه ناپدید شوند.

اهمیت شناخت زبانهای هند باستان در شناخت زبانهای ایرانی

بررسی نوشتارهای اوستایی و پارسی کهن از یک سو و متون سانسکریت و هندی باستان از سوی دیگر نشان می‌دهد که این دو تیره از مردم هند و اروپایی در اوائل کوچ خود به فلات ایران و هندوستان به یک زبان واحد تکلم می‌کردند ولی در اثر گذشت زمان کم کم دارای دو گویش و سپس دارای دو زبان جداگانه شدند.

پیشین‌ترین نوشتارها به زبانهای ایرانی عبارتند از متون اوستایی (به ویژه گات‌ها) و پارسی کهن. دانش ما درباره‌ی پارسی کهن محدود است به شمار کمی سنگ نوشته و خشت سفالی که به وانگان میخی نگاشته شده‌اند. این نوشتارها اطلاع کمی درباره‌ی پارسی کهن و واژگان آن ارائه می‌دهند. نوشتارهای اوستایی بسیار متعددترند و نمای کامل‌تری از زبان ایرانی کهن را نمایان می‌سازند. ولی این نوشتارها هم از نظر شمار و گویایی به پای متون هندی باستان (VEDIC, SANSKRIT) نمی‌رسند.

نوشتارهای هندی باستان با حروف آوایی ساده و دقیق نگاشته شده و ویژگی‌های دستوری و واژگانی این زبان را به بهترین وجه نشان می‌دهند. مزیت دیگر این نوشتارها این است که آنها نه تنها کهن‌ترین نوشتار به یک زبان هند و اروپایی هستند بلکه به خاطر خویشی و همسانی زیادی که با زبان‌های ایرانی کهن دارند می‌توانند رهنمون‌های خوبی برای روشن سازی برخی از نکات و ویژگی‌های ناشناخته‌ی زبانهای ایرانی کهن باشند. مثلاً میزان همسانی سانسکریت و اوستایی به اندازه‌ای است که برخی از واژه‌ها و جمله‌های سانسکریت کاملاً مشابه برابرای اوستایی خود هستند. بهمین دلیل در متن این کتاب پس از واژه‌ی فارسی و ریشه‌ی هند و اروپایی و ریشه‌های ایرانی کهن و واژه‌های زبانهای ایرانی دیگر، اولین زبان خارجی که از آن شاهد آورده می‌شود زبان سانسکریت است.

زبانهای ایرانی کهن از دیدگاه متون باستانی

کهن‌ترین نوشتارهای ایرانی کهن به اوستایی و پارسی کهن هستند. اوستایی زبان متون زرتشتی است. بخش قدیمی‌تر آن (گاتها) در سده‌های یازدهم تا ششم پیش از میلاد یعنی دوران کوچ ایرانیان به فلات ایران، تصنیف شده است. بخش متأخرتر اوستا یسنا (YASNA HAPTANHATT) نام دارد و شامل هفت فصل است. یسنا از گاتها بسیار بزرگتر است و حاوی سرودهای نیایش آمیز بنام «یشت‌ها» (YASHTS) و وردهایی برای طرد دیوها بنام «ویدیوداده» (VIDEVDAD) است. متن موجود اوستا در سده‌های نخست بطور شفاهی حفظ می‌شد و در دوران ساسانیان (۲۲۴-۶۵۱ میلادی) به رشته‌ی تحریر درآمده است.

زبان پارسی کهن کمی متأخرتر از زبان اوستایی است و اصولاً از نظر گویش با اوستایی فرق دارد. همانطور که در پیش گفته شد، نمونه‌های معدود این زبان در سنگ نوشته‌های دوران هخامنشی و سلوکی (به خط میخی) و در تعدادی خشت‌های سفالی یافت می‌شود. در برخی متون مردمان بین‌النهرین نیز شمار اندکی واژه‌های پارسی کهن به طور جسته‌گریخته ذکر شده است.

در دوران اشکانیان و ساسانیان زبان‌های ایرانی کهن به تدریج تبدیل به زبان‌های ایرانی میانه شدند. مهم‌ترین این زبان‌ها عبارتند از: فارسی میانه یا پهلوی (که احتمالاً از پارسی کهن مشتق شده است)؛ پارتی (زبان مردم سرزمین‌های شمال خاوری فلات ایران)؛ ختنی (KHOTANESE)؛ توشوگی (TUMSHUGUESE)؛ سغدی (SOGDIAN)؛ باکتریایی (BACTRIAN)؛ خوارزمی (CHORESMIAN)؛ سارماتی (SARMATIAN). برخی از این زبان‌ها مرده‌اند و بقیه (مانند همدی

زبانی‌ها) دستخوش دگرگونی شده‌اند.

هجوم اعراب و استیلای طولانی آنها بر فلات ایران بزرگترین عامل دگرگونی آوایی و واژگانی زبانهای ایرانی بود. هجوم اقوام ترک و تاتار نیز نه تنها موجب نابودی زبان‌های ایرانی در آسیای مرکزی و آذربایجان شد بلکه زبان‌های ایرانی موجود را نیز تحت تأثیر قرار داد. در نتیجه، امروزه حدود نیمی از واژگان زبان فارسی عربی یا ترکی است. در چند دهه‌ی اخیر نفوذ فرهنگی و علمی و فناوری کشورهای غربی نیز زبان‌های ایرانی را با موج جدیدی از واژه‌های انگلیسی و فرانسه و غیره مواجه کرده است. ولی علیرغم همه‌ی پستی و بلندی‌ها، زبان‌های ایرانی امروز (فارسی، کردی و بلوچی و پشتو و غیره) ماهیت نهادهین هند و اروپایی خود را حفظ کرده و یکی از شاخه‌های پویای خانواده‌ی بزرگ زبان‌های هند و اروپایی را تشکیل می‌دهند.

آرمان ابن کتاب

هدف این کتاب بررسی واژه‌های ناب پارسی و ردیابی مسیر آنها از زبان هند و اروپایی نخستین به زبان‌های اوستایی و پارسی کهن و پهلوی و بالاخره فارسی نوین است. همانطور که در پیش ذکر شد، نوشاری از هند و اروپایی نخستی (PROTO-INDO-EUROPEAN) در دست نیست چون در آن هنگام هنوز الفبا اختراع نشده بود. ولی بررسی واژگان کهن‌ترین متون سانسکریت و اوستایی و یونانی و لاتین و اسکاندیناوی، پژوهشگران را قادر کرده است که تصویر کلی زبان هند و اروپایی نخستین را ترسیم نمایند. در چند دهه‌ی اخیر نیز زیانشناسان توانسته‌اند از راه همسنجی واژه‌های هم معنی و هم‌ریشه (COGNATES) و همسانی آوایی (SOUND CORRESPONDENCE) و شناخت دگرگونی‌های آوایی در زبان‌های گوناگون، واژه‌های هند و اروپایی نخستین را بازسازی کنند. تاکنون صدها واژه‌ی هند و اروپایی نخستین بازسازی شده‌اند و این واژه‌ها که در سابق حلقه‌ی مفقوده‌ی زیانشناسی تاریخی محسوب می‌شدند، کار دیابایی، و ردیابی واژه‌های هند و اروپایی را آسان‌تر کرده‌اند.

در برخی از کشورهای اروپایی و آمریکایی، ردیابی واژه‌ها تا سرچشمه‌ی هند و اروپایی آنها از دیرباز آغاز شده است. مثلاً در زبان انگلیسی صدها کتاب و مقاله و واژه‌نامه در این باره منتشر شده است و علاقمندان می‌توانند با مراجعه به یکی از آنها، ریشه‌ی اکثر واژه‌های انگلیسی را تا سرچشمه‌ی هند و اروپایی آنها ردیابی کنند. در سایر زبان‌های اروپایی نیز (به ویژه آلمانی و فرانسه) اینگونه

پژوهشها از مدتها پیش آغاز شده است.

نخستین پژوهشهای واجریشه‌شناسی در زبان‌های ایرانی به طور اعم و زبان فارسی به طور اخص توسط دانشمندان برونمرزی (بارتولومه، یونکر، هنینگ، نیبرگ) در چند دهه قبل آغاز شد. استادان ایرانی نیز (به ویژه معین و خانلری و پورداود) با بهره‌گیری از پژوهشهای برونمرزبان این پژوهش‌ها را ادامه داده و برای فارسی‌زبانان و به زبان فارسی ارائه داده‌اند. ویراست فرهنگ برهان قاطع که به اهتمام مرحوم دکتر معین در سال ۱۳۳۵ در پنج جلد چاپ شد نمونه‌ی خوبی از اینگونه پژوهشها محسوب می‌شود. در پانوشتهای این کتاب بسیاری از واژه‌های فارسی ناب تا حد اوستایی و گهگاه تا حد پارسی‌باستان و پهلوی ردیابی شده‌اند و معمولاً واژه‌های هم‌ریشه‌ی آنان در زبان‌های کردی و پشتو و بلوچی و غیره نیز داده شده است. در برخی از موارد واژه‌ی هم‌ریشه در زبان سانسکریت هم ذکر شده است. چون در ردیابی واژه‌ها، مرحوم معین با دقت و امانت کامل مراجع خود را ذکر می‌کند، کتاب او عملاً خواننده را از پس‌گشت به مأخذ او (که برخی امروزه نایاب هستند) بی‌نیاز می‌کند.

ولی کتاب‌هایی که تاکنون به فارسی نگاشته شده است دو مطلب مهم را مورد مطالعه قرار نمی‌دهند: ۱- برابر نمای واژه‌های فارسی و دیگر زبان‌های ایرانی با زبان‌های اروپایی (مثلاً یونانی و لاتین و آلمانی و انگلیسی و فرانسه) ۲- پیگیری واژه‌های فارسی نوین نه تنها تا اوستایی و پارسی کهن بلکه تا سرچشمه‌ی هند و اروپایی آنها. در آن سرچشمه همه زبان واحدی را تشکیل می‌دادند که طی قرن‌ها تبدیل به زبان‌های کنونی شده‌اند. تنها از راه نشان دادن خویشاوندی واژه‌های ایرانی با واژه‌های دیگر زبان‌های هند و اروپایی و ردیابی همه‌ی آنها تا سرچشمه‌ی هند و اروپایی است که خواهیم توانست تصویر کاملی از زبان فارسی و تطور آن داشته باشیم.

تا آنجائیکه می‌دانم، این کتاب نخستین پژوهش گسترده‌ای است که به منظور ردیابی واژه‌های فارسی تا سرچشمه هند و اروپایی آنها به زبان فارسی انجام شده است. مرحوم پدرم، دکتر عباس آریان پور کاشانی، سال‌های آخر عمر خود را وقف پژوهش در باره‌ی رابطه‌ی زبان فارسی با دیگر زبان‌های هند و اروپایی نمود. بخشی از پژوهش‌های او تحت عنوان «برگزیده‌ای از زبان‌های آریایی» در مقدمه‌ی فرهنگ نوین پیوسته فارسی-انگلیسی و انگلیسی-فارسی. انتشارات مزدا، لوس آنجلس، ۱۹۸۶ چاپ شده است. هدف ایشان بیشتر نشان دادن خویشی فارسی با زبان‌های اروپایی بود و رابطه‌ی واژه‌های فارسی با هند و اروپایی نخستین را شامل نمی‌شد.

در چند دهه‌ی اخیر رابطه‌ی زبانهای اروپایی با یکدیگر به طور کامل مورد بررسی قرار گرفته

است و کسانیکه با یکی از زبان‌های اروپایی (به ویژه آلمانی یا انگلیسی یا فرانسه) آشنایی داشته باشند می‌توانند از یکی از آثار متعدد در این زمینه استفاده کنند.

رابطه‌ی زبانهای ایرانی با یکدیگر نیز (همانطور که در بالا گفته شد) در آثار دانشمندانی همچون بارتولومه و معین بطور نسبتاً کامل بازتاب شده است. کوشش من در کتاب حاضر این بوده است که توجه خود را بیشتر متوجه سه کار بکنم.

اول - بهره‌گیری کامل از پژوهش‌های پیشین و منعکس‌سازی آنها به‌طور کوتاهوار.

دوم - برابریابی و تطبیق واژه‌های ایرانی با واژه‌های سانسکریت از یک سو و واژه‌های اروپایی از سوی دیگر. در مورد بسیاری از واژه‌های کتاب حاضر این تطابق‌ها قبلاً توسط دیگران انجام شده است و من با سپاسمندی و ذکر هر یک از مراجع خود، از این پژوهش‌ها بهره‌گرفته‌ام. ولی چون بیشتر این پژوهش‌ها توسط پرونمر زبانی انجام شده که تسلط کافی به زبان فارسی نداشته‌اند، اغلب فهرست‌های آنها فاقد برابریابی فارسی نوین هستند. اصولاً پژوهش‌های ایشان از دیدگاه یک زبان اروپایی انجام شده است نه از دیدگاه زبان فارسی و ارائه‌ی الفبایی واژه‌های فارسی بعنوان سرواژه. به همین دلیل بخش عمده‌ی کوشش من در این کتاب صرف یافتن واژه‌های فارسی نوین که با واژه‌های اروپایی هم‌ریشه‌اند شده است. دشواری عمده در این مورد عبارت است از تغییر معنی واژه‌ها در زبانهای مختلف. مثلاً دو واژه‌ی «بُر» فارسی و BUCK انگلیسی و یا دو واژه‌ی «پوسیدن» فارسی و FOUJ انگلیسی هم‌ریشه‌اند ولی معنی‌های آنها یکی نیست. واژه‌ی «دیو» فارسی با واژه‌ی DIEU در فرانسه هم‌ریشه است ولی در فرانسه این واژه یعنی «خداوند» در صورتیکه در فارسی این معنی را ندارد.

دشواری دیگر این است که برخی شباهت‌ها اتفاقی هستند. مثلاً واژه‌ی لاتین - PONEU (به معنی دیدن) بسیار شبیه واژه‌ی - PNIW (در زبان سرخپوستان ایالت اورگان در امریکا) است ولی این دو واژه اصلاً با هم هم‌ریشه نیستند.

دشواری دیگر این است که شباهت برخی واژه‌های دو زبان ممکن است به‌خاطر این باشد که یکی از آنها این واژه را از زبان دیگر قرض کرده است.

دشواری نهایی دگرگونی آوایی است. مثلاً واژه‌ی «خریدن» فارسی با واژه‌ی KAUFFN آلمانی هم‌ریشه است. همین‌طور واژه‌ی فارسی «دندان» با واژه‌ی آلمانی ZAHN هم‌ریشه است ولی دگرگونی تلفظ آنها، شناخت خویشی نزدیک آنها را مشکل می‌کند.

با وجود همه‌ی این دشواری‌ها کوشیده‌ام که تا آنجا که از دستم برمی‌آمده همه‌ی واژه‌های

همیشه‌ی هند و اروپایی را در این کتاب گردآوری نمایم ولی لازم می‌دانم توجه خواننده را به یک نکته جلب کنم: شمار واژه‌هایی که هم‌ریشگی آنها با زبان‌های دیگر برای اولین بار در این کتاب داده شد کم نیست. پژوهش‌های پشاهنگانه معمولاً هم راهگشا هستند و هم محتمل به داشتن لغزش. امید من این است که در آینده پژوهشگران دیگر بتوانند کارهای انجام شده در این کتاب را پالوده‌تر و مسجل‌تر کنند و برگسترش آن بیافزایند. این تازه اول کار است.

سوم - بخش دیگری از کوشش‌های من در این کتاب صرف یافتن ریشه‌های هند و اروپایی واژه‌های فارسی شده است. این کاری است که قبلاً انجام نشده بود و انجام آن مستلزم صرف وقت زیاد و مراجعه به متن‌های فارسی و انگلیسی و فرانسه و اسپانیایی و آلمانی بود. آنچه که در مورد رابطه‌ی واژه‌های فارسی و هند و اروپایی نخستین در این کتاب انجام شده به دو دسته بخش‌پذیر است: ۱- واژه‌های فارسی که ریشه‌ی هند و اروپایی آنها توسط دیگران (به ویژه دانشمند آلمانی جولیوس پکرنی POKORNY) داده شده است. بیشتر ردیابی این کتاب از این دسته است. ۲- واژه‌های فارسی بسیاری که ریشه‌ی هند و اروپایی آنها برای نخستین بار در این کتاب ارائه شده است. مسئولیت صحت ردیابی‌های دست دوم مستقیماً به عهده‌ی من است. البته هر کجا که کاملاً مطمئن نبوده‌ام با بکار بردن «شاید» در جلو واژه به خواننده هشدار داده‌ام. امید غایی من این است که در این زمینه هم پژوهشگران آینده بتوانند کاری را که این کتاب آغاز کرده است دنبال کنند و جایگاه راستین زبان فارسی در درخت خانوادگی زبان‌های هند و اروپایی را مشخص‌تر و کامل‌تر نمایند. این کتاب فقط گامی در این سفر دراز و پر شکفتی است.

برخی از ویژگی‌های دیگر این کتاب

۱- در این کتاب از ذکر معنی (های) هر واژه خودداری شده است. علت این است: واژه‌های هند و اروپایی نخستین (مانند واژگان هر زبان دیگر) هر یک دارای معنی (یا معانی) خاصی بودند. ولی تعیین این معنی‌ها با ابهام فراوان همراه است چون اگر در زبان‌های هند و اروپایی امروزی واژه‌های همیشه همه دارای معنی همسانی بودند آنگاه می‌توانستیم با اطمینان بیشتر نتیجه بگیریم که در هند و اروپایی نخستین هم همین معنی را داشته‌اند. ولی به استثنای موارد معدود (مثلاً واژه‌ی «مادر» یا «گاو» یا «پرخ») معنی واژه‌های همیشه در زبانهای هند و اروپایی امروزی کاملاً یکی نیست. گذشت زمان و برخورد با پرگیرها و گیاهان و جانوران متفاوت موجب دگرگونی واژه‌ها شد. است. مثلاً ریشه‌ی هند و اروپایی *KEK یا *KAK در فارسی نوین شده است «سخت»؛ در

سانسکریت شده است SAKNOTI (به معنی توانستن)، در ایرلندی کهن شده است CÉCHT (به معنی قدرت). پکرنی (POKORNY, 522) معتقد است که شاید واژه‌های انگلیسی HATCH و آلمانی HECKEN (به معنی هستی دادن و یا روی تخم نشستن و جوجه آوردن) نیز از همین ریشه باشند. مثال دیگر: هند و اروپایی DHEIGH* در فارسی نوین شده است «دژه» در سانسکریت شده است DEHA (به معنی دیوار)، در آلمانی کهن شده است TEIG (به معنی خمیر)؛ در یونانی شده است TOICHOS (به معنی کِل)، در ارمنی شده است DEZ (به معنی توده). البته تعیین معنی واژه‌های امروزی نسبتاً آسان است ولی هر چه عقب برویم تعیین معنی دشوارتر و آمیخته با ابهام بیشتری می‌شود. لذا در این کتاب تاکید روی ردیابی واژه‌های فارسی تا سرچشمه‌ی هند و اروپایی آنها و همچنین نشان داد خویشی واژه‌های فارسی با واژگان سایر زبانهای هند و اروپایی است. معنی واژه‌های مختلف فقط در برخی موارد صرفاً به منظور نشان دادن برخی جنبه‌های معنایی واژگان هند و اروپایی آورده شده‌است.

۲- مراجع متعدد این کتاب هر یک برای نشان دادن املا و آوای واژه‌ها از نشانه‌ها و حروف متفاوتی استفاده می‌کنند. در این کتاب کوشش شده است تا حد امکان املای واژه‌ها یکدست بشود. فقط در موارد نادر که تفاوت املایی حاکی از دو تلفظ مختلف است یک واژه‌ی بخصوص به بیش از یک صورت املا شده است.

۳- در این کتاب:

به جای Ĉ از CH استفاده شده است.

به جای Ŝ از SH استفاده شده است.

به جای θ از TH استفاده شده است.

به جای Z از ZH استفاده شده است.

برای آوای «خ» از X استفاده شده است.

برای آوای «آ» از A استفاده شده است.

برای آوای «آ» (مثلاً در «آرج») از A استفاده شده است.

برای آوای «او» (مثلاً «و» در «خوب») از U استفاده شده است.

۴- املای واژه‌های هند و اروپایی نیز در کتابهای مختلف متفاوت است. در این کتاب بیشتر از طرز املای THE BARNHART DICTIONARY OF ETYMOLOGY استفاده شده است. ضمناً چون این واژه‌ها از راه بازسازی به وجود آمده‌اند. طبق رسم معمول جلو آنها یک ستاره (*)

قرار گرفته است.

روش پیگیری واژه‌ها در زبان‌های گوناگون

روش معمول برای ریشه‌یابی واژه‌ها (که در این کتاب نیز از آن پیروی شده) چنین است:

- ۱- ریشه‌یابی باید از بررسی شکل‌های کنونی واژه آغاز شود و تا حد و اجریشی هند و اروپایی به عقب برود (فارسی نوین - پهلوی - پارسی باستان - اوستایی - هند و اروپایی). ضمناً واژه‌های هم‌ریشه در دیگر زبانهای ایرانی و همچنین واژه‌های هم‌ریشه در دیگر زبان‌های هند و اروپایی نیز باید داده شود.

البته انجام این کار همیشه میسر نیست. مثلاً شمار واژه‌های باقی مانده از پارسی باستان محدود است و در اکثر موارد نمی‌توان شاهی از آن زبان ارائه داد از سوی دیگر، در اثر گذشت زمان برخی از زبانهای هند و اروپایی بعضی از واژه‌های هم‌ریشه را از دست داده‌اند. با این وجود این اصل را باید همیشه در نظر داشت: هر چه شمار واژه‌های هم‌ریشه‌ی ارائه شده بیشتر باشد، صحت و اجریشی‌یابی مسجل‌تر است.

- ۲- باید واقعیت‌های تاریخی و جغرافیایی را در نظر گرفت. مثلاً شباهت یک واژه‌ی ژاپنی با یک واژه‌ی پارسی باستان یا شباهت یک واژه‌ی انگلیسی کهن با یک واژه‌ی تبتی یا ظاهری و اتفاقی است و یا واژه از یک زبان به زبان دیگر به عاریت گرفته شده است چون زبانهای پارسی باستان و انگلیسی کهن هند و اروپایی هستند در حالی که زبان‌های ژاپنی و تبتی غیر هند و اروپایی می‌باشند. ضمناً فاصله‌ی جغرافیایی زیاد و نبودن رابطه میان این زبانها در عهد کهن نیز امکان هرگونه هم‌ریشگی را نفی می‌کند.

- ۳- باید اصول آوایی و قوانین دگرگونی آوایی در زبان‌های گوناگون را مد نظر داشت. مثلاً چون حرف آغازین C در واژه‌های انگلیسی کهن تبدیل به H شده است می‌توان نتیجه گرفت که واژه‌ی لاتین CELARE و واژه انگلیسی کهن HELON (به چم و پنهان کردن) هم‌ریشه‌اند ولی واژه‌ی لاتین CURA با واژه‌ی انگلیسی کهن CEARU (انگلیسی نوین CARE) علیرغم شباهت ظاهری، هم‌ریشه نیست.

- ۴- در همسنجی و ریشه‌یابی واژه‌ها باید تمام اجزاء واژه را مورد بررسی قرار داد و هرگونه دگرگونی آوایی را طبق قوانین فونتیک توجیه کرد.

- ۵- توضیحات افسانه مانند درباره‌ی ریشه‌ی واژه‌ها را باید با شک و تردید فراوان مورد

بررسی قرار داد. این گونه توضیحات که معمولاً همراه با یک داستان ارائه می شوند جالب‌اند ولی افسوس که درست نیستند! مثلاً گفته می شود که وجه تسمیه «تبریز» این است که در آنجا شاهزاده‌ای که سخت بیمار بود خوب شد و تب او «ریخت» و لذا نام شهر را «تبریز» نهادند! باید پرسید قبل از این رویداد نام تبریز چه بود؟

امید برای پژوهشهای آینده

همانطور که در بالا گفته شد، این کتاب عبارت است از گامی نخستین در راه یافتن همی واجریشه‌های هند و اروپایی زبان فارسی. گام‌های نخستین معمولاً خالی از کاستی و لغزش نیستند. امید من این است که پژوهشگران دیگر به تدریج کاستی‌ها را برطرف کرده و فرهنگ‌های کاملتری از ریشه‌های هند و اروپایی زبان فارسی ارائه دهند.

هنوز صدها واژه‌ی ناب فارسی وجود دارند که یافتن واجریشه‌ی هند و اروپایی آنها به بن‌بست برخورد کرده است. برای مثال به واژه‌های زیر توجه کنید:

۱- واژه‌ی «هاله» (یونانی: HALOS، لاتین: HALOS، انگلیسی: HALO، فرانسه: HALO؛ آلمانی: HOF) از کجا آمده و واجریشه‌ی هند و اروپایی آن چیست؟ هاله

۲- آیا واژه‌ی «شوره» (پهلوی: ŠOR) با واژه‌های انگلیسی: SOUR و آلمانی: SAUER (واجریشه‌ی هند و اروپایی: SUROS؛ POKORNY: 1039) هم‌ریشه است؟ سور

۳- واژه‌ی «لوج» فارسی با واژه‌های LOUCHE فرانسوی و LUSCUS لاتین همسانی جالبی دارد. آیا این همسانی اتفاقی است؟

۴- واژه‌ی «گور» با واژه‌های انگلیسی GRAVE و آلمانی GRAB همسانی چشمگیری دارد. آیا این واژه‌ها هم‌ریشه‌اند؟ گور

۵- گفته شده است که واژه‌ی فارسی «شیرین» از واژه‌ی فارسی «شیر» درست شده است (همانگونه که «سنگین» از «سنگ» آمده) ولی همسانی نسی آن با واژه‌های سانسکریت SVADOS و انگلیسی SWEET و آلمانی SUSS کنجکاری انگیز است.

۶- واژه‌ی فارسی «فرار» با واژه‌های انگلیسی FLEE و آلمانی FLIEHEN و دانمارکی FLYGTE (از واجریشه‌ی هند و اروپایی PLEUK؛ POKORNY: 837) همسانی‌های جالبی دارد ولی هیچکدام از پسگشت‌های در دسترس من اشاره‌ای هم‌ریشه‌های ایرانی و سانسکریت این واژه‌ها نمی‌کنند. آیا میان این واژه‌ها خویشی وجود دارد؟

۶۸۲۱۵۱۴

۲- واژه‌ی «نازک» فارسی با واژه‌های انگلیسی NARROW و آلمانی کهن NARWA و هلندی NAAR همسانی دارد ولی واج‌ریشه‌ی هند و اروپایی این واژه‌ها هنوز تعیین نشده است.

۳- واژه‌ی فارسی «پیشاب» با واژه‌های انگلیسی PISS و آلمانی PISSEN و دانمارکی PIS و هلندی PISSEN و نروژی PISS همسانی نسبی دارد ولی واج‌ریشه‌ی هند و اروپایی آنها معلوم نیست و گفته می‌شود که همه‌ی آنها «نام‌آوا» (ONOMATOPOIC) هستند.

۴- واژه‌های فارسی «پف» و «پف کردن» با واژه‌های انگلیسی PUFF و آلمانی PAFF و فرانسوی BOUFFÉE و دانمارکی PUST و هلندی PAFFEN همسانی نسبی دارند. آیا این واژه‌ها هم‌ریشه‌اند؟ واج‌ریشه‌ی هند و اروپایی آنها چیست؟

۵- آیا همسانی آشکار معنایی و آوایی واژه‌های «پنداره» و «پنداشتن» با واژه‌های لاتین PENSARE و فرانسوی PENSER و اسپانیایی PENSAR و ایتالیایی PENSARE اتفاقی است؟

۶- واژه‌ی فارسی «چیز» با واژه‌های فرانسوی CHOSE و اسپانیایی COSA و پرتغالی COISA از نظر آوایی و معنایی همسانی دارد. آیا این واژه‌ها نیز هم‌ریشه‌اند؟ واج‌ریشه‌ی هند و اروپایی آنها چیست؟

واج‌ریشه‌بایی این واژه‌ها و صدها واژه‌ی دیگر را به پژوهشگران جوانتر واگذار می‌کنم.

demasey din, toklu toklu yeyac ay, dim

خدا نگهدار

آب	فارسی (PERSIAN)
WATER	چم انگلیسی سر واژه‌ی فارسی:
*ĀP	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

APE : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن
ABANN : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

ĀP, APAM : (AVESTAN) اوستایی

ĀPI, APUS : (OLD PERSIAN) پارسی باستان

ĀB, ĀP : (PAHLAVI) پهلوی

ĀV, DjYRAV : (KURDISH) کردی

ĀP, ĀPA : (SANSKRIT) سانسکریت

APIA : (GREEK) یونانی

AMNIS : (LATIN) لاتین

EAV : (FRENCH) فرانسه

ŪPĒ : (LITHUANIAN) لیتوانی

UPĒ : (LATVIAN) لتونی (لتی)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY: .	51-52
MACKENZIE:	(WATER) 139
BUCK:	(WATER) 34-35
MALLORY	129
۱	برهان قاطع:
۳۵	لغت نامه دهخدا:

ĀTASH	فارسی (PERSIAN): آتش
FIRE	چم انگلیسی سر واژه‌ی فارسی:
*ĀTER	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	69
DELAMARRE:	(FEU) 179
MACKENZIE:	(FIRE) 114
BUCK:	71
AMINDAROV:	(FIRE) 247
۱۳-۱۴	برهان قاطع:
۶۵-۶۶	لغت نامه دهخدا:

ĀTER, ATARSH : (AVESTAN) اوستایی

ĀTUR, ĀTAXSH : (PAHLAVI) پهلوی

AGIR : (KURDISH) کردی

ĀTHARVAN, : (SANSKRIT) سانسکریت

EDHOS, HUTASH : ۳۵۳

AIREM : (ARMENIAN) ارمنی

AITHOS : (GREEK) یونانی

ATER : (LATIN) لاتین

EIT : (OLD FRISIAN) فریزی کهن

AITH : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

یادداشت:

۱- چم این واژه در ایرلندی کهن: تور.

چم این واژه در لاتین: سیاه، تیره.

۲- شاید واژه‌ی لاتین ĀTER با واژه لاتین ARDERE (← ARID ← ARDENT) هم‌ریشه باشد.

ĀZAR	فارسی (PERSIAN): آذر
FIRE	چشم انگلیسی سر واژه‌ی فارسی:
*EGNIS, *OGNIS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

UGNUS	لونی (LATVIAN):	ATHRAVAN, ĀDAR, (AVESTAN): اوستایی
ZJARR	آلبانی (ALBANIAN):	ATUR, ATHRA-
AGNIS	هیتی (HITTITE):	ĀTER (OLD PERSIAN): پارسی باستان

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	239
BARNHART:	(IGNEOUS) 506
DELAMARRE:	(LE FEU) 182
MACKENZIE:	5, (FIRE) 114
BUCK:	72
ONIONS:	(IGNEOUS) 461
SKEAT:	(IGNEOUS) 286
RAMAT:	11
برهان قاطع: (خاکستر) ۲۲ و ۷۰۲ و (اگر) ۵۳	

ADUR	(PAHLAVI): پهلوی
ĀGAR	(KURDISH): کردی
AGNI, AGNIS	(SANSKRIT): سانسکریت
IGNIS	(LATIN): لاتین
	(OLD CHURCH SLAVIC): اسلاوی کهن
OGNĪ	
OHEM	(RUSSIAN): روسی
OHEŇ	(CZECH): چک
OHEŇ	(SLOVAK): اسلواکی
UGNIS	(LITHUANIAN): لیتوانی

پادداشت:

معین (در پانوش برهان قاطع) این واژه را با "آتش" هم‌ریشه می‌داند.

ĀRĀSTAN	فارسی (PERSIAN): آراستن، -آرا
ADORN, ARRANGE	چشم انگلیسی سر واژه‌ی فارسی:
*RĒDH, *RŌDH	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

RATAN	اوستایی (AVESTAN): ĀRĀDH, -RADH
RATEN	آلمانی (GERMAN):
RADAN, (OLD ENGLISH): انگلیسی کهن	پهلوی (PAHLAVI): ĀRĀSTAN
RĒDAN, RĒD	سانسکریت (SANSKRIT): RADHNOTI
READ	لاتین (LATIN): PĒRI
(TIL)RĀDE	گوتیک (GOTHIC): GARĒDAN, RĒDAN
RĀDEN	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
(OLD CHURCH SLAVIC): اسلاوی کهن	RĀDHA
RADITI	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	59-60
BARNHART:	(READ) 891
MACKENZIE:	(ADORN) 101
BUCK:	1285
ONIONS:	(READ) 743
SKEAT:	(READ) 502
۳۰	برهان قاطع:

RADIETE	روسی (RUSSIAN):
RADIT	چک (CZECH):
RADIT	اسلواکی (SLOVAK):
IMMRĀDIM	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
AMRAUD	ولزی (WELSH):

یادداشت:

معنی این واژه در زبان‌های آلمانی و اسکاندیناوی و اسلاوی: پند دادن.

معنی این واژه در زبان انگلیسی: خواندن.

معنی این واژه در زبان سانسکریت: موقت شدن.

معنی این واژه در زبان لاتین: محاسبه کردن.

ĀRĀM, ĀRAMIDAN	فارسی (PERSIAN): آرام، آرامیدن، آرام، آرامیدن
QUIET, EASE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*REM-, *REMYŮ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

RIM	انگلیسی (شاید) (ENGLISH):	RAMYEITI, RAMAN	اوستایی (AVESTAN):
RANDE	نروژی (شاید) (NORWEGIAN):	RAMYAT, RAM	
RAMTIS, RIMTI	لیتوانی (LITHUANIAN):	ĀRĀMITAN,	پهلوی (PAHLAVI):
RAMDITI		RĀMISHN, RĀM, RĀMĒNITAN	
RAMS	لتونی (لتی) (LATVIAN):	RĀM, RAM	تخاری A (TOKHARIAN A):
RIM	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	RAM	تخاری B (TOKHARIAN B):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	864
BARNHART:	930
DELAMARRE:	(SE CALMER) 276
MACKENZIE:	79, (EASE) 112
۳۰ و ۱۳۰	برهان قاطع:

RĀMAYATI	سانسکریت (SANSKRIT):
ERĒMA	یونانی (GREEK):
RIMIS	گوتیک (شاید) (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (شاید) (OLD SCANDINAVIAN):
RIMI	
	آلمانی کهن (شاید) (OLD HIGH GERMAN):
RAMA	
RIMA	انگلیسی کهن (شاید) (OLD ENGLISH):

یادداشت:

- ۱- معنی این واژه در لیتوانی: آرام کردن.
 معنی این واژه در ایرلندی کهن: قرار دادن.
 معنی این واژه در انگلیسی: حاشیه، لبه.
 ۲- BARNHART واژه‌های ژرمنی این فهرست را از یک ریشه‌ی ناشناخته می‌پندارد.

ĀRENJ	فارسی (PERSIAN): آرنج، آرنج، آرنج
ELBOW	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*EL, *ELĒ, *OLENĀ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

LAK-	اوستایی (AVESTAN): ARETHNA
LOKIEC	لهستانی (POLISH): ARASHNISH
LŌKOT	روسی (RUSSIAN): ARANJ
LOKET	چک (CZECH): ENITHK
LAKET	اسلواکی (SLOVAK): ARATNI
ALKUNI	لیتوانی (LITHUANIAN): OLN, ALELN
ELKUONS	لتونی (LATVIAN): ŌLĒN
UILENN	ایرلندی کهن (OLD IRISH): ULNA
ELIN	ولزی (WELSH): ALEINA
ILIN	بروتونی (BRETON):

ELNOGI

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

ELINBOGEN

آلمانی (GERMAN): ELLENBOGEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): ELNBOGA

انگلیسی (ENGLISH): ELBOW

دانمارکی (DANISH): ALBUE

سوئدی (SWEDISH): ARMBAGE

نروژی (NORWEGIAN): ALBUE

هلندی (DUTCH): ALLEBOOG

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	309, 309
BARNHART:	319
DELAMARRE:	105
MACKENZIE:	11, (ELBOW) 112
BUCKL:	237-283
ONIONS:	(ELBOW) 305
SKEAT:	(ELBOW) 190
DICTIONARY:	(EL-) 2027
۳۱۹	برهان قاطع:

یادداشت:

- ۱- برهان قاطع: و دمخدا و معین ریشه‌ی این واژه را نمی‌دهند.
- ۲- BARNHART, ONIONS فقط ریشه‌های ژرمنی این واژه را می‌دهند.
- ۳- SKEAT ریشه‌ی سانسکریت این واژه را می‌دهد ولی ریشه‌ی اوستایی آن را نمی‌دهد.
- ۴- معنی این واژه در برخی زبان‌های رومانی: زند زیرین، استخوان آرنج.

فارسی (PERSIAN):	آرواره، آره	ĀRVĀRĒ, ĀRĒ
چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	JAW	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*AULOS-	

اوستایی (AVESTAN):	HANUHARENA	AULYS	لیتوانی (LITHUANIAN):
پهلوی (PAHLAVI):	ĒRWĀRAG, ĒRVĀRAK	AULINI	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):
یونانی (GREEK):	AULÓS		

لاتین (LATIN):	ALVEOLUS, ALVEUS	پسگشت‌ها	REFERENCES
فرانس (FRENCH):	ALVÉOLE	88	POKORNY:
اسپانیایی (SPANISH):	ALVÉOLO	27	BARNHART: (ALVEOLUS)
ایتالیایی (ITALIAN):	ALVEOLO	120	MACKENZIE: (JAW)
پرتغالی (PORTUGUESE):	ALVÉOLO	29	ONIONS: (ALVEOUS)
انگلیسی (از لاتین) (ENGLISH):	ALVEOLUS	17	SKEAT: (ALVEOLAR)
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	ULYJ	برهان قاطع:	۳۲
		لغت‌نامه دهخدا:	۱۰۹

یادداشت:

- ۱- شکل این واژه در گویش خوناری چنین است: ELVĀRA (و شباهت آن با هم‌ریشه‌های لاتین و یونانی آن نسبتاً آشکار است). لازم به توضیح است که در هیچ کدام از مراجع اشاره‌ای به رابطه‌ی "آرواره" با این واژه‌ی هند و اروپایی نشده است ولی در لغت‌نامه‌ی دهخدا (صفحه‌ی ۱۰۹) به این خویشی احتمالی اشاره شده است.
- ۲- چشم این واژه در زبان یونانی و لاتین: حفره، لوله، حفره‌ی فک که دندان در آن قرار دارد.
- چشم این واژه در زبان لیتوانی: لایه‌ی زنبور.

فارسی (PERSIAN):	آروغ، آروق، روغ، آغ (آغ زدن)	ĀROGH
چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	BELCH	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*REU-, *REUG-, *HREUG-	
ارمنی (ARMENIAN):	ORCAM, ORUCAM	EREÜGOMAI
یونانی (GREEK):		

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

RYGAJO

RYGATI روسی (RUSSIAN):

RBAUGMI، لیتوانی (LITHUANIAN):

RŪGIU

RUBENIS لونی (LATVIAN):

RUCTAN پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):

RUCTUS, RUCTARE, لاتین (LATIN):

ERUCTARE- ERŪGŌ

ROT, ERUCTER, فرانسه (FRENCH):

ERUCTION

ERUCTO, اسپانیایی (SPANISH):

ERUCTARE

RUTTO, RUTTARE ایتالیایی (ITALIAN):

ARROTO پرتغالی (PORTUGUESE):

(OLD SCANDINAVIAN) کهن ايسلندی:

ROPA, RYPTA

(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن:

RUFEZZEN

RŪLPSEN آلمانی (GERMAN):

(OLD ENGLISH) انگلیسی کهن:

ROCETTAN

ERUCTATE انگلیسی (ENGLISH):

RYPE, RJUPTA نروژی (NORWEGIAN):

یادداشت:

۱- معنی این واژه در یونانی: قی کردن.

۲- دهخدا و معین و برهان قاطع: ریشی این واژه را نمی دهند.

۳- SKEAT, ONIONS این واژه را تا ریشی هند و اروپایی پیگیری نمی کند.

آریا، آریان، آوین	فارسی (PERSIAN):
ĀRYĀ, ĀRYĀN	
ARYAN	جیم انگلیسی سرواژه فارسی:
*ARYOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
ARIA	یونانی (GREEK):
ARIANA	لاتین (LATIN):
ARYEN	فرانسه (FRENCH):
	ايسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
IRAR	
IRAS	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
ARIYO, ARIIA	اوستایی (AVESTAN):
ARIYA	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
ERA, ERĀNAG, ĒRAN	پهلوی (PAHLAVI):
IROE, IRON	اوستی (OSSETIC):
ĀRYAS, ARYEN,	سانسکریت (SANSKRIT):
ARYA-	

REFERENCES	پسگشت‌ها
BARNHART: (ARYAN) 54, (IRISH) 544	
DELAMARRE:	47
MACKENZIE:	30, (ARYAN) 103
ONIONS:	485
RAMAT:	126
۱۹۴ و ۳۳	برهان قاطع:

ARYAN : (ENGLISH) انگلیسی

AIRE, ERIU : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

ERIN : (IRISH) ایرلندی

andam vermagib ?

یادداشت:

۱- RAMAT و شماری دیگر معتقدند که این واژه با واژه‌ی IRISH, IRLAND هم‌ریشه نیست و اصولاً ممکن است واژه‌ی "آریا" هند و اروپایی نباشد.

۲- شمار بیشتری از دانشمندان معتقدند که "آریا" نام چند قوم از هند و اروپائیان بوده که در هند (ARYAS) و در ایرلند (IRELAND, ERIU, IRISH, ERIN) و در اُبت (IROE, IRON) ساکن شدند و نام خود را به آن سرزمین‌ها دادند.

۳- واژه‌ی "ایران" نیز از همین ریشه است (پارسی باستان AIRYA) پهلوی ĒRAN، یونانی (AREIA)، لاتین (ARIANUS).

۴- BARNHART معتقد است که ممکن است این واژه با واژه‌های لاتین ALIENOS, ALI-QUIS (انگلیسی ALIEN) هم‌ریشه باشد.

آز	فارسی (PERSIAN): آز (به چَم "حرص"، "خواهش شدید")
GREED	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*AGH-, *AIGH-, *IGH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ایسندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	اوستایی (AVESTAN): ĀZI, ĀZA, ĀZASH,
AGI	ASI, AZISH
آلمانی کهن (شاید) (OLD HIGH GERMAN):	پهلوی (PAHLAVI): ĀZ, AZWARĪH
EGI	نخاری A (TOKHARIAN A): ĀKĀL
انگلیسی کهن (شاید) (OLD ENGLISH):	نخاری B (TOKHARIAN B): AKĀLK, ĀK
EGLAN	سانسکریت (SANSKRIT): ĪHATĒ, ĪHĀ, ĀJĪ-
AIL, AWE	یونانی (GREEK):
	ACHEN, ICHAO, ACHOS
	گوتیک (شاید) (GOTHIC): -AGLJAN

ONIONS:	(AIL) 21	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:	(AIL) 11-12, (AGH) 754	POKORNY:	14,7
۳۴	برهان قاطع:	BARNHART:	(AIL) 21, (AWE) 68
		MACKENZIE:	15, 16(GREED) 116.

یادداشت:

۱- POKORNY در صفحه‌ی ۱۴ واجریه‌ی "آز" را می‌دهد (*A(I)GH-) و در صفحه‌ی ۷ نیز واجریه‌ی *AGH را برای واژه‌های AIL و غیره می‌دهد. به پندار من این دو واجریه یکی هستند ولی برای مزید اطمینان جلو واجریه‌های مشکوک نوشته‌ام (شاید).

۲- معنی این واژه در سانسکریت: آرزو، نبرد.

معنی این واژه در یونانی: نیاز، مشقت.

معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: ترس، درکشیدن.

آزاد	فارسی (PERSIAN):
FREE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GEN, *GEGONA	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
KIND	آلمانی (GERMAN):
-KUND	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
ZETŪ, ZĒT	
ZHĒNTAS	لیتوانی (LITHUANIAN):
-GNĀTUS	گالی (GALISH):
GENETH	ولزی (WELSH):
پسگشت‌ها	REFERENCES
373-374	POKORNY:
256	DELAMARRE: (NAITRE)
115	MACKENZIE: (FREE)
227	AMINDAROV: (FREE)
۳۴	برهان قاطع:
آوستایی (AVESTAN):	Ā-ZĀTA
پهلوی (PAHLAVI):	ĀZĀT, ĀZĀD
کردی (KURDISH):	AZAD
بلوچی (BALUCHI):	ĀZĀD
افغانی (پشتو) (AFGHANI):	ĀZĀD
سانسکریت (SANSKRIT):	AJANANTA
یونانی (GREEK):	GNŌTOS
لاتین (LATIN):	NĀTUS, GIGNŌ
گوتیک (GOTHIC):	-KUNDS
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	
	KUNDR
ساکسونی کهن (OLD SAXON):	KIND
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	
	KIND

یادداشت:

چشم‌های این واژه در زبان‌های این فهرست: آزاد، فرزنده، دختر، پسر، زن پسر، زاده.

آزار، آزدن، آزاردن	فارسی (PERSIAN):
ĀZĀR, AZORDAN, ĀZARDAN	
آزار، آزدن، آزاردن، آزاردن	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
INJURE, TORMENT, INJURY, HARM	
آزار، آزدن، آزاردن	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
*ANGH-, *ANGHOS	

آزار، آزدن، آزاردن	انگلیسی (ENGLISH):	آزار، آزار	آوستایی (AVESTAN):
ANGER		ZAR-, AZAH	
آزار، آزدن، آزاردن	دانمارکی (DANISH):	آزار، آزاریتان،	پهلوی (PAHLAVI):
ANGSTELSE		ĀZĀR, ĀZARITAN,	
آزار، آزدن، آزاردن	سوئدی (SWEDISH):	ĀZĀRISHN, ĀZĀRDAN	
ĀNGSLAN		آزار، آزار	سانسکریت (SANSKRIT):
ANGS, ENG	هلندی (DUTCH):	ĀNHAS, ANHÓS	
آزار، آزدن، آزاردن	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	ANCHEIN	یونانی (GREEK):
OZOSTU		ANGOR, ANGORIS,	لاتین (LATIN):
ANKSHTAS	لیتوانی (LITHUANIAN):	ANGERE, ANGUSTUS	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	42-43
BARNHART: (ANGST) 35, (ANGER) 34	
DELAMARRE:	(ANGOISSE) 87
MACKENZIE:	(TORMENT) 137, (INJURE) 119
BUCK:	1121
ONIONS:	(ANGER, ANGUISH) 37
SKEAT:	(ANGER) 22
۳۵	برهان قاطع:

آزار، آزدن، آزاردن	فرانس (FRENCH):
ANGOISSE	
ANISA, ANSIEDAD	اسپانیایی (SPANISH):
ANGWUS	گوئیک (GOTHIC):
آزار، آزدن، آزاردن	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
ANGR, ONGR	
ANGOST	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
آزار، آزدن، آزاردن	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
ANGUST, ENGI	
ANGST, ENG	آلمانی (GERMAN):
ENGE,	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
ANGNES	

یادداشت:

۱- واژه‌های انگلیسی ANXIETY, ANXIOUS, ANGUISH هم از همین ریشه‌اند.

۲- چشم این واژه در زبان انگلیسی: چشم.

چشم این واژه در زبان‌های ارمنی، نگرانی، عذاب درونی، دلوایی، تنگ، تنگ.

آزار، آزار	فارسی (PERSIAN):
ĀZAGH, ĀZOGH	
آزار، آزار	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
BRANCH	
*OZGO, *HOSGOS, *OZDOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

آزار، آزار	ارمنی (ARMENIAN):	آزار، آزار	پهلوی (PAHLAVI):
OST		ASG	
ĀDCHOS, OZOS	یونانی (GREEK):	ADGU, ĀDGA	سانسکریت (SANSKRIT):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	786
DELAMARRE:	(BRANCHE) 171
MACKENZIE:	(BRANCH) 105
BUCK:	523-524
۱۱۴ و ۳۷	برهان قاطع:
۲۱۹	فرهنگ معین:
۱۹۸۹	لغت‌نامه دهخدا:

ASTS	گوتیک (GOTHIC):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
AST	
AST	آلمانی (GERMAN):
OST	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
ODB	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
ODDF	ولزی (WELSH):

یادداشت:

POKORNY دو واج‌ریشه‌ی هند و اروپایی *OZGH0, *OZDOS را به صورت دو قلم مجزا می‌دهد (POKORNY: 785-787).

ĀZMĀYESH, ĀZMŪDAN, ĀZMŪN	فارسی (PERSIAN): آزمایش، آزمودن، آزمون
TEST, EXAMINE, EXAMINATION	چشم‌انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*ŪD-, *UDTəMOS+MĒ-, *MET-, *MĒNO-, *MĒTŌ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

AZMISHT	اوستایی (AVESTAN):
ŪD+MATI	پارسی‌باستان (OLD PERSIAN):
	US+MĀTAR-

پهلوی (PAHLAVI):

POKORNY:	1102-1103, 703-704	AZMĀYISHN, UZMŪDAN, ŪZMĀY,
MACKENZIE:	(TEST) 136	AZMĀYISHN, UZMŪDAN, ŪZMĀY-
۳۷	برهان قاطع:	ĀZMŪN
۴۹	فرهنگ معین:	AZMOYANA,

کردی (KURDISH):

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

یادداشت:

واژه‌ی اوستایی این فهرست مرکب است از دو واج‌ریشه‌ی هند و اروپایی: ۱- ŪD (یا UDTəMOS) که وندهای زیر نیز از همین واج‌ریشه‌اند: سانسکریت -ŪD، یونانی: Ū-، لاتین -ŪS، ایرلندی کهن -ŪSS، گوتیک: -ŪT، آلمانی کهن: -ŪZ، آلمانی: -ŪT، انگلیسی کهن: -ŪT، انگلیسی: OUT (POKORY: 1103-1104).

۲- MĒ- (یا MET-) که واژه‌های زیر نیز از همین واج‌ریشه‌اند: سانسکریت -MATI، یونانی: -MĒTIS، (MĒTRON)، لاتین: -MĒTIOR، ایرلندی کهن: -MĀL، آلمانی کهن: -MĀL، انگلیسی کهن: -MĒL.

آس	فارسی (PERSIAN): آس (به چم سنگ آسیاب)
MILL STONE	چم انگلیسی سرواژه فارسی:
*AK-, *OK-, *HEK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

OSTŪ, OSLA	اوستایی (AVESTAN): ASAN, ASMAN
OSELKA: لهستانی (POLISH)	پهلوی (PAHLAVI): ĀSY-, ĀSYĀG
OSĚLOK: روسی (RUSSIAN)	سانسکریت (SANSKRIT): ASAN, ASRI
OSINA: چک (CZECH)	ارمنی (ARMENIAN): ASELAN, ASELN
:لیتوانی (LITHUANIAN)	یونانی (GREEK): AKĒ, AKIS
ASHTRUS, AKSHTIS	لاتین (LATIN): ACIES,
ASHS: لتونی (LATVIAN)	ACIDUS, ACERE, ACUS
ACKONS: پروسی کهن (OLD PRUSSIAN)	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): EGG
HOGI: ولزی کهن (OLD WELSH)	ساکسونی کهن (OLD SAXON): EGGIA
ATHĒTE: آلبانی (ALBANIAN)	فریزی کهن (OLD FRISIAN): EGG
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	18
BARNHART:	(EDGE) 315
MACKENZIE:	13, (MILLSTONE) 123
BUCK:	32
ONIONS:	(EDGE) 301
SKEAT:	(AK-) 752, (EDGE) 188
MALLORY & ADAMS:	ĀS
۳۹	برهان قاطع:

ECKA	
ECKE: آلمانی (GERMAN)	
ECG: انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	
EDGE: انگلیسی (ENGLISH)	
GE: دانمارکی (DANISH)	
EGG: سوئدی (SWEDISH)	
AGGE, UGG: نروژی (NORWEGIAN)	
EGGE: هلندی (DUTCH)	
:اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	

یادداشت:

۱- معنی این واژه در زبان ارمنی: سوزن.

معنی این واژه در زبان یونانی: نوک.

معنی این واژه در زبان آلمانی و زبانهای اسکاندیناوی: گوشه، کج.

معنی این واژه در زبان لاتین: تند، تیز، برنده.

معنی این واژه در زبان انگلیسی: لبه.

۲- بازگشت به "سنگ".

آستار	فارسی (PERSIAN):
آستار	آستر
LINING, COATING, UNDERCOAT, UNDERCOATING	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WES-, *WESMN-, *WESTIS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید):

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

WERIEN, WESTER

WERIAN انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

WEAR انگلیسی (ENGLISH):

GWISG ولزی (WELSH):

GWISK برتونی (BRETON):

WASSIYA-, WESSIYA-, هیتی (HITTITE):

WESTRA

اوستایی (AVESTAN): VASTE, VASTRA-,

VANHANĀM, WASTRĀM

پهلوی (PAHLAVI): WASTAR,

WASTARAG-, ĀSTAR

تخاری A (TOKHARIAN A): WSĀL

تخاری B (TOKHARIAN B): WASTSI

سانسکریت (SANSKRIT): VĀSTE, VAS,

VASTRAM

ارمنی (ARMENIAN): Z-GEST

یونانی (GREEK): ESTHĒS, HĒSSAI,

EĪMA

لاتین (LATIN): VESTIS, VESTĪRE

فرانس (FRENCH): VĚTEMENT

اسپانیایی (SPANISH): VESTIDO

ایتالیایی (ITALIAN): VESTITO

رومانی (RUMANIAN): VESTA

پرتغالی (PORTUGUESE): VESTE, VESTIR

گوتیک (GOTHIC): WASJAN, WASTI

ایسکلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

VERJA

نورس کهن (OLD NORSE): VEST

یادداشت:

۱- رابطه‌ی واژه‌ی "آستر" (پهلوی ĀSTAR) با دیگر واژه‌های این فهرست در هیچ کدام از پیگشت‌ها (مراجع) من داده شده است و لذا در جلو و اجریشی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

۲- چشم همدی واژه‌های این فهرست (به جز واژه‌ی پهلوی ĀSTAR): جامه، پوشاک، پوشیدن.

REFERENCES	پیگشت‌ها
POKORNY:	1172
BARNHART: (WEAR) 1224, (VEST) 1207	
DELAMARRE: (VĚTEMENT) 112	
MACKENZIE: (CLOTHING) 107	
	(CLOTHING, CLOTHES)
BUCK:	394-396
ONIONS: (WEAR) 996	
SKEAT: (WEAR) 707-705	
۱۳۴-۱۳۵	لغت‌نامه دهخدا:
۴۱	برهان قاطع:
۵۳	فرهنگ معین:

asman
asman

ĀSMĀN	فارسی (PERSIAN): آسمان
SKY	چشم انگلیسی سرواژه فارسی:
*AKMON, *KAMR, *AK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

HAMER	هلندی (DUTCH):	ASMAN	اوستایی (AVESTAN):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):		پارسی باستان (OLD PERSIAN):

KAMY		ATHANGAINA	
KAMIEN	لهستانی (POLISH):	ASMĀN	پهلوی (PAHLAVI):
KÁMEN	روسی (RUSSIAN):	E'SMAN	کردی (KURDISH):
KÁMEN	چک (CZECH):	ĀSMĀN	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
KAMEŇ	بلغاری (BULGARIAN):	ASHMAN,	سانسکریت (SANSKRIT):
AKMŪŌ,	لیتوانی (LITHUANIAN):	ĀSMAN	
ASHMENS		ĀKMŌN	یونانی (GREEK):
		HIMINS	گوتیک (GOTHIC):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	18-19
BARNHART:	(EDEG) 315,
(HAMMER) 463	
DELAMARRE:	(PIERRE, CIEL) 178
MACKENZIE:	(SKY) 133
BUCK:	52
SKEAT:	(HAMMER) 259,
(AK-) 752, (EDGE) 188,	
۱۳۴ و ۳۰۹	برهان قاطع:
۵۵	فرهنگ معین:

HAMMARR	
HAMUR	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
HOMER	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
HAMMAR	
HAMMER	آلمانی (GERMAN):
HAMOR	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
HAMMER	انگلیسی (ENGLISH):
HAMMAR	دانمارکی (DANISH):
HAMMARE	سوئدی (SWEDISH):
HAMMAR	نروژی (NORWEGIAN):

یادداشت:

۱- معنی این واژه در سانسکریت و اوستایی و زبان‌های اسلاوی: سنگ.

معنی این واژه در ژرمنی: چکش.

معنی این واژه در یونانی: ستون.

۲- هم‌ریشه‌ی واج‌ریشه‌ی هند و اروپایی *ASRIS به معنی "لیه" یا "حاشیه" است.

۳- SKEAT فقط واژه‌های ژرمنی را می‌دهد و معتقد است که سرچشمه‌ی این واژه ناشناخته است.

ĀSĒ	فارسی (PERSIAN): (آسَه) (به چَم محور)
AXIS, AXLE	چَم انگلیسی سرواژه فارسی:
*ASKSĀ, *AKS, *AKSIS, *AKSEN	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

AS	هلندی (DUTCH):	ASHAYĀ	اوستایی (AVESTAN):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	AKSAS, AKSHAS	سانسکریت (SANSKRIT):
OST		ANUT	ارمنی (ARMENIAN):
OS	لهستانی (POLISH):	AXŌN	یونانی (GREEK):
OS	روسی (RUSSIAN):	AXIS	لاتین (LATIN):
OSA	چک (CZECH):	ESSIEU	فرانس (FRENCH):
OS	اسلواکی (SLOVAK):	EJE	اسپانیایی (SPANISH):
ASSIS	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	ASSE	ایتالیایی (ITALIAN):
AIS	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	OSIE	رومانی (RUMANIAN):
ECHEL	گالی (GAULISH):	ACHSE	گوتیک (GOTHIC):
			ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگنت ما
POKORNY:	6
BARNHART:	(AXIS) 69
DELAMARRE:	(ESSIEU) 125
BUCK:	725
ONIONS:	(AXIS, AXLE) 66
SKEAT:	(AXIS, AXLE) 42
ØV	فرهنگ معین: (آسه)

OXULL	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
AHSA	
ACHSE	آلمانی (GERMAN):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
EAX, OXULL	
AXIS, AXLE	انگلیسی (ENGLISH):
AKSEL	دانمارکی (DANISH):
AXEL	سوئدی (SWEDISH):

ĀSH	فارسی (PERSIAN): (آش)
AASH (PERSIAN VEGETABLE SOUP)	چَم انگلیسی سرواژه فارسی:
*ED-, *OD-, *ĒDTO-, *ĒDO-, *ĒDĀ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ITAN	گوتیک (GOTHIC):	ATHITI	اوستایی (AVESTAN):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	AS, AD, ĀDMI	سانسکریت (SANSKRIT):
ETA		UTEM	ارمنی (ARMENIAN):
ETAN	ساکسونی کهن (OLD SAXON):	ÉDEIN, ÉDŌ	یونانی (GREEK):
ĪTA	فریزی کهن (OLD FRISIAN):	ĒSSE, EDERE	لاتین (LATIN):

utum
yodin

آشکارا
آشکارا
آشکارا

آشکارا، آشکارا (LITHUANIAN):	آشکارا (OLD HIGH GERMAN):
ĒSTI, ĒDU, ĒDMI	EZZAN
ĒST, EDŪ (LATVIAN):	ESSEN (GERMAN):
ESSE, ITH (OLD IRISH):	ETAN (OLD ENGLISH):
YS (GAULISH):	EAT (ENGLISH):
YSU (WELSH):	æDE (DANISH):
ETMI, ETIR, ET- (HITTITE):	ĀTA (SWEDISH):
	ETEN (DUTCH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	287-288
BARNHART:	(EAT) 312
DELAMARRE:	(MANGER) 254
BUCK:	(EAT) 327-328
ONIONS:	(EAT) 298
SKEAT:	(EAT) 187
۴۴	برهان قاطع:

آشکارا، آشکارا (OLD CHURCH SLAVIC):	JASTŪ, ĒSTI, JAMI
آشکارا (POLISH):	JESŃ
آشکارا (RUSSIAN):	JEST
آشکارا (CZECH):	JĚST
آشکارا (SERBIAN):	JESTY
آشکارا (BOHEMIAN):	JISTY
آشکارا (SLOVAK):	JEST

یادداشت:

- ۱- چشم اصلی واژه‌ی "آش": خورش (مثلاً در واژه‌ی "آشپز").
 ۲- واژه‌های هم‌ریشه‌ی "آش" در زبان‌های دیگر همه به صورت شکل‌های گوناگون فعل "خوردن" هستند (مثلاً واژه‌ی انگلیسی EAT یعنی "خوردن" و واژه‌ی ETMI یعنی "می‌خورم").

dispara
na para
dispara

آشکارا، آشکارا (PERSIAN):	آشکارا، آشکارا
EVIDENT, OBVIOUS	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*AWIS-, *ĀWIS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

AVISHYA, ĀVISHA, (AVESTAN):	آویشیای
ĀVISH	آویش
ĀSHKĀRĀG, (PAHLAVI):	پهلوی
(TOKHARIAN B) B	تخاری B
OM-PALOKONNE	آویش
ĀVIS, - AVATI, (SANSKRIT):	سانسکریت
AVISTYA	آویش

AVIEIN (GREEK):	یونانی
AUDITUS, AUDIRE (LATIN):	لاتین
(OLD CHURCH SLAVIC):	اسلاوی کهن
AVITI, AVĒ, JAVĒ	آویش
Ovytis (LITHUANIAN):	لیتوانی
USHK- (HITTITE):	هیتی

ONIONS:	(AUDIBLE) 62	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:	(AUDIBLE) 38	POKORNY:	78
۴۵	برهان قاطع:	BARNHART:	(AUDIBLE) 64
		MACKENZIE:	13, (EVIDENT) 113

یادداشت:

۱- معنی این واژه در هند و اروپایی و سانسکریت و اوستایی: فهمیدن، فهم.

معنی این واژه در لاتین و زبان‌های رومانس، یونانی: شنیدن.

معنی این واژه در بخاری B: تفکر روحانی.

۲- واژه‌های AUDIENCE, AUDIT و مشتقات آنها در انگلیسی و فرانسه و اسپانیایی و ایتالیایی از ریشه‌ی لاتین این واژه برگرفته شده‌اند.

۲۹۲۴

ĀSHŪB, ĀSHOFTAN	آشوب، آشفتن، آشوفتن	فارسی (PERSIAN):
DISTURBANCE		چشم انگلیسی سرواژه فارسی:
*KSEUBH-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اوستایی (AVESTAN): AXSHAOB, XSHAOB

پهلوی (PAHLAVI): ASHŌB

سانسکریت (SANSKRIT): KSOBHA-

KSUBHYATI

لهستانی (POLISH): CHYBĄĆ

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	625
MACKENZIE:	(DISTURBANCE) 111
۱۵۵-۱۵۶	لغت‌نامه دهخدا:

ĀGHĀRDAN, ĀGHĀRIDAN	آغاریدن، آغاریدن (به چشم خیساندن)	فارسی (PERSIAN):
SOAK		چشم انگلیسی سرواژه فارسی:
*GHERTO-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

سانسکریت (SANSKRIT): GHRTAM,

JIGHARTI

GERT : (MIDDLE IRISH) ایرلندی میانه

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	445
BUCK:	388
۴۷	برهان قاطع:
۱۵۹	لغت‌نامه دهخدا:
۱۲۱	فرهنگ بزرگ سخن:

فارسی (PERSIAN):	آکندن، آکند، آکنش، آگنش، - آگین
چشم انگلیسی سرواژه فارسی:	STUFF
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*GWHEN-, *GWHN-, *GWHONOS

پهلوی (PAHLAVI):	ĀGANDAN, ĀKANDAN
سانسکریت (SANSKRIT):	GHANAS,
	AHAND, HAND
ایوانی (LITHUANIAN):	GONĖJETE, GANA-, GONĖTI,
	GANA, GANDETI

پسگشت‌ها	REFERENCES
491	POKORNY:
برهان قاطع:	۷۵-۷۶

ارمنی (ARMENIAN):	YOGN
یونانی (GREEK):	EUTHENĒS
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	

یادداشت:

- ۱- معنی این واژه در اسلاوی کهن و لیتوانی: کافی بودن.
- ۲- این واژه‌های هند و اروپایی عیناً مانند واژه‌های هند و اروپایی *GWHEN به معنی "زدن" و "کشتن" است. (بازگشت به "زدن").

فارسی (PERSIAN):	آگاه
چشم انگلیسی سرواژه فارسی:	AWARE
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*KWEK-, *KWÖK-, *KWEKS

اوستایی (AVESTAN):	ĀKAS, AKASAT
پهلوی (PAHLAVI):	ĀKĀS, ĀGĀH
اوسنی (OSSETIC):	KASIN
کردی (KURDISH):	AGAH
سانسکریت (SANSKRIT):	KĀSATĒ
یونانی (GREEK):	TECHMAŌ
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	
	KAZATI

پسگشت‌ها	REFERENCES
638	POKORNY:
103 (AWARE)	MACKENZIE:
10	AMINDAROV:

یادداشت:

- این واژه با واژه‌های "نگاه" و "چشم" هم‌ریشه است. بازگشت به: نگاه.

فارسی (PERSIAN):	آله، آلود، الوه (به چشم عقاب)
چشم انگلیسی سرواژه فارسی:	EAGLE
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*REG-, *(ER-)

EAGLE: (ENGLISH) (شاید) انگلیسی
 (OLD CHURCH SLAVIC) (شاید) اسلاوی کهن
 ORILŪ
 *ORĖL: (RUSSIAN) (شاید) روسی
 ERĖLIS, : (LITHUANIAN) (شاید) لیتوانی
 ARĖLIS, ĀRAS
 ERGLIS, : (LATVIAN) (شاید) لتونی (لتی)
 ERDLIS
 : (OLD PRUSSIAN) (شاید) پروسی کهن
 ARELIE
 HARAS, : (HITTITE) (شاید) هتیت
 HARANASH

REFERENCES	پسگشت ما
POKORNY:	854-855
MACKENZIE: (ALUH) 7, (EAGLE) 112	
ONIONS: (EAGLE) 297	
SKEAT: (EAGLE) 310	
۵۸	برهان قاطع:
۲۳۲۱	فرهنگ معین:

ARVA, EREZI-THIA: (AVESTAN) اوستایی
 ARDUTHIA: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
 ĀLUH: (PAHLAVI) پهلوی
 HALU, ALEH, EYLO: (KURDISH) کردی
 RJRĀ-: (SANSKRIT) سانسکریت
 ARCTV: (ARMENIAN) ارمنی
 AIGUIPOS: (GREEK) یونانی
 AQUILA: (LATIN) لاتین
 AIGLE: (FRENCH) فرانسه
 AGUILA: (SPANISH) اسپانیایی
 AGUILA: (ITALIAN) ایتالیایی
 ACERD: (RUMANIAN) رومانی
 AGUIA: (PORTUGUESE) پرتغالی
 ARA: (GOTHIC) گوتیک (شاید)
 : (OLD SCANDINAVIAN) (شاید) اسلندی کهن

JARL

: (OLD HIGH GERMAN) (شاید) آلمانی کهن
 ARO
 ADLER, AAR: (GERMAN) آلمانی (شاید)
 : (MIDDLE ENGLISH) (شاید) انگلیسی میانه
 EGLE

یادداشت:

- ۱- این واژه با واژه‌ی "راست" هم‌ریشه است.
- ۲- ONIONS و SKEAT فقط تاریخی لاتین AQUILA به عقب می‌روند.
- ۳- BARNHART معتقد است که شاید این واژه با واژه‌ی لاتین AQUA (آب) هم‌ریشه باشد.
- ۴- POKORNY فقط واژه‌های ایرانی و ارمنی و یونانی این فهرست را از واجریشی *REG- می‌داند و بقیه را از واجریشی *ER- می‌داند.
- ۵- DELAMARRE بیشتر واژه‌های این فهرست را از واجریشی *ORN- یا *OROS- می‌داند.
- ۶- پندار نویسنده‌ی کتاب حاضر این است که این واژه‌ها به احتمال زیاد همه از یک واجریشه‌اند ولی برای آگاهی خواننده، جلد واژه‌های مشکوک (شاید) آورده است.

فارسی (PERSIAN): آلِيز، آلِيزِدين، آلِبختن (به چَم "جفتک انداختن")	ĀLEEZ, ĀLEEZEEDAN
چَم انگلیسی سرواژه فارسی:	(HORSE) REAR, BUCK
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*LEIG-, *LOIG

لیتوانی (LITHUANIAN):	LAIGYTI,
	LAIGYMAS
ایرلندی (IRISH):	LOIG
بریتونی (BRETON):	LŪE

کردی (KURDISH):	LIZIM, BE-LEZIOM
سانسکریت (SANSKRIT):	RAJATI, REJATE-
یونانی (GREEK):	ELEIZŌ
گوتیک (GOTHIC):	LAIKAN, LAIKS
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	

پسگشت‌ها	REFERENCES
667-668	POKORNY:
HLEIG	MALLORY & ADAMS:
برهان قاطع:	۵۸
لغت‌نامه دهخدا:	۲۰۲

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	LEIKA
	LEIH, LEICHEN
آلمانی (GERMAN):	LAICH
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	LĀC,
	LĀCAN

یادداشت:

معنی این واژه در کردی: بازی.

معنی این واژه در ایرلندی: گوساله.

معنی این واژه در گوتیک: جست و خیز کردن، رقصیدن.

معنی این واژه در انگلیسی کهن و آلمانی کهن: پریدن.

معنی این واژه در آلمانی: (ماهی) تخم ریزی کردن، بچه آوردن.

معنی این واژه در سانسکریت: لرزیدن.

فارسی (PERSIAN): آماج (به چَم "شپار" و "آهن جفت" و "آهن قلاو آهن")	ĀMĀJ
چَم انگلیسی سرواژه فارسی:	۱۰۵۰ ۸۰۵۰
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*MAT

رومانی (RUMANIAN):	MATTEA
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	
	MEDELA
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	MATTOC
انگلیسی (ENGLISH):	MATTOCK
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	

سانسکریت (SANSKRIT):	MATAYĀ
لاتین (LATIN):	MATEOLA, MATTEA,
	MATTEŪKA
فرانسé (FRENCH):	MASSE
اسپانیایی (SPANISH):	MAZA
ایتالیایی (ITALIAN):	MAZZA

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	700
BARNHART:	
(MATTOCK) 642, (MACE) 619,	
BUCK:	504-505, 596
ONIONS:	(MACE) 543
SKEAT: (MACE) 353, (MATTOCK) 366	
MALLORY & ADAMS:	MAT-
۵۹	برهان قاطع:
۲۰۴	لغت نامه دهخدا:
۸۶	فرهنگ معین:

MOTYKA

MATUIKA: (RUSSIAN) روسی

MATIKKAS: (LITHUANIAN) لیتوانی

MADAG: (OLD IRISH) ایرلندی کهن

یادداشت:

۱- معنی این واژه در هند و اروپایی و اکثر زبان‌های دیگر: کلنگه، پدکته

معنی این واژه در سانسکریت: خیش، چنگک زمین صاف‌کنی.

معنی این واژه در رومانی: چماق.

معنی این واژه در آلمانی کهن: شخم.

۲- ONIONS, SKEAT این واژه را فقط تاریخی لاتین پیگیری می‌کنند.

ĀMADAN	فارسی (PERSIAN): آمدن
COME	چشم انگلیسی سرواژه فارسی:
*GWA, *GWEM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

BAINŌ, BAINIEN,	یونانی (GREEK):	JAMAJTI, GAM,	اوستایی (AVESTAN):
BASKŌ		JAM, ĀJAM, JAMYAT	
VENIRE	لاتین (LATIN): (شاید)		پارسی باستان (OLD PERSIAN):
VENIRE	فرانسه (FRENCH): (شاید)	A-GAMATĀ, Ā-JAM, JAMJA, GAM	
VENIR	اسپانیایی (SPANISH): (شاید)	MADAN, ĀMATAN	پهلوی (PAHLAVI):
VENIR	ایتالیایی (ITALIAN): (شاید)	KĀM, KAM	تخاری A (TOKHARIAN A):
VENI	رومانی (RUMANIAN): (شاید)	KĀM, KAM	تخاری B (TOKHARIAN B):
VIR	پرتغالی (PORTUGUESE): (شاید)		سانسکریت (SANSKRIT):
QUIJMAN	گوتیک (GOTHIC):	JIGATI, GAMATI, GAM, ĀGAN	
KOMA	نورس کهن (OLD NORSE):	KAM, EKN	ارمنی (ARMENIAN):

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	464-465
BARNHART:	(COME) 192
DELAMARRE:	(VENIR) 259
MACKENZIE:	53, (COME) 107
BUCK:	693-696
ONIONS:	(COME) 193
SKEAT:	(COME) 122
۶۰	برهان قاطع:

QUEMAN

KOMMEN :آلمانی (GERMAN)

CUMAN :انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

COME :انگلیسی (ENGLISH)

KOMME :دانمارکی (DANISH)

KOMMA :سوئدی (SWEDISH)

KOMME :نروژی (NORWEGIAN)

KOMEN :هلندی (DUTCH)

GŪTI, GEMŪ :لیتوانی (LITHUANIAN)

GAJU :لتونی (LATVIAN)

یادداشت:

- ۱- ایسن واج‌نریته‌ی هندواروپایی با واج‌ریته‌های و (GHEI) (POKORNY: 418) و *EI.
- ۲- بازگشت به "رفتن" و "آیند".

AMIXTAN, ĀMĒZ, ĀMĒGH, ĀMĒZE	فارسی (PERSIAN): آمیختن، آمیز، آمیغ، آمیزه
MIX	چشم‌انگلیسی سرواژه فارسی:
*MIK, *MEIK, *MEIGHO, *MINGHŌ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

:آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

MISCAN

MISCHEN :آلمانی (GERMAN)

MISCIAN :انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

MIX :انگلیسی (ENGLISH)

MENGEN :هلندی (DUTCH)

:اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

MĚSHITI

MIESZAC :لهستانی (POLISH)

MESHAT :روسی (RUSSIAN)

MÍCHAT :چک (CZECH)

MESHO :بلغاری کهن (OLD BULGARIAN)

اوستایی (AVESTAN): MINASHTI

پهلوی (PAHLAVI): ĀMIC, ĀMĒXTAN

MICRA, :سانسکریت (SANSKRIT)

MEKSĀYATI

آرمنی (ARMENIAN): ĀMIC

MISGEIN, MIGHĀ, :یونانی (GREEK)

MEIKSŌ, MEIGNYNAI

MISCEŌ, MISCERE :لاتین (LATIN)

MĚLER :فرانس (FRENCH)

MEZCLAR :اسپانیایی (SPANISH)

MISCHIARE :ایتالیایی (ITALIAN)

AMESTECA :رومانی (RUMANIAN)

REFERENCES	پسگنت‌ها
POKORNY:	714-715
BARNHART:	(MIX) 668
DELAMARRE:	
MÉLER, MÉLANGER	268
MACKENZIE:	8, (MIX) 124
BUCK:	335
ONIONS:	(MIX) 582
SKEAT:	(MIX) 381
۶۲	برهان قاطع:
۹۳	فرهنگ معین:

MICHTI	یوهمی (BOHEMIAN):
MIESHAT	اسلواکی (SLOVAK):
MISHRAS,	لیتوانی (LITHUANIAN):
MIESHIU	
MĀISU	لتونی (LATVIAN):
	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):
MAYSOTAN	
MESCAIM	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
MEASG	گالی (GAULISH):
MESKA	برتونی (BRETON):

یادداشت:

ONIONS متضد است که همی واژه‌های ژرمنی وابسته به "آمیختن" از واژه‌ی لاتین MISCERE مشتق شده‌اند.

ĀN	فارسی (PERSIAN): آن (در برابر "این")
THAT	چشم انگلیسی سر واژه فارسی:
*ANIOS, *ANTEROS, *AN-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
ŌTHAR	اوستایی ANYA, ANYAS, ANA: (AVESTAN)
ŌTHER	پارسی باستان (OLD PERSIAN): فریزی کهن (OLD FRISIAN): آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
ANDAR	
ANDER	آلمانی (GERMAN):
ŌTHER	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
OTHER	انگلیسی (ENGLISH):
ANDEN	دانمارکی (DANISH):
ANDRA	سوئدی (SWEDISH):
ANNEN	نروژی (NORWEGIAN):
ANDER	هلندی (DUTCH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
OTERU, ONŪ	
	اوستایی ANYA, ANYAS, ANA: (AVESTAN)
	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
	ANĪYA, ANĀ
	پهلوی (PAHLAVI): ĀN, HĀN, ANY
	اوستی (OSSETIC): ĀNDĀR, ANNAE
	کردی (KURDISH): ADĪNE, ĒDIN
	سانسکریت (SANSKRIT):
	ANYĀ, ĀNTARA, ANYAS, ANĀYĀ
	یونانی (GREER): ENĒ
	لاتین (LATIN): ENIM
	گوتیک (GOTHIC): ANTHAR
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
	ANNARR
	ساکسونی کهن (OLD SAXON): ĀTHAR,

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	319, 37
BARNHART:	(OTHER) 739
MACKENZIE:	(THAT) 136
	(OTHER) 126,
ONIONS:	(OTHER) 635
SKEAT:	(OTHER) 417
AMINDAROV:	(OTHER) 264
۶۳	برهان قاطع:

ANTRAS, : (LITHUANIAN) لیتوانی
 ANTARAS
 UOTRS : (LATVIAN) لتونی
 ANTERS, : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن
 ANTARS

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های اوستایی و پارسی کهن و پهلوی و دیگر واژه‌های این فهرست: دیگر.

ĀVĀZ	فارسی (PERSIAN): آواز
VOICE, SINGING, SOUND	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WEKW.	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

WACKĪTWEL, EN-WACKEMAI

اوستایی (AVESTAN):

: (OLD IRISH) ایرلندی کهن

FŪAIM, FOCCUL

ŪXTA, VAC, Ā-VĀXSH

ĀWĀZ, ĀVĀC : (PAHLAVI) پهلوی

: (SANSKRIT) سانسکریت

AVĀCI, VAVĀCA, VĀCAYATI, ĀVOCAM

ÓPA : (GREEK) یونانی

VOX, VOCARE : (LATIN) لاتین

VOISER : (FRENCH) فرانسه

: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن

OMUN

: (LATVIAN) لتونی

یادداشت:

بازگشت به: واژه.

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1135-1136
DELAMARRE:	(VOIX) 110
MACKENZIE:	(VOICE) 139
BUCK:	(VOICE) 1248
۶۵	برهان قاطع:

ĀVIXTAN	فارسی (PERSIAN): آویختن
HANG, SUSPEND	چشم انگلیسی سرواژه فارسی:
*WEIK-, *WEIG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
EIKHŌ	اوستایی (AVESTAN): یونانی (GREEK):

VAĒG-, NIWIXTA-, Ā-VAEG

پهلوی (PAHLAVI):

ĀVIXTAN, ĀPĪXTAN

افغانی (پشتو) (AFGHANI): AWISHTĒL

سانسکریت (SANSKRIT):

VĒJATE, ABHI-VĪJ-

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1130-1131
۶۷	برهان قاطع:
۱۰۲	فرهنگ معین:

ĀHAN	فارسی (PERSIAN): آهن
IRON	چشم انگلیسی سرواژه فارسی:
*EIS-, *AIOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

JERN : (SWEDISH) سوئدی

JERN : (NORWEGIAN) نروژی

IJZER : (DUTCH) هلندی

IARN : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

ISARNON : (CELTIC) سلتی (کلتی)

ISARNO : (GAULISH) گالی

HAEARN : (OLD WELSH) ولزی کهن

HOUARN : (BRETON) برتونی

AYAH, AYŌ- : (AVESTAN) اوستایی

ĀSIN, ĀHĒN, : (PAHLAVI) پهلوی

ĀSĒNĒN, ĀHAN

HESIN : (KUORDISH) کردی

ISTRI : (AFGHANI) افغانی

AYAS : (SANSKRIT) سانسکریت

HIERO : (GREEK) یونانی

AES, AIS : (LATIN) لاتین

HIERO : (SPANISH) اسپانیایی

AIZ, EISARN : (GOTHIC) گوتیک

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

ĪSARN, EIR, JARN

ISARN : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

ĪSARN, ER

EISEN, ERZ : (GERMAN) آلمانی

ISERN, : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

IREN

IRON : (ENGLISH) انگلیسی

JERN : (DANISH) دانمارکی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	299-300, 15
BARNHART:	(IRON) 544
MACKENZIE:	6, (IRON) 120
BUCK:	613
ONIONS:	(IRON) 485
SKEAT:	(IRON) 308
AMINDAROV:	241
MALLORY	121
۷۰	برهان قاطع:

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: فلز.

چم این واژه در زبان لاتین: برنز.

فارسی (PERSIAN):	-آیند، -آید، آینده	ĀYAND, -ĀYAD, ĀYANDÉ
چم انگلیسی سرواژه فارسی:	FUTURE, COMING	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*EI-, *EIMI-	

اوستایی (AVESTAN):	YEINTI, AĒITI,	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	YEINTI, AĒITI,
ایرانی باستان (OLD PERSIAN):	AITI, I-	لیتوانی (LITHUANIAN):	IDŌ, IDI, ITI
پهلوی (PAHLAVI):	AITIY	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	EITI, EI-MĒ,
تخاری A (TOKHARIAN A):	ĀY-	لتونی (LATVIAN):	EUNT, EIMI
تخاری B (TOKHARIAN B):	YMĀS	هیتی (HITTITE):	ĒIT
سانسکریت (SANSKRIT):	YAM		EIMU, IET
	YAN, AYA- TĒ,		
	YANTI, ĒMI, ĒTI		
یونانی (GREEK):	EIMI		I-IT, E-HU, PA-IMI, IM-

پسگشت ها	REFERENCES
293-296	POKORNY:
(WEND) 1228	BARNHART:
(ALLER) 254	DELAMARRE:
14, (COME) 107	MACKENZIE:
(EI-) 256	SKEAT:
لغت نامه دهخدا:	۲۶۳

لاتین (شاید) (LATIN):	IRE, EŌ
فرانسه (FRENCH):	IRAI
اسپانیایی (SPANISH):	IR
ایتالیایی (ITALIAN):	IRE
پرتغالی (PORTUGUESE):	IR
گوتیک (GOTHIC):	IDDJA
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	ĒODE

یادداشت:

بازگشت به "رفتن" و "آمدن".

فارسی (PERSIAN):	آبر	ABAR
چم انگلیسی سرواژه فارسی:	SUPER, OVER	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*UPER-, *UPĒRI-	

اوستایی (AVESTAN):	UPARA-, UPARIY-	پهلوی (PAHLAVI):	APAR, ABAR, ABRAG-
ایرانی باستان (OLD PERSIAN):	UPAIRI		ABARAGĀN, ABARĪGĀN
	UPARIY	سانسکریت (SANSKRIT):	UPĀRI, UPARA

OVER	: (NORWEGIAN) نروژی
OVER	: (DUTCH) هلندی
FOR-	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
VERTAMO-	: (CELTIC) سلتی (کتلی)
VER-	: (GAULISH) گالی

VER	: (ARMENIAN) ارمنی
HUPĒR, HYPER	: (GREEK) یونانی
SUPER	: (LATIN) لاتین
UFAR, UFARŌ	: (GOTHIC) گوتیک
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
YFIR	

: (OLD SAXON) ساکسونی کهن

UBAR, UVER	
UVER, OVER	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
UBAR	
ÜBER	: (GERMAN) آلمانی
OFER	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
OVER	: (ENGLISH) انگلیسی
OVER	: (DANISH) دانمارکی
ÖVER	: (SWEDISH) سوئدی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1105-1106
BARNHART:	(OVER) 742
DELAMARRE:	(SUR, AU-DESSUS) 303
MACKENZIE:	1, (OVER) 126,
	(SUPERIOR) 135
ONIONS:	(OVER) 637
SKEAT:	(OVER) 418-419
۷۹	برهان قاطع:

ABR	فارسی (PERSIAN): ابر (به چم "دمه‌ی باران")
CLOUD	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*OMBH-, *MBH-, *MBHRO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SOMBRA	: (SPANISH) اسپانیایی	AWRA, AWREM	: (AVESTAN) اوستایی
OMBRA	: (ITALIAN) ایتالیایی	ABR	: (PAHLAVI) پهلوی
UMBRA	: (RUMANIAN) رومانی	HAUR, EWR	: (KURISH) کردی
SOMOBRA	: (PORTUGUESE) پرتغالی	HAUR	: (BALUCHI) بلوچی
AMMER, AMPER,	: (GERMAN) آلمانی	ŌRA	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
EMMER		ABHRĀ	: (SANSKRIT) سانسکریت
AMBER	: (ENGLISH) انگلیسی	AMB, AMP	: (ARMENIAN) ارمنی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	APHROS, ŌMBROS	: (GREEK) یونانی
OBLAKU		IMBER, IMBRIS	: (LATIN) لاتین
OBLOK	: (POLISH) لهستانی	OMBRE	: (FRENCH) فرانسه

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	315-316
BARNHART:	(NEBULA) 697
MACKENZIE:	(CLOUD) 107
BUCK:	35
۷۹	برهان قاطع:

OBLAKO	روسی (RUSSIAN):
OBLAK	چک (CZECH):
OBLAK	برهمی (BOHEMIAN):
OBLAK	اسلواکی (SLOVAK):
AMBRIĀ	سنتی (کلتی) (CELTIC):
AMBRĀ	گالی (GAULISH):
AMIR, AMYR	ولزی (WELSH):

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در زبان‌های رمانس (به جز لاتین): سایه.
- ۲- در زبان‌های آلمانی و انگلیسی و سنتی و گالی و ولزی این واژه به صورت نام رودخانه (اسم خاص) باقی مانده است.
- ۳- واژه‌ی "ابر" یا واژه‌ی "نم" خورشید دارد.

ABRŪ	فارسی (PERSIAN):	ابرو، برو
EYEBROW	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*BHRŪ, *BHRŪS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	
OJENBRYN	دانمارکی (DANISH):	
ÖGONBRYN	سوئدی (SWEDISH):	
OYENBRYN	نروژی (NORWEGIAN):	
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	
BRŪVI		
BRWI	لهستانی (POLISH):	
BRŌV	روسی (RUSSIAN):	
OBOČI	چک (CZECH):	
OBRAVA	صربی (SERBIAN):	
OBRAV	برهمی (BOHEMIAN):	
OBOČI	اسلواکی (SLOVAK):	
BRUVIS	لیتوانی (LITHUANIAN):	
BRAUD	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	
BRAVAT	اوستایی (AVESTAN):	
BRŪG, BRŪK	پهلوی (PAHLAVI):	
BHRŪH, BHRŪS	سانسکریت (SANSKRIT):	
OPHRŪS	یونانی (GREEK):	
	ایسکاندیناوی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	
BRŪN, BRĀ	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	
BRŪS, BRĀWA		
AUGENBRAVE	آلمانی (GERMAN):	
BRAVE		
BRŪ	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	
OFARBRŪ		
EYEBROW, BROW	انگلیسی (ENGLISH):	

پسگشت‌ها	REFERENCES		
172	POKORNY:	(BROW) 121	ONIONS:
(BROW) 120-121	BARNHART:	(BROW) 76	SKEAT:
(SOURCIL) 97	DELAMARRE:	برهان قاطع:	
20, (BROW) 105	MACKENZIE:		

یادداشت:

این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی معنی "پیشانی" را هم دارد.

ARRĀBE	فارسی (PERSIAN): ارایه
CHARIOT	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*RET-, *ROTOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

RAD	هلندی (DUTCH):	RATHŌ, RATHA	اوستایی (AVESTAN):
RŌTHAS	لیتوانی (LITHUANIAN):	RH	پهلوی (PAHLAVI):
RATS	لتونی (LATVIAN):	RĀTHA-	سانسکریت (SANSKRIT):
ROTH	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	ROTA	لاتین (LATIN):
RETO-	سلفی (CELTIC):	ROUE	فرانسه (FRENCH):
RHOD	گالی (GAULISH):	RUEDA	اسپانیایی (SPANISH):
		RUOTA	ایتالیایی (ITALIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها	ROATĀ	رومانی (RUMANIAN):
POKORNY:	866-867	RODA	پرتغالی (PORTUGUESE):
DELAMARRE:	(ROUE) 126,	RATHS	گوتیک (GOTHIC):
	(CHARIOT) 106		آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
MACKENZIE:	(WAGON) 139	ROD, RAT	
ONIONS:	(ROTA) 773	RAD	آلمانی (GERMAN):
SKEAT:	(RET) 757	RADOR,	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
۹۶	برهان قاطع:	RODOR	

یادداشت:

در برهان قاطع: (به صورت نقل قول) آمده است که واژه‌ی فارسی "ارابه" از یونانی ARMA آمده است (برهان قاطع: ۹۶).

ARD, ART, ARTA	فارسی (PERSIAN): اود، اوت، اُرتا (به چَم ارض)
EARTH	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*ERT-, *ERTA-, *ERU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

JORD	سوئدی (SWEDISH):	ARDA, ARTA	اوستایی (AVESTAN):
JORD	نروژی (NORWEGIAN):	ARTA	پهلوی (PAHLAVI):
ARRD	هلندی (DUTCH):	ERD	کردی (KURDISH):
ĒRDVE	لیتوانی (LITHUANIAN):	ERKIR	ارمنی (شاید) (ARMENIAN):
ERW	گالی (GAULISH):	ERĀ	یونانی (GREEK):
ERW	ولزی (WELSH):	ĀIRTHA	گوتیک (GOTHIC):

ایسندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	332
BARNHART:	(EARTH) 311
DELAMARRE:	(LA TERRE) 182
BUCK:	15-16
ONIONS:	(EARTH) 298
SKEAT:	(EARTH) 187
AMINDAROV:	55
۹۸	برهان قاطع:

JORTH	
JORTH	نورس کهن (OLD NORSE):
ERTHA	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
ERTHE	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
ERDA, ERO	
ERDE	آلمانی (GERMAN):
EORTHE	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
EARTH	انگلیسی (ENGLISH):
JORD	دانمارکی (DANISH):

یادداشت:

- ۱- واژه‌های "اُرد" و "اُرت" و "اُرتا" در اوستایی به معنی "هاکی" و "قدس" و "جای مقدس" نیز به کار رفته‌اند.
- ۲- ONIONS, SKEAT واگرشه‌های هند و اروپایی و هند و ایرانی این واژه را نمی‌دهند.

ARJ	فارسی (PERSIAN): ارچ
VALUE	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*ERKŪ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

YARKE	تخاری B (TOKHARIAN B):	AREJA	اوستایی (AVESTAN):
ERC-, ARKĀ	سانسکریت (SANSKRIT):	ARJ	پهلوی (PAHLAVI):
ĀRCATI		YĀRK, YŪRK	تخاری A (TOKHARIAN A):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	340
DELAMARRE:	(HONORER) 255
۳۷	برهان قاطع:

ERG	ارمنی (ARMENIAN):
ERC	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
ARKU-	هتیت (HITTITE):

یادداشت:

چَم این واژه در زبان ارمنی: سرود.
چَم این واژه در زبان ایرلندی کهن: آسمان، عرش.

ARZ, ARZESH, ARZIDAN	فارسی (PERSIAN): اوز، اوزش، اوزیدن
WORTH	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*ALGwHā, *ALGUH, *ALGwOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

AREJAITI, AREJAH	اوستایی (AVESTAN):
ARZ, ARZIDAN,	پهلوی (PAHLAVI):
ARZISHN	
ARG	اوسنی (OSSETIC):
ALPHE, ALPHEIN	یونانی (GREEK):
ALGĀ	لیتوانی (LITHUANIAN):
ALGĀ	لتونی (LITHUANIAN):
ALGAS	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	32-33
DELAMARRE:	(VALEUR) 199
MACKENZIE:	11
BUCK:	825-826
۱۰۲	برهان قاطع:

یادداشت:

معنی این واژه در زبان یونانی: فایده.

معنی این واژه در زبان‌های بالتیک (لیتوانی و لتونی و پروسی کهن): دستمزد.

ARZIZ	فارسی (PERSIAN): اوزیز (به چَم قلع، فلز سپید و نقره فام)
TIN	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*AREG-, *ARG-, *ARGU-, *RGHI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ĀRKYANT,	تخاری A (TOKHARIAN A):	ṚṛZATA-	اوستایی (AVESTAN):
ARKI		ARDATA-	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
ĀRKWI	تخاری B (TOKHARIAN B):	ARZIZ, ARZIZĒN	پهلوی (PAHLAVI):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	64-65
BARNHART:	(ARGENT) 49-50
DELAMARRE:	(ARGENT) 179
MACKENZIE:	(TIN) 137
BUCK:	(SILVER) 610-611
ONJONS:	(ARGILLACEOUS) 49
	(ARGENT) 49,
SKEAT:	(ARGENT) 30
۱۹۹-۲۰۰	فرهنگ معین:
۱۰۳	برهان قاطع:
۱۸۲۹	لغت‌نامه دهخدا:

ARJUNAḥ	: (SANSKRIT) سانکریت
RAJATĀ, RAJATAM	
ARCATH	: (ARMENIAN) ارمنی
ĀRGYROS, *ARGRÓS	: (GREEK) یونانی
ARGENTUM	: (LATIN) لاتین
ARGENT	: (FRENCH) فرانسه
ARGENTO	: (ITALIAN) ایتالیایی
ARGINT	: (RUMANIAN) رومانی
ARGGAT,	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
ARGAT	
ARCANTO-	: (GAULISH) گالی
ARIANT, ARIAN	: (WELSH) ولزی
ARGANT	: (BRETON) برتونی
HARKIS	: (HITTITE) هیت

یادداشت:

چم‌های این واژه در زبان‌های این فهرست: فلز سپید، نقره، سپید.

ARASH	آرش، ژش، آرش (یکان قدیمی برای سنجش درازا)	فارسی (PERSIAN):
ELL		چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*EL-, OLINĀ		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ELIN	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	ARATN	اوستایی (AVESTAN):
ELLE	آلمانی (GERMAN):	ARASHN	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
ELN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	ĀRESHN	پهلوی (PAHLAVI):
ELL	انگلیسی (ENGLISH):	ARATN	سانکریت (SANSKRIT):
ALEN	دانمارکی (DANISH):	ELL	ارمنی (ARMENIAN):
ALN	سوئدی (SWEDISH):	ŌLÈNĒ	یونانی (GREEK):
ALEN	نروژی (NORWEGIAN):	AUNE	فرانسه (FRENCH):
ELLE	هلندی (DUTCH):	ALEINA	گوتیک (GOTHIC):
ELIN	ولزی (WELSH):		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
		OLN, ALIN	

ONIONS:	(ELL) 306	REFERENCES	پسگنت ما
SKEAT:	(ELL) 190	POKORNY:	37
۱۰۴ (ارش)، ۹۵۱ (ارش)	برهان قاطع:	BARNHART:	(ELL) 322
		MACKENZIE:	11

یادداشت:

این واژه با "آرنج" از یک واج ریشه است.

ARVAND	آروند (به چَم تند و تیز و چالاک و دلیر)	فارسی (PERSIAN):
FAST, SPEEDY, SWIFT	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*EREU-, *ER-NU-, *OR-UO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	

EARU : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

RŪAE, RŪE : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

AURVANT, AURVA- : (AVESTAN) اوستایی

ARVAND : (PAHLAVI) پهلوی

: (SANSKRIT) سانسکریت

REFERENCES	پسگنت ما
POKORNY:	331-332
MACKENZIE:	(SWIFT) 135
BUCK:	969
۱۹۳۷	لغت نامه دهخدا:
۲۰۹	فرهنگ معین:
۱۱۲	برهان قاطع:

ĀRVAN-, ĀRVANT

ORNUMI : (GREEK) یونانی

RUŌ, UĒRE : (LATIN) لاتین

ARWJO : (GOTHIC) گوتیک

ORR : (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

ERNUST

یادداشت:

واژه‌ی "آروند رود" نیز از همین ریشه است و در برهان قاطع: برابر با "دجله" شناخته شده است ولی امروز هم چَم "شط العرب" است.

AZAK, AZAG	آزک، آزگ (به چَم بز ماده)	فارسی (PERSIAN):
FEMALE GOAT	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
* AG-, *AGVOS, *AIG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	

AJINAM

AIC : (ARMENIAN) ارمنی

AZAK

AJĀS, AJĀ, : (SANSKRIT) سانسکریت

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	6
DELAMARRE:	31
MALLORY & ADAMS:	AG-

AIX, AIGÓS	: (GREEK) یونانی
AZYS, AZKA	: (LITHUANIAN) لیتوانی
WOSEE,	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن
WOSUX	
DHI	: (ALBANIAN) آلبانی

یادداشت:

POKORNY (صفحه ۶) می‌گوید این واژه در فارسی میانه AZAK و در فارسی نوین AZG است ولی نتوانستم این واژه را در فرهنگ‌های فارسی (حتی در لغت‌نامه دهخدا: و فرهنگ معین و برهان قاطع): پیدا کنم. در لغت‌نامه دهخدا: (صفحه ۱۹۸۶) واژه‌ی "ازرک" آورده شده است.

AZ	فارسی (PERSIAN): از
FROM, SINCE, AS OF	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SEKW-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	896
DELAMARRE:	(LE LONG DE) 301
MACKENZIE:	(FROM) 115
113	برهان قاطع:

HACHĀ	: (AVESTAN) اوستایی
HACHĀ	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
HAC, AZ	: (PAHLAVI) پهلوی
SĀCA, SĀKAM	: (SANSKRIT) سانسکریت
SECUS	: (LATIN) لاتین
SEC, SECEN	: (LATVIAN) لتونی (لتی)
SECH	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن

AZDAHĀ	فارسی (PERSIAN): ازدها (مركب از "از" به چم "مار" و "دها" به چم "کزنده")
DRAGON	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
* ANGw-, *ANGwHIS, *ONGwHIS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ŌPHIS	AZHI-DAHĀKA,	: (AVESTAN) اوستایی
ANGUIS	AZHI	
	AZDAHAG, AZ	: (PAHLAVI) پهلوی
IGIL	AHI	: (SANSKRIT) سانسکریت
IGEL	IZH, AUJ	: (ARMENIAN) ارمنی
IGIL	ĒKHIS, ĒCHĪNOS,	: (GREEK) یونانی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	43-44
BARNHART:	(EEL) 315
DELAMARRE:	(SERPENT) 143
MACKENZIE:	(DRAGON) 111
BUCK:	(SNAKE) 194-195
ONIONS:	(OPHIDIAN) 628
SKEAT:	(EEL) 188
۲۲۳	فرهنگ معین:
۱۱۶	برهان قاطع:

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

JEZHŪ, *AZI

WAZH لهستانی (POLISH):

UZH روسی (RUSSIAN):

ANGIS لیتوانی (LITHUANIAN):

UODZE لتونی (لتونی) (LATVIAN):

ANGIS پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):

ESC-UNG ایرلندی کهن (OLD IRISH):

EUOD ولزی (WELSH):

یادداشت:

چشم این واژه در آلمانی کهن و آلمانی و انگلیسی کهن: خارپشت.

ASB	اسب (PERSIAN):
HORSE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*EKWOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

IAPĀ	رومانی (RUMANIAN):	ASPĀ-	اوستایی (AVĒSTAN):
AIHVA	گوتیک (GOTHIC):	ASA-, ĀS-	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
JOR	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	ASPA-	
JOR	نورس کهن (OLD NORSE):	ASP	پهلوی (PAHLAVI):
ASPA, EHU-	ساکسونی کهن (OLD SAXON):	YĀSP, JĀFS	اوستی (OSSETIC):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	HESP	کردی (KURDISH):
EHR-		ĀS, AS	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
EOH	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	YUK	تخاری A (TOKHARIAN A):
ASHVA, ASVA	لیتوانی (LITHUANIAN):	YAKWE	تخاری B (TOKHARIAN B):
ASWINAN	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	ĀSVAS, ĀSYAH	سانسکریت (SANSKRIT):
ECH	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	ĒSH, ASPŌ	ارمنی (ARMENIAN):
EPO-	گالی (GAULISH):	IPPOS, HIPPOS	یونانی (GREEK):
		EQUUS	لاتین (LATIN):
		YEGUA	اسپانیایی (SPANISH):

ONIONS:	(EQUINE) 321	REFERENCES	پسگنت ها
SKEAT:	(EQUINE) 198	POKORNY:	301
RAMAT:	34	BARNHART:	(EQUINE) 338,
AMINDAROV:	72	(HIPPODROME) 483	
MALLORY:	119	DELAMARRE:	(CHEVAL)) 132
11A	برهان قاطع:	MACKENZIE:	12
		BUCK:	167-171

یادداشت:

- ۱- این واژه در کلبی زبان های هند و اروپایی کهن (به جز زبانهای اسلاوی) وجود داشته است ولی امروز فقط در زبان های ایرانی و معدود زبانهای دیگر وجود دارد.
- ۲- معنی این واژه در اسپانیایی: مادیان.

ASPEST, ASBEST	اسپست، اسپست (به چم یونجه)	فارسی (PERSIAN):
CLOVER		چم انگلیسی سرواژه ی فارسی:
*EKWOS- +ED-, *OD-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
REFERENCES	پسگنت ها	*ASPO-ASTI : (AVESTAN) اوستایی
POKORNY:	301, 287	*ASPO-, : (OLD PERSIAN) پارسی باستان
MACKENZIE:	(CLOVER) 107	ASTI
THE AMERICAN HERITAGE DICTIONARY		ASPAST : (PAHLAVI) پهلوی
OF THE ENGLISH LANGUAGE:		ĀSVAS-ADMI : (SANSKRIT) سانسکریت
(ALFALFA) 43		ASPÖ-UTEM : (ARMENIAN) ارمنی
۲۳۳	فرهنگ معین:	
119-120	برهان قاطع:	

یادداشت:

- این واژه ی فارسی مرکب است از دو واژه ی اوستایی و پارسی باستان ASPO (به چم "اسب") و AST- یا AD- (به چم "خوردن"). چم اصلی این واژه را مرحوم معین چنین معلوم کرده است: اسب می خورد. این واژه به زبان عربی رفت (فصحه) و از راه اسپانیایی وارد انگلیسی شد (ALFALFA).

ریشه ی اوستایی و پارسی کهن AD- یا واژه های آلمانی ESSEN و انگلیسی EAT هم ریشه است:
(BARNHART: (EAT) 312

ESTĀK, SETĀK	فارسی (PERSIAN): استاک، ستاک (به چم شاخه)
TWIG, BRANCH	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
* STEL, *STOL, *STELG	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

STALK	انگلیسی (ENGLISH):	STĀHLĀ	سانسکریت (SANSKRIT):
STILK	دانمارکی (DANISH):	STHALI, STHALATI	
STJĀLK	سوئدی (SWEDISH):	STELN, STEDUNK,	ارمنی (ARMENIAN):
STJELJ, STILK	نروژی (NORWEGIAN):	STELCANEM	
STELE	هلندی (میان) (DUTCH):	STELEĀ, STELEŌN,	یونانی (GREEK):
STELGTI	لیتوانی (LITHUANIAN):	STÉLECHOS	
SHTJELJ	آلبانی (ALBANIAN):	STULTUS, STODIDUS	لاتین (LATIN):
			ایسکاندیناوی (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1019-1020
BARNHART:	(STALK) 1057
ONIONS:	(STALK) 861
SKEAT:	(STALK) 596
۱۰۹۷ و ۱۲۴	برهان قاطع:

STILKUR, STĀL, STJOLR	
STELK	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
STAL	
STIEL	آلمانی (GERMAN):
STELA	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
STALU	

یادداشت:

معنی این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی امروزی: تیر، ستون، دسته، ساقه، شاخه.

OSTĀN, STAN	فارسی (PERSIAN): استان، -ستان
PROVINCE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
* STE, *STĀ, *STEL-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

STATHMOS	یونانی (GREEK):	STĀNA	اوستایی (AVESTAN):
LOCUS, STABULUM	لاتین (LATIN):	STANA-	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
ETABLE	فرانسوی (FRENCH):	STAN, ESTAN	پهلوی (PAHLAVI):
ESTABLO	اسپانیایی (SPANISH):	STHA, STHALA-	سانسکریت (SANSKRIT):
STALLA	ایتالیایی (ITALIAN):	STHANA	
STAUL	رومانی (RUMANIAN):	STAN, STEL, STELN:	ارمنی (ARMENIAN):

SLAJNIA	: (POLISH) لهستانی	-ISTR	: (GOTHIC) گوتیک
STAJLO	: (RUSSIAN) روسی		: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن
STAJ	: (CZECH) چک	STALL, STALLR	
STAJA	: (SERBIAN) صربی		: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
SLAJ	: (BOHEMIAN) بوهمی	STAL	
STALLIS	: (LATVIAN) لونی (لثی)	STALL, STELEN	: (GERMAN) آلمانی
STAOL	: (BRETON) برتونی	STEAL	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
SHTUARE	: (ALBANIAN) آلبانی	ESTRE	

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	1008
BUCK:	150-151
۱۰۹۷-۱۰۹۸ و ۱۲۴	برهان قاطع:

STALL	: (ENGLISH) انگلیسی
STALD, STED	: (DANISH) دانمارکی
STALL	: (SWEDISH) سوئدی
STALL	: (NORWEGIAN) نروژی
STAL	: (DUTCH) هلندی

یادداشت:

- این واژه یا واژه‌های "استاک" و "استادن" هم‌ریشه است.
- معنی این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی: اسطبل، محل نگهداری دام.
- واژه فارسی "اسطبل" از واژه لاتین STABULUM آمده و این واژه لاتین خود با واژه‌های اوستایی ASPO-STANA (محل نگهداری اسب‌ها) و GAVO-STANA (محل نگهداری گاوها) از یک ریشه است.
- POKORNY برای واژه‌های این فهرست دو واژه ریشه‌یابی می‌دهد یکی *STE و *STĀ (۱۰۱۹) به معنی "استادن" و "قرار گرفتن" و دیگری *STEL (۱۰۱۹) به معنی "ایستادن" و "قرار دادن".
- واژه انگلیسی STEAD هم از همین ریشه‌ی *STE یا *STĀ آمده است.

ESTAXR	: (PERSIAN) فارسی
ESTAKHR (NAME OF A CITY IN FAR), STRONGHOLD,	چم انگلیسی: سروزاوی فارسی:
CITADEL	
* STAK, *STEK, *STOK-	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی

STAHAL	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	STAXTA, STAXRA-	: (AVESTAN) اوستایی
STAHL	: (GERMAN) آلمانی	STAKATI, STAK	: (SANSKRIT) سانسکریت
STĀLE	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن		: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن
STALE		STĀL	
		STEHLI	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	1011
BARNHART:	(STEEL) 1064
ONIONS:	(STEEL) 866
SKEAT:	(STEEL) 600
۱۲۴	برهان قاطع:

STEEL	: (ENGLISH) انگلیسی
STAAL	: (DANISH) دانمارکی
STÅL	: (SWEDISH) سوئدی
STÅL	: (NORWEGIAN) نروژی
STAAL	: (DUTCH) هلندی
-STAKLA,	: (OLD PRUSSIAN) پروس کهن
STACLAN	

یادداشت:

چم این واژه در اوستایی: مستحکم، محکم، نیرومند.
چم این واژه در سانسکریت: پایداری، مقاومت (می‌کند).
چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: پولاد.

OSTOXAN, OST	فارسی (PERSIAN): استخوان، اُست
BONE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*OST-, *OSTH, *OSTNES	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KOST	: (BOHEMIAN) بوهمی	ASTI-, AST-	: (AVESTAN) اوستایی
KOST	: (SLOVAK) اسلواکی	AST, ASTAG,	: (PAHLAVI) پهلوی
KAULAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی	ASTUXĀN, ASTAXVĀN	
ASIL	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	STĀG	: (OSSETIC) اوستی
ASKOURN	: (BRETON) برتونی	SŪQĀN, HESTĪ	: (KURDISH) کردی
ASHT, ASKTĒ	: (ALBANIAN) آلبانی	ASTHI,	: (SANSKRIT) سانسکریت
HASTAI	: (HITTITE) هیتی	ASTHNAS	
		OSKR	: (ARMENIAN) ارمنی

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	783
BARNHART:	(OSSEOUS) 739
DELAMARRE:	(OS) 106
MACKENZIE:	12
BUCK:	207
ONIONS:	(OSSEOUS) 635
SKEAT:	(OSSEOUS) 416
AMINDAROV:	72
۱۲۴	برهان قاطع:

OSTÉON	: (GREEK) یونانی
OS, OSS, OSSEUM	: (LATIN) لاتین
OS,	: (FRENCH) فرانسه
HUESO	: (SPANISH) اسپانیایی
OSSO	: (ITALIAN) ایتالیایی
OS	: (RUMANIAN) رومانی
OSSO	: (PORTUGUESE) پرتغالی
KÓŚĆ	: (POLISH) لهستانی
KOST	: (RUSSIAN) روسی
KOST	: (CZECH) چک
KOST	: (SERBLAN) صربی

یادداشت:

واژه‌ی فارسی "هست" (پهلوی ASTAG, AST به چم "استخوان" و "هستی بیه" نیز از همین واژه است
MACKENZIE: AST(AG) ۱۲ (برهان قاطع: ۲۳۳۷).

OSTOVĀR	فارسی (PERSIAN): استوار
UPRIGHT, STRAIGHT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*STA-, *STEU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

STEUER, STEUERN	آلمانی (GERMAN):	STAYOĀ, STUI-	اوستایی (AVESTAN):
STEOR,	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	STROYĀ	
STIERAN		HÖSTUBĀR	پهلوی (PAHLAVI):
STEER	انگلیسی (ENGLISH):	ASTOBAR	اوستی (OSSETIC):
STYRE	دانمارکی (DANISH):	STHĀVIYAS,	سانسکریت (SANSKRIT):
STYRA	سوئدی (SWEDISH):	STHĀVARĀ	
STYRE	نروژی (NORWEGIAN):	STVAR	ارمنی (ARMENIAN):
STUUR	هلندی (DUTCH):	STAUROS, STOA	یونانی (GREEK):

لاتین (LATIN): (IN)STAU(RARE)
گوټیک (GOTHIC): STIUR-, US-STIVREI
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

STURA, STYRI
نورس کهن (OLD NORSE): STYRA
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
STIURA, STIURI

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1009
BARNHART:	(STEER) 1064
ONIONS:	(STEER) 866
SKEAT:	(STEU-, STHEU-) 759
۱۲۷	برهان قاطع:

یادداشت:

۱- واژه‌ی "ستور" هم از همین ریشه است.

۲- معنی این واژه در ارمنی: ضخیم.

معنی این واژه در یونانی: ستون، تیر.

معنی این واژه در اکثر زبان‌های ژرمنی: سکان، راهبری کردن، راندن.

ASHK, ARS, SERESHK	فارسی (PERSIAN): اشک، ارس، سرشک
TEARS	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*AKRU, *DAKRU.	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

TEAR, (OLD ENGLISH) کهن انگلیسی	ASRAV, ASRŪ- (AVESTAN) اوستایی
TEAGAR	ARŠ (PAHLAVI) پهلوی
TEAR (ENGLISH) انگلیسی	SIRISHK (KURDISH) کردی
TĀRE (DANISH) دانمارکی	OSHKU (AFGHANI) افغانی (پشتو)
TĀR (SWEDISH) سوئدی	ĀSRU, ASHRU, (SANSKRIT) سانسکریت
TĀRE (NORWEGIAN) نروژی	ĀCHRU, ASHARA
TRAAN (DUTCH) هلندی	ARTAUŠR, (ARMENIAN) ارمنی
ASHARĀ (LITHUANIAN) لیتوانی	ARTASUK
ASARA (LATVIAN) لتونی (لثی)	DĀKRU, DĀKRYON, (GREEK) یونانی
DĒR (OLD IRISH) ایرلندی کهن	DĀKRY
DEIGR (WELSH) ولزی	LACRIMA, LACRUMA (LATIN) لاتین
DAERAOUENN (BRETON) برتونی	LARME (FRENCH) فرانسه

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	179
BARNHART:	(TEAR) 1119
DELAMARRE:	(LARME) 97
MACKENZIE:	11
BUCK:	(TEAR) 1130
ONIONS:	(TEAR) 906
SKEAT:	(TEAR) 633
AMINDAROV:	(TEAR) 297
۱۳۹ و ۱۰۳	برهان قاطع:

LAGRIMA (SPANISH) اسپانیایی
LACRIMA (ITALIAN) ایتالیایی
LACRIMĂ (RUMANIAN) رومانی
LÁGRIMA (PORTUGUESE) پرتغالی
TAGR (GOTHIC) گوتیک
(OLD SCANDINAVIAN) کهن ايسلندی
TĀR
TĀR (OLD NORSE) نورس کهن
TĀR (OLD FRISIAN) فریزی کهن
(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
ZAHAR, ZAHOR, TRAHAN
ZĀHE, TRĀNE (GERMAN) آلمانی

یادداشت:

SKEAT, ONIONS ریشه‌های هند و ایرانی این واژه را نمی‌دهند.

فارسی (PERSIAN):	اشنوسه، شنوسه، اشنوسیدن	ESHNŪSĒ, ESHNŪSIDAN
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	SNEEZE	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*SKĒU-, *KSĒU-	

پهلوی (PAHLAVI):	SHNŌSHAG	روسی (RUSSIAN):	CHICHAT
سانسکریت (SANSKRIT):	KSUTA, KSUĀTI,	چک (CZECH):	KÝCHAT
	KSHŪ	صربی (SERBIAN):	KIHATI
ایسکاندیناوی کهن (OLD SCANDINAVIAN):		بوهمی (BOHEMIAN):	KYCHATI
	HNĒRI, HNJŌSA	اسلواکی (SLOVAK):	KYCHAT
نورس کهن (OLD NORSE):	HNJŌSA	لیتوانی (LITHUANIAN):	SHINAŪKTI,
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):		SKIAUDZHIV	
	NIOSAN, FNEHAN	لتونی (LATVIAN):	SHKAUT,
آلمانی (GERMAN):	NIESEN	SHKAUJU, SHKAVU	
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):			

پسگت ما	REFERENCES
953	POKORNY:
1026 (SNEEZE)	BARNHART:
281 (ETENUER)	DELAMARRE:
80	MACKENZIE:
263	BUCK:
84 (SNEEZE)	ONIONS:
576 (SNEEZE)	SKEAT:
برهان قاطع:	۱۴۱

HNORA, FENESE	
انگلیسی (ENGLISH):	SNEEZE
دانمارکی (DANISH):	NYSE
سوئدی (SWEDISH):	NYSA
نروژی (NORWEGIAN):	NYSE
هلندی (DUTCH):	NIEZEN
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	
HNJOSA	
لهستانی (POLISH):	KICHAC

یادداشت:

۱- BARNHART و SKEAT این واژه را مشتق از واجریسه‌ی هند و اروپایی -PNEU- (به معنی "دمزدن") می‌دانند.

۲- محتملاً -SKEW- و -PNEU- با هم خویشی نزدیک دارند.

فارسی (PERSIAN):	افسردن، افسرده (به چَم پُژمرده، دلسرد، سرد)
AFSORDAN, HFSORDÉ	
چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	WITHER, WITHERED, COOL
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*AP-, *ĀP-

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	52
MACKENZIE:	(COOL) 108
۳۱۶	فرهنگ معین:
۱۴۹	برهان قاطع:

AFSHA	اوستایی (AVESTAN):
AWSARTAN,	پهلوی (PAHLAVI):
AFŠARDAN, AFSARISHN	
APVĀ	سانسکریت (SANSKRIT):
EPEDANŌS	یونانی (GREEK):
OPŪS	لیتوانی (LITHUANIAN):

یادداشت:

چَم این واژه در زبان سانسکریت: ییماری.

فارسی (PERSIAN):	اکنون، کنون، نون (به چَم حالا)
AKNŪN, KONŪN, NŪN	
چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	NOW
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*NU-, *NŪ-

NU, NAÚH	گوتیک (GOTHIC):
	ایسندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):
NŪ	
NŪ	ساکسونی‌کهن (OLD SAXON):
NŪ	فریزی‌کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی‌کهن (OLD HIGH GERMAN):
NŪ, NU	
NUN	آلمانی (GERMAN):
NŪ	انگلیسی‌کهن (OLD ENGLISH):
NOW	انگلیسی (ENGLISH):
NŪ	سوئدی (SWEDISH):
NU	نروژی (NORWEGIAN):
NU	هلندی (DUTCH):
NŪ, NŪREM	اوستایی (AVESTAN):
NŪRAM	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
NŪN	پهلوی (PAHLAVI):
NUR, NIR	اوستی (OSSETIC):
NIHA, NAKA	کردی (KURDISH):
NŪ, NUN	بلوچی (BALUCHI):
NĒN	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
NU	تخاری A (TOKHARIAN A):
NO	تخاری B (TOKHARIAN B):
NŪNAM, NŪ, NU	سانسکریت (SANSKRIT):
NY, NŪN, NŪN, NU	یونانی (GREEK):
NUNC, NUNE, NUM, NU-	لاتین (LATIN):
MAINTENANT	فرانسه (FRENCH):

REFERENCES	پسگت‌ها
POKORNY:	770
BARNHART:	(NOW) 712
DELAMARRE:	(MAINTENANT) 298
MACKENZIE:	(NOW) 125
BUCK:	962-963
ONIONS:	(NOW) 616
SKEAT:	(NOW) 404
AMINDAROV:	(NOW) 261
برهان قاطع: ۱۵۵ و ۱۷۱۴ و ۲۲۰۶	

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

NYNĚ, NU	
NYNI	یوممی (BOHEMIAN):
NŪ, NŪNAI	لیتوانی (LITHUANIAN):
NU	لتونی (لتی) (LATVIAN):
(TEI)NU	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):
INDORSA	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
NU, KI-NUN	هتیت (HITTITE):

یادداشت:

چَم این واژه در زبان افغانی یا پشتو: امروز.
چَم این واژه در زبان تخاری A و هتیت: سپس.

AMORDĀD	فارسی (PERSIAN): امرداد (به چَم "جاویدان، نمردنی")
IMMORTAL	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*N-MORTŌS, *N-MER	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

UN-KUNTHS	گوئیک (GOTHIC):	پارسی باستان (OLD PERSIAN): AMERETĀT:
AM-MIYANT	هتیت (HITTITE):	پهلوی (PAHLAVI): AMURDĀD

تخاری A (TOKHARIAN A): Ā-KNATS

سانسکریت (SANSKRIT): Ā-MARTA

ارمنی (ARMENIAN): AN-CANAWF

یونانی (GREEK): Ā-MOROTOS

لاتین (LATIN): IM-MORTĀLIS

REFERENCES	پسگت‌ها
DELAMARRE:	(MORT) 229
MACKENZIE:	8
RAMAT:	45

یادداشت:

پازگت به "مرگ".

ANDAR, ANDARŪN	فارسی (PERSIAN): اندر، اندرون
IN, INSIDE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*ENTER, *NTÉR	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ENTRE	برتونی (BRETON):
NDER, NDJER	آلبانی (ALBANIAN):

اوستایی (AVESTAN): ANTAR, ANTARŌ

پارسی باستان (OLD PERSIAN): ANTAR

پهلوی (PAHLAVI): ANDAR, ANDARAG

کردی (KURDISH): HONDOR

سانسکریت (SANSKRIT): ANTĀR

یونانی (GREEK): ÉTERON

لاتین (LATIN): INTER, INTERUS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

IDHRAR

ایرلندی کهن (OLD IRISH): ETER

گالی (GAULISH): INTER

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	313
BARNHART:	(UNDER) 1184
DELAMARRE:	(ENTRE) 300
MACKENZIE:	119-120
BUCK:	252
ONIONS:	(UNDER) 958
۱۶۹	برهان قاطع:

یادداشت:

- ۱- معنی این واچریشه در برخی زبان‌های هند و اروپایی: در، میان.
- ۲- این واچریشه با واچریشه‌ی *NDHERI- یا *NDHOS* خویشی نزدیک دارد (بازگشت به "زیر").

ANDARŪNÉ	فارسی (PERSIAN): اندرونه (برگرفته از اندرون)
ENTRAILS	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
* ENTROM, *ENTEROM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اوستایی (AVESTAN): ANTĀM

پهلوی (PAHLAVI): ANDARŌN

سانسکریت (SANSKRIT): ANTĀR

ارمنی (ARMENIAN): ANDERKH

یونانی (GREEK): ÉTERON, ENTERA

لاتین (LATIN): INTRALIA, INTERĀNEA

فرانسه (FRENCH): ENTRAILLES

اسپانیایی (SPANISH): ENTRAÑAS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

IDHRAR

ENTRAILS انگلیسی (ENGLISH):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

JETRO, ATRI

لهستانی (POLISH): WATROBA

صربی (SERBIAN): JETRA

برهمی (BOHEMIAN): JĀTRA

ONIONS:	(ENTRALS) 317	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:	(ENTRAILS) 197	POKORNY:	313
۳۷۴	فرهنگ معین:	BARNHART:	(ENTRAILS) 334
۳۵۲۱	لغت‌نامه دهخدا:	DELAMARRE:	(VISCERES) 146
		BUCK:	252

یادداشت:

- ۱- واژه‌ی "اندرونه" از پیشنهاد‌های فرهنگستان ایران است ولی با واژه‌های پیشین ایرانی خویشی و هم‌انگهی دارد.
 ۲- بازگشت به: اندرون.

ANGOSHIT	فارسی (PERSIAN): انگشت
FINGER	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
* ANG-, *ANK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ONLEOW: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
 ANKLE: (ENGLISH) انگلیسی
 ANKEL: (DANISH) دانمارکی
 ANKEL: (SWEDISH) سوئدی
 ANKEL: (NORWEGIAN) نروژی
 ENKEL: (DUTCH) هلندی
 MYKSHTIS: (LITHUANIAN) لیتوانی

ANGUSHTA: (AVESTAN) اوستایی
 ANGST: (OLD PERSIAN) پارسی‌باستان
 ANGUST: (PAHLAVI) پهلوی
 ANGAM: (SANSKRIT) سانسکریت
 ANGŪLI, ANGA, ANKĀ
 ANGIUN, ANKIUN: (ARMENIAN) ارمنی
 ĀNKOS, ĀGKOS: (GREEK) یونانی
 ANKULŪS

ANGULUS: (LATIN) لاتین
 ايسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

OKKLA
 ANKUL: (OLD NORSE) نوردس کهن
 OKKLA
 ONKEL: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
 (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

ENKA, ANCHAL, ENCHIL
 ENKEL: (GERMAN) آلمانی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	46-47
	(AMGILAR) 35, (ANKLE)
BARNHART:	36
BUCK:	240
ONIONS:	(ANGLE) 37, (ANKLE) 38
MALLORY & ADAMS:	ANG-
۱۷۵	برهان قاطع:

یادداشت:

معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: قوزک، مچ‌پا.

معنی این واژه در سانسکریت: اندام، عضو بدن.

معنی این واژه در زبان‌های ارمنی و یونانی و رومانس: گوشه، خمی.

Ū, OO, VAY	فارسی (PERSIAN): آو، وی
HE, SHE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*AU, *Ū	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	AVĀ, HĀU	اوستایی (AVESTAN):
OVĀ, OVOGDA	AVĀ, HĀU	فارسی باستان (OLD PERSIAN):
ON, ONA	AVE, ŌĒ, ŌY, HŌ	پهلوی (PAHLAVI):
ON, ONA	UI	اوستی (OSSÉTIC):
ÓVAJ	EW	کردی (KURDISH):
ON, ONA	DAY, DĀ	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
	OK	تخاری (TOKHARIAN A) A:
	UK	تخاری (TOKHARIAN B) B:
	AVA-	سانسکریت (SANSKRIT):
	INK	ارمنی (ARMENIAN):
	-U	یونانی (GREEK):
	-U, -U-QUE	گوتیک (GOTHIC):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	73-74
MACKENZIE:	(HE) 117
۱۸۰	برهان قاطع:

ŪORĀ, ŪDRAG	فارسی (PERSIAN): اودرا، اودزگ (به چشم سمور آبی)
OTTER	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*UDROS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	UDRA-	اوستایی (AVESTAN):
OTR	UDRAG	پهلوی (PAHLAVI):
OTR	UDRAS, ŪDRAH	سانسکریت (SANSKRIT):
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	HŪDROS, HYDROS	یونانی (GREEK):
OTTAR	LUTRA	لاتین (LATIN):
OTTER	LOUTRE	فرانسوی (FRENCH):
OTOR	NUTRIA	اسپانیایی (SPANISH):
OTTER	LONTRA	پرتغالی (PORTUGUESE):
ODDER		

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	78-79
BARNHART:	(OTTER) 740
DELAMARRE:	(LOUTRE) 137
MACKENZIE:	84
ONIONS:	(OTTER) 635
SKEAT:	(OTTER) 417

UTTER	: (SWEDISH) سوئدی
OTER	: (NORWEGIAN) نورژی
OTTER	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
VYDRA, VODA	
VIODRA	: (RUSSIAN) روسی
ŪDRA	: (LITHUANIAN) لیتوانی
UDENS	: (LATVIAN) لتونی
ODOIRNE	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن

یادداشت:

این واژه را در هیچ فرهنگ فارسی نیافتم ولی واژه‌های اوستایی UDRA و بهلری UDRAG پناه روایی هنوز در برخی از روستاهای مازندران و گیلان به کار می‌رود. شاید علت از میان رفتن این واژه در دیگر نواحی فلات ایران این باشد که در اثر خشک شدن آب و هوا، این جانور معدوم شده و لذا نام آن هم از یاد رفته است. واژه‌ی "دارموک" هم ممکن است از همین ریشه باشد گر اینکه امروزه معنی آن عوض شده است.

ŌZĀR, AFZĀR, ABZĀR	اوزار، افزار، ابزار	فارسی (PERSIAN):
TOOL, INSTRUMENT, FOOTWEAR, SHOES		چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*EU, *OUTOS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید)

AUT	: (LATVIAN) لتونی	AOTHRA	: (AVESTAN) اوستایی
FUAN	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	AFZĀR, AFCĀR,	: (PAHLAVI) بهلری
GWN	: (WELSH) ولزی	ABZĀR, AWBZĀR	
UNUŪĀ, UNUŪĀI	: (HITTITE) هیتی	AWZĀR	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)

		AGANI	: (ARMENIAN) ارمنی
--	--	-------	--------------------

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	346
MACKENZIE:	(INSTRUMENT) 120
BUCK:	(SHOE) 428-429
SKEAT:	(OWL) 420
۱۴۸	برهان قاطع:
۱۲۵	فرهنگ معین:

(SUB)ŪCULA, UŌ, UVŌ	: (LATIN) لاتین
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
IZUJU, IZUTI, OBUJO, OBUTI	
IRZEVIK	: (POLISH) لهستانی
OBUTIJ, IZUJU	: (RUSSIAN) روسی
AVIŪ, AUNŪ	: (LITHUANIAN) لیتوانی
AŪTI	

یادداشت:

- ۱- چون هیچکدام از پیگشت‌ها به رابطه‌ی واژه‌های فارسی و پهلوی و کردی این فهرست با واژه‌ی اوستایی و دیگر واژه‌های آن اشاره‌ای نکرده‌اند، در جلو واژه‌های هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.
- ۲- واژه‌های لاتین IND-UVIAE (به چم "لباس" و "پوشاک") و EXUVIAE (به چم "پوست مار و غیره") "لباس" نیز از همین ریشه‌اند.
- ۳- چم اکثر واژه‌های غیرایرانی این فهرست: پوشاک، پوشیدن، کفش.

AHRIMAN	اهریمن (فارسی) (PERSIAN):
AHRIMAN	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*ANGHUS+MEN- * (MENDH-)	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	ANGRO,	اوستایی (AVESTAN):
ANGL, ENGI	MAINIUSH, ANGRA MAINYAVA	
ENG (GERMAN):		پهلوی (PAHLAVI):
ENGE (OLD ENGLISH):	AHRIMAN, AHREMAN	
ANGER (ENGLISH):	AMHŌH, سانسکریت (SANSKRIT):	
ENG (DUTCH):	AMHURA, AMHU- (AMHU-BHEDI),	
ایرلندی کهن (OLD IRISH):	ÁNHAS, ANHÚ	
CUMCAE, CUMUNG	ANJUK	ارمنی (ARMENIAN):
EHAUG, EAUG (CELTIC):	ÁNCHIEIN, ÁGKHEIN	یونانی (GREEK):
		لاتین (LATIN):

REFERENCES	پیگشت‌ها
POKORNY:	42, 726, 730
BARNHART:	(ANGER) 34
MACKENZIE:	(AHREMAN) 7
ONIONS:	
(ANGER, ANGUISH) 37	
۱۸۹	برهان قاطع:

ANGI, ANGUSTUS, ANGOR, ANGERE	
ANGOISSE (FRENCH):	فرانسه
ANGOSCIA (ITALIAN):	ایتالیایی
ANGOISA (PORTUGUESE):	پرتغالی
AGGWUS, ANGWUS (GOTHIC):	گوتیک
(OLD SCANDINAVIAN):	ایسلندی کهن
ANGR, ANGRN	
ENGI (OLD SAXON):	ساکسونی کهن

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در زبان‌های رومانس: تنگی خاطر، تشویش.
- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: تنگی، تنگ، باریک.
- چم این واژه در زبان انگلیسی نوین: خشم.

چم این واژه در زبان ایلندی کهن: اندوه، غم.

۲- ریشه‌ی اوستایی این واژه دارای دو بخش است، بخش نخست آن در این فهرست پیگیری شده است، برای شناخت بخش دوم آن به "منش" بازگشت شود.

AHÜRĀ, HORMOZ	فارسی (PERSIAN): اهورا، هرمز، اهورامزدا
GOD	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*NSUS, *ANSUS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ÓSS	اوستایی (AVESTAN): AHU, AHURA,
ÁSS	نورس کهن (OLD NORSE): ANHU
ŌS	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): AURA,
	پهلوی (PAHLAVI): AURAMAZDAH
	پهلوی (PAHLAVI): OHRMAZD,
	OHRMAZD
	سانسکریت (SANSKRIT): ASU, ÁSUS,
	ÁSURA
	یونانی (GREEK): ANSĒS
	گوئیک (GOTHIC): ANSĒS, ASE
	ایلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	48
MACKENZIE:	61
AMERICAN HERITAGE DICTIONARY:	
	(ANSU-) 2021
۱۰۹	برهان قاطع:

ĒDAR	فارسی (PERSIAN): ایدر (به چم این جا، در این)
HERE, HEREIN	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*IDHA-, *IDHE	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

AQUI	پرتغالی (PORTUGUESE): IDHA
-ID-	ایرلندی کهن (OLD IRISH): AINA
YD	گالی (GALISH): ĒTAR, ĒDAR, EN-
	کردی (KURDISH): HIRA, IREDA, VIRA
	سانسکریت (SANSKRIT): ITARHI, IHĀ,
	ENA-

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	609
DELAMARRE:	(ICI) 297
MACKENZIE:	30
AMINDAROV:	(HERE) 235
۱۹۳	برهان قاطع:

ITHA	یونانی (GREEK):
IBI	لاتین (LATIN):
ICI	فرانس (FRENCH):
AQUI	اسپانیایی (SPANISH):
QUI	ایتالیایی (ITALIAN):

IRMĀN	فارسی (PERSIAN): ایرمان (به چم مهمان، دوست)
GUEST, FRIEND	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*AL-, *ALNOS-, *OLNOS-, *ARIO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY: 24, 67	AIRYAMAN, AIRYŌ: (AVESTAN) اوستایی
MACKENZIE: (FRIEND) 115	ĀRIYA: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
۱۹۶ برهان قاطع:	AĒRMĀN, ĒRMĀN: (PAHLAVI) پهلوی
۴۱۵ فرهنگ معین:	IRON, IR: (OSSETIC) اوستی
۳۷۰۷ لغت‌نامه دهخدا:	ARIYAMAN: (SANSKRIT) سانسکریت
	AIRE, AIRECH: (OLD IRISH) ایرلندی کهن

یادداشت:

۱- چم این واژه در ایرلندی کهن: اشرافی، رادمرد. (جالب اینکه در پهلوی نیز واژه‌ی ER به چم رادمرد و "قهرمان" بود).

چم این واژه در زبان اوستایی: پیشوای دینی.

۲- چم واژه‌ی ĒRMĀNIH در زبان پهلوی: دوستی.

ĒSTĀNDAN, SETĀDAN	فارسی (PERSIAN): ایستادن، ایستاندن، ستادن
STAND	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
* STĀ-, *STE-, *STH-, *STHI-, *STET-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
SISTŌ, STŌ-, STINĀRE-, (LATIN) لاتین	HISHTAITI, (AVESTAN) اوستایی
STĀRE, STANARE	-STANVANTI, STĀ-, TISHATI
STANDAN: (GOTHIC) گوتیک	HISTATI, (OLD PERSIAN) پارسی باستان
: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن	AVO-SHTA
STANDA, STADHAR	: (PAHLAVI) پهلوی
STANDA: (OLD NORSE) نورس کهن	ĒSTĀTAN, AWISHTĀDAN
STANDAN, (OLD SAXON) ساکسونی کهن	SEKININ: (KURDISH) کردی (شاید)
STĀN	STĀM, STE: (TOXHARIAN B) B تخاری
STANDA, (OLD FRISIAN) فریزی کهن	TISTHATI, STHĀ: (SANSKRIT) سانسکریت
STĀN	STANAM: (ARMENIAN) ارمنی
: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	HISTĒMI, HISTĀNAI, (GREEK) یونانی
STĀN, STANTAN, STĒN	STATUS

SÓTJU, STÓTI, : (LITHUANIAN) لیتوانی

SLOVETI

STAVIT : (LATVIAN) لئون (لتی)

: (OLD IRISH) ایرلندی کهن

-ISSIUR, AD-TÁU

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1004
BARNHART:	(STAND) 1059
DELAMARRE:	(ÊTRE DEBUT) 285
MACKENZIE:	(STAND) 134
BUCK:	835
ONIONS:	(STAND) 862-863
SKEAT:	(STAND) 597
۱۹۷	برهان قاطع:

STEHEN : (GERMAN) آلمانی

STONDAN : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

STAND : (ENGLISH) انگلیسی

STAAN : (DANISH) دانمارکی

STÅ : (SWEDISH) سوئدی

STAND : (NORWEGIAN) نروژی

STAAN : (DUTCH) هلندی

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

STATI, STANO, STOJATI

STAĆ : (POLISH) لهستانی

STOJAT : (RUSSIAN) روسی

STÁT : (CZECH) چک

STATI : (BOHEMIAN) بوهمی

STAT : (SLOVAK) اسلواکی

یادداشت:

"آستان" و زمان‌های گوناگون آن در اکثر زبان‌های هند و اروپایی معنی خود را کم و بیش حفظ کرده‌اند و اشتقاق همه‌ی آنها از واج‌پیشه‌های هند و اروپایی این فهرست است.

BĀ	فارسی (PERSIAN): با(به "چَم" به همراه و "مَع")
WITH	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHĒ, *BHŌ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

BA : (CZECH) چک

BEI, BĀ : (LITHUANIAN) لیتوانی

BHE : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن

BĀ, BĀT, BĒ : (AVESTAN) اوستایی

APĀK, ABĀG : (PAHLAVI) پهلوی

BI : (KURDISH) کردی

BADHAM : (SANSKRIT) سانسکریت

BA, BAY : (AREMENIAN) ارمنی

BA : (GOTHIC) گوتیک

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

ĪBU, OBA

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

BŌ

BA : (POLISH) لهستانی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	113
MACKENZIE:	(WITH) 140
AMINDAROV:	(WITH) 311
۷۶	برهان قاطع: (با)
۴۲۶	فرهنگ معین:

یادداشت:

معین این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی: پا، برای، سپس.

BĀBĀ		فارسی (PERSIAN): بابا (واژه‌ی کودکان به چم پدر)	
DADDY		چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*PAPA, *PAPPA		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	
TATO	لهستانی (POLISH):	ABA	کردی (KURDISH):
TĀTA	چک (SZECLL):	PAPPA	یونانی (GREEK):
REFERENCES		PĀPA, PAPPA	لاتین (LATIN):
POKORNY:	789	PAPA	فرانسه (FRENCH):
AMINDAROV:	(FATHER) 123	PAPĀ	اسپانیایی (SPANISH):
۲۰۱-۲۰۲	برهان قاطع:	PAI	پرتغالی (PORTUGUESE):

BĀD		فارسی (PERSIAN): باد	
WIND		چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*WĒ, *WENTOS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	
VENTO	ایتالیایی (ITALIAN):	اوستایی (AVESTAN):	
VĪNT	رومانی (RUMANIAN):	VĀRĀ, VĀTŌ, VĀITI, VĀTA	
VENTO	پرتغالی (PORTUGUESE):	WĀD, VĀT	پهلوی (PAHLAVI):
WIVDS	گوتیک (GOTHIC):	BĀ	کردی (KURDISH):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	BĀD	بلوچی (BALUCHI):
VINDR		BĀD	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
VINDR	نورس کهن (OLD NORSE):	WANT, WĀNT	نخاری A (TOKHARIAN A):
WIND	ساکسونی کهن (OLD SAXON):	YENTE	نخاری B (TOKHARIAN B):
WIND	فریزی کهن (OLD FRISIAN):	VĀTA, VĀTAS,	سانسکریت (SANSKRIT):
WIND	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	VĀTI	
WINT		AEANTES, AĒSI,	یونانی (GREEK):
WIND	آلمانی (GERMAN):	VĀTMÓS, DĒSI	
WIND	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	VENTUS, VENTILARE	لاتین (LATIN):
WIND	انگلیسی (ENGLISH):	VENT	فرانسه (FRENCH):
VIND	دانمارکی (DANISH):	VIENTO	اسپانیایی (SPANISH):

GWYNT	: (WELSH) ولزی
GWENT	: (BRETON) برتونی
HUWANTES	: (HITTITE) هیتی

VIND	: (SWEDISH) سوئدی
VIND	: (NORWEGIAN) نروژی
WIND	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH) اسلاوی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	82-83
BARNHART:	(WIND) 1238
DELAMARRE:	(VENT) 192
MACKENZIE:	(WIND) 140
ONIONS:	67, 683 (WIND) 1007
BUCK:	67, 683
SKERT:	(WIND) 717
۲۰۵	برهان قاطع:

VĒTRU, VĒJO, VĒJATI	
WIATR	: (POLISH) لهستانی
VETER	: (RUSSIAN) روسی
VITR	: (CZECH) چک
VITR	: (BOHEMIAN) بوهمی
VIETOR	: (SLOVAK) اسلواکی
VĒJAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی
VĒJSH	: (LATVIAN) لتونی
WINS	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن
FETH	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن

BĀR	: (PERSIAN) فارسی
(EACH) TIME	چتم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WEL-, *WLĒ	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1140
MACKENZIE:	17
۲۱۲	برهان قاطع:

VAREMIS	: (AVESTAN) اوستایی
BĀR	: (PAHLAVI) پهلوی
	: (SANSKRIT) سانسکریت
VĀLATI, VALĀ, VARA-	
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
WALLON, WALT	

BĀR	: (PERSIAN) فارسی
LOAD, BURDEN	چتم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHER-, *BHRI-, *BHRT-	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی

BER, BAR	: (KURDISH) کردی
	: (SANSKRIT) سانسکریت
BHĀRMAN,	BHRTIS
BAR, BERETI,	: (AVESTAN) اوستایی
BṛRṇTISH	
BĀR	: (PAHLAVI) پهلوی

BRĒME,	
BRZENIE	لهستانی (POLISH)
BERÚ, BERÉMJA	روسی (RUSSIAN)
BŘEMENO	چک (CZECH)
BREMENO	اسلواکی (SLOVAK)

REFERENCES	پیگشت‌ها
PLKORNY:	128
BARNHART: (BEAR) 87, (BURDEN) 126	
DELAMARRE:	
(LE FAUT DE PORTER) 199	
MACKENZIE:	17
ONIONS:	(BURDEN) 127
SKEAT:	(BURDEN) 80
MALLORYE & ADAMS:	BHERMN
AMINDAROV:	15
۲۱۴	برهان قاطع:

BARD	ارمنی (ARMENIAN)
PHÉRMA	یونانی (GREEK)
FORS	لاتین (LATIN)
BAÚRTHEI	گوتیک (GOTHIC)
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
BYRDHR	
BURTHR	نوردس کهن (OLD NORSE)
	ساکسونی کهن (OLD SAXON)
BURTHINNIA	
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
BURDI,	
BÜRDE	آلمانی (GERMAN)
BYRTHEIV	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
BURDEN	انگلیسی (ENGLISH)
BYRDE	دانمارکی (DANISH)
BÖRDA	سوئدی (SWEDISH)
BYRDE	نروژی (NORWEGIAN)
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

یادداشت:

- ۱- واژه "بار" با واژه‌ی "بر" (هرچم "میوه") از یک ریشه‌اند.
- ۲- معنی این واژه در زبان لاتین: شانس، بخت خوش.

BĀRĀN	فارسی (PERSIAN): باران
RAIN	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WER-, *WĒR-, *WĒRI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
VĀRI, VĀRSHA	سانسکریت (SANSKRIT):
GAYR	ارمنی (ARMENIAN):
OŪRON	یونانی (GREEK):
URINA	لاتین (LATIN):
URINE	فرانسه (FRENCH):
ORINA	اسپانیایی (SPANISH):
VĀR	اوستایی (AVESTAN):
VĀRAN, WĀRAN	پهلوی (PAHLAVI):
BĀRIN, BARAN	کردی (KURDISH):
BĀRAN	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
WĀR	تخاری A (TOKHARIAN A):
WAR	تخاری B (TOKHARIAN B):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	80
BARNHART:	(URINE) 1188-1189
DELAMARRE:	(EAU) 193
MACKENZIE:	(RAIN) 129
BUCK:	67-68, 273-274
ONIONS:	(URINE) 965
SKEAT:	(URINE) 681
۲۱۵	برهان قاطع:

ORINA	ایتالیایی (ITALIAN):
URINA	رومانی (RUMANIAN):
	ایسکاندیناوی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
VER, VARI	
ŪR, VARI	نورس کهن (OLD NORSE):
URIG, WAR	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
JURA	لتونی (LATVIAN):
WURS	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):
ABANN	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
WRĒNDĒ	آلبانی (ALBANIAN):

یادداشت:

معنی این واژه در زبان ارمنی: یاثلاق.
 معنی این واژه در زبان‌های تخیاری: آب.
 معنی این واژه در زبان پروسی کهن: استخر.
 معنی این واژه در زبان انگلیسی کهن: مرطوب، دریا.
 معنی این واژه در زبان‌های رمانس و یونانی: پیشاب.

۵۵۵۰

BĀZ	فارسی (PERSIAN): باز (به چم گونه‌ای پرنده‌ی شکاری)
RAIN	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHĀSŌ-, *BHĒSO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	111
BUCK:	18
۲۱۷	برهان قاطع:
VAZ	اوستایی (AVESTAN):
BĀZA, BĀJ	پهلوی (PAHLAVI):
BHĀSAS	سانسکریت (SANSKRIT):
PHĒNĒ	یونانی (GREEK):

BĀZŪ	فارسی (PERSIAN): بازو
ARM	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHAGH-, *BHAGHUS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

BĀZU, BĀZĀUSH-, (AVESTAN) اوستایی

BĀZUSH, BĀSAUSH, BĀZŪ-

BĀZĀU-

BUOG, BÖGR
 BÖGR : (OLD NORSE) نوس کهن
 BUOG : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
 BUG : (GERMAN) آلمانی
 BÖG : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
 BRECH : (BRETON) برتونی

BĀZĀ : (PAHLAVI) پهلوی
 POKE : (TOKHARIAN A) A نخاری
 PAUK, POKE : (TOKHARIAN B) B نخاری
 BĀHU : (SANSKRIT) سانسکریت
 BĀHUH, BĀHUS
 BES, BAZUK : (ARMENIAN) ارمنی
 PEKHUS : (GREEK) یونانی
 BRACCHIUM : (LATIN) لاتین (شاید)
 BRAS : (FRENCH) فرانسه (شاید)
 BRAZD : (SPANISH) اسپانیایی (شاید)
 BRACCIO : (ITALIAN) ایتالیایی (شاید)
 BRAT : (RUMANIAN) رومانی (شاید)
 BRACO : (PORTUGUESE) پرتغالی (شاید)
 ابلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	بگشت‌ها
POKORNY:	108
MACKENZIE:	102
BUCK:	236-237
۲۲۰	برهان قاطع:

یادداشت:

- ۱- در برخی از زبان‌های هند و اروپایی این واژه به چم "شانه" و "دوش" هم به کار می‌رود.
 ۲- POKORNY, BARNHART (و دیگران) واژه‌ی لاتین BRACCHIUM و مشتق‌های رمانس آن را از واریته‌ی هند و اروپایی *MREGH-U می‌دانند.

BĀFTAN	فارسی (PERSIAN): بافتن، بافت
WEAVE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WEBH, *WOBH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
VEFA : (OLD NORSE) نوس کهن	UBDAENA : (AVESTAN) اوستایی
WEVA : (OLD FRISIAN) فریزی کهن	VAF-, WAFISHN : (PAHLAVI) پهلوی
: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	WĀP : (TOKHARIAN A) A نخاری
WEBAN	WAR : (TOKHARIAN B) B نخاری
WEBEN : (GERMAN) آلمانی	UBHNĀTI, : (SANSKRIT) سانسکریت
WEFAN : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	VABH, UBHNĀ, UMHATI
WEAVE, WEB : (ENGLISH) انگلیسی	: (GREEK) یونانی
VAVE : (DANISH) دانمارکی	HÝPHUS, HUPHAINŌ, UPHN
VĀVA : (SWEDISH) سوئدی	VĒLUM : (LATIN) لاتین
VEVE : (NORWEGIAN) نروژی	VEFA, : (OLD SCANDINAVIAN) ابلندی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1114
BARNHART:	(WEAVE) 1224-1225
DELAMARRE:	(TISSER) 290
MACKENZIE:	(WEAVE) 140
BUCK:	409-410
ONIONS:	(WEAVE) 996-997
SKEAT:	(WEAVE) 705
MALLORY & ADAMS:	WEBH-
۲۲۶	فرهنگ معین:

WEVEN	هلندی (DUTCH):
FIGID	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
GUEETIC	ولزی (WELSH):
VENJ	آلبانیایی (ALBANIAN):

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: پارچه

BĀK	فارسی (PERSIAN): باک (به چم ترس، بیم)
FEAR	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHŌI, *BHET, *BHĪ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اوستایی (AVESTAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	161-162
DELAMARRE:	(CRAINDE) 247
BUCK:	1153-1155
۲۲۳	برهان قاطع:
۲۲۳۲	لغت‌نامه دهخدا:

BAYENTE, BYENTE, BIWIVA	
BHĀYAKA	پهلوی (PAHLAVI):
BHĀYATĒ,	سانسکریت (SANSKRIT):
BIBHEITI	
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
BIBĒN, BIBON, BĪSA	
BIATWEI	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):

یادداشت:

واژه‌ی بیم نیز از همین ریشه است.

BĀLĀ, VĀLĀ	فارسی (PERSIAN): بالا، والا
TOP, HEIGHT, STATURE, ABOVE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHEREG, *BHERGHQŠ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

BJERG	دانمارکی (DANISH):	BEREZAITI,	اوستایی (AVESTAN):
BERG	سوئدی (SWEDISH):	BEREZ-, BEREZANT	
BERG	نروژی (NORWEGIAN):	BĀLĀ, BĀLĀY	پهلوی (PAHLAVI):
BERGH	هلندی (DUTCH):	PĀRK-	تخاری A (TOKHARIAN A):
BEREG	روسی (RUSSIAN):	BOLAN	تاجیکی (TAJIC):
BRIG	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	BARHĀYATI	سانسکریت (SANSKRIT):
PARKUS	هیتی (HITTITE):	BARJR, BERJ	ارمنی (ARMENIAN):
		BURGUS	لاتین (LATIN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	140
DELAMARRE:	(HAUT) 220
MACKENZIE:	(STATURE) 134, (HEIGHT) 117
BUCK:	23, 852
۲۲۴ و ۲۵۴ و ۳۰۰	برهان قاطع:

-BURG	فرانس (FRENCH):
BAURGS	گوپیک (GOTHIC):
BJARG	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
BERG,	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
BURG, BERGAZ,	
BERG, BURG	آلمانی (GERMAN):
BEORG	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

یادداشت:

- ۱- معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: کوه.
- ۲- واژه‌ی "برز" هم از همین واژه است.
- ۳- بازگشت به: بلند، برز.

BĀLESH, NĀZBĀLESH, BĀLESHT	فارسی (PERSIAN): بالش، ناز بالش، بالشت
PILLOW, CUSHION	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHELGH-, *BHOLGH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

BĀLĒSHT	افغانی (پشتو) (AFGHANI):	BAREZISH	اوستایی (AVESTAN):
	سانسکریت (SANSKRIT):		پارسی باستان (OLD PERSIAN):
BARHISH, BĀRISHN		BĀLESHT, BĀLIN	
BULGA	یونانی (GREEK): (شاید)	BĀLISH	پهلوی (PAHLAVI):
BALGS	گوپیک (GOTHIC):	BAZ	اوستی (OSSETIC):

POLSHTĀR, PODUSHKA

BLÁZINA	صربی (SERBIAN)
BALNAS	لیتوانی (LITHUANIAN)
PABĀLSTS	لتونی (لاتی) (LATVIAN)
BALSINIS	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN)
	ایرلندی کهن (OLD IRISH)
BOLG, BOLGAIM	
BOLY, BOLA	ولزی (WELSH)

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

BELGR, BOLSTR

BELER	نورس کهن (OLD NORSE)
BELGAN	ساکسونی کهن (OLD SAXON)
-BULGEN	فریزی کهن (OLD FRISIAN)
BALG	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
BALG	آلمانی (GERMAN)
BIELG,	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
BELIG, BALG, BALIG	

BELLY	انگلیسی (ENGLISH)
BUG	دانمارکی (DANISH)
BUK, BĀLG	سوئدی (SWEDISH)
BUK	نروژی (NORWEGIAN)
BALG	هلندی (DUTCH)
POLSHTĀR,	لهستانی (POLISH)
PÖDUSHKA	
BOLOZEN	روسی (RUSSIAN)
	چک (CZECH)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	125-126
BARNHART	(BELLOWS, BELLY) 88
DELAMARRE:	(COUSSIN) 117
MACKENZIE:	(PILLOW) 127
BUCK:	252-254
ONIONS:	(BELLY) 87-88
SKEAT:	(BELLY) 55
۲۲۵	برهان قاطع:

یادداشت:

معنی این واژه در زبان ژرمنی: کیسه، شکم.
معنی این واژه در زبان گوتیک: مشک، شراب.
معنی این واژه در زبان ساکسونی کهن: خشمگین شدن.

BĀLŪ	فارسی (PERSIAN): بالو (به چم زگیل، آژخ)
WART	چم انگلیسی، سرواژه بی فارسی:
*WERD-, *WORDĀ, *WERS-, *WRS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

	پهلوی (PAHLAVI):	VARD
	سانسکریت (SANSKRIT):	VARSMAN
WARTA	ساکسونی کهن (OLD SAXON):	
WARTE	فریزی کهن (OLD FRISIAN):	GORT
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	VERRUCA
WARZA		لاتین (LATIN):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	
WARZE	آلمانی (GERMAN):	VARTA

FERBB : (OLD IRISH) ایرلندی کهن
GUEBLE : (BRETON) برتونی

REFERENCES	پیگشت ها
POKORNY:	1151
BARNHART	(WART) 1220
SKEAT:	(WART) 702
MALLORY & ADAMS:	(UORHO)
۲۲۴	برهان قاطع:
۴۶۷	فرهنگ معین:

WEART, : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
WART : (ENGLISH) انگلیسی
VORTE : (DANISH) دانمارکی
VĀRTA : (SWEDISH) سوئدی
VORTE : (NORWEGIAN) نروژی
WRAT : (DUTCH) هلندی
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
VRICHŪ
VERED : (RUSSIAN) روسی
VIRSHUS, VARLĖ : (LITHUANIAN) لیتوانی
VARDE : (LATVIAN) لونی

یادداشت:

- ۱- SKEAT و ONIONS ریشه های غیر رومی این واژه نمی دهند.
- ۲- فرهنگ معین و برهان قاطع : و لغت نامه دهخدا ریشه های این واژه را نمی دهند.
- ۳- معنی این واژه در برتونی: دمل
- ۴- معنی این واژه در لیتوانی و لونی: وزغ

BĀVAR	فارسی (PERSIAN): باور
BELIEF	چشم انگلیسی سرواژه ی فارسی:
*WEL-, *WLEI-, *WLĖ-, *WELMI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
VOI, VREA	رومانی (RUMANIAN):
WILJA, WILJAN	گوتیک (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
VILL, VILJA, VAL	
	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
WILLIO, WILLIAN	
	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
WILLA, WELLA	
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
WILLE, WOLLEN, WAHL	
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
WILLA, WILL, WILLAN	
WILL	انگلیسی (ENGLISH):
VAR-, VARATĀ, VAIRYA	
VAR-	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
	پهلوی (PAHLAVI):
WĀBAR, VĀVAR, VAR	
BĀWAR	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
VRNŌTI, VR,	سانسکریت (SANSKRIT):
VĀRASA, VARĀYATI, VRTA, VRNĀTI	
GEL	ارمنی (ARMENIAN):
LĒN, LEIŌ	یونانی (GREEK):
VELLE, VOLŌ	لاتین (LATIN):
VOULOIR	فرانس (FRENCH):
VOLERE	ایتالیایی (ITALIAN):

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	1137
BARNHART:	(WILL) 1236-1237
DELAMARRE:	
(VOULOIR, CHOISIR) 292	
MACKENZIE:	(BELIEF) 104
BUCK:	
(WILL) 1160-1161	
ONIONS:	
(WILL) 1006-1007, (WELL) 999	
SKEAT:	(WILL) 716
۲۳۰	برهان قاطع:

VILLIE, VILLE	دانمارکی (DANISH):
VILJA	سوئدی (SWEDISH):
VILJE, VILLE	نروژی (NORWEGIAN):
WIL, WILLEN	هلندی (DUTCH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
VOLITI, VELJO	
WOLA	لهستانی (POLISH):
VOLIT, VOLBA	چک (CZECH):
VOLBA, VOLIT	اسلواکی (SLOVAK):
	لیتوانی (LITHUANIAN):
VĖLYTI, PA-VELTI	
GWELL	ولزی (WELSH):
GUELL	برتونی (BRETON):

یادداشت:

چم این واژه در زبان های غیرایرانی: خواستن، ترجیح دادن، بهتر دانستن، گردیدن.

BĀHŪ	فارسی (PERSIAN): باهو (به چم چو بدستی بزرگ، "دیوک")
CLUB, BEAM	چم انگلیسی سرواژه های فارسی:
*BHRŪ, *BHRĒU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
BRO, BRYGGA	سوئدی (SWEDISH):
BRUG	هلندی (DUTCH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
BRŪVŪNO	
BREVNO	روسی (RUSSIAN):
BRU	صربی (SERBIAN):
BRIVA	گالی (GAULISH):
REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	173
BARNHART	(BRIDGE) 116
BUCK:	721- 722
ONIONS:	(BAIDGE) 117
SKEAT:	(BRIDGE) 74
۲۳۰	برهان قاطع:

BĀZU	اوستایی (AVESTAN):
BRUR, BĀHU	سانسکریت (SANSKRIT):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
BRŪ, BRYGGIA	
BRŪ	نورس کهن (OLD NORSE):
BAUGGIA	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
BRUGGIA	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
BRÜGEL, BRUCCA	
PAÜGEL, BRÜCKE	آلمانی (GERMAN):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
VRYCG, BRYCGIAN,	
BRIDGE	انگلیسی (ENGLISH):
BRO, BRYGGE	دانمارکی (DANISH):

یادداشت:

- ۱- معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی و گالی: بَل
 ۲- این واژه ریشه‌ی هند و اروپایی به چم "دیرک" و "تیر" بوده است و شاید علت دیگرگونی معنی آن در برخی زبان‌ها این باشد که بل‌های اولیه را از تیرهای چوبی می‌ساختند.

BABR, VABAR	فارسی (PERSIAN) بَبَر، وَبَر (به چم "بیداستر" یا "سگ آبی")
BEAVER	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHEBRUS, *BHIBRUS, *BHEBHRUS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLOVIC):	اوستایی (AVESTAN): BAWRA, BAWRI
BEBRŪ	پهلوی (PAHLAVI): BAFRAK, BABRAG,
BÓBR لهستانی (POLISH):	BAVARAK
BOBR روسی (RUSSIAN):	تخاری A (TOKHARIAN A): PARNO
BOBR چک (CZECH):	تخاری B (TOKHARIAN B): PERNE
BOBOR اسلواکی (SLOVAK):	سانسکریت (SANSKRIT): BABHRŪS
BABRUS, لیتوانی (LITHUANIAN):	لاتین (LATIN): FIBER
BĒBRUS	فرانس (FRENCH): BIÈVRE
BEBRUS پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
BEBRINUS, BIBRU- گالی (GAULISH):	BIORR,

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	136-137
BARNHART	(BEAVER) 85
DELAMARRE:	(CASTOR) 131
MACKENZIE:	16, (BEAVER) 104
ONIONS:	(BEAVER) 83
SKEAT:	(BEAVER) 52
۲۳۱	برهان قاطع:
۴۷۱ و ۴۷۷	فرهنگ معین:
۴۳۴۶	لغت‌نامه دهخدا:

BJORR	نورس کهن (OLD NORSE):
BIBAR	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
BIBAR	
BIBER	آلمانی (GERMAN):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
BEFORE, BEFOR	
BEAVER	انگلیسی (ENGLISH):
BAVER	دانمارکی (DANISH):
BEVER	هلندی (DUTCH):

یادداشت:

واژه "تیر" (BABR) که جانور درنده‌ی برمی هند است نیز به احتمال زیاد از همین ریشه است و پهلوی آن BAPR بوده است (فرهنگ معین: ۴۷۱). MACKENZIE این واژه را به صورت "BABR" داده است (MACKENZIE: (TIGER) 137.

BABA, BÉBÉ	فارسی (PERSIAN) بیٚ، بیٚ (به چم بیجی کوچک، "نی نی")
BABY	چم انگلیسی سرواژهی فارسی:
*BABA	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

BABINĀT	لتونی (LĀTVIAN):
BEBINT	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):
BABAN	سلی (CELTIC):
BABAN	ولزی (WELSH):
BABAN	گالیک (GAELIC):
BEBE	آلبانی (ALBANIAN):

BABABĀ-	سانسکریت (SANSKRIT):
BABAI	یونانی (GREEK):
BABAE, PAPAE	لاتین (LATIN):
BÉBÉ	فرانس (FRENCH):
NENE, BEBÉ	اسپانیایی (SPANISH):
BABBO	ایتالیایی (ITALIAN):
	آلمانی میانه (MIDDLE GERMAN):

REFERENCES	پسگنت ها
POKORNY:	91
BARNHART	(BABE, BABY) 70
ONIONS:	(BABY) 67
SKEAT:	(BABE, BABYE) 70
۲۳۲۹	لغت نامه دهخدا:

BÖBE, BĀBE	
BABY	آلمانی (GERMAN):
BABY, BABE	انگلیسی (ENGLISH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
BABLU	
BABA, BÖBOCEM	صربی: (SERBIAN):
BÖBA,	لیتوانی (LITHUANIAN):

BAT	فارسی (PERSIAN) بت، بط (به چم مرغابی)
DUCK	چم انگلیسی سرواژهی فارسی:
*PAD-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پسگنت ها
MALLORY & ADAMS:	PAD-
۲۳۳	برهان قاطع:

BAD	ارمنی (ARMENIAN):
PATO	اسپانیایی (SPANISH):
PATKA	صربی (SERBIAN):

BACHÉ	فارسی (PERSIAN) بچه
CHILD	چم انگلیسی سرواژهی فارسی:
*BHER-, *BHERE-, *BHRĒ-, *BHOR-	هند و اروپایی (شاید) (INDO-EUROPEAN):

BICHUKTI	
CHICHU,	سانسکریت (SANSKRIT):

VACHAK, WACHAG	پهلوی (PAHLAVI):
CHUCHIK,	کردی (KURDISH):

BERNIÁKAS

BÉRNS :لونی (لنی) (شاید) (LATVIAN):

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	131
BARNHART	(BAIRN) 71
MACKENZIE:	(CHILD) 106
BUCK:	87-93
ONIONS:	(BAIRN) 69
SKEAT:	(BAIRN) 44
AMINDAROV:	(CHILD) 199
۲۳۷	برهان قاطع:
۲۷۳-۲۷۴	فرهنگ معین:

BALI-

BARN, BAÚR :گوتیک (GOthic) (شاید)
ایسندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) (شاید)

BURR, BARN

BARN :ساکسونی کهن (OLD SAXON) (شاید)
آلمانی کهن (OLD HIGH ENGLISH) (شاید)

BOR, BURIAN, BARN

BYRE, (OLD ENGLISH) (شاید): انگلیسی کهن

BARN, BEARN

BAIRN :انگلیسی (ENGLISH) (شاید)

BARN :دانمارکی (DANISH) (شاید)

BARN :سوئدی (SWEDISH) (شاید)

BÉRNAS, :لیتوانی (LITHUANIAN) (شاید)

BAXT

فارسی (PERSIAN): بخت

CHANCE, FORTUNE

چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:

*BHAG-, *BHAGOS

هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

BOGE

BAXTA, BAXSHAITI: (AVESTAN) اوستایی

BAXT :پهلوی (PAHLAVI):

BEXT :کردی (KURDISH):

PAK :تخاری A (TOKHARIAN A) A:

PAKE :تخاری B (TOKHARIAN B) B:

BHAKSHATI :سانسکریت (SANSKRIT):

BOGATE :ارمنی (ARMENIAN):

:اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	107
DELAMARRE:	71
MACKENZIE:	(FORTUNE) 115
BUCK:	1095
AMINDAROV:	13
۲۱۵	برهان قاطع:

یادداشت:

بازگشت به: بهر و بخش.

BAXSH, BAXSHIDAN, BAXSHESH	بخش، بخشیدن، بخشش	فارسی (PERSIAN):
PORTION, BESTOW, FORGIVE, BESTOWAL		چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHAG-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

PHAGEIN : یونانی (GREEK)
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
BOGU, UBOGU

BREH, BRAY, BAG, : اوستایی (AVESTAN)
BAXSHAITI, BAGHA-
BAXSH, BRIN, : پهلوی (PAHLAVI)
BAXTAN, BAXSHISHN, BHAJ-,
BAXSHITAN

سانسکریت (SANSKRIT):

BHIKSHATE, BHAJI-,
BHAG, BHAGAH, BHAJATI
BOGATU : ارمنی (ARMENIAN)

REFERENCES	پیگشت‌ها
POKORNY:	107
MACKENZIE:	17, (BESTOWAL) 104
۲۴۱ و ۲۴۰	برهان قاطع:

یادداشت:

- ۱- بازگشت به "بخت" و "بخ".
- ۲- چشم این واژه در زبان یونانی: خوردن.
- ۳- واژه‌های فارسی "برخ" و "برخه" هم از همین واژه‌ها هستند.

BAD	بد	فارسی (PERSIAN):
BAD		چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHOIDH		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پیگشت‌ها	پهلوی (PAHLAVI):
POKORNY:	161	WAD, VAT, VATTAR
BARNHART:	(BAD) 71	BĒTER : کردی (KURDISH)
MACKENZIE:	103	FOEDARE, : لاتین (LATIN): (شاید)
BUCK:	1177-1179	FOEDUS
ONIONS:	(BAD) 68	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): (شاید)
SKEAT:	(BAD) 43	BADDLE
AMINDAROV:	24	BAD : آلمانی (GERMAN): (شاید)
۲۴۳	برهان قاطع:	BĒDA : لیتوانی (LITHUANIAN): (شاید)
۴۷۸	فرهنگ معین:	
۴۴۲۹	لغت‌نامه دهخدا:	

یادداشت:

شبهات واژه‌ی فارسی "بد" با واژه‌ی انگلیسی **BAD** هم از نظر معنی و هم از نظر آوا شگفت‌انگیز است ولی پیگشت‌های گوناگون همسانی این دو واژه را مورد بحث قرار نمی‌دهد. آیا این همسانی تصادفی است؟ ضمناً واج‌ریشه‌ی هند و اروپایی - ***BHU** دارای این مشتقات است: آلمانی کهن: **BÖSI**؛ آلمانی: **BOSE** (به چم "بد")؛ هندی: **BOOS** (به چم "عصبانی")؛ نروژی: **BAUS** (به چم "مغرور")؛ فریزی کهن: **BÜSEN** (به چم "جنگالی بودن")؛ انگلیسی میانه: **BOSTE**؛ انگلیسی: **BOAST** (به چم "پز دادن")؛ میزان خویشی واج‌ریشه‌های -***BHU** و ***BHOIDH** معلوم نیست.

BAR	فارسی (PERSIAN): بز (به چم "سینه و پستان")
BREAST	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHREUS, *BHRUS.	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

BRÖST	سوئدی (SWEDISH):	VARANG,	اوستایی (AVESTAN):
BORST	هلندی (DUTCH):	VARANGH, VARAH	
BRJUKHO	روسی (RUSSIAN):	BAR, WAR	پهلوی (PAHLAVI):
BRŪ	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	BERŪK, BEROK	کردی (KURDISH):
BROA	ولزی (WELSH):	VRAS	سانسکریت (SANSKRIT):
		BRUSTS	گوتیک (GOTHIC):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پیگشت‌ها
POKORNY:	170
BARNHART	(BREAST) 115
MACKENZIE:	(BREAST) 105
BUCK:	244-248
ONIONS:	(BEAST) 116
SKEAT:	(BREAST) 73
AMINDAROV:	(BREAST) 194
۲۴۵	برهان قاطع:

BRJÖST

نورس کهن (OLD NORSE): BRJÖST

ساکسونی کهن (OLD SAXON):

BREOST, BRIOST

آلمانی کهن (OLD GERMAN): HRUST

آلمانی (GERMAN): BRUST

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): BRĒOST

انگلیسی (ENGLISH): BREAST

دانمارکی (DANISH): BRYST

یادداشت:

۱- معنی این واژه در روسی و چند زبان دیگر: شکم.

۲- SKEAT فقط واژه‌های ژرمنی این واج‌ریشه را می‌دهد و معتقد است که ریشه‌ی این واژه‌های ژرمنی ناشناخته است.

۳- BARNHART به هم‌ریشه‌های ایرانی و سانسکریت این واژه اشاره‌ای نمی‌کند.

BAR, BĀR	فارسی (PERSIAN): بر، بار (به چم میوه)
FRUIT (ON A TREE)	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHER-, *BHORO-, *BHERMN, *BHRTIS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	BERETI, BARA	اوستایی (AVESTAN):
GIBURT, -BĀRI	BARO-	
آلمانی (GERMAN):	BARANTY	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
GEBURT, -BAR	BAR, BĀR	پهلوی (PAHLAVI):
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	-BER	کردی (KURDISH):
BIRTHE, -BĀR	PARE	تخاری A (TOKHARIAN A):
انگلیسی (ENGLISH):	PERT	تخاری B (TOKHARIAN B):
BIRTH	BHĀRATI,	سانسکریت (SANSKRIT):
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	BHRTI, BHĀRA	
BRĚME	PHERAM, PHOROS	یونانی (GREEK):

REFERENCES	پسگشت ما
POKORNY:	128-132
MACKENZIE:	17, (FRUIT) 115
MALLORY & ADAMS:	BHERMN
۲۴۵	برهان قاطع:
۴۸۹	فرهنگ معین:

FUR	لاتین (LATIN):
GABAÚRTHS	گوتیک (GOTHIC):
BĀRR	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
BURTHR	نورس کهن (OLD NORSE):
GEBYRD	فریزی کهن (OLD FRISIAN):

یادداشت:

- ۱- این واژه با واژه‌ی "بار" (به چم "وزن سنگین" هم‌ریشه است.
- ۲- معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: زایش، زادآوری (البته در فارسی نیز این معنی وجود دارد، مثلاً "زن باردار")
- ۳- ریشه‌ی واژه‌ی انگلیسی BARROW نیز از همین واژه‌ی فارسی است.

BARĀDAR	فارسی (PERSIAN): برادر
BROTHER	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHER-, *BHRĀTER	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

افغانی (پشتو) (AFGHANI):	BRĀTAR	اوستایی (AVESTAN):
WROR	BRĀTĀ	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
تخاری A (TOKHARIAN A):	BRĀD, BRĀDAR,	پهلوی (PAHLAVI):
PRACAR	BARĀT, BARĀTAR	
تخاری B (TOKHARIAN B):	BIRA	کردی (KURDISH):
PROCER		
سانسکریت (SANSKRIT):		
BEHRĀTAR,		
BHRĀTĀ		

BRAT	: (POLISH) لهستانی
BRAT	: (RUSSIAN) روسی
BRAT	: (SERBIAN) صربی
BRATR	: (BOHEMIAN) بوهمی
BROTRELIS,	: (LITHUANIAN) لیتوانی
BRÖLIS	
BRĀLIS	: (LATVIAN) لتونی (لتی)
BRATI	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن
BRĀTHAIR	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
BRAWD	: (WELSH) ولزی
BREUR	: (BRETON) برتونی
BRATHAIR	: (GAELIC) گالیک

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	163
BARNHART	(BAOTHER) 120
DELAMARRE	(FRÈRE) 38
MACKENZIE:	(BROTHER) 105
BUCK:	107-108
ONIONS:	(BROTHER) 121
AMINDAROV:	(BROTHER) 194
۲۴۶	برهان قاطع :

PHRĀTĒR	: (GREEK) یونانی
FRĀTER	: (LATIN) لاتین
FRÈRE	: (FRENCH) فرانسه
FRATELLO	: (ITALIAN) ایتالیایی
FRATE	: (RUMANIAN) رومانی
BRÖTHAR	: (GOTHIC) گوتیک

: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن

BRODHIR	
BRÖTHIR	: (OLD NORSE) نورس کهن
BRÖTHAR	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
BÖTHER	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

BRUODAR

BRUDER	: (GERMAN) آلمانی
BRÖTHOR,	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
BROTHER	: (ENGLISH) انگلیسی
BRÖDER	: (DANISH) دانمارکی
BRODER	: (SWEDISH) سوئدی
BROR	: (NORWEGIAN) نروژی
BRODER, BROEDER	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
BRATRŪ, BRATŪ	

BARĀZIDAN, BARĀZ, BARĀZANDEGI	برازیدن، براز، برازندگی	فارسی (PERSIAN):
BE PROPER, BE BECOMING		چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHEREG, *BHRĒGH, *BHLĒGMI, *BHLIG-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
PĀLK	: (TOKHARIAN B) B تخاری	اوستایی (AVESTAN): BRĀZAITI, BRĀZA,
BHRĀJATEM,	: (SANSKRIT) سانسکریت	BARAZA
BIRIAHA, BHARGAS		پارسی باستان (OLD PERSIAN): BRAZAITI
PHLĒGO	: (GREEK) یونانی	پهلوی (PAHLAVI): BRĀZIDAN, BRĀZ
PULGO	: (LATIN) لاتین	PĀLK : (TOKHARIAN A) A تخاری

BLESK	چک (CZECH)
BŘĚSK	اسلوونی (SLOVENIAN)
BREKSHA,	لیتوانی (LITHUANIAN)
BLIZGU	
BREKSHA,	لتونی (لتی) (LATVIAN)
BLIZGU	
BERTH	ولزی (WELSH)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	139
BARNHART:	(BRIGHT) 116
DELAMARRE:	249
MACKENZIE:	19, (GLEAM) 116
BUCK:	1048-1050
ONIONS:	(BRIGH) 118
SKEAT:	(BRIGHT) 74
۲۴۶	برهان قاطع:

BAÍRHTS	گوتیک (GOTHIC)
	ایسندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN)
BJARTR, BLIK BLIK	
BJARTR	نورس کهن (OLD NORSE)
BERHT,	ساکسونی کهن (OLD SAXON)
BERAHT	
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
BERAHT, BLECCAN, BLECCHEN	
-BRECHT, BLITZEN	آلمانی (GERMAN)
BEORHT,	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
BRYHT, BLICAN	
BRIGHT	انگلیسی (ENGLISH)
BROKIC, BJORKN	سوئدی (SWEDISH)
BRÖKE, BJERK	نروژی (NORWEGIAN)
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
BLISKU	
BRZASK	لهستانی (POLISH)
BLESKU, BREZG	روسی (RUSSIAN)

یادداشت:

این واژه در زبان‌های ایرانی کهن و زبان سانسکریت و زبان‌های ژرمنی و اکثر زبان‌های دیگر به معنی "درخشش" و "درخشیدن" است. حتی معنی برگرفته‌های پهلوی این واژه (BARĀZ, BRĀZĪDAN) دارای چم "درخشیدن" بوده‌اند (MACKENZIE)

BARBAR	فارسی (PERSIAN): بزیز(به چم هرزه گویی، "یاوه")
BABBLE	چم انگلیسی: سرواژه فارسی:
*BALBAL, *BABAL-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

	ایسندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN)
BABBLA	
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
BABBELN	
PLAPPERN	آلمانی (GERMAN)
BERBER	کردی (KURDISH)
BALBÓL	سانسکریت (SANSKRIT)
BALBALA-	
BABAI	یونانی (GREEK)
BABULUS, BALBUS	لاتین (LATIN)

BALBĀSYTL, :LITHUANIAN لیتوانی
BLABOSITI

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	91-92
BARNHART:	(BABBLE) 70
ONIONS:	(BABBLE) 67
SKEAT:	(BABBLE) 42
AMINDARON:	16
۲۴۸	برهان قاطع:
۲۵۱۷	لغت نامه دهخدا:

BABLEN, : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
BABELEN
BABBLE : (ENGLISH) انگلیسی
BABLE : (DANISH) دانمارکی
BABBLA : (SWEDISH) سوئدی
BABEL : (NORWEGIAN) نروژی
BABBELEN : (DUTCH) هلندی
BOLOBOLITV, : (RUSSIAN) روسی
BALÁKATV
BEBLATI, BLBLATI : (CZECH) چک
BLABÓL : (BULGARIAN) بلغاری
BLEBĒTATI : (SERBIAN) صربی

یادداشت:

این واژه در زبان‌های مختلف هند و اروپایی این چم‌ها را دارد: پاوه گویی، گگت و شنود: گگ زنی .

BARBARI	فارسی (PERSIAN): بریزی (به چم نامتمدن)
BARBARIAN	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BARBAR, *BABAL	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

BAR-BAR, BAL-BAL : (CZECH) چک
BRBOLJITI, : (SERBIAN) صربی
BRBLJATI
BALBĀSYTL, : (LITHUANIAN) لیتوانی

BARBARAS, : (SANSKRIT) سانسکریت
BALBALĀ, BABALĀKR
BARBAROS : (GREEK) یونانی
BARBARUS, BARBAR : (LATIN) لاتین
: (FRENCH) فرانسه

BARBARIEN, BARBARE

BARBARO : (SPANISH) اسپانیایی
: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

BARBARYN

BARBARIAN : (ENGLISH) انگلیسی
BARBARZYNCA : (POLISH) لهستانی
BOLOBOLIT : (RUSSIAN) روسی

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	92
BARNHART:	(BARBARIAN) 76
ONIONS:	(BARBARIC) 74
SKEAT:	(BARBAROUS) 47
۲۵۱۸	لغت نامه دهخدا:

یادداشت:

- ۱- ظاهراً این واژه را مردمان هند و اروپایی برای غیر هند و اروپائیان به کار می‌بردند: آریایی‌های هند برای غیر آریایی‌ها؛ یونانیان برای غیر یونانیان به ویژه ساکنان آفریقای شمالی.
۲- معنی این واژه در اکثر زبان‌های هند و اروپایی: بیگانه، دارای لکت زبان، نامتدین.

BORDAN	بودن (به چم حمل کردن)	فارسی (PERSIAN):
CARRY, BEAR		چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHER-, *BHERTIS, *BHERŌ-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

BEAR	انگلیسی (ENGLISH):	BERETIS,	اوستایی (AVESTAN):
BARE	دانمارکی (DANISH):	BARAITI, BAR-	
BÅRA	سوئدی (SWEDISH):	BARANTYI, :	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	BAR-	
BIRATI, BERO		BURDAN, BURTAN	پهلوی (PAHLAVI):
BERŪ	روسی (RUSSIAN):	BIRĒN	کردی (KURDISH):
BERIŪ	لیتوانی (LITHUANIAN):	PĀR	تخاری A (TOKHARIAN A):
BERU	لتونی (LATVIAN):	PĀR	تخاری B (TOKHARIAN B):
BIE	آلبانی (ALBANIAN):	BHRTIS,	سانسکریت (SANSKRIT):

BHĀRATI, BHR-

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	128
BARNHART:	(BEAR) 84
DELAMARRE:	60
MACKENZIE:	(BEAR) 104
BUCK:	707
ONIONS:	(BEAR) 83
SKEAT:	(BHER) 753, (BEAR) 52
RAMAT:	47
MALLORY & ADAMS:	BHR-
AMINDAROV:	(CARRY) 197
۲۵۳	برهان قاطع:

BEREM, BARD	ارمنی (ARMENIAN):
PHEREIN	یونانی (GREEK):
FERRE, FERŌ	لاتین (LATIN):
BAIRAN	گوئیک (GOTHIC):
BERA	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
BERA	نورس کهن (OLD NORSE):
BERAN,	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
BEREN, BOREN	
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
BERAN	
GEBAREN	آلمانی (GERMAN):
BERAN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

یادداشت:

- ۱- این واژه در اکثر زبان‌های هند و اروپایی دو چم دارد: بردن، گرفتن.
 ۲- چم این واژه در آلمانی و انگلیسی: زادن، بار آوردن.
 ۳- بازگشت به: باد

BORZ	فارسی (PERSIAN): برز (به چم بلندی، "ارتفاع")
HEIGHT, ALTITUDE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHEREGH, *BHERGHOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

BURG	اوستایی (AVESTAN): BEREZ, BEREZAITI
•BURG	پهلوی (PAHLAVI): BORZ
BEREG	تخاری (TOKHARIAN A) A: PĀRK
BRAIG	سانسکریت (SANSKRIT): BRHANT-
PARKUS, PARK-	هیت (HITTITE): BRAHĀYATI

BERJ, BARJR	ارمنی (ARMENIAN):
BURGUS, FORCTI	لاتین (LATIN):
BOURGS	گوتیک (GOTHIC):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
BURG, BERG, BERGAZ	
BURG, BERG	آلمانی (GERMAN):
BEORG,	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	140
DELAMARRE:	220
MACKENZIE:	19
۲۵۴	برهان قاطع:
۵۳	فرهنگ معین:

یادداشت:

- ۱- بازگشت به: بالا
 ۲- شاید واژه‌ی "برج" که در همه‌ی فرهنگ‌ها به عنوان واژه عربی آورده شده است نیز از همین واژه‌ی هند و اروپایی باشد. مضافاً به این که در پهلوی واژه‌ی "برج" به این صورت بوده است: BURG. در ارمنی نیز واژه‌ی BERJ بسیار شبیه به نظر می‌رسد. در دوران پیش از اسلام عرب‌های عربستان دارای برج و بارو نبودند و می‌دانیم که سلمان فارسی حفر "کندک" (خندقی) را به آنها آموخت.

BERESHTAN, BERYAN	فارسی (PERSIAN): یوشتن، بریان
BROIL	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHER-, *BHRAZ-, *BURŪG-, *BHEREG	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

BARGIEL	لهستانی (POLISH):	BARSTAN,	پهلوی (PAHLAVI):
BERGLÉZU	روسی (RUSSIAN):	BHURAJANTA	
BÍRGELAS	لیتوانی (LITHUANIAN):	BIRASHTIN	کردی (KURDISH):
BIRGA,	لتونی (LITVIAN):	VRETAWĒL	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
(AU)BIRGO	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	BHRJJATI,	سانسکریت (SANSKRIT):
FRITA	برتونی (BRETON):	BHURAJANTA	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	137
BARNHART:	(FRY) 412
MACKENZIE:	(ROAST) 131
BUCK:	336-339
ONIONS:	(FRY) 379
SKEAT:	(FRY) 228
AMINOAROV:	(FRY) 228
۲۵۸	برهان قاطع:

PHRYGEIN, PHRŪGO	یونانی (GREEK):
FRIGO, FRIGERE,	لاتین (LATIN):
FERTUM	
FRIRE, FRITE	فرانس (FRENCH):
FREIR	اسپانیایی (SPANISH):
FRIGGERE	ایتالیایی (ITALIAN):
FRIGE, FRAJI	رومانی (RUMANIAN):
FRIGIR	پرتغالی (PORTUGUESE):
	انگلیسی میانه (MIDDLE ENGLISH):
FRIEN, FRYE	

BARF	فارسی (PERSIAN): برف
SNOW	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WEP-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

VEPRIS	لتونی (LITVIAN):	VAERA	اوستایی (AVESTAN):
--------	------------------	-------	--------------------

VAFR	پهلوی (PAHLAVI):
------	------------------

BERF	کردی (KURDISH):
------	-----------------

WĀWRA	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
-------	--------------------------

VAPATI, VĀPRA	سانسکریت (SANSKRIT):
---------------	----------------------

VEPRĒS	لاتین (LATIN):
--------	----------------

	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
--	---------------------------------

VEPRU	
-------	--

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1149
MACKENZIE:	(SNOW) 133
BUCK:	68-69
AMINDAROV:	288
۲۵۹	برهان قاطع:

یادداشت:

ضمناً در زبان‌های اوستایی ((SNAOTHA)) و پهلوی (SNĒZAG, SNĒXR) چم "برف" را داشته‌اند و ممکن است امروزه هم در گویش‌های محلی فلات ایران وجود داشته باشند. شاخه‌گیری این واژه‌ها چنین است:

هند و اروپایی: *SNOIGWH- *SNIGWH؛ سانکریت (پراکریت): SINEHA؛ اوستایی: SNAOTHA؛
 SNĒZA؛ یونانی: NIPHA؛ لاتین: NIVIS, NIX؛ انگلیسی کهن: SNĀW (انگلیسی: SNOW)؛ آلمانی کهن: SNĒO (آلمانی: SHNEE)؛ فریزی کهن: SNĒ ساکسونی کهن: SNĒO؛ ایرلندی کهن: SNAR؛ گوتیک: SNAIWS؛ ایرلندی کهن: SNECHTAE؛ لیتوانی: SNIEGAS؛ اسلاوی کهن: SNĒGŪ؛ پروسی کهن: SNAYGIS؛ هلندی: SNĒEUW؛ سوئدی: SNŌ؛ نروژی SNO؛ دانمارکی: SNE؛ روسی: SNEF؛ لهستانی: SNIEG؛ فرانسه: NEIGE؛ اسپانیایی: NIEVE؛ ایتالیایی: NEVE؛ بومی: SNIH.

فارسی (PERSIAN): برگ	BARG
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	LEAF
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*BHOL-, *BHEL-, *BHLET-, *BHLĒ-, *BHLŌ-

اوستایی (AVESTAN):	VAREKA	انگلیسی (ENGLISH):	BLADE
پهلوی (PAHLAVI):	WARG, VALG	دانمارکی (DANISH):	BLAD
کردی (KURDISH):	BELG, BELCHIM,	سوئدی (SWEDISH):	BLAD
	BERU	نروژی (NORWEGIAN):	BLAD
تخاری A (TOKHARIAN A):	PĀLT	هلندی (DUTCH):	BLAD
یونانی (GREEK):	PHĪLLON	لیتوانی (LITHUANIAN):	LAPAS
لاتین (LATIN):	FOLIUM	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	BILE, BLATH
فرانسه (FRENCH):	FEUILLE	گالی (GAULISH):	BLAWD
ایتالیایی (ITALIAN):	FOGLIA		
گوتیک (GOTHIC):	LAUFS		

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

BLADH
BLATH: (OLD NORSE) کهن نورس
BLAD: (OLD SAXON) کهن ساکسونی
bled: (OLD FRISIAN) کهن فریزی
: (OLD HIGH GERMAN) کهن آلمانی

BLUOT, BLAT

BLATT: (GERMAN) آلمانی
BLAD: (OLD ENGLISH) کهن انگلیسی

پسگشت‌ها	REFERENCES
122-123	POKORNY:
(BLADE) 97, (FOLIAGE)	
397	BARNHART:
(FEUILLE) 156	DELAMARRE:
(LEAF) 121	MACKENZIE:
(LEAF) 525	BUCK:
(FOLIAGE) 220	SKEAT:
(LEAF) 248	AMINDAROV:
برهان قاطع:	۲۶۰

یادداشت:

واژه‌های انگلیسی BLOSSOM, BLOOM (و هم‌ریشه‌های ژرمنی آنها) نیز از همین واچریشه‌ی هند و اروپایی آمده‌اند.

فارسی (PERSIAN): بَرموز، بَرمور، بَرمز، بَرمز، بَرمو، بوز (به چم "زنبور")	
BARMŪZ, BARMŪR, BARMAZ, BARMŪ, BOOZ	
BEE	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHEI, *BHI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید)
BITIS, BĪTE	لیتوانی (LITHUANIAN):
BITE	لتونی (لتی) (LATVIAN):
BITTE	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):
BECH	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
BEKOS	گالی (GAULISH):
BYDAF	ولزی (WELSH):

REFERENCES	پیگشت‌ها
POKORNY:	116
BARNHART:	(BEE) 85
DELAMARRE:	142
MACKENZIE:	(BEE) 104
BUCK:	192
ONIONS:	(BEE) 84
SKEAT:	(BEE) 53
۳۱۶ و ۲۶۳	برهان قاطع:
۴۶۳۹	لغت‌نامه دهخدا:

BINI	آلمانی (GERMAN):
BIENE	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
BÉO	انگلیسی (ENGLISH):
BEE	دانمارکی (DANISH):
BI	سوئدی (SWEDISH):
BI	نروژی (NORWEGIAN):
BIJ	هلندی (DUTCH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
BICHELA	چک (CZECH):
VCHELA	اسلواکی (SLOVAK):
VCHELA	

یادداشت:

۱- واژه‌ی "انگبین" فارسی از "انگ" به چم "شیره و عسل" است (برهان قاطع :: ۱۷۴). واچریشه‌ی BEN- از هند و اروپایی *BHI- به چم "زنبور" است. واژه‌های "انگدان" و "انجبار" و "انگوزه" نشان می‌دهد که "انگ" به چم "شیره" و شهد است. لذا "انگبین" یا "انگوین" یعنی "شیره یا شهد" زنبور.

BORNĀ	فارسی (PERSIAN): بزنا (به چم جوان و نوچه)
YOUNG PERSON	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHORN-, *BHER-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

BARN	سوئدی (SWEDISH):	اوستایی (AVESTAN):
BARN	نروژی (NORWEGIAN):	APƏRƏNĀYU, PƏRƏNĀYU
BERNIÁKAS,	لیتوانی (LITHUANIAN):	ABURNĀY, پهلوی (PAHLAVI):
BĒRNAS		ABURNĀYAG
BĒRNS	لتونی (LATVIAN):	VIRNĪ کردی (KURDISH):
		BARN گوتیک (GOTHIC):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	131
BARNHART:	(BAIRN) 71
MACKENZIE:	(CHILD) 106
ONIONS:	(BAIRN) 69
SKEAT:	(BAIRN) 44
۲۶۲	برهان قاطع:

BARN	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
BARN	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
BARN	
BEARN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
BAIRN	انگلیسی (ENGLISH):
BARN	دانمارکی (DANISH):

یادداشت:

- ۱- ریشه‌ی این واژه با ریشه‌ی واژه‌ی "بردن" خویشی دارد.
- ۲- چم این واژه در اوستایی و پهلوی و زبان‌های ژرمنی و لیتوانی و لتونی و کردی: بچه، نوباوه.

BARRÉ	فارسی (PERSIAN): بزّه
SHEEP	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WEREN, *URHEN, *URHNOS, *URNOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ŪRAN, ŪRANA, VURAN	اوستایی (AVESTAN): URA-, VAREN,
GARN, GARIN	ارمنی (ARMENIAN): URAN
ARONS, WAREN	یونانی (GREEK): VARMAK,
VERVEX	لاتین (LATIN): VARANA
BEDE	دانمارکی (DANISH): VARAK, WARRAG,
BARAN, BARANEK	لهستانی (POLISH): VARRAN
BARRAN	روسی (RUSSIAN): WAR
BERĀNEK	چک (CZECH):
	اوسنی (OSSETIC):
	سانسکریت (SANSKRIT):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1170
MACKENZIE:	(LAMB) 121
BUCK:	156-160
(MALLORY & ADAMS:	URHEN
TYA	برهان قاطع:

BARANCHEK	: (SLOVAK) اسلواکی
VĚRAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی
VAN	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن

یادداشت:

معنی این واژه در لاتین: گوسپنداخته شده.

BORIDAN	فارسی (PERSIAN): بُریدن
CUT	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHER-, *BHOR-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

BORŌN, BORA	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	BRINA, BAOIRYA	اوستایی (AVESTAN):
BOHREN, BHOR	آلمانی (GERMAN):	BRI-, BRAY	
BORIAN,	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	BURIDAN, BRITAN,	پهلوی (PAHLAVI):
BOR		BRIN	
BORE	انگلیسی (ENGLISH):	BRITI	اوسنی (OSSETIC):
BOR	دانمارکی (DANISH):	BERANDIN, BRRIN	کردی (KURDISH):
BORR, BORRA	سوئدی (SWEDISH):	BHRI-,	سانسکریت (SANSKRIT):
BOR	نروژی (NORWEGIAN):	BHRNĀTI, BHARVATI, BHRINATI	
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	BIR	ارمنی (ARMENIAN):
BRITI, BRETVA		PHAROS, PHARĀO	یونانی (GREEK):
BRITI	روسی (RUSSIAN):	FORĀRE, FERIRE	لاتین (LATIN):
BĀRAS	لیتوانی (LITHUANIAN):	FRIARE	
BARS	لتونی (LTVIAN):	FORARE	ایتالیایی (ITALIAN):
BIE, BORIJ	آلبانی (ALBANIAN):		ایسکاندیناوی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
		BORA, BORR	
		BORR, BERJA	نورس کهن (OLD NORSE):
		BER	فریزی کهن (OLD FRISIAN):

ONIONS:	(BORE) 108	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:	(BORE) 68, (BHER) 752	POKORNY:	133
AMINDAROV:	208	BARNHART:	(BORE) 107-108
برهان قاطع:		MACKENZIE:	(CUT) 109
		BUCK:	(CUT) 556, (BORE) 592

یادداشت:

معنی این واژه در سانسکریت: صدمه زدن، زخمی کردن.
 معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: سوراخ کردن، سفتن، مته.
 معنی این واژه در زبان یونانی: شخم.

BOZ	فارسی (PERSIAN): بز
GOAT	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHUG-, *BHŪGO-, *BHUKKOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
BOCK	سوئدی (SWEDISH):
BUK	نروژی (NORWEGIAN):
BOK	هلندی (DUTCH):
BOCC	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
BWCH	ولزی (WELSH):
BOC	گالیک (GAELIC):
BOUCH	برتونی (BRETON):
BŪZA	اوستایی (AVESTAN):
BUC	پهلوی (PAHLAVI):
BIZIN	کردی (KURDISH):
WEZA	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
BUC, BUZ	ارمنی (ARMENIAN):
BUCCA	لاتین (LATIN):
BOUC	فرانسé (FRENCH):
BECCO	اسپانیایی (SPANISH):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	174
BARNHART:	(BUCK) 122
DELAMARRE:	132
MACKENZIE:	(GOAT) 116
BUCK:	164-166
ONIONS:	(BUCK) 122-123
SKEAT:	(BUCK) 77
AMINDAROV:	(GOAT) 231
MALLORY & ADAMS:	BHUGOS
۲۷۱-۲۷۲	برهان قاطع:

BUKKR

نورس کهن (OLD NORSE):

ساکسونی کهن (OLD SAXON):

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

BOC, BUKKA

آلمانی (GERMAN):

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

BUCCA

انگلیسی (ENGLISH):

دانمارکی (DANISH):

BOZORG	فارسی (PERSIAN): بزرگ
BIG, GREAT	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WEG-, *WOG-, *WÖG-, *WEGE-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

WACAN, (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	VAZRA (AVESTAN): اوستایی
WECCAN	VAZRAKA, (OLD PERSIAN): پارسی باستان
WAKE (ENGLISH) انگلیسی	VAZARKA
VAAGE (DANISH) دانمارکی	WUZURG, BAZURG (PAHLAVI): پهلوی
VAKA (SWEDISH) سوئدی	WAŚIR (TOKHARIAN A) A: تخاری
VAKE (NORWEGIAN) نروژی	WASIR (TOKHARIAN B) B: تخاری
WAKEN (DUTCH) هلندی	VĀJA, VAJRA (SANSKRIT): سانسکریت
	VZRUK, VZURK (ARMENIAN): ارمنی
	VEGĒRE (LATIN): لاتین
	WAKAN (GOTHIC): گوتیک
	VAK (OLD SCANDINAVIAN): ایسلندی کهن
	WAKÖN (OLD SAXON): ساکسونی کهن
	WAKIA, (OLD FRISIAN): فریزی کهن
	WAKA (OLD HIGH GERMAN): آلمانی کهن
	WAKEN, WAHHEH
	WACHEN (GERMAN): آلمانی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1117
BARNHART:	(WAKE) 1216
MACKENZIE:	(BIG) 104
BUCK:	878-880
SKEAT:	(WAKE) 698
MALLORY:	49
۲۷۲	برهان قاطع:

یادداشت:

معنی این واژه در سانسکریت: نیرو، سرعت.

معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: بیدار، بیدار شدن، نظاره کردن.

معنی این واژه در زبان لاتین: شاد و خرم کردن.

BASTAN	فارسی (PERSIAN): بستن
BIND	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHENDH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

BASTAN (PAHLAVI): پهلوی	BANDH-, (AVESTAN): اوستایی
VEBESTE (KURDISH): کردی	BADHNĀTI, BĀNDHANA,
BANDAYAITI (SANSKRIT): سانسکریت	BASTA (OLD PERSIAN): پارسی باستان

BINDEN هندی (DUTCH):

BENDRAS لیتوانی (LITHUANIAN):

پسگشت‌ها	REFERENCES
127	POKORNY:
(BIND) 94	BARNHART:
248	DELAMARRE:
(BIND) 104	MACKENZIE:
545-546	BUCK:
(BIND) 95	ONIONS:
(BIND) 60	SKEAT:
(TIED) 299	AMINDAROV:
برهان قاطع:	۲۷۸

PEISMA یونانی (GREEK):

-FEN- (OFFENDIX) لاتین (LATIN):

BINDAN گوتیک (GOTHIC):

BINDA (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن:

BINDA نورس کهن (OLD NORSE):

BINDA فریزی کهن (OLD FRISIAN):

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

BINTAN

BINDEN آلمانی (GERMAN):

BINDAN انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

BIND انگلیسی (ENGLISH):

BINDE دانمارکی (DANISH):

BINDA سوئدی (SWEDISH):

BINDE نروژی (NORWEGIAN):

یادداشت:

۱- چَم این واژه در لیتوانی: ولده پدر یا مادر.

BA, BA-BA	فارسی (PERSIAN): بُع، بُع، بُع
BLEAT	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BLĚK- *BLĚKŌ, *BHLĚYŌ, *BHLĚD	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

BRAGE دانمارکی (DANISH):

BLAKTA نروژی (NORWEGIAN):

BLATEN هندی (DUTCH):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

BLĚJU

BECZEĆ لهستانی (POLISH):

BLEYAT, BLEKATI روسی (RUSSIAN):

BLET, BLEJU لونی (LATVIAN):

BLĚJIM, سانسکریت (SANSKRIT):

BLĚJATI

BLEKHAOMAI, یونانی (GREEK):

BLĚKHASTHAI

FLĚRE, BĚLĚRE لاتین (LATIN):

BĚLER فرانسه (FRENCH):

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

BLĚZAN

BLŌKEN آلمانی (GERMAN):

BLATAN انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

BLEAT انگلیسی (ENGLISH):

ONIONS:	(BLEAT) 99	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:	(BLEAT) 63	POKORNY:	155
۴۸۷۷	لغت‌نامه دهخدا:	BARNHART:	(BLEAT) 98
		DELAMARRE: (PLEURER, BÉLER)	249

یادداشت:

برخی معتقدند که این واژه "آوانامی" (ONOMATOPOETIC) است ولی همسانی آن در زبان‌های هند و اروپایی موجب شده که در برخی بررسی‌های واژه‌شناسی این واژه نیز پیگیری گردد.

BAGH	بَغ (به چَم "خدا")	فارسی (PERSIAN):
GOD	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*BHAGOS, *BHAG-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

BOG, BOGU	روسی (RUSSIAN):	BAGA, BAGHA	اوستایی (AVESTAN):
BŮH	چک (CZECH):	BAGA,	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
BOG	صربی (SERBIAN):	BAGAH	
BŮH	بوهمی (BOHEMIAN):	BAK, BAGH, BAY	پهلوی (PAHLAVI):
BOH	اسلواکی (SLOVAK):	BEG	کردی (KURDISH):

سانسکریت (SANSKRIT): BHAGA-
BHAGVAD(-GITA)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	107
MACKENZIE: (GOD) 116, (LORD) 122	
BUCK:	1464-1465
AMINDAROV:	(LORD) 250
۲۸۸-۲۸۹	برهان قاطع:

ارمنی (ARMENIAN): BOGOTU
یونانی (GREEK): PHAGOS
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
BOGŮ
لهستانی (POLISH): BÓG

یادداشت:

۱- واژه‌ی "بغداد" (خداداد) نیز از همین واژه است.

۲- معنی این واژه در سانسکریت: بخشنده، خدا، تقسیم‌کننده.

معنی این واژه در یونانی: ارباب

۳- بازگشت به: بخش

BOLAND	فارسی (PERSIAN): بلند
HIGH, TALL	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHEREGH, *BHERGHOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

PORTIS	لاتین (LATIN):	BURZ, BEREZ	اوستایی (AVESTAN):
		BÜLAND	پهلوی (PAHLAVI):
		BILIND	کردی (KURDISH):
		BARHA,	سانسکریت (SANSKRIT):
		BRHANT	
		BERJ	ارمنی (ARMENIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	140
MACKENZIE:	(HIGH) 118
۳۰۰	برهان قاطع:

یادداشت:

پازگشت به: بالا، برز.

butane دامه بر، هم
bake

BON	فارسی (PERSIAN): بن (به چشم ته، بیخ درخت)
STEM, BASE, BOTTOM	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHUDH-, *BHUNDH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

BODEM	فریزی کهن (OLD FRISIAN):	BÜNÖ	اوستایی (AVESTAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	BUN, BÜN	پهلوی (PAHLAVI):
BODAM		BUDHNÁ,	سانسکریت (SANSKRIT):
BODEN	آلمانی (GERMAN):	BHUDHNO, BÜNA	
BOTM	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	BUN	ارمنی (ARMENIAN):
BOOTEN	انگلیسی (ENGLISH):	PYTHMEN, PUTHMEN	یونانی (GREEK):
BUND	دانمارکی (DANISH):	FUNDUS	لاتین (LATIN):
BOTTEN	سوئدی (SWEDISH):	FOND	فرانس (FRENCH):
BODEM	هلندی (DUTCH):	FONDO	اسپانیایی (SPANISH):
BUN, BOND	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	FONDO	ایتالیایی (ITALIAN):
BON	ولزی (WELSH):	FUND	رومانی (RUMANIAN):
BONN, BOND	گالیک (GAELIC):	BOTN, (OLD SCANDINAVIAN)	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
		BYTNA	
		BOTN	نورس کهن (OLD NORSE):
		BODAM	ساکسونی کهن (OLD SAXON):

BUCK:	855-856	REFERENCES	پسگشت ها
ONIONS:	(BOTTOM) 109	POKORNY:	174
SKEAT:	(BOTTOM) 69	BARNHART:	(BOTTOM) 109
AMINDAROV	(BOTTOM) 193	DELAMARRE:	(LE SOL,
۳۰۴	برهان قاطع:	E FONDEMENT) 49	
		MACKENZIE:	20,(BASE) 103

یادداشت:

۱- معنی این واژه در ایرلندی کهن: پاشنه پا.

معنی این واژه در ولزی: تنه درخت.

معنی این واژه در آلمانی: زمین، خاک.

۲- واژه های انگلیسی FOUNDATION و FUNDAMENT هم از همین واژه پند.

BAND	فارسی (PERSIAN): بند (به چَم رِسمان، طُتاب، وِسلِیه یِ بَستَن)
BAND	چَم انگلیسی سرواژه یِ فارسی:
*BHENDH, *BHONDHOM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

BAND	فریزی کهن (OLD FRISIAN):	BANDA	اوستایی (AVESTAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	BAND	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
BANT, BANTA		BAND	پهلوی (PAHLAVI):
BAND	آلمانی (GERMAN):	BERBEND, BENDIK	کردی (KURDISH):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	BAND	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
BEND, BINDAN		BHAND,	سانسکریت (SANSKRIT):
BAND	انگلیسی (ENGLISH):	BANDHA	
BAAND	دانمارکی (DANISH):	PEISMA, PÁSM	یونانی (GREEK):
BAND	سوئدی (SWEDISH):	-FEND (DĒFENDŌ,	لاتین (LATIN):
BAND	نروژی (NORWEGIAN):	OFFENDŌ)	
BAND	هلندی (DUTCH):	BANDE	فرانسوی (FRENCH):
BANDÁ	لیتوانی (LITHUANIAN):	BAND	اسپانیایی (SPANISH):
BUINNE	ایرلندی (IRISH):	BANDO	ایتالیایی (ITALIAN):
		BANDI	گوتیک (GOTHIC):
		BAND	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

AMINDAROV:	(BAND) 188,15	REFERENCES	پسگشت‌ها
۳۰۵	برهان قاطع:	POKORNY:	127
		MACKENZIE: (BAND) 17, (BOND) 105	

یادداشت:

- ۱- واژه‌ی انگلیسی BEND (انگلیسی کهن: BENDAN) نیز از همین ریشه است.
 ۲- بازگشت به: پشن.

BUDAN, BUD	فارسی (PERSIAN): بودن، بود
BE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHEW, *BHW.	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
BIM	اوستایی (AVESTAN): BŪ, BUITI
	BAVAITI, BŪTA, BŪSHYEITI
	پارسی باستان (OLD PERSIAN): BŪ,
BIM	BAVATY
BIN	BŪTAN, BŪDAN (PAHLAVI):
BĒON, (OLD ENGLISH) کهن انگلیسی	HEBŪN (KURDISH): کردی
BĒOM	YE, YĒM, YĀST (AFGHANI): افغانی (پشتو)
BE, BEEN (ENGLISH) انگلیسی	BHĀVATI, BHŪ- (SANSKRIT): سانسکریت
BEN (DUTCH) هلندی	BUSANIM, BŪTĀH (ARMENIAN): ارمنی
	PHYEIN, PHUEIN, (GREEK): یونانی
(OLD CHURCH SLAVIC) کهن اسلاوی	EATI, EIUI
BYTI, BYVATI	FUI, FIO, ESSE (LATIN): لاتین
BYC (POLISH) لهستانی	FUS, ÊTRE (FRENCH): فرانسه
BYT, BIT, BYTU (RUSSIAN): روسی	FUI, ESTAR (SPANISH): اسپانیایی
BÍN, BÝT (CZECH) چک	FUI, Ê, ESSERE (ITALIAN): ایتالیایی
BITI (SERBIAN): صربی	FI, FUI (RUMANIAN): رومانی
BYTI (BOHEMIAN): بوهمی	ESTAR (PORTUGUESE): پرتغالی
BÍ, BÍN, BYT (SLOVAK): اسلواکی	BAVAN (GOTHIC): گوتیک
BŪTI, BŪTU (LITHUANIAN): لیتوانی	
BŪT (LATVIAN) (لتی):	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
BOUT, (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن	BŪD
BŪTON	ER, ساکسونی کهن (OLD SAXON):
BUTH, BIUW (OLD IRISH) ایرلندی کهن	BIUM,
BOD (WELSH) ولزی	BIOM

elam
elam
elam

MACKENZIE:	(BE) 103
BUCK:	635-636
ONIONS:	(BE) 81
SKEAT:	(BE) 82
AMINDAROV:	(BE) 189
۳۱۴	برهان قاطع:

BEZA, BEZ: برتونی (BRETON)
BŪJ: آلبانی (ALBANIAN)

پسگشت‌ها	REFERENCES
146	POKORNY:
(BE) 82-83	BARNHART:
(ETRE) 255	DELAMARRE:

یادداشت:

در اکثر زبان‌های هند و اروپایی برای صرف فعل (کارواژ) "بودن" از دو واج‌ریسه‌ی *ES- و *ESTI- هم استفاده می‌شود (بازگشت به: هست).

BŪS, BŪSĒ, BŪSIDAN	بوس، بوسه، بوسیدن	فارسی (PERSIAN)
KISS, BUSS		چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BU-, *BHU-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

BUCH	BASIATIO, (LATIN) (شاید)
BUCHUOT: لتونی (LITVIAN)	BĀSIĀRE
BUS, ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH)	BAISER فرانسه (FRENCH) (شاید)
BUSÓC	BUZ, BESO اسپانیایی (SPANISH) (شاید)
BUS: ولزی (WELSH)	BACIO, ایتالیایی (ITALIAN) (شاید)
BUS: گالیک (GAELIC)	BACIARE
BUZĒ: آلبانی (ALBANIAN)	BUZĀ رومانی (RUMANIAN) (شاید)
	BEIJO, پرتغالی (PORTUGUESE) (شاید)
	BEIJAR

پسگشت‌ها	REFERENCES
103	POKORNY:
1113-1115	BUCK:
(BUSS) 130	ONIONS:
(BUSS) 82	SKEAT:
برهان قاطع:	۳۱۷

BUSS, BUSSEN: آلمانی (GERMAN)
BUSS: انگلیسی (ENGLISH)
PUSS: سوئدی (SWEDISH)
BUZIA: لهستانی (POLISH)
BUCHIUOTI, لیتوانی (LITHUANIAN)

یادداشت:

چشم این واژه در زبان‌های رومانی و ولزی: لب، لب و لوجه.

BŪF, BŪM	فارسی (PERSIAN): بوف، بوم (به چم جغد)
OWL	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*ULŪKOS, *BH(E)U-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

WIL : (DUTCH) هلندی
 : (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

BUK-
 BAKAC : (POLISH) لهستانی
 BUH : (BULGARIAN) بلغاری
 BŪHNUTI : (SERBIAN) صربی
 HULULER, : (LITHUANIAN) لیتوانی
 BAUBLIS
 BŪKSHKĒT : (LATVIAN) لونی

BUF, BUFG, BUG : (PAHLAVI) پهلوی

ULŪKA : (SANSKRIT) سانسکریت

BU, BUÉCH : (ARMENIAN) ارمنی

BUĀS, BŪZA : (GREEK) یونانی

BŪBŌ, ULUCUS : (LATIN) لاتین

HIBOU : (FRENCH) فرانسه

BŪHO : (SPANISH) اسپانیایی

GUFO : (ITALIAN) ایتالیایی

UGLA : (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

UGLA : (OLD NORSE) نورس کهن

HŪC : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

ŪWILA, ŪLA

EULE : (GERMAN) آلمانی

ŪLE : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

OWL : (ENGLISH) انگلیسی

UGLE : (DANISH) دانمارکی

UGLA : (SWEDISH) سوئدی

UGLE : (NORWEGIAN) نروژی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	97-98
BARNHART:	(OWL) 793
DELAMARRE:	(HIBOU) 141
MACKENZIE:	(OWL) 126
ONIONS:	(OWL) 638
SKEAT:	(OWL) 420
MALLORY & ADAMS:	B(E)U-
۳۱۹	برهان قاطع:

یادداشت:

۱- ریشه‌ی این واژه در هیچ‌کدام از مراجع فارسی در دسترس من پیگیری نشده است.

۲- برخی از واچریشه‌شناسان اصل این واژه را گونه‌ای "نام آوا" (ONOMATOPOEIA) می‌دانند، یعنی این واژه به تقلید از آوای جغد به وجود آمده است. در هر حال، برداشت زبان‌های هند و اروپایی از این آوا ویژه‌ی آنهاست و با واژه‌های موجود در زبان‌های غیر هند و اروپایی فرق دارد.

فارسی (PERSIAN): بوم (به چم سرزمین، "زمینه")		BŪM
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:		LAND, COUNTRY
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):		*BHŪ-, *BHEU-, *BHOU-
اوستایی (AVESTAN):	BŪMI	پسگت‌ها
پارسی باستان (OLD PERSIAN):	BŪMI-	147
پهلوی (PAHLAVI):	BŪM	20, (LAND) 121
سانسکریت (SANSKRIT):	BHŪ-, BHŪMI-	(CONTRY) 108
	BHUMAN	15-17
ارمنی (ARMENIAN):	BOIS, BUSOY	برهان قاطع: ۳۲۰

یادداشت:

معنی این واژه در سانسکریت: زمین، جهان.

فارسی (PERSIAN): بویدن، بو		BŪIDAN, BŪ
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:		SMELL
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):		*BHU-
اوستایی (AVESTAN):	BUD-, BAOTHI-,	لیتوانی (LITHUANIAN):
	BAODHA, BAODHI, BAOITHI	BUNDŪ
پهلوی (PAHLAVI):	BŌYIDAN, BŌY,	لتونی (LATVIAN):
	BŌDH	BAUMA, BAŪME
کردی (KURDISH):	BIHNI, BON,	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
	BONKIRDIN	BUIDE
افغانی (پشت) (AFGHANI):	BUY	پسگت‌ها
سانسکریت (SANSKRIT):	BUDH-	150-151
ارمنی (ARMENIAN):	BOI	(SMELL) 133
یونانی (GREEK):	PYSTIS	1022-25
		برهان قاطع: ۳۱۱

یادداشت:

۱- معنی این واژه در سانسکریت و یونانی: بو بردن، آگاه شدن، بررسی کردن

۲- به احتمال زیاد این واژه‌ی با واژه‌ی *BHEUDH- (به چم "یدار شدن" و "آگاه شدن") خویشی نزدیک دارد (بازگشت به: 92, BARNHART: 59, SKEAT: 93, ONIONS).

BEH	فارسی (PERSIAN): به - (مثلاً در "بهر" یا "روزبه")
BENE- (AS IN BENEFACITOR)	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHAḌ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

VESELU

VESELY چک (CZECH):

VESELS لتونی (لتی) (LATVIAN):

FŌ, FEB ایرلندی کهن (OLD IRISH):

اوستایی (AVESTAN): VATHU, VOHU,

VAHYA, VANGHA

پارسی باستان (OLD PERSIAN): VAHYAH,

VAHU

پهلوی (PAHLAVI): VEH, BĒH, WEH

کردی (KURDISH): BI, BI(JARE)

افغانی (پشت) (AFGHANI): BEH,

BEH(TAR)

نخاری A (TOKHARIAN A): WSE

نخاری B (TOKHARIAN B): YASI, WESŪ

سانسکریت (SANSKRIT): VĀSU,

VASYĀN

یونانی (GREEK): FUROS (شاید)

لاتین (LATIN): BENE, BONUS (شاید)

REFERENCES پسگشت‌ها

POKORNY: 106

BARNHART: (BENEFACITOR) 88

DELAMARRE: (BON, BIEN) 237

MACKENZIE: (BETTER) 104

AMINDAROV: (BETTER) 191

برهان قاطع: ۳۲۳

یادداشت:

۱- بازگشت به: بهتر

۲- بازگشت به: هر

BAHĀR	فارسی (PERSIAN): بهار
SPRING (TIME)	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*VES-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ارمنی (ARMENIAN): GARUN, GARNAN

یونانی (GREEK): ÉAR, EATH

لاتین (LATIN): VĒR, VĒRIS

فرانسه کهن (OLD FRENCH):

PRIMEVOIRE

اسپانیایی (SPANISH): PRIMAVERA

ایتالیایی (ITALIAN): PRIMAVERA

اوستایی (AVESTAN): VANRI, VĀHAR,

VAHRI, VASRI

پارسی باستان (OLD PERSIAN): -VAHĀRA

پهلوی (PAHLAVI): WAHAR, VAHĀR

کردی (KURDISH): BIHAR

سانسکریت (SANSKRIT): VĀSAR, VASAN,

VASANTÁS

VĀSARA : (LITHUANIAN) لیتوانی
VASARĀ, : (LATVIAN) لتونی

PRIMAVĀRA : (RUMANIAN) رومانی

VĀR : (OLD NORSE) نورس کهن

VAAR : (DANISH) دانمارکی

VĀR : (SWEDISH) سوئدی

VĀR : (NORWEGIAN) نروژی

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

VESNA

WIOSNA, WIOSENNY : (POLISH) لهستانی

VESENNIJ : (RUSSIAN) روسی

VESNA : (BOHEMIAN) بوهمی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1174
DELAMARRE:	(PRINTEMPS) 196
MACKENZIE:	(SPRING) 134
BUCK:	1013-1016
AMINDAROV	291
۳۲۳	برهان قاطع:

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های لیتوانی و لتونی: تابستان.

BAHTAR	فارسی (PERSIAN): بهتر
BEHTAR	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHAD-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): (شاید)
BETERA, BET,
BETTER انگلیسی (ENGLISH): (شاید)
BEDR دانمارکی (DANISH): (شاید)
BÄTTRE سوئدی (SWEDISH): (شاید)
BETER هلندی (DUTCH): (شاید)

اوستایی (AVESTAN): HUBATHRA
پهلوی (PAHLAVI): WEH, VEH
کردی (KURDISH): BIJARE
بلوچی (BALUCHI): BETAR
افغانی (پشتو) (AFGHANI): BEHTAR
گوتیک (GOTHIC): BATIZA (شاید)

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): (شاید)

BETRI, BETR

BETRI نورس کهن (OLD NORSE): (شاید)

BETIRO ساکسونی کهن (OLD SAXON): (شاید)

فریزی کهن (OLD FRISIAN): (شاید)

BETERA, BET

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): (شاید)

BEZZIRO, BAL

BESSER آلمانی (GERMAN): (شاید)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1175
BARNHART:	(BETTER) 91
DELAMARRE:	(BON, BIEN) 237
MACKENZIE:	(BETTER) 104
ONIONS:	(BETTER) 91
SKEAT:	(BETTER) 58
۵۱۰۸	لغت‌نامه دهخدا:

یادداشت:

۱- یازگشت به: به-.

۲- ONIONS, SKEAT, BARNHART فقط ریشه‌های ژرمنی این واژه را پیگیری می‌کنند.

BAHR	فارسی (PERSIAN): بهر (به چم سهم، قسمت و حصه)
PORTION, PART	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHAG-, *BHAGOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

اوستایی (AVESTAN): BAG-, BHAGA

BOGU

BAXEDHRA

پارسی باستان (OLD PERSIAN): BAXTRA

پهلوی (PAHLAVI): BAHRA, BAHRAH

کردی (KURDISH): BEHR

تخاری A (TOKHARIAN A): PĀK

تخاری B (TOKHARIAN B): PĀKE

سانسکریت (SANSKRIT): BHĀGA-

BHAJ, BHAJATI, BHADRĀ, BHAGYA

ارمنی (ARMENIAN): BOGATU

یونانی (GREEK): PHAGOS

۵۵

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	107
DELAMARRE:	71
MACKENZIE:	(PART) 126
BUCK:	1097
AMINDAROV:	(PART) 265
۳۲۲	برهان قاطع:

یادداشت:

واژه‌های "برخ" و "برخه" و "بخش" نیز از همین ریشه‌اند.

BI	فارسی (PERSIAN): بی (به چم بدون)
WITHOUT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHE-, *BHEGHIS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

پهلوی (PAHLAVI): BĒ, ABĒ, BĒAS

سانسکریت (SANSKRIT): BAHIS

یونانی (GREEK): BÉ

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

BĚZ

لیتوانی (LITHUANIAN): BĖ

لتونی (LATVIAN): BEZ

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	112-113
DELAMARRE:	(SANS) 299
MACKENZIE:	(WITHOUT) 140
۳۳۰	برهان قاطع:

BĒD, BID	فارسی (PERSIAN): بید
WILLOW	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WEGH-, *WET-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

VĒTVA	اوستایی (AVESTAN): VAĒITY
VĒTVINA	روسی (RUSSIAN): WĒD, VĒT
VĒTEV	چک (CZECH): BI
VETVA	اسلواکی (SLOVAK): VĒTÁ, VĒTASÁ
VÝTI, VYTÍS	لیتوانی (LITHUANIAN): VITÁ, VEĒTRA
VĪTUOLS	لتونی (LATVIAN): ITĒA
WITWAN, (OLD PRUSSIAN)	لاتین (LATIN): VITIS
WITAN	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): VIDIR
FEITH	ایرلندی کهن (OLD IRISH): WILGIA
GWDEN	ولزی (WELSH): WILIG
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1122
BARNHART:	(WILLOW) 1237
DELAMARRE:	(SAULE) 172
MACKENZIE:	(WILLOW) 140
ONIONS:	(WHLOW) 1007
SKEAT:	(WILLOW) 716
۳۳۲	برهان قاطع:

WĪDA	
WEIDE	آلمانی (GERMAN):
WĪDIG,	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
WIDE, WELIG	
WILLOW	انگلیسی (ENGLISH):
VEID	نروژی (NORWEGIAN): (محلی)
WILG	هلندی (DUTCH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان‌های لاتین و ایرلندی کهن و ولزی: درخت انگور، تاکه.

چم این واژه در زبان اسلاوی: شاخه

DELAMARRE, SKEAT, BARNHART ریشه‌ی واژه‌های ژرمنی این واژه را از واج‌ریشه‌ی هند و اروپایی *WEL یا *WELIKA می‌دانند ولی POKORNY ضمن بحث در مورد واج‌ریشه‌ی *WELIKA (صفحه‌ی ۱۱۴۰) ذکر از واژه‌های ژرمنی این فهرست نمی‌کند و آنها را وابسته به واج‌ریشه‌ی *WET می‌داند (صفحه‌ی ۱۱۲۲).

(butea)

BĒDĀR	فارسی (PERSIAN): بیدار
AWAKE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHEUDH, *BHU, *BHEDH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید)

BID	انگلیسی (ENGLISH):	BAOTHA	اوستایی (AVESTAN):
BEDE	دانمارکی (DANISH):	BĪRĀD, VIGRAD	پهلوی (PAHLAVI):
BEDJA	سوئدی (SWEDISH):	BODHI, BUDH,	سانسکریت (SANSKRIT):
BIDDED	هلندی (DUTCH):	BODHAR, BODHATI, BAODHAITI	
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	PEUTHOMAI,	یونانی (GREEK):
BUDITI		PEUTHESTHAI	
BUZHŪ, BUDITU	روسی (RUSSIAN):	FIDED	لاتین (LATIN):
BUNDU	لیتوانی (LITHUANIAN):	BIUDAN, BIDJAN	گوتیک (GOTHIC):
BUIDE	ایرلندی کهن (OLD IRISH):		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	114,150
BARNHART:	(BID) 92
MACKENZIE:	(WIGRAD) 103
ONIONS:	(BID) 93
SKEAT:	(BHEUDH) 752, (BID) 59
۶۲۱	فرهنگ معین:
۵۱۶۳	لغت‌نامه دهخدا:

BIOTHJA	
BIDHJA	نورس کهن (OLD NORSE):
BIODAN	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
BIDDA,	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
BIADA	
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
BIOTAN, BITTEN	
BITTEN, BIETEN	آلمانی (GERMAN):
BĒODAN,	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
BIDAN	

یادداشت:

- ۱- پیگیری واچریشه‌ها و واژه‌های فهرست فوق احتمالی است و واژه‌ی "شاید" که در صدر فهرست بکار رفته باید شامل همه‌ی واژه‌های فهرست (به جز پهلوی) گردد.
- ۲- BARNHART واچریشه‌های *BHEUDH, *BHEDH را به طور توأم داده است ولی POKORNY و دیگران آنها را جداگانه داده‌اند.

BIST	فارسی (PERSIAN): بیست
TWENTY	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WĪKMATĪ, *WIKMTI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
ZWANZIG	آلمانی (GERMAN):
TWENTIG	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
TWENTY	انگلیسی (ENGLISH):
TYVE	دانمارکی (DANISH):
TJUE, TYVENDE	نروژی (NORWEGIAN):
TWINTIG	هلندی (DUTCH):
DWADZIESCIA	لهستانی (POLISH):
DVACET	چک (CZECH):
DVADSAT	اسلواکی (SLOVAK):
FICHE,	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
FICHET	
UCIENT	ولزی (WELSH):
VISAITI	اوستایی (AVESTAN):
WIST, VIST	پهلوی (PAHLAVI):
INSĀI	اوستی (OSSETIC):
BIST	کردی (KURDISH):
WIKI	تخاری A (TOKHARIAN A):
IKE	تخاری B (TOKHARIAN B):
VIMŚATĪ	سانسکریت (SANSKRIT):
KSAN	ارمنی (ARMENIAN):
DECAS, EÍCHOSI	یونانی (GREEK):
VIGNITI, VI-GINTI	لاتین (LATIN):
VINGT	فرانسه (FRENCH):
VEINTE	اسپانیایی (SPANISH):
VENTI	ایتالیایی (ITALIAN):
DOUĂZECI	رومانی (RUMANIAN):
VINTE	پرتغالی (PORTUGUESE):
TIGJUS,	گوتیک (GOTHIC):
TWAITIGJUS	
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
TUTTUGU	
TWĒNTIG	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
TWINTICH	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
ZUEINZUC	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1177
BARNHART:	(TWENTY) 1178
DELAMARRE:	(VINGT) 215
MACKENZIE:	(TWENTY) 137
ONIONS:	(TWENTY) 951
SKEAT:	(TWENTY) 674
AMINDAROV:	(TWENTY) 302
TRAUPMAN:	(TWENTY) 677
۳۳۶	برهان قاطع:

BĒSH	فارسی (PERSIAN): بیش (به چشم گیاهی زهرین: زهر)
POISONOUS PLANT, POISON	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WEIS-, *WISO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
BĒSH, WISH	پهلوی (PAHLAVI):
VISHA, VISH-	اوستایی (AVESTAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1137
MACKENZIE:	(POISON) 127
۶۲۲۵	لغت نامه دهخدا:
۳۳۸	برهان قاطع:
۶۲۷	فرهنگ معین:

VISA, VIS-	سانسکریت (SANSKRIT):
GESH	ارمنی (ARMENIAN):
IOS	یونانی (GREEK):
VIRUS	لاتین (LATIN):
FĪ	ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH):

یادداشت:

چم این واژه در زبان ارمنی: لاش، جد.

(ب) (ک)

BĒM	فارسی (PERSIAN):	بیم (به چم ترس، "باک")
FEAR	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*BHI-, *BHEI-, *BHEYŌ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	

BOJAZN	لهستانی (POLISH):	BYAH-, BAYENTE-,	اوستایی (AVESTAN):
BOJAZN	روسی (RUSSIAN):	BYENTE, BIWVA	
BOJAZAN	صربی (SERBIAN):	BIĀTWEI	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
BÁZEN	برهمی (BOHEMIAN):	BĪM, BIMGĒN,	پهلوی (PAHLAVI):
BAIMĒ, BAILĒ,	لیتوانی (LITHUANIAN):	BĒSĀND	
BIJOTI, BIJOS		BHI-, BHITI-,	سانسکریت (SANSKRIT):
BAILES,	لتونی (LATVIAN):	BHAYA-, BHIMA, BIBHĒTI, BHAYĀTE	
BITIĒS BIJUOS, BISTUOS		PIGOS, PIGON	یونانی (GREEK): (شاید)
		FOEDUS	لاتین (LATIN): (شاید)
			ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	161
DELAMARRE:	(CRAINBRE) 247
MACKENZIE:	(BIM) 18
BUCK:	1153
۳۴۰	برهان قاطع:

BIFA, BIFRA	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
BIBĒN, BIBET	
BEOFIAN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
BĒDSE, BOJANI BAJATI, BOJETU	

یادداشت:

بارگشت به: باک

(burni)

BĒNĒ	فارسی (PERSIAN): بینی
NOSE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*NAS-, *NĀS-, *NES-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

NŌS	نروژی (NORWEGIAN):	VAĒNĀ, NĀH-	اوستایی (AVESTAN):
NEUS	هلندی (DUTCH):	NĀHAM	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	WĒNĪG	پهلوی (PAHLAVI):
NOSŪ, NĀS-		BIHNI	کردی (KURDISH):
NOS	لهستانی (POLISH):	NS, NŌS	سغدی (SOGHDIAN):
NOS	روسی (RUSSIAN):	NĀSĀ, NĀS-	سانسکریت (SANSKRIT):
NOS	چک (CZECH):	BHĪNÓS	یونانی (GREEK): (شاید)
NOS	صربی (SERBIAN):	NASŪS, NĀRIS	لاتین (LATIN):
NOS	بوهمی (BOHEMIAN):	NEZ	فرانسé (FRENCH):
NOS	اسلواکی (SLOVAK):	NARIZ	اسپانیایی (SPANISH):
NŌSIS	لیتوانی (LITHUANIAN):	NASO	ایتالیایی (ITALIAN):
NOZY	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	NAS	رومانی (RUMANIAN):
		NARIZ	پرتغالی (PORTUGUESE):
			ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگنت‌ها
POKORNY:	755
BARNHART:	(NOSE) 710
DELAMARRE:	(NEZ) 104
MACKENZIE:	(NOSE) 125
BUCK:	227
ONIONS:	(NOSE) 615
SKEAT:	(NOSE) 403
AMINDAROV:	(NOSE) 260
۲۱۳۵-۲۱۳۶ و ۲۳۴۱	برهان قاطع:
۵۲۹۳	لغت‌نامه دهخدا:

NOS	
NASAR	نورس کهن (OLD NORSE):
NOSE, NŌSI	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
NASA	
NASE	آلمانی (GERMAN):
NOSU,	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
NASU	
NOSE	انگلیسی (ENGLISH):
NAZE	دانمارکی (DANISH):
NĀSA	سوئدی (SWEDISH):

(وعد)

BAYŪGANI, VAYŪGANI	فارسی (PERSIAN): بیوگانی، ویوگانی (به چَم عروسی)
WEDDING, MARRIAGE	چَم انگلیسی سرواژه ی فارسی:
*WADH-, *WEDHŌ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید)

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) (شاید)

VEDQ

VESTI روسی (RUSSIAN) (شاید)

VADAS, لیتوانی (LITHUANIAN) (شاید)

VEDU, VĀDŪOTI

VAUŌT لتونی (LTVIAN) (شاید)

FEDID ایرلندی کهن (OLD IRISH) (شاید)

UWATE هیتی (HITTIE) (شاید)

اوستایی (AVESTAN): VADHUPA

پهلوی (PAHLAVI): VAYŌDAGĀN

کردی (KURDISH): BŪK

افغانی (پشتو) (AFGHANI): WĀDĒ

سانسکریت (SANSKRIT): VADHŪS, VAH-

VĀDHAYEITI

لاتین (LATIN) (شاید): VAS, VADIS

گوتیک (GOTHIC) (شاید): WADI,

GAWADJON

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) (شاید)

VEDJA, VEDH

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) (شاید)

WETTI, WETTON

آلمانی (GERMAN) (شاید)

WETTE, WETTEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) (شاید): WED

انگلیسی (ENGLISH) (شاید): WED,

WEDDING

سوئدی (SWEDISH) (شاید): VAD

هلندی (DUTCH) (شاید): VEDDE, WEDDEN

یادداشت:

۱- به جز واژه‌های هند و ایرانی، بقیه‌ی واژه‌های این فهرست محتمل هستند و به همین دلیل جلو آنها (شاید) آمده است.

۲- واژه‌های فارسی "یوگ" و "یوگ" و "یو" و همچنین واژه‌ی کردی BŪK با واژه‌های هند و ایرانی فهرست فوق خونی نزدیک دارند.

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1109
BARNHART:	(WED) 1225
DELMARRE:	291
MACKENZIE:	89, (MARRIAGE) 123
(BUCK):	101-102
ONIONS:	(WED) 997
SKEAT:	(WED) 705
AMINDAROV:	(BRIDE) 197
۲۴۰۲ و ۳۴۲	برهان قاطع:

BĒVÉ	فارسی (PERSIAN): پیوه
WIDOW	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WIDHÉWĀ, *WIDHOWĀ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

WDOVA	لهستانی (POLISH):	VITHAVA, VIDHAVA	اوستایی (AVESTAN):
VDOVA	روسی (RUSSIAN):	WĒWAG, VĒVAG	پهلوی (PAHLAVI):
VDOVA	چک (CZECH):	BĒWE, BĒWEJIN	کردی (KURDISH):
VDOVA	صربی (SERBIAN):	VIDHÁVĀ	سانسکریت (SANSKRIT):
VDOVA	بوهمی (BOHEMIAN):	ĒITHEOS	یونانی (GREEK):
VDOVA	اسلواکی (SLOVAK):	VIDVA, VIDVUS	لاتین (LATIN):
WIDDEWŪ	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	VEUVE	فرانسه (FRENCH):
FEDB	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	VIUDA	اسپانیایی (SPANISH):
GWEDDW	ولزی (WELSH):	VEDOVA	ایتالیایی (ITALIAN):
		VADUVĀ	رومانی (RUMANIAN):
		VIUVA	پرتغالی (PORTUGUESE):
		WIDUWŌ	گوتیک (GOTHIC):
			آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1127-1128
BARNHART:	(WIDOW) 1235
DELAMARRE:	(VEUVE) 43
MACKENZIE:	(WIDOW) 140
BUCK:	131
ONIONS:	(WIDOW) 1006
SKEAT:	(WIDOW) 7/5
۳۴۳	برهان قاطع:

WITUWA	آلمانی (GERMAN):
WIDEWE	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
WIDOW	انگلیسی (ENGLISH):
WEDUWE, WEEUW	هلندی (DUTCH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
VIDOVA	

PĀ	فارسی (PERSIAN): پا
FOOT	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PED-, *PĒD-, *POD-, *PÖD-, *PÖT-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

PSHA	افغانی (افش) (AFGHANI):	PĀDHA	اوستایی (AVESTAN):
PE, PEM	تخاری A (TOKHARIAN A):	PĀD	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
PAI, PAINE	تخاری B (TOKHARIAN B):	PAY, PĀY, PĀD	پهلوی (PAHLAVI):
	سانسکریت (SANSKRIT):	FAD	اوسنی (OSSETIC):
PĀT, PADÁS, PAP		PAI, PĒ	کردی (KURDISH):

FOT	نروژی (NORWEGIAN):
VOET	هلندی (DUTCH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
PESHĪ	
PEDĀ	لیتوانی (LITHUANIAN):
PĒDA	لتونی (لتی) (LATVIAN):
ÍS	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
POSH	آلبانی (ALBANIAN):
PATA, PADAN	هیتی (HITTITE):

OTN	ارمنی (ARMENIAN):
POÚS, PODÓS	یونانی (GREEK):
PĒS, PEDIS	لاتین (LATIN):
PIED	فرانسه (FRENCH):
PIE	اسپانیایی (SPANISH):
PIEDE	ایتالیایی (ITALIAN):
PICIOR	رومانی (RUMANIAN):
PÉ	پرتغالی (PORTUGUESE):
FÖTUS	گوتیک (GOTHIC):
	ایسکندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

FÖTR	
FÖTR	نورس کهن (OLD NORSE):
FUOT, TÖT	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
FÖT	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
FUOZ	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
FUSS	آلمانی (GERMAN):
FÖT	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
FOOT	انگلیسی (ENGLISH):
FOD	دانمارکی (DANISH):
FOT	سروئی (SWEDISH):

یادداشت:

معنی این واژه در زبان‌های لیتوانی و لتونی: جای پا، رد پا.

معنی این واژه در زبان‌های ایرلندی کهن: زیر، تخت.

yad ≠ par

PĀD, PAD	فارسی (PERSIAN): یاد، پَد (به چم "مخالف"، "ضد" مثلاً در واژه‌ی "پادزهر")
ANTI-	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PRETI-, *PROTI-, *POTI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	842
DELAMARRE:	(CONTRE) 301
MACKENZIE:	(ANTIDOTE) 102
۶۴۸ (پادزهر) • ۶۴۷	فرهنگ معین:
۵۳۲۹	لغت نامه دهخدا:
PAITI-	اوستایی (AVESTAN):
PATY	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
PAT, PĪ, PĀD-	پهلوی (PAHLAVI):
PRĀTI	سانسکریت (SANSKRIT):
POTI, PROTI	یونانی (GREEK):
PRETI	لیتوانی (LITHUANIAN):

PĀD	فارسی (PERSIAN): پاد-، پات. (مثلاً در "پادشاه")
POWER	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
* PATĀ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	اوستایی (AVESTAN): PATHNI-, PAITI-
POĒR, POUAIR (از فرانسه کهن)	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
انگلیسی (ENGLISH): POWER	PADIXSHAYA-, PATI-
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	پهلوی (PAHLAVI): PĀD-, PĀDIXSHĀY
GOSPADE	اوستی (OSSETIC): PATCAX
لیتوانی (LITHUANIAN): PATĪ, PĀTS	تخاری A (TOKHARIAN A): PATS
لتونی (LATVIAN): PATS, PATI	سانسکریت (SANSKRIT):
پروس کهن (OLD PRUSSIAN): PATTIN-	PĀTIS, PATNI, PATI-
هیتی (HITTITE): -PAT	یونانی (GREEK): POSIS

پسگشت‌ها	REFERENCES
842	POKORNY:
131 (RULER) 63,	MACKENZIE:
295-298	BUCK:
469 (POWER)	SKEAT:
برهان قاطع:	۳۴۸

لاتین (LATIN): POTIS, POTE, POTENS
فرانسه (FRENCH): POUVOIR, PUISSANT
اسپانیایی (SPANISH): POTENTE, PODER
ایتالیایی (ITALIAN): POTENTE, POTERE
رومانی (RUMANIAN):
PUTERE, PUTERNIC
گوتیک (GOTHIC): -FATHS

PĀR, PĀRSĀL, PĀRIN	فارسی (PERSIAN): پار، پارسال، پارین (به چشم سال گذشته)
LAST YEAR	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PERUT-, *PERUTI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): VERT	اوستایی (AVESTAN): PAURVA
لیتوانی (LITHUANIAN): PĒRNAI	پارسی بومستان (BLD PERSIAN): PARUVA
ایرلندی کهن (OLD IRISH): ONN-URID	اوستی (OSSETIC): FARĀ, FARON
پسگشت‌ها	کردی (KURDISH): PĀR
REFERENCES	افغانی (پشتو) (AFGHANI): PARŌS
DELAMARRE:	ارمنی (ARMENIAN): HERU
(L'AN DERNIER) 298	یونانی (GREEK): PĒRUS, PERUTI
برهان قاطع:	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
لغت‌نامه دهخدا: ۵۳۵۲ و ۵۳۳۸ - ۵۳۳۷	FJÓRDH

PĀS, PALANG		فارسی (PERSIAN): پارس، پلنگ	
PANTHER, LEOPARD		چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*PERD, *PERKS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	
REFERENCES	پسگت‌ها	PALANG	پهلوی (PAHLAVI):
BARNHART:		PILINK	کردی (KURDISH):
(PARD) 757, (LEOPARD) 589		PRANG	افغانی (AFGHANI):
MACKENZIE:	(LEOPARD) 121	PRDAKU	سانسکریت (SANSKRIT):
ONIONS:		PARDOS	یونانی (GREEK):
(PARD) 651, (LEOPARD) 523		PARDUS	لاتین (LATIN):
SKEAT:		PARDE	فرانسه (FRENCH):
(PARD) 429, (LEOPARD) 337		PERDE	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
MALLORY & ADAMS:	PERD	PARD	انگلیسی: (ENGLISH):
۴۱۶ و ۳۵۰	برهان قاطع:	PARSNA, PARSANA	هیت (HITTITE):
		PWRONK	سغدی (SOGADIAN):

یادداشت:

- ۱- پیشتر واچریشہ شناسان معتقدند که این واژه از زبان‌های هند و ایرانی به یونانی و سپس به لاتین و غیره رفته است.
 ۲- در اکثر زبان‌های اروپایی واژه‌های PARD جای خود را به (LION + PARD) LEOPARD داده است.

PARÉ		فارسی (PERSIAN): پاره (به چشم بخش، قطعه)	
PART, PORTION, PIECE		چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*PER-, *PER-, *PR-TIS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	
PORTE, PARTIR	اسپانیایی (SPANISH):	PĀRA, PAR-	اوستایی (AVESTAN):
PORTE, PARTIRE	ایتالیایی (ITALIAN):	PĀRAK, PĀRAG	پهلوی (PAHLAVI):
PORTE	رومانی (RUMANIAN):	PARĪ	بلوچی (BALUCHI):
PORTE, PARTIR	پرتغالی (PORTUGUESE):	PARAY	افغانی (AFGHANI):
PART	انگلیسی (ENGLISH): (از فرانسه)	PŪRTĀ,	سانسکریت (SANSKRIT):
PERKŪ, PIRKTI	لیتوانی (LITHUANIAN):	PURTI, PURTIS	
RANN	ایرلندی کهن (OLD IRISH):		یونانی (GREEK):
PHAN	ولزی (WELSH):	PERÁSŌ, EPERASA	
RANNOU	بریتونی (BRETON):	PARS, PARTIS, PORTIŌ	لاتین (LATIN):
PARSH-, PARSIYA	هیت (HITTITE):		فرانسه (FRENCH):
		PART, PARTIE, PARTIR	

BUCK:	(PART) 933-934	REFERENCES	یگشت‌ها
ONIONS:		POKORNY:	817
(PART) 653-654, (PORTION) 698		BARNHART:	
SKEAT:	(PART) 431	(PART) 759, (PROPORTION) 850	
AMINDAROV:	(PART) 265	DELAMARRE:	
۳۵۱	برهان قاطع:	(PART, SALAIRE) 203	
		MACKENZIE:	(PART) 126

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: پاداش، مزد.

چم این واژه در زبان لیتوانی: خریدن.

چم این واژه در زبان یونانی: فروختن.

PĀS	فارسی (PERSIAN): پاس (مثلاً در واژه‌های "پاسبان" و "پاسدار" و "پاس دادن")
GUARD, WATCH, LOOKOUT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SPEK-, *SPEKYŌ-, *SPEŌN-, *SPOK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
SPAHEN	آلمانی (GERMAN):
ESPY, SPY	انگلیسی (ENGLISH): (از فرانسه)
SPAA	دانمارکی (DANISH):
SPĀ	سوئدی (SWEDISH):
SPĀ	نروژی (NORWEGIAN):
SPIEDEN	هلندی (DUTCH):
PASHĒ	آلبانی (ALBANIAN):
PĀTHRA, SPASYEITI	اوستایی (AVESTAN):
*PĀSA	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
	پهلوی (PAHLAVI):
PĀS, PĀSBĀN	
PAS-, PASVĀN	کردی (KURDISH):
PĀK	تخاری B (TOKHARIAN B):
	سانسکریت (SANSKRIT):
SPĀSATI, PĀSYATI, SPĀS-, PAS-	
SPASEM	ارمنی (ARMENIAN):
	یونانی (GREEK):
SKOPEIN, SKEPTOMAI,	
SPECĪŌ, SPECĒRĒ	لاتین (LATIN):
EPIER	فرانسه (FRENCH): (از آلمانی)
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
SPA, SPEJA	
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
SPEHŌN	

REFERENCES	یگشت‌ها
POKORNY:	984
BARNHART:	(SPY) 1053
DELAMARRE:	
(OBSERVER, ĒPIER) 283	
MACKENZIE:	(PĀS, PĀSBĀN) 65
ONIONS:	(SPY) 858
SKEAT:	(SPY) 593
۳۵۳	برهان قاطع:

PĀSHNĒ, PĀSHNĀ	فارسی (PERSIAN): پاشنه، پاشنا (به چم "پاشنه‌ی پا")
HEEL	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PERSNĀ, *SNI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

*FIERSIN: انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

PĀSHNA: اوستایی (AVESTAN):

PĀSHNAG, PĀSHNAK: پهلوی (PAHLAVI):

(KURDISH): کردی

PE'NI, PEHNI, PĀSŪNE

PUNDA: افغانی (پشتو) (AFGHANI):

(SANSKRIT): سانسکریت

PĀRSNI, PARSHNI,

PERNA: لاتین (LATIN):

FAIRSNA: گوتیک (GOTHIC):

REFERENCES	پسگشت‌ها
DELAMARRE:	106
MACKENZIE:	(HEEL) 117
AMINDAROV:	(HEEL) 235
۳۵۴-۳۵۵	برهان قاطع:
۶۶۴	فرهنگ معین:

PĀK, PĀKIHĒ	فارسی (PERSIAN): پاک، پاکیزه
PURE, CLEAN	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PŪ-, *PEU-, *PEWE-, *PUTOS, *PUROS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

VAWEN: آلمانی میانه (MIDDLE GERMAN):

PŪTIKA: اوستایی (AVESTAN):

ŪR: ایرلندی میانه (MIDDLE PERSIAN):

(PAHLAVI): پهلوی

IR: ولزی (WELSH):

PAV, PĀK, PAVAK, PAVAG

PAK: کردی (KURDISH):

PĀK: افغانی (پشتو) (AFGHANI):

(SANSKRIT): سانسکریت

PŪTA, PAVITAR, PAVAK, PUNATI

PŪR, PIVON: یونانی (GREEK):

PŪRUS, PUTUS: لاتین (LATIN):

PUR: فرانسه (FRENCH):

PURO: اسپانیایی (SPANISH):

PURO: ایتالیایی (ITALIAN):

PUR: رومانی (RUMANIAN):

PURO: پرتغالی (PORTUGUESE):

(OLD HIGH GERMAN): آلمانی کهن

FOWEN

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	827
BARNHART:	(PURE) 865
DELAMARRE:	(PUR) 232
MACKENZIE:	(CLEAN) 107
BUCK:	(FIRE) 71-72
ONIONS:	(PURE) 724
SKEAT:	
(PURE) 486, (FIRE) 214	
AMINDAROV:	(CLEAN) 128
۳۵۵	برهان قاطع:

یادداشت:

- ۱- معنی این واژه در ایرلندی میانه و ولزی: تازه.
- ۲- معنی این واژه در آلمانی کهن و میانه: سرند کردن، (غله را) بوجاری کردن.
- ۳- بازگشت به: مور، پالیدن.

فارسی (PERSIAN):	پالیدن، پالودن، پالاییدن
چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	PURIFY, FILTER
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*PŪ-, *PEU-, *PEWE-, *PUNĀML

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

FOWEN

PURIFY انگلیسی (ENGLISH) (از فرانسه):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	826-7
BARNHART:	(PURIFY) 865
DELAMARRE:	(PURIFIER) 274
MACKENZIE:	(PURIFY) 129
ONIONS:	(PURE) 724
SKEAT:	(PURE) 756
۲۵۸	برهان قاطع:

PĀLAIDAN, PĀLAIDAN,

PĀLUTAK, PĀLŪTAN: (PAHLAVI) بهلوی

PAK KIRIN: (KURDISH) کردی

PĀLEAG, PĀLĀYAG: (BALUCHI) بلوچی

PĀKAWĒL: (AFGHANI) افغانی (پشتو)

سانسکریت (SANSKRIT):

PAVATE, PĀVAYATI, PUNATI, PAVITAR

PŪRIFICARE: (LATIN) لاتین

PURIFIER: (FRENCH) فرانسه

PURIFICAR: (SPANISH) اسپانیایی

PURIFICARE: (ITALIAN) ایتالیایی

یادداشت:

بازگشت به: پاک.

فارسی (PERSIAN):	پالیدن (به چشم "جستجو و تفحص نمودن"، (شاید) "پوییدن")
چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	SEARCH, SEEK
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*POLO-, *PŌL-, *PEL-, *PAL-, *PL-

PIPAI: (RUMANIAN) رومانی

(OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن

FALMA

FELMA: (OLD NORSE) نورس کهن

(OLD SAXON) ساکسونی کهن

FALM, AFŌLIAN,

PĀLLEIN: (GREEK) یونانی

(LATIN) لاتین

PALPARE, PELLERE, PALPŌ

PALPER: (FRENCH) فرانسه

PALPAR: (SPANISH) اسپانیایی

PALPARE: (ITALIAN) ایتالیایی

LÁM ایرلندی کهن (OLD IRISH):

FĒLA, FĒLAN فریزی کهن (FRISIAN):
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

FUOLEN

FÜLEN آلمانی (GERMAN):

FĒLAN انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

FEEL انگلیسی (ENGLISH):

FOLE دانمارکی (DANISH):

VOELEN هلندی (DUTCH):

(OLD SLAVIC) CHURCH اسلاوی کهن

PALICI, PALE

BEZ-PALEIJ, PALEC روسی (RUSSIAN):

PALAM بلغاری (BULGARIAN):

PIPATI صربی (SERBIAN):

یادداشت:

۱- معنی این واژه در ایرلندی کهن: کف دست.

۲- معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: احساس کردن، پرماسیدن.

۳- واژه‌ی "پرماس" "پرماسیدن" (پهلوی: PAHRMĀH) به چم "با دست احساس کردن" نیز به احتمال ضعیف با این واج‌ریشه خویشی دارد.

۴- واژه‌ی لاتین POLLEX به چم "انگشت شست" نیز از همین ریشه است.

فارسی (PERSIAN):	پالیز، فالیز، جالیز، پردیس (به چم "باغ"، "بوستان")
PĀLIZ, FĀLIZ, JALIZ, PARDIS	
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	GARDEN, FIELD, PATCH
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*PER-, *PERI-, *PRO-, *PERĀ+DHEIGH

PARADĪSUS لاتین (LATIN):

PAIRIDAEZA اوستایی (AVESTAN):

PARADIS فرانسه (FRENCH):

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

PARAISO اسپانیایی (SPANISH):

PARÁHEISOS

PARADISO ایتالیایی (ITALIAN):

PĒS, PĀRĪZ کردی (KURDISH):

PARADIS رومانی (RUMANIAN):

*PĀRI+DĒHMI سانسکریت (SANSKRIT):

PARAISO پرتغالی (PORTUGUESE):

PARTĒZ, BARDEZ ارمنی (ARMENIAN):

PARADIES آلمانی (GERMAN):

یونانی (GREEK):

PARADISE انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

PARÁDEISOS, PERI+TOÍCHOS

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	810,244
BARNHART:	
	(PARADISE) 754, (PERI-) 777
BUCK:	(GARDEN) 490-491
SKEAT:	(PARDOSE) 428
AMINDAROV:	(GARDEN) 229
۶۸۰	فرهنگ معین:
۳۵۹	برهان قاطع:
۵۴۹۵ و ۵۳۸۹	لغت‌نامه دهخدا:

PARADISE	: (ENGLISH) انگلیسی
PARADIS	: (DANISH) دانمارکی
PARADIS	: (SWEDISH) سوئدی
PARADIS	: (NORWEGIAN) نروژی
PARADIJS	: (DUTCH) هلندی

یادداشت:

- ۱- "فردوس" نیز معرب "پردیس" است.
- ۲- واژه‌ی اوستایی از دو اجزیه درست شده است: PAIR (به چم "دور" و "پیرامون") و DAEZA (به چم "دیوار") (بازگشت به: دیوار)
- ۳- چم این واژه در همه‌ی زبان‌های غیر ایرانی این فهرست "بهشت"، "فردوس" است و ضمناً همه از زبان فارسی گرفته شده‌اند.

PĀNZDAH	فارسی (PERSIAN): پانزده
FIFTEEN	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PĒNKWE + DEKM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

QUINZE	: (FRENCH) فرانسه	PANCADASA	: (AVESTAN) اوستایی
QUINCE	: (SPANISH) اسپانیایی		: (PAHLAVI) پهلوی
QUINDICI	: (ITALIAN) ایتالیایی	PANCDAH, PĀNZDAH	
CINCISPREZECE	: (RUMANIAN) رومانی	FINDTĀS	: (OSSETIC) اوستی
	: (PORTUGUESE) پرتغالی	PANZDE	: (KURDISH) کردی
DĒCIMO QUINTO		PANZDA	: (BALUCHI) بلوچی
FIMFTHAIHUN	: (GOTHIC) گوتیک	PANJALAS	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن	PANCADACA	: (SANSKRIT) سانسکریت
FIMTAN		HINGE-TASĀN	: (ARMENIAN) ارمنی
FIFTEIN	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن	PENTE-DEXA	: (GREEK) یونانی
FIFTINE	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن	QUINDECIM	: (LATIN) لاتین

PATNĀCT : (CZECH) چک

PATNĀST : (SLOVAK) اسلواکی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	808
BARNHART:	(FIFTEEN) 381
DELAMARRE:	(FIFTEEN) 114
TRAUPMAN:	(FIFTEEN) 529
۳۶۰	برهان قاطع:

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

FINFZEHAN

FÜNFZEHN : (GERMAN) آلمانی

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

FIFTĒNE, FIFTŸNE

FIFTEEN : (ENGLISH) انگلیسی

VIJFTIEN : (DUTCH) هلندی

PĪETNAŠCIE : (POLISH) لهستانی

یادداشت:

بازگشت به: پنج، ده.

PĀYDAN : (PERSIAN) فارسی پائیدن، پائیدن

GUARD, WATCH OVER : چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:

*PŌI-, *PĪ-, *PŪ-, *POMĒN-, *PAI- : (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی

FODER : (DANISH) دانمارکی (شاید)

FODER : (SWEDISH) سوئدی (شاید)

: (OLD CHURCH SLAVIC) کهن (شاید)

PASTI

PIEMUŲ : (LITHUANIAN) لیتوانی

PAITI, PĀ : (AVESTAN) اوستایی

-PAVĀN : (OLD PERSIAN) پارسی باستان

PĀDAN, PĀY- : (PAHLAVI) پهلوی

PAWTANDIN : (KURDISH) کردی

: (SANSKRIT) سانسکریت

PĀYUS-, PĀ, PĀTRA, PATI

: (GREEK) یونانی

POIMĒN, POY, PABULUM

PASCĒRE, PASCŌ : (LATIN) لاتین

FODR : (GOTHIC) گوتیک (شاید)

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن (شاید)

FŌTAR

FUTTER : (GERMAN) آلمانی (شاید)

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن (شاید)

FŌDOR

FODDER : (ENGLISH) انگلیسی (شاید)

یادداشت:

۱- این واژه‌ها با واژه‌های هند و اروپایی *PĀ-, *PĀT-, *PET- (به چشم "خوراک" و "پرورد" خویشی نزدیک

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	839
BARNHART:	(FOODER) 396
MACKENZIE:	62, (WATCH) 139
ONIONS:	(FODDER) 366
SKEAT:	(FODDER) 220
TRAUPMAN:	297
AMINDAROV:	(GUARD) 232
۳۶۶	برهان قاطع:

دارد (واژه‌های انگلیسی **FEED, FOOD** و واژه‌ی آلمانی **FUTTERN** از این واژه‌یته آمده‌اند).

۲- معنی واژه‌های ژرمنی و لاتین این فهرست: خوراک دام.

۳- معنی واژه یونانی این فهرست: گله، شبان، گوسفند پا.

POXTAN, POXT	فارسی (PERSIAN): پختن، پخت
COOK, BAKE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PEKW-, *POKWO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	اوستایی (AVESTAN): PAC-, PACTI
CHOH, KOCH, KOCHÖN	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
KOCH, KOCHEN (GERMAN): آلمانی	PECTIS, PAKTAR-
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): (از لاتین)	PUXTAN (PAHLAVI): پهلوی
CÖC	اوستی (OSSETIC): FICUN, FICHIN
COOK (ENGLISH): انگلیسی	PÄTIN (KURDISH): کردی
KOGE (DANISH): دانمارکی	PASHAG, PACAG (BALUCHI): بلوچی
KOCK (SWEDISH): سوئدی	PAXAVUL (AFGHANI): افغانی (پشتو)
KOK (DUTCH): هلندی	PÄK (TOKHARIAN A) A: تخاری
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	PÄK (TOKHARIAN B) B: تخاری
PEKA	سانسکریت (SANSKRIT):
PIEC (POLISH): لهستانی	PÉCATI, PACANA-
PECH, PECHE (RUSSIAN): روسی	APUXT (ARMENIAN): ارمنی
PÉCI (CZECH): چک	یونانی (GREEK):
PEKO (BULGARIAN): بلغاری کهن	PÉTTEIN, PÉSSEIN, PEPSIS
KUHATI (SERBIAN): صربی	لاتین (LATIN):
PIECT (SLOVAK): اسلواکی	COQUUS, COQUERE, COCUS
KEPŪ, PÉKTAS (LITHUANIAN): لیتوانی	فرانس: CUIRE, CUISINE (FRENCH):
ایرلندی کهن (OLD IRISH):	اسپانیایی (SPANISH): COCER, COCINAR
KWEKW, CUCHAR	ایتالیایی (ITALIAN): COCERE
POBI, COGINIO (WELSH): ولزی	رومانی (RUMANIAN): COACE
POAZA (BRETON): برتونی	پرتغالی (PORTUGUESE): COZINHAR
PJEK (ALBANIAN): آلبانی	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
	KOKKR
	KOK (OLD SAXON): ساکسونی کهن

BUCK:	336-339	REFERENCES	پسگشت‌ها
ONIONS:	(COOK) 212	POKORNY:	798
SKEAT:	(COOK) 134	BARNHART:	COOK (218
۳۷۰	برهان قاطع:	DELAMARRE:	(CUIRE) 273
		MACKENZIE:	(COOK) 108

یادداشت:

معنی این واژه در ارمنی: ران خوک.

PEDAR	فارسی (PERSIAN): پدر
FATHER	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PETER	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	PITAR	اوستایی (AVESTAN):
FADHIR	PITAR	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
FATHIR		پهلوی (PAHLAVI):
FADAR	PIDAR, PITAR, PIT, PID	
FEDER	FIDĀ, FID	اوسنی (OSSETIC):
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	PIĒR	کردی (KURDISH):
FATER	PIT, PITH, PIS	بلوچی (BALUCHI):
VATER	PLAR	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
FADER	PĀCAR	تخاری A (TOKHARIAN A):
FATHER	PĀCER	تخاری B (TOKHARIAN B):
FADER, FAR	PITĀR, PITR	سانسکریت (SANSKRIT):
FADER, FAR	HAYR, HAIR	ارمنی (ARMENIAN):
FADER, FAR	PATĒR	یونانی (GREEK):
VADER	PATER	لاتین (LATIN):
ایرلندی کهن (OLD IRISH):	PÈRE	فرانسه (FRENCH):
ATHIR, ATHAR	PADRE	اسپانیایی (SPANISH):
ATHAIR	PADRE	ایتالیایی (ITALIAN):
	PADRE	پرتغالی (PORTUGUESE):
	FADAR	گوتیک (GOTHIC):

پسگشت‌ها	REFERENCES	103-104	BUCK:
829	POKORNY:	(FATHER) 374	ONIONS:
371	BARNHART:	(FATHER) 203	SKEAT:
41	DELAMARRE:	42	RAMAT:
114	MACKENZIE:	برمان قاطع:	۳۷۲

فارسی (PERSIAN):	پدر و مادر، پدران (به چم "والدین")	PEDAROMĀDAR, PEDARĀN
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	PARENTS	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*PER-, *PERE-	
اوستایی (AVESTAN):	PITARE	FADREIN (GOTHIC):
سانسکریت (SANSKRIT):		FEOTHGIN (OLD NORSE):
	PITARĀU, MĀTARĀU	PARENTS (ENGLISH):
لاتین (LATIN):		FETHGIN (DANISH):
	PARENTEM, PARENTĒS	PARENTS (DUTCH):
فرانس (FRENCH):		

پسگشت‌ها	REFERENCES
(PARENT) 759	BARNHART:
103-104	BUCK:
(PARENT) 651	ONIONS:
(PARENT) 429	SKEAT:

PARENT, PÈRE ET MÈRE	
اسپانیایی (SPANISH):	
PARIENTES, PADRES	
ایتالیایی (ITALIAN):	PARENTI, PĀRINTE
رومانی (RUMANIAN):	PARINTI
پرتغالی (PORTUGUESE):	PARENTE

فارسی (PERSIAN):	پُر	POR
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	FULL, FILLED	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*PELE-, *PLĒ-, *PLNŌS, *PLĒNOS	
اوستایی (AVESTAN):	PRĀNA, PERENA	PŪRNĀ, PRĀNAS, PURĀS
پهلوی (PAHLAVI):	PURR	LI (ARMENIAN):
کردی (KURDISH):	PUR	(GREEK):
بلوچی (BALUCHI):	PUR	PLÉRĒS, PLĒTHEIN, POLUS
افغانی (پشتو) (AFGHANI):	PUR	PLĒNUS, PLĒRE (LATIN):
سانسکریت (SANSKRIT):		PLEIN (FRENCH):

PLNĚ, ÚPLNĚ	: (CZECH) چک	LLENO	: (SPANISH) اسپانیایی
PLNY	: (BOHEMIAN) بومس	PIENO	: (ITALIAN) ایتالیایی
PLNY	: (SLOVAK) اسلواکی	PLIN	: (RUMANIAN) رومانی
*PILNAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی	FULLS	: (GOTHIC) گوتیک
PILNS	: (LATVIAN) لتونی		: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
LĀN, LIN-	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	FULLR	
LAWN	: (GAULISH) گالی	FULL	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
LAUN	: (WELSH) ولزی	FOLL, FULL	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
PLOT, PLJOT	: (ALBANIAN) آلبانی	FOL	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	798-799
BARNHART:	(FULL) 413
DELAMARRE:	(PLEIN) 231
MACKENZIE:	(FULL) 228
BUCK:	931
ONIONS:	(FULL) 38
SKEAT:	(FULL) 228
RAMAT:	43
۳۷۵	برهان قاطع:

FULL	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
FULL	: (ENGLISH) انگلیسی
FULD	: (DANISH) دانمارکی
FULL	: (SWEDISH) سوئدی
FULL	: (NORWEGIAN) نروژی
VOL	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
PLŪNŪ	
PELNY	: (POLISH) لهستانی
POLNYJ, POLNUH	: (RUSSIAN) روسی

یادداشت:

بازگشت به: فراوان

PAR	فارسی (PERSIAN): پَر
FEATHER	پَر انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PORNO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

سانسکریت (SANSKRIT):

اوستایی (AVESTAN):

PARNĀM, PURNA

PARENEM, PARĀNA

FARN : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

PUR, PURR : (PAHLAVI) پهلوی

FEARN : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

PUR : (KURDISH) کردی

SPARNAS : (LITHUANIAN) لیتوانی

PUR : (BALUCHI) بلوچی

SPARNS : (LATVIAN) لتونی

PUR : (AFGHANI) افغانی (پشتو)

DELAMARRE:	(PLUME) 149-150	REFERENCES	پسگشت ها
۳۷۵	برهان قاطع :	POKORNY:	850

یادداشت:

جم این واژه در زبان‌های لیتوانی و لتونی: پال.

PARDAXTAN	فارسی (PERSIAN): پرداختن (به چم "ادا کردن"، "رفع نمودن" و غیره)
PAY	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PAĀL, *PRI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید)

FRI	سوئدی (SWEDISH)	اوستائی (AVESTAN)
FRI	نروژی (NORWEGIAN)	FRAYA, FRĀY, PARA, FRYŌ
VRJ	فلندی (DUTCH)	پهلوی (PAHLAVI)
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	PARDAZISHN, PARDAXTAN
PRIJAJO, PRIJATI		سانسکرت (SANSKRIT)
RHYDD	گالی (GAULISH)	PRINATI, PRIYAS
RHYDD	ولزی (WELSH)	PRAYZ
		یونانی (GREEK)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	844
BARNHART:	(FREE) 407
DELAMARRE:	
(CHER, BIEN-AIMÉ) 232	
MACKENZIE:	
64, (FREE, BEFREE OF) 115	
ONIONS:	(FREE) 375
SKEAT:	(FREE) 225
۳۸۰	برهان قاطع :

FREIS, FRJON : (GOTHIC) گوتیک
: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
FRIGG, FRJALS
FRĪ : (OLD SAXON) ساکسونی کهن
FRĪ : (OLD FRISIAN) فریزی کهن
FRĪ : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
FREI : (GERMAN) آلمانی
FRĒO : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
FREE : (ENGLISH) انگلیسی
FRI : (DANISH) دانمارک

مادداشت:

۱- برای شناخت چم‌های گوناگون و ازه‌های "پرداختن" بهگت شود به: برهان قاطع :: ۳۸۰ و لغت‌نامه دهخدا:

$\Delta FVP - \Delta FVA$

۲- معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی و سانکریت: گرامی، آزاد.

۳- در زبان پهلوی واژه‌ی PARDAXTAN به چم "آزاد شدن" و "انجام دادن" هم برده است. واژه‌ی پهلوی

PARDAZISHN به هم "آزادی" و "بمده گیری" بوده است (پگنت به: MACKENZIE: 64).

PARASTŪ	فارسی (PERSIAN): پرستو
SPARROW, SWALLOW	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SPER-, *SPOR-, *SPR-, *SPARWO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SPARV : (SWEDISH) سوندی

SPURV : (NORWEGIAN) نروژی

SPERWER : (DUTCH) هلندی

: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن

SPURGLIS, SPERGLA

FRĀO : (BRETON) برتونی

PELESHTUK: (OLD PERSIAN) پارسی باستان

: (PAHLAVI) پهلوی

PARISTÖG, PARISTÖK

: (TOKHARIAN A) A تخاری

SPĀRĀN, SPĀR

: (GREEK) یونانی

SPARÁSION, SPAROS, SPORGILOS

PARRA : (LATIN) لاتین

SPARWA : (GOTHIC) گوتیک

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

SPORR

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

SPARO, SPERK

SPERLING : (GERMAN) آلمانی

SPEARWA : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

SPARROW : (ENGLISH) انگلیسی

SPARWE, SPURV : (DANISH) دانمارکی

REFERENCES	پسگنت‌ها
POKORNY:	991
BARNHART:	(SPARROW) 1040
DELAMARRE:	(MOINEAU) 140
MACKENZIE:	
65, (SWALLOW) 135	
ONIONS:	(SPARROW) 850
SKEAT:	(SPARROW) 585
۳۸۴	برهان قاطع:

یادداشت:

معنی لاتین و تخاری این واژه: پرند.

PORSIDAN	فارسی (PERSIAN): پرسیدن، پرسش
ASK, QUESTION	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PERK-, *PRK-, *PAKSKŌ, *PREK, *PROK	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

FARSUN, FĀRSIN : (OSSETIC) اوستی

PIRSIN : (KURDISH) کردی

PURSAGH : (BALUCHI) بلوچی

PUSHT : (AFGHANI) افغانی (پشتو)

PRAK : (TOKHARIAN A) A تخاری

: (AVESTAN) اوستایی

PERESA, FRASA, PERESAITI

: (OLD PERSIAN) پارسی باستان

APARSAM

PURSITAN : (PAHLAVI) پهلوی

VRAGEN : (DUTCH) هلندی
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

PROSITI

PROŚĆ : (POLISH) لهستانی

PROSIT, POZVAT : (CZECH) چک

PROSIT : (SLOVAK) اسلواکی
: (LITHUANIAN) لیتوانی

PERSHU, PIRSHTI

ARCO : (OLD PERSIAN) ایرلندی میانه

ARCHAF : (GAULISH) گالی

PREK : (TOKHARIAN B) بخاری

PRACCHĀTI, : (SANSKRIT) سانسکریت

PRACHH, PRĀS, PRCCĀTI

: (ARMENIAN) ارمنی

HARSN, E-HARCH, HARCHANEM

POSCŌ, POSCĒRE : (LATIN) لاتین

PREGUNTAR, : (SPANISH) اسپانیایی

PREGUNTA

PERGUNTAR : (PORTUGUESE) پرتغالی

FRAIHNAN : (GOTHIC) گوتیک

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

FRĒTT, FREGNA

PROSITI : (OLD NORSE) نورس کهن

FRĀGŌN : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

FRĒGIA : (OLD FRISIAN) فریزی کهن

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

FORSČŌN, FRAHEN, FRAGA

FRAGEN, FRAGE : (GERMAN) آلمانی

FRIGNAN : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

SPOGE : (DANISH) دانمارکی

FRAGA : (SWEDISH) سوئدی

SPORRE : (NORWEGIAN) نروژی

REFERENCES	پگنت‌ها
POKORNY:	821-822
BARNHART:	(PRAY) 827
DELAMARRE:	(DEMANDER) 275
MACKENZIE:	(ASK) 103
BUCK	1264-1266
SKEAT:	(PREK) 757
AMINDAROV:	(ASK) 187
MALLORY & ADAMS:	PERK
۳۸۵	برهان قاطع:

PARVĀZ	فارسی: پرواز
FLIGHT, FLYING	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PER-, *PERI.+WEGH-	هند و اروپایی: (INDO-EUROPEAN)

PARWAZ : (AFGHANI) افغانی (پشتو)
: (SANSKRIT) سانسکریت

VĀHATI, VAHANA, VĀHĀYATI, VĀHĀ-

ĒCHESTHIN : (GREEK) یونانی

VEHŌ, VEHĒRE : (LATIN) لاتین

: (AVESTAN) اوستایی

PAIRI-VAZAITI, PARA-VAZ

: (KURDISH) کردی

FIR, PIRIN, FIRIN, FIRKIRIN

PERWAZ : (BALUCHI) بلوچی

WEGAN : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
 ŪDHI : (ALBANIAN) آلبانی

WĒGS : (GOTHIC) گوتیک
 : (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

VEGA
 : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

VEGAN
 BEWEGEN : (GERMAN) آلمانی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	810, 1118-1119
۳۹۱	برهان قاطع:

یادداشت:

- ۱- واژه‌ی اوستایی این فهرست از دو ریشه‌ی هند و اروپایی درست شده است: ۱- PER یا PERI (اوستایی: PAIRI یا PARA به چم "اطراف"، "پیرامون") ۲- VAZAITI یا VAZ- (به چم "بریدن")
 ۲- چم این واژه در زبان سانسکریت: سفر، سفر کردن
 چم این واژه در زبان لاتین: بردن، حمل کردن.
 چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: جنیدن.

PARVĀNĒ	فارسی (PERSIAN): پروانه
BUTTERFLY	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PELPEL-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

PREPELICA	سلوونی (SLOVENE):	PARVĀNAK	بهلولی (PAHLAVI):
PETĒLISHKE	لیتوانی (LITHUANIAN):	FEPŪLE, PERWANĒ	کردی (KURDISH):
		PATANG	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
		PĀPILĪŌ	لاتین (LATIN):
		PAPILLON	فرانس (FRENCH):
			آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
DELAMARRE:	(PAPILLION) 144
AMINDAROV:	(BUTTERFLY) 195
۳۹۲	برهان قاطع:
۷۶۷	فرهنگ معین:

FĪFALTRA
 FIFEALDE : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

یادداشت:

این واژه‌ریشه‌ی هند و اروپایی "نام آوا" (ONOMATOPOEIA) است.

PARVARDAN, PARVARIDAN	فارسی (PERSIAN): پروریدن، پروریدن
NURTURE, NOURISH	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PĀ-, *PE-, *PĀT-, *PIT-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
PARVARTAN	اوستایی (AVESTAN): بهلولی (PAHLAVI):
PARVARITAN, PARWARDAN	PITUSH-, PITHWA-, PITU.

	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
PASTI, PISHTA	
PASZA	لهستانی (POLISH):
PISHCHA	روسی (RUSSIAN):
PICE	بوهمی (BOHEMIAN):
PIĖTUS	لیتوانی (LITHUANIAN):
AINCHESS,	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
ITH	
PAWR, IT	گالی (GAULISH):
PEURI	برتونی (BRETON):
PAHHSHI, PAHSH	هیتی (HITTITE):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	787
BARNHART:	(FOOD) 398
DELAMARRE:	
(NOURRITURE, REPAS)	163
MACKENZIE:	(NOURISH) 125
BUCK:	328-331
ONIONS:	(FOOD) 368
SKEAT:	(FOOD) 220
۳۹۲-۳۹۳	برهان قاطع:

PĀS	نخاری A (TOKHARIAN A):
PĀSK	نخاری B (TOKHARIAN B):
PITÚS, PITU-	سانسکریت (SANSKRIT):
HAVRAN, HOVIV	ارمنی (ARMENIAN):
PATEISTHAL, PANIA	یونانی (GREEK):
	لاتین (LATIN):
PABULUM, PANIS, PĀSCERE	
FŌDEINS, FŌDJAN	گوئیک (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
FŌDHR, FADHA	
FADHA	نورس کهن (OLD NORSE):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
FUOTAR, FUOTEN	
FUTTER	آلمانی (GERMAN):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
FŌDA, FŌDOR, FĒDAN, FŌSTOR	
	انگلیسی (ENGLISH):
FOOD, FODDER, FOSTER	
FODE	دانمارکی (DANISH):
FŌDA	سوئدی (SWEDISH):
FODE	نروژی (NORWEGIAN):
VOEDSEL	هلندی (DUTCH):

یادداشت:

۱- معنی این واژه در هیت: حفظ و حراست کردن.

معنی این واژه در بخاری A و نخاری B: توجه و پرستاری کردن.

۲- در بیشتر زبان‌های ژرمنی و آهلاوی این واژه به چم "علوفه" و "خوراک دام" هم بکار می‌رود.

۳- بازگشت به: پاس.

PARI	فارسی (PERSIAN):	پری
FAIRY, PERI	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*PARĪKĀ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	
PAIRIKĀ	اوستایی (AVESTAN):	
PAIRIKĀ	پهلوی (PAHLAVI):	PARIK, PARĪG

ایرلندی میانه (OLD PERSIAN):

ARECH, AIREVH

PARI: افغانی (AFGHANI):

PARIK: ارمنی (ARMENIAN):

PALLAKIS: یونانی (GREEK):

لاتین (LATIN): (شاید)

FĀTA, FĀRI, FĀTUM

FAERIE, FAE: فرانسه کهن (FRENCH): (شاید)

HADA: اسپانیایی (SPANISH): (شاید)

FATA: ایتالیایی (ITALIAN): (شاید)

FADA: پرتغالی (PORTUGUESE): (شاید)

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): از فرانسه‌ی کهن

FAYRYE: (شاید)

FAIRY, FAY: انگلیسی (ENGLISH): (شاید)

یادداشت:

برخی زبان‌شناسان ریشه‌ی واژه‌های رمانس این فهرست را از واج‌ریشه‌ی هند و اروپایی *BHĀ می‌دانند.
(POKORY: 105)

فارسی (PERSIAN):	پدیدن
PARIDAN	
JUMP, FLY, LEAP	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PER-, *POR-, *PERǰ-, *PORTUS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اوستایی (AVESTAN):

FARAN

FAHREN: آلمانی (GERMAN):

FARAN: انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

FARE: انگلیسی (ENGLISH):

VAREN: دانمارکی (DANISH):

FARA: سوئدی (SWEDISH):

VARE: نروژی (NORWEGIAN):

VAREN: هلندی (DUTCH):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

PREGA, PRESHTI

PRYGNUT: روسی (RUSSIAN):

SPARNAS: لیتوانی (LITHUANIAN):

SPARNS: لتونی (LTVIAN): (لتی)

PRUVA, PRURA: آلبانی (ALBANIAN):

PAR-, -PARAYEITI, PARENA-

PARITAN: پهلوی (PAHLAVI):

سانسکریت (SANSKRIT):

PIPARTI, PRU-, PĪ-

HORDAN: ارمنی (ARMENIAN):

PÓPOS, POREÚEIN: یونانی (GREEK):

لاتین (LATIN):

PORTŌ, PORTĀRE, PORITĀRE

FARAN: گوتیک (GOTHIC):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

FARA

FARAN: ساکسونی کهن (OLD SAXON):

FARA: فریزی کهن (OLD FRISIAN):

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

		REFERENCES	پسگشت‌ها
BUCK:	(JUMP, LEAP) 345		
ONIONS:	(FARE) 345	POKORNY:	816-817, 850
SKEAT:	(FARE) 208	BARNHART:	
۳۹۷	برهان قاطع:	(PORT) 819, (FARE) 369	

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت و آلبانی: آوردن.
چم این واژه در زبان‌های ارمنی و ژرمنی: رهپار شدن، سفر.
چم این واژه در زبان‌های لیتوانی و لتونی: پال.

PAS, PAS-	پس، پس - (به چم "پس")	فارسی (PERSIAN):
AFTER		چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*POS-, *POSKO-, *KO-, *POSTI		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

PO-Ů POL-DŮ

PĀS, PASKUI (LITHUANIAN): لیتوانی

PASĀ (OLD PRUSSIAN): پروسی کهن

PAS (ALBANIAN): آلبانی

PASKĀT, PASCA, PASCHA, PASNE

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

PASĀVA, PASĀ

PAS, PASIN (PAHLAVI): پهلوی

FĀSTĀG, FĀSTĀGE (OSSETIC): اوستی

PASHĒ, PASHWE (KURDISH): کردی

PASH (BALUCHI): بلوچی

PAS (AFGHANI): افغانی (پشتو)

POSTĀM (TOKHARIAN A) A: تخاری

(SANSKRIT): سانسکریت

PASCĀT, PASCĀ, PACCA

EST (ARMENIAN): ارمنی

PÓS- (GREEK): یونانی

POST-, POSTE- (LATIN): لاتین

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	841
BARNHART:	(POST-) 822
DELAMARRE:	(APRÉS) 301
MACKENZIE:	
65, (AFTERWARD) 101, (LBST) 121	
ONIONS:	(POST) 699
AMINDAROV:	129
۴۰۳	برهان قاطع:

یادداشت:

در برخی زبان‌های هند و اروپایی این واژه چم "پشت" را هم دارد.

PESTĀN	فارسی (PERSIAN): پستان
BREAST	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PESTĒNO-, *PSTĒNO-, *STĒNO-, *SPENO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	اوستایی (AVESTAN): FSHTĀNA
PRUSI	پهلوی (PAHLAVI): PISTĀN, PESTĀN
PIERS لهستانی (POLISH):	کردی (KURDISH): BISTAN, PĒSĪR
PRS, PRSA چک (CZECH):	افغانی (پشتو) (AFGHANI): PISTAN
PRSA بوهمی (BOHEMIAN):	سانسکریت (SANSKRIT): STANAS
PRSLA اسلواکی (SLOVAK):	ارمنی (ARMENIAN): STIN
SPENYS لیتوانی (LITHUANIAN):	یونانی (GREEK): STĒNION
PUPS لونی (لاتوی) (LATVIAN):	لاتین (LATIN): PECTUS
SPENIS پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	فرانس (FRENCH): POITRINE, PIS
SINE ایرلندی کهن (OLD IRISH):	اسپانیایی (SPANISH): PECHO
	ایتالیایی (ITALIAN): PETTO
	رومانی (RUMANIAN): PIEPT
	پرتغالی (PORTUGUESE): PEITO
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SPENI

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

SPENE, SPUNNI

آلمانی (GERMAN): SPAN-FERKEL

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

SPAN, SPANU

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	990
DELAMARRE:	
(POITRINE, PIS) 108	
MACKENZIE:	(BREAST) 105
BUCK:	244
AMINDAROV:	(BREAST) 194
۲۰۵	برهان قاطع:

یادداشت:

معنی واژه‌ی PIS در زبان فرانسه: پستان‌گاو.

معنی واژه‌ی SPAN-FERKEL در زبان آلمانی: خوک شیرخوار.

PESAR, PŪR	فارسی (PERSIAN): پسر، پور
BOY, SON	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*POU-, *PŪ-, *PUTLOM, *PAU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
PUTHRA پارسی باستان (OLD PERSIAN):	اوستایی (AVESTAN): PUTHRŌ

PUTA, PITA	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
PITA	روسی (RUSSIAN):
POTÝTIS	لیتوانی (LITHUANIAN):
PUISIS	لتونی (LATVIAN):
PAOTR	برتونی (BRETON): (شاید)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	842
BARNHART:	(FEW) 379
MACKENZIE:	(SON) 133
BUCK:	87
ONIONS:	(FEW) 353
SKEAT:	(PEU) 756
RAMAT:	47
۲۰۵	برهان قاطع:

PUS, PUSAR	پهلوی (PAHLAVI):
	اوستی (OSSETIC):
PUKLUM, FURT, FIRT	
PISIR	کردی (KURDISH):
PUSAGH	بلوچی (BALUCHI):
PUTRÁS, PUSRÁ:	سانسکریت (SANSKRIT):
PAÍS, PAUROS	یونانی (GREEK):
PUER, PUTUS, PAUCI	لاتین (LATIN):
FAWAI	گوتیک (GOTHIC):
FĀR	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
PILTR	نورس کهن (OLD NORSE): (شاید)
FĀ	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
FĒ	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
FAO	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
FĒA,	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
FĒAWE	
POJKE	سوئدی (SWEDISH): (شاید)

یادداشت:

معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: کم، کوچک، محدود.
معنی این واژه در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی علاوه بر "کم"، "فرزند ذکور"، "جانور کوچک".

POSHT	فارسی: (PERSIAN): پشت
BACK, BEHIND, REAR	چشم انگلیسی سرواژه‌های فارسی:
*PER-, *PRE-, *PR-, *PRSTHIS, *PRSTHA	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

PUSHT	افغانی (پشت) (AFGHANI):	اوستایی (AVESTAN):
	سانسکریت (SANSKRIT):	
PARSHTI, PARSHTA		
PUSHT	پهلوی (PAHLAVI):	
PISHT, PASHDA	کردی (KURDISH):	
PUT	بلوچی (BALUCHI):	
PRSHTI, PRSHTHÁ		
PAOTÁS, PRO-	یونانی (GREEK):	
POSTIS, POR-	لاتین (LATIN):	

REFERENCES	پشگشت ها
POKORNY:	813
BARNHART:	(POST) 822
MACKENZIE:	(BACK) 103
BUCK:	211-212
ONIONS:	(POST) 699
SKEAT:	(POST) 466
AMINDAROV:	(BACK) 188
۴۰۷	برهان قاطع:

FIRST	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
FIRST	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
FIRST	: (GERMAN) آلمانی
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
FYRST, FIERST	
POST	: (ENGLISH) انگلیسی
VORST	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
PRESTE	
PIRSHTAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی

یادداشت:

- ۱- واجرشه‌های هند و اروپایی - *PR-، *PRE-، *PER- خود از واجرشه‌ی هند و اروپایی *STĀ- (به چم) "ایستادن" مشتق شده‌اند (بازگشت به: ایستادن).
- ۲- معنی واژه‌ی PRSHTI در زبان سانسکریت: دنده.
- معنی واژه‌ی POSTIS در زبان لاتین: پاهو (هریک از دو تیر عمود چارچوب در).
- معنی واژه‌ی لیتوانی و اسلاو کهن این فهرست: انگشت.
- معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: تیر زیر شیروانی، دیرک.

PESHKAM	پشکم (به چم "ایوان و بارگاه")	فارسی (PERSIAN):
PORTICO, COURT		چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SKABH-, *SKAMBH-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
SCABILLUM, SCABELLUM		اوستایی (AVESTAN):

FRASKAMBA-, FRASCHIMBANA-

SHK'NP-	: (SOGADIAN) سفدی
SKAMBHĀ-	: (SANSKRIT) سانسکریت
SKAMBHANA, SKAMBHANAM	
SCAMNUM,	: (LATIN) لاتین

یادداشت:

- چم این واژه در اوستایی و سانسکریت: ستون، پایه، نگهدار.
- چم این واژه در زبان لاتین: اریکه، تخت، سریر.

REFERENCES	پشگشت ها
POKORNY:	916
۷۹۸	فرهنگ معین:
۴۱۰	برهان قاطع:

PASHM	فارسی (PERSIAN): پشم
WOOL	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PEK-, *PÉKU-, *PEKOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

FĀT	سوئدی کهن (OLD SWEDISH):	PASHNĀ-	اوستایی (AVESTAN):
VACHT	هلندی (DUTCH):	PASHM	پهلوی (PAHLAVI):
PESHÚ, PÉSHTI	لیتوانی (LITHUANIAN):		سانسکریت (SANSKRIT):
PILĒ	آلبانی (ALBANIAN):	PAKSHMAN, PAKSHMALĀ	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	797
MACKEZIE:	(PAŠM) 140
۴۱۰	برهان قاطع:

ASR	ارمنی (ARMENIAN):
PÉCHOS	یونانی (GREEK):
PECTŌ, PECTĒRE	لاتین (LATIN):
FAX	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
FAHS	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
FEAX	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

یادداشت:

چشم‌های این واژه در زبان سانسکریت: مو، پشمالو.
چشم‌های این واژه در زبان لاتین: پشم شانه کردن و چیدن.
چشم‌های این واژه در زبان ایسلندی کهن: پال.
چشم‌های این واژه در زبان آلمانی و انگلیسی: موی زیر.

PASHĒ	فارسی (PERSIAN): پشه
MOSQUITO	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PLUS-, *BLUS-, *BLOV-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

FLŌ	گوتیک (GOTHIC):	PAKSHSHAG	پهلوی (PAHLAVI):
FLŌ	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	VRAZHA	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
FLŌH	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	PULSIS	سانسکریت (SANSKRIT):
FLOH	آلمانی (GERMAN):	LU	ارمنی (ARMENIAN):
FLĒAH	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	PSULLA	یونانی (GREEK):
FLEA	انگلیسی (ENGLISH):	PŪLEX, PULICA	لاتین (LATIN):
VLOO	هلندی (DUTCH):	PUCE	فرانسه (FRENCH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	PULGA	اسپانیایی (SPANISH):
BLŪCHA, BLUSĀ		PULCE	ایتالیایی (ITALIAN):
PCHLA	لهستانی (POLISH):	PULGA	پرتغالی (PORTUGUESE):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	102
BARNHART:	(FLEA) 389
DELAMARRE:	(PUCE) 144
MACKENZIE:	(MOSQUITO) 124
ONIONS:	(FLEA) 361
SHIPLY:	322
۴۱۱	برهان قاطع:

BLECHA	: (RUSSIAN) روسی
BLECHA	: (CZECH) چک
BLCHA	: (ASLOVA) اسلواکی
BLUSÁ	: (LITHUANIAN) لیتوانی
BLUSA	: (LATVIAN) لتونی (لتی)
PLESHT	: (ALBANIAN) آلبانی

یادداشت:

معنی این واژه در زبان‌های غیر ایرانی و هندی: کک.

فارسی (PERSIAN):	پف (به چم "فوت"), پک (به چم "درون دمیدن دود سیگار و غیره")
POF, POK	
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	PUFF, BLOW
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*PUK-, *PAUK-

افغانی (Pشتو) (AFGHANI):	PŪ, PŪK
سانسکریت (SANSKRIT):	PUPPUTA-
ارمنی (ARMENIAN):	
پوئانی (GREEK):	PUCEL, PUCHOUN
لاتین (LATIN):	PHŪDA
فرانسو (FRENCH):	PŪSLA, PUSSULA
آلمانی (GERMAN):	PUSTULF-, BOUFÉE
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	PUFFE, PUFFEN
انگلیسی (ENGLISH):	PUFFYAN
دانمارکی (DANISH):	PUFF
سوئدی (SWEDISH):	PUST, PUFFE
نروژی (NORWEGIAN):	PUFFA
هلندی (DUTCH):	POYSA
	POF, POFFEN

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	849
ONIONS:	(PUFF) 721
SKEAT:	(PUFF) 483
۸۰۳ و ۸۰۲	فرهنگ معین:

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	
لهستانی (POLISH):	PLCHATI
روسی (RUSSIAN):	PYKAC, PUSZEK
چک (CZECH):	PÝCHÁTU
لیتوانی (LITHUANIAN):	PYSK
لتونی (لتی) (LATVIAN):	PUSLĒ
	PUSLIS

POK, PAK	فارسی (PERSIAN): پُک (به چَم "برجستن و فروجستن"، پک (به چَم "غوک")
LEAP, HOP, SPRING, JUMP, FROG	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PREU-, *PLOUO-, *PRUG-SKO-, *PROUG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

FROG انگلیسی (ENGLISH):

PRYTŪ, PRYGNUTŪ روسی (RUSSIAN):

PRÝGATŪ, PRÝGAT

PRÁVATĒ, سانسکریت (SANSKRIT):

PRAVÁ-, PLAVA-, PLAVA-GA-

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

FRAUKI, FROSKR

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

FRAO, FREWIDA, FROSK

FREUDE, FROSC آلمانی (GERMAN):

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

FROGGA, FROSC, FORSC

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	845-846
۵۶۶۵	لغت‌نامه دمخدا:
۸۰۳	فرهنگ معین:

یادداشت:

چَم‌های این واژه در زبان‌های این فهرست: جست و خیز، شادی، ورجه ورجه، غوک، وزغ، تند.

POL	فارسی (PERSIAN): پِل
BRIDGE, FORD	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PER-, *PR-, *POR-, *PÖR-, *PRTUS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

PONTE ایتالیایی (ITALIAN):

POD رومانی (RUMANIAN):

PONTE پرتغالی (PORTUGUESE):

FÖR, FORAN, گوتیک (GOTHIC):

FARJAN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

FIDORDHR, FIORD, FARA

FJORTHOR نورس کهن (OLD NORSE):

FORD ساکسونی کهن (OLD SAXON):

FORDA فریزی کهن (OLD FRISIAN):

FURT آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

FURT آلمانی (GERMAN):

FORD انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

FORD انگلیسی (ENGLISH):

اوستایی (AVESTAN):

PERETU, PECHU, PERETUSH

PUHL, PUHR پهلوی (PAHLAVI):

کردی (KURDISH):

PEL, PURD, PIRD, PIR

PUL افغانی (پشتو) (AFGHANI):

سانسکریت (SANSKRIT):

PÍPARTI, PARÁYATĪ

HORD, HORDAN ارمنی (ARMENIAN):

PÓROS یونانی (GREEK):

لاتین (LATIN):

PORTUS, PONTIS, PORTA

PONT فرانسه (FRENCH):

PUENTE اسپانیایی (SPANISH):

REFERENCES	پښتو
POKORNY:	816
BARNHART:	(FORD) 399
MACKENZIE:	(BRIDGE) 105
BUCK:	721-722
ONIONS:	(FORD) 369
SKEAT:	(FORD) 221
۲۱۴	برهان قاطع:

VOORDE	: (DUTCH) هلندی
PARITI	: (OLD CHURCH) اسلاوی کهن
PORÓM	: (RUSSIAN) روسی
RITU	: (GAULISH) گالی
RIT	: (WELSH) ولزی
RIT	: (BRETON) برتونی
RID	: (OLD CORNISH) کورن والی کهن
PRUVA, PRURA	: (ALBANIAN) آلبانی

یادداشت:

چم این واژه در اوستایی و پهلوی: پل، گذار.
چم این واژه در سایر زبان‌ها: گذار، معبر، بندر، پایاب.

PANJ	پنج	فارسی (PERSIAN):
FIVE		چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PEMPE, *PENKWE		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
FIMF	: (GOTHIC) گوټیک	PANCHA, PANCA : (AVESTAN) اوستایی
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن	PANJ : (PAHLAVI) پهلوی
FIMM		FONJ : (OSSETIC) اوستی
FIMM	: (OLD NORSE) نورس کهن	PANJ, PEJ, PĒNC : (KURDISH) کردی
FĪF	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن	PIJA : (AFGHANI) افغانی (پشتو)
FĪF	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن	PEN : (TOKHARIAN A) A تخاری
FINF : (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن	PIS : (TOKHARIAN B) B تخاری
FUNF	: (GERMAN) آلمانی	PANCHA, PÁNCA: (SANSKRIT) سانسکریت
FĪF	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	HING : (ARMENIAN) ارمنی
FIVE	: (ENGLISH) انگلیسی	PENTE, PÉMPÉ : (GREEK) یونانی
FEM	: (DANISH) دانمارکی	QUINQUE : (LATIN) لاتین
FEM	: (SWEDISH) سوئدی	CINQ : (FRENCH) فرانسه
FEM	: (NORWEGIAN) نروژی	CINCO : (SPANISH) اسپانیایی
VIIF	: (DUTCH) هلندی	CINQUE : (ITALIAN) ایتالیایی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	CINCI : (RUMANIAN) رومانی
PETĪ, PESTI		CINCO : (PORTUGUESE) پرتغالی

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	808
BARNHART:	(FIVE) 386
DELAMARRE:	(CINQ) 212
MACKENZIE:	(FIVE) 114
BUCK:	941-952
ONIONS:	(FIVE) 358
SKEAT:	(FIVE) 215
AMINDAROV:	225
۴۱۹	برهان قاطع :

PIEĆ, PIECIORO	: (POLISH) لهستانی
PYAT	: (RUSSIAN) روسی
PĚT	: (CZECH) چک
PĀT	: (SLOVAK) اسلواکی
PENKI	: (LITHUANIAN) لیتوانی
CÓIC	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
PEMPE	: (GAULISH) گالی
PIMPE, PUMP	: (WELSH) ولزی
PEMPAT, PEMP	: (BRETON) برتونی
PYMP	: (CORNISH) کورن والی
PESË	: (ALBANIAN) آلبانی
PANTA	: (HITTITE) هیتی

یادداشت:

۱- بازگشت به: پانزده.

۲- بازگشت به: پنجم.

PANJĀH	فارسی (PERSIAN): پنجاه
FIFTY	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PENKWE-DEKM, *PEMPE-DEKM, *PENKWE	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
-KONTA	

CINQUENTA	: (PORTUGUESE) پرتغالی	PANCĀSATA	: (AVESTAN) اوستایی
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن		: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
FIMTIGE		PANCĀTHAT	
FİFTICH	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن	PANJĀH	: (PAHLAVI) پهلوی
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	PINJA	: (KURDISH) کردی
FIMFZUG		PANJÖS	: (AFGHANI) (پشتو) افغانی
FUNFZIG	: (GERMAN) آلمانی	PANCĀSĀT	: (SANSKRIT) سانسکریت
FIFTIG	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	YISUN	: (ARMENIAN) ارمنی
FIFTY	: (ENGLISH) انگلیسی	PENTĒ-CHONTA	: (GREEK) یونانی
VIJFTIG	: (DUTCH) هلندی	QUINQUAGINTA	: (LATIN) لاتین
PIECDZIESIAT	: (POLISH) لهستانی	CINQUANTE	: (FRENCH) فرانسه
PADESÁT	: (CZECH) چک	CINCUNTA	: (SPANISH) اسپانیایی
PĀT'DESIAT	: (ASLOVK) اسلواکی	CINQUANTA	: (ITALIAN) ایتالیایی

MACKENZIE:	(FIFTY 114)	REFERENCES	پسگشت ما
۲۲۰	برهان قاطع:	POKORNY:	808
		BARNHART:	(FIFTY) 381

یادداشت:

بازگشت به: پنج و ده.

PANJOM	فارسی (PERSIAN): پنجم
FIFTH	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PENKWE-TOS, *PEMPE-TOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

FIFTA انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

FIFTH انگلیسی (ENGLISH):

FEMTE, FEMTEDEL دانمارکی (DANISH):

FEMDEL, نروژی (NORWEGIAN):

FEMTE

VIJFDE هلندی (DUTCH):

(OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن:

PETŪ

PENKTAS لیتوانی (LITHUANIAN):

(OLD IRISH) ایرلندی کهن:

COICED, COICER

PINPETUS گالی (GAULISH):

PIMPHET گالیک (GAELIC):

IPESËTE آلبانی (ALBANIAN):

PANCUM, PANCŌM بهلوی (PAHLAVI):

PANTE تزاری A (TOKHARIAN A):

PINKCE تزاری B (TOKHARIAN B):

PANCATHÁS, سانسکریت (SANSKRIT):

PAKTHÁS, PANCATH, PANCAMÁ

HINGER-ORD ارمنی (ARMENIAN):

FÉMPOTOS یونانی (GREEK):

QUINTUS لاتین (LATIN):

CINQUIÈME فرانسه (FRENCH):

QUINTO اسپانیایی (SPANISH):

QUINTO ایتالیایی (ITALIAN):

QUINTO رومانی (RUMANIAN):

QUINTO پرتغالی (PORTUGUESE):

FIMFTA گوتیک (GOTHIC):

(OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن:

FIMMTI

FIMTI نورس کهن (OLD NORSE):

FĪFTO ساکسونی کهن (OLD SAXON):

FĪFTA فریزی کهن (OLD FRISIAN):

(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن:

FIMFTO

FUNFTE آلمانی (GERMAN):

REFERENCES	پسگشت ما
POKORNY:	808
BARNHART:	(FIFTY) 381
BUCK:	941-952
ONIONS:	(FIFTY) 358
۲۲۱	برهان قاطع:

یادداشت:

بازگشت به: پنج.

PANJĒ	فارسی (PERSIAN): پنجه
FIST, PAW	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PENKSTI, *PENKSTIS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

POTE	دانمارکی (DANISH):	PANJAG	پهلوی (PAHLAVI):
VUIST	هلندی (DUTCH):	PUGNUS	لاتین (LATIN): (شاید)
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	POING	فرانسه (FRENCH): (شاید)
PESTI		PUÑO	اسپانیایی (SPANISH): (شاید)
PIASTE	روسی (RUSSIAN):	PUGNO	ایتالیایی (ITALIAN): (شاید)
		PUNHO	پرتغالی (PORTUGUESE): (شاید)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	839
BARNHART:	(FIST) 385
MACKENZIE:	(PAW) 126
ONIONS:	(FIST) 358
۴۲۱	برهان قاطع:

FÜST	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
FĒST	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
FÜST	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
FAUST	آلمانی (GERMAN):
FYST	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
FIST	انگلیسی (ENGLISH):

یادداشت:

این واژه‌ها با واژه‌های که واژه‌ی FINGER از آن آمده خویشی نزدیک دارد (پسگشت: 808 POKORNY: 383-384, (BARNHART: (FINGER)

PAND	فارسی (PERSIAN): پند (به چشم "رهنمود"، "نصیحت")
ADVICE, COUNSEL	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PENT-, *PONT-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

PAND	بلوچی (BALUCHI):		اوستایی (AVESTAN):
PATHÁS	سانسکریت (SANSKRIT):	PATHŌ, PANTĀ, PATH	
HUN, HUNĪ	ارمنی (ARMENIAN):		پارسی باستان (OLD PERSIAN):
PÁTOS	یونانی (GREEK):	PANTI, PATHI	
PONS, PONTIS	لاتین (LATIN):	PAND	پهلوی (PAHLAVI):
FINTHAN	گوتیک (GOTHIC):	FAND	اوستی (OSSETIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	PEND	کردی (KURDISH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	808-809
BARNHART:	(PATH) 764, (FIND) 383
MACKENZIE:	(PAND) 64, (ADVICE) 101
BUCK:	(PATH) 719-720
ONIONS:	(PATH) 657, (FIND) 356
SKEAT:	(PATH) 434
AMINDAROV:	(ADVICE) 182
۴۲۲	برهان قاطع:

FINNA

PATH, PAD : (OLD FRISIAN) فریزی کهن

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

PFAD, PHAD

PFAD : (GERMAN) آلمانی

PÆLD : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

PATH : (ENGLISH) انگلیسی

PAD : (DUTCH) هلندی

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

POTŪ, PATĪ

PINTIS : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن

یادداشت:

چم این واژه در زبان اوستی: آرزو، میل.

چم این واژه در زبان لاتین: پل.

چم این واژه در زبان‌های گوتیک و ايسلندی کهن: یافتن.

چم این واژه در زبان‌های دیگر واژگان این فهرست: راه.

۲- برخی واج‌ریشه‌شناسان معتقدند که این واژه از یک زبان ایرانی به زبان‌های اروپایی راه یافته است. تغییر معنی ایر واژه از "راه" به "وهندود" در زبان‌های فارسی و کردی و بلوچی منطقی بنظر می‌رسد.

PŪPŪ, PŪPAK	فارسی (PERSIAN): پوپو، پک (به چم "پُرپُر" یا "شمانه سر")
HOOPOE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*EPOP, *OPOP	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

PUPPUKIS : (LATVIAN) لونی (لی)

PŪPŪ : (KURDISH) کردی

POPOP : (ARMENIAN) ارمنی

EPOPS : (GREEK) یونانی

UPUPA : (LATIN) لاتین

HOPPE : (FRENCH) فرانسه

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

HOPPA

HUPEK : (POLISH) لهستانی

HUPATI : (SLOVAK) اسلواکی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	325
DELAMARRE:	(HUPPE) 140
SKEAT:	(HOOPOE) 276
AMINDAROV:	(CUCKOO) 135
۴۲۵	برهان قاطع:

یادداشت:

این واژه نوعی "آوا" (ONOMATOPOEIA) است.

PŪST	فارسی (PERSIAN): پوست
SKIN	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PEL-, *PLĒ-, *PELMEN-, *PELNO-, *PELLO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

FILMEN, FELL, FEL
 FELL, FILM : (ENGLISH) انگلیسی
 FOLGA : (NORWEGIAN) نروژی
 VEL : (DUTCH) هلندی
 : (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
 PELENA
 PLNÁ : (RUSSIAN) روسی
 PLĚNA, PLINA : (CZECH) چک
 PLINKA : (ASLOVK) اسلواکی
 PLEVĚ : (LITHUANIAN) لیتوانی
 PLEYNIS : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن

PASTA : (AVESTAN) اوستایی
 PŌST : (PAHLAVI) پهلوی
 PIST, PŌST : (KURDISH) کردی
 PŌST : (AFGHANI) افغانی (پشتو)
 PÉLAS, PÉLMA : (GREEK) یونانی
 PELLIS : (LATIN) لاتین
 PEAU : (FRENCH) فرانسه
 PELLEJO, PIEL : (SPANISH) اسپانیایی
 PELLE : (ITALIAN) ایتالیایی
 PIELE : (RUMANIAN) رومانی
 PELE : (PORTUGUESE) پرتغالی
 FILHAN-, FILL : (GOTHIC) گوئیک
 : (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

FELA, FELL
 -FJAL : (OLD NORSE) نورس کهن
 FEL : (OLD SAXON) ساکسونی کهن
 : (OLD FRISIAN) فریزی کهن
 FILMENE, FEL
 FELL : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
 FELL : (GERMAN) آلمانی
 : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های اسلاوی: دستمال، کهنه‌ی بچه.
 چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: پوست جانور، پوستین.

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	803
BARNHART: (FELL) 375, (FILM) 382	
DELAMARRE: (PEAU) 149	
MACKENZIE: (SKIN) 133	
ONIONS: (FELL) 349, (FILM) 356	
SKEAT: (FELL) 210, (FILM) 214	
۲۲۷	برهان قاطع:

PŪSIDAN, PŪDÉ	فارسی (PERSIAN): پوسیدن، پوده (به چم "پوسیده")
ROT, FOUL	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PŪ-, *PEU-, *PŪDHŌ-, *PŪTRO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

FŪL	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	PUYEITI	اوستایی (AVESTAN):
FAUL	آلمانی (GERMAN):	PŪTAK, PŪSITAN,	پهلوی (PAHLAVI):
FŪL	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	PUSINITAN, PŪDAG	
FOUL	انگلیسی (ENGLISH):	-BUD	اوستی (OSSETIC):
FUUL	دانمارکی (DANISH):	PIS	کردی (KURDISH):
FUUL	سوئدی (SWEDISH):	PŪYATI, PŪTIS	سانسکریت (SANSKRIT):
FOYR	نروژی (NORWEGIAN):	HU	ارمنی (ARMENIAN):
VUIL	هلندی (DUTCH):		یونانی (GREEK):
	لیتوانی (LITHUANIAN):	PŪTHO, PŪOS, PŪON, PŪON, PŪTHIN	لاتین (LATIN):
PŪDAU, PŪVU, PŪTI		PŪTĒŌ, PŪTĒRE, PŪS, PUTRIDUS	
PŪNIS	لتونی (LATVIAN):	PUTRID, PUTRIEFIER	فرانسé (FRENCH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	848-849
BARNHART:	(FOUL) 403
DELAMARRE:	(PUER) 275
MACKENZIE:	(FOUL) 115, 69
ONIONS:	(FOUL) 373
SKEAT:	(FOUL) 223-224
۲۲۵ و ۲۲۹	برهان قاطع:

PUTRID, PUTRIEFIER	اسپانیایی (SPANISH):
PUTRIDO, PUDRIR	ایتالیایی (ITALIAN):
PUTRIDO	پرتغالی (PORTUGUESE):
PŪTRIDO, PUTRIFICAR	
FŪLS	گوتیک (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
FŪLL, FŪKI	
FŪL	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
FŪL	فریزی کهن (OLD FRISIAN):

یادداشت:

به احتمال زیاد واژه‌ی "پوده" (برهان قاطع :: ۲۲۵) هم از همین واژه است.

POK, POF	فارسی (PERSIAN): پک، پف (به چم "فوت"، "باد که از دهان بیرون شود")
PUFF, BLOW	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*P(H)U-K-, *PŪ-, *POU-, *PHU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
	افغانی (پشتو) (AFGHANI): PŪ, PŪK
	سانسکریت (SANSKRIT):

PYSK, PYKAĆ :لهستانی (POLISH)
 PÝCHATŮ :روسی (RUSSIAN)
 PYSK :چک (CZECH)
 لونی (لنی) (LATVIAN):
 PŪSLĒ, PUKSHLĒ
 PŪSLIS :پروسی کهن (OLD PRUSSIAN)

PUSTI-, PUSKALĀ-
 PUK, PUKK :ارمنی (ARMENIAN)
 PHŪDA, PHŪDAŌ :یونانی (GREEK)
 PUSSULA, PUSTULA :لاتین (LATIN)
 PAFFEN :آلمانی (GERMAN)
 انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

PUF, PUFFE

PUFF :انگلیسی (ENGLISH)
 PUST :دانمارکی (DANISH)
 PUST :سوئدی (SWEDISH)
 POYSA :نروژی (NORWEGIAN)
 POF, POFFEN :هلندی (DUTCH)
 اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
 *PUCHATI

یادداشت:

چم کلی واژه‌های این فهرست: دم‌پیدن، بادآهنگری، بادکردگی، بادکردن، تاول.

PŪY, PŪYIDAN	پوی، پویدن (به چم "دویدن" "شقاییدن"، "عجله")	فارسی (PERSIAN):
HASTEN, HASTE, RUN		چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SPEVD		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

FOYSA :نروژی (NORWEGIAN)
 لیتوانی (LITHUANIAN):
 SPAUDÁ, SPĀUSTI
 PUNĒ :آلبانی (ALBANIAN)

PŌY, PŌYISHNIG :پهلوی (PAHLAVI)
 سانسکریت (SANSKRIT):

SPHĀVAYATI, SPHŪY

P'OYT :ارمنی (ARMENIAN)
 SPEYDO, SPEUDO :یونانی (GREEK)
 SPATIVM :لاتین (LATIN) (شاید)
 ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SPJOT, SPÝTA

SPJOT :نورس کهن (OLD NORSE)
 ساکسونی کهن (OLD SAXON):
 SPIOT
 SPIOZ: آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
 آلمانی (GERMAN):
 SPIESS
 SPŌWAN :انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	998-999
MACKENZIE:	(RUN) 131, 69
SKEAT:	(SPE) 758
MALLORY & ADAMS:	SPEUD
۴۲۹	برهان قاطع:
۸۴۳-۸۴۴	فرهنگ معین:
۵۸۲۵ و ۵۸۲۲	لغت‌نامه دهخدا:

یادداشت:

۱- SKEAT معتقد است که واژه‌های SPACE, PROSPER, SPEED هم از همین واژه‌ها آمده‌اند.

۲- چم این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی: موفق شدن، تغذیه کردن.

PAHLŪ	فارسی (PERSIAN): پهلوی
SIDE, FLANK	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PERK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

PIRSHYS : (LITHUANIAN) لیتوانی

PARḡSU, PĀRḡSU- : (AVESTAN) اوستایی

PAHLŪK, PAHLUG : (PAHLAVI) پهلوی

FARS : (OSSETIC) اوستی

PĀRSŪ, PARXAN : (KURDISH) کردی

PUSHTEY (پشتو) (AFGHANI) (شاید)

PĀRSŪ, PĀRSVĀ- : (SANSKRIT) سانسکریت

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

PERŪSI

یادداشت:

چم این واژه در زبان لیتوانی: سینه.

PAHN	فارسی (PERSIAN): پهن
WIDE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PET-, *PLTUS-, *PETE-, *POT-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

LLED : (GAULISH) گالی

PATHANA : (AVESTAN) اوستایی

PATTAR, PADDANI : (HITTITE) هیت

PAHAN : (PAHLAVI) پهلوی

FATAN : (OSSETIC) اوستی

PEHN, PĀN : (KURDISH) کردی

PLAN : (AFGHANI) (پشتو)

PETANNĀNI : (GREEK) یونانی

لاتین (LATIN):

PATEŌ, PATĒRE, PANDŌ, PANDERE

PETŪS : (LITHUANIAN) لیتوانی

PATTAR : (LATVIAN) (لتی) لتونی

PETTIS : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	824
BARNHART:	(FATHOM) 371
MACKENZIE:	(WIDE) 140
BUCK:	884-885
AMINDAROV:	(WIDE) 310
۴۳۳	برهان قاطع:

یادداشت:

- ۱- BARNHART, POKORWY معتقدند که واژه‌ی انگلیسی FATHOM (و واژه‌های هم‌ریشه آن در زبان‌های ژرمنی) نیز از همین واژه‌هاست.
- ۲- چم این واژه در زبان‌های لیتوانی و لتونی و پرسی کهن: شانه، کف.

فارسی (PERSIAN):	پی (به چم "رد پا"، "نشان پا"، "دنبال"، "پس و عقب")	PEY
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	FOOTRINT, SPOOR, FOOTSTEP, TRACK, FOLLOWING, AFTER	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*PEDO-M	

اوستایی (AVESTAN):	PATHA-	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): FET
پارسی باستان (OLD PERSIAN):		لیتوانی (LITHUANIAN): PEDÁ
	PATI- PADAM	لتونی (LATVIAN): PĒDA
پهلوی (PAHLAVI):	PÉY	هیتی (HITTITE): PEDAN

پسگشت‌ها	REFERENCES
(FOOTSTEP) 115,	MACKENZIE:
(TRACK) 137	
(AFTER) 131	AMINDAROV:

کردی (KURDISH):	PEY
افغانی (AFGHANI):	PASE
سانسکریت (SANSKRIT):	PADÁ-
ارمنی (ARMENIAN):	HET, HETOY
یونانی (GREEK):	PÉDON, PEDION
لاتین (LATIN):	PEDA

یادداشت:

چم واژه‌ی پارسی باستان در این فهرست: روی پاشنه چرخیدن.

فارسی (PERSIAN):	پیروز، فیروز، پیروزی	PIRŪZ, FIRŪZ, PIRŪZI
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	VICTOR, TRIUMPHANT, VICTORIOUS, VICTORY	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*PAITI-LUKI, *PAITI-LUKO-	

پسگشت‌ها	REFERENCES	اوستایی (AVESTAN):	PAITI-RAOCHAH
	POKORNY:	پهلوی (PAHLAVI):	PĒRŌC, PĒRŌZH, PĒRŌZ, PĒRŌZGAR
	(PAITI) 150, (LEUGH) 687	کردی (KURDISH):	PRIOZ, PIROZI
	MACKENZIE: (VICTORIOUS) 139	ارمنی (ARMENIAN):	PĒROZ
	AMINDAROV: (TRIUMPH) 302	یونانی (GREEK):	PEIRŌKSĒS
	RAMAT: 138	لاتین (LATIN):	PIROSES
برهان قاطع:	۲۳۹		

یادداشت:

دکتر محمد معین (به پیروی از نیرنگ) ریشه اوستایی این واژه را PAITI-PAOCH و ریشه ی پهلوی آنرا PARI-AUZHAH (به چم "قوت" و "زور") می‌داند (برهان قاطع: ۴۳۹)

فارسی (PERSIAN):	پیرا-، پیرامون، پرا	PĒRĀ, PĒRĀMŪN, PARA-
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):		*PER-, *PERI-

اوستایی (AVESTAN):	PAIRI-	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	PER-
پارسی باستان (OLD PERSIAN):	PARIY-	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	IR-, ER-
سانسکریت (SANSKRIT):	PĀRI-	گالی (GAULISH):	ERI-
یونانی (GREEK):	PERI, PÉR-	ولزی (WELSH):	ER-
لاتین (LATIN):	PER-	برتونی (BRETON):	ER-
گوتیک (GOTHIC):	FAIR-, FRA-, FAUR-	آلبانی (ALBANIAN):	PEJ-, PE-, PĒR

پسگشت‌ها	REFERENCES
310	POKORNY:
777 (PERI-)	BARNHART:
	DELAMARRE:
	(ENAVANT, AUTOUR) 300

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	FON-
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	FIR-
آلمانی (GERMAN):	VER-
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	FYR-
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	
	PRĒ
لیتوانی (LITHUANIAN):	PERĒ-, PER-

فارسی (PERSIAN):	پیش - (پیشوند به چم "قبل از")	PĒSH
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:		PRE-
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):		*PRAI-, *PERAI-, *PĀRI-, *PERES-, *PEROS-

اوستایی (AVESTAN):	PAITISH-, PARŌ	لاتین (LATIN):	PRAE-, PRĒ-, PRĪ-
پارسی باستان (OLD PERSIAN):	PATISH-	فرانس (FRENCH):	PRE-, PRI-
پهلوی (PAHLAVI):	PĒSH-, PAT(I)SH-	گوتیک (GOTHIC):	FRI- FIR-
کردی (KURDISH):	PĪSH-	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	FYR
بلوچی (BALUCHI):	PĒSH-	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	
سانسکریت (SANSKRIT):	PARĒ-, PURĀH		FURI-, FRIST
یونانی (GREEK):	PARA-, PARAI-, PĀROS	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	811-812
BARNHART:	(PRE-) 828
DELAMARRE:	
(EN AVANT DE) 301	
MACKENZIE:	68, (BEFORE) 104
ONIONS:	(PRE-) 703
SKEAT:	(PRE-) 470
۲۴۰	برهان قاطع:

PRE-	(از فرانسه ی کهن)
PRE-	انگلیسی (ENGLISH):
PRIE-	لیتوانی (LITHUANIAN):
PREI	پروس ی کهن (OLD PRUSSIAN):
AIR-, AR-	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
ARE-	گالی (GAULISH):
PA	آلبانی (ALBANIAN):

یادداشت:

واژه ی انگلیسی FIRST هم از همین ریشه است (POKORNY:812).

PINŪ, PINŪK	پینو، پینوک (به چم "کشک" و "ماست چکیده")	فارسی (PERSIAN):
DRIED WHEY		چم انگلیسی سرواژه ی فارسی:
*Pĭ-, *PĭMO-, *POIMEN-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

PIENAS :لیتوانی (LITHUANIAN):

اوستایی (AVESTAN):

PAYAH-, PAĒMAN-, PAYAH-

سانسکریت (SANSKRIT):

PAYATĒ, PINVATI, PYÁYATĒ, PINÁ

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

FEIMA

FAMNE :انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

FĒL :نروژی (NORWEGIAN):

یادداشت:

۱- به احتمال زیاد واژه ی "پنیر" (پهلوی: PANIR) کردی: (PENĒR) نیز از همین ریشه است.

۲- چم این واژه در سانسکریت: ورم کردن، یاد کردن.

چم این واژه در زبان های ژرمنی: خامه، سرشیر.

چم این واژه در زبان لیتوانی: شیر.

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	793
SKEAT:	(FEI) 756
۲۴۹	برهان قاطع:
۹۶۹-۹۷۰	فرهنگ معین:
۶۰۴۳	لغت نامه دهخدا:

PĒH	فارسی (PERSIAN): پیه
FAT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PEI-, *POL-, *PI-, *POID-, *PIWOS, *PEITU-, *PĪTU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

FATT	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	اوستایی (AVESTAN):	
FAT	انگلیسی (ENGLISH):	PITU, POITHWA, PĪVAH-	
FED	دانمارکی (DANISH):	PITHU	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
FET	سوئدی (SWEDISH):	PIH	پهلوی (PAHLAVI):
FEIT	نروژی (NORWEGIAN):	FIW, FIU	اوستی (OSSETIC):
VET	هلندی (DUTCH):	PIÚ	کردی (KURDISH):
PIENAS	لیتوانی (LITHUANIAN):	PIG	بلوچی (BALUCHI):
IRIU	ایرلندی کهن (OLD IRISH):		سانسکریت (SANSKRIT):

PÍVAS, PITÚ, PĒTVA

PIAR, PIMELE	یونانی (GREEK):
OPIMUS, PINGUIS	لاتین (LATIN):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

FEITR

FEITA	نورس کهن (OLD NORSE):
FEIT	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
FATT	فریزی کهن (OLD FRISLAN):
FEIZ	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
FEIST, FETT	آلمانی (GERMAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	793
BARNHART:	(FAT) 371
DELAMARRE:	(GRAISSE) 149
MACKENZIE:	(FAT) 114
ONIONS:	(FAT) 346-347
SKEAT:	(FAT) 209
۲۵۰	برهان قاطع:

TĀBID, TĀFTAN, TĀB	فارسی (PERSIAN): تابیدن، تافتن، تاب (به چم "گرداندن" و "پیچیدن")
TUPN, SPIN	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TEMP-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

TEMPUS, TEMPORIS, TEMPLUM	لاتین (LATIN):	*TAPAYATI	اوستایی (AVESTAN):
TEMPE	فرانسه (FRENCH):	TĀBIDAN, TĀFATAN	پهلوی (PAHLAVI):
TEMLIA	ایتالیایی (ITALIAN):	TAMPE	تخاری A (TOKHARIAN A):
TEMPULA	رومانی (RUMANIAN):	CAMP	تخاری B (TOKHARIAN B):
TEMPORA	پرتغالی (PORTUGUESE):	TAMB	ارمنی (ARMENIAN):
		TAPĒS	یونانی (GREEK):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1064
BARNHART:	(TEMPLE) 1123
DELAMARRE:	81
BUCK:	71
برهان قاطع: (تافتن) ۴۶۰ و (تاب) ۴۵۲ و (تابیدن) ۴۵۴	

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	THAMOR
انگلیسی (ENGLISH):	TEMPLE
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	TETIVA
لیتوانی (LITHUANIAN):	TEMPTI, TIMPA
لتونی (LATVIAN):	TAMPAS

یادداشت:

- ۱- واژه‌ی انگلیسی TAFFETA (از فرانسه کهن TAFFETAS ← ایتالیایی TAFFETA ← ترکی TAFTA). از واژه‌ی فارسی "تافته" آمده است.
- ۲- چم این واژه در تخاری A: نیرو. چم این واژه در تخاری B: دانستن.
- چم این واژه در لاتین و زبان‌های رومانی: گنجگاه، شقیقه.
- چم این واژه در زبان ایسلندی کهن: ورم کرده، تاب خورده.

TĀXTAN, TĀXT, TĀZ, TĀZIDAN	فارسی (PERSIAN): تاختن، تاخت، تاز، تازیدن
PUN, HASTEN, GALLOP	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TEKW-, *TEKWŌMI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

TOXON	یونانی (GREEK):	اوستایی (AVESTAN):
TAXUS	لاتین (LATIN):	TACHAITI, TAC, TAXTA
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	پهلوی (PAHLAVI):
TEKO		TĀXTAN, TĀZĪDAN, TĀZ
TEKÚ	لیتوانی (LITHUANIAN):	TAGHT, TASHAL
TEKU	لتونی (LATVIAN):	اوسنی (OSSETIC):
TACKELIS	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	بلوچی (BALUCHI):
	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	TACAG, TASHAG, TĀVAG
TECHIM, TECHID		افغانی (پشتر) (AFGHANI):
TEBET	گالی (GAULISH):	TASHT-, TSAHAL
TE'CHET	برتونی (BRETON):	تخاری B (TOKHARIAN B):
NDJEK	آلبانی (ALBANIAN):	سانسکریت (SANSKRIT):
		TAKTI, TAKATI, TAK

پسگشت‌ها	REFERENCES	(RUN) 131	MACKENZIE:
1059-1068	POKORNY:	برهان قاطع:	۴۵۵
288	DELAMARRE:		

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان‌های یونانی و لاتین: درخت سرخدار.

چم این واژه در زبان‌های ایرلندی کهن و برتونی و گالی: فرار کردن، فرار.

چم این واژه در زبان نخاری B: رودخانه.

۲- بازگشت به: تکه، تخته.

فارسی (PERSIAN):	تار (به چم "موی" و "ریسمان")	TĀR
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	THREAD	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*TEN-, *TEND-, *TENTLOM	

اوستایی (AVESTAN):	*TATHRA	لتونی (LITVIAN):	-TINCLO
کردی (KURDISH):	TA, TĒ, TĒL		
افغانی (پشتو) (AFGHANI):	TŌR, TĀR		
سانسکریت (SANSKRIT):	TANTA-, TATA-,		
	TĀNTRA-, TANTU-, TANTRAM, TAN-		
یونانی (GREEK):	TANOS		
لاتین (LATIN):	TENTUS		
لیتوانی (LITHUANIAN):	TINKLAS		

پسگشت‌ها	REFERENCES
1065	POKORNY:
(TEN) 759	SKEAT:
(HAIR) 233,	AMINDAROV:
(THREAD) 299	
برهان قاطع:	۴۶۵

یادداشت:

۱- به احتمال زیاد واژه‌ی "تور" نیز از همین واژه است.

۲- معنی این واژه در زبان‌های یونانی و لاتین: کشیده، کشیدگی.

۳- به عقیده‌ی SKEAT واژه‌ی انگلیسی THIN (و واژه‌های هم‌ریشه‌ی آن در زبان‌های ژرمنی) هم از همین واژه است.

۴- بازگشت به: تپیدن و تار.

TĀR, TĀRIK	فارسی (PERSIAN): تار، تاریک
DARK, MURKY	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TEM-, *TEMSROS, *TEMES	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

FMA, TEMNOTA	روسی (RUSSIAN):	TATHRA, TEMAH	اوستایی (AVESTAN):
TEMNÝ, TMAVÝ	چک (CZECH):		پهلوی (PAHLAVI):
TAMA, TMINA	صربی (SERBIAN):	TĀR, TĀRAG, TĀRĪG, TUM, TUMIK	
TMA, TEMNOTA	یهودی (BOHEMIAN):	TALING, TALINGA	اوستی (OSSETIC):
TEMNÝ, TMAVÝ	اسلواکی (SLOVAK):	TĀR, TARĪSTAN	کردی (KURDISH):
	لیتوانی (LITHUANIAN):	TĀR-(BALUCHI)	بلوچی
TIMSRAS, TÉMTI		TÖR, TAM	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
TUMSA, TIMSA	لتونی (LATVIAN):	TAMĀSSE	تخاری B (TOKHARIAN B):
TEMEL	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	TAMSRAS,	سانسکریت (SANSKRIT):
TYWYLLWCH, TYWLL	ولزی (WELSH):	TAMRAS, TAMISRĀ, TAMAS	
	برتونی (BRETON):	TENEBRAE	لاتین (LATIN):
TENVALIENN, TENVAL		TENEbres	فرانسé (FRENCH):
		TINIEBLAS	اسپانیایی (SPANISH):
		TENEbre	ایتالیایی (ITALIAN):
		INTUNERIC	رومانی (RUMANIAN):
			ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
		THAM	
			آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
		DINSTAR	
		FINSTER	آلمانی (GERMAN):
		TAMM	نروژی (NORWEGIAN):
		DUISTER	هلندی (DUTCH):
			اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
		TIMA	
		ÉMA	لهستانی (POLISH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1063-1064
BARNHART:	(TEMERITY) 1122
DELAMARRE:	(SOMBRE) 236
MACKENZIE:	
(DARK, DARKNESS) 109.	
BUCK:	61
ONIONS:	(TENEBRAE) 903
SKEAT:	(TEM) 759
AMINDAROV:	(DARKNESS) 209
۲۵۶	برهان قاطع:

یادداشت:

واژه‌ی فارسی "تم" (به چشم "تاری چشم" یا "آب مروارید") نیز از همین واژه‌ی است (POKORNY: 1063) و برهان قاطع: ۵۱۱)

TAXSH	فارسی (PERSIAN): بخش (به چم "کمان"، "تیر")
BOW, ARROW	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TEKW-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DEHSA	پارسی باستان (OLD PERSIAN): *TAHSHA
DEOX	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): TAKSH-

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1059
BUCK:	1388
۴۷۵-۴۷۶	برهان قاطع:

TOXON	یونانی (GREEK):
TAXUS	لاتین (LATIN):
THEXLA	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

یادداشت:

۱- بازگشت به: تک و تاخن.

۲- چم این واژه در زبان‌های یونانی و لاتین: درخت سرخدار (که از آن تیر و کمان می‌ساختند).
چم این واژه در زبان ژرمنی: نیزه، تیر زین.

TAXSH, TAXSHIDAN, TAXSHAĒ	فارسی (PERSIAN): تخشا، بخشیدن، بخشایش (به چم "صنعت و کوشایی")
INDUSTRY, EFFORT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TEKTH-, *TĒKMI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

TESE	رومانی (RUMANIAN):	TASHATI,	اوستایی (AVESTAN):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	TWAXSHA, TWAXSH, TUXSHĀ	
TESATI, TUKATI, TESHQ			پارسی باستان (OLD PERSIAN):
	لهستانی (POLISH):	HAMATAXSHTĀ, HAMATAXSHTAY	
TKAC, TKACTION		TUDSHĀK, TĀSH,	پهلوی (PAHLAVI):
TESLA, TKAT	روسی (RUSSIAN):	TUXSHIH, TUXSHIDAN, TUXSHISHN	
TKĀT	چک (CZECH):	TAKSHATI	سانسکریت (SANSKRIT):
TKATI	صربی (SERBIAN):	TASHTI, TAKSHAN-, TAKSH	
TKĀTI, TKAT	بومس (BOHEMIAN):	TEKTON, TECHNO-	یونانی (GREEK):
TASHYTI	لیتوانی (LITHUANIAN):	TEXŌ, TEXERE	لاتین (LATIN):
TESHU	لتونی (LITHUANIAN):	TISSER	فرانس (FRENCH):
		TEJER	اسپانیایی (SPANISH):
		SESERE	ایتالیایی (ITALIAN):

پسگشت‌ها	REFERENCES	410	BUCK:
1058-1059	POKORNY:		SKBAT:
(TRAVAILLE	DELAMARRE:	633	(TEKTH) 759, (TECHNICAL)
288	EN BOIS, ASSEMBLER)		۴۷۶
	MACKENZIE:	لغت نامه دهخدا:	۶۵۲۳-۶۵۲۴
84, (ENDEAVOUR) 112			

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های رمانس (ناشی از لاتین) و اسلاوی: نساجی، بافتندگی.
چم این واژه در زبان‌های دیگر: بافتوری و هنرمندی ساختن (به ویژه از چوب).

فارسی (PERSIAN): تخم	TOXM
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	SEED, EGG, DESCENDENT, OFFSPRING
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*TEUK-

اوستایی (AVESTAN):	TAOXMAN-	DIEHTER
پارسی باستان (OLD PERSIAN):	TAUMĀ	
پهلوی (PAHLAVI):		

پسگشت‌ها	REFERENCES
1083	POKORNY:
132 (SEED)	MACKENZIE:
505-506 (SEED)	BUCK:
283 (SEED)	AMOMDAROV:
برهان قاطع:	۴۷۶

TÖHM, TOM, TÖXM, TÖHMĀG
کردی (KURDISH): TÖM, TOV, TOXIM
افغانی (پشتو) (AFGHANI): TÖMA
سانسکریت (SANSKRIT):
TOKĀM, TOXMAN, TOHM
آلمانی میانه (MIDDLE HIGH GERMAN):

یادداشت:

چم این واژه در زبان آلبانی میانه: نو.

فارسی (PERSIAN): تذرو، تورنگ (به چم ترقاؤل)	TAZARV, TÜRANG
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	PHEASANT
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*TETER

پهلوی (PAHLAVI):	TITAR, TADAR,	سانسکریت (SANSKRIT):
	TADARW	TITTIRAS, TITTIRI

TATARVIS : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن

TETHRA : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

TATRAK : (ARMENIAN) ارمنی

TÉTAROS, TETRÁON : (GREEK) یونانی

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

THIDHURR

THIOTHUR : (OLD NORSE) نورس کهن

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

TETREVI

TETEREN : (RUSSIAN) روسی

TETERVAS : (LITHUANIAN) لیتوانی

TETERIS : (LATVIAN) لتونی (لتی)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	1079
MACKENZIE:	(PHEASANT) 127
MALLORY & ADAMS:	TETER
۴۷۸	برهان قاطع:
۱۰۵۷	فرهنگ معین:

TAR	فارسی (PERSIAN): تر (به چم "خیس")
WET, MOIST	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TAD(H)-, *TĀI-, *TĀBH-, *TĀK-, *TĀ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

TO : (NORWEGIAN) نروژی

DOOEIN : (DUTCH) هلندی

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

TAJETŪ, TINA

TLJA : (RUSSIAN) روسی

TŪRAS, TŪRE : (LITHUANIAN) لیتوانی

TIRELIS : (LATVIAN) لتونی (لتی)

TAWDD : (WELSH) ولزی

TÖRZ : (BRETON) برتونی

TURUNA : (AVESTAN) اوستایی

TARR : (PAHLAVI) پهلوی

THAYUN : (OSSETIC) اوستی

TER : (KURDISH) کردی

TĀRUNA : (SANSKRIT) سانسکریت

TANAM : (ARMENIAN) ارمنی

TEKEIN : (GREEK) یونانی

TĀBEŌ, TĀBĒRE : (LATIN) لاتین

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

THEYJA

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

DOUWEN, DŌAN

TAUEN : (GERMAN) آلمانی

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

THĀWIAN, THĀN

THAW : (ENGLISH) انگلیسی

TO : (DANISH) دانمارکی

TŌA : (SWEDISH) سوئدی

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	1053
BARNHART:	(THAW) 1131
MACKENZIE:	(TARR) 82
SKEAT:	636
MALLORY & ADAMS:	TEHA-
AMINDAROV:	(WET) 309
۴۷۸-۴۷۹	برهان قاطع:

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: آب کردن، ذوب کردن.

چم این واژه در زبان ارمنی: تر کردن.

چم این واژه در زبان‌های اوستایی و سانسکریت: جوان، تر و تازه.

TARĀ, FARĀ-	فارسی (PERSIAN): ترا-، فرا- (مثلاً در "توابری")
THROUGH	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TER-, *TERES-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

THROUGH	اوستایی (AVESTAN):	انگلیسی (ENGLISH):
DOOR	هلندی (DUTCH):	
	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	
TRE-, TRI-, TAR-	اوستی (OSSETIC):	
TRA-	سانسکریت (SANSKRIT):	گالی (GAULISH):
TREU-	یونانی (GREEK):	برتونی (BRETON):

TARE-, TARŌ-, TARA-, TERASCHA	پهلوی (PAHLAVI):
TAR, TARIST	اوستی (OSSETIC):
TARIN	سانسکریت (SANSKRIT):
TIRAS-, TAR-, TIRAH-, TARŌ-, TÁRATI	یونانی (GREEK):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1074-1076
BARNHART:	(THROUGH) 1138
DELAMARRE:	301
MACKENZIE:	(THROUGH) 136
ONIONS:	(THROUGH) 920, (TRANS-) 936
SKAT:	(THROUGH) 644

TEIREIN	لاتین (LATIN):
TRA-, TRANS-	گوتیک (GOTHIC):
THAIRH	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
TURH, THURV	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
THURCH	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
DURH, DURUH	آلمانی (GERMAN):
DURCH	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
THURH	

TARXINÉ, TALXINÉ, TARXENÉ	فارسی (PERSIAN): ترخینه، تلخینه، ترخنه (به چم "آب کشک")
WHEY	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TENK-, *TENKLOM, *TRENK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

TANC-, TANÁKTI, TANAW, TAKRÁM	اوستایی (AVESTAN):	سانسکریت (SANSKRIT):
THEIHAN	افغانی (پشتو) (AFGHANI):	
	تخاری A (TOKHARIAN A):	گوتیک (GOTHIC):

TONKET

برتونی (BRETON):

REFERENCES

POKORNY: 1068
MALLORY & ADAMS: TRENK

برهان قاطع: ۴۸۳

لغت نامه دهخدا: ۶۶۱۵

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

THETTI

THÉL: نورد کهن (OLD NORSE):

GEDĒON: انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

TINKU, TANKUS: لیتوانی (LITHUANIAN):

ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH):

TĒCHT, TĒCAR

TEITHI: گالی (GAULISH):

یادداشت:

چم این واژه در اوستایی: پر قدرت، مقوی.

TARS, TARSIDAN

فارسی (PERSIAN): توس، توسیدن

FEAR, DREAD

چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:

*TRES-, *TERS-, *TREG-, *TFRES-

هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

TERROR: پرتغالی (PORTUGUESE):

DRĀES: انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

TRIAST: روسی (RUSSIAN):

TRISHŪ: لیتوانی (LITHUANIAN):

TRÍŠAS, TRISĒT: لونی (LATVIAN):

TARRACH: ایرلندی کهن (OLD IRISH):

اوستایی (AVESTAN):

TARSHTA, TƏRƏSAITI

TARSATTY: پارسی باستان (OLD PERSIAN):

TARSĪTAN, TARS: پهلوی (PAHLAVI):

TARSIN, TIRSUN: اوستی (OSSETIC):

TARS, TIRSIN: کردی (KURDISH):

TRUSAG, TRUSAGH: بلوچی (BALUCHI):

TARH, DĀR: افغانی (پشتو) (AFGHANI):

سانسکریت (SANSKRIT):

TÁRJATI, TRÁSATI, TRASA-

ERER: ارمنی (ARMENIAN) (شاید):

یونانی (GREEK):

TARBEŌ, TRĒŌ, TREIN

TORVUS, : لاتین (LATIN):

TERREŌ, TERRĒRE, TERROR

TERREUR: فرانسه (FRENCH):

TERROR: اسپانیایی (SPANISH):

TERRORRE: ایتالیایی (ITALIAN):

REFERENCES

POKORNY: 1095

BARNHART: (TERROR) 1127

DELAMARRE: (EFFRAYER) 289

MACKENZIE: (FEAR) 114

BUCK: (FEAR) 1153-1155

ONIONS:

(TERRIBLE, TERROR) 912

SKEAT: (TERROR) 637

AMINDAROV: (FEAR) 223

برهان قاطع: ۴۸۴-۴۸۵

یادداشت:

چم این واژه در سانکریت و لیتوانی و لتونی و یونانی: لرزیدن، به لرزه افتادن

فارسی (PERSIAN):	ترش	TOPSH, TOROSH
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:		SOUR
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):		*S)TERP-, *TERP-, *STERBH-

روسی (RUSSIAN):

پهلوی (PAHLAVI):

TOROPÉTU, TERPKIJ

TURUSH, TRUSH, TRUFSH

چک (CZECH): TRÁPITI, TRRKÝ

کردی (KURDISH): TIRSH, TAL

صربی (SERBIAN): UTRUPÉTI

بلوچی (BALUCHI): TRUSHP, TRUPSH

اسلواکی (SLOVAK): TRÁP, TRPKÝ

افغانی (افشتر) (AFGHANI): TRĪV, TRIW

لیتوانی (LITHUANIAN):

لاتین (LATIN): TORPEŌ, TORPĒRE

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

STIRPTI, TIRPTI

STJARFI

لتونی (لتی) (LATVIAN): TIRPT

ساکسونی کهن (OLD SAXON): STERBAN

ایرلندی (IRISH): SERRACH

فریزی کهن (OLD FRISLAN): STERVA

آلبانی (ALBANIAN): SHTERPĒ

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

STERBAN

آلمانی (GERMAN): DERB, STERBEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): STEORFAN

انگلیسی (ENGLISH): STARVE

هلندی (DUTCH): STERVEN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

TERPKIJ

لهستانی کهن (OLD POLISH):

TROPIC, CIERPKI

پسگنت‌ها	REFERENCES
1024-1025	POKORNY:
1061	BARNHART:
(SOUR) 134	MACKENZIE:
864	ONIONS:
599	SKEAT:
(SOUR) 290	AMINDAROV:
برهان قاطع:	۴۸۵

یادداشت:

۱- SKEAT و ONIONS ریشه‌ی هند و اروپایی این واژه‌ها را ذکر نمی‌کنند.

۲- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: از گرسنگی یا سرما مردن، گرسنگی خوردن
چم این واژه در زبان آلبانی: بی‌حاصل، یهوده.

چم این واژه در زبان ایرلندی: کوزه

چم این واژه در زبان لاتین و برخی زبان‌های اسلاوی: بی‌حس، گیج و بی‌حال.

TARĒ	فارسی (PERSIAN): تره
LEEK	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TRNU-, *TRNU-, *(S)TER-N-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
TORN	بهلولی (PAHLAVI):
TORN	افغانی (افشتر) (AFGHANI):
TORN	سانسکریت (SANSKRIT):
DOORN	TRNA-M, TARNAN
	TÉRNAKA یونانی (GREEK):
	THAÚRNUS گوئیک (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
TRUNU	THORN

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1031
BARNHART:	1136
MACKENZIE:	(TARRAG) 82
MALLORY & ADAMS:	TRN-
۲۹۲	برهان قاطع:

THORN	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
THORN	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
DORN	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
DORN	آلمانی (GERMAN):
THORN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
THORN	انگلیسی (ENGLISH):

یادداشت:

چم این واژه در سانسکریت: برگ علف
چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: غار

TORIDAN	فارسی (PERSIAN): توریدن، توریدن (به چم "رمیدن" و "گریختن" و "غل خوردن")
ROLL, TURN	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TER-, *TERI-, *TERU-, *TOROS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید):
DRAEN	تخاری A (TOKHARIAN A):
DREHEN	تخاری B (TOKHARIAN B):
	یونانی (GREEK):
THRAWAN, TURNIAN	لاتین (LATIN):
THROW, TURN	اسپانیایی (SPANISH):
	ایتالیایی (ITALIAN):
TRĒTI	پرتغالی (PORTUGUESE):
TRINTY	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
TARATHAR	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

SKEAT: (THROW) 654, (TURN) 673	REFERENCES	پسگشت‌ها
۵۳۲ و ۴۹۵ : برهان قاطع :	POKORNY:	1071
۶۶۹۶ : لغت‌نامه دهخدا :	BARNHART:	
۱۱۶۴ : فرهنگ معین :	(THROW) 1139, (TURN) 1176	
	ONIONS: (TIROW) 920, (TURN) 949	

یادداشت:

- ۱- چم پیشین این واژه در زبان‌های ژرمنی: چرخیدن، غلتیدن، افکندن.
- چم این واژه در زبان‌های تخیاری: گمراه شدن، از مسیر چرخیدن.
- چم این واژه در زبان ایرلندی کهن: منه.
- ۲- واژه‌ی (شاید) شامل همه‌ی واژه‌های این فهرست می‌شود.

TESHNE, TESHNEGI	فارسی (PERSIAN): تشنه، تشنگی
THIRSTY, THIRST	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TERS-, *TORS-, *TERSÖ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
: (OLD SCANDINAVIAN) ابلندی کهن	TARSHNA : (AVESTAN) اوستایی
THORSTI	TISHNAK, : (PAHLAVI) پهلوی
: (OLD NORSE) نورس کهن	TISHNAKIK, TISHN, TISHNAGIH
THORSTI, THYRSTA	TESHNI, TESHNITI : (KURDISH) کردی
THURST : (OLD SAXON) ساکسونی کهن	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	TEZHAY, TENDA
DERREN, DÜRST	: (SANSKRIT) سانسکریت
DURST, DURSTEN : (GERMAN) آلمانی	TRSHNA, TRSHYATI, TARSHAYATI
: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	: (ARMENIAN) ارمنی
THURST, THURSTIG	TARSHAMIM, TAIRAMIM
THIRST, THIRSTY : (ENGLISH) انگلیسی	: (GREEK) یونانی
TORS : (DANISH) دانمارکی	TÈRSOMAI, TERSESTHAI
TÖRST, TÖRSTA : (SWEDISH) سوئدی	TORREÖ, TORRÈRE : (LATIN) لاتین
TORST : (NORWEGIAN) نروژی	TORRIDE : (FRENCH) فرانسه
DORST, DORSTEN : (DUTCH) هلندی	TÒRRIDO : (SPANISH) اسپانیایی
TIRSHTAS : (LITHUANIAN) لیتوانی	TORRIDO : (PORTUGUESE) پرتغالی
TART : (OLD IRISH) ایرلندی کهن	: (GOTHIC) گوتیک
TER : (ALBANIAN) آلبانی	THAÜRSTEL, THAURSJAN

BUCK:	333	REFERENCES	پسگشت ما
ONIONS:	(THIRST) 917	POKORNY:	1078
SKEAT:	(THIRST) 642	BARNHART:	(THIRST) 1135
MINDAROV:	(THIRST) 298	DELAMARRE:	(AVOIR SOIF) 289
۴۹۹ و ۴۹۷	برهان قاطع:	MACKENZIE:	(THIRST, THIRSTY) 136

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های یونانی و رومانی (لاتین و زبان‌های ناشی از آن): خشک، خشکیدن.

TOF, FOFŪ, TOF KARDAN	تف، تفو، تف کردن	فارسی (PERSIAN):
SPIT		چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
* (S)PIEU-, * (S)PIWŌ-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SPIWAN, SPITAN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	SPĀMA	اوستایی (AVESTAN):
SPIT, SPITTLE	انگلیسی (ENGLISH):	TŪF, TŪFEK	پهلوی (PAHLAVI):
SPYTE	دانمارکی (DANISH):	TU	اوستی (OSSETIC):
SPOTTA	سوئدی (SWEDISH):	TEF, TUK, TIFŪ	کردی (KURDISH):
SPYTE	نروژی (NORWEGIAN):		افغانی (پشتو) (AFGHANI):
SPUWEN	هلندی (DUTCH):	TU, TUK, TUKAL	سانسکریت (SANSKRIT):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	SHTIV, SHTIVAIT, TUHIVATI	
PLJUJO		TUK, TKANEM	ارمنی (ARMENIAN):
PLUC'	لهستانی (POLISH):	PTUŌ	یونانی (GREEK):
PLEVAT	روسی (RUSSIAN):	SPUŌ, SPUERE	لاتین (LATIN):
PLIVAT	چک (CZECH):	SPEIWAN	گوتیک (GOTHIC):
PLJWATI	صربی (SERBIAN):		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
PLIVATI	برهمی (BOHEMIAN):	SPÝJA	
PLUVAT	اسلواکی (SLOVAK):	SPYTA	نورس کهن (OLD NORSE):
	لیتوانی (LITHUANIAN):	SPOTTIA	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
SPIÁUJU, SPIÁUTI			آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
SPLAUT	لتونی (لاتی) (LATVIAN):	SPIWAN	
		SPUCKE, SPUCKEN	آلمانی (GERMAN):

ONIONS:	(SPIT) 588	REFERENCES	پسگشت ها
SKEAT:	(SPIT) 589	POKORNY:	999-100
AMINDAROV:	291	BARNHART:	(SPIT) 1047
۵۰۲ و ۵۰۰	برهان قاطع:	DELAMARRE:	(CRACHER) 284
۶۸۳۷	لغت نامه دهخدا:	BUCK:	264-265

یادداشت:

۱- BARNHART و ONIONS فقط ریشه های ژرمنی این واژه را می دهند.

۲- SKEAT رابطی واژه های ژرمنی این فهرست را با سایر واژه ها "احتمالی" می داند.

فارسی (PERSIAN): تف، تفت، تفتان، تافتن، تفسیدن	
TAF, TAFT, TAFTAN, TĀFTAN, TAFSIDAN	
WARM, HEAT	جَم انگلیسی سوزاژه ای فارسی:
*TEP-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): (شاید)	اوستایی (AVESTAN): TAFTA, TĀPAITI
THEFIAN	پهلوی (PAHLAVI): TAFSAITI, TAPTA-, TĀPAYEITI, TAFNU
TEPID (ENGLISH): انگلیسی	TAB-, TĀFTAN, TĀFTISHN, TAPISHN
TEVA (NORWEGIAN): نروژی	کردی (KURDISH): TA
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	سانسکریت (SANSKRIT): TĀPATI, TAPTĀ-
TEPLŮ	TĀPAS-, TAP-, TĀPĀYATI
CIEPLY (POLISH): لهستانی	ارمنی (ARMENIAN): TAP, TAPAK
(RUSSIAN): روسی	لاتین (LATIN):
TEPLIJ, TOPITU, TOPITĪ	TEPIDUS, TEPĒRE, TEPEŌ
TEPLÝ (CZECH): چک	فرانسوی (FRENCH): TIÉD
TOPITI (SERBIAN): صربی	اسپانیایی (SPANISH): TIBIO
TEPLÝ (BOHEMIAN): بوهمی	ایتالیایی (ITALIAN): TIEPID
TĒ, TESS (OLD IRISH): ایرلندی کهن	ایسکلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
TOSK, FTOF (ALBANIAN): آلبانی	THEFR, THEFA
THPASSA (HITTITE): هیتی	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): (شاید)
	DOWEN
	آلمانی (GERMAN): (شاید) (VER)DAUEN

ONIONS:	(TEPID) 910	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:		POKORNY:	1069-1070
	(TEPID) 636, (TEP) 759	BARNHART:	(TEPID) 1126
AMINDAROV:	(FEVER) 224	DELAMARRE:	(CHAUFFER) 289
۴۶۰ و ۵۰۰-۵۰۱	برهان قاطع:	MACKENZIE:	(HEAT) 117
		BUCK:	1077

یادداشت:

- ۱- واژه‌ی "تب" نیز از همین ریشه است.
 ۲- این واژه‌ها در واژه‌های "تابستان" و "تابخانه" و "تاوه" و "تون تاب" (و غیره) هم دیده می‌شود.

TAK	فارسی (PERSIAN): تک (به چم "دو"، "نویدن"، "یورش بردن")
RUN, PUSH, ATTACK	چتم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TEKW, *TEKWŌMI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اوستایی (AVESTAN):

TAKŪ

TEKINAS, TĀKAS: (LITHUANIAN) لیتوانی

TEKSINIS: (LATVIAN) لتونی (لتی)

-TACHINŌ, TACHAR, TAKA

TAG: (PAHLAVI) پهلوی

TAK, TAG: (AFGHANI) افغانی (پشتو)

TAKVAS, TAKA: (SANSKRIT) سانسکریت

THIUS: (GOTHIC) گوتیک

THY: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

DED, DIONĒN

DIENEN: (GERMAN) آلمانی

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

DĒO, DEOWU

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

یادداشت:

- چم این واژه در اوستایی و لیتوانی و افغانی: نویدن، جاری شدن.
 چم این واژه در لیتوانی و لتونی و زبان‌های ژرمنی: خدمتکار، پادو.

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1059
DELAMARRE:	
(RAPID, QUI COUR) 235	
MACKENZIE:	(RUNNING) 131,
(ATTACK) 103	

۵۱۷ و ۵۰۳

برهان قاطع:

TAN	فارسی (PERSIAN): تن
BODY	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TENU-, *TENUS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1069
MACKENZIE:	(BODY) 104
BUCK:	198-199
AMINDAROV:	(BODY) 192
۵۱۵	برهان قاطع:

TANŪ	اوستایی (AVESTAN):
TAN	پهلوی (PAHLAVI):
DGAN	کردی (KURDISH):
TAN	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
TANŪ	سانسکریت (SANSKRIT):
TEINO	یونانی (GREEK):

یادداشت:

۱- واژه‌ی "تنک" هم از همین ریشه است.

۲- بازگشت به "تنک".

۳- واژه‌هایی مانند "تومند" و "تهمتن" و "تن پرور" همه دارای این واج‌ریشه‌اند.

TANJIDAN	فارسی (PERSIAN): تنجیدن، تنج (به چم "بخود پیچیدن" و درهم فشردن شدن)
CONTORT, COMPRESS	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TANK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
	اوستایی (AVESTAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1068-1069
۵۱۶	برهان قاطع:

TASHYAH-, TANCHISHTA	
TINJIN, ITINJUN	اوسنی (OSSETIC):
TAJĒNAG	بلوچی (BALUCHI):
TANJ-, TANC-	سانسکریت (SANSKRIT):

یادداشت:

این واژه و واژه‌ی "تنک" هم‌ریشه‌اند.

TONDAR	فارسی (PERSIAN): تندر
THUNDER	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*(S)TEN-, *(S)TON-, *(S)TN-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

STĀNATI, سانسکریت (SANSKRIT):

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

STĀNITI, TĀNYATI, TANAYITŪ

TANDAR, TANĀ, TĀLANDA

TORDEN : (SWEDISH) سوئدی
 TORDNE : (NORWEGIAN) نروژی
 DONDER : (DUTCH) هلندی
 : (OLD-CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
 STENATI
 STENAT, STONAT : (RUSSIAN) روسی
 DUNIET : (SLOVAK) اسلواکی
 STENĖTL, STENŪ : (LITHUANIAN) لیتوانی
 STINONS : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن
 : (OLD IRISH) ایرلندی کهن
 TORAINN, STEŪ

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1021
BARNHART:	(THUNDER) 1139
DELAMARRE:	(TONNER) 285
BUCK:	57-58
ONIONS:	(THUNDER) 921
SKEAT:	(THUNDER) 645
۵۱۷	برهان قاطع:

STÉNEIN, STĒNŌ : (GREEK) یونانی
 TONĀRE, TONŌ : (LATIN) لاتین
 : (FRENCH) فرانسه

TONNER, TONNERRE

TRUENO : (SPANISH) اسپانیایی
 TUONO : (ITALIAN) ایتالیایی
 TENET : (RUMANIAN) رومانی
 TROVÃO : (PORTUGUESE) پرتغالی
 : (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

THÖRR, THONARR

STYNJA : (OLD NORSE) نورس کهن
 THUNAR : (OLD SAXON) ساکسونی کهن
 THUNER : (OLD FRISIAN) فریزی کهن
 : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

DONAR

: (GERMAN) آلمانی

DONNER, DONNERN

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

THUNOR, DUNIAN

THUNDER : (ENGLISH) انگلیسی
 TORDEN : (DANISH) دانمارکی

TONOK, TANOK	فارسی (PERSIAN): تَنَک
THIN, SPARSE	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TENŌS-, *TENS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

TANY-, TANAÓS : (GREEK) یونانی
 TENUIS, TENERE : (LATIN) لاتین
 TÉNU : (FRENCH) فرانسه
 TENUE : (SPANISH) اسپانیایی
 UFTHANJAN : (GOTHIC) گوتیک
 : (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
 TANUK : (PAHLAVI) پهلوی
 TĀNĀG : (OSSETIC) اوستی
 TENIK : (KURDISH) کردی
 TANAK, TANAX : (BALUCHI) بلوچی
 TANŪ, : (SANSKRIT) سانسکریت
 TANÚS, TANVI, TANUKA, TANI-MAN

TENK, TENKÝ	: (SLOVAK) اسلواکی
TEVAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی
TĪEV, TĪEVŠ	: (LATVIAN) لتونی (لتی)
TANAE,	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
TANE	
TENEU	: (GAULISH) گالی
TENEU	: (WELSH) ولزی
TANAŌ, TANO	: (BRETON) برتونی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1069
BARNHART:	(THIN) 1134
MACKENZIE:	(THIN) 136
BUCK:	889
ONIONS:	(THIN) 917
SKEAT:	(THIN) 641
AMINDAROV:	298
۵۱۹	برهان قاطع:

THUNNR	
THUNNI	: (OLD NORSE) نورس کهن
THENNE	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
DUNNI	
DÜNN	: (GERMAN) آلمانی
THYNNE	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
THIN	: (ENGLISH) انگلیسی
TYND	: (DANISH) دانمارکی
TUNN	: (SWEDISH) سوئدی
TYNN	: (NORWEGIAN) نروژی
DUN	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
TINUKŪ, TANAK	
CIENKY	: (POLISH) لهستانی
TÓNKIJ	: (RUSSIAN) روسی
TENKÝ	: (CZECH) چک
TENKY	: (BOHEMIAN) بوهمی

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: باریک، نازک.

چم این واژه در زبان یونانی: دراز.

TANG	تنگ (در برابر "گشاد")	فارسی (PERSIAN):
TIGHT		چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TENGH-, *TENK		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

TĀNK	: (TOKHARIAN A) A	تخاری	: (AVESTAN) اوستایی
TANK	: (TOKHARIAN B) B	تخاری	
TANAKTI, TANC	: (SANSKRIT) سانسکریت		
TANJIR, TANJR	: (ARMENIAN) ارمنی		
	: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن		
THĒTTR			
	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن		
TAXMA, TANGCISHTA			
TANG	: (PAHLAVI) پهلوی		
TINJIN	: (OSSETIC) اوستی		
TENK, TENG	: (KURDISH) کردی		
TANK	: (BALUCHI) بلوچی		
TANGAYI	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)		

TĚSNÝ : (CZECH) چک

TŮGA, TESNÝ : (SLOVAK) اسلواکی

TANKUS : (LATVIAN) لونی (لی)

TEVHT : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

TACHT, TICHT

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

DĪHTE

DICHT : (GERMAN) آلمانی

TYGHT : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

TIGHT : (ENGLISH) انگلیسی

TAT : (DANISH) دانمارکی

TÅT : (SWEDISH) سوئدی

TETT : (NORWEGIAN) نروژی

DİGT : (DUTCH) هلندی

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

TEGNOTI

TEGI : (POLISH) لهستانی

TUGÒJ : (RUSSIAN) روسی

یادداشت:

چم این واژه در اوستایی: نیرومند

چم این واژه در تخیاری: BA: جلوه‌گیری.

TANIDAN	فارسی (PERSIAN): تنیدن
SPIN (A WEB)	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TEN-, *TEND-, *TENTO-, *TONO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

: (AVESTAN) اوستایی

DEENNAN, DENIAN

TINTI, TANAS : (LITHUANIAN) لیتوانی

TAN-, TANAVA, USTĀNA

TATAK : (PAHLAVI) پهلوی

: (SANSKRIT) سانسکریت

TAN, TANÓTI, TĀNA-, TĀNAS-

TONÓS, TATOZ : (GREEK) یونانی

TENUS, TENORIS : (LATIN) لاتین

-THANJAN : (GOTHIC) گوتیک

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

DEN(N)EN

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1067-1068
BARNHART:	(TIGHT) 1142
MACKENZIE:	(TIGHT) 137
ONIONS:	(TIGHT) 923
SKEAT:	
(TIGHT) 647, (TENQ) 759	
۵۱۱	برهان قاطع:

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1065
SKEAT:	(TEN) 759
۵۲۴	برهان قاطع:
۷۰۷۶	لغت‌نامه دهخدا:

یادداشت:

۱- واژه‌های "تار" و "تور" و "تنگ" هم از همین واژه‌ها هستند و اروپایی هستند.

۲- چم این واژه در زبان لاتین: دام، تله.

۳- واژه‌های "تندو" و "تنده" و غیره نیز از همین واژه‌ها هستند.

TO	فارسی (PERSIAN): تو (مخاطب مفرد)
THOU, YOU	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TU, *TUO, *TEUO.	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DŪ	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	اوستایی (AVESTAN):
DU	آلمانی (GERMAN):	TŪ, TAVA, TŪM, TVAM
THŪ	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
THOU	انگلیسی (ENGLISH):	TAVA, TUVAM
DU	دانمارکی (DANISH):	TŌ
DU	سوئدی (SWEDISH):	اوستی (OSSETIC): DU, DĪ, DAE
DU	نروژی (NORWEGIAN):	TU, TAVA
TY	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	کرده (KURDISH):
TY	لهستانی (POLISH):	افغانی (پشتو) (AFGHANI): TA, TI
TUI	روسی (RUSSIAN):	تخاری A (TOKHARIAN A): TU
TY, VY	چک (CZECH):	تخاری B (TOKHARIAN B): TUWE
TY, VY	اسلواکی (SLOVAK):	سانسکریت (SANSKRIT):
TŪ	لیتوانی (LITHUANIAN):	TŪ, TAVA, TUAM, TVÁM
TŪ	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	ارمنی (ARMENIAN): DU
TI	آلبانی (ALBANIAN):	یونانی (GREEK): TU, SÝ, TÝ
TUK, ZIK	هیتی (HITTITE):	لاتین (LATIN): TU, SÚ
		فرانسه (FRENCH): TU, TOI

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1097-1098
BARNHART:	(THOU) 1136
MACKENZIE:	(THOU) 136
ONIONS:	(THOU) 918
SKEAT:	(THOU) 643
AMINDAROV:	312
۵۲۵	برهان قاطع:

TŪ	اسپانیایی (SPANISH):
TU	ایتالیایی (ITALIAN):
TU	رومانی (RUMANIAN):
TU	پرتغالی (PORTUGUESE):
THU	گوتیک (GOTHIC):
THŪ	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
THU	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
THU	فریزی کهن (OLD FRISIAN):

TAVĀN, TAVĀNĀ, TAVĀNESTAN	فارسی (PERSIAN): توان، توانا، توانستن
POWER, ABILITY, ABLE, POWERFUL, CAN, MIGHT, MIGHTY	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
TĒU-, TĒŪ-, *TUMO-, *TŪRO-, *TŪRO-, *TU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

TIUSTÝ, TUCHNÝ	چک (CZECH):	اوستایی (AVESTAN):
TŌV	صربی (SERBIAN):	TAVĀ, TAV-, TAVAH-, TAUMAN-
TISTY, TUCHNÝ	اسلواکی (SLOVAK):	پهلوی (PAHLAVI):
TAUKAS, TUKTI	لیتوانی (LITHUANIAN):	TUWĀN, TUWĀNIG, TUWĀVĀG
TŪAIMM	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	سانسکریت (SANSKRIT):
TOM	ولزی (WELSH):	TAV-, TAVITI-, TÁVASVANT-

TEVEM	ارمنی (ARMENIAN):
-------	-------------------

TITUÓS, TAUS	یونانی (GREEK):
	لاتین (LATIN):

TOVEÖ, TOVĒRE, TÖTUS, TUMĒRE	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
------------------------------	---------------------------------

THUFA	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
-------	----------------------------

THUF, THŪFIAN	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
---------------	---------------------------------

TYTI	
------	--

TIUSZCZ, TUSZA	لهستانی (POLISH):
----------------	-------------------

TYJU, TYTI, TUK'	روسی (RUSSIAN):
------------------	-----------------

یادداشت:

۱- چشم این واژه در زبان لاتین: چپاندن، برگردن

چشم این واژه در زبان ایسلندی کهن و ایرلندی کهن و ولزی: تپه، بلندی، اعتلا.

چشم این واژه در زبان انگلیسی کهن: شاخ و برگ، برگ دادن.

چشم این واژه در زبان‌های اسلاوی و زبان لیتوانی: چاق، چاق شدن

۲- واژه‌ی انگلیسی THIGH (انگلیسی کهن: THIH, THEOH) آلمانی کهن: DIOH، فریزی کهن: THĪACH

اوستایی: TAVSA) نیز از همین جاعریشه است.

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1080-1082
BARNHART:	(TUMOR) 1174,
	(THUMB) 1139, (TOMB) 1149
MACKENZIE:	
	(CAN) 106, (POWER) 128, (ABLE) 101
BUCK:	648
ONIONS:	
	(THIGH) 917, (THUMB) 921
SKEAT:	(TEU) 759-760
۵۲۶	برهان قاطع:

TUDÉ	فارسی (PERSIAN): توده
MASS(ES)	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TĒU-, *TUŌ-, *TEUTĀ-, *TOUTĀ-, *TEUTONO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

TUD	برتونی (BRETON):	TŪDE	کردی (KURDISH):
TUZZI-	هتیت (HITTITE):	TÖTUS, TÖTUM	لاتین (LATIN):
		THIUDA, THIOD	گوتیک (GOTHIC):
			ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1084
RAMAT:	14
MALLORY & ADAMS:	TEUTÈH
AMINDAROV:	(PARTY) 163
MALLORY:	124
۵۳۰	برهان قاطع:
۷۱۱۴	لغت‌نامه دهخدا:
۱۱۶۵	فرهنگ معین:

THJÖD	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
DIOT, DIOTA	
THÉOD	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
TAUTÀ	لیتوانی (LITHUANIAN):
TÀUTA	لتونی (لتی) (LATVIAN):
TAUTO	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):
TŪATH	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
TŪD	گالی (GAULISH):

یادداشت:

- ۱- پسگشت‌های ایرانی ریشه‌های این واژه را نمی‌دهند.
- ۲- واژه‌های DEUTSCH, TEUTONIC, TEUTON هم از همین واژه‌ی آلمانه‌اند.
- ۳- چم این واژه در ایرلندی کهن: تیار، قبیل.
- چم این واژه در زبان‌های دیگر این فهرست: مردم، عامه.

TŪLÉ TŪRÉ	فارسی (PERSIAN): توله، توره (به چم "بچه‌ی جانور"، "شغال")
CUB, JACKAL, WHELP	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TER-, *TERU-, *TORNO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

TARM	ارمنی (ARMENIAN):	TAURUNA	اوستایی (AVESTAN):
TÉRĒN, TÉRENOS	یونانی (GREEK):	TÖRAG,	پهلوی (PAHLAVI):
TENER, TENEREM	لاتین (LATIN):	TŪRAK, TÖRAK, TARUK, TURUK	
	فرانس کهن (OLD FRENCH):	TĀRIN	اوستی (OSSETIC):
TENRE, TENDRE		TŪLE	کردی (KURDISH):
TIERNO	اسپانیایی (SPANISH):	TÖLAG, TÖLAGH	بلوچی (BALUCHI):
TENERO	ایتالیایی (ITALIAN):	TĀRUNA	سانسکریت (SANSKRIT):

REFERENCES	پگشت‌ها
POKORNY:	1070
BARNHART:	1124
MACKENZIE:	(JACKAL) 120
ONIONS:	909
SKEAT:	635
۵۳۵ و ۵۳۲	برهان قاطع:

TENRO : (PORTUGUESE) پرتغالی

THARIHS : (GOTHIC) گوتیک

: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن

THYRMA

(ENGLISH) انگلیسی (از فرانسه‌ی کهن)

TENDER

TARNAS : (LITHUANIAN) لیتوانی

TRIM : (ALBANIAN) آلبانی

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان اوستایی: بچه.

۲- چم این واژه در زبان پهلوی و زبان بلوچی: شغال.

۳- این واژه در زبان‌های رومانی و انگلیسی به چم "تازه" و "لطیف" و "تورسیده" هم بکار می‌رود.

TOHI	تهی : (PERSIAN) فارسی
EMPTY	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TEUS, *TUSSKO, *TUSSKYOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

TOM : (DANISH) دانمارکی

TOM : (SWEDISH) سوئدی

TOM : (NORWEGIAN) نروژی

: (OLD CHURCH SLAVIC) کهن اسلاوی

TUSHI : (PAHLAVI) پهلوی

TUSHCHIJ : (RUSSIAN) روسی

TUSHCHIAS : (LITHUANIAN) لیتوانی

TAOSH, TAOSHAEITI

: (OLD PERSIAN) پارسی باستان

TUTHYA, TUSSYA

TUHIK, TIHIK, TUHIG

TĀSH : (AFGHANI) افغانی (پشتو)

TUSEM : (SANSKRIT) سانسکریت

TESCA : (ARMENIAN) ارمنی

TESQUA, TESCA : (LATIN) لاتین

: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن

TOMR

TÖM : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

DOST : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

THOST : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

REFERENCES	پگشت‌ها
POKORNY:	1085
DELAMARRE:	236
MACKENZIE:	(EMPTY) 112
BUCK:	932-933
MALLORY & ADAMS:	TUSSKJOS
۵۳۹	برهان قاطع:

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: آنها از دست می‌دهند، بی‌حاصل.

TIR	فارسی (PERSIAN): تیر
ARROW, DART, SHAFT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
* (S)TEIG-, * (S)TIG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

STICK انگلیسی (ENGLISH): (شاید)
 STEK هلندی (DUTCH): (شاید)
 TIGOM گالی (GAULISH):

TIGHRA, TIGHRI اوستایی (AVESTAN):
 بهلوی (PAHLAVI):

TIR, TĒR, TIGR, TĒSH

TIRIK کردی (KURDISH):

TIGMA-, TIGITA: سانسکریت (SANSKRIT):

TĒG ارمنی (ARMENIAN):

STIZŌ لاتین (LATIN):

(OLD SCANDINAVIAN): (شاید)

STIK, STIKA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): (شاید)

STEHHO, STECKO

STECKEN آلمانی (GERMAN): (شاید)

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): (شاید)

STICCA

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1016
BARNHART:	(STIK) 1067
MACKENZIE:	(ARROW) 102
BUCK:	1389-1390
ONIONS:	(STICK) 869
SKEAT:	
(STICK) 607-608, (STEG) 759	
AMINDAROV:	(ARROW) 186
۵۴۰-۵۴۱	برهان قاطع:

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: چوبدستی.

۲- بازگشت به: تیز و تیغ.

TIZ	فارسی (PERSIAN): تیز
SHARP	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
* (S)TEIG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

TĒZ, TĒJ بهلوی (PAHLAVI):

TIZH کردی (KURDISH):

TĒZ بلوچی (BALUCHI):

اوستایی (AVESTAN):
 TAĒZA-, TAEZHA, TIZI-

TIGRA-: پارسی باستان (OLD PERSIAN):

TISTEL	: (SWEDISH) سوئدی
TISTEL	: (NORWEGIAN) نروژی
DISTEL	: (DUTCH) هلندی
STINGŪ, STIGAU	: (LITHUANIAN) لیتوانی
STIGT	: (LATVIAN) لتونی
TIGOM	: (GAULISH) گالی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1016
BARNHART:	(THISTLE) 1135
DELAMARRE:	286
MACKENZIE:	(SHARP) 132
SKEAT:	(STEIG) 759
RAMAT:	143
۵۴۴	برهان قاطع:

TERĒ, TĒZ	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
	: (SANSKRIT) سانسکریت
TĒJATE, TIGMĀ, TĒJ-, TĒJAS-	
TĒZ, TĒJ	: (ARMENIAN) ارمنی
STIZEIN	: (GREEK) یونانی
STIGŌ, STINGŌ	: (LATIN) لاتین
	: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن

THISTILL	
DĪSSEL	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
DISTIL	
SISTEL	: (GERMAN) آلمانی
DISTEL	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
THISTLE	: (ENGLISH) انگلیسی
TIDSEL	: (DANISH) دانمارکی
	یادداشت:

۱- بازگشت به: نیز، تیغ، ستیغ.

۲- ONIONS معتقد است که واژه‌های ژرمنی این فهرست از ریشه تا معلومی هستند.

TIGH, TĒGH	فارسی (PERSIAN): تیغ
THORN, BLADE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
* (S)TIG-, * (S)TEIG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

STIH	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
STICE	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

TAEGHA	: (AVESTAN) اوستایی
TĒGH, TĒX	: (PAHLAVI) پهلوی
TĒGH, TĒGHĀ	: (OSSETIC) اوستی
TĒG	: (BALUCHI) بلوچی
TEJA, TEJATĒ	: (SANSKRIT) سانسکریت
TĒG	: (ARMENIAN) ارمنی
INSTIGŌ, INSTIGARE	: (LATIN) لاتین
STIKS	: (GOTHIC) گوتیک

یادداشت:

بازگشت به: نیز.

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1016
MACKENZIE:	(EDGE) 112
۵۴۵	برهان قاطع:

TIRÉ, TIREGI	فارسی (PERSIAN): تیره، تیرگی
DARK	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TEM-, *TEMESRO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DONKER هلندی (DUTCH) (شاید) اوستایی (AVESTAN):

(شاید) اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

TEMINU

CIEMNY لهستانی (POLISH) (شاید)

روسی (RUSSIAN) (شاید)

TÉMPRIVO, TEMNYJ

TAMAN صربی (SERBIAN) (شاید)

TEMNÝ بوهمی (BOHEMIAN) (شاید)

TIMSA لیتوانی (LITHUANIAN) (شاید)

TIMA لتونی (لتی) (LATVIAN) (شاید)

ایرلندی کهن (OLD IRISH) (شاید)

TEMEN

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1063-1064
MACKENZIE:	(DARK) 109
BUCK:	61, 1052
۵۴۴	برهان قاطع:

TAMRÁ, TATHRYA, TAMSRA

TATHRIA پارسی باستان (OLD PERSIAN):

TĒRAK بهلوی (PAHLAVI):

TĒRAGH بلوچی (BALUCHI):

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

TIRA, TÉT, TIYÁRA

TAMASÁ سانسکریت (SANSKRIT):

DOKKR نورس کهن (OLD NORSE) (شاید)

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) (شاید)

TUNCHAL

DUNKEL آلمانی (GERMAN) (شاید)

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) (شاید)

DEORK

DARK انگلیسی (ENGLISH) (شاید)

DUNKEL دانمارکی (DANISH) (شاید)

DUNKEL سوئدی (SWEDISH) (شاید)

یادداشت:

بازگشت به: تار، تاریک.

JĀ- GĀH	فارسی (PERSIAN): جا- گاه
PLACE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GWA-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

JĀE, GHĀLAI افغانی (پشتو) (AFGHANI):

GATŪ, GATŪH سانسکریت (SANSKRIT):

GAH ارمنی (ARMENIAN):

(AVESTAN):

GĀTŪ, GĀTUSH, JAI

GATHU پارسی باستان (OLD PERSIAN):

GYAG, GYAK بهلوی (PAHLAVI):

Jl کردی (KURDISH):

JĀ بلوچی (BALUCHI):

پسگشت‌ها	REFERENCES	830-831	BUCK:
163	POKORNY:	برهان قاطع:	۱۷۷۱ و ۵۵۱
(PLACE) 127	MACKENZIE:		

یادداشت:

بازگشت به: گام، آمدن.

فارسی (PERSIAN): جادو	JĀDŪ
چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	SORCERY, MAGIC, WIZARD(RY)
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*IA-, *iŌ-, *IALOS, *IAROS

اوستایی (AVESTAN):	YĀTU	JARU, JAROSTU, ZAVISTŪ
پهلوی (PAHLAVI):		ZAWISC (POLISH): لهستانی
JATUK, YĀTUK, JĀDŪG, JĀDUGĪH		JĀRYJ, ZAVIST (RUSSIAN): روسی
(KURDISH): کردی		ZĀVIST (BOHEMIAN): بومی
CEDU, JEDU, JEDUGARY		Á(D)LID (OLD IRISH): ایرلندی کهن
سانسکریت (SANSKRIT):	YĀTŪ	IWL (WELSH): ولزی

پسگشت‌ها	REFERENCES
501	POKORNY:
(ZEAL) 1256	BARNHART:
(JADUG) 46	MACKENZIE:
	BUCK:
	(MAGIC...) 1494-1496
(SORCERY) 289	AMINDAROV:
142	RAMAT:
برهان قاطع:	۵۳۳

JEALOUS, JEALOUSY

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های یونانی و رومانی و انگلیسی: حسود، حسادت.

چم این واژه در زبان‌های اسلاوی: خشن، سخت‌گیر، حسود.

چم این واژه در زبان‌های ایرلندی کهن و گالی: خواستار شدن، درخواست (کردن).

JĀVID, JĀVDAN	فارسی (PERSIAN): جاوید، جاودان
*	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
JE, EWIG	آلمانی (GERMAN):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
Ā, Ō, AI	
AYE, AY, EVER	انگلیسی (ENGLISH):
ASHĒ	آلبانی (ALBANIAN):
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	17
BARNHART:	(AY, AYE)
69, (EVER) 345	
MACKENZIE:	
(ETERNAL, ETERNITY) 113	
ONIONS:	(AY) 66
SKEAT:	(EVER) 201-202
۵۶۲	برهان قاطع:

ĀYŪ, YAOSH	اوستایی (AVESTAN):
YAVOI, JAVĀ, YAVAĒTAT, YAVE	
JĀVĪTĀN, JĀWĒD,	پهلوی (PAHLAVI):
JAWĒDĀN, JĀVĒDĀNAG	
JĀVĒD, JĀVDAN	کردی (KURDISH):
JĀVED	بلوچی (BALUCHI):
ĀYM-	تغاری A (TOKHARIAN A):
ĀYU, ĀYUSHAH	سانسکریت (SANSKRIT):
ĀYUNI, ĀYUNĀ	
YAVĒT, YAVITEAN	ارمنی (ARMENIAN):
ĀIEN, ĀIDIOS	یونانی (GREEK):
AEVUS, AVEUM	لاتین (LATIN):
AOWS	گوتیک (GOTHIC):
EI	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
IO, EO, ĒWA	

یادداشت:

چم این واژه در سانسکریت: توانایی، پنه.

JEGAR, JIGAR	فارسی (PERSIAN): جگر، جیگر
LIVER	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*YĒKWŔ, *YĒKWRT	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
HĒPAR, HĒPATOS	یونانی (GREEK):
JECUR, JECORIS	لاتین (LATIN):
FOIE	فرانس (FRENCH):
HIGADO	اسپانیایی (SPANISH):
FEGATO	ایتالیایی (ITALIAN):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
IKRA	
IKRA	روسی (RUSSIAN):
TĀKARE	اوستایی (AVESTAN):
JAGAR, JIKAR	پهلوی (PAHLAVI):
IGĀR, IGER	اوستی (OSSETIC):
JERK	کردی (KURDISH):
JAGAR	بلوچی (BALUCHI):
	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
JIGAR, DZIGAR	
YĀKRT, YAKNÁS	سانسکریت (SANSKRIT):

لیتوانی (LITHUANIAN):

JAKNOS, JEKNOS

لئون (LATVIAN): IKRS, AKNAS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): IAGNO

ایرلندی کهن (OLD IRISH): IUCHAIR

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	504
BARNHART:	(HEPATIC) 477
DELAMARRE:	100
MACKENZIE:	(LIVER) 122
BUCK:	251-252
ONIONS:	(HEPATIC) 437
SKEAT:	(HEPATIC) 268
MALLORY & ADAMS:	JĒKWR(T)
۵۷۹	برهان قاطع:

JOV	فارسی (PERSIAN): جو (گونه‌ای غله)
BARLEY	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
JEW-, *YEWOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اوستایی (AVESTAN): YAVA, YAVŌ
 پهلوی (PAHLAVI): YAW, JAM, JAWĒN
 اوسنی (OSSETIC): JAEW, YĀU, YAU
 کردی (KURDISH): JAU, JE

بلوچی (BALUCHI): JAV, JŌ
 تخاری B (TOKHARIAN B): YU

سانسکریت (SANSKRIT): YAVA, YĀVAS
 یونانی (GREEK): ZEIAI

لهستانی (POLISH): JECZMIEN
 روسی (RUSSIAN): OVIN, JEVIN

اسلواکی (SLOVAK): JACHMEN
 پادداشت:

این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی به غله‌های گوناگون اطلاق می‌شود.

JAVĀN	فارسی (PERSIAN): جوان
YOUNG	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*YEU-, *YUWEN-, *YUWNKÓS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
JUVĀN, YUVĀN	پهلوی (PAHLAVI): YUVAN, YŪNŌ
	اوستایی (AVESTAN):

UNG : (SWEDISH) سوئدی
 UNG : (NORWEGIAN) نروژی
 JONG : (DUTCH) هلندی
 : (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
 JUNŪ
 JUNYJ : (RUSSIAN) روسی
 : (LITHUANIAN) لیتوانی
 JÁUNAS, JAUNIKIS
 JAŪNS : (LATVIAN) لونی (لنی)
 : (OLD IRISH) ایرلندی کهن
 ōa, ōam, ōac, ōitiu
 JEUANE, LAU, IEUF : (WELSH) ولزی
 YAOUANK : (BRETON) برتونی

JIWAN, JUVĀN : (KURDISH) کردی
 JAVĀN : (BALUCHI) بلوچی
 ZWĀN, JAVĀN : (AFGHANI) افغانی (پشتو)
 YUVASĀ : (SANSKRIT) سانسکریت
 YUVASĀS, YŪVAN, YŪNAS, JUVACĀS
 : (ARMENIAN) ارمنی
 YAVANAK, YOVANAK
 JUVENCUS, JUVENIS : (LATIN) لاتین
 JEUNE : (FRENCH) فرانسه
 JOVEN : (SPANISH) اسپانیایی
 GIOVANE : (ITALIAN) ایتالیایی
 JUNE : (RUMANIAN) رومانی
 : (PORTUGUESE) پرتغالی

JOVEM, JOVENS

JUNGS, JUGGS : (GOTHIC) گوتیک
 : (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن

UNGR

UNGER : (OLD NORSE) نورس کهن
 JUNG : (OLD SAXON) ساکسونی کهن
 JUNG : (OLD FRISIAN) فریزی کهن

JUNG : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

JUNG : (GERMAN) آلمانی

GEONG : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

YOUNG : (ENGLISH) انگلیسی

UNG : (DANISH) دانمارکی

REFERENCES	بیگشت ما
POKORNY:	510
BARNHART:	(YOUNG) 1255
DELAMARRE:	(JEUNE) 224
MACKENZIE:	(YOUNG) 141
BUCK:	957-958
ONIONS:	(YOUNG) 1021
SKEAT:	(YOUNG) 729
AMINDAROV:	(YOUNG) 312
۵۹۵	برهان قاطع:

JŪSHĒDAN, JŪSH	فارسی (PERSIAN): جوشیدن، جوش
BOIL	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*IES-, *YRSŌ-, *JES-, *YES-, *JERO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
JUSHANIN, JUSHVERDIN	اوستایی (AVESTAN): YAH-, YAĒSHYEITI
JŌSHENAG	کردی (KURDISH): بلوچی (BALUCHI)

JĀST	: (SWEDISH) سوئدی
GIST	: (DUTCH) هلندی
IAS	: (GAULISH) گالی

YESHA-	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
YĀS	: (TOKHARIAN A) A تخاری
YĀS	: (TOKHARIAN B) B تخاری
YAS-, YESATI	: (SANSKRIT) سانسکریت
YĀSATI, YŪSH, YŪSHĀN	

ZĒŌ, ZEIN	: (GREEK) یونانی
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

JOSTR

JOSTR	: (OLD NORSE) نورس کهن
JESAN-	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
GĀREN, GISCHT	: (GERMAN) آلمانی
GIEST	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
YEAST	: (ENGLISH) انگلیسی

یادداشت:

چم این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی (به ویژه زبان‌های ژرمنی): بوزه، شخمر.

JAVIDAN	فارسی (PERSIAN): جویدن، جاویدن
CHEW	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GEU-, *GIEU-, *GYEUW(Y)Ō	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
KIUWAN	JŪDAN, JŌYITAN : (PAHLAVI) پهلوی
KAUEN	: (GERMAN) آلمانی
CĒOWAN	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
CHEW	: (ENGLISH) انگلیسی
KAUWEN	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
ZHIVATI, ZHUJU	
ZHUCIA	: (POLISH) لهستانی
ZHIVÁT, ZHUJŪ	: (RUSSIAN) روسی
ZHUJI	: (CZECH) چک
ZHÚNA	: (BULGARIAN) بلغاری
ZHUVAT	: (SLOVAK) اسلواکی
ZHÍÁUNOS	: (LITHUANIAN) لیتوانی
ZHAUNAS	: (LATVIAN) لونی (لتی)
	JŪDAN, JŌYITAN : (PAHLAVI) پهلوی
	JUTIN, JŪN, JŪIN : (KURDISH) کردی
	ZHIYAG : (BALUCHI) بلوچی
	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
	ZHOVAL, ZHOYAL
	ZWĀTSI : (TOKHARIAN A) A تخاری
	ZWATSI, SWĀ : (TOKHARIAN B) B تخاری
	KIV, KVENI : (ARMENIAN) ارمنی
	GINGĪVA : (LATIN) لاتین
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
	TYGGVA
	TYGGVA : (OLD NORSE) نورس کهن
	ZIĀKE, KĒSE : (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

ONIONS:	(CHEW) 168	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:	(CHEW) 106	POKORNY:	400
AMINDAROV:	(CHEW) 199	BARNHART:	(CHEW) 164
۵۶۲	برهان قاطع:	DELAMARRE:	(MÂCHER) 256
		MACKENZIE:	(CHEW) 106

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: لته.
چم این واژه در فریزی کهن: دندان کرسی.

CHĀRÉ, CHĀR	فارسی (PERSIAN): چاره، چار
REMEDY	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWER	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

PRYD	گالی (GAULISH):
PRED	برتونی (BRETON):

CHĀRĀ	اوستایی (AVESTAN):
KARTĀ-	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
CHĀR, CHĀRAK,	پهلوی (PAHLAVI):
CHĀRAG, CHĀRAGGARĪH	
CHARÉ	کردی (KURDISH):
	سانسکریت (SANSKRIT):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	641
MACKENZIE:	
(ABILITY) 101, (REMEDY) 130, 21	
AMINDAROV:	(HELP) 235
۶۱۱-۶۱۲-۶۰۸-۶۰۹	برهان قاطع:

KARĀ-, KARMA, KARŪTI	
CHARI	بلغاری (BULGARIAN):
KURIŪ, KŪRTI	لیتوانی (LITHUANIAN):
CRUTH	ایرلندی کهن (OLD IRISH):

CHANÉ, ZANAKH	فارسی (PERSIAN): چانه، زنج
CHIN	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*G*ENU-, *G*ONEDH-, *G*NEDH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

CNAUT	ارمنی (ARMENIAN): (شاید)
GÉNYS, GNÁTHOS	یونانی (GREEK):
GENA, GENAE	لاتین (LATIN):
KINNUS	گوتیک (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

ZĀNU-, GHĀNU	اوستایی (AVESTAN):
CHENE, CHENG	کردی (KURDISH):
ZĒNA	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
SĀNWEM	تخاری A (TOKHARIAN A):
HĀNU, HĀNUS	سانسکریت (SANSKRIT):

GEN	گالی (GAULISH):
GEN, GENEU	ولزی (WELSH):
GENOU	برتونی (BRETON):

KINN	
KINN	نورس کهن (OLD NORSE):
KINNI	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
ZIN, KIN	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

KINNI, CHINNI

KINN	آلمانی (GERMAN):
CIN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
CHIN	انگلیسی (ENGLISH):
KIND	دانمارکی (DANISH):
KIND	سوئدی (SWEDISH):
KIND	نروژی (NORWEGIAN):
KIN	هلندی (DUTCH):
ZHÁNDAS	لیتوانی (LITHUANIAN):
ZUŌDS	لتونی (LATVIAN):
GIN, GEN	ایرلندی کهن (OLD IRISH):

یادداشت:

۱- هیچیک از پسگشت‌های فارسی ذکرى از ریشه‌ی این واژه نمی‌کند.

۲- این واژه‌ریشه در برخی از زبان‌های هند و اروپایی دارای چم‌های دیگری نیز بوده است: آرواره، گونه، دهان.

CHAP	فارسی (PERSIAN): چپ
LEFF	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KAMP-, *KAM-, *KAMPOS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KAMPAS :لیتوانی (LITHUANIAN)

ETKUMPS :پارسی باستان (OLD PERSIAN)

CHEP :کردی (KURDISH)

CHAP :افغانی (پشتو) (AFGHANI)

CĀPA, CAPALĀ- :سانسکریت (SANSKRIT)

KAMPĒ :یونانی (GREEK)

CAMPUS :لاتین (LATIN)

HAMFS :گوتیک (GOTHIC)

HŌF, HĀF :انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

KUPINA :روسی (RUSSIAN)

REFERENCES	پسگشت‌ها
DELAMARRE:	
(COUBURE, COIN) 201	
AMINDAROV:	(LEFT) 248
۶۲۱	برهان قاطع:
۱۲۷۱	فرهنگ معین:
۸۰۵۵	لغت‌نامه دهخدا:

یادداشت:

۱- هیچیک از پسگشت‌های فارسی ریشه‌ی این واژه را نمی‌دهند.

۲- چم این واژه در زبان سانسکریت: ائنا.

چم این واژه در زبان لیوانی: گوشه، کج.

چم این واژه در زبان لاتین: دشت.

چم این واژه در زبان یونانی: کج کردن، دارای انحنا کردن.

۳- واژه‌های انگلیسی CAMP و آلمانی KAMPE از همین واژه‌ی آلمانه‌اند.

فارسی (PERSIAN): چرا، چریدن، چراندن	CHARĀ, CHARIDAN, CHRĀNDAN
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	GRAZE, GRAZING, PASTURE
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*KWEL-, *KWELō-

پسگشت‌ها	REFERENCES
639	POKORNY: "
	MACKENZIE:
	(GRAZING) 116, (PASTURE) 126
	BUCK:
	(PASTURE, GRAZE) 146-147
فرهنگ معین:	۱۲۸۳
برهان قاطع:	۶۳۵ و ۶۳۶

اوستایی (AVESTAN): CHARAITI, CHAR-

پارسی باستان (OLD PERSIAN): -KARA

پهلوی (PAHLAVI): CARAK, CHARAG

کردی (KURDISH):

CHĒRANDIN, CHĒRAN

افغانی (پشتو) (AFGHANI): CAR

سانسکریت (SANSKRIT):

CĀRATI, CALATI, CĀRA

یونانی (GREEK): PÉLOW, PÉLOMAI

لاتین (LATIN): COLŌ, CULTUS

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های سانسکریت: حرکت کردن، جنیدن، چرخیدن.

چم این واژه در زبان لاتین: کثیت و کار کردن.

فارسی (PERSIAN): چرب، چربی	CHARB, CHARBI
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	OIL, OILY
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*SELP-, *SOLP-, *SOLPĀ

CHARB, CHARBI

پهلوی (PAHLAVI): CHARB, CHARBISHN-

تخاری A (TOKHARIAN A): SĀLYP

اوستی (OSSETIC): CARV

تخاری B (TOKHARIAN B): SALYPE

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

ZALF هندی (DUTCH)

CJALPĚ آلبانی (ALBANIAN)

SARPIS, SRPRAS: (SANSKRIT) سانسکریت

CARP ارمنی (ARMENIAN)

ÉLPOS, ÓLPĚ یونانی (GREEK)

SALBONS گوتیک (GOTHIC)

SALBA ساکسونی کهن (OLD SAXON)

(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

SALBA

SALBE آلمانی (GERMAN)

SEALF انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

SALVE انگلیسی (ENGLISH)

SALVE دانمارکی (DANISH)

SALVA سوئدی (SWEDISH)

SALVE نروژی (NORWEGIAN)

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: مرهم، ضمد.

چم این واژه در زبان پهلوی: ملایم، نرم، لیز.

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	901
BARNHART:	(SALVE) 954
DELAMARRE:	150
MACKENZIE:	(OIL, OILY) 125
BUCK:	452
ONIONS:	(SALVE) 758
SKEAT:	(SALVE) 533
۶۲۸	برهان قاطع:
۸۰۹۲	لغت‌نامه دهخدا:

CHARX	فارسی (PERSIAN): چرخ
WHEEL	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWEL, *KWOL, *KWEKWLO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

HWĒL فریزی کهن (OLD FRISIAN)

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

HWEOWOL, HWĒOL

WHEEL انگلیسی (ENGLISH)

HJUL دانمارکی (DANISH)

HJUL سوئدی (SWEDISH)

HJUL نروژی (NORWEGIAN)

WIEL هندی (DUTCH)

(OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

KOLO

KOLO, KÓLKO لهستانی (POLISH)

KOLESO روسی (RUSSIAN)

CHAXRŌ, CHAHRŌ: (AVESTAN) اوستایی

CHERX کردی (KURDISH)

KUKĀL: (TOKHARIAN A) A تخاری

KOKALE: (TOKHARIAN B) B تخاری

سانسکریت (SANSKRIT)

CAKRÁS, CHAKRAS

CAXR, JAKHARAG: (ARMENIAN) ارمنی

KÚKLOS, KÝKLOS: (GREEK) یونانی

COLĒRE لاتین (LATIN)

(OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

HVĒL, HJOL

HVEL, HJOL: (OLD NORSE) نورس کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	639-640
BARNHART:	(WHEEL) 1230
DELAMARRE:	
(ROUE DE CHAR) 125	
BUCK:	724-725
ONIONS:	(WHEEL) 1001
SKEAT:	(WHEEL) 709
AMINDAROV:	(WHEEL) 309
۶۲۹	برهان قاطع:

KOLO	چک (CZECH):
KOLO	صربی (SERBIAN):
KOLO	بوهمی (BOHEMIAN):
KOLESO	اسلواکی (SLOVAK):
KĀKLAS	لیتوانی (LITHUANIAN):
KELAN	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):
CUL-	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
SJEL	آلبانی (ALBANIAN):

یادداشت:

چم این واژه در زبان ارمنی: گردش، دُوران.
چم این واژه در زبان یونانی و لیتوانی: دایره.
چم این واژه در زبان لاتین: گشت کردن.

CHARD, CHARDE	چرد، چرده (به چم "قام" مثلاً در "سیاه چرده")	فارسی (PERSIAN):
COLOR, COMPLEXION		چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KER-, *KORMEN		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SRĒNU	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	KARIC	پهلوی (PAHLAVI):
SRĒNU	روسی (RUSSIAN):		سانسکریت (SANSKRIT):
SHIRVAS	لیتوانی (LITHUANIAN):	KARATA, KIRMIRA	
SIRMS	لتونی (LATVIAN):	SARN, SARIN	ارمنی (ARMENIAN):

CHORUNAI	یونانی (GREEK):
CARBŌ, CARBŌNIS	لاتین (LATIN):
	ایسلندی کهن* (OLD SCANDINAVIAN):

HORR	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
HORO, HORG	
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
HROT, HORH	

یادداشت:

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	573
۶۳۱	برهان قاطع:
۸۱۱۲	لغت نامه دهخدا:
۱۲۸۱	فرهنگ معین:

۱- میچکدام از پیگشت‌های فارسی ریشه‌ی این واژه را نمی‌دهند.

۲- چم این واژه در زبان‌های یونانی و لاتین: زغال.

چم این واژه در زبان‌های لیتوانی و لتونی: خاکستر.

چم این واژه در زبان‌های اسلاوی: سید.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: کثافت.

چم این واژه در زبان ارمنی: برف.

CHARM	فارسی (PERSIAN): چرم
LEATHER	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
* (S)KER-, *KRT-TO-, *KR-NO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SHEAR	انگلیسی (ENGLISH):	CHARṢMAN	اوستایی (AVESTAN):
SK&RE	دانمارکی (DANISH):	CHARM	پهلوی (PAHLAVI):
SKĀRA	سوئدی (SWEDISH):	CARM	اوستی (OSSETIC):
SKJARE	نروژی (NORWEGIAN):	CHERM	کردی (KURDISH):
SCHEREN	هلندی (DUTCH):	CHARM	بلوچی (BALUCHI):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	CARMAN	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
OKRŪNITI		CĀRMAN	سانسکریت (SANSKRIT):
SKÓRA	لهستانی (POLISH):	KOREM	ارمنی (ARMENIAN):
SHKURA	روسی (RUSSIAN):	KJERŌ	یونانی (GREEK):
SKIRTI	لیتوانی (LITHUANIAN):	CORIUM	لاتین (LATIN):
SCARAIM	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	CUIR	فرانسه (FRENCH):
SHKJER	آلبانی (ALBANIAN):	CUERO	اسپانیایی (SPANISH):
		CUOIO	ایتالیایی (ITALIAN):
		COURO	پرتغالی (PORTUGUESE):
			ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SKERA
SKERA : (OLD FRISIAN) فریزی کهن
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

SCERAN
SCHEREN : (GERMAN) آلمانی
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): SCIERAN

REFERENCES	پیگشت‌ها
POKORNY:	838-840
BARNHART:	(SHEAR) 994
MACKENZIE:	
(HIDE) 118,1 (LEATHER) 12	
BUCK:	200-201, 407-408
SKEAT:	(SHEAR) 555
۶۳۴	برهان قاطع:

چم این واژه در یونانی و ایرلندی کهن و لیتوانی و زبان‌های ژرمنی: (پشم گوسفند را) بریدن، قطع کردن، خراشیدن.

CHARMÉ	فارسی (PERSIAN): چرمه (به چم "اسب سپید")
WHITE HORSE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KEL-, *KĀL-, *KELMO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

CHERME	کردی (KURDISH):
KARKÁ-	سانسکریت (SANSKRIT):
KHĒLLÓS, CHĒLLOS	یونانی (GREEK):

COLUMBA	لاتین (LATIN):
COLUMBA	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
HULIWA	
HELM	آلمانی (GERMAN): (سویس)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	547-548
۶۳۴	برهان قاطع:
۸۱۲۲	لغت‌نامه دهخدا:

CHASBIDAN	فارسی (PERSIAN): چسبیدن (به چم "اتصال یافتن" و "محکم گرفتن")
STICK TO, HOLD FAST	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KAP-, *LEP-, *KOP-, *KAPNOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

HEFFEN	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
HEBEN	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
HEBBAN	آلمانی (GERMAN):

HEAVE	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
HAEBE	انگلیسی (ENGLISH):
HAEVE	دانمارکی (DANISH):

HÄFVA	سوئدی (SWEDISH):
HAEVE	نروژی (NORWEGIAN):
HEFFEN	هلندی (DUTCH):

KŪOPA	لیتوانی (LITHUANIAN):
KĀMPT	لتونی (لتی) (LATVIAN):
CACHT	ایرلندی کهن (OLD IRISH):

CAETH	ولزی (WELSH):
KAP, KAPASE	آلبانی (ALBANIAN):
*CIFSATI	پارسی باستان (OLD PERSIAN):

HEFJA	گوتیک (GOTHIC):
HEFJA	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
HEFJA	نورس کهن (OLD NORSE):

HEBBIAN	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
HEVA	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
HEVA	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

ONIONS:	(HEAVE) 433	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:	(HEAVE) 266	POKORNY:	527
۶۳۷	برهان قاطع:	BARNHART:	(HEAVE) 472

یادداشت:

۱- واژه‌های "چب" و "چباندن" و غیره هم از همین ریشه‌اند.

۲- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی کهن "گرفتن" بوده ولی در زبان‌های ژرمنی نوین چم آن "با زور بلند کردن" است.

۳- چم این واژه در زبان‌های لاتین و سلتی: اسیر گرفتن.

CHOST	فارسی (PERSIAN): چُست (به چم "چالاک"، "کارآمد")
NIMBLE, EFFICIENT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*(S)KEUD	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SCĒOTAN, SCĒOT

پهلوی (PAHLAVI): VICŌDISHN

KIDĀTU, KIDIJ : (RUSSIAN) روسی

کردی (KURDISH): CHIST

: (LITHUANIAN) لیتوانی

سانسکریت (SANSKRIT): CŌDATI, CUD,

SKUDRŪS, SKAUDRŪS

CŌDAYATI, SKUNDATĒ

SKAUDRS : (LATVIAN) لونی (لتی)

گوئیک (GOTHIC): SKAUT

HETH : (ALBANIAN) آلبانی

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SKJŌTA, SKJŌTR

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

SCIOZAN, SCHIESSEN

آلمانی (GERMAN): SCHŪTZEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	955-956
AMINDAROV:	(FAST) 223
۶۳۶	برهان قاطع:

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: راندن، شتایدن.

چم این واژه در زبان پهلوی: دویدن، شتایدن.

چم این واژه در زبان آلمانی: حفظ و حراست کردن.

CHESHM, CHASHM	فارسی (PERSIAN): چشم
EYE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWEK-, *KWOK-, *KWEKS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

CASHM

اوستایی (AVESTAN):

KAZHO

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

CHASHMAN

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	638
DELAMARRE:	105
MACKENZIE:	(EYE) 113
BUCK:	225
AMINDAROV:	(EYES) 222
۶۳۸	برهان قاطع:

پهلوی (PAHLAVI): CASHM, CHASHM

کردی (KURDISH): CHESHM

بلوچی (BALUCHI): CAM

افغانی (پشتو) (AFGHANI): CHASHME

سانسکریت (SANSKRIT):

KASA- CAKS-, KŠATĒ, CAKSUS

یونانی (GREEK): TECHMAŌ

یادداشت:

چشم این واژه در اسلاوی کهن، نشان دادن.

چشم این واژه در یونانی: نشان.

CHESHIDAN	فارسی (PERSIAN): چشیدن
TASTE, EXPERIENCE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWEKS-, *KWOK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	638
MACKENZIE:	
(TEACH, TASTE) 136	
BUCK:	(TEACH) 1224
۶۴۳ و (چاشت) ۶۱۲	برهان قاطع:

اوستایی (AVESTAN):

CĀSH-, KASH-, CHASH-

پهلوی (PAHLAVI): CHASHITAN,

CASHTAN, CHAXDHISHN, CHASHNIG

یادداشت:

۱- چشم این واژه در زبان پهلوی: آموختن، مزه کردن.

۲- بازگشت به: چشم، آگاه، نگاه.

۳- احتمال کمتری وجود دارد که "چشیدن" از واج‌ریشه‌ی هند و اروپایی *GUES- (لاتین: GUSTARE، انگلیسی: CHOOSE) باشد. برای بررسی بیشتر پسگشت به: 168 (POKORNY, BARNHART: CHOOSE).

CHAKKOSH	فارسی (PERSIAN): چکش
HAMMER	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KEKU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

QUEKE: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن CHAKUSH: (AVESTAN) اوستایی

CHAKUSH: (PAHLAVI) پهلوی

CHEKŪSH: (KURDISH) کردی

CIOCAN (RUMANIAN): (شاید) رومانی

CHEKAN (RUSSIAN): (شاید) روسی

CHEKAN (BULGARIAN): (شاید) بلغاری

CHEKIC (SERBIAN): (شاید) صربی

CHAKA (LATVIAN): (شاید) لتونی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	543
MACKENZIE:	(HAMMER) 117
BUCK:	596-597
۶۵۱	برهان قاطع:

یادداشت:

۱- واژه‌ی رومانی CIOCAN و واژه‌های اسلاوی این فهرست از ترکی CHAKAN (از فارسی "چکش" یا "چوکان" گرفته شده‌اند.

۲- پسگشت‌های فارسی ریشه‌ی این واژه را پیگیری نکرده‌اند.

CHAM, CHMIDAN	فارسی (PERSIAN): چَم، چمیدن (به چَم "خوردن و آشامیدن")
SLURP, GUZZLE	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWEM-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

CUMUN: (OSSETIC) اوستی

KŪMAI: (AFGHANI) افغانی (پشتو)

: (SANSKRIT) سانسکریت

CĀMATI, CAMATI, CAMASĀ

KIMK: (ARMENIAN) ارمنی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	640
۸۲۵۷	لغت‌نامه دهخدا:

CHAND	فارسی (PERSIAN): چند
HOW MUCH, HOW MANY	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWOTI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

CAND, CHAND: (PAHLAVI) پهلوی

: (AVESTAN) اوستایی

CHEND: (KURDISH) کردی

CHAFTI, CAVANT, CVANT

KUWATTA هیت (HITTITE):

پسگشت‌ها	REFERENCES
646	POKORNY:
304	DELAMARRE: (COMBIEN)
118	MACKENZIE: (HOW MANY)
37	AMINDAROV:
برهان قاطع:	۶۶۳

KATI سانسکریت (SANSKRIT):

PÓSSOS یونانی (GREEK):

QUOT لاتین (LATIN):

QUAND فرانسه (FRENCH):

CUAN, CUANTO اسپانیایی (SPANISH):

QUANTO ایتالیایی (ITALIAN):

QUANTO پرتغالی (PORTUGUESE):

CUIT ایرلندی کهن (OLD IRISH):

PET برتونی (BRETON):

یادداشت:

واژه‌های "چندان" و "چندمین" و "چندی" (کمیت) نیز از همین ریشه‌اند.

CHANG, CHANGAL	فارسی (PERSIAN): چنگ، چنگال
CLAW	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KEG-, *KENG-, *KENK-, *KENK-, *KEK-, *KANK-,	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

HEKLA نروژی (NORWEGIAN):

CANG پهلوی (PAHLAVI):

HOEK, HAAK هلندی (DUTCH):

CANG اوستی (OSSETIC):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

CHENG کردی (KURDISH):

KOGETE افغانی (پشتو) (AFGHANI):

HAK لهستانی (POLISH):

CHANG, CHANGAK

KÓGOT روسی (RUSSIAN):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

HÁK, HÁCHEK چک (CZECH):

HAKA

بلغاری (BULGARIAN):

HACO ماکسونی کهن (OLD SAXON):

KÁCHO, KACHVAM

HÖK فریزی کهن (OLD FRISIAN):

ZÀKACHITI صربی (SERBIAN):

HÄKO: آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

KACHITI, HÁK بوهمی (BOHEMIAN):

HAKEN آلمانی (GERMAN):

HÁK اسلواکی (SLOVAK):

-HOK انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

KÉNGE لیتوانی (LITHUANIAN):

HOOK انگلیسی (ENGLISH):

-CHENG ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH):

HAGE دانمارکی (DANISH):

HAKE سوئدی (SWEDISH):

ONIONS:	(HOOK) 447	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:	(HOOK) 276	POKORNY:	537
۶۶۲	برهان قاطع:	BARNHART:	(HOOK) 490
		BUCK:	809-810

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در برهان قاطع: چنین است: قلاب، کجک (قلایی که با آن فیل را رانند)، پنجه و انگشتان مردم، چنگال مرغان و جانوران دیگر (برهان قاطع :: ۶۶۴)
- ۲- چم این واژه در اوستی: بازو.
- چم این واژه در کردی: دست.
- چم این واژه در ابلندی کهن: خانه.
- چم این واژه در اکثر زبان‌های ژرمنی: قلاب.

CHĒ, CHI	فارسی (PERSIAN): چه، چی (به چم چه چیزی)
WHAT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWEI-, *KWID-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

HVI, KVI, HVA	نروژی (NORWEGIAN):	CIT, CHI	اوستایی (AVESTAN):
CZY	لهستانی (POLISH):		پارسی باستان (OLD PERSIAN):
CHI	روسی (RUSSIAN):	CHIV, CHISH-CHIV	
CHL, CHU-TO	چک (CZECH):	CHĒ	پهلوی (PAHLAVI):
CHI	اسلواکی (SLOVAK):	KUS	نخاری A (TOKHARIAN A):
CIA	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	KUSE	نخاری B (TOKHARIAN B):
PWY	ولزی (WELSH):	CIT, CID	سانسکریت (SANSKRIT):
PIOU	برتونی (BRETON):	-CH (IN-CH)	ارمنی (ARMENIAN):
KUISH, KUISH-KI	هیتی (HITTITE):	TIS, TĒ, CHIS, PEI	یونانی (GREEK):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	646-647
BARNHART:	(WHY) 1235
MACKENZIE:	(WHAT) 140
ONIONS:	(WHY) 1005
SKEAT:	(WHY) 7/4
۶۷۳	برهان قاطع:

HVĒ	گوتیک (GOTHIC):
HVĪ	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
HWĪ	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
HWĪ, HWY	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
WHY	انگلیسی (ENGLISH):
HVI, HVAD	دانمارکی (DANISH):
HVI	سوئدی (SWEDISH):

یادداشت:

چم این واژه در انگلیسی و دیگر زبان‌های ژرمنی: چرا.
چم این واژه در یونانی و لهستانی: کجا.

CHĀHĀR	فارسی (PERSIAN): چهار
FOUR	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWETWÖR-, *KWETUR-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

فریزی کهن (OLD FRISIAN):

اوستایی (AVESTAN):

FIŪWER, FIOR

CHATHWĀRŌ, CHATHRO-

FIOR: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

CHAHĀR, CAHĀR: (PAHLAVI) پهلوی

VIER: (GERMAN) آلمانی

CIPPAR: (OSSETIC) اوسنی

FĒOWER: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

CHĀR: (KURDISH) کردی

FOUR: (ENGLISH) انگلیسی

: (AFGHANI) افغانی (پشتر)

FIRE: (DANISH) دانمارکی

CALŌR, TSALOR

FYRA: (SWEDISH) سوئدی

STWAR: (TOKHARIAN A) A تخاری

FIRE: (NORWEGIAN) نروژی

: (TOKHARIAN B) B تخاری

VIER: (DUTCH) هلندی

STWARE, SWĀR

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

: (SANSKRIT) سانسکریت

KETYRE, CHETYRE

CATVĀRAS, CĀTASRAS, CATVĀRI

CZTERY: (POLISH) لهستانی

CHORKH, CHORK: (ARMENIAN) ارمنی

CHELVERO: (RUSSIAN) روسی

TÉSSARES, PÉTARES: (GREEK) یونانی

CHTERY, CHWORO: (CZECH) چک

QUATTUOR: (LATIN) لاتین

SHTYRI: (SLOVAK) اسلواکی

QUATRE: (FRENCH) فرانسه

KETURI: (LITHUANIAN) لیتوانی

CUATRO: (SPANISH) اسپانیایی

CETRI: (LATVIAN) لونی (لتی)

QATTRO: (ITALIAN) ایتالیایی

: (OLD IRISH) ایرلندی کهن

PATRU: (ROMANIAN) رومانی

CHETHAIR, CETHIR

QUATRO: (PORTUGUESE) پرتغالی

PETOR, PEDWAR: (GAULISH) گالی

FIDWÖR: (GOTHIC) گوتیک

PETGUAR, PEDWAR: (WELSH) ولزی

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

PEVAR: (BRETON) برتونی

FIJÖRIR

FIJÖRIR: (OLD NORSE) نورس کهن

FIUWAR: (OLD SAXON) ساکسونی کهن

ONIONS:	(FOUR) 373	REFERENCES	پسگشت ما
SKEAT:	(FOUR) 224	POKORNY:	642
AMINDAROV:	(FOUR) 227	BARNHART:	(FOUR) 404
۶۷۲	برهان قاطع:	DELAMARRE:	(QUATRE) 211
		MACKENZIE:	(FOUR) 115

CHAHĀROM	فارسی (PERSIAN): چهارم
FOURTH	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWTURYOS, *KWETWRTOS, *QWETURTO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

VIERT, VIERTEL : (GERMAN) آلمانی
 FĒORTH : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
 FOURTH : (ENGLISH) انگلیسی
 FJERDE : (DANISH) دانمارکی
 FJERDE : (NORWEGIAN) نروژی
 VIERDE : (DUTCH) هلندی
 : (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

CHERVRI

CZWARTY : (POLISH) لهستانی
 KETVIRTAS : (LITHUANIAN) لیتوانی
 CETURTAIS : (LATVIAN) لتونی
 PETUARIOS : (GAULISH) گالی

REFERENCES	پسگشت ما
POKORNY:	642-644
BARNHART:	(FOURTH) 404
DELAMARRE:	(QUATRIÈME) 212
MACKENZIE:	(FOURTH) 115
ONIONS:	(FOURTH) 373
AMINDAROV:	(FOURTH) 227
۶۷۳	برهان قاطع:

TUIRYŌ : (AVESTAN) اوستایی
 TASUM, CAHĀRUM : (PAHLAVI) پهلوی
 CHARANI : (KURDISH) کردی
 : (AFGHANI) افغانی (پشتو)
 TSALORAM, CHALORAM
 STĀRT : (TOKHARIAN A) A نخاری
 STARTE : (TOKHARIAN B) B نخاری
 : (SANSKRIT) سانسکریت

TURĪYAS, CATURTHĀS

CHORIR, KARORD : (ARMENIAN) ارمنی
 TETAR, TETARTOS : (GREEK) یونانی
 QUĀRTUS : (LATIN) لاتین
 QUATRIÈME : (FRENCH) فرانسه
 CUARTO : (SPANISH) اسپانیایی
 QUARTO : (ITALIAN) ایتالیایی
 : (RUMANIAN) رومانی

AL PATRULEA, A PATRA

QUARTO : (PORTUGUESE) پرتغالی
 FJÓRTHI : (OLD NORSE) نورس کهن
 FJÓRTHI : (OLD SAXON) ساکسونی کهن
 : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

FIORDO

CHEHEL	فارسی (PERSIAN): چہل
FORTY	چتم انگلیسی سرواڑہی فارسی:
*KWETWOR, *KWTRIG	ہند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

FIORZUG	اوستائی (AVESTAN): CATHWARESAT
VIERZIG	پارسی باستان (OLD PERSIAN): آلمانی (GERMAN): انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
FĒOWRTIC	پهلوی (PAHLAVI): CEHIL, CHEHEL
FORTY	افغانی (AFGHANI): TSALWESHT
FYRRE	سائنسکریٹ (SANSKRIT): CATVĀRISĀT
FYRATIO	لاتین (LATIN): QUADRAGINTA
FORTI	فرانہ (FRENCH): QUARANTE
VEERTIG	اسپانیایی (SPANISH): CUARENTA
CZERDZIESCI	ایتالیایی (ITALIAN): QUARANTA
CHTYRICET	رومانی (RUMANIAN): PATRUZECI
SHTYRIDSAT	پرتغالی (PORTUGUESE): QUARENTA
	گوٹیک (GOTHIC): FIDWOR, TIGJUS
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت ما
POKORNY:	642-644
BARNHART:	(FORTY) 403
MACKENZIE:	(FORTY) 115
ONIONS:	(FORTY) 372
SKEAT:	(FORTY) 223
۶۷۴	برہان قاطع:

FJÓRIR TIGIR	نورس کهن (OLD NORSE): FJORIR TIGIR
	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
FIWARTIG, FIARTIG	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
FEUWERTICH	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

CHIDAN	فارسی (PERSIAN): چیدن
PICK, ARRANGE, CLIP	چتم انگلیسی سرواڑہی فارسی:
*KWEI-	ہند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

CHIVANDIN	اوستائی (AVESTAN): -CINAETA
CINAG	پهلوی (PAHLAVI): CHAYEITI, CHINVAITI, CHINITI
	کردي (KURDISH): CHIVANDIN
	بلوچی (BALUCHI): CITAN, CHIDAN
	سائنسکریٹ (SANSKRIT):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	637-638
MACKENZIE:	(GATHER) 116
AMINDAROV:	229
۶۷۶	برهان قاطع:

CINŌTI, CĀYATI, CITĀ

POIEŌ	یونانی (GREEK):
KOIC	لهستانی (محلی) (POLISH):
CHINU	بلغاری کهن (OLD BULGARIAN):

XĀR, XAS, HASĒKĒ	فارسی (PERSIAN): خار، خس، خسیکه (خارپشت)
THIRN, PRICKLE, URCHIN, HEDGEHOG	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GHĒRS-, *GHER-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

GARB	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
GARW	ولزی (WELSH):

XĀR, XĀRPŪSHT	پهلوی (PAHLAVI):
	سانسکریت (SANSKRIT):

HĀRSATĒ, HRSYATI

یونانی (GREEK):

CHĒRÓS, CHĒR, KHĒR

لاتین (LATIN):

HORREŌ, HERRĒRE, HĒR, ĒRECIUS

فرانسه (FRENCH):

اسپانیایی (SPANISH):

ایتالیایی (ITALIAN):

رومانی (ROMANIAN):

پرتغالی (PORTUGUESE):

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): (از فرانسه)

YRICHON

انگلیسی (ENGLISH):

سوئدی (SWEDISH):

نروژی (NORWEGIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	445
BARNHART:	(URCHIN) 1188
DELAMARRE:	(HÉRISSON) 133
MACKENZIE:	
(THORN) 136, (HEDGEHOG) 163	
ONIONS:	
(URCHIN) 964, (CHARACTER) 163	
SKEAT:	
(GHĒRS) 754, (URCHIN) 681	
(CHARACTER) 103	
۹۲۸۱	لغت نامه دهخدا:
۷۴۷ و ۶۹۷	برهان قاطع:

چم این واژه در زبان سانسکریت و لاتین و یونانی و ایرلندی کهن و ولزی: هر چیز سخت و تیز و خشن، خارپشت.
چم این واژه در زبان سوئدی و نروژی: نوعی ماهی خاردار.

XĀM	فارسی (PERSIAN): خام
RAW, UNRIPE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*OM-, *ŌMŌS-, *HŌMOS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

AMARGO : (PORTUGUESE) پرتغالی
OM : (OLD IRISH) ایرلندی کهن
OF : (GAULISH) گالی
AMBĒLĒ, ĒMBLĒ : (ALBANIAN) آلبانی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	777
DELAMARRE:	163, 230
MACKENZIE:	
(CRUDE) 109, (RAW) 129	
MALLPRY & ADAMS:	HOMOS
AMINDAROV:	
(RAW) 275, (UNRIPE) 305	
۷۰۴	برهان قاطع:

*ĀMĀD : (OLD PERSIAN) پارسی باستان
XĀM : (PAHLAVI) پهلوی
XĀV, XAVI, XAM : (KURDISH) کردی
HAMAG : (BALUCHI) بلوچی
ŌM, ŪM : (AFGHANI) افغانی (پشتو)
HĀMA : (KHOTANESE) ختنی
ĀMĀ, ĀMAS : (SANSKRIT) سانسکریت
HUM : (ARMENIAN) ارمنی
ŌMÓS : (GREEK) یونانی
AMARUS : (LATIN) لاتین
AMER : (FRENCH) فرانسه
AMARGO : (SPANISH) اسپانیایی
AMARO : (ITALIAN) ایتالیایی
AMAR : (RUMANIAN) رومانی

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های رومانس (برگرفته از لاتین): تلخ
چم این واژه در زبان آلبانی: تلخی.

XAYÉ	فارسی (PERSIAN): خایه
TESTICLE	چم انگلیسی سزواژه‌ی فارسی:
*Ō(W)YOM, *ŌYO-, *ŌWO-, *AUEI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

UOVO : (ITALIAN) ایتالیایی	ĀVAYA- : (AVESTAN) اوستایی
OU : (RUMANIAN) رومانی	XĀYA : (OLD PERSIAN) پارسی باستان
OVO : (PORTUGUESE) پرتغالی	XAYAG, HĀYIK : (PAHLAVI) پهلوی
ADA, *ADDJA : (GOTHIC) گوتیک	HA'IK : (KURDISH) کردی
EGG : (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن	HAIK : (BALUCHI) بلوچی
EGG : (OLD NORSE) نورس کهن	HAGĒY : (AFGHANI) افغانی (پشتو)
EI : (OLD SAXON) ساکسونی کهن	JU : (ARMENIAN) ارمنی
EI : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	ŌIÓN : (GREEK) یونانی
EI : (GERMAN) آلمانی	ŌVUM : (LATIN) لاتین
EGGE, : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	AEUF : (FRENCH) فرانسه
AEG	HUEVO : (SPANISH) اسپانیایی
EGG : (ENGLISH) انگلیسی	

WY	ولزی (WELSH):
VI	برتونی (BRETON):
UBH	گالیک (GAELIC):

AEG	دانمارکی (DANISH):
ÅGG	سوئدی (SWEDISH):
EGG	نروژی (NORWEGIAN):
EI	هلندی (DUTCH):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	783-784
BARNHART:	(EGG) 317
DELAMARRE:	149
MACKENZIE:	(EGG) 112
BUCK:	256
ONIONS:	(EGG) 303
SKEAT:	(EGG) 180
VII	برهان قاطع:

AJICE	
JAJE, JAJO	لهستانی (POLISH):
JAICO, YAITSO	روسی (RUSSIAN):
VAJCE, VEJCE	چک (CZECH):
JAJIE	صربی (SERBIAN):
VEJCE	بوهمی (BOHEMIAN):
OG	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
WY	گالی (GAULISH):

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در اوستایی و پارسی باستان و پهلوی و هندی زبان‌های هند و اروپایی دیگر: تخم (مرغ).
- ۲- واژه‌های "خاویار" و "خاک" و "خاگینه" نیز هم‌ریشه‌ی واژه‌ی "خابه" هستند.

XAIDAN	فارسی (PERSIAN): خاییدن، - خای (به چم "جویدن")
CHEW	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KHA-, *KAK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	634
BUCK:	809
VII و VII	برهان قاطع:

XĀ-, KANI-, KANN-	اوستایی (AVESTAN):
KANN-	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
	سانسکریت (SANSKRIT):
KHADATI, KHANATI, KHAD-	
XACANEM	ارمنی (ARMENIAN):
XOMOS	یونانی (GREEK):
HĀMUS	لاتین (LATIN):
KĀNDU	لیتوانی (LITHUANIAN):

یادداشت:

- چم این واژه در زبان یونانی: خمیده.
- چم این واژه در زبان لاتین: کجک، قلاب.

XARCHANG	فارسی (PERSIAN): خرچنگ
CRAB	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KER-, *KARKAR-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

R&KE : (NORWEGIAN) نروژی

(PAHLAVI) پهلوی

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

KARCANG, KARZANG

RAKU

KARKATA : (SANSKRIT) سانسکریت

RAK : (POLISH) لهستانی

KHCHAPAR : (ARMENIAN) ارمنی

RAKO(VINA) : (CZECH) چک

: (GREEK) یونانی

PAK : (SLOVAK) اسلواکی

XARKINOS, KARKINOS

CANCER : (LATIN) لاتین

CANCER, CANCRE : (FRENCH) فرانسه

: (SPANISH) اسپانیایی

CANGREJO, CÁNCER

: (ITALIAN) ایتالیایی

CANCRO, GRANCHIO

CANCER : (RUMANIAN) رومانی

: (PORTUGUESE) پرتغالی

CARANGUEJO, CÂNCER

یادداشت:

در برخی از زبان‌های هند و اروپایی این واژه "سرطان" را هم دارد.

KHERAD	فارسی (PERSIAN): خِزَد
INTELLECT, WISDOM, REASON	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KAR-, *KARKAR-, *KARTŪS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

HERD : (OLD FRISIAN) فریزی کهن

XRATUSH, XRATU : (AVESTAN) اوستایی

HART : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

XRAT, XVART, XRAD : (PAHLAVI) پهلوی

HART : (GERMAN) آلمانی

: (SANSKRIT) سانسکریت

HEARD : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

KRATU-, KATHINĀ

HARD : (ENGLISH) انگلیسی

KHELK : (ARMENIAN) ارمنی

HAARD : (DANISH) دانمارکی

KRATUS : (GREEK) یونانی

HÂRD : (SWEDISH) سوئدی

HARDUS : (GOTHIC) گوتیک

HAARD : (NORWEGIAN) نروژی

: (OLD SCANDINAVIAN) اسکاندیناوی کهن

HARD : (DUTCH) هلندی

HARDHR

HARD : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

BUCK:	REFERENCES	پسگشت‌ها
1200-1202, 1064-1065	BARNHART:	(HARD) 465
۷۲۹ : برهان قاطع	MACKENZIE:	
	(WISDOM) 140, (REASON) 129	

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: محکم، سخت.

XORD	فارسی (PERSIAN): خُرد (به چم "کوچک"، "ناچیز")
SMALL, LITTLE, PALTRY	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*(S)KERDH, *(S)KORDH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	949
MACKENZIE:	
(LITTLE) 122, (SMALL) 133	
AMINDAROV:	(XORT) 83
۷۲۹	: برهان قاطع
۱۴۰۸	: فرهنگ معین

XVARETA	اوستایی (AVESTAN):
XVART, XURD	پهلوی (PAHLAVI):
XORT	کردی (KURDISH):
KRDHŪ,	سانسکریت (SANSKRIT):
KRADHIYAMS, KRADHISTA	
	یونانی (GREEK):
KHURSION, KHRSANIOS	
	لیتوانی (LITHUANIAN):
SKURSTŪ, SKURDAU, SKURSTI	

XERS	فارسی (PERSIAN): خرس
BEAR	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*RKTOS, *RKSOS, *RKPOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

URSUS	لاتین (LATIN):	ARESHA, ARSHA	اوستایی (AVESTAN):
OURS	فرانس (FRENCH):	ARSHA-	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
OSO	اسپانیایی (SPANISH):	XIRS	پهلوی (PAHLAVI):
ORSO	ایتالیایی (ITALIAN):	ARS	اوستی (OSSETIC):
URS	رومانی (RUMANIAN):	WIRC	کردی (KURDISH):
URSO	پرتغالی (PORTUGUESE):	RKSA, RKSHAS	سانسکریت (SANSKRIT):
OURZ	بوهمی (BOHEMIAN):	ARJ	ارمنی (ARMENIAN):
ART	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	ÁRKOTOS	یونانی (GREEK):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	875
BARNHART:	(ARCTIC) 49
DELAMARRE:	(OURS) 104
MACKENZIE:	(BEAR) 104
BUCK:	186
ONIONS:	(ARCTIC) 48
SKEAT:	(ARCTIC) 29
۷۳۳	برهان قاطع:

ARTH	گالی (GAULISH):
ORS	ولزی (WELSH):
OURZ	برتونی (BRETON):
ARI	آلبانی (ALBANIAN):
HARTAGGA	هیتی (HITTITE):

XARFSTAR, XASTAR	فارسی (PERSIAN): خرفستر، خستر (به چم "حشره‌ی موزی")
INSECT, REPTILE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KREP-, *KRP-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

RIF	هلندی (DUTCH):
CRĪ	ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH):

XRAFSTRA	اوستایی (AVESTAN):
XRAFSTAR	پهلوی (PAHLAVI):
KRPA	سانسکریت (SANSKRIT):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	620
BARNHART:	(MIDRIFF) 660, (CORPSE) 222
DELAMARRE:	(CORPS) 102
MACKENZIE:	(MIDRIFF) 130
SKEAT:	(MIDRIFF) 374-375
۹۶۹۴	لغت‌نامه دهخدا:
۷۳۳ و (خراسان)	برهان قاطع:
۱۴۱۱	نرمک معین:

CORPUS, CORPORIS	لاتین (LATIN):
CORPS	فرانس (FRENCH):
CUERPO	اسپانیایی (SPANISH):
CORPO	ایتالیایی (ITALIAN):
CORP	رومانی (RUMANIAN):
CORPO	پرتغالی (PORTUGUESE):
HREF, HRIF	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
(H)REF	
HRIF	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
-RIFF (MIDRIFF)	انگلیسی (ENGLISH):

یادداشت:

۱- واژه‌ی "خرفستر" (اوستایی: XRAFSTRA) از دو بخش ساخته شده است: اوستایی KREP به چم "من" و اوستایی (E)D-TRO- یا ED- به چم "خوردن" (POKORNY: 620). در زبان پهلوی نیز واژه‌ی KIRB چم "من" یا "بدن" را داشت (MACKENZIE: 104).

۲- ONIONS ریشه‌ی واژه‌های ژرمنی این فهرست را "نامعلوم" می‌نامد (ONIONS: (MIDRIFF) 575)

۳- چم این واژه در همه‌ی واژه‌های این فهرست (به جز اوستایی و پهلوی): "تن"، "پدن"

XORÜS	فارسی (PERSIAN): خروس
ROOSTER, COCK	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KERKOS, *KER-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

OROZ, KOKOT	اوستایی (AVESTAN):	صربی (SERBIAN):
KOHOUT	پهلوی (PAHLAVI):	بوهمی (BOHEMIAN):
KRAUKILŲS	کردی (KURDISH):	لیتوانی (LITHUANIAN):
KERKO	بلوچی (BALUCHI):	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):
	سانسکریت (SANSKRIT):	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
KOKR, CERCC		
KOG, KILHOG		برتونی (BRETON):
KRKA, KUKKUTA		
KEKAX, KEKKO	یونانی (GREEK):	
COCCUM	لاتین میانه (MIDDLE LATIN):	
COQ	فرانس (FRENCH):	
COCOS	رومانی (RUMANIAN):	
KOKKR	نورس کهن (OLD NORSE):	
COCC	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	
COCK	انگلیسی (ENGLISH):	
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	
KOKOTŪ		
KOGUT	لهستانی (POLISH):	
KURITZA	روسی (RUSSIAN):	

یادداشت:

۱- ONIONS, KEAT ONOMATOPOEIA) "نام آوا" (ONOMATOPOEIA) است.

۲- چم این واژه در زبان یونانی: شاهین.

۳- بازگشت به: خروش

XORÜSH, XORÜSHIDAN	فارسی (PERSIAN): خروش، خروشیندن
CPY, SHOUT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KOR-, *KR-, *KER-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KRZYCZEC	: (POLISH) لهستانی
KRICBAT	: (RUSSIAN) روسی
KRICHT	: (CZECH) چک
KRICBATI	: (SERBIAN) صربی
KRICHTI	: (BOHEMIAN) بوهمی
KRICBAT, KRIK	: (SLOVAK) اسلواکی
KRAUKTI	: (LITHUANIAN) لیتوانی
KRAUKAT	: (LATVIAN) لونی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	571
MACKENZIE:	(CRY) 109
BUCK:	1250-1252
۷۴۱	برهان قاطع:

XRAOSAITI, XRAOS:	(AVESTAN) اوستایی
XRÖSTAN	: (PAHLAVI) پهلوی
	: (SANSKRIT) سانسکریت
KRÖSA, KRÖSATI, KRÖSA-	
	: (GOTHIC) گوتیک (شاید)
KRUK, KRUKJAN	
	: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن (شاید)
HRYGLA	
KRÄCHZEN	: (GERMAN) آلمانی (شاید)
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن (شاید)
CRACIAN	
CROAK	: (ENGLISH) انگلیسی (شاید)
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
KRICBATI	

یادداشت:

بازگشت به: خروس

XARID, XARIDAN	: (PERSIAN) فارسی	خرید، خریدن
BUY, PURCHASE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*KWREL, *KWRINĀMI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	
KAUP, KAUPA	: (PAHLAVI) پهلوی	XRIDAN, XARITAN
	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن (شاید)	
KÖP, KÖPIAN		KERIN, XERIDAN : (KURDISH) کردی
KĀP	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن (شاید)	KURYAR : (TOKHARIAN A) A تخاری
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن (شاید)	KAYOR : (TOKHARIAN B) B تخاری
KOUF, KOUFÖN		: (SANSKRIT) سانسکریت
	: (GERMAN) آلمانی (شاید)	KRI, KRINATI, KRAY
KAUF, KAUFEN		PRIASTHAI : (GREEK) یونانی
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن (شاید)	CAUPÖ, CAUPÖNIS : (LATIN) لاتین (شاید)
CĒAP, CĒAPIAN		: (GOTHIC) گوتیک (شاید)
CHEAP	: (ENGLISH) انگلیسی (شاید)	KAUTH, KAUTION
		: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن (شاید)

CRENAI : (OLD IRISH) ایرلندی کهن
PRINT : (GAULISH) گالی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	648
BARNHART:	(CHEAP) 162
DELAMARRE:	(ACHETER) 265
MACKENZIE:	(BUY) 105
BUCK:	817-818
ONIONS:	(CHEAP) 166
MALLORY & ADAMS:	KWREI
۷۳۳	برهان قاطع:

KIOBE دانمارکی (DANISH) (شاید)
KÖPA سوئدی (SWEDISH) (شاید)
KOOPEN, KOOP هلندی (DUTCH) (شاید)
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

KUPITI, KRINUTI
KUPIC لهستانی (POLISH):
KUPIT روسی (RUSSIAN):
KOUPIŤ, KOUPEٔ چک (CZECH):
KUPITI صربی (SERBIAN):
KUPIT اسلواکی (SLOVAK):
لیتوانی (LITHUANIAN):
KRIENO, KRAŤIS
کرتونی (لتی) (LATVIAN):
KRIENS
یادداشت:

- ۱- برخی معتقدند که واژه‌های ژرمنی این فهرست از واژه‌ی لاتین CAUPŌ (به چم "دستفروش") مشتق شده‌اند.
- ۲- چم این واژه در انگلیسی: اورزان.
- ۳- برخی معتقدند که واژه‌های اسلاوی این فهرست از زبان‌های ایرانی مشتق شده‌اند.

فارسی (PERSIAN):	خست (به چم "زخم")، خستن (به چم "آزردن، مجروح کردن")
XAST, XASTAN	
WOUND	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SWER-, *SWEROS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SWEORD : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
SWORD : (ENGLISH) انگلیسی
SVERD : (DANISH) دانمارکی
SVÄRD : (SWEDISH) سوئدی
SVERD : (NORWEGIAN) نروژی
SWARD : (DUTCH) هلندی
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
CHURYA
CHVORYJ : (RUSSIAN) روسی
CHVORY : (CZECH) چک
XVARA : (AVESTAN) اوستایی
XASTAN, XVASTAN : (PAHLAVI) پهلوی
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
SVERD
SWORD : (OLD SAXON) ساکسونی کهن
SWORD : (OLD FRISIAN) فریزی کهن
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
SWERO, SWERAN, SWERT
آلمانی (GERMAN):
SCHWÄRE, SCHWÄREN, SCHWERT

(BLESSURE, DOULEUR) 110	
MACKENZIE:	(WOUND) 141
BUCK:	306
ONIONS:	(SWORD)
SKEAT:	(SWORD) 623
۷۴۷	برهان قاطع:
۱۴۱۹	نرمک معین:

SERB	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
CHWARREN	گالی (GAULISH):
CHWERW	ولزی (WELSH):

پسگشت ها	REFERENCES
1050	POKORNY:
(SWORD) 1103	BARNHART:
	DELAMARRE:

یادداشت:

- ۱- یکی از چم‌های این واژه در زبان‌های ژرمنی: ششیر، درد.
 ۲- SKEAT, ONIONS معتقدند که ریشه‌ی واژه‌های ژرمنی این فهرست نامعلوم است.

فارسی (PERSIAN):	خُسرو، خُسرو (به چم "پدرزن یا پدرشوهر"، "مادرزن یا مادرشوهر")
OSOR, OSORŪ	
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	FATHER-IN-LAW, MOTHER-IN-LAW
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*SWEKRŪ-

اوستایی (AVESTAN):	XUASURA	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
افغانی (پشتو) (AFGHANI):		SWĀERA
	KHOSER, KHWĀSHE	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
سانسکریت (SANSKRIT):	SVĀSURA,	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
	SVASRŪ, CHVAKURA, CHVAKRŪ	SWEHUR, SWIGAR
ارمنی (ARMENIAN):		آلمانی (GERMAN):
	SKESUR, KVEKURA	SCHÄHER, SCHWIEGER-
یونانی (GREEK):	ECHUROS	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
لاتین (LATIN):		SWĒOR, SWEGER
	SOCER, SOCERĪ, SOCRUS	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
اسپانیایی (SPANISH):	SUEGRO, SUEGRA	SVEKRY, SVEKRO
ایتالیایی (ITALIAN):		لهستانی (POLISH):
	SUOCERO, SUOCERA	SVEKRŌVI, SVEKOR
رومانی (RUMANIAN):	SOCRU, SOCRA	روسی (RUSSIAN):
گوتیک (GOTHIC):	SWAIHRŌ, SWAIHRA	صربی (SERBIAN):
		اسلواکی (SLOVAK):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1043-1044
DELAMARRE:	43
BUCK:	122
MOLLORY & ADAMS:	
SUEKRUHAS	
۷۴۸	برهان قاطع:
۱۴۲۰	فرهنگ معین:

لیتوانی (LITHUANIAN):

UOSHVIS, SHĒSHURAS, SHĒSHIURE

گالی (GAULISH):

CHWEGR, CHWEGRWN

VJEHĒRR آلبانی (ALBANIAN):

XOSRŌ	فارسی (PERSIAN): خسرو
KING, SOVEREIGN	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SU + KLEU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SLAVA

HU-SRAVAH اوستایی (AVESTAN):

پهلوی (PAHLAVI):

HUSRŪV, XUSRAV, HUSRAW

XOSRŌ کردی (KURDISH):

SUSHRAVAS سانسکریت (SANSKRIT):

LU ارمنی (ARMENIAN):

KLUTÓS یونانی (GREEK):

INCLTUS لاتین (LATIN):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

یادداشت:

۱- عرب این واژه "کسری" است. احتمال دارد که واژه‌ی لاتین CAESAR (یونانی KAISAR، فرانسه‌ی کهن CESAR، لهستانی CZAR، روسی TSAR، گوتیک KISAR، آلمانی KAISER، انگلیسی CAESAR) نیز یا از همین جریحه باشد و یا از پارسی اخذ شده باشد.

۲- بازگشت به: سرود

۳- چشم این واژه در زبان‌های یونانی و لاتین، ارمنی، اسلاوی کهن، نامدار، مفتخر

XESHT	فارسی (PERSIAN): خشت
ADOBE, SUN-DRIED BRICK	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*AIDH-, *IDH	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
ISHTI-	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
ISHTYA	اوستایی (AVESTAN):

AED : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

XISHT : (PAHLAVI) پهلوی

: (AFGHANI) افغانی (پشتو)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	12
MACKENZIE:	(BRICK) 105
BUCK:	(BRICK) 603-604
ONIONS:	(ETHER) 329
SKEAT:	(AIDH) 752
۷۵۰	برهان قاطع:

XASHTA, XĒSHTA

: (SANSKRIT) سانسکریت

ISHTAKĀ, ISHTYA-

AĪTHOS : (GREEK) یونانی

EISA : (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

ESSA : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

ESSE : (GERMAN) آلمانی

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان یونانی و ایسلندی کهن و ایرلندی کهن: شعله، آله، آتش.

چم این واژه در زبان آلمانی کهن و آلمانی: دودکش بخاری، بخاری.

۲- واژه فارسی "هیزم" نیز از همین واج‌ریشه است.

XOSHK	فارسی (PERSIAN): خشک
DRY	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SUS-, *SAUS-, *SAUSO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SĒAR, SĒARIAN

اوستایی (AVESTAN):

SERE, SEAR : (ENGLISH) انگلیسی

HAOS-, HUSHKA-, HUSH-

SOYR : (NORWEGIAN) نروژی

USHKA : (OLD PERSIAN) پارسی باستان

ZOOR : (DUTCH) هلندی

HUSHK, XUSHK : (PAHLAVI) پهلوی

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

HISHK : (KURDISH) کردی

SUCHŪ, SUSHITI

: (SANSKRIT) سانسکریت

SUXOI : (RUSSIAN) روسی

SÚSYATI, SOSA-, SÚŠKA, SŌSAS

SAŪSAS, SAŪSTI : (LITHUANIAN) لیتوانی

: (GREEK) یونانی

SUST, SAUSS : (LATVIAN) لونی (لتی)

HAŪOS, AŪOS, HAŪEIN

THANJ : (ALBANIAN) آلبانی

SŪDUS : (LATIN) لاتین

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

SŌRĒN

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

پسگشت‌ها	REFERENCES		
880-881	POKORNY:	1075-1076	BUCK:
	BARNHART:	811	ONIONS:
976 (SEAR), 989 (SERE)		545	SKEAT:
233 (SEC)	DELAMARRE:	215	AMINDAROV:

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: (هوا) صاف و آفتابی و خشک.

فارسی (PERSIAN):	خشم، خشمگین
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	ANGER, ANGRY, IRATE
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*EIS-

اوستایی (AVESTAN):	AESHMA	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	IARN
پهلوی (PAHLAVI):		ولزی (WELSH):	HAIARN
		برتونی (BRETON):	HOUARN

HISHM, HĒSHM, XESHM	
ISHIRA, IS-	:(SANSKRIT) سانسکریت
*OISMA, ORĪNEIN	:(GREEK) یونانی
IRA, EIRA, IRRIRE	:(LATIN) لاتین
IRA	:(SPANISH) اسپانیایی
IRA	:(ITALIAN) ایتالیایی
IRA	:(PORTUGUESE) پرتغالی
EISA	:(OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
	:(OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
OFOST, OBAST	
AISTRA	:(LITHUANIAN) لیتوانی

پسگشت‌ها	REFERENCES
299-300	POKORNY:
544 (IRE)	BARNHART:
102 (ANGER)	MACKENZIE:
1134-1137	BUCK:
485 (IRE)	ONIONS:
308 (IRE)	SKEAT:
برهان قاطع:	۷۵۴
فرهنگ معین:	۱۴۲۴

فارسی (PERSIAN):	خفتن، خفتیدن
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	SLEEP
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*SWEP-, *SWOP-, *SWEPMI

اوستایی (AVESTAN):	XVAP-	افغانی (پشتو) (AFGHANI):	KHOB
پهلوی (PAHLAVI):	XUFTAN, XUAFTAN	سانسکریت (SANSKRIT):	SVAP-, SVAPITI
کردی (KURDISH):	XEW		

خم، خُمب، خُمبِه، خُنب (به چم "خمره"، "کوزه") / ۲۴۵

پسگشت‌ها	REFERENCES	(SLEEP) 133	MACKENZIE:
1048-1049	POKORNY:	برهان قاطع:	۷۶۱
(DORMIR) 287	DELAMARRE:		

یادداشت:

بازگشت به "خواب" و "خوایدن".

فارسی (PERSIAN):	خم، خُمب، خُمبِه، خُنب (به چم "خمره"، "کوزه")
XOM, XOMB, XOMBÈ, XONB	
چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	JUG, PITCHER
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*KUMB-, *KUMBH-, *KUMBOS

COMM: (OLD IRISH) ایرلندی کهن

XUMBŌ, XUMBA: (AVESTAN) اوستایی

KOMM: (BRETON) برتونی

: (PAHLAVI) پهلوی

XUMB, XUNBAK, XUMBAC

: (SANSKRIT) سانسکریت

REFERENCES

POKORNY: 592

DELAMARRE: (POT, RECIPIENT) 120

MACKENZIE: (JUG) 120

ONIONS: (COMBE, COOMB) 213

SKEAT:

(COMBE, COOMB) 122

THE NEW SHORTER OXFORD

ENGLISH

DICTIONARY: (COOMB) 505-506

۷۶۸ برهان قاطع:

KUMBHĀS, KUMBA

KÚMBOS, CHUMBĒ: (GREEK) یونانی

-CUMBŌ: (LATIN) لاتین

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

KUMM, KUNPF

KUMME: (GERMAN) آلمانی

CUMB: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

: (ENGLISH) انگلیسی

COOMB, COMBE, COMB

KOM: (DUTCH) هلندی

KUBEK: (POLISH) لهستانی

یادداشت:

این واژه در آلمانی و انگلیسی نوین کم کاربرد است و چم آن: خمره‌ی بزرگ.

XANDÉ, XANDIDAN	فارسی (PERSIAN): خنده، خندیدن
LAUGH, LAUGHTER	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KHA KHA	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید)

انگلیسی (ENGLISH):

پهلوی (PAHLAVI):

CACHINNATION, CACHINNATE

XANDAK, XANDIDAN, XAND-

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

XENDÉ, XENDAN کردی (KURDISH):

CHOCHOTATI, XOCHOTATI

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

CHICHTAC لهستانی (POLISH):

KHANUÊL, KANDĀ

لیتوانی (LITHUANIAN):

KĀKHATI سانسکریت (SANSKRIT):

KIKÉNT, KIKNOTI

ارمنی (ARMENIAN): XAXANKH

REFERENCES

پسگشت‌ها

POKORNY: 634

BARNHART:

(CACHINNATION) 133

DELAMARRE: 265

MACKENZIE: (LAUGH) 121

AMINDAROV: (LAUGHING) 247

۷۷۴-۷۷۵ برهان قاطع:

CHACHASŌ, KACHÁZEIN

لاتین (LATIN):

CACHINNŌ, CACHINNARE

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

KACHAZZEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

CEAHHETTAN

یادداشت:

واژه‌ی (شاید) در جلو "هند و اروپایی" همیشه به این معنی است که رابطه‌ی واژه‌های ایرانی فهرست با واج‌ریشی هند و اروپایی و دیگر واژه‌های فهرست "احتمالی" است و هیچکدام از پسگشت‌های من به این رابطه اشاره نکرده‌اند.

XĀB, XĀBIDAN	فارسی (PERSIAN): خواب، خوابیدن
SLEEP, DREAM	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SWEP-, *SUP-, *SWEPNOS, *SŪPNOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SPE: (TOKHARIAN A) A تخیاری

XVAP-, XVAFNA: (AVESTAN) اوستایی

SĀNE: (TOKHARIAN B) B تخیاری

XWAB, XAMN: (PAHLAVI) پهلوی

انسکریت (SANSKRIT):

XEV, XEVIN, XEVN: (KURDISH) کردی

SVĀPITI, SVĀPAYATI, SVĀPATI,

VĀB: (BALUCHI) بلوچی

SVĀPNA-, SVĀPA

KHOB: (AFGHANI) افغانی (پشتو)

	لیتوانی (LITHUANIAN):
SĀPNAS, SAPNĪS	
SAPNIS	لتونی (LATVIAN):
SĪUAN	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
HUN	گالی (GAULISH):
HUN	ولزی (WELSH):
HUN, HUNI	برتونی (BRETON):
SJUMĒ	آلبانی (ALBANIAN):
SUP-	هیتی (HITTITE):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1048-1049
BARNHART:	
(SOMNOLENT) 1034, (HYPNOTIC) 501	
DELAMARRE:	287
MACKENZIE:	
(SLEEP) 133, (DAEAM) 111	
BUCK:	268-270
ONIONS:	(SOMNI- 848
SKERT:	(SOMNOLENCE) 581
AMINDAROV:	
(DREAM) 215, (SLEEP) 287	
V.A.	برهان قاطع:

KUN, KNOY	ارمنی (ARMENIAN):
HŪPNOS, HÝPNOS	یونانی (GREEK):
	لاتین (LATIN):
SŌPIŌ, SŌPOR, SŌPŌRIS, SOMNUS	
SOMMEIL	فرانس (FRENCH):
SUEÑO	اسپانیایی (SPANISH):
SOMNO	ایتالیایی (ITALIAN):
SOMN	رومانی (RUMANIAN):
SONHO, SON	پرتغالی (PORTUGUESE):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SOFA, SVEFJA, SVEFN	
SWEBBIAN	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
SUFFEN, SWEFN	
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
ANSWEBBFN	
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
SWEFAN, SWEFN	
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
SŪPATI, SŪNŪ	
SEN, SPAC	لهستانی (POLISH):
SON, SPAT	روسی (RUSSIAN):
SAN, SPAVATI	صربی (SERBIAN):
SEN, SPATI	برهمی (BOHEMIAN):

یادداشت:

در زبان‌های ایرانی برای "خواب" (به چم "خفتن") و "خواب" (به چم "آنچه در خواب دیده می‌شود") یک واژه واحد بکار می‌رود ولی در اکثر زبان‌های اروپایی برای این دو حالت دو واژه متمایز بکار می‌رود. گاهی این دو واژه هم‌ریشه و گاهی ناهم‌ریشه‌اند. در این فهرست واژه‌های هم‌ریشه وابسته به هر دو حالت داده شده است.

XĀSTAN, XĀST	فارسی (PERSIAN): خواستن، خواست
DESIRE, WISH, WANT	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SWĀD-, *SWĀDAH-, *SWADONOM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SUDYTI:	لیتوانی (LITHUANIAN):	XWASTŌ	اوستایی (AVESTAN):
		XWASTAN	پهلوی (PAHLAVI):
			کردی (KURDISH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1039-1040
DELAMARRE:	286
MACKENZIE:	(WANT) 139
SKEAT:	(SWAD) 759
AMINDAROV:	(DESIRE) 311
۷۸۲ و ۷۸۳	برهان قاطع:

XVASTIN, XUSTIN, XWESTEK
سانسکریت (SANSKRIT):

SVAD-, SVĀDATI, SVĀDATĒ
XOSTAG: ارمنی (ARMENIAN)
HĒDOMAI, ĒDOMAI: یونانی (GREEK)
SVADEŌ, SVAĎĒRE: لاتین (LATIN)

یادداشت:

۱- بازگشت به: شیرین.

XŪAL	فارسی (PERSIAN): خوال (به چشم دوده‌ای که برای ساختن مرکب از دود چراغ می‌گیرند)
LAMPBLACK, BLACKING	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SUER, *SWORDOS,	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SORT	دانمارکی (DANISH):	XUARUN	اوسنی (OSSETIC):
SVART	سوئدی (SWEDISH):	XWRN	سغدی (SOGADIAN):
SVART	نروژی (NORWEGIAN):	HUĀRAKA	خُختی (KHOTANESE):
ZWART	هلندی (DUTCH):	SORDĒS, SORDĒRE	لاتین (LATIN):
		SWARTS	گوتیک (GOTHIC):

SVARTR: نوردس کهن (OLD NORSE)
SWART: ساکسونی کهن (OLD SAXON)
SWAR: فریزی کهن (OLD FRISIAN)
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

SWARZ
آلمانی (GERMAN):
SCHWARTZ
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
SWEART
انگلیسی (ENGLISH):
SWART

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1052
BARNHART:	(SWART) 1100
MALLORY & ADAMS:	SUER
۷۸۲	برهان قاطع:
۱۰۰۳۷	لغت‌نامه دهخدا:
۱۲۴۹	فرهنگ معین:

ایرلندی کهن (OLD IRISH):

SENIM, SON

SON

برتونی (BRETON):

کردی (KURDISH): XVĀNDIN, XVENĐIN

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

LWĒST, SWASTĒL

سانسکریت (SANSKRIT): SVAN-, SVĀNATI

لاتین (LATIN): SŌNO, SŌNARE, SONUS

فرانس (FRENCH): SON

اسپانیایی (SPANISH): SONIDO

ایتالیایی (ITALIAN): SUONO

رومانی (RUMANIAN): SUNET

پرتغالی (PORTUGUESE): SOM

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SVANR

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

SWINSIAN, SWAN

انگلیسی (ENGLISH): SOUND

لیتوانی (LITHUANIAN): SKAN'A

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های رومانی (زبان‌های ناشی از لاتین): صدا.

XĀHAR	فارسی (PERSIAN): خواهر
SISTER	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SWESOR	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SOROR: لاتین (LATIN)

SæUR: فرانس (FRENCH)

SORELLA: ایتالیایی (ITALIAN)

SORA: رومانی (RUMANIAN)

SWISTAR: گوتیک (GOTHIC)

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SYSTIR

SWESTER: فریزی کهن (OLD FRISIAN)

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

SWESTER

SCHWESTER: آلمانی (GERMAN)

اوستایی (AVESTAN): XVAHAR, XVANHAR

پهلوی (PAHLAVI): XVĀHAR, XAH

اوستی (OSSETIC): XO, XORE

کردی (KURDISH): XOH, XŪHA

بلوچی (BALUCHI): GVAHĀR, GVĀR

افغانی (پشتو) (AFGHANI): KHOR, XOR

تخاری A (TOKHARIAN A): SAR

تخاری B (TOKHARIAN B): SER

سانسکریت (SANSKRIT): SVĀSAR

ارمنی (ARMENIAN): K'OIR

یونانی (GREEK): ĒOR

SESUŲ, SESERS : (LITHUANIAN) لیتوانی
 SWESTRO : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن
 SIUR : (OLD IRISH) ایرلندی کهن
 SHWAER : (WELSH) ولزی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1051
BARNHART:	(SISTER) 1010-1011
DELAMARRE:	43
MACKENZIE:	(SISTER) 133
BUCK:	107
ONIONS:	(SISTER) 830
SKEAT:	(SISTER) 565
۷۸۴	برهان قاطع :

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

SWEOSTOR

SISTER : (ENGLISH) انگلیسی

SOSTER : (DANISH) دانمارکی

SYSTER : (SWEDISH) سوئدی

SOSTER : (NORWEGIAN) نروژی

ZUSTER : (DUTCH) هلندی

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

SESTRA

SIOSTRA : (POLISH) لهستانی

SETRÁ : (RUSSIAN) روسی

SESTRA : (CZECH) چک

SESTRA : (SERBIAN) صربی

SESTRA : (BOHEMIAN) بوهمی

SESTRA : (SLOVAK) اسلواکی

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: دختر

XŪB	فارسی (PERSIAN): خوب
GOOD	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SŪ-, *SŪE-, *SU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ZDRAVY, ZBOZI : (CZECH) چک

ZDRAVÝ : (SLOVAK) اسلواکی

SU-, SU-DRUS : (LITHUANIAN) لیتوانی

SO-, SU- : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

SU- : (GAULISH) گالی

HY- : (WELSH) ولزی

HE- : (BRETON) برتونی

ASSUS : (HITTITE) هیتی

HU-, HŪBAYA : (AVESTAN) اوستایی

U- : (OLD PERSIAN) پارسی باستان

(PAHLAVI) پهلوی

HU-, XŪB, HŪP, XVAP, HUDĀG

XŪB : (AFGHANI) افغانی (بشتر)

SU-, SUVAPUS : (SANSKRIT) سانسکریت

HU-, EŪS : (GREEK) یونانی

EU- : (LATIN) لاتین

SŪ- : (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

SED-, SEDRAVE

MACKENZIE:	(GOOD) 116	REFERENCES	پسگشت‌ها
AVF	برهان قاطع:	POKORNY:	1037-1038
		DELAMARRE:	235

یادداشت:

۱- بازگشت به: هر

۲- این واژه بیشتر بتوان پیشوند بکار رفته است.

XOD, XISH, XISHTAN	فارسی (PERSIAN): خود، خویش، خویشان
SELEF	چشم انگلیسی سروراه‌ی فارسی:
*S(W)E-, *SWEDH-, *SUE-, *SEUE-, *SE-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SELF, SELVA: (OLD FRISIAN) فریزی کهن (AVESTAN):

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

HAVA-, XVATÖ, (H)UVA.

SELBO, SELB, SIH

: (OLD PERSIAN) پارسی باستان

SELBST, SICH : (GERMAN) آلمانی

XWAT, XVAI

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

: (PAHLAVI) پهلوی

SELF, SELOF, SYLF

XWAT, XWAD, XVĒSH-TAN

SELF : (ENGLISH) انگلیسی

XUD-, : (KURDISH) کردی

SELV : (DANISH) دانمارکی

KHOD-, KHUD-: (AFGHANI) افغانی (پشتو)

SJÄLV : (SWEDISH) سوئدی

SVĀ- : (SANSKRIT) سانسکریت

SJOL : (NORWEGIAN) نروژی

: (ARMENIAN) ارمنی

ZELF : (DUTCH) هلندی

IUR, IN-KEN, IN-KEAN

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

É-, EĒ-, HOS- : (GREEK) یونانی

SVOJU

SUI-, SU-, SUUS, SĒ- : (LATIN) لاتین

SAVĒS, SEVĒS : (LITHUANIAN) لیتوانی

SILBA, SWĒS, SIK : (GOTHIC) گوتیک

SWAIS : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

VE-TE : (ALBANIAN) آلبانی

SJĀLF

: (OLD SAXON) ساکسونی کهن

SELF, SELBO

SKEAT:	REFERENCES	پسگشت‌ها
(SUICIDE) 614, (SELF) 548	POKORNY:	882-884
THE AMERICAN HERITAGE	BARNHART:	
DICTIONARY OF THE ENGLISH	(SELF) 981, (SUICIDE) 1089	
LANGUAGE: (S(W)E-) 2050	MACKENZIE: (SELF) 132	
۷۸۴ و ۷۹۸ : برهان قاطع	ONIONS:	
	(SUICIDE) 884, (SELF) 807	

یادداشت:

SKEAT, ONIONS ریشه‌ی واژه‌های ژرمنی این فهرست را ناشناخته می‌دانند.

XOR, XORSHID, HÜR	فارسی (PERSIAN): خور، خورشید، هور
SUN	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SÄWEL, *SÄSWOL, *SÜL, *SWEN.	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SUNNA, SÖL اوستایی (AVESTAN):

SUNNA : (OLD SAXON) ساکسونی کهن XWENG, HVARð, HÜRÖ, HUUAARE

: (OLD FRISIAN) فریزی کهن XVARSGËTM XWAR : (PAHLAVI) پهلوی

SUNNE, SONNE اوسنی (OSSETIC): HOR

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن XEWER, HUR : (KURDISH) کردی

SUNNA سانسکریت (SANSKRIT):

SONNE : (GERMAN) آلمانی SÚRAS, SVAR, SÚVAR, SURYA

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن AREU : (ARMENIAN) ارمنی

SUNNE, SÖL یونانی (GREEK): HĒLIOS, EĒLIOS

SUN : (ENGLISH) انگلیسی SÖL : (LATIN) لاتین

SOL : (DANISH) دانمارکی SOLEIL : (FRENCH) فرانسه

SOL : (SWEDISH) سوئدی SOL : (SPANISH) اسپانیایی

SOL : (NORWEGIAN) نروژی SOLE : (ITALIAN) ایتالیایی

ZON : (DUTCH) هلندی SOARE : (RUMANIAN) رومانی

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن SOL : (PORTUGUESE) پرتغالی

SLŪNICE : (GOTHIC) گوتیک

SLONCE : (POLISH) لهستانی SUNNO, SAUIL, SUNEL

SLONCE : (RUSSIAN) روسی : (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

REFERENCES	پسگنت ها
POKORNY:	881
BARNHART:	
(SUN) 1091, (SOLAR) 1031	
DELAMARRE: (LE SOLEIL)	189
MACKENZIE: (SUN)	135
BUCK:	54
ONIONS: (SUN)	885
SKEAT:	
(SUN) 616, (SLOAR) 579	
RAMAT:	43
AMINDAROV: (SUN)	295
۲۳۸۹ و ۷۸۷	برهان قاطع:

SUNCE	: (SERBIAN) صربی
SLUNCE	: (BOHEMIAN) بوهمی
SLNCE	: (SLOVAK) اسلواکی
SÁULE	: (LITHUANIAN) لیتوانی
SÁULE	: (LATVIAN) لونی (لثی)
SÚIL, SŪL	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
HAUL	: (GAULISH) گالی
HAUL	: (WELSH) ولزی
HAUL, HEOL	: (BRETON) برتونی
HŪL	: (ALBANIAN) آلبانی
PANHUR	: (HITTITE) هیت

XORDAN	فارسی (PERSIAN): خوردن
EAT	چتم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SWEL, *SWELK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اوستایی (AVESTAN):

ساکسونی کهن (OLD SAXON):

FARSWEL GAN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

SWELGAN

SCHWELGEN : آلمانی (GERMAN)

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

SWILLAN, SWELGAN

انگلیسی (ENGLISH): SWILL, SWALLOW

SVELGE : دانمارکی (DANISH)

SVÅLJA : سوئدی (SWEDISH)

SOLL, SVELGIE : نروژی (NORWEGIAN)

ZWELGEN : هلندی (DUTCH)

XWAR, XVARAITI, XWARETHA-

پهلوی (PAHLAVI):

XVARTAN, XWARDAN, XWĀRIDAN

XĀRIN, XVĀRUN : اوستی (OSSETIC)

کردی (KURDISH):

XŪRIN, XVĀRIN, XWERIN

XŌRAL : بلوچی (BALUCHI)

KHWARĒL : افغانی (پشتو) (AFGHANI)

XORTIC, XOR : ارمنی (ARMENIAN)

: (OLD SCANDINAVIAN) ایرلندی کهن

SOLLR, SVELGA, SVELGR

ONIONS:	(SWALLOW) 891	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:		POKORNY:	1045
	(SWALLOW) 621, (SWILL) 622	BARNHART:	
AMINDAROV:		(SWALLOW) 1099, (SWILL) 1102	
	(DRINK) 215, (EAT) 216	MACKENZIE:	
VAA	برهان قاطع:	(EAT) 112, (DRINK) 111	
		BUCK:	328 , 331

یادداشت:

چم این واژه در زبان آلمانی: بزم برپا کردن.
چم این واژه در زبان انگلیسی: با حرص و شتاب خوردن، بلعیدن.

XÜK	فارسی (PERSIAN): خوک
SWINE, SOW, PIG, HOG	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SÜS-, *SUW-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
SÜ, SWIN	اوستایی (AVESTAN): HÜ
SAV, SVHWEIN : (GERMAN) آلمانی	XÜG : (PAHLAVI) پهلوی
: (OLD ENGLISH) کهن انگلیسی	XU, XUI : (OSSETIC) اوستی
SU, SWIN, SUGU	XÜ : (KURDISH) کردی
SOW, SWINE, HOG : (ENGLISH) انگلیسی	HIK, HIX : (BALUCHI) بلوچی
SO, SVIN : (DANISH) دانمارکی	KHUK, XUG : (AFGHANI) (پشتو) افغانی
SUGGA, SO, SVIN : (SWEDISH) سوئدی	SUWO, SWÄN- : (TOKHARIAN B) B بخاری
SUGGA, SVIN : (NORWEGIAN) نروژی	: (SANSKRIT) سانسکریت
ZEUG, SWIJN : (DUTCH) هلندی	SÜKARÁ, SÜKARI
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	HÜS, HYS, HUENÓS : (GREEK) یونانی
SVINÜ, SVINJA	: (LATIN) لاتین
SWINIA : (POLISH) لهستانی	SÜS, SUIS, SÜINUS, SUCULA
SVINJA, SVINOI : (RUSSIAN) روسی	SWEIN : (GOTHIC) گوتیک
SVINĚ : (CZECH) چک	: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن
SVINJA : (SERBIAN) صربی	SŸR, SVIN
SVINĚ : (BOHEMIAN) بوهمی	SUGA, SWĪN : (OLD SAXON) ساکسونی کهن
SVINA : (SLOVAK) اسلواکی	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1038
BARNHART:	
(SOW) 1038, (SWINE) 1102	
DELAMARRE:	
(PORC, TRUIE) 137	
MACKENZIE:	(PIG) 127
BUCK:	160-164
ONIONS:	
(SWTWE) 894, (SOW) 849	
SKEAT:	
(SWINE) 622, (SOW) 584	
۷۹۴	برهان قاطع:

KIAULE	: (LITHUANIAN) لیتوانی
	: (LATVIAN) لتونی
SUVĒNS, SIVĒNS, CŪKA	
SEWE-	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن
	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
SOCC, HUKK	
*SUKKO-	: (CELTIC) سلتی
SU-	: (GAULISH) گالی
HOCH, HWCH	: (WELSH) ولزی
HOUC'H, HOCH	: (BRETON) برتونی
THI	: (ALBANIAN) آلبانی

یادداشت:

در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی برای "خوک نر" و "خوک ماده" واژه‌های متفاوت دارند و این واژه با هم در این فهرست داده شده‌اند.

XŪN	فارسی (PERSIAN): خون
BLOOD	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WES-, *WOS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

OOZE	: (ENGLISH) انگلیسی	VOHUNI, VOHUNA	: (AVESTAN) اوستایی
ŌZ, VEISA	: (NORWEGIAN) نروژی	XŌN, XŪN	: (PAHLAVI) پهلوی
		KĒN, KWAN	: (KURDISH) کردی
		HŌN, HŪN	: (BALUCHI) بلوچی
		VĪNĒ, WINA	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
		VĀSĀ, VASĀ	: (SANSKRIT) سانسکریت
			: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1172
BARNHART:	(OOZE) 729
MACKENZIE:	(BLOOD) 104
BUCK:	(BLOOD) 206
ONIONS:	(OOZE) 628
SKEAT:	(OOZE) 412
AMINDAROV:	(BLOOD) 192
۷۹۵	برهان قاطع:
۱۴۶۲	فرهنگ معین:

VĀS, VEISA	
WĀSE	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
WASAL	
WASEN	: (GERMAN) آلمانی
WŌS	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: چربی.

چم این واژه در زبان انگلیسی کهن: شهد، شی نمدار، گِل، گِل و لای.

چم این واژه در زبان انگلیسی امروز: آهسته جاری شدن، (خون) آمدن گِل و لای، خون نیمه لخته.

چم این واژه در زبان آلمانی کهن، ایسلندی کهن و فریزی کهن: باران، آب راکد.

چم این واژه در زبان آلمانی امروز: چمن، ترغ.

XOY	فارسی (PERSIAN): خوی (به چم "عرق بدن")
SWEAT	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SWEID-, *SWOID, *SWID-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SWĒT	اوستایی (AVESTAN): XVAĒDHA
	پهلوی (PAHLAVI):
	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

SWEIZ, SWIZZWN	اوسنی (OSSETIC): XWĒY, XVĀI, XWISTAN
	اوسنی (XED):
	آلمانی (GERMAN):

SCHWEISS, SCHWITZEN	کردی (KURDISH):
SWĀT	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): XŪDAN, XWEYDAN, XŪ, XŌH

SWEAT	بلوچی (BALUCHI): HED
SVED	افغانی (پشتو) (AFGHANI): KHWALA

SVETT	سانسکریت (SANSKRIT): SVIDYATI,
SVED	سویدی (SWEDISH):
	نروژی (NORWEGIAN): SVEDATE, SVEDÁYATI, SVEDA-

ZWEET	ارمنی (ARMENIAN): K'IRTN
SVĪST, SVIDĒT	یونانی (GREEK): HIDRÓS, ĪDIO

SREOD	لاتین (LATIN):
CHWYS	ولزی (WELSH):

DIRSĒ, DJERSĒ	آلبانی (ALBANIAN):
	سُودَر، سُودَار، سُودُ (SŪDOR, SŪDARE, SŪDŌ)

	فرانسه (FRENCH): SUER, SUEUR
	اسپانیایی (SPANISH): SUDOR, SUDAR

	ایتالیایی (ITALIAN): SUDORE, SUDARE
	رومانی (RUMANIAN): SUDOARE

	پرتغالی (PORTUGUESE): SUOR, SUAR
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
	SVEITI

	ساکسونی کهن (OLD SAXON): SWĒT
--	-------------------------------

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1043
BARNHART:	(SWEAT) 1101
DELAMARRE:	287
MACKENZIE:	(SWEAT) 135
BUCK:	454-455

۷۹۷	برهان قاطع:	ONIONS:	(SWEAT) 893
۱۴۶۴	فرهنگ معین:	SKEAT:	(SWEAT) 622
۱۰۱۵۹-۱۰۱۶۰	لغت نامه دهخدا:	AMINDAROV:	(SWEAT) 295

یادداشت:

در برخی زبان‌های هند و اروپایی (مثلاً زبان‌های رومانس و آلمانی) واژه‌های "عرق" و "عرق کردن" با هم فرق دارند ولی در برخی دیگر (مثلاً انگلیسی) اسم و فعل واژه یکی است.

DĀD	فارسی (PERSIAN): داد (به چم "عدل")
JUSTICE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DHĒ-, *DHĒTU-, *DHĒTIS-, *DHŌ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

فریزی کهن (OLD FRISIAN):

اوستایی (AVESTAN):

DĒD, DĒDE, DŪĀ

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

TETA, TĀT, TUON

TAT, TUN آلمانی (GERMAN):

DAD, DŌN انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

DEED, DO انگلیسی (ENGLISH):

DAAD دانمارکی (DANISH):

DĀD سوئدی (SWEDISH):

DAAD نروژی (NORWEGIAN):

DAAD, DOEN هلندی (DUTCH):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

DĒTŪ, DĒTI

DĒNU, DĒVĀTŪ روسی (RUSSIAN):

لیتوانی (LITHUANIAN):

DĒTAS, DĒTU, DĒTI

DITANS پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):

DEDE گالی (GAULISH):

DA-AISH, DA-AL, DĀI- هیتی (HITTITE):

DATHAITI, DĀTA, DATHA

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

ADADĀ, DĀTA

DĀD, DAT پهلوی (PAHLAVI):

DĀD, DAD کردی (KURDISH):

DĀD افغانی (پشتو) (AFGHANI):

تخاری A (TOKHARIAN A):

TĀ-, TĀS-, TAS-

TES- تخاری B (TOKHARIAN B):

DAD HĀTI, DHĀ-, سانسکریت (SANSKRIT):

HITAH-, DHITAH-, DHĀTUM, DHAMAN

ED, DNEM ارمنی (ARMENIAN):

یونانی (GREEK):

THETÓS, THĒTÓN, TITHÉNAI

DITUS-, DIDĪ-, DERE لاتین (LATIN):

GA-DĒTHS-, DA گوتیک (GOTHIC):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

DĀDH

DĀD, DŪAN ساکسونی کهن (OLD SAXON):

(DEED) 250, (DO) 279-280		REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:		POKORNY:	235-239
	(DEED) 159, (CO) 177	BARNHART:	
AMINDAROV:	(DAD) 41		(DEED) 258, (DO) 292
۸۰۷	برهان قاطع:	MACKENZIE:	(JUSTICE) 120
		ONIONS:	

یادداشت:

چم آغازین این واژه در بیشتر زبان‌های این فهرست: قرار دادن، مقرر کردن.
چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: انجام، انجام دادن، عمل.

DĀDAN	فارسی (PERSIAN): دادن
GIVE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DŌ, *DŌU, *DIDŌMI, *DŌTOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DAT', DHRFE, DATŪ	روسی (RUSSIAN):	DADATI, DADHAMI, DĀ-	اوستایی (AVESTAN):
DÁT	چک (CZECH):	DADĀTUV	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
DATI	صربی (SERBIAN):		پهلوی (PAHLAVI):
DÁTI	بوهمی (BOHEMIAN):	DĀDAN, DAHISHN, DĀTAN	
DAT	اسلواکی (SLOVAK):	DAEDTN, DAETTIN	اوستی (OSSETIC):
DŪOMI, DUOTI	لیتوانی (LITHUANIAN):	DAN, DAIN	کردی (KURDISH):
DUOT	لتونی (LATVIAN):	DĒAG, DĒAGH	بلوچی (BALUCHI):
DO-BIUR	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	DĀDĀTI, DĀ-	سانسکریت (SANSKRIT):
DĀ-	آلبانی (ALBANIAN):	TAM	ارمنی (ARMENIAN):
DĀ-	هیتی (HITTITE):	DIDOMI, DIDŌNAI	یونانی (GREEK):

REFERENCES	پسگشت‌ها		
POKORNY:	223-226	DŌ, DEDET, DARE	لاتین (LATIN):
BARNHART:	(DATE) 252	DONNER	فرانس (FRENCH):
DELAMARRE:	(DONNER) 252	DAR	اسپانیایی (SPANISH):
MACKENZIE:		DARE, DONARE	ایتالیایی (ITALIAN):
	(GIVE, GIVING) 116	DA	رومانی (RUMANIAN):
BUCK:	749	DAR	پرتغالی (PORTUGUESE):
SKEAT:			اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
	(DATE) 155, (DONATION) 179	DAMI, DATI	
۸۰۹	برهان قاطع:	DĀĆ	لهستانی (POLISH):

DĀR, DORŪD	فارسی (PERSIAN): دار، درود (به چم "درخت"، "چوب")
TREE, WOOD	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DERU-, *DŌRU-, *DREŪ-, *DRŪ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DRZEWO	لهستانی (POLISH):	DĀURU, DRŪ-	اوستایی (AVESTAN):
DEREVO	روسی (RUSSIAN):	DĀR	پهلوی (PAHLAVI):
DREVO	چک (CZECH):	DĀR	کردی (KURDISH):
DRVO	صربی (SERBIAN):	DĀR	بلوچی (BALUCHI):
DREVO	بوهمی (BOHEMIAN):	OR	نخازی B (TOKHARIAN B):
DREVO	اسلواکی (SLOVAK):		سانسکریت (SANSKRIT):
DERVA	لیتوانی (LITHUANIAN):	DĀRU, DRÓS, DRU-	
	ایرلندی کهن (OLD IRISH):		ارمنی (ARMENIAN):
DAUR, DARAG		TRAM, DAR(ASTAN)	
DERWEN	ولزی (WELSH):		یونانی (GREEK):
DRU	آلبانی (ALBANIAN):	DRŪS, DŌRU, DOŪRA	
TARU	هیتی (HITTITE):	TRIU	گوتیک (GOTHIC):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	214
BARNHART:	(TREE) 1164
DELMARRE:	(ARBRE, BOIS) 168
MACKENZIE:	(WOOD) 140
BUCK:	48-50
ONIONS:	(TREE) 939
SKEAT:	(TREE) 662
A. ۹	برهان قاطع:

TRĒ	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
TRIO	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
TRĒ	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
TRĒO, TRĒOW	
TREE	انگلیسی (ENGLISH):
TRA	دانمارکی (DANISH):
TRĀD, TRĀ	سوئدی (SWEDISH):
TRE	نروژی (NORWEGIAN):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
DRĒVO, DRŪVA	

یادداشت:

- ۱- در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی این واژه هم به چم "درخت" و هم به چم "چوب" بکار می‌رفته.
- ۲- چم این واژه در زبان‌های ایرلندی کهن و گالی: درخت بلوط.
- ۳- چم واژه‌ی TRAM در زبان ارمنی: محکم.

DĀS, DĀSĒ	فارسی (PERSIAN): داس، داسه
SICKLE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*Dǎ-, *DĀI-, *DĪ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DĀS پهلوی (PAHLAVI):

سانسکریت (SANSKRIT):

DĀTRAM, (DĀTRA, OATI, DAYATI)

DALLE اسپانیایی (SPANISH): (شاید)

DALGIS لیتوانی (LITHUANIAN): (شاید)

DOALGIS لتونی (LATVIAN): (شاید)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	175
MACKENZIE:	(SICKLE) 132
BUCK:	507
۸۱۴ و ۸۱۳	برهان قاطع:

DĀSHTAN	فارسی (PERSIAN): داشتن
HAVE, HOLD	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DHER-, *DHERǎ-, *DHR-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

TARNĪ, TARNEN

DARIAN انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

FIRM انگلیسی (ENGLISH): (از لاتین)

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

DRUZHATI

DRZHET چک (CZECH):

DRZHAT اسلواکی (SLOVAK):

DERIÚ, DERĒTI لیتوانی (LITHUANIAN):

DERU, DERĒT لتونی (LATVIAN):

DRYD ولزی (WELSH):

DAR-, DĀRAYEITI اوستایی (AVESTAN):

: (OLD PERSIAN) پارسی باستان

DAR-, DĀRĀYAMIY

DĀSHTAN پهلوی (PAHLAVI):

DARIN, DARUN اوستی (OSSETIC):

DĀR کردی (KURDISH):

DĀRAGH, DĀRAG بلوچی (BALUCHI):

سانسکریت (SANSKRIT):

DHAR- DHĀRĀYATI

DADAR ارمنی (ARMENIAN):

THĒSASTHAI یونانی (GREEK):

FIRMUS لاتین (LATIN):

FERME فرانسه (FRĒNCH):

FIRME اسپانیایی (SPANISH):

FERMO ایتالیایی (ITALIAN):

FERM رومانی (RUMANIAN):

FIRME پرتغالی (PORTUGUESE):

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	252-254
BARNHART:	(FIRM) 384
MACKENZIE:	
	(HOLD) 118, (HAVE) 117
۸۱۵	برهان قاطع:

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: نشستن، خود را شش نگهداشتن.
چم این واژه در زبان‌های لیتوانی و لتونی: اجیر کردن.
چم این واژه در زبان ولزی: صرفه‌جو.
چم این واژه در زبان‌های رومانس: محکم.

DĀGH	فارسی (PERSIAN): داغ
HOT, BRAND	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DHEGWH-, *DHEGWHO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

لیتوانی (LITHUANIAN):
DĒGU, DĒGTI, DIGTAS, DAHĀ
لتونی (LATVIAN):
DAGLAS, DAGLIS
پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):
DAGIS
ایرلندی کهن (OLD IRISH):
DED-ÓL, DAIG
ولزی (WELSH):
DEIFIO
آلبانی (ALBANIAN):
DJEK

اوستایی (AVESTAN):
DAGHA, DAZHAITI
پهلوی (PAHLAVI):
DAGH
کردی (KURDISH):
DĀGH, DAX, DAXKIRIN
بلوچی (BALUCHI):
DĀG, DĀGH
افغانی (پشتو) (AFGHANI):
DĀGH
تخاری A (TOKHARIAN A):
TSĀK
تخاری B (TOKHARIAN B):
TSAK, TEKI
سانسکریت (SANSKRIT):
DĀHATI, DĀHA-, DĀGHĀ, DĀHAYATI
یونانی (GREEK):
TÉPHRA
لاتین (LATIN):
FOVEŌ, FOVĒRE
گوتیک (GOTHIC):
DAGS
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
ZHEGO, ZHESHTI
روسی (RUSSIAN):
DEGOTU
چک (CZECH):
DEHNA, DAHNEK

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان روسی: قبر.
چم این واژه در زبان گوتیک: روز.

۲- واژه‌ی انگلیسی DAY و آلمانی TAG (هر دو به چم "روز") نیز از همین واج‌ریشه‌اند.

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	240-241
DELAMARRE:	(BRÜLER) 253
AMINDAROV:	(BRAND) 193
A15	برهان قاطع:

DĀM	فارسی (PERSIAN): دام (به چم "جانور اهلی")
TAME (ANIMAL), LIVESTOCK	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DOM-, *DEMH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

TAME	انگلیسی (ENGLISH):	DĀMAN	اوستایی (AVESTAN):
TAM	دانمارکی (DANISH):	DĀM	پهلوی (PAHLAVI):
TAM	سوئدی (SWEDISH):	DOMUN, DOMYN	اوستی (OSSETIC):
TAM	نروژی (NORWEGIAN):		سانسکریت (SANSKRIT):
TAM	هلندی (DUTCH):	DAMYĀTI, DHĀMAN, DAM, DAMYA-	یونانی (GREEK):
DAMNAID	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	DAMĀN, DAMNĀNAI, ANÁTHĒMA	لاتین (LATIN):
GODDEF, ADDEF	ولزی (WELSH):		
ANSAU, DANVAT	برتونی (BRETON):	DOMĀRE, DOMITĀR, DOMŌ	
DAMASZI	هیتی (HITTITE):	TAMJAN	گوتیک (GOTHIC):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

TAMR, TEMJA

TAM: ساکسونی کهن (OLD SAXON):

TAM: فریزی کهن (OLD FRISIAN):

(OLD HIGH GERMAN): آلمانی کهن

ZAM, ZEMMEN

ZAHM, ZAHMEN: آلمانی (GERMAN):

(OLD ENGLISH): انگلیسی کهن

TAM, TEMIAN

یادداشت:

چم این واژه در زبان ولزی: تاب آوردن.

DĀMĀD	فارسی (PERSIAN): داماد
BRIDEGROOM, GROOM	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GEM-, *GÉMEROS, *GÉMETÉR	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

JĀMĀTAR	سانسکریت (SANSKRIT):	ZĀMĀTAR	اوستایی (AVESTAN):
GAM, GAMĒŌ	یونانی (GREEK):	DĀMĀD, DĀMĀT	پهلوی (PAHLAVI):
GENER	لاتین (LATIN):	ZĀWĀT	کردی (KURDISH):
GENORE	فرانسوی (FRENCH):	JĀMĀTH, JĀNWĀTH	بلوچی (BALUCHI):
VERNO	اسپانیایی (SPANISH):	ZŪM, ZŪMGAI	افغانی (پشتو) (AFGHANI):

MACKENZIE:	REFERENCES	پسگشت‌ها
(BRIDEGROOM) 105	POKORNY:	369-370
A1V برهان قاطع:	DELAMARRE:	(GENDRE) 39

DĀNESTAN	فارسی (PERSIAN): دانستن
KNOW	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GEN-, *GENə-, *GNŌ-, *GNŌTI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KAN, KUNNA: (OLD FRISIAN) فریزی کهن	اوستایی (AVESTAN):
: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	ZAN-, ZĀNATĀ-, ZANĀT
KAN, KUNNA	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
KAN, KŌNNEN : (GERMAN) آلمانی	ADĀNĀ-, DAN-
CUNNAN : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	پهلوی (PAHLAVI):
CAN : (ENGLISH) انگلیسی	DĀNASTAN, DĀNISTAN
KANDE, KAN : (DANISH) دانمارکی	اوستی (OSSETIC):
KAN : (SWEDISH) سوئدی	ZŌNIN, ZŌNUN, ZŌNUM
KUNNE : (NORWEGIAN) نروژی	ZĀNIN : (KURDISH) کردی
KUNNEN, KAN : (DUTCH) هلندی	ZANAG, ZANAGH : (BALUCHI) بلوچی
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
ZNATI	PĒZHANAN, -ZANI
ZHINÓTI : (LITHUANIAN) لیتوانی	KNAID, KNĀ : (TOKHARIAN A) A نخاری
ZINĀT : (LATVIAN) لونی	KNĀ : (TOKHARIAN B) B نخاری
: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	سانسکریت (SANSKRIT):
-GNINIM, -GNINAIM	JANDMI, JANIMAS

ارمنی (ARMENIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	376-377
BARNHART:	(CAN 138)
DELAMARRE:	(CONNAITRE) 257
MACKENZIE:	(KNOW) 121
BUCK:	(CAN) 646-648
A19 برهان قاطع:	

CANEAY, KIDNAL, DZANOT	لاتین (LATIN):
NŪSCERE	گوئیک (GOTHIC):
KANN, KUNNAN	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
KAN, KUNNA	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
CAN, CUNNAN	

یادداشت:

۱- واژه‌ی "دانا" نیز از همین واژه است.

۲- بازگشت به: شناختن.

DĀNĒ	فارسی (PERSIAN): دانه
SEED, GRAIN	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DHĒ-, *DHĒi-, *DHŌNĀ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DUŌNA : (LATVIAN) لتونی (لتی)

DANŌ, DĀNA : (AVESTAN) اوستایی

: (PAHLAVI) پهلوی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	242
MACKENZIE:	(SEED) 132
BUCK:	515
MALLORY & ADAMS:	DHOH NEH
۸۷۰	برهان قاطع:

DĀNAK, DĀN, DĀNAG

DĀNĒ, DĀNEKI : (KURDISH) کردی

DAN, DANAG : (BALUCHI) بلوچی

DĀNE : (AFGHANI) افغانی (پشتو)

: (SANSKRIT) سانسکریت

DHANÁS, DHĀNAH, DHĀNYĀ

DŪONA : (LITHUANIAN) لیتوانی

DĀNIDAN	فارسی (PERSIAN): دانیدن (به چشم غلطاندن، جاری شدن)
ROLL, FLOW	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DHEN-, *DHON-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن (شاید)

: (OLD PERSIAN) پارسی باستان

DOGG

DANUVATIY

DOU ساکسونی کهن (OLD SAXON) (شاید)

TSĀN : (TOKHARIAN A) A نخاری

DĀW فریزی کهن (OLD FRISIAN) (شاید)

TSĀN, TSENE : (TOKHARIAN B) B نخاری

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) (شاید)

DHĀVATI, : (SANSKRIT) سانسکریت

TOU, TOWES

DHANAYTI, DHĀNUTAR, DHAUTIS

TAU آلمانی (GERMAN) (شاید)

THEIN : (GREEK) یونانی (شاید)

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) (شاید)

FŌNS, FONTIS : (LATIN) لاتین

DEU, DĒAW

FONTS, FONTAINE : (FRENCH) فرانسه

DEW انگلیسی (ENGLISH) (شاید)

FUENTE : (SPANISH) اسپانیایی

DUG دانمارکی (DANISH) (شاید)

FONTE, FONTANA : (ITALIAN) ایتالیایی

DAGG سوئدی (SWEDISH) (شاید)

FINTINĀ : (RUMANIAN) رومانی

DAUW هلندی (DUTCH) (شاید)

FONTE : (PORTUGUESE) پرتغالی

پسگشت‌ها	REFERENCES	SKEAT:
249	POKORNY:	(DHEU) 753, (DEW) 167
273	BARNHART:	MALLORY & ADAMS: DHEN
263	ONTONS:	(FOUNTAL) 404, (DEW) 273
		1.۰۴۲۱ لغت نامه دهخدا:

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین و زبان‌های ناشی از آن (زبان‌های رومانس): غواره، چشمه.
چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: ژاله، شبنم.

فارسی (PERSIAN):	دایه	DĀYĒ
چم انگلیسی سزواژه‌ی فارسی:		WET NURSE, NANNY
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*DHĒ-, *DHĒNĀ-, *DHEDHN-, *DHĒLU-, *DHEI-	

اوستایی (AVESTAN):	DAENO-, DAĒNU-	DOJITI
پهلوی (PAHLAVI):	DĀYAK, DĀYAG	DENAIID
اوستی (OSSETIC):	DĀIN, DĀYUN	DEJU
کردی (KURDISH):	DĀIN, DĀYE, DĀĒ	DADAN
بلوچی (BALUCHI):	DĀI	DYNU
افغانی (پشتو) (AFGHANI):	DĀYI	DENAFF
سانسکریت (SANSKRIT):	DHA- DHĀTRĪ	DJATHĒ
ارمنی (ARMENIAN):	DAYEAK	
یونانی (GREEK):		

پسگشت‌ها	REFERENCES
241-242	POKORNY:
	MACKENZIE:
125	(NURSE, WET NURSE)
753	(OHEI)
برهان قاطع:	۸۲۲

TIGĒNĒ, GĒLŌ, GĒLAMON

FĒLŌ, FĒLARE (LATIN):

D?GGJA (GOTHIC):

DIE (NORWEGIAN):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

یادداشت:

چم واجریشه‌ی هند و اروپایی این واژه: مکیدن، شیردادن.

چم این واژه در اوستایی: ماده، مادینه.

چم این واژه در زبان‌های لیتوانی و پروس کهن و ولزی و برتونی و سانسکریت و لاتین و گوتیک و نروژی و

اسلاوی کهن: شیردادن.

چم این واژه در زبان آلبانی: شیرترش.

DOXT, DOXTAR	فارسی (PERSIAN): دخت، دختر
DAUGHTER	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DAUG(H)TER, *DHUGðTER	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DATTER : دانمارکی (DANISH)

اوستایی (AVESTAN):

DOTTER : سوئدی (SWEDISH)

DUGEDAR, DUGHDHAR

DATTER : نروژی (NORWEGIAN)

DUXTAR, DUXT : پهلوی (PAHLAVI)

DOCHTER : هلندی (DUTCH)

DUXT, DIT : کردی (KURDISH)

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

CKĀCAR : (TOKHARIAN A) A نخاری

DÜŠTL, DÜŠTERE

TKĀCER : (TOKHARIAN B) B نخاری

DZIWCZYNA : لهستانی (POLISH)

DUHITĀR, : (SANSKRIT) سانسکریت

DOCH, DÖCHERI : روسی (RUSSIAN)

DUHITĀRAM, DUHITĀ

DCERA, DĚVCHĚ : چک (CZECH)

DUSTR : ارمنی (ARMENIAN)

: (LITHUANIAN) لیتوانی

: (GREEK) یونانی

DECĒRA, DIEVCHA

THYGĀTĒR, THYGĀTĒRA

DUKTĒ : لونی (لاتی) (LATVIAN)

DAUHTAR : گوئیک (GOTHIC)

: (OLD SCANDINAVIAN) اسلندی کهن

DÖTTIR

DOTIR : (OLD NORSE) نورس کهن

DOHTA : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

DOCHTER : (OLD FRISIAN) فریزی کهن

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

TOHTER

TOCHTER : (GERMAN) آلمانی

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

DOHTOR

DAUGHTER : (ENGLISH) انگلیسی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	277
BARNHART:	(DAUGHTER) 252
DELAMARRE:	(FILLE) 38
MACKENZIE:	(DAUGHTER) 109
BUCK:	105-106
ONIONS:	(DAUGHTER) 245
SKEAT:	(DAUGHTER) 155
ATP	برهان قاطع:

فارسی (PERSIAN):	دخش، دشت (به چم "تکلیف"، "شغل"، "آغاز کار"، "معامله‌ی اول")
DAXSH, DASHT	
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	JOB, TRANSACTION MARK
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*DEK-, *DEKOS-

اوستایی (AVESTAN):	DISCŌ, DISCĒRE, DOCEŌ, DOCĒRE
ایرلندی کهن (OLD-IRISH):	DECH
پهلوی (PAHLAVI):	NDIEH, NDESH
آلبانی (ALBANIAN):	
داسه‌م، داکش، داسhta، داکشta	DASEM, DAXSH, DĀSHTA-, DAXSHTA
دکشا، دکشاگ	DAXSHAK, DAXSHAG

پسگشت‌ها	REFERENCES
189-190	POKORNY:
	MACKENZIE:
106, (MARK) 123	(CHARACTERISTIC)
برهان قاطع:	۸۲۷
فرهنگ معین:	۱۴۹۸
لغت‌نامه دهخدا:	۱۰۴۹۵

تخاری A (TOKHARIAN A):	TĀK
ختی (KHOTANESE):	
سانسکریت (SANSKRIT):	
DASASYĀTI, DASĀ, DĀSNOTI, DĀSHTI	
ارمنی (ARMENIAN):	ḡNCA, TESANEM
یونانی (GREEK):	DECHOMAI
لاتین (LATIN):	

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: وضع، سرنوشت.
چم این واژه در زبان لاتین: آموختن، آموزاندن.
چم این واژه در زبان ایرلندی کهن: بهترین.
چم این واژه در زبان آلبانی: برخورد کردن، ملاقات کردن.
چم این واژه در زبان یونانی: پذیرفت.

فارسی (PERSIAN):	در، دروازه
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	DOOR, GATE
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*DHWŌR-, *DHUR-, *DHWER-

اوستایی (AVESTAN):	DVAR
پهلوی (PAHLAVI):	DARN, DAR
پارسی باستان (OLD PERSIAN):	DUVAR
اوستی (OSSETIC):	DVAR

DEUR : (DUTCH) هلندی

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

DVIRI

DRZWI : (POLISH) لهستانی

DVER : (RUSSIAN) روسی

DVERE : (CZECH) چک

DVERE : (BOHEMIAN) بوهمی

DVERE : (SLOVAK) اسلواکی

DŪRYŠ : (LITHUANIAN) لیتوانی

DURIS : (LATVIAN) لتونی (لی)

DORUS : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

DOR, DRWS, PORTH : (WELSH) ولزی

DOR : (BRETON) برتونی

DERE : (ALBANIAN) آلبانی

DER, DERI, BAR : (KURDISH) کردی

: (AFGHANI) افغانی (پشتو)

VAR, DARA, DĒRWĀZA

DVĀRAS : (SANSKRIT) سانسکریت

DŪRAS, DVĀRĀU, DVAR, DURÁS

DURN : (ARMENIAN) ارمنی

THŪRĀ, THŪRĀ : (GREEK) یونانی

FORĒS, FORIS, PORTA : (LATIN) لاتین

PORTE : (FRENCH) فرانسه

PUERTA : (SPANISH) اسپانیایی

PORTA : (ITALIAN) ایتالیایی

POARTA : (RUMANIAN) رومانی

PORTA : (PORTUGUESE) پرتغالی

DAUR, TOR : (GOTHIC) گوتیک

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

DYRR

DOR : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

TOR : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

TOR, TŪR : (GERMAN) آلمانی

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

DOR, DŪRU

DOOR : (ENGLISH) انگلیسی

DOR : (DANISH) دانمارکی

DÖR : (SWEDISH) سوئدی

DOR : (NORWEGIAN) نروژی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	278
BARNHART:	(DOOR) 296
DELAMARRE:	(PORTE) 60
MACKENZIE:	(DOOR) 111
BUCK:	465-467
ONIONS:	(DOOR) 284
SKEAT:	(DOOR) 176
AMINDAROV:	(DOOR) 214
۸۲۸	برهان قاطع :

DERĀZ, DRRĀZ	فارسی (PERSIAN): دراز
LONG	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DEĒGH, *DĪGHO.	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DLOUHY, DLHO, DLHY	اوستایی (AVESTAN): DARĀŌ, DARĀGĀ
ILGAG	پارسی باستان (OLD PERSIAN): DARGA
ILGS	پهلوی (PAHLAVI): DRĀZ, DRĀJ
ILGA, ILGI	اوستی (OSSETIC): DARGH
DALA, DALY	کردی (KURDISH): DIRIZH
DALC'H, DERC'HEL	بلوچی (BALUCHI): DRĀJ, DRAJH
GLATĒ	افغانی (بشر): DANGĒR
TALUGAES,	سانسکریت (SANSKRIT): DIRGHĀS
DALUGAES, DALUKI	یونانی (GREEK): DOLIKHOS
	لاتین (LATIN): LONGUS
	گوتیک (GOTHIC): TULGUS
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): TULGE
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	197
DELAMARRE:	(LONG) 221
MACKENZIE:	(LONG) 122
BUCK:	882-883
MRLORY & ADAMS:	DIHGĦÓS
DIHGĦOSADAMS:	
۸۲۹	برهان قاطع:

DLŪGŪ	لهستانی (POLISH): DLUGI
DLŪGI	روسی (RUSSIAN): DÓLGIJ
DLŪHY	چک (CZECH): DLŪHY
DŪG	صربی (SERBIAN): DŪG
	بوهمی (BOHEMIAN):

یادداشت:

۱- بازگشت به: درازا، درنگ.

۲- چَم این واژه در زبان گوتیک: دراز مدت، پایا، محکم

DERAZĀ, DARĀZĀ	فارسی (PERSIAN): درازا
LENGTH	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
DEĒGH, *DĪGHO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DRĀGĪHMĀN, DRĀGHMĀN, DIRGATĀ	اوستایی (AVESTAN): DRĀJAH, DRĀJHŌ
	پهلوی (PAHLAVI): DRAHNĀY, DRANĀY

سانسکریت (SANSKRIT):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	197
DELAMARRE:	(LONGUEUR) 200
MACKENZIE:	(LENGTH) 121
BUCK:	882-883
۸۲۹	برهان قاطع:

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

DLŪGOTA	
DLUGOSC	لهستانی (POLISH):
DLINA	روسی (RUSSIAN):
DĚLKA	چک (CZECH):
DŪJH	صربی (SERBIAN):
DIZHKA	اسلواکی (SLOVAK):
DALUGASTIC	هیتی (HITTITE):

یادداشت:

بازگشت به: دراز، درنگ

DARD	فارسی (PERSIAN): درد
PAIN	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
DER-, DRĒ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	207
MACKENZIE:	(PAIN) 126
AMINDAROV	44
۸۳۴	برهان قاطع:
DART	پهلوی (PAHLAVI):
DARD, DĒRD	کردی (KURDISH):
DARD	بلوچی (BALUCHI):
DARD	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
DARDH	تخاری A (TOKHARIAN A):

یادداشت:

بازگشت به: دریدن

DARZ, DARZMĀN	فارسی (PERSIAN): درز، درزمان (به چشم شکاف جامه، ریسمان)
SLIT, CLEAVAGE, SEAM	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DHEREGH-, *DHRGHNA-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
CARKA	تخاری B (TOKHARIAN B):
DARH-	سانسکریت (SANSKRIT):
DEJAK, DERJAN	ارمنی (ARMENIAN):
DRETH	آلبانی (ALBANIAN):
TARNAHI	هیتی (HITTITE):
DĒREZA, DAREZ-	اوستایی (AVESTAN):
DARZ	پهلوی (PAHLAVI):
DARES	اوستی (OSSETIC):
DEZI	کردی (KURDISH):
	تخاری A (TOKHARIAN A):

TĀRNĀ, TĀRK, CĀRK

MACKENZIE:	(SEAM) 131	REFERENCES	پسگشت‌ها
۸۳۵	برهان قاطع:	POKORNY:	258

یادداشت:

چم این واژه در اوستایی و سانسکریت: محکم کردن

چم این واژه در ارمنی: خیاط، ریسمان

چم این واژه در اوستی: جامه

چم این واژه در زبانهای تخیاری: اجازه دادن، رخصت دادن.

چم این واژه در کردی: ریسمان

۲- در زبان پهلوی واژه‌ی DARZIG به چم «خیاط» بکار می‌رفته است.

DOROST	فارسی (PERSIAN): درست
RIGHT, WELL, CORRECT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DREU-, *DRU, *DREWǵ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

GETROUW : (DUTCH) هلندی
 DRŪTAS : (LITHUANIAN) لیتوانی
 DRUWIS : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن
 DERB : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

DRVA- : (AVESTAN) اوستایی
 : (OLD PERSIAN) پارسی باستان

DRU-DRSHTI, DRUVA-DRSHTI

DURUST, DRUST : (PAHLAVI) پهلوی
 DURUST, DUZ : (KURDISH) کردی

DHRUVÁS : (SANSKRIT) سانسکریت

TRIGGWS : (GOTHIC) گوتیک

TRIUWE : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

TRIVWE : (OLD FRISIAN) فریزی کهن

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

GITRIUWI

TREU : (GERMAN) آلمانی

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

TRĪEWE, TRĒOWE

TRUE : (ENGLISH) انگلیسی

TRO : (DANISH) دانمارکی

TRYGG, IROGEN : (SWEDISH) سوئدی

TRYGG : (NORWEGIAN) نروژی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	214-216
BARNHART:	(TRUE) 1171-1172
MACKENZIE:	
	(RIGHT) 1, (WELL) 140
ONIONS:	(TRUE) 946
SKEAT:	(TRUE) 669
AMINDAROV:	
	(CORRECT) 205, (RIGHT) 279
۸۳۶	برهان قاطع:

یادداشت:

- ۱- بازگشت به: دار، درشت
- ۲- چم این واژه در زبان لیتوانی: قوی
- ۳- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: باوفا، راستین، راست

DOROSHT	فارسی (PERSIAN): درشت
ROUGH, HARSH, LARGE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
ĀDRU-, *DREV-, *DREWə-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	216
MACKENZIE:	
(HARSH) 117, (ROUGH) 131	
۸۳۷	برهان قاطع:

*DRUSHTA

DURUSHT, DRUSHT: (PAHLAVI) پهلوی

: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن

TROS

TRUS: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

TRYSA: (NORWEGIAN) نروژی

یادداشت:

بازگشت به: دار، درست

DERANG, DERANGIDAN	فارسی (PERSIAN): درنگ، درنگیدن
DELAY, PAUSE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
* (D) LONGHO-, *DELEGH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

LARGO	اسپانیایی (SPANISH):	ADAREGHŌ	اوستایی (AVESTAN):
LUNGO	ایتالیایی (ITALIAN):		پهلوی (PAHLAVI):
LUNG	رومانی (RUMANIAN):	DIRANG, DĒRANG, DRANG	
LONGO	پرتغالی (PORTUGUESE):	DERENG	کردی (KURDISH):
LAGGRS	گوتیک (GOTHIC):	LONGUS, LONGA	لاتین (LATIN):
		LONG	فرانس (FRENCH):

LONGO.

گالی (GAULISH):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

LANGR, LENGJA

LANG : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

: (OLD FRISIAN) فریزی کهن

LANG, LENDZA

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

LANG, LENGAN

LANG : (GERMAN) آلمانی

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

LONG, LINGAN

LONG, LINGER : (ENGLISH) انگلیسی

LANG : (DANISH) دانمارکی

LÄNG : (SWEDISH) سوئدی

LANG : (NORWEGIAN) نروژی

LANG, LENGEN : (DUTCH) هلندی

LONG : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

یادداشت:

۱- واجریشه‌ی هند و اروپایی این ریشه در اصل همان واجریشه‌ی است که واژه‌ی «دراز» از آن ناشی شده است.

۲- بازگشت به: دراز

۳- چم این واژه در زبانهای اوستایی و پهلوی: طولانی، پایدار.

۴- چم این واژه در زبانهای رومانس (ناشی از لاتین) و ژرمنی: دراز، طولانی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	197
BARNHART:	
	(LONG) 608, (LINGER) 599
MACKENZIE:	(DURATION) 112
BUCK:	882-883
ONIONS:	(LONG) 536
SKEAT:	
	(LONG) 347, (LINGER) 342
MALLOR & ADAMS:	DLONGHOS
۸۴۱	برهان قاطع:

DERŌ, DORUDAN, DERAVIDAN	فارسی (PERSIAN): درو، درودن، درویدن
REAP, HARVEST	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DER-, *DERU-, *DEDRU-, *DRUĀ-, *DRWA-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DERU, DRLJIM, DRLJITI	لیتوانی (LITHUANIAN): DRŪDAN	پهلوی (PAHLAVI):
	DIRWĒNE	کردی (KURDISH):
	TSRORYE	تخاری A (TOKHARIAN A):
		سانسکریت (SANSKRIT):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	208
BARNHART:	(TARE) 1116
MACKENZIE:	(REAP) 129
BUCK:	587
۸۴۱	برهان قاطع:
۱۰۶۹۵ و ۱۰۶۸۲	لغت‌نامه دهخدا:

DĀ-, DATI, DYATI	یونانی (GREEK):
DERŌ, DĒRHIS	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
DERŌ, DIRA	روسی (RYSSIAN):
DERNŪ	چک (CZECH):
DRU	صربی (SERBIAN):
ZĀDRĒM	

یادداشت:

- ۱- این واژه با واژه‌ی "دویدن" هم‌ریشه است. بازگشت به: دریدن.
- ۲- چشم بیشتر واژه‌های غیر ایرانی این فهرست: بریدن، تراشیدن.

DORŪGH	فارسی (PERSIAN): دروغ
LIE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DHREUGH-, *DHROUGH-, *DHRUGH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DARŌG, DRŌG, DRŌGH	اوستایی (AVESTAN):
	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
DARŌGH, DARWĀGH	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
	سانسکریت (SANSKRIT):
DRŪHYATI, DROGHAS, DRUH-	پهلوی (PAHLAVI):
	کردی (KURDISH):
DRAUGR	بلوچی (BALUCHI):
BIDRIOGAN:	ساکسونی کهن (OLD SAXON):

DRUJ-, DRUZHAITI, DRAOGHA,	چک (CZECH):
	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
DRAUGA, DURUGIYA	پهلوی (PAHLAVI):
DRŌG,	کردی (KURDISH):
DRŌV, DROGH, DRŌ, DRUXTAN	بلوچی (BALUCHI):
DURŪGH, DEREW-	

REFERENCES	پسگت ها
POKORNY:	276
BARNHART:	(DREAM) 300
MACKENZIE:	(LIE) 121
DELAMARRE:	(MAIN) 100
BUCK:	1169-1171
MALLORY & ADAMS:	DHROUGHOS
۸۴۳-۸۴۴	برهان قاطع:

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

TRIOGAN

TRÜGEN :آلمانی (GERMAN)

DASTAK :ارمنی (ARMENIAN)

AIRDRECH :ایرلندی کهن (OLD IRISH)

:ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH)

AURDDRACH

یادداشت:

۱- به احتمال زیاد واژه‌ی انگلیسی DREAM (انگلیسی کهن: DREAM) نیز از همین واج‌ریزه است.

۲- چشم این واژه در زبان ایرلندی میانه: شیخ.

چشم این واژه در زبان آلمانی: گول زدن، گمراه کردن.

DARYĀ	فارسی (PERSIAN): دریا
SEA	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GLEI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

سانسکریت (SANSKRIT): ZRAYAH, ZRĒH- :اوستایی (AVESTAN)

:فارسی باستان (OLD PERSIAN)

JRĀYATI, JRĀYAS

DZOV :ارمنی (ARMENIAN) (شاید)

DRAYAHĀB, ZRĒH

:پهلوی (PAHLAVI)

ZRAY, DRAYĀB, ZRĒH

DERYĀ :کردی (KURDISH)

:بلوچی (BALUCHI)

ZIRIH, ZIRĀ

:افغانی (پشتو) (AFGHANI)

DARYAB, -DARGAY

REFERENCES	پسگت ها
POKORNY:	401
MACKENZIE:	(SEA) 131
BUCK:	36-37
۸۴۷	برهان قاطع:

DARIDAN	فارسی (PERSIAN): دریدن
TEAR, RIP	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DER-, *DRĒ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	DAR-, DERETA	اوستایی (AVESTAN):
DĪRATI, DERO		پهلوی (PAHLAVI):
DRZEC	لهستانی (POLISH):	DARITAN, DARRIDAN
	روسی (RUSSIAN):	کردی (KURDISH): DERIYAN
DRAT, DRATE, DIRAT		بلوچی (BALUCHI):
DĪRA	چک (CZECH):	DIRAG, DIRAGH, DIRRAG
DRATI	بوهمی (BOHEMIAN):	DĀRAL
DIERA	اسلواکی (SLOVAK):	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
DIRTI	لیتوانی (LITHUANIAN):	تخاری A (TOKHARIAN A): TSĀR
NUŌDARAS	لونی (لیتی) (LETTIC):	تخاری B (TOKHARIAN B): TSĀR
		سانسکریت (SANSKRIT):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	206
BARNHART:	(TEAR) 1119
DELAMARRE:	(ÉCORCHER) 251
MACKENZIE:	(TEAR) 136
BUCK:	565-567
ONIONS:	(TEAR) 906
SKEAT:	(TEAR) 633
۲۴۸	برهان قاطع:

DAR-, DRNĀTI, DĀRSHI, DŪRAYA	
DEREIN	یونانی (GREEK):
-TAIRAN, -TAURNAN	گوتیک (GOTIC):
TERA-	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
TERIAN	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
ZERAN	
ZEHREN, ZERREN	آلمانی (GERMAN):
TERAN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
TEAR	انگلیسی (ENGLISH):
TEREN	هلندی (DUTCH):

یادداشت:

در برخی از زبان‌های هند و اروپایی این واژه این چشم‌ها را هم دارد: پوست کندن (از حیوان).

DEJH, DEZ	فارسی (PERSIAN): دژ، دژ
FORTRESS	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DHEIGH-, *DHIGHIOS-, *DHOIGH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
DIDĀ	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
	اوستایی (AVESTAN): UZDAEZA, -DAEZA

DEG : (SWEDISH) سوئدی
 DEIG : (NOREGIAN) نروژی
 DEEG : (DUTCH) هلندی
 : (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
 ZĪDŪ, DĒZA

: (LITHUANIAN) لیتوانی
 DYJHTI, DIEZHTI
 DIDĀ : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	244
BARNHART:	(DOUGH) 297
MACKENZIE:	(FORTRESS) 115
BUCK:	472
ONIONS:	(DOUGH) 286
SKEAT:	
	(DOUGH) 180, (DHEIGH) 753
MALLORY & ADAMS:	DIGHS, DIGHÓS
۸۵۰	برهان قاطع:

DIZ : (PAHLAVI) پهلوی
 FECHO : (OSSETIC) اوستی
 TSEKE : (TOKHARIAN A) تخاری A
 : (SANSKRIT) سانسکریت
 DIH-, DEHI-, DIHMI, DĒHA
 DĒZ : (ARMENIAN) ارمنی
 TEIKHOS, TOIKHOS : (GREEK) یونانی
 FIG- : (LATIN) لاتین
 : (GOTIC) گوتیک

DAIGS, DEIGAN, DEGAN
 : (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن
 DEIG, DEIGR
 DEEG : (OLD FRISIAN) فریزی کهن
 : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
 HEIG, DAG
 TEIG : (GERMAN) آلمانی
 : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
 DĀGES, DĀH, DĀG
 DOUGH : (ENGLISH) انگلیسی
 DEIG : (DANISH) دانمارکی

یادداشت:

- ۱- بازگشت به: دیوار.
- ۲- چشم این واژه در زبان‌های ایرانی باستان و یونانی: دیوار.
- چشم این واژه در زبان‌های اسلاوی و ژرمنی: گِل، خمیر.
- چشم این واژه در زبان تخاری A: مجسمه‌ی کوچک.

DAST	فارسی (PERSIAN): دست
HAND, ARM	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GHESTO-, *GHESR-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DAST, : (PAHLAVI) پهلوی
 DEST, DASK : (KURDISH) کردی
 DAST : (BALUCHI) بلوچی

DASTO, ZASTA- : (AVESTAN) اوستایی
 : (OLD PERSIAN) پارسی باستان
 (DASTA-, ZASTA-

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	447
DELAMARRE:	(MAIN) 100
MACKENZIE:	(HAND) 117
۸۵۴-۸۵۵	برهان قاطع:

DASTA, LĀS	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
HĀSTA, HASTAS	سانسکریت (SANSKRIT)
DASTAK	ارمنی (ARMENIAN)
PRAESTŌ	لاتین (LATIN)
	لیتوانی (LITHUANIAN)
PA-JHASTE, -JHASTIS	
DORĒ	آلبانی (ALBANIAN)

یادداشت:

چَم این واژه در زبان ارمنی: بند، مفصل.
چَم این واژه در زبان لاتین: در دسترس.

DOSH, DEZH-	فارسی (PERSIAN): دش - دز - (به چَم "بد" مثلاً در "دشوار" یا "دزخیم")
BAD, ILL, EVIL, MAL-	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DUS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

TOR-	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
DUZHDU	
DESZCZ	لهستانی (POLISH)
DOZHDU	روسی (RUSSIAN)
DSHCĚ, DESHTI	چک (CZECH)
DÁZHD	اسلواکی (SLOVAK)
DO-, DU-	ایرلندی کهن (OLD IRISH)

DUSH-	اوستایی (AVESTAN)
	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
DUSH, DUZH, (DUZH-VARA)	
	پهلوی (PAHLAVI)
DUSH, DUZH, DUSH-VĀR	
DIJ-, (DIJMIN)	اوستی (OSSETIC)
DIJ-, (DIJMIN)	کردی (KURDISH)
	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
DUSH-, (DUSHMAN)	

دشمن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	227
MACKENZIE:	
(DUJ-, DUSH-) 28	
BUCK:	
(DIFFICULT) 650-652	
AMINDAROV:	(ENEMY) 218
۸۶۷ و ۸۶۵ و ۸۵۱	برهان قاطع:

	سانسکریت (SANSKRIT)
DUSH-, DUR-, DUZH-, DUS-	
DZH-, (DZHVAR)	ارمنی (ARMENIAN)
DYS-, DUS-	یونانی (GREEK)
DIF-, (DIFFICILIS)	لاتین (LATIN)
TUZ-	گوتیک (GOTHIC)
TOR-	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
ZUR-	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

یادداشت:

چَم این واژه در زبان‌های اسلاوی: هرای بد و بارانی، باران.

DOSHMAN	دشمن	فارسی (PERSIAN):
ENEMY	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*DUS-MENES, *DUS-MEN		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
DUSHMANIN	صربی (SERBIAN):	اوستایی (AVESTAN):

DUSHMANAH, DUSHMAINYU

پهلوی (PAHLAVI):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	700
MACKENZIE:	(ENEMY) 112
BUCK:	1344-1346
AMINDAROV:	(ENEMY) 218
APP	برهان قاطع:

DUSHMAN, DUSHMEN

کردی (KURDISH): DIJMIN

افغانی (پشتو) (AFGHANI): DUSHMAN

سانسکریت (SANSKRIT): DURMANĀS

یونانی (GREEK): DSMENÉS

رومانی (RUMANIAN): DUSHMAN

یادداشت:

به احتمال زیاد علت وجود این واژه در زبان‌های آنجست سانه‌ی یا لکان این است: واژه‌ی "دشمن" از فارسی به ترکی و از ترکی به این زبان‌های انتقال یافته است.

DASHN, DASHT	دشن، دشت (به چَم دستلاف یا سودای اول)	فارسی (PERSIAN):
SALE, (FIRST) DEAL	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*DEKS-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

DESN, DESN

روسی (RUSSIAN): DESNITSA

لیتوانی (LITHUANIAN):

DĒSINAS, DESINĖ

ایرلندی کهن (OLD IRISH): DESS

ولزی (WELSH): DEHEU

گالیک (GAELIC): DEAS

آلبانی (ALBANIAN): DJATHË

اوستایی (AVESTAN): DASHINA-

پهلوی (PAHLAVI): DASHN, DASHNAG

سانسکریت (SANSKRIT):

DĀKSINA-, DAKSIND- tax sin - dāg sin

یونانی (GREEK): DEXITERÓS, DEXIÓS

لاتین (LATIN): DEXTER

گوتیک (GOTHIC):

TÁIHSWA, TÁIHSWŌ

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

ZESO, ZESWA

جانی

ONIONS:	(DEXTER) 263	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:	(DEXTER) 167	POKORNY:	190
MALLORY:	140	BARNHART:	(DEXTERITY) 274
۱۵۳۸ و ۱۵۳۶	فرهنگ معین:	MACKENZIE:	
۸۶۶	برهان قاطع:	(RIGHT-HAND) 130, (DASHN) 25	

یادداشت:

چم این واژه در همه‌ی زبان‌های این فهرست (به جز فارسی امروزی): دست راست یا سمت راست، مهارت، ماهر. برخی معتقدند که واژه‌ی "دشت" (یا "دشن") با واژه‌ی "دخش" به چم آغاز و "ابدا" و "تیره" و تارپک" (لغت‌نامه دهخدا: ۱۰۴۹۵) یکی است. حتی اگر "دشن" با واژه‌ی پهلوی DASHN رابطه‌ای نداشته باشد رابطه‌ی واژه‌های اوستایی و پهلوی این فهرست با دیگر واژه‌های این فهرست مورد تأیید همه‌ی پسگشت‌های در دسترس من است.

DELIR, DALIR	فارسی (PERSIAN): دلیر
BRAVE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DHRS-, *DHRSÚS-, *DHORS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DURVEN هندی (DUTCH): اوستایی (AVESTAN):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

DRŪZŪ, DRŪZATE

DZIELNY لهستانی (POLISH):

DERZAT' روسی (RUSSIAN):

DRASŪS لیتوانی (LITHUANIAN):

DRUOSHS لتونی (LITHUANIAN):

DYRSUS پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):

DARSHI-, DARSHYU-, DARḡSHAT

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

ADARSH-DARSHAM, DARSHITA,

DADARSH, DARSH-

DILĒR پهلوی (PAHLAVI):

DELIR کردی (KURDISH):

تخاری A (TOKHARIAN A):

TSĀRA, TSRAI

سانسکریت (SANSKRIT):

DHRSÚS, DHRSNŌTI, DHĀRSATI

THARSUS, THARSHIN یونانی (GREEK):

GADARS گوتیک (GOTHIC):

(OLD HIGH GERMAN):

GITURRAN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

DEAR, DAR, DURRAN

DARE انگلیسی (ENGLISH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	259
BARNHART:	(DARE) 251
MACKENZIE:	(BRAVE) 105
BUCK:	1148-1152
ONIONS:	(DARE) 244
SKEAT:	(DARE) 154-155
AMINDAROV:	(BRAVE) 194

یادداشت:

چَم این واژه در زبان‌های ژرمنی: جرث کردن.

DOM, DOMB	فارسی (PERSIAN): دُم، دُمب
TAIL	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DUMB-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ZHMPFO	اوستایی (AVESTAN): DUMA
DUBA	لهونی (لاتوی) (LATVIAN): DUM, DUMB

اوستی (OSSETIC): DUMAG, DIMĀG

کردی (KURDISH): DUNK, DŪW

بلوچی (BALUCHI):

DUNB, DUMB, DUNBAG

افغانی (پشتو) (AFGHANI): LAM

سانسکریت (SANSKRIT): DHUMBHMA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

یادداشت:

۱- در حاشیه‌ی برهان قاطع: (۸۷۶) آمده است که شاید ریشه‌ی هند و اروپایی این واژه DHUMBHMA باشد.

۲- چَم این واژه در آلمانی کهن: آلت مردی.

۳- احتمال دارد که واژه‌ی انگلیسی DOCK (به چَم "بخش گوش‌نشین دُم جانور") نیز از همین واج‌ریشه باشد (فریزی کهن: DOK یا آلمانی کهن: TOCKA؛ ايسلندی کهن: DOKKA).

DAM, DAMA	فارسی (PERSIAN): دَم، دَمَا (به چَم "نَفَس")
BREATH	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DHEM-, *DHOMBOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

DAMPH

DAMPF آلمانی (GERMAN):

*DAMP انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

DAMP, DANK انگلیسی (ENGLISH):

DYNG, DAMP دانمارکی (DANISH):

DUNKEN سوئدی (SWEDISH):

DUNKEN نروژی (NORWEGIAN):

پهلوی (PAHLAVI): DAM, DAMISHN

اوستی (OSSETIC): DIMIN, DUMUN

کردی (KURDISH): DEM

DAM بلوچی (BALUCHI):

سانسکریت (SANSKRIT):

DHAM-, DHAMITI

ايسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

DUMBA

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	248
BARNHART:	(DAMP) 250
MACKENZIE:	(BREATH) 105
SKEAT:	
	(DAMP) 153, (DUMPS) 185
۸۷۶	برهان قاطع:

DOMPIG	هلندی (DUTCH):
DUMPIU	لیتوانی (LITHUANIAN):
DANGA	لتونی (LATVIAN):
DUMSLE	پروس کهن (OLD PRUSSIAN):

یادداشت:

- ۱- بازگشت به: دمیدن.
- ۲- واژه‌ی "دما" به چم "گرم" هم بکار می‌رود (مثلاً در "دما سنج").
- ۳- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: بخار، وطوبت، دود و دم.
- چم این واژه در ایلندی کهن: غبار، گرد و خاک.

DAMIDAN	فارسی (PERSIAN): دمیدن (به چم "نفس کشیدن" و "فوت کردن یا ورزیدن")
BREATHE, BLOW	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DHEM-, *DHENGUO-, *DHEMBH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DIMMIG	دانمارکی (DANISH):	DAMIDAN, DAFTAN	پهلوی (PAHLAVI):
DAAM	نروژی (NORWEGIAN):	DUMUN, DIMIN	اوستی (OSSETIC):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	DEM-	کردی (KURDISH):
DUMŌ, DOTI			سانسکریت (SANSKRIT):
DUMIŪ, DŪMTI	لیتوانی (LITHUANIAN):	DHĀMATI, DHAMYATĒ, DHMĀYATĒ	
DEIM, DEM	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	THEMERÓS	یونانی (GREEK):
DANKUIŠH	هیتی (HITTITE):		ایلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
		DĀMR, DIMMR	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	247
BARNHART:	(DIM) 279
MACKENZIE:	(BREATHE) 105
ONIONS:	(DIM) 268
SKEAT:	(DIM) 170
۸۸۱	برهان قاطع:

DIUNK, DIMM	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
TIMBER, TUNKAL	
DUNKEL	آلمانی (GERMAN):
DIMM	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
DIM	انگلیسی (ENGLISH):

یادداشت:

۱- بازگشت به: دَم.

۲- چَم این واژه در زبان یونانی: اخم آلود، عبوس.

چَم این واژه در زبان‌های دیگر (به جز زبان‌های ایرانی) تیره، تاریک.

DANDĀN	فارسی (PERSIAN): دندان
TOOTH	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DONT-, *DNT-, *DENT-, *EDONT-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ZAHN	آلمانی (GERMAN):	DANTA, DANTAN	اوستایی (AVESTAN):
TŌTH	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	DANTAN	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
TOOTH	انگلیسی (ENGLISH):	DĀD, DANDĀN	پهلوی (PAHLAVI):
TAND	دانمارکی (DANISH):	DĀNDAG	اوستی (OSSETIC):
TAND	سوئدی (SWEDISH):	DIDĀN, DINDĀN	کردی (KURDISH):
TAND	نروژی (NORWEGIAN):	DANTĀN, DATAN	بلوچی (BALUCHI):
TAND	هلندی (DUTCH):	DĀN,	سانسکریت (SANSKRIT):
DZIEGNA	لهستانی (POLISH):	DĀNT-, DĀNTAM, DATĀS, DĀNTA	
DANTIS	لیتوانی (LITHUANIAN):	ATAMN	ارمنی (ARMENIAN):
DET	ایرلندی کهن (OLD IRISH):		یونانی (GREEK):
DANT	ولزی (WELSH):	ODŌN, ODOŪS, ODŌNTOS	
DANT	برتونی (BRETON):	DĒNS, DENTIS	لاتین (LATIN):

DENT	فرانسه (FRENCH):
DIENTE	اسپانیایی (SPANISH):
DENTE	ایتالیایی (ITALIAN):
DINTE	رومانی (RUMANIAN):
DENTE	پرتغالی (PORTUGUESE):
TUNTHUS	گوتیک (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

TONN	
TAND	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
TŌTH	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
ZAND	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	289
BARNHART:	(TOOTH) 1150
DELMARRE:	(DENT) 97
MACKENZIE:	(TOOTH) 137
BUCK:	231
ONIONS:	(TOOTH) 931
SKEAT:	(TOOTH) 654
۸۸۲	برهان قاطع:

DÓ	فارسی (PERSIAN): دو، ۲
TWO	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DUWŌ, *DUWŌU, *DWŌ, *DUWOI, *DWOI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ZWEI	آلمانی (GERMAN):	DAĒ, DVA, DŌ	اوستایی (AVESTAN):
TWĀ	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	DUVITIYA	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
TWO	انگلیسی (ENGLISH):	DŌ	پهلوی (PAHLAVI):
TO	دانمارکی (DANISH):	DUVĀ	اوستی (OSSETIC):
TVĀ	سوئدی (SWEDISH):	DU, DŪ	کردی (KURDISH):
TVO	نروژی (NORWEGIAN):	DU	بلوچی (BALUCHI):
TWEE	هلندی (DUTCH):	DVA	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	WU, WE	نخاری A (TOKHARIAN A):
DŪVA, DŪVĒ		WI	نخاری B (TOKHARIAN B):
DWA, DWÓJKA	لهستانی (POLISH):	DVĀU, DVĀ	سانسکریت (SANSKRIT):
DVA, DVE	روسی (RUSSIAN):	ERKU	ارمنی (ARMENIAN):
DVA, DVĚ	چک (CZECH):	DŪŌ, DÝO	یونانی (GREEK):
DVA, DVEI-	اسلواکی (SLOVAK):	DUO, DUAE	لاتین (LATIN):
DŪ, DVI	لیتوانی (LITHUANIAN):	DEUX	فرانس (FRENCH):
DÁU, DÓ	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	DOS	اسپانیایی (SPANISH):
DOU, DWY	گالی (GAULISH):	DUE	ایتالیایی (ITALIAN):
DY, DYJ, DŮ	آلبانی (ALBANIAN):	DOI, DOUĀ	رومانی (RUMANIAN):
TA, TĀN	هیتی (HITTITE):	DOUS	پرتغالی (PORTUGUESE):
		TWAL, TWOS, TWA	گوتیک (GOTHIC):
			ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	228
BARNHART:	(TWO) 1179
DELAMARRE:	(DEUX) 211
MACKENZIE:	(TWO) 138
ONIONS:	(TWO) 952
SKEAT:	(TWO) 676
AAA	برهان قاطع:

TVEIR, TVÆR

ساکسونی کهن (OLD SAXON):

TWĒNE, TWĀ

فریزی کهن (OLD FRISIAN):

TWĒNE, TWĀ

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

ZWĒNE, ZWŌ

DŪD	فارسی (PERSIAN): دود
SMOKE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DHŪMOS-, *DHEUH-, *DHUH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DŪM	روسی (RUSSIAN):
DIM	صربی (SERBIAN):
DÝM	بوهمی (BOHEMIAN):
DŪMAI	لیتوانی (LITHUANIAN):
DUMI	لتونی (LATVIAN):
DUMIS	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):
	ایرلندی کهن (OLD IRISH):

DUMACHA, DĒ

TUH, TUHHIMA هیتی (HITTITE):

DŪD, DŪT	پهلوی (PAHLAVI):
DŪ, DUMAN	کردی (KURDISH):
DŪT	بلوچی (BALUCHI):
LŪ	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
TUTE	تخاری B (TOKHARIAN B):
	سانسکریت (SANSKRIT):

DHŪMÁS, DHŪMĀYATI

THŪMOS یونانی (GREEK):

FŪMUS لاتین (LATIN):

FUMÉE فرانسه (FRENCH):

HUMO اسپانیایی (SPANISH):

FUMO ایتالیایی (ITALIAN):

FUM رومانی (RUMANIAN):

FUMACA پرتغالی (PORTUGUESE):

DŌMIAN ساکسونی کهن (OLD SAXON):

TOUM آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

FUME انگلیسی (ENGLISH): (از فرانسه)

(OLD CHURCH SLAVIC): اسلاوی کهن

DYMĀ, DYMŪ

DYM لهستانی (POLISH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	261
BARNHART:	(FUME) 413
DELAMARRE:	(FUMÉE) 182
MACKENZIE:	(SMOKE) 133
BUCK:	73
RAMAT:	34
AMINDAROV:	
	(FOG) 225, (STEAM) 291
۸۹۲	برهان قاطع:

یادداشت:

چشم این واژه در برخی از زبان‌های هند و اروپایی: بخار، روح.

DŪR	فارسی (PERSIAN): دور
FAR, DISTANT	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DUHAROS, *DUEHAROS, *DEU-, *DŪĀ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

(OLD PERSIAN): پارسی باستان

(AVESTAN): اوستایی

DŪRA, DŪRAIY

DŪIRE, DURAĒ, DŪRĀT

DURA	رومانی (RUMANIAN):
DURAR	پرتغالی (PORTUGUESE):
TÜWA	هیتی (HITTITE):

DÜR	پهلوی (PAHLAVI):
DÜR	کردی (KURDISH):
DÜR, DİR	بلوچی (BALUCHI):
LIRI, LERI	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
DÜRÁ	سانسکریت (SANSKRIT):
ERKAR, YERGAR	ارمنی (ARMENIAN):
DĒRHOS, DĒRÓN	یونانی (GREEK):
DŪRARE, DŪRABILIS	لاتین (LATIN):
DURER	فرانسé (FRENCH):
DURAR	اسپانیایی (SPANISH):
DURARE	ایتالیایی (ITALIAN):

REFERENCES	پسگت ها
POKORNY:	219
BARNHART:	(DURABLE) 307
BUCK:	(FAR) 868-869
MALLORY & ADAMS:	DUHAROS
۸۹۴	برهان قاطع:

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های رمانس (لاتین و فرانسه و غیره): دوام آوردن، طول کشیدن، به درازا کشیدن.
چم این واژه در زبان‌های ارمنی و یونانی: دراز.

DŪZAX	فارسی (PERSIAN): دوزخ
HELL	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DUS-, *DWEI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DUHOX	ارمنی (ARMENIAN):	اوستایی (AVESTAN):
DEDEIKHELOS,	یونانی (GREEK):	DAOZHAHVA, DVAĒSH-, DVAĒSHAH-
DEIDĒMON, DEIMÓS, DEILOS		پارسی باستان (OLD PERSIAN):
DIRUS	لاتین (LATIN):	DUSHAHU
		پهلوی (PAHLAVI): DUZHĒ, DUSHOX
		کردی (KURDISH): DŪGHAX, DŪJE
		بلوچی (BALUCHI):

REFERENCES	پسگت ها
POKORNY:	227-228
MACKENZIE:	(HELL) 117
AMINDAROV:	(HELL) 235
۸۹۴	برهان قاطع:

DŌZAK, DŌZĒ, DŌZAX	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
DŌGHAX, DŌZAX	سانسکریت (SANSKRIT):
DVĒŠTI, DVĒŠAS	

یادداشت:

۱- چم اصلی این واژه: دهشتناک، بسیار بد، تفرانگیز، مهلک

۲- ریشه‌های اوستایی و پارسی کهن این واژه: DŪSH (به چم "بد"، "وحشتناک") و ANHŪ (به چم "جهان")

DŪST, DŪST DĀSHĀN	فارسی (PERSIAN): دوست، دوست داشتن
FRIEND, LIKE, LOVE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GEUS, *GUS, *GUSTIS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
KIĀSA, ZĪĀSA	اوستایی (AVESTAN):

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

KIOSAN

KIESEN آلمانی (GERMAN):

CĒOSAN انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

CHOOSE انگلیسی (ENGLISH):

KIEZEN هلندی (DUTCH):

لیتوانی (LITHUANIAN):

ASAGŪ, DOGOA, TOGU

-GUSSIM ایرلندی کهن (OLD IRISH):

DESHA آلبانی (ALBANIAN):

ZAOSH, ZAOSHO, ZUSHTŌ

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

DAUSHTAR, DAUSH-

پهلوی (PAHLAVI):

DŌST, DAUSHTA, DŌSHIDAN

DOST افغانی (پشتو) (AFGHANI):

ختی (KHOTANESE):

YSŪSDĒ, YSUA, YSUYĀN

سانسکریت (SANSKRIT):

JŌSATI, JŌSATĒ, JŌSAH, JŪSTIS

GEÚEIN یونانی (GREEK):

DĒGŪNŌ, GUSTUS لاتین (LATIN):

GOUT فرانسه (FRENCH):

GUSTŌ اسپانیایی (SPANISH):

GUSTO ایتالیایی (ITALIAN):

KAUSJAN, KIUSAN گوتیک (GOTHIC):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

KJOSA

KIOSAN ساکسونی کهن (OLD SAXON):

فریزی کهن (OLD FRISIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	399
BARNHART:	(CHOOSE) 168
DELAMARRE:	(GOUT) 88
MACKENZIE:	
(LIKE) 121, (FRIEND) 115, (LOVE) 122	
ONIONS:	(CHOOSE) 172
۸۹۷	برهان قاطع:

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های هند و اروپایی کهن: خوشایند بودن، مزه دادن، لذت بردن، مزه.

چم این واژه در زبان‌های رمانس: مزه، میل.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی نوین: پسندیدن، گزیدن.

چم این واژه در زبان‌های یونانی: مورد پسند، ارزشمند.

DŪSH	فارسی (PERSIAN): دوش (به چَم کتف)
SHOULDER	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DOUS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DOĖ, DOAT, DRUIMM

DAOSH, DAOSHA : (AVESTAN) اوستایی

TRUM : (WELSH) ولزی

DÓSH : (PAHLAVI) پهلوی

OSHA, OZHA : (AFGHANI) افغانی (پشتو)

: (SANSKRIT) سانسکریت

REFERENCES پگشت‌ها

POKORNY: 226

DELMARRE: (DOS) 98

MACKENZIE: (SHOULDER) 132

BUCK: 236

SKEAT: (DORSAL) 180

۸۹۸ : برهان قاطع

DŪSH, DÓS-, DŌSHÁN, DOSNÁS

DORSUM : (LATIN) لاتین

DOS : (FRENCH) فرانسه

DOSSO : (ITALIAN) ایتالیایی

-DUSE : (LITHUANIAN) لیتوانی

: (OLD IRISH) ایرلندی کهن

یادداشت:

چَم این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی: بازو، ساعد.

DŪSH	فارسی (PERSIAN): دوش (به چَم دیشب)
LAST NIGHT	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DEU	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DEIELOS : (GREEK) یونانی

DAOSHATARA : (AVESTAN) اوستایی

DŌSH : (PAHLAVI) پهلوی

DISSON : (OSSETIC) اوسنی

DUC : (KURDISH) کردی

DOSHI : (BALUCHI) بلوچی

DŌS : (AFGHANI) افغانی (پشتو)

REFERENCES پگشت‌ها

POKORNY: 217

MACKENZIE: (LAST NIGHT) 27

۸۹۸ : برهان قاطع

DŪSHIDAN, DOXTAN, DŪXTAN	فارسی (PERSIAN): دوشیدن، دُختن، دوختن
MILK	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DHEUGH-, *DHAUGH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DŪCHIN, DOCHUN : (OSSETIC) اوسنی

-DUGA : (OLD PERSIAN) پارسی باستان

: (KURDISH) کردی

: (PAHLAVI) پهلوی

DŌTIN, DŪSHIN, DŌSHIM

DŌSHITAN, DŌXTAN, DŌSHIDAN

DOJO	
DOIC	لهستانی (POLISH):
DOJIT	روسی (RUSSIAN):
DOJIT	چک (CZECH):
DOJIT	اسلواکی (SLOVAK):
DĒJU	لتونی (LATVIAN):
DENIM	ایرلندی کهن (OLD IRISH):

پسگشت ما	REFERENCES
271	POKORNY:
(MILK) 123	MACKENZIE:
386	BUCK:
برهان قاطع:	۸۹۲

DOSHAGH	بلوچی (BALUCHI):
DAVASHAL	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
DUHÁTI,	سانسکریت (SANSKRIT):
DÓGDHI, DŌH-	
DIEM	ارمنی (ARMENIAN):
THESTAI	یونانی (GREEK):
FĒLŌ	لاتین (LATIN):
DAUG, DADDJAN	گوتیک (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
DUGA	
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
TUHT, TĀJU	
DEAG	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

DOVVOM, DOYYOM	فارسی (PERSIAN): دوم، دویم
SECOND	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DUI-IOS, *DUI-TOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
TWEEDE	هلندی (DUTCH):
DRUJI	لهستانی (POLISH):
DEUHÝ	چک (CZECH):
DRUHÝ	اسلواکی (SLOVAK):
DYTE	آلبانی (ALBANIAN):
DUYANALLI	هیتی (HITTITE):
DAIBITYA	اوستایی (AVESTAN):
DUITIA	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
DIDOM, DUDIGAR	پهلوی (PAHLAVI):
DWAYAM,	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
DOHAM	
WĀT	تخاری A (TOKHARIAN A):
WATE	تخاری B (TOKHARIAN B):
SĀTA	ختی (KHOTANESE):
DVIAT, DVITIYA	سانسکریت (SANSKRIT):
	رومانی (RUMANIAN):
AL DOILEA, A DOUA	
ZWEIT	آلمانی (GERMAN):

پسگشت ما	REFERENCES
228	POKORNY:
(SECOND) 131	MACKENZIE:
	MALLORY & ADAMS:
	DUI-IOS, DUI-TOS

یادداشت:

چم این واژه در زبان آلبانی: دوما

چم این واژه در زبان هیتی: ستوان دوم

DAVIDAN, DOV	فارسی (PERSIAN): دویدن، دو
RUN	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DHEU-, *DHO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) (شاید)

DĒAW, DAU

DEW انگلیسی (ENGLISH) (شاید)

DUG دانمارکی (DANISH) (شاید)

DAGG سوئدی (SWEDISH) (شاید)

DAUW هلندی (DUTCH) (شاید)

DAV-, DREU-, اوستایی (AVESTAN):

DRAVATI

پهلوی (PAHLAVI):

DAVATAN, DAVISTAN,

DAVIDAN, DWĀRIDAN, DWĀRISTAN

سانسکریت (SANSKRIT):

DHĀVATĒ, DHAV, DRATI

DURGAN ارمنی (ARMENIAN):

یونانی (GREEK):

THĒŌ, THEIN, TRĒKHO

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) (شاید)

DÖGG

نورس کهن (OLD NORSE) (شاید)

DOGG, DOGGUAR

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) (شاید)

TOU

TAU آلمانی (GERMAN) (شاید)

یادداشت:

چم این واژه در زبان هاکا: فند و اروپایی کهن: دویدن، جاری شدن.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی نوین: ژاله.

DEH	فارسی (PERSIAN): ده (مثلاً ده دهکده)
VILLAGE, HAMLET	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DHEU-, *DHUĒ-, *DHŪNO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

فارسی باستان (OLD PERSIAN):

DAXYU, DAHYU اوستایی (AVESTAN):

DOWN, TOWN : (ENGLISH) انگلیسی

TUIN : (DUTCH) هلندی

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

• DŪMO

DUJ : (RUSSIAN) روسی

: (LITHUANIAN) لیتوانی

DUJÁ, DUJE

: (OLD IRISH) ایرلندی کهن

DÚ, DUMAE, DŪN

DŪNOM : (CELTIC) سلتی (کتلی)

DINAS, DIN : (WELSH) ولزی

DEJ : (ALBANIAN) آلبانی

DAHJU, DAHYA

DĒH : (PAHLAVI) بهلولی

DAU : (KURDISH) کردی

DĒH, DĪH : (BALUCHI) بلوچی

DIH : (AFGHANI) افغانی (پشتو)

TWE : (TOKHARIAN A) A تخاری

TWEYE : (TOKHARIAN B) B تخاری

ZTYW : (SOGHDIAN) سغدی

DÁSYU, DÁSÁ : (SANSKRIT) سانسکریت

DOŸLOS, DOŪLOS : (GREEK) یونانی

DUNUM : (LATIN) لاتین

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

TŪN

DYJA : (OLD NORSE) نورس کهن

TŪN : (OLD FRISIAN) فریزی کهن

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

ZŪN

ZAUN : (GERMAN) آلمانی

DŪN, TOŃ : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

یادداشت:

چشم‌های برخی از واژه‌های این فهرست: دژ، تپه‌ی شنی، تپه، وزیدن، شهر، ناحیه
چشم واژه‌ی انگلیسی DOWN: تپه‌ی پوشیده از علف.
چشم واژه‌ی زبان سغدی: تبعید شده، از دهکده رانده شده.
چشم واژه‌ی زبان سانسکریت و واجریشی هند و اروپایی: دشمن.

DAH	فارسی (PERSIAN): ده (۱۰)
TEN	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
•DEKM-, •DEKU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DEH : (KURDISH) کردی

DĀH, DEH : (BALUCHI) بلوچی

LAS : (AFGHANI) افغانی (پشتو)

DASA : (AVESTAN) اوستایی

DAH : (PAHLAVI) بهلولی

DEKET, DĀS : (OSSETIC) اوستی

TIO : (NORWEGIAN) نروژی

TIEN : (DUTCH) ہندی

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

DESETI

DZIESIEĆ : (POLISH) لہستانی

DESIAT, DESIATE : (RUSSIAN) روسی

DESET : (CZECH) چک

DESAT : (SLOVAK) اسلواکی

DĒSHIMT : (LITHUANIAN) لیتوانی

DEICH : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

DEICH : (GAULISH) گالی

DEG : (WELSH) ولزی

SĀK : (TOKHARIAN A) A تخاری

ŚAK : (TOKHARIAN B) B تخاری

: (SANSKRIT) سانسکریت

DĀSA, DĀCHA, DACA

TASN : (ARMENIAN) ارمنی

DĒKA : (GREEK) یونانی

DECEM : (LATIN) لاطین

DIX : (FRENCH) فرانسیسی

DIEZ : (SPANISH) اسپانیائی

DIECI : (ITALIAN) ایتالیائی

ZEĆE : (RUMANIAN) رومانی

DEZ : (PORTUGUESE) پرتغالی

TÁIHUN : (GOTHIC) گوتیک

: (OLD SCANDINAVIAN) ایلندی کهن

TIU

TEHAN : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

TIĀN : (OLD FRISEAN) فریزی کهن

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

ZEHAN

ZEHN : (GERMAN) آلمانی

TĒN : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

TEN : (ENGLISH) انگلیسی

TIO : (DANISH) دانمارکی

TIO : (SWEDISH) سوئیڈی

REFERENCES

پگنت ما

POKORNY: 191

BARNHART: (TEN) 1124

DELAMARRE: (DIX) 214

MACKENZIE: (TEN) 136

ONIONS: (TEN) 909

SKEAT: (TEN) 634

RAMAT: 34

AMINDAROV: (TEN) 297

۹۰۲ : برمان قاطع

یادداشت:

بازگشت بہ: دہم.

DAHOM

فارسی (PERSIAN): دہم

TENTH

چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:

*DEKMOS, *DEKMTOS

: (INDO-EUROPEAN) ہند و اروپائی

DAHOM

: (PAHLAVI) پهلوی

DASŌMA

: (AVESTAN) اوستائی

ZEHNT :آلمانی (GERMAN)

:انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

TEOTHA, TEOGOTHA

TENTH :انگلیسی (ENGLISH)

TIENDE :هلندی (DUTCH)

:اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

DESETŪ

DZIESIATY :لهستانی (POLISH)

:لیتوانی (LITHUANIAN)

DECHMAD, DESHIMTAS

DESMITAIS :لتونی (LATVIAN)

DESSIMTS :پروس کهن (OLD PRUSSIAN)

DECAMETOS :گالی (GAULISH)

DECVET :ولزی (WELSH)

I-DHJETË :گالیک (GAELIC)

DĀSĀM :اوسنی (OSSETIC)

LASAM :افغانی (پشتو) (AFGHANI)

ŠKĀNT :تخاری A (TOKHARIAN A)

:تخاری B (TOKHARIAN B)

SKANTE, SKANCE

:سانسکریت (SANSKRIT)

DASAMĀ, DASAMĀH

TASM-ERORD :ارمنی (ARMENIAN)

DĒCATOS :یونانی (GREEK)

DECIMUS :لاتین (LATIN)

DIXIÈME :فرانسé (FRENCH)

DÉCIMO :اسپانیایی (SPANISH)

DECIMO :ایتالیایی (ITALIAN)

:رومانی (RUMANIAN)

AL ZECELEA, A, ZECEA

DECIMO :پرتغالی (PORTUGUESE)

TAIHUNDA :گوتیک (GOTHIC)

:ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

TIUNDA

:آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

ZEHANTO, ZEHENDO

یادداشت:

بازگشت به: ده.

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	192-193
BARNHART:	(TEN) 1124
MACKENZIE:	(TENTH) 136
ONIONS:	(TEN) 909

DEY, DIRŪZ	فارسی (PERSIAN): دی، دیروز
YESTER(DAY)	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GHDÉS, *GHYÉS, *GHÉS, *GHDYÉS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
ĀZINĀ, AZHINE,	اوسنی (OSSETIC):
ZINON	
.DI	کردی (KURDISH):
ZĒ, ZĪK	بلوچی (BALUCHI):
ZYŌ	اوستایی (AVESTAN):
DIY,	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
DIYAKA	
DĪK	پهلوی (PAHLAVI):

I GAAR	: (DANISH) دانمارکی
I GÅR	: (SWEDISH) سوئدی
IGÅR	: (NORWEGIAN) نروژی
GISTER, GISTEREN	: (DUTCH) هلندی
INDHĒ, IN-DĒ	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
DOE	: (GAULISH) گالی
DJE	: (ALBANIAN) آلبانی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	416
BARNHART:	(YESTERDAY) 1253
DELAMARRE:	(HIER) 297
BUCK:	100
ONIONS:	(YESTER-) 1019
SKEAT:	(YESTERDAY) 729
۹۰۷-۹۰۸	برهان قاطع:

HYÁS	: (SANSKRIT) سانسکریت
CHTHÉS, KHTHÉS	: (GREEK) یونانی
HERI	: (LATIN) لاتین
HIER	: (FRENCH) فرانسه
AYER	: (SPANISH) اسپانیایی
IERI	: (ITALIAN) ایتالیایی
IERI	: (RUMANIAN) رومانی
GISTER(DAGIS)	: (GOTHIC) گوتیک
	: (OLD SCANDINAVIAN) اسلندی کهن

IGAR	
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
GESTARON, GESTREN	
GESTERN	: (GERMAN) آلمانی
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
GEOSTRAN(DAG)	
YESTERDAY,	: (ENGLISH) انگلیسی
YESTER	

DIDAN	: (PERSIAN) فارسی
SEE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DHEI-, *DHIĀ-, *DHI-, *DEDO-	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی

GA-TARHJAN	: (GOTHIC) گوتیک
-DARC	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
EDRYCH	: (WELSH) ولزی
DITURĒ, DITME	: (ALBANIAN) آلبانی

DĀDARESA,	: (AVESTAN) اوستایی
DERES, DĀ(Y)	
DĀI,	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
DIDIY	

DIDAN, DITAN	: (PAHLAVI) پهلوی
DITIN	: (KURDISH) کردی
DIDH, DIDOX	: (BALUCHI) بلوچی
LIDAL, LIDĒL	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
DADĀRŚA, DRC-	: (SANSKRIT) سانسکریت
DARSĀYATI, DIDHYE	
DĒDORKA, IDEIN	: (GREEK) یونانی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	243
DELAMARRE:	(VOIR) 251
MACKENZIE:	(SEE) 132
BUCK:	1042, 1045
۹۱۰	برهان قاطع:

یادداشت:

اشکار است که واژه‌های فارسی "دیده" و "دیدگان" و "دیدار" نیز از همین واژه‌هاست.

DĒM	فارسی (PERSIAN): دیم (به چم زوی، رخسار)
FACE, LOOKS, ASPECT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DHEIǵ-, *DHĪA-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DAEMAN	اوستایی (AVESTAN):
ANDĒMĀN (KAR)	پهلوی (PAHLAVI):
DĒM	کردی (KURDISH):
LĒMA	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
DĒM	ارمنی (ARMENIAN):

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان پهلوی پذیرفته، برده.

۲- بازگشت به: دیدن

DĪV	فارسی (PERSIAN): دیو
DEMON	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DEJWOS-, *DEIWOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DAĒUUA, DAĒVA	اوستایی (AVESTAN):
DAIVA	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
DEV, DĒW	پهلوی (PAHLAVI):
DEIṼAI	اوستی (OSSETIC):
DĒW	کردی (KURDISH):
DEVĀ	سانسکریت (SANSKRIT):
ZEUS	یونانی (GREEK):
DEUS	لاتین (LATIN):
DIEU	فرانسé (FRENCH):
DIOS	اسپانیایی (SPANISH):
DIO	ایتالیایی (ITALIAN):
ZEU	رومانی (RUMANIAN):
DEUS	پرتغالی (PORTUGUESE):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
TĪVAR	

	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
ZĪO	
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
TIG, TĪWES	
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
DIVŪ	
DIEVAS	لیتوانی (LITHUANIAN):
DIEVS	لتونی (لتی) (LATVIAN):
	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):
DEIṼAS, DEIṼS	
DIA	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
DĒVO-	گالی (GAUKISH):
DUW	ولزی (WELSH):
DOU	برتونی (BRETON):

SKEAT:	(DEIW) 753	REFERENCES	پسگشت‌ها
RAMAT:	50	POKORNY:	185-186
AMINDAROV:	(DEMON) 210	DELAMARRE:	(DIEU) 72
۹۱۷	برهان قاطع:	MACKENZIE:	(DEMON) 110
		BUCK:	1464-1465

deviation

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در همه‌ی زبان‌های این فهرست: خدا.
- ۲- علت دگرگونی چم این واژه در زبان‌های ایرانی این است که پس از ظهور زرتشت و آئین او "اهورامزدا" مورد پرستش قرار گرفت و واژه‌ی "دیو" چم کنونی خود را به دست آورد.

DIVĀR	فارسی (PERSIAN): دیوار
WALL	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DHEIGH-, *DHEIGHOS-, *DHEIGMI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ZĒD	: (CZECH) چک	DAĒZAYEITI	: (AVESTAN) اوستایی
ZID	: (SERBIAN) صربی	DIDA	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
ZED	: (BOHEMIAN) بوهمی	DĒWĀR	: (PAHLAVI) پهلوی
ZHIEDZHIU	: (LITHUANIAN) لیتوانی	DIWAR	: (KURDISH) کردی
	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن	DEWĀL	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
SEYDIS		TSEK-	: (TOKHARIAN A) نخاری A
COMOD-DING	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	TSJIK-	: (TOKHARIAN B) نخاری B

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	244-245
DELAMARRE:	
(FAÇONNER LA TERRE) 253	
MACKENZIE:	(WALL) 139
BUCK:	472-473
AMINDAROV:	(WALL) 307

DĒHMI, DEHI-	: (SANSKRIT) سانسکریت
DIZANEM	: (ARMENIAN) ارمنی
TEĪKHOS, TEĪCHOS,	: (GREEK) یونانی
TOIĪCHOS	
FINGŌ, FINGERE	: (LATIN) لاتین
DIGAND	: (GOTHIC) گوتیک
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
ZĪDŪ	

یادداشت:

۱- بازگشت به: دژ

- ۲- چم این واژه در تخاری و لاتین: شکل دادن، (از گگل) ساختن.
 ۳- واژه‌ی انگلیسی DOUGH و آلمانی TEIG (به چم "خمیر") نیز از همین واژه‌ی پهلوی است.

RAST	فارسی (PERSIAN): راست
STRAIGHT, TRUE, RIGHT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*REG-, *RĒGTOS-, *ROG-, *RG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

RECHT	: (GERMAN) آلمانی	RAŽAYEITI, RAZ-	: (AVESTAN) اوستایی
RIHT	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	RASTA-	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
RIGHT	: (ENGLISH) انگلیسی	RĀST	: (PAHLAVI) پهلوی
RET	: (DANISH) دانمارکی	RAS	: (OSSETIC) اوسنی
RĀT	: (SWEDISH) سوئدی	RĀST	: (KURDISH) کردی
RETT	: (NORWEGIAN) نروژی	RĀST	: (BALUCHI) بلوچی
RECHT	: (DUTCH) هلندی	RĀST	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
REZHTIS	: (LITHUANIAN) لیتوانی	RĀK	: (TOKHARIAN B) B تخاری
	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	PJYATI, RAT-	: (SANSKRIT) سانسکریت
RIGIM,	RECHT	RAJIS, RADDHĀ	
RHAITH	: (WELSH) ولزی	ORĒGŌ, OREKTŌS	: (GREEK) یونانی
REIZ	: (BRETON) برتونی	REGŌ, RĒCTUS	: (LATIN) لاتین
		RECT-	: (FRENCH) فرانسه
		RECT-	: (SPANISH) اسپانیایی
		RETT-	: (ITALIAN) ایتالیایی
		RECT-	: (RUMANIAN) رومانی
		RET-	: (PORTUGUESE) پرتغالی
			: (GOTHIC) گوتیک

UF- RAKJAN, RAIHTS

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

REKJA, RĒTR

REHT : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

RIUCHT : (OLD FRISIAN) فریزی کهن

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

REHT

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	854
BARNHART:	(RIGHT) 926
DELAMARRE:	
(DIRIGER EN DROITE LIGNE)	276
MACKENZIE:	
	(STRAIGHT) 135, (TRUE) 137
BUCK:	1180-1181
AMINDAROV:	(STRAIGHT) 292
MALLORY:	125
۹۲۷	برهان قاطع:

یادداشت:

چم "راست" در برابر "کج" و "راست" در برابر "دروغ" و "راست" در برابر "چپ" در اکثر زبان‌های هند و اروپایی وجود دارد.

RĀSŪ	فارسی (PERSIAN): راسو
WEASEL	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*LOHRK	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
MACKENZIE:	(WEASEL) 140
MALLORY & ADAMS:	LOHRK
۹۲۹	برهان قاطع:

RASUG	پهلوی (PAHLAVI):
LUÖSS	لاتین (LATIN):
LASICA	لهستانی (POLISH):
LĀSKA	روسی (RUSSIAN):
VLASICA, LASIKA	بلغاری (BULGARIAN):
LUOSS	لتونی (LATVIAN):

RĀN, RŪN	فارسی (PERSIAN): ران، روَن
THIGH	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SRĒNO-, *SRĒNĀ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

RUMPE	اوستایی (AVESTAN): RĀNA
RUMP	پهلوی (PAHLAVI): RĀN
RUMPE	کردی (KURDISH): RĀN
RUMPA	بلوچی (BALUCHI): RĀN
RUMPE	افغانی (پشتو) (AFGHANI): VRŪN
ROMP	ارمنی (ARMENIAN): ERAN
STRENOS	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): (شاید)

RUMPR	آلمانی میانه (MIDDLE HIGH): (شاید)
RUMPE	آلمانی (GERMAN): (شاید)
RUMPE	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): (شاید)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1002
DELAMARRE:	109
۹۳۲	برهان قاطع:

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: کپل، کنفل.

RĀN, RAH	فارسی (PERSIAN): راه، رَه
ROAD, WAY	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*RET(H)-, *ROTO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

WRAD, RAT	
RAD	آلمانی (GERMAN):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
RADOR, RODOR	
RAT	دانمارکی (DANISH):
RATT	سوئدی (SWEDISH):
RATT	نروژی (NORWEGIAN):
RAD	هلندی (DUTCH):
RĀTAS	لیتوانی (LITHUANIAN):
RATS	لتونی (LATVIAN):
ROTH	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
RHOD	ولزی (WELSH):
-RET, ROD	برتونی (BRETON):

RAITHA, RAITHYA	اوستایی (AVESTAN):
RATHA-,	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
*RATHYA	
RĀH	پهلوی (PAHLAVI):
RĒ, RĪ	کردی (KURDISH):
RĀ, RĀH	بلوچی (BALUCHI):
LĀR, RĀH	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
	سغدی (SOGHDIAN):
R'DH	
	سانسکریت (SANSKRIT):

RĀTHA-, RATHYA	
RAH	ارمنی (ARMENIAN):
ROTA	لاتین (LATIN):
ROUE	فرانس (FRENCH):
RUEDA	اسپانیایی (SPANISH):
RUOTA	ایتالیایی (ITALIAN):
ROATĀ	رومانی (RUMANIAN):
RODA	پرتغالی (PORTUGUESE):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
RODUL	
RETH	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	866
DELAMARRE:	(ROUE) 126
MACKENZIE:	(RĀH) 70
BUCK:	(WHEEL) 714-725
SKEAT:	(RET) 757
۹۳۴	برهان قاطع:

یادداشت:

چَم این واژه در زبان سانسکریت: راه.
چَم این واژه در زبان‌های غیرایرانی این فهرست: چرخ.
چَم این واژه در زبان انگلیسی کهن: آسمان، فلک.

RĀY		فارسی (PERSIAN): رای (به چَم تدبیر و داوری و مقتضای عقل)
WISDOM, TACT		چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*REI-, *RĒI-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
REFERENCES	پسگشت‌ها	اوستایی (AVESTAN):
POKORNY:	860	RĀY, RAYI, RĀEVANT
MACKENZIE:	(RICH) 130	RĀY(OMAND) : (PAHLAVI) پهلوی
THE AMERICAN HERITAGE:		RAY : (KURDISH) کردی
DICTIONARY OF THE ENGLISH:		RAI-, RĒVANT, : (SANSKRIT) سانسکریت
LANGUAGE:	(RE-) 2044	RAYIVANT, RAYÁS, RAYIS
AMINDAROV:	(OPINION) 263	RĒS, REI : (LATIN) لاتین
۱۶۳	برهان قاطع:	

یادداشت:

- ۱- واژه‌ی REAL در زبان‌های انگلیسی و فرانسه نیز از این واج‌ریشه‌است: 891 (REAL): BARNHART.
- ۲- چَم این واژه در زبان‌های ایرانی پیشین: چیزدار، دارا. چَم این واژه در زبان لاتین: چیز، شیئی، دارائی.

RĀY		فارسی (PERSIAN): رای (به چَم پادشاه، سلطان هندی)
KING, RULER		چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*REG-, *ROGI-, *RĒGIO-, *RĒGS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
REIKS, REIKI	گوتیک (GOTHIC):	RASTAR : (AVESTAN) اوستایی
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	RĀJ-, RAJYÁ-, : (SANSKRIT) سانسکریت
RĪHHI		RAJNI-, RĀJATI, RĀY, RANJ, RĀJAN
REICH	آلمانی (GERMAN):	ARCVI : (ARMENIAN) ارمنی
RIGE	دانمارکی (DANISH):	DRÉGŌ, DREGNÓS : (GREEK) یونانی
RIGE	نروژی (NORWEGIAN):	RĒX, RĒGIUS, RĒMS : (LATIN) لاتین
RIJK	هلندی (DUTCH):	ROI : (FRENCH) فرانسه
RĪ, RĪG	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	REY : (SPANISH) اسپانیایی
-RIX	گالی (GAULISH):	RE : (ITALIAN) ایتالیایی
RHI	ولزی (WELSH):	REGE : (RUMANIAN) رومانی
ROUE, ROE	برفونی (BRETON):	REI : (PORTUGUESE) پرتغالی

پسگشت‌ها	REFERENCES	(REGAL) 750, (REGICIDE)
855	POKORNY:	ONIONS: 751
(REGAL) 903	BARNHART:	SKEAT: (REGAL) 507
(ROI) 79	DELAMARRE:	برهان قاطع: ۹۳۶
(KING) 1321-1322	BUCK:	

یادداشت:

این واژه در کلبه و دمه بسیار به کار رفته است.

فارسی (PERSIAN): رده	RADĒ
چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	SERIES, ORDER, ROW
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*ROTHO-, *RET

اوستایی (AVESTAN):	RATHA	دانمارکی (DANISH):	RUND
پارسی باستان (OLD PERSIAN):	*RATAKA	سوئدی (SWEDISH):	RUND
پهلوی (PAHLAVI):	RADAG	نروژی (NORWEGIAN):	RUND
کردی (KURDISH):	RĒZIK	هلندی (DUTCH):	RON
تخاری A (TOKHARIAN A):	RATĀK	لیتوانی (LITHUANIAN):	RĀTAS
تخاری B (TOKHARIAN B):	RETKE	لتونی (LATVIAN):	RATS
سانسکریت (SANSKRIT):	RĀTH-	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	
لاتین (LATIN):	ROTA	گالی (GAULISH):	-RITUM
فرانسه (FRENCH):	ROND	ولزی (WELSH):	RHOD
اسپانیایی (SPANISH):	RODOND	گالیک (GAELIC):	-RITUM
ایتالیایی (ITALIAN):	TONDO	آلبانی (ALBANIAN):	RRETH
رومانی (RUMANIAN):	ROTUND		

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

RADULL	
RETH	:(OLD FRISIAN) فریزی کهن
RAD	:(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
RAD	:(GERMAN) آلمانی
	:(OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
RADOR, ROND	
ROUND, ROTUND	:(ENGLISH) انگلیسی

پسگشت‌ها	REFERENCES
866	POKORNY:
(ROUND) 939	BARNHART:
(ROW) 131	MACKENZIE:
(ROUND) 904	BUCK:
(ROUN) 774	ONIONS:
(RĒZIK) 139	AMINDAROV:
برهان قاطع: ۹۴۴	

پسگشت‌ها	REFERENCES	(BATTLE) 189	AMINDAROV:
855	POKORNY:	برهان قاطع:	۹۴۵
(BATTLE) 103	MACKENZIE:		

یادداشت:

۱- بازگشت به: راست، رای

۲- چم این واژه در زبان لاتین: کنترل، مهار، راهبری، اداره، حکومت کردن.

۳- چم این واژه در سانکریت و اوستایی و پارسی کهن: رده، صف، رزمندگان.

فارسی (PERSIAN):	رُستن، روییدن	ROSTAN, RŪĒDAN
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:		GROW
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):		*LEUDH-

LJUDI روسی (RUSSIAN):

LID, LJUDINŮ چک (CZECK):

LIÁUDIS لیتوانی (LITHUANIAN):

LÁUDIS لتونی (لتی) (LATVIAN):

LUSS ایرلندی کهن (OLD IRISH):

LLYSIAU ولزی (WELSH):

LOUZOU برتونی (BRETON):

LENJ آلبانی (ALBANIAN):

RADDH, اوستایی (AVESTAN):

RAOTHATI, RUD-, RAOTHENTI

RUSTAN پهلوی (PAHLAVI):

RUDAG, RUDHAGH بلوچی (BALUCHI):

RŌDHATI, سانکریت (SANSKRIT):

RŌHATI, RŌHA-, RUDH-, RODHANTI

ELEÚTHEROS یونانی (GREEK):

LĪBRE لاتین (LATIN):

LIBRE فرانسه (FRENCH):

LIBRE اسپانیایی (SPANISH):

LIUDAN گوتیک (GOTHIC):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

LODHENN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

LIOTAN, LIODAN, LIUT

LEODAN, انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

LEOD

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

LJUDŮ

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان‌های یونانی و لاتین: آزاد، وارسته (ضمناً نام خدای ولور و رشد و نمو نیز در زبان لاتین LIBER بود).

چم این واژه در زبان‌های اسلاوی و گالی و ولزی و آلبانی: مردم.

پسگشت‌ها	REFERENCES
684-685	POKORNY:
592	BARNHART: (LIBERAL)
226	DELAMARRE: (LIBRE)
117	MACKENZIE: (GROW)
	ONIONS:
526	(LIBERTY, LIBERAL)
876-877	BUCK: (GROW)
338	SKEAT: (LIBERATE, LIBERTY)
۹۴۹	برهان قاطع:

یادداشت:

چَم این واژه در زبان‌های فریزی کهن، آلمانی کهن، ایرلندی کهن و گالی: چرخ.
چَم این واژه در زبان‌های ژرمنی و آلبانی: حلقوی، گرد.
چَم این واژه در زبان‌های اوستائی و سانکریت: ارابه
چَم این واژه در زبان تخیاری: قشون.
چَم این واژه در زبان ایسلندی کهن: حلقه‌ی نور.

RAZ	فارسی (PERSIAN): رذ (به چَم "درخت انگور")
GRAPEVINE, VINE	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*HYLOC-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ALKISTA-, ALKISTAN: هیتی (HITTITE)

RAZURA: اوستایی (AVESTAN)

RAZ: پهلوی (PAHLAVI)

RAZA: اوستی (OSSETIC)

ÓLÓGINOS: یونانی (GREEK)

:اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

LOZAC

LOZA: روسی (RUSSIAN)

یادداشت:

چَم این واژه در زبان اوستی: میوه‌ها

چَم این واژه در زبان یونانی: انشعاب.

چَم این واژه در زبان هیتی: شاخه.

REFERENCES	پسگشت‌ها
MACKENZIE:	VINE 139
MALLORY & ADAMS:	HYLOC
۹۲۴	برهان قاطع:

RAZM	فارسی (PERSIAN): رزم
BATTLE, FIGHTING	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*RĒG	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

RAJI: سانکریت (SANSKRIT)

RASMAN-, RAZ-,: اوستایی (AVESTAN)

PATERAZM, RAZM: ارمنی (ARMENIAN)

RASMA

OREGMA: یونانی (GREEK)

RAZMA: پارسی باستان (OLD PERSIAN)

REGIMEN, REGERE: لاتین (LATIN)

RAZM: پهلوی (PAHLAVI)

REZM: کردی (KURDISH)

چَم این واژه در ایرلندی کهن: گیاه.
۲- واژه‌ی آلمانی LEUTE (به چَم "مردم") نیز از همین واژه است.

RASTAN	زَستن (به چَم "ریدن"، "نجات یافتن")	فارسی (PERSIAN):
ESCAPE, RELEASE, EMANCIPATE		چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*RĒ-, *RĒWĀ-, *RŌWĀ-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
RESTE, RESTAN		پارسی باستان (OLD PERSIAN):

REST انگلیسی (ENGLISH):
REST دانمارکی (DANISH):
RAST سوئدی (SWEDISH):
RAST نروژی (NORWEGIAN):
RUSTE هلندی (DUTCH):
ROVA لیتوانی (LITHUANIAN):
RĀWA لتونی (LATVIAN):
ARAF ولزی (WELSH):

RADH, AV-RAD پهلوی (PAHLAVI):
RASTAN, RASTĀRIH بلوچی (BALUCHI):
RASTEGAR سانسکریت (SANSKRIT):
AIRIME, RĀMATE یونانی (GREEK):
ĒRŌS, ERA MAI گوتیک (GOTHIC):
RASTA ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	338
BARNHART:	(REST) 918
MACKENZIE:	(ESCAPE) 112
ONIONS:	(REST) 760
SKEAT:	(REST) 513-514,
(EROTIC) 199	
۱۴۹	برهان قاطع:

ROST ساکسونی کهن (OLD SAXON):
RESTA, RAST, RESTIAN فریزی کهن (OLD FRISIAN):
REST, REST آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
RESTA, RASTON آلمانی (GERMAN):
RAST, RASTEN انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

یادداشت:

چَم این واژه در زبان یونانی: حشَق.
چَم این واژه در زبان‌های ژرمنی: واحد مسافت، (در سفر) استراحتگاه، بستر، استراحت، غنودن.

RESIDAN, RASIDAN	وَسیدن	فارسی (PERSIAN):
REACH, ARRIVE		چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*ER-, *ERE-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
RASA-	پارسی باستان (OLD PERSIAN):	
AR- 𐬀𐬵𐬭𐬀, ARAYA-	اوستایی (AVESTAN):	

ÓRNUMI, ÓRNYMI : یونانی (GREEK)
ORIOR : لاتین (LATIN)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	327
MACKENZIE:	(ARRIVE) 102
۹۵۰	برهان قاطع:

RASATIY

RASĪTAN, RASIDAN, : پهلوی (PAHLAVI)

RAS-

RASAG : بلوچی (BALUCHI)

RASĒDAL : افغانی (پشتو) (AFGHANI)

RECHATI, : سانسکریت (SANSKRIT)

-ARĀ, -ĀRANA

Y-ARNEM : ارمنی (ARMENIAN)

یادداشت:

چَم این واژه در زبان لاتین: بلند شدن، بالا رفتن.

RASHK	فارسی (PERSIAN): رَشک (به چَم حسادت)
JEALOUSY, ENVY	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*RES-, *ERES-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

IRRI : ساکسونی کهن (OLD SAXON)

: آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

IRRE : انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

ARSHUS : لیتوانی (LITHUANIAN)

*ARSANA, ARSANIYA : هیتی (HITTITE)

ARASKA, : اوستایی (AVESTAN)

ARṇSHYANT, IRSHYĀ, ARASKA

ARESHK, RASHK : پهلوی (PAHLAVI)

ARISHK, RASHK : بلوچی (BALUCHI)

ARSAL : تَخاری A (TOKHARIAN A)

ARSĀKLAI : تَخاری B (TOKHARIAN B)

IRASYATI, : سانسکریت (SANSKRIT)

IRSYATI, IRSYĀ, ARESYANT

HER : ارمنی (ARMENIAN)

ARoz, AREIĒ : یونانی (GREEK)

IRA : لاتین (LATIN) (شاید)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	337
MACKENZIE:	(JEAKOUSY) 120
BUCK:	1138-1140
۱۰۵ و ۹۵۲	برهان قاطع:

یادداشت:

چَم این واژه در زبان‌های ژرمنی و زبان لاتین: خشمگین، خشم.

چَم این واژه در زبان‌های تَخاری: مار، کرم.

RESHK	رَشک (به چَم تخم شیش)	فارسی (PERSIAN):
NIT		چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*RIK		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

RICINUS :لاتین (LATIN)

*RISHKA :پارسی باستان (OLD PERSIAN)

LISKA :اوستی (OSSETIC)

RISHK :کردی (KURDISH)

RISHK, RASHK :بلوچی (BALUCHI)

RICA, RIXA :افغانی (پشتو) (AFGHANI)

LIKSA, LIKSHA :سانسکریت (SANSKRIT)

REFERENCES	پسگست‌ها
MALLORY & ADAMS:	RIK
۹۵۲	برهان قاطع:

RAGHZE	رَغْزَه (به چَم جامه‌ی پشمین)	فارسی (PERSIAN):
WOOLEN(CLOTH)		چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*REZG-, *RESG-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ROZGA :بلغاری (BULGARIAN)

RAJJUS :سانسکریت (SANSKRIT)

REZGIU, REZGU :لیتوانی (LITHUANIAN)

RESTIS :لاتین (LATIN)

:لتونی (لتی) (LATVIAN)

RÜSKE :فریزی کهن (OLD FRISIAN)

REZHGIS, REJHGET

:آلمانی میانه (MIDDLE HIGH GERMAN)

RUSCHE, ROSCHE

RUSCH :آلمانی (GERMAN)

:انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

RESC, RISC, RESCE

RUSH :انگلیسی (ENGLISH)

RUSK, RYSKJE :نروژی (NORWEGIAN)

RUSCH, RISCH :هلندی (DUTCH)

:اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

ROZGA

REFERENCES	پسگست‌ها
POKORNY:	874
BARNHART:	(RUSH) 946
ONIONS:	778
SKEAT:	529
MALLORY & ADAM:	RESG
۹۵۲	برهان قاطع:
۱۲۱۵۰	لغت نامه دهخدا:

یادداشت:

چَم این واژه در زبان‌های ژرمنی: نی.

چَم این واژه در زبان‌های لیتوانی و لتونی: سِد (ساخته شده از نی)، بافتن.

چَم این واژه در زبان‌های سانسکریت و لاتین: طَتاب (ساخته شده از ساقه‌ی گیاه).

چَم این واژه در زبان اسلاوی کهن: ریشه.

RAFTAN	فارسی (PERSIAN): رفتن
GO, LEAVE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*REBH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REBEN	اوستایی (AVESTAN):
REB	ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH):

RAP-	اوستایی (AVESTAN):
RAF-, RAFTAN	بهلولی (PAHLAVI):
RĀVĀG	اوستی (OSSETIC):
REWİN	کردی (KURDISH):
ROAG	بلوچی (BALUCHI):
	آلمانی میانه (MIDDLE HIGH GERMAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	853
۹۵۵	برهان قاطع:

یادداشت:

مرحوم مین در "پانوش برهان قاطع" (و به پیروی از "نیرنگ" و "هوشمان") واژه‌ی رفتن را از واج‌ریشی هند و اروپایی REP- می‌داند و آن را با واژه‌ی لاتین RĒPŌ هم‌ریشه می‌پندارد (برهان قاطع: ۹۵۵).

ROM	فارسی (PERSIAN): رُم، روم (به چشم موی زهار)
RUBIC HAIR	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*REUMM-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

RUNŌ	روسی (RUSSIAN):
RAUJU	لتونی (لتی) (LATVIAN):
RŌN	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
RHAWN	ولزی (WELSH):

RAZA	اوستی (OSSETIC):
RUWĀ	تخاری B (TOKHARIAN B):
	سانسکریت (SANSKRIT):
RÓMAN, LŌMN, LŌMAN	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
MALLORY & ADAMS:	REUMN-
۹۲۰ و ۹۷۹	برهان قاطع:
۱۲۲۲۸ و ۱۲۴۰۱	لفت نامه دهخدا:

ROGG-, ROGGR	نروژی (NORWEGIAN):
RU	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
RYJO	

یادداشت:

چشم این واژه در سانسکریت: موی بدن انسان و حیوان.
چشم این واژه در تخاری B و لتونی و اسلاوی کهن: گندن.
چشم این واژه در ایرلندی کهن: پال اسب.
چشم این واژه در روسی و نروژی و ایسلندی کهن: موی نرم، پشم نرم.

RANG	فارسی (PERSIAN): رنگ
COLOR	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*REG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

RÉZO, RÉHMA, یونانی (GREEK):
RAHÉUS

RANG پهلوی (PAHLAVI):

RENG, RENK کردی (KURDISH):

RANG بلوچی (BALUCHI):

RANG افغانی (پشتو) (AFGHANI):

RAJYATI, RĀGA, سانسکریت (SANSKRIT):

RAJYATE, RANJAYATI, RANGA

ERANG ارمنی (ARMENIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	854
MALLORY & ADAMS:	REG-
۹۶۴	برهان قاطع:

RUBAH	فارسی (PERSIAN): روباه
FOX	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*LUP-, *ULP-, *LŌUPĒKOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REV نورژی (NORWEGIAN):

LĀPE, لیتوانی (LITHUANIAN):

VILPISHYS

LAPSA, RUADH لثونی (لثی) (LATVIAN):

RUADH ایرلندی کهن (OLD IRISH):

LOUARN برتونی (BRETON):

URUPI, RAOPI اوستایی (AVESTAN):

RŌPĀS, RŌBĀH پهلوی (PAHLAVI):

RŪWI کردی (KURDISH):

ROPASK بلوچی (BALUCHI):

LOPĀSĀ سانسکریت (SANSKRIT):

LOPĀKA, LOPĀSAS

ALUES ارمنی (ARMENIAN):

ALŌPĒKS یونانی (GREEK):

VOLFĒS لاتین (LATIN):

RAPOSA اسپانیایی (SPANISH):

RAPOSA پرتغالی (PORTUGUESE):

RAV دانمارکی (DANISH):

RÄV سوئدی (SWEDISH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1179
DELAMARRE:	(RENARD) 135
MACKENZIE:	(FOX) 115
۹۶۸	برهان قاطع:

RŪD, RŪDXANE	فارسی (PERSIAN): رود، رودخانه
RIVER, STREAM	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SREU-, *SROU-, *SRU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

STROOM	هلندی (DUTCH):	RAODHAITI,	اوستایی (AVESTAN):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	RAVAN	
STRUJA		RAUTA	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
STRUMIEN	لهستانی (POLISH):	RŌT, RŌD	پهلوی (PAHLAVI):
STRUIA	روسی (RUSSIAN):	RŌ, RŪBAR	کردی (KURDISH):
REKA	چک (CZECH):	RŌT	بلوچی (BALUCHI):
RIEKA	اسلواکی (SLOVAK):	-RUD	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
SRAVĒTI, SRUTH-	لیتوانی (LITHUANIAN):	SRĀVATI, SRU,	سانسکریت (SANSKRIT):
STRAVA,	لتونی (لاتی) (LATVIAN):	SROTAS	
STRAUME		ROT	ارمنی (ARMENIAN):
SRUAIMM	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	RHEIN, REŪM	یونانی (GREEK):
SSRWD	ولزی (WELSH):		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

STRAUMR

STRŌM	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
STRĀM	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

STROUM	
STROM	آلمانی (GERMAN):
STRĒAM	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
STREAM	انگلیسی (ENGLISH):
STROM	دانمارکی (DANISH):
STRŌM	سوئدی (SWEDISH):
STRAUM	نروژی (NORWEGIAN):

یادداشت:

این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی (مثلاً یونانی) چشم جاری بودن را نیز دارد.

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1003
BARNHART:	(STREAM) 1075
MACKENZIE:	(RIVER) 131
BUCK:	41-42
ONIONS:	(STREAM) 874
SKEAT:	(STREAM) 706
RAMAT:	130
AMINDAROV:	279
۹۶۹	برهان قاطع:

RŪDĒ	فارسی (PERSIAN): روده
INTESTINE, BOWEL(S)	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*RUT-, *REUTO-, *ROUTO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ROODE هلندی کهن (OLD DUTCH):

RŌDIG, RŌ, RŌTIG پهلوی (PAHLAVI):

RUWI کردی (KURDISH):

RŌTH, RŌS بلوچی (BALUCHI):

RŪDA افغانی (پشتو) (AFGHANI):

RĒADA انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

READ انگلیسی (ENGLISH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	873-874
MACKENZIE:	(INTESTINE) 120
۹۷۰	برهان قاطع:

یادداشت:

چشم این واژه در انگلیسی نوین: شکم جانور

THE NEW SHORTER OXFORD ENGLISH DICTIONARY: 2491

RŪZ	فارسی (PERSIAN): روز
DAY	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*LEUK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

LEUKÓS یونانی (GREEK):

RAOCHA اوستایی (AVESTAN):

LUX, LUCIS لاتین (LATIN):

RAUCHA, پارسی باستان (OLD PERSIAN):

RAUCAH

ROC, RŌZ پهلوی (PAHLAVI):

RUZH-, RŌJ کردی (KURDISH):

VRAJ بلوچی (BALUCHI):

RŌSH, RŌC افغانی (پشتو) (AFGHANI):

RUC-, RŌCISH سانسکریت (SANSKRIT):

LOIS ارمنی (ARMENIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	687-690
MACKENZIE:	(DAY) 109
BUCK:	60, 991
۹۷۱	برهان قاطع:

یادداشت:

۱- بازگشت به: روشن.

۲- چشم واژه‌های سانسکریت و ارمنی و یونانی و لاتین این فهرست: روشنایی.

RŌSHAN, RŌSHANI, RŌSHANĀI	فارسی (PERSIAN): روشن، روشنی، روشنایی
LIGHT, BRIGHTNESS, LUCIDITY	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*LEUK-, *LOUK-, *LUK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

LĀHT, : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	RAOCHAYATI, : (AVESTAN) اوستایی
LĒOHT	RAOCHANT, RAOKHSHANA,
LIGHT : (ENGLISH) انگلیسی	RAOSHNA
LYS : (DANISH) دانمارکی	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
LJUS : (SWEDISH) سوئدی	RAOXSHNA, RAUCHA
LYS : (NORWEGIAN) نروژی	RŌSHN, RŌSHNIH : (PAHLAVI) پهلوی
LICHT : (DUTCH) هلندی	RŌNI : (KURDISH) کردی
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	RŌSHANJ : (BALUCHI) بلوچی
LUCHI	RŌKHAN : (AFGHANI) افغانی (پشتو)
LEKKI, LEKKO : (POLISH) لهستانی	LUK : (TOKHARIAN A) A نخاری
LEHKI : (CZECH) چک	LYUKE, LUK : (TOKHARIAN B) B نخاری
L'AHKÝ : (SLOVAK) اسلواکی	ROCIS, : (SANSKRIT) سانسکریت
LAŪKAS : (LITHUANIAN) لیتوانی	RŌCATE, ROCAYATI, RUSH
LUCKIS : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن	LOIS, LOYS : (ARMENIAN) ارمنی
LUCHIR : (OLD IRISH) ایرلندی کهن	LEUKÓS : (GREEK) یونانی
LUK-, LUKK- : (HITTITE) هیت	LUX, LŪCEŌ, LŪMEN, : (LATIN) لاتین
	LŪCĒRE

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	687-690
BARNHART:	(LIGHT) 594
DELAMARRE:	185, 267
MACKENZIE:	(BRIGH) 105, (LIGHT) 121
BUCK:	60, 991, 55
ONIONS:	(LIGHT) 527
SKEAT:	(LIGHT) 340
AMINDAROV:	(LIGHT) 249
۹۷۶-۹۷۷	برهان قاطع:

LUMIER	: (FRENCH) فرانسه
LUZ	: (SPANISH) اسپانیایی
LUCE	: (ITALIAN) ایتالیایی
LUMINA	: (RUMANIAN) رومانی
LIUHATH	: (GOTHIC) گوتیک
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
LEYGR, LJOS	
LIOHT	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
LIACHT	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
LIOCH	
LICHT	: (GERMAN) آلمانی

یادداشت:

واژه‌های فارسی "رخش" و "درخش" و "درخشیدن" و "رخشیدن" نیز از همین واژه‌ها هستند.

RŌGHAN	فارسی (PERSIAN): روغن
OIL	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*REUGH-MEN-, *REUGH-MN	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ROUM	اوستایی (AVESTAN): RAOGHNA,
RAHM	آلمانی (GERMAN): RAOGAN
REAM	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): RŌGHAN, RŌVN,

RŌGHN	پهلوی (PAHLAVI):
RŪN	کردی (KURDISH):
RŌGAN, RŌGUN,	بلوچی (BALUCHI):
RŌGHAN	

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

RJŪMI

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

یادداشت:

چشم این واژه در آلمانی: خامه، سرشیر.

RIXTAN	فارسی (PERSIAN): ریختن
POUR, SPILL	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*LIEKW-, *LOIKW-, *LIKW-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

LIA	ایرلندی کهن (OLD IRISH): (شاید)
LLIANT	ولزی (WELSH): (شاید)
LUM	آلبانی (ALBANIAN): (شاید)

RAEC-, RAECAYATI	اوستایی (AVESTAN):
RĒXTAN, WĒXTAN, RĒZ-, RĒZISHN	پهلوی (PAHLAVI):

اوستی (OSSETIC): LIJIN, LĒJUN

کردی (KURDISH): RETIN

بلوچی (BALUCHI): RĒCAG, RISHAGH

سانسکریت (SANSKRIT): RĒC-

ارمنی (ARMENIAN): IKANEM

یونانی (GREEK): LEIPO

لاتین (LATIN): LIQUARE

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	669-670
MACKENZIE:	
(RĒXTAN) 72, (POUR) 127	
BUCK:	577
۹۸۷	برهان قاطع:

یادداشت:

۱- بازگشت به: گریختن.

۲- چم این واژه در زبان ایرلندی کهن: سیل.

چم این واژه در زبان‌های ولزی و آلبانی: رود.

چم این واژه در زبان لاتین: آب شدن.

۳- واژه‌ی "ریدن" نیز از همین واژه است.

RISIDAN, RISHTAN, RESHTAN	فارسی (PERSIAN): رسیدن، ریشتن، رشتن
SPIN (TO MAKE YARN)	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*REIK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	858
MACKENZIE:	(STRING) 135
AMINDAROV:	(RIST) 139
۱۹۵۱ و ۱۹۸۸	برهان قاطع:

RISHTAN, RISHTAG: (PAHLAVI) پهلوی

ALWIESSUN, (OSSETIC): اوستی

ALVIJSSIN

RIST, RISTIN (KURDISH): کردی

RĒSAGH, RĒSAG (BALUCHI): بلوچی

RIŚATI (SANSKRIT): سانسکریت

EREICHŌ (GREEK): یونانی

یادداشت:

چم این واژه در زبان پهلوی: ریمان، رشته‌ی نخ.

چم این واژه در زبان یونانی: ریز ریز یا پاره پاره کردن.

RĒSH	فارسی (PERSIAN): ریش (به چم زخم)
WOUND, SORE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*REIS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

RISTA

آلمانی میانه (MIDDLE HIGH GERMAN):

RISTEN, RIST

RITZEN, RISS آلمانی (GERMAN):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

RISHITI

REISUMS, لونی (لنی) (LATVIAN):

RISIĒNS

RAĒSH-, اوستایی (AVESTAN):

RAĒSHYEITI, RAĒSHAH

RĒSH پهلوی (PAHLAVI):

RISH کردی (KURDISH):

RISH بلوچی (BALUCHI):

RISYATI, سانسکریت (SANSKRIT):

RESATI, RISTA-, RĒSHAYATI

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

پسگشت‌ها	REFERENCES	(WOUND) 141, (SORE) 134
859	POKORNY:	برهان قاطع:
	MACKENZIE:	

یادداشت:

۱- در زبان بهلوی واژه RĚSHIDAN چَم "زخم کردن" را داشت.

۲- چَم این واژه در آلمانی: شکاف، خراش، خراشیدن.

۳- چَم این واژه در لثونی: شکاف.

فارسی (PERSIAN):	ریش (به چَم "موی صورت")	RĚSH
چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	BEARD	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*WRĀD-, *WRED-, *WRD-	
پسگشت‌ها	REFERENCES	
1167	POKORNY:	
(BEARD) 104	MACKENZIE:	
(BEARD) 190	AMINDAROV:	
برهان قاطع:	۹۸۸	
پهلوی (PAHLAVI):	RĚSH	
کردی (KURDISH):	RISHI	
افغانی (AFGHANI):	ZHIRA	

یادداشت:

بازگشت به: ریشه

فارسی (PERSIAN):	ریشه	RĚSHĒ
چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	ROOT	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*WRĀD-, *WAḌD-, *WRD-, *WERED-, *WRED-	
اوستایی (AVESTAN):	VARESHAJI	RHIZA
پارسی باستان (OLD PERSIAN):	RESK	RĀDIX
پهلوی (PAHLAVI):	RĚSHAG, RĚSHAK	RACINE
اوستی (OSSETIC):	RIXI, RĚXĒ	RAIS
کردی (KURDISH):	RA, REH	RADISE
افغانی (پشتو) (AFGHANI):	RISHA	RĀDĀCINĀ
تخاری (TOKHARIAN B) B:	WITSAKO	RAIZ
یونانی (GREEK):		
لاتین (LATIN):		
فرانسوی (FRENCH):		
اسپانیایی (SPANISH):		
ایتالیایی (ITALIAN):		
رومانی (RUMANIAN):		
پرتغالی (PORTUGUESE):		

GWRAIDD : (WELSH) ولزی

RRÄNZE : (ALBANIAN) آلبانی

WAURTS : (GOTHIC) گوتیک

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

URT, RÖT

WURT : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

WURZ

WURZEL : (GERMAN) آلمانی

WYRT : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

WORT : (ENGLISH) انگلیسی

URT : (DANISH) دانمارکی

ÖRT : (SWEDISH) سوئدی

URT : (NORWEGIAN) نروژی

WORTEL : (DUTCH) هلندی

FRÉN : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

REFERÉNCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1167
BARNHART: (ROOT) 937, (WORT) 1246	
DELMARRE: (RACINE) 158	
MACKENZIE: (ROOT) 131	
BUCK: 522-523	
ONIONS: (ROOT) 773	
SKEAT: (WORT) 724, (ROOT) 524	
AMINDAROV: (ROOT) 280	
۹۸۸-۹۸۹	برهان قاطع:

یادداشت:

۱- واژه‌ی انگلیسی ROOT نیز از همین واژه است (انگلیسی کهن: ROT، ایسلندی کهن: RÖT).

۲- چم این واژه در زبان انگلیسی: گیاه.

۳- بازگشت به: ریش

ZĀDAN, ZĀĒDAN	فارسی (PERSIAN): زادن، زاییدن
GENERATE, BEAR (CHILDREN)	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GEN-, *GON-, *GNE-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
GENḖ, GIGNĒTHAL, (GREEK) یونانی	اوستایی (AVESTAN): ZAYEITI, ZIZENTI,
GÓNOS	ZĀTA-
NĀSCOR, GIGNĒRE, (LATIN) لاتین	ZĀDAN, ZAY- (PAHLAVI):
NATUS, GENERĀRE	ZAYI, ZĀNĀC, ZĀNAG: (OSSETIC) اوسنی
NAITRE, (FRENCH) فرانسه	ZAIN, ZAYI (KURDISH): کردی
ENGENDRER	ZAGH, ZĀYAG (BALUCHI): بلوچی
NACER, (SPANISH) اسپانیایی	افغانی (پشتو) (AFGHANI): ZEZH, ZOVUL
ENGENDRAR	سانسکریت (SANSKRIT): JĀYATE, JANATI:
NASCERE (ITALIAN) ایتالیایی	CIN, CINANIM (ARMENIAN): ارمنی

GENTIS :لبنانی (LITHUANIAN)

:ایرلندی کهن (OLD IRISH)

GAINIUR, GEINIM

GENI :ولزی (WELSH)

NASTE :رومانی (RUMANIAN)

NASCER, GERAR :پرتغالی (POTUGUESE)

KUNI :گوتیک (GOTHIC)

:ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

KYN

KUNNI :ساکسونی کهن (OLD SAXON)

KENN :فریزی کهن (OLD FRISIAN)

:آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

CHUNNI, KIND

KIND :آلمانی (GERMAN)

:انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

CENNAN, CYN

KIN :انگلیسی (ENGLISH)

KÖN :سوئدی (SWEDISH)

KUNNE :هلندی (DUTCH)

:اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

ZETĪ

REFERENCES	پیگشت‌ها
POKORNY:	373-375
BARNHART:	(KIN) 565
DELAMARRE:	(NAITRE) 256
MACKENZIE:	(BEAR, BE BORN) 104
BUCK:	280-282
ONIONS:	(KIN) 505
SKEAT:	(KIN) 322
AMINDAROV:	(BORN) 193
۱۰۰۲ و ۹۹۵	برهان قاطع:
۱۷۱۸ و ۱۷۱۰	فرهنگ معین:

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی کهن و انگلیسی: همزاد، خویشاوند.

چم این واژه در زبان آلمانی: کودک.

چم این واژه در زبان اسلاوی کهن: شوهر دختر والدین، داماد.

ZĀR, ZĀL :فارسی (PERSIAN) زار (به چم "نحیف و ضعیف"، "پیر")، زال

*GER-, *GERONT-, *GRĒ- :هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

JAR-, JARATI-, :سانسکریت (SANSKRIT)

JARANT

GER :ارمنی (ARMENIAN)

GĒRÖN, GERAS :یونانی (GREEK)

:ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

KARL

ZERL :فریزی کهن (OLD FRISIAN)

ZAIRINA, :اوستایی (AVESTĀN)

ZAURVAN, AZARĀSHANT

ZĀR, ZARWĀN, :پهلوی (PAHLAVI)

ZARMĀN

ZARIN, ZARŪN :اوسنی (OSSETIC)

ZAL :بلوچی (BALUCHI)

ZÖR, ZHARAL :افغانی (پشتو) (AFGHANI)

Varman

زار

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	390-391
BARNHART:	(CHURL) 171
MACKENZIE:	(ZARWÂN) 98
BUCK:	958-959
ONIONS:	(CHURL) 175
SKEAT:	(CHURL) 109
MALLORY & ADAMS:	GERHA-O-S
۹۹۵ و ۹۹۸	برهان قاطع:

KARL

LERL :آلمانی (GERMAN)

CEORL :انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

CHURL :انگلیسی (ENGLISH)

KARL :دانمارکی (DANISH)

KARL :سوئدی (SWEDISH)

KEREL :هلندی (DUTCH)

:اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

ZURETI, ZIRETI

GRUA :آلبانی (ALBANIAN)

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: مرد دهاتی، دهگان.

ZĀGH	فارسی (PERSIAN): زاغ (به چم پرندهای سیاه و کلاغ مانند)
RAVEN	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GHĀGWH-, *GHAG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	409
۹۹۷	برهان قاطع:

JAG :ارمنی (ARMENIAN)

ZOK, ZOGU :آلبانی (ALBANIAN)

ZĀLŪ	فارسی (PERSIAN): زالو، زَلو
LEECH	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GELU	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

GIL :ایرلندی کهن (OLD IRISH)

GELU :سلی (کلتی) (CELTIC)

ZALUG :پهلوی (PAHLAVI)

ZALŪ, ZALŪG, :کردی (KURDISH)

ZALŪL

ZARĀGH :بلوچی (BALUCHI)

ZALLU :افغانی (پشتو) (AFGHANI)

JALUKA :سانسکریت (SANSKRIT)

JALIKA

REFERENCES	پسگشت‌ها
MACKENZIE:	(LEECH) 121
MALLORY & ADAMS:	GELU-
۱۰۲۷ و ۹۹۹	برهان قاطع:

ZĀNŪ	فارسی (PERSIAN): ژانو
KNEE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GENU-, *GONU-, *GNEU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KNEO	اوستایی (AVESTAN): ZĀNU, SHNU
KNIE	آلمانی (GERMAN):
GNĒO	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
KNEE	انگلیسی (ENGLISH):
KNA	دانمارکی (DANISH):
KNĀ	سوئدی (SWEDISH):
KNĀ	نروژی (NORWEGIAN):
KNIE	هلندی (DUTCH):
GLIN	بریتونی (BRETON):
GENU	هیتی (HITTITE):
	پارسی باستان (OLD PERSIAN): ZĀNU-KA
	پهلوی (PAHLAVI): ZĀNŪG, ZĀNŪK, (U)SHNŪG
	کردی (KURDISH): ZĀNA
	بلوچی (BALUCHI): ZĀN
	افغانی (پشتو) (AFGHANI): ZANGUN
	تخاری A (TOKHARIAN A): KANWEN
	تخاری B (TOKHARIAN B): KENINE, KNI-
	سانسکریت (SANSKRIT): JĀNU
	ارمنی (ARMENIAN): CUNR

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	381
BARNHART:	(KNEE) 568
DELAMARRE:	(GENOU) 99
MACKENZIE:	(KNEE) 120
BUCK:	243
ONKONS:	(KNEE) 507
SKEAT:	(KNEE) 324
۱۰۰۰	برهان قاطع:

CÓNU	یونانی (GREEK):
GENŪ	لاتین (LATIN):
GENOU	فرانسوی (FRENCH):
GINOCCHIO	ایتالیایی (ITALIAN):
GENUNCHIO	رومانی (RUMANIAN):
KNIU	گوتیک (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
KNĒ	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

ZĀVOSH	فارسی (PERSIAN): ژاوش
ZEUS	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DEI-, *DIĒUS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	184
RAMAT:	46
۱۰۰۱	برهان قاطع:

DYĀOSH	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
DYĀUH	سانسکریت (SANSKRIT):
ZEŪS	یونانی (GREEK):
JOVE, JUPITER	لاتین (LATIN):
SHIUSH	هیتی (HITTITE):

یادداشت:

۱- بازگشت به: دیو.

۲- (به روایت مرحوم معین) مرحوم پورداود معتقد بود که شکل ایرانی این واژه از یونانی گرفته شده است.

۳- چم این واژه در سانسکریت: آسمان، عرش.

ZEBĀN	فارسی (PERSIAN): زبان
TONGUE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DNĠHŪ, *DNĠHWĀ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

TUNGE : (OLD FRISIAN) فریزی کهن HIZVĀH, HIZŪ : (AVESTAN) اوستایی

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن : (OLD PERSIAN) پارسی باستان

ZUNGA

HIZBANA, HUZVĀN

ZUNGE : (GERMAN) آلمانی

UZVĀN, ZUVĀN, : (PAHLAVI) پهلوی

TUNGE : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

HUZVĀN

TONGUE : (ENGLISH) انگلیسی

ĀWZAG : (OSSETIC) اوستی

TUNGE : (DANISH) دانمارکی

AZMĀN, ZIMAN : (KURDISH) کردی

TUNGA : (SWEDISH) سوئدی

ZAVĀN, ZUVĀN : (BALUCHI) بلوچی

TUNGE : (NORWEGIAN) نروژی

ZHABR, ZHIBA : (AFGHANI) افغانی (پشتو)

TONG : (DUTCH) هلندی

KĀNTU : (TOKHARIAN A) A تخاری

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن KĀNTWO : (TOKHARIAN B) B تخاری

JEZYKŪ

JIVĀ, JUHŪ, : (SANSKRIT) سانسکریت

JEZYK : (POLISH) لهستانی

JIHVĀ

JAZÝK : (RUSSIAN) روسی

LEZU : (ARMENIAN) ارمنی

JAZYK : (CZECH) چک

QINGUA, LINGUA : (LATIN) لاتین

JAZYK : (BOHEMIAN) بوهمی

LANGUE : (FRENCH) فرانسه

JAZYK : (SLOVAK) اسلواکی

LENGUA : (SPANISH) اسپانیایی

LIEZHŪVIS : (LITHUANIAN) لیتوانی

LINGUA : (ITALIAN) ایتالیایی

IN SUWIS : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن

LIMBĀ : (RUMANIAN) رومانی

: (OLD IRISH) ایرلندی کهن

LINGUA : (PORTUGUESE) پرتغالی

TENG, TENGAE

TUNGO, TUGGŌ : (GOTHIC) گوتیک

TAFOD : (WELSH) ولزی

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

TEOD, TEAUT : (BRETON) برتونی

TUNGA

TUNGA : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

BUCK:	230	REFERENCES	پسگشت‌ها
ONIONS:	(TONGUE) 930	POKORNY:	223
SKEAT:	(TONGUE) 653	BARNHART:	(TONGUE) 1149-1150
۱۰۰۳	برهان قاطع:	DELAMARRE:	(LANGUE) 97
		MACKENZIE:	(TONGUE) 137

ZADAN	فارسی (PERSIAN): زدن
HIT, STRIKE	چتم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GWHEN, *GWHÉNMI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

GÜTHEA : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

(AVESTAN) اوستایی

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

GUND-

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

JHENTH, ZHENO

GENŪ : (LITHUANIAN) لیتوانی

GONIM : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

GJANJ : (ALBANIAN) آلبانی

KUENZI, KUEN- : (HITTITE) هیتی

GAN, JAN, JHAINTI

JATA, : (OLD PERSIAN) پارسی باستان

JAN, AJANAM

ZADAN, ZATAN, : (PAHLAVI) پهلوی

ZHATAN

ZHENIN : (KURDISH) کردی

JANAG, JANAGH, : (BALUCHI) بلوچی

ZADAG, ZADHAGH

-ZHAN, : (AFGHANI) افغانی (پشت)

VAZHAN

HAN, HANTI, : (SANSKRIT) سانسکریت

GAN, GANEM, : (ARMENIAN) ارمنی

JNEM

THEINO : (GREEK) یونانی

-FENDŌ, OFFENDŌ, : (LATIN) لاتین

OFFENDĒRE

: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن

GUTHR, GUNNR

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	491-492
BARNHART:	(DEFEND) 259
DELAMARRE:	(FRAPPER) 260
MACKENZIE:	(HIT) 118
BUCK:	552-555, 288-289
SKEAT:	(GWHEN) 420
۱۰۰۷	برهان قاطع:

یادداشت:

۱- ریشه‌ی لاتین این واژه در واژه‌های OFFEND, DEFEND دیده می‌شود.

۲- چم این واژه در زبان هیتی: کشته شده، مقتول.

ZAR	فارسی (PERSIAN): زر
GOLD	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GHEL, *GHLÖ, *GHLTOM, *GHOLTOM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

GULD	سوئدی (SWEDISH):	ZARANYA,	اوستایی (AVESTAN):
GULL	نروژی (NORWEGIAN):	ZARENA, ZARNAINA	
GOUD	هلندی (DUTCH):	ZARNA,	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	DARANYA	
ZLATO, ZĚLTS		ZARR	پهلوی (PAHLAVI):
ZLATO	لهستانی (POLISH):	ZĀRINĀ	اوستی (OSSTIC):
ZOLATO	روسی (RUSSIAN):	ZĒR	کردی (KURDISH):
ZLATO	چک (CZECH):	ZAR	بلوچی (BALUCHI):
ZLATO	صربی (SERBIAN):	ZAR, SRĒ	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
ZLATO	بومی (BOHEMIAN):	SYRN	سغدی (SOGHDIAN):
ZLATO	اسلواکی (SLOVAK):	ZYRAR	ختی (KHOTANESE):
ZELTS	لتونی (لاتی) (LATVIAN):	HIRANYAM,	سانسکریت (SANSKRIT):
		HĀRI, HĀTAKA-	

CHOLĒ	یونانی (GREEK):
GULTH	گوئیک (GOTHIC):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

GULL, GOLL	
GOLD	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
GOLD	
GOLD	آلمانی (GERMAN):
GOLD	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
GOLD	انگلیسی (ENGLISH):
GULD	دانمارکی (DANISH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	429
BARNHART:	(GOLD) 440-441
DELAMARRE:	(L'OR) 182
MACKENZIE:	(GOLD) 116
BUCK:	610
ONIONS:	(GOLD) 405
SKEAT:	(GOLD) 244
AMINDAROV:	(GOLD) 231
۱۰۰۸	برهان قاطع:

یادداشت:

بازگشت به: زرد

ZARD, ZARIN	فارسی (PERSIAN): زرد، زرین
YELLOW	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GHEL, *GHLŌ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

GEEL	هلندی (DUTCH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
ZHLŪTŪ, ZELENŪ, ZHLITŪ	
ZHOLTI	لهستانی (POLISH):
ZELENUIL, ZHELTIJ	روسی (RUSSIAN):
ZHLUTÝ	چک (CZECH):
ZHUT	صربی (SERBIAN):
ZHLŤÝ	اسلواکی (SLOVAK):
ZHEĪVAS,	لیتوانی (LITHUANIAN):
ZAĪVAS, ZHELVAS, GELSVAS	
DZELTĀNS	لتونی (LATVIAN):
GELA	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):
GELATYNAN	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
GILVUS	گالی (GAULISH):
GELL	گالیک (GAELIC):
DHELPĚRĚ	آلبانی (ALBANIAN):

ZARI, ZARETA,	اوستایی (AVESTAN):
ZARISH	
*ZARTA	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
ZART, ZARD	پهلوی (PAHLAVI):
ZERD	اوستی (OSSTIC):
ZER, ZERIN	کردی (KURDISH):
ZARD	بلوچی (BALUCHI):
ZIYAR, ZHER	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
HĀRIS, HARITA	سانسکریت (SANSKRIT):
ZARTAGOIN	ارمنی (ARMENIAN):
KHLOOS, CHLŌRŌS	یونانی (GREEK):
HELVUS	لاتین (LATIN):
JAUNE	فرانسé (FRENCH):
GIALLO	ایتالیایی (ITALIAN):
GALBEN, GLALLO	رومانی (RUMANIAN):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

GULR	
GELO	ساگسونی کهن (OLD SAXON):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
GELO	
GELB	آلمانی (GERMAN):
GEOLU,	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
GEOLWE	
YELLOW	انگلیسی (ENGLISH):
GUL	دانمارکی (DANISH):
GUL	سوئدی (SWEDISH):
GUL	نروژی (NORWEGIAN):

یادداشت:

۱- بازگشت به: زرد.

۲- چشم این واژه در برخی زبان‌های اسلاوی: سبز مایل به زرد.

REFERENCES	پیگشت‌ها
POKORNY:	429
BARNHART:	(YELLOW) 1253
DELAMARRE:	(JAUNE, VERT) 238
MACKENZIE:	(YELLOW) 141
BUCK:	1059
ONIONS:	(YELLOW) 1019
SKEAT:	(YELLOW) 728
AMINDAROV: (ZER) 174, (ZERIN) 175	
۱۰۱۲	برهان قاطع:

ZEREH	فارسی (PERSIAN): زره
ARMOR, ARMOUR	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GHLĀD	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

CHALAZĀ, CHĒLADA: یونانی (GREEK)
AD-GLADUR: ایرلندی کهن (OLD IRISH):

ZRADA, ZRĀDHA: اوستایی (AVESTAN)
ZRĒH, ZEREH: پهلوی (PAHLAVI)
ZGHAR: اوستی (OSSETIC)
ZIRX, ZIRĪ: کردی (KURDISH)
ZIRIH: بلوچی (BALUCHI)
ZIRA: افغانی (پشتو) (AFGHANI)
HRĀDATĒ: سانسکریت (SANSKRIT)
HRADĀ-

REFERENCES	پیگشت‌ها
POKORNY:	451
MACKENZIE:	(ARMOUR) 102
1۰۱۹	برهان قاطع:

یادداشت:

واژه‌ی "زراد" و "زرادخانه" نیز از همین واژه‌هاست.

ZESHT	فارسی (PERSIAN): زشت
UGLY	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GHEIS, *GHEIZD, *GHEIZDHOS, *GHEIZDH	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

GEIST: آلمانی (GERMAN)
GĀST: انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
GHOST: انگلیسی (ENGLISH)
GEEST: هلندی (DUTCH)

ZAĒSHA-: اوستایی (AVESTAN)
ZŌISHNU-, ZŌIZHDISHTA-
ZISHT, ZESHT: پهلوی (PAHLAVI)
ZIXT: افغانی (AFGHANI)
HĒDÁS: سانسکریت (SANSKRIT)
US-GEISNAN, : گوتیک (GOTHIC)
US-GAISJAN

:ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

GEISKA
GEST: ماکسونی کهن (OLD SAXON)
JĒST, GĀST: فریزی کهن (OLD FRISIAN)
:آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
HĒD, HEDAH, GEIST

REFERENCES	پیگشت‌ها
POKORNY:	427
BARNHART:	(GHOST) 431
MACKENZIE:	(UGLY) 138
ONIONS:	(GHOST) 396
SKEAT:	(GHOST) 238
1۰۲۱	برهان قاطع:

یادداشت:

چشم آغازین این واژه: وحشت‌انگیز، خشم آور، دشت، غضب.
چشم این واژه در آلمانی و انگلیسی: روح، شیخ.

ZEMESTAN	فارسی (PERSIAN): زمنستان
WINTER	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GHEI-, *GHEIM-, *GHIOM-, *GHEIMON	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ZIMA	روسی (RUSSIAN):	ZYĀ, ZYAṀ, ZĀEM	اوستایی (AVESTAN):
ZIMA	چک (CZECH):	ZAM-, ZAMESTAṆ	پهلوی (PAHLAVI):
ZIMA	صربی (SERBIAN):	ZIMAG, ZUMĀG	اوستی (OSSETIC):
ZIMA	یوهمی (BOHEMIAN):	ZIVISTAN	کردی (KURDISH):
ZIMA	اسلواکی (SLOVAK):	ZHĒMAY	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
ZHIEMA	لیتوانی (LITHUANIAN):	HĒMAN,	سانسکریت (SANSKRIT):
ZIEMA	لتونی (لاتی) (LATVIAN):	HEMANTÁS, HĒMA-	
GIAMONIOS	گالی (GAULISH):	JIUN, ZMERN	ارمنی (ARMENIAN):
DIMĒN	آلبانی (ALBANIAN):	KHEIMŌN	یونانی (GREEK):
KIMANZA	هیتی (HITTITE):	HIEMS	لاتین (LATIN):
		HIVER	فرانس (FRENCH):
		INVERNO	اسپانیایی (SPANISH):
		INVERNO	ایتالیایی (ITALIAN):
		IARNĀ	رومانی (RUMANIAN):
		INVERNO	پرتغالی (PORTUGUESE):
			اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
		ZIMA	
		ZIMA	لهستانی (POLISH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	425-426
DELAMARRE:	(HIVER) 194
MACKENZIE:	(WINTER) 140
BUCK:	1013-1016
AMINDAROV:	(WINTER) 310
۱۰۳۱ و ۱۰۲۸	برهان قاطع:

یادداشت:

چشم واژه‌ی JIUN در زبان ارمنی: یرف.
چشم این واژه در زبان گالی: نام یکی از ماه‌های زمستان.

ZAMIN	فارسی (PERSIAN): زمین
EARTH, LAND	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GHEM-, *GHOM-, *DHEGHŌM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ZAMIK, ZAMĪG	بلوچی (BALUCHI):	ZĀM-	اوستایی (AVESTAN):
JMAKA	افغانی (پشتو) (AFGHANI):	ZAMĪK	پهلوی (PAHLAVI):
TKAM	تخاری (TOKHARIAN A) A:	ZĀX, ZĀNXĀ	اوستی (OSSETIC):

SEMMIN, : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن
 SAME
 DÚ, DON, : (OLD IRISH) ایرلندی کهن
 DHE : (ALBANIAN) آلبانی
 TEKAN : (HITTITE) هیت

KEM : (TOKHARIAN B)B تخاری
 KSAM, JMÁ : (SANSKRIT) سانسکریت
 KHTHÓN : (GREEK) یونانی
 HUMUS : (LATIN) لاتین
 : (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

ZEMĽA
 ZIEMIA : (POLISH) لهستانی
 SEMLYA : (RUSSIAN) روسی
 ZÉMĚ : (CZECH) چک
 ZEMĽA : (SERBIAN) صربی
 ZEMĚ : (BOHEMIAN) بوهمی
 ZEM : (SLOVAK) اسلواکی
 ZHĚME : (LITHUANIAN) لیتوانی
 ZEME : (LATVIAN) لتونی

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	414-415
DELAMARRE:	(LA TERRE) 181
MACKENZIE:	(EARTH) 112
BUCK:	16-17
SKEAT:	(GHEL-, GHEM) 757
۱۰۳۲	برهان قاطع:

ZAN	فارسی (PERSIAN) زن
WOMAN	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GWĒNA, *GWNAS, *GWEN-, *GWĒNIS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KONA, KVĀN	JANI, GENĀ, JAINI : (AVESTAN) اوستایی
QVENA, : (OLD SAXON) ساکسونی کهن	ZAN : (PAHLAVI) پهلوی
QVĀN	JIN : (KURDISH) کردی
: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	JAN : (BALUCHI) بلوچی
QUENA, GUENA	JINAI : (AFGHANI) افغانی (پشتو)
CWENE, : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	ŚĀM : (TOKHARIAN A) A تخاری
CWĒN	ŚANA : (TOKHARIAN B) B تخاری
QUEAN, QUEEN : (ENGLISH) انگلیسی	JANIS : (SANSKRIT) سانسکریت
KVINDE, KONE : (DANISH) دانمارکی	KIN : (ARMENIAN) ارمنی
KVINNA, KONA : (SWEDISH) سوئدی	GYNĒ : (GREEK) یونانی
KVINNE : (NORWEGIAN) نروژی	QUINŌ, GĒNS, : (GOTHIC) گوتیک
QUENE : (DUTCH) هلندی	KWĒNS
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن

ZONJË آلبانی (ALBANIAN):

ZHENA

ZONA لهستانی (POLISH):

ZENA, ZENSHCHINA روسی (RUSSIAN):

ZHĚNA چک (CZECH):

ZHENA صربی (SERBIAN):

ZHĚNA اسلواکی (SLOVAK):

ZHENA برهمی (BOHEMIAN):

ZHMONA لیتوانی (LITHUANIAN):

SIEVA لونی (LATVIAN):

GENNA پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):

GĒN, BEN ایرلندی کهن (OLD IRISH):

BENYW ولزی (WELSH):

REFERENCES پسگشت‌ها

POKORNY: 473

BARNHART: (QUEAN, QUEEN) 874

DELAMARRE: (FEMME) 49

MACKENZIE: (WOMAN) 140

BUCK: 82-83

ONIONS: (QUEAN, QUEEN) 731

SKEAT: (QUEAN) 491, (QUEEN) 492

۱۰۳۳ برهان قاطع:

یادداشت:

در انگلیسی نوین چم QUEAN "زن پرور، سلطه" است و چم QUEEN "ملک" است.

ZANAX, ZANAXDĀN فارسی (PERSIAN): زنخ، زنخدان (به چم "چانه")

CHIN چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:

*GĒNW, *GONEDH, *GNEDH هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ZIN, KIN فریزی کهن (OLD FRISIAN):

KINNI آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

KINN آلمانی (GERMAN):

CIN انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

CHIN انگلیسی (ENGLISH):

KIND دانمارکی (DANISH):

KIND سوئدی (SWEDISH):

KIND نروژی (NORWEGIAN):

KIN هلندی (DUTCH):

ZĀNDAS لیتوانی (LITHUANIAN):

GIN ایرلندی کهن (OLD IRISH):

GEN ولزی (WELSH):

ZANVA اوستایی (AVESTAN):

کردی (KURDISH):

CHENE, CHENG, ZAND

ZĒNA افغانی (افغانی) (AFGHANI):

ŠANWEM بخاری (TOKHARIAN A):

HANUS سانسکریت (SANSKRIT):

CNAUT ارمنی (ARMENIAN):

GĒNY یونانی (GREEK):

GENA, GENAE لاتین (LATIN):

KINNUS گوتیک (GOTHIC):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

KINN

KINNI ساکسونی کهن (OLD SAXON):

ONIONS:	(CHIN) 170	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:	(CHIN) 107	POKORNY:	381
AMINDAROV:	(CHIN) 199	BARNHART:	(CHIN) 166
۱۰۳۶	برهان قاطع:	BUCK:	220-224

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ارمنی و لاتین و گوتیک و زبان‌های اسکاندیناوی: گونه.
چم این واژه در زبان‌های لیتوانی و تخیاری: آرواره.
چم این واژه در زبان ایرلندی کهن: دهان.

ZENDÉ, ZĒVĀ	فارسی (PERSIAN): زنده، زیوا
LIVE, ALIVE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GWĪWOS, *GWĪ, *GWĪŌW, *GWEI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

اوستایی (AVESTAN):

KVIKR

JHITI, JHIV, JHIVYA, JHIVATU

QUIK : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

: (OLD PERSIAN) پارسی باستان

QUIK : (OLD FRISIAN) فریزی کهن

JIVANT, JIV-

QUEC : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

ZINDAK, : (PAHLAVI) پهلوی

KECK : (GERMAN) آلمانی

ZHIVANDAK,

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

ZINDAG, ZWISHNOMAND

CWICU, CUIC

ZINDI, JINDAR : (KURDISH) کردی

QUICK : (ENGLISH) انگلیسی

ZHWANDAY : (AFGHANI) افغانی (پشتو)

KVIK : (DANISH) دانمارکی

: (SANSKRIT) سانسکریت

QVICK : (SWEDISH) سوئدی

JĪVAS, JĪWANA, JIV

KVIKK : (NORWEGIAN) نروژی

BIOS, ZŌĒ : (GREEK) یونانی

KWIK : (DUTCH) هلندی

VĪVUS : (LATIN) لاتین

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

VIVANT : (FRENCH) فرانسه

ZHIVŪ

VIVO : (SPANISH) اسپانیایی

ZHIJACI : (POLISH) لهستانی

VIVO : (ITALIAN) ایتالیایی

: (RUSSIAN) روسی

VIU : (RUMANIAN) رومانی

ZHIVAJ, ZHIT, JIVOTI

VIVO : (PORTUGUESE) پرتغالی

: (CZECH) چک

QIUS, QIWAI : (GOTHIC) گوتیک

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	467-469
BARNHART:	(QUICK) 875
DELAMARRE:	223
MACKENZIE:	
(ALIVE) 102, (LIVING) 122	
BUCK:	285-286
ONIOS:	(QUICK) 731
SKEAT:	(QUICK) 492
AMINDAROV:	(ALIVE) 183
۱۰۸۳	برهان قاطع:

NAZHIVU, ZHIJICI

ZHIV, ZHIVJETI	صربی (SERBIAN):
ZHIVOUCHI	برهمی (BOHEMIAN):
NAJHIVE, ZHIVÝ	اسلواکی (SLOVAK):
GÝVAS, GYVENTI	لیتوانی (LITHUANIAN):
DZIVS, DZIGA	لتونی (لتی) (LATVIAN):
BEO, BIU	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
BIW	ولزی (WELSH):
BEVA	برتونی (BRETON):
BIW	گالیک (GAELIC):

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در زبان آلمانی نوین: سرزنده.
- چم این واژه در زبان هلندی: جیره.
- ۲- یکی از چم‌های واژه‌ی انگلیسی QUICK: زنده.
- ۳- بازگشت به: زیستن.

فارسی (PERSIAN):	زوت، زوتر، زاوتر (به چم *موید زرتشتی مامور تهیه کردن آب مقدس*)
ZOT, ZAOTAR, ZAVTAR	
(ZOROASTRIAN) PRIEST	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GHEW-, *GHEWD-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

JĀTA : (OLD FRISIAN) فریزی کهن
 : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

GIOZZAN, GUSSA

GIessen : (GERMAN) آلمانی

GĒOTAN : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

GUSH : (ENGLISH) انگلیسی

GYDE : (DANISH) دانمارکی

GIOTA : (SWEDISH) سوئدی

GOTA : (NORWEGIAN) نروژی

GOOT, GUDSEN : (DUTCH) هلندی

: (LITHUANIAN) لیتوانی

ZAOTAR, ZAOTHRĀ

ZŌT : (PAHLAVI) پهلوی

: (SANSKRIT) سانسکریت

JUHOTI, JUHUTE, JHOTAR

JOR, JOYL : (ARMENIAN) ارمنی

CHEŪMA, CHEŌ : (GREEK) یونانی

FUNDŌ, FUNDERE : (LATIN) لاتین

GIUTAN : (GOTHIC) گوتیک

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

GIŌTA, GUSTR, GUSA

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	447-448
MACKENZIE:	(ZOT) 99
SKEAT:	(GUSH) 255
۱۳۰۰۹ و ۱۳۰۰۲	لغت نامه دهخدا:

VAUSÚS, GAUSĒTI

GAÜSS :لثونی (لثی) (LATVIAN)

پادداشت:

۱- واژه‌ی "زور" به چم "آب مقدس که در مراسم زرتشتی پاشیده می‌شود" نیز از همین واج‌ریشه است (اوستایی: ZAOTHRA) پهلوی: ZÖHR.

۲- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی و زبان لاتین: جاری شدن، آب‌گونه شدن.

۳- چم این واژه در زبان ارمنی: آب‌کند، دره.

ZOOD	فارسی (PERSIAN): زود
SOON, QUICK, QUICKLY	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GEW-, *GEW-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): (شاید)

KEYRA

اوستایی (AVESTAN): ZŌT, JAVA

پارسی باستان (OLD PERSIAN): ZŪTA

پهلوی (PAHLAVI): ZŌT, ZŪD

کردی (KURDISH): ZŪ, ZŪT, ZIT, ZITH

بلوچی (BALUCHI): ZŪT, ZIT, ZITH

افغانی (پشتو) (AFGHANI): ZHĒR

سانسکریت (SANSKRIT): JUTA, ZHURITI

پادداشت:

شاید این واژه‌ها هم از همین واج‌ریشه باشند: گوتیک: SUNS, آلمانی کهن: SĀN انگلیسی کهن: SŌNA انگلیسی:

SOON

ZŪR, ZŪRMAN	فارسی (PERSIAN): زور، زرومند
FORCE, POWER, MIGHT, STRENGTH	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GEW-, *GEWE-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SURAH, JUNĀTI, SÁVĪRAS

اوستایی (AVESTAN): ZĀVAR

ZAUR :ارمنی (ARMENIAN)

پهلوی (PAHLAVI): ZŌR, ZORIG

-KUROS :یونانی (GREEK): (شاید)

کردی (KURDISH): ZORBE

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): (شاید)

سانسکریت (SANSKRIT):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	399
AMINDAROV:	(STRONG) 178
۱۰۴۳	برهان قاطع:

CAUR

CAWR

گالی (GAULISH): (شاید)

ZŪR	فارسی (PERSIAN): زور (به چم "تادرست و دروغ")
FALSE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GWEL, *GHWEL, *GWELOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

FALSE	انگلیسی (ENGLISH):	ZŪRAH,	اوستایی (AVESTAN):
FALSK	دانمارکی (DANISH):	ZBARAH, ZBAREMNA, ZĀWAR	
FALSK	سوئدی (SWEDISH):	ZŪR	پهلوی (PAHLAVI):
FALSK	نروژی (NORWEGIAN):		سانسکریت (SANSKRIT):
VALS	هلندی (DUTCH):	HVĀLATI, HVĀRATE	
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	PHĒLOS	یونانی (GREEK):
ZŪLŪ			لاتین (LATIN):
ZOL	روسی (RUSSIAN):	FALSUS, FALLŌ, FALLERE	
	لیتوانی (LITHUANIAN):	FAUX	فرانس (FRENCH):
ZHVALŪS, NUOZHVELNUS		FALSO	اسپانیایی (SPANISH):
ZVEL'U, ZVALNS:	لتونی (لتی) (LATVIAN):	FALSO	ایتالیایی (ITALIAN):
		FALS	رومانی (RUMANIAN):
		FALSO	پرتغالی (PORTUGUESE):
			ایسکاندیناوی (OLD SCANDINAVIAN):
		FALSKUR	
		FALSCH	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
			آلمانی میانه (MIDDLE HIGH GERMAN):
		VALSCH	
		FALSCH	آلمانی (GERMAN):
			انگلیسی میانه (MIDDLE ENGLISH): (از فرانسه)
		FALS	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	489
BARNHART:	(FALSE) 367
MACKENZIE:	(FALSE) 113
ONIONS:	(FALSE) 344
SKEAT:	(FALSE) 208
۱۳۰۰۹	لغت‌نامه دهخدا:
۱۷۶۰	فرهنگ معین:

یادداشت:

این واژه عربی نیست و شکل عربی آن از فارسی گرفته شده است.

ZEH	فارسی (PERSIAN): زه (به چم "چله‌ی کمان")
BOW- STRING	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GWILA-, *GWILIOS, *GWIHÓS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

GLJÁ : (LITHUANIAN) لیتوانی

REFERENCES	پگشت‌ها
POKORNY:	481
DELAMARRE:	
(CORDE D'ARC) 115	
MACKENZIE:	(BOW-STRING) 105
MALLORY & ADAMS:	GW (I)IEH-
۱۰۴۶	برهان قاطع:

JHYĀ : (AVESTAN) اوستایی

ZĪH : (PAHLAVI) پهلوی

ZHIH : (KURDISH) کردی

JIGH : (BALUCHI) بلوچی

ZHAJ : (AFGHANI) افغانی (پشتو)

JYĀ : (SANSKRIT) سانسکریت

BIÓS : (GREEK) یونانی

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

ZHICA

یادداشت:

در پازند این واژه بدین صورت است: JIK

ZAHR	فارسی (PERSIAN): زهر
POISON	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GWHN-TRO, *GWHEN	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پگشت‌ها
POKORNY:	491-493
MACKENZIE:	(POISON) 127
THE AMERICAN HERITAGE DICTIONARY OF THE ENGLISH LANGUAGE:	
(GWHEN) 2031	
AMINDAROV:	(POISON) 269
۱۰۷۴	برهان قاطع:

JATHRA : (OLD PERSIAN) پارسی باستان

ZAHR : (PAHLAVI) پهلوی

: (KURDISH) کردی

JEHR, ZHĀHR, ZHĀHR, ZHĀIR

ZAHR : (BALUCHI) بلوچی

ZAHR : (AFGHANI) افغانی (پشتو)

ZHAHR, ZHAHUR : (ARMENIAN) ارمنی

ZATRUC : (POLISH) لهستانی (شاید)

یادداشت:

واژه‌ی انگلیسی BEZOAR (فرانسه: BÉZDARD، پرتغالی: BEZOAR، اسپانیایی: BEZÁR، عربی:

"بادزهر" (BĀDZAHR) نیز از واژه‌ی فارسی "پادزهر" گرفته شده است (58-59: SKEAT)

ZIYĀN	فارسی (PERSIAN): زیان
LOSS, DAMAGE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GWEI, *GWI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

BIAŌ یونانی (GREEK): ZYĀNĀ, ZYANI- اوستایی (AVESTAN):

ZIYAN, ZYAN پهلوی (PAHLAVI):

ZIĀN, ZHIĀN اوستی (OSSETIC):

ZIYAN کردی (KURDISH):

ZIYANI بلوچی (BALUCHI):

ZIYAN افغانی (پشتو) (AFGHANI):

سانسکریت (SANSKRIT):

JĀYATI, JYĀNA, JYĀ-

ZEAN ارمنی (ARMENIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	469
MACKENZIE:	
(DAMAGE) 109, (LOSS) 122	
BUCK:	760-762
AMINDAROV:	(DAMAGE) 208
۱۰۵۰	برهان قاطع:

ZIR	فارسی (PERSIAN): زیر
UNDER	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*NDHEROS, *NDHOS, *NDHERI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

INFRA, INFÉRUS لاتین (LATIN): ADO, ADE اوستایی (AVESTAN):

INFERIEUR فرانسه (FRENCH): ADHARŌ, ADARŌ, ADHAIRI

INFERIOR اسپانیایی (SPANISH): پهلوی (PAHLAVI):

IFERIORE ایتالیایی (ITALIAN): ĒR, RZHĒR, AZIR, AZISHKEH

INFERIOR پرتغالی (PORTUGUESE): ZHIR کردی (KURDISH):

UNDAR گوتیک (GOTHIC): SHĒR, SHĒRĀ, بلوچی (BALUCHI):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): CĒRĀ

UNDIR ANCH, ĀNC تخیاری (TOKHARIAN A) A:

UNDAR ساکسونی کهن (OLD SAXON): ETTE تخیاری (TOKHARIAN B) B:

UNDER فریزی کهن (OLD FRISIAN): سانسکریت (SANSKRIT):

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): ADHĀS, ĀDHARAS

UNTAR AND ارمنی (ARMENIAN):

UNTER آلمانی (GERMAN): ATHEROS یونانی (GREEK) (شاید):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	771
BARNHART:	(UNDER) 1184
DELAMARRE:	
(SOUS, AU-DESSOUS)	300
MACKENZIE:	(UNDER) 138
ONIONS:	(UNDER) 958
SKEAT:	(UNDER) 679
۱۰۵۱	برهان قاطع:

UNDER	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
UNDER	انگلیسی (ENGLISH):
UNDER	دانمارکی (DANISH):
UNDER	سوئدی (SWEDISH):
UNDER	نروژی (NORWEGIAN):
ONDER, UNDER	هلندی (DUTCH):

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های رومانس: هست.

ZISTAN, ZIST, ZI	فارسی (PERSIAN): زیستن، زیست، زی
LIVE, LIFE, BIO-	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GWĪWŌ, *GWEI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ZHIVŌ, ZHITI	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	JHIVAITI	اوستایی (AVESTAN):
ZHIC	لهستانی (POLISH):	ZIVISHN, JIV	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
ZHIT	روسی (RUSSIAN):	ZISTAN, SIWISTAN, (PAHLAVI):	پهلوی
ZHIVOT, ZHIVÝ	چک (CZECH):	ZITISHN, ZIWISHNIH	
ZHITI	بوهمی (BOHEMIAN):	JIVIN	کردی (KURDISH):
ZHIVOT, ZHIVÝ	اسلواکی (SLOVAK):	ZHWĒND	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
GYVAS	لیتوانی (LITHUANIAN):	SO-	تخاری A (TOKHARIAN A):
DZĪVOUT	لتونی (LATVIAN):	SAU-	تخاری B (TOKHARIAN B):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	467-468
DELAMARRE:	(VIVRE) 260
MACKENZIE:	
(LIVE) 122, (LIFE) 121	
۱۰۳۸ و ۱۰۵۳	برهان قاطع:
۱۷۷۱	فرهنگ معین:

JĪVATI	سانسکریت (SANSKRIT):
EBIŌN	یونانی (GREEK):
VĪVŌ, VIVERE	لاتین (LATIN):
VIVRE	فرانسه (FRENCH):
VIVIR	اسپانیایی (SPANISH):
VIVERE	ایتالیایی (ITALIAN):
VIETUI	رومانی (RUMANIAN):
VIVER	پرتغالی (PORTUGUESE):

یادداشت:

بازگشت به: زنده.

ZIN, ZĒN	فارسی (PERSIAN): زین
SADDLE, WEAPON	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GHEI-, *GHĒI-, *GHI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ZHAIZDĀ, ZHEIDZHIŪ, ZHEIDZHAU

اوستایی (AVESTAN):

GÖITE, GAI (OLD IRISH) ایرلندی کهن

ZAÉNA, ZAĒNU, ZAYA-

ZĒN, ZĒNIG (PAHLAVI) پهلوی

(SANSKRIT) سانسکریت:

HĒTIH, HINŌTI, HINVATI-

ZĒN, JIOY (ARMENIAN) ارمنی

GAIN (GOTHIC) گوتیک

(OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

GEDDA

(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

GAIDO

GĀD (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

GOAD (ENGLISH) انگلیسی

(LITHUANIAN) لیتوانی

یادداشت:

۱- این واژه در زبان پهلوی دارای دو چم بود: سلاح، زین (در پهلوی این واژه‌های هم‌ریشه هم وجود داشتند: ZĒNABZĀR (زره اسب)، ZĒNĀWAND (هشیار، بیدار). به پندار من واژه‌ی "زندان" (پهلوی: Z(I)NDAN) اوستی: ZINDON، ارمنی: ZNDAN) و واژه‌ی "زینهار" یا "زنهار" (پهلوی: ZINHĀR) سغدی (ZYNH) نیز از همین واژه‌ریشه‌اند.

۲- چم این واژه در زبان انگلیسی: نیزه، شکه.

۲- چم این واژه در زبان‌های ایرلندی کهن و لیتوانی: زخم، زخمی کردن

ZHĀLĒ	فارسی (PERSIAN): ژاله
DEW	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GHELD-, *GHELD-, *GHELDĀ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ZHĀLA (AFGHANI) (پشتو) افغانی

ZHALA

(PAHLAVI) پهلوی

سانسکريت (SANSKRIT):

REFERENCES	پسگنت ها
POKORNY:	435
MALLORY & ADAMS:	GHELD
۱۰۵۷	برهان قاطع:
۱۷۷۵	فرهنگ معین:
۱۳۱۳۳	لغت نامه دهخدا:

JADA, *JHARDAK

KHÁLASA يونانی (GREEK):

(OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

ZHLĚDICA

ZHTODŹ, ZRASZAĆ لهستانی (POLISH):

ZHLĚDICA روسی (RUSSIAN):

ZHLĚD اسلوین (SLOVENE):

ZGARF	فارسی (PERSIAN): ژرف
DEEP	جیم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DHEUB, *DHUB, *DHOUB-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید)

DYB دانمارکی (DANISH):

DJUP سوئدی (SWEDISH):

DYP نروژی (NORWEGIAN):

DIEP هلندی (DUTCH):

DUBŪS لیتوانی (LITHUANIAN):

DUŪBS لتونی (LITHUANIAN):

DOMAIN ایرلندی کهن (OLD IRISH):

DWFN گالی (GAULISH):

DWFN ولزی (WELSH):

DOUN برتونی (BRETON):

ZHAFRA, JAIWA- اوستایی (AVESTAN):

(PAHLAVI) پهلوی

ZOFĀY, ZOFR, ZUFAR, ZAFR, AWP*Y

ARF اوستی (OSSETIC):

ZHIOR کردی (KURDISH):

JUHL, JAHL بلوچی (BALUCHI):

(AFGHANI) افغانی (پشتو)

ZHAVAR, ZHAWĒR

TOP نخاری (TOKHARIAN A) A:

TAUPE نخاری (TOKHARIAN B) B:

BUTHÓS یونانی (GREEK):

DIUPS گوئیک (GOTHIC):

(OLD SVANDINAVIAN) ایسلندی کهن

DJŪPR

DIOP, DIAP ساکسونی کهن (OLD SAXON):

DIAP فریزی کهن (OLD FRISIAN):

(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

TIUF, TIOF

TIEF آلمانی (GERMAN):

DĒOP انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

DEEP انگلیسی (ENGLISH):

REFERENCES	پسگنت ها
POKORNY:	264
BARNHART:	(DEEP) 258
DELAMARRE:	
(FOSS, PROFONDEUR)	181
MACKENZIE:	(DEEP) 110
BUCK:	891-892
ONIONS:	(DEEP) 250
SKEAT:	(DEEP) 159
۱۰۵۹	برهان قاطع:

یادداشت:

وابستگی واژه‌های ایرانی این فهرست با واج‌ریزی هند و اروپایی و سایر واژه‌های این فهرست که از آن واج‌ریزی ناشی شده‌اند قطعی نیست و بهمین دلیل در جلو واج‌ریزی هند و اروپایی واژه‌ی (شاید) آمده است.

SĀR	فارسی (PERSIAN): سار (به چم "گونه‌ای پرنده")
STARLING	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*STOROS, *STORNOS, *STRNOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

STARE	سوئدی (SWEDISH):	SĀR	پهلوی (PAHLAVI):
STAR	نروژی (NORWEGIAN):	SARIK	ارمنی (ARMENIAN):
STRENÁTKA	روسی (RUSSIAN):	STURNUS	لاتین (LATIN):
STRNAD	چک (CZECH):	ÉTOURNEAU	فرانسé (FRENCH):
SHARKA	لیتوانی (LITHUANIAN):	ESTORNINO	اسپانیایی (SPANISH):
STARNITE	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	ESTORNINHO	پرتغالی (PORTUGUESE):
			ایسکاندینی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1036
BARNHART:	(STARLING) 1061
ONIONS:	(STARLING) 864
SKEAT:	(STARLING) 599
MALLORY & ADAMS:	KARHKEHA
۱۰۶۸	برهان قاطع:

STARI	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
ATAR, STARA	
STAR	آلمانی (GERMAN):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
STAR, STEARN	
STARLING	انگلیسی (ENGLISH):
STAR	دانمارکی (DANISH):

SĀSTĀ	فارسی (PERSIAN): ساستا (به چم "حکمران"، "حاکم مستبد")
RULER, TYRANT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KĀS-, *KĀS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

چم

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	533
MACKENZIE:	
(COMMANDER) 107, (TYRANT) 138	
۱۳۲۹۴-۱۳۲۹۵	لغت‌نامه دهخدا:
۱۰۷۲	برهان قاطع:
۱۸۹۶	فرهنگ معین:

SĀSTA-, SĀSTI-, SĀSTAR	اوستایی (AVESTAN):
SĀSTĀR	پهلوی (PAHLAVI):
SĀSTI, SĀSTAR-	سانسکریت (SANSKRIT):
SAST, SASTEM	ارمنی (ARMENIAN):

SĀL	فارسی (PERSIAN): سال
YEAR	چشم انگلیسی سرواژه فارسی:
*KEL	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

LAŌ, LĀWĒR

LAU آلمانی (GERMAN):

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

HLEŌWE, HLEO

LUKE(WARM) انگلیسی (ENGLISH):

LUM, LUMMER دانمارکی (DANISH):

LUM, LUMMER نروژی (NORWEGIAN):

LEUK هلندی (DUTCH):

لیتوانی (LITHUANIAN):

SHILUS, SHILTAS, SHYLŪ

CLYD, CLAEAR ولزی (WELSH):

KLOUAR برتونی (BRETON):

SARATH, SARD اوستایی (AVESTAN):

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

SARDHA, THARD-

SĀL بهلوی (PAHLAVI):

SĀRD, SĀRDĀ اوستی (OSSETIC):

SĀL کردی (KURDISH):

SĀL بلوچی (BALUCHI):

SĀL افغانی (پشتو) (AFGHANI):

SARĀD, SARD- سانسکریت (SANSKRIT):

-SARD ارمنی (ARMENIAN):

لاتین (LATIN):

CALEŌ, CALĒRE, CALDUS

CHAUD, CHALEUR فرانسه (FRENCH):

CALIENTE, CALOR اسپانیایی (SPANISH):

CALDŌ, CALORE ایتالیایی (ITALIAN):

CALD رومانی (RUMANIAN):

CALOR پرتغالی (PORTUGUESE):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

HLAR

HALŌIAN ساکسونی کهن (OLD SAXON):

(OLD FRISIAN) فریزی کهن:

HLI, LŪK, LUKE

یادداشت:

۱- بازگشت به: سرد.

۲- واژه "کالری" (CALORIE) نیز از همین واژه است.

۳- چشم این واژه در زبان ساکسونی کهن: سوختن.

چشم این واژه در زبان‌های رومانس و زبان ولزی: گرم، گرما.

چشم این واژه در زبان ژرمنی: نیم‌گرم، ولرم، ملایم.

چشم این واژه در زبان سانسکریت: پائیز.

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	551-552
BARNHART:	(LUKEWARM) 614
MACKENZIE:	(YEAR) 141
BUCK:	
1011-1012, (HOT) 1077	
RAMAT:	134
۱۰۷۳	برهان قاطع:

SĀN, SOHĀN, FASĀN	فارسی (PERSIAN): سان، سوهان، فسان
WHETSTONE, HONE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KŪ(I), *KĒ(I), *KOHNOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	541-542
BARNHART:	(HONE) 489
ONIONS:	(HONE) 446
SKEAT:	(HONE) 276
MALLORY & ADAMS:	KOH, NOS
۱۰۷۶-۱۰۷۷	برهان قاطع:
۱۸۱۰	نرم‌نگ معین:
۱۳۳۶۶	لغت‌نامه دهخدا:

SAĒNI	اوستایی (AVESTAN):
KANTAS	تخاری B (TOKHARIAN B):
SĀNA, SHANAS	سانسکریت (SANSKRIT):
KŌNOS	یونانی (GREEK):
CŌS, CŌTIS	لاتین (LATIN):
COTE	ایتالیایی (ITALIAN):
HEIN: (OLD SCANDINAVIAN)	ایسلندی کهن
HĀN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
HONE	انگلیسی (ENGLISH):
HEN	دانمارکی (DANISH):
HEN	سوئدی (SWEDISH):

یادداشت:

۱- چشم این واژه در زبان یونانی: مخروط درخت کاج.

۲- واژه‌های فارسی "ساییدن" و "سودن" و "پسودن" نیز از همین واژه‌پیشه‌اند (POKORNY: 542).

SĀYĒ	فارسی (PERSIAN): سایه
SHADE, SHADOW	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SKAL-, *SKEI-, *SKĪ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SKĪNA	اوستایی (AVESTAN): ASĀYĀ, SAYA-
SKĪNAN	پهلوی (PAHLAVI): SĀYAG
SKĪNA	کردی (KURDISH): SĪ, SĒ
	بلوچی (BALUCHI): SĀĪ, SĀIG
	افغانی (پشتو) (AFGHANI): SIYURAY
SKĪNAN	تخاری B (TOKHARIAN B): SKIYO
SCHEINEN	سانسکریت (SANSKRIT): CHĀYĀ
SCĪNAN	یونانی (GREEK): SKIĀ
SHINE	لاتین (LATIN): SEJA
SKINNE	گوئتیک (GOTHIC): SKEINAN
SKINA	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
SKINNE	نروژی (NORWEGIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	917-918
DELMARRE:	(L'OMBRE) 190
MACKENZIE:	(SHADE, SHADOW) 132
BUCK:	62-63
MALLORY & ADAMS:	SKØIHA
۱۰۷۹	برهان قاطع:

SCHIJNEN	هلندی (DUTCH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
SĚNĚ	
CIEN	لهستانی (POLISH):
SEN	روسی (RUSSIAN):
STÍN	چک (CZECH):
SJENA	صربی (SERBIAN):
SĪN	بوهمی (BOHEMIAN):
SEJA, SEJS	لتونی (LITHUANIAN):
HĚ, HIE	آلبانی (ALBANIAN):

یادداشت:

- ۱- واژه‌های انگلیسی SHADE و SHADOW و آلمانی SCHATTEN از یک واج‌ریشه‌ی نزدیک به این واج‌ریشه‌ی هند و اروپایی ناشی شده‌اند (POKORNY:957). به عقیده‌ی BUCK این دو واج‌ریشه احتمالاً یکی هستند.
- ۲- چم واژه‌های ژرمنی این فهرست: نور دادن، درخشیدن، تاریکی را روشن کردن. چم این واژه در زبان سانسکریت: نور کم، سایه.

SEPĀRDAN, ESPĀRDAN, SEPORDAN	فارسی (PERSIAN): سپاردن، اسپاردن، سپردن
ENTRUST, GIVE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SP(H)ER-, *SPRINAMI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
APSPAREM, SPARNAL	اوستایی (AVESTAN): SPARAITI
SPAIRŌ, SPÁIREIN	یونانی (GREEK):
SPERNŌ, SPERNERE	لاتین (LATIN):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
SPERNA, SPORNA	
SPURNAN	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
SPURNA	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
SPURNAN	
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
SPEORNAN, SPURNAN	
	اوستایی (AVESTAN): SPARAITI
	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
	*APSPAR, *SPAR-
	پهلوی (PAHLAVI):
	APASPĀRTAN, ASPURTAN,
	SEPURDAN, SPAR, ŌSPURDAN
	کردی (KURDISH): SIPARTIN
	افغانی (پشتو) (AFGHANI): SPARĀL
	سانسکریت (SANSKRIT):
	SPHURĀTI, SPRNĀTI
	ارمنی (ARMENIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	992-993
BARNHART:	(SPURN) 1053
DELAMARRE:	
	(HEURTER DU PIED) 284
MACKENZIE:	(TRAMPLE) 137
ONIONS:	(SPURN) 858
SKEAT:	(SPURN) 593
۱۰۸۷ و ۱۰۸۶	برهان قاطع:
۱۳۴۳۲ و ۱۳۲۴۶	لغت‌نامه دهخدا:
۱۸۲۲	فرهنگ معین:

SPURN	: (ENGLISH) انگلیسی
SPJÄRNA	: (SWEDISH) سوئدی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
SPERNA	
SPIRĪŪ, SPIRTI	: (LITHUANIAN) لیتوانی
SPERT	: (LATVIAN) لونی
SEIR	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
ISPAR	: (HITTITE) هیتی

یادداشت:

چم آغازین این واژه "گام برداشتن" بوده است (مثلا واژه‌ی فارسی "رهسار") ولی در برخی زبان‌ها (به ویژه یونانی و زبان‌های رومانس و ژرمنی چم آن ابتدا "لگد زدن" و "پا گذاردن روی چیزی" بوده ولی امروزه (به ویژه در انگلیسی و زبان‌های اسکاندیناوی نوین) چم آن "پا لگد بیرون کردن" و "پا تحقیر رد کردن" شده است. ضمناً چم واژه‌ی SPURDAN در پهلوی "زیر پا له کردن" بوده است.

SEPAR	فارسی (PERSIAN): سپهر
SHIELD	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SPE(H)EL-, *SP(H)ELTĀ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

SPILDAN, SPALTAN

SPALTEN : آلمانی (GERMAN)

: انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

SPILLAN, SPELD

SPILL : انگلیسی (ENGLISH)

SPILDE : دانمارکی (DANISH)

SPILLA : سوئدی (SWEDISH)

SPILLE : نروژی (NORWEGIAN)

SPILLEN : هلندی (DUTCH)

پهلوی (PAHLAVI): SPAR

SPĀLTK- : نخاری (TOKHARIAN A) A

SPALK- : نخاری (TOKHARIAN B) B

: سانسکریت (SANSKRIT)

PHALAKAM, SPHAKAM, PHARAM

ASPAR : ارمنی (ARMENIAN)

PLATUS : یونانی (GREEK)

SPILDA : گوتیک (GOTHIC)

: ايسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

SPILLA, SPJALD

SPILDAN : ساکسونی کهن (OLD SAXON)

پسگشت ها	REFERENCES	(SHIELD) 132	MACKENZIE:
985-986	POKORNY:	برهان قاطع:	۱۰۸۷
(SPILL) 1045-1046	BARNHART:		

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در تخاری A و B: چالش کردن، سخت کوشیدن.
 چم این واژه در گونیک و یونانی: لوحه یا صفحه‌ای چوبی، سهر چوبی.
 ۲- چم اصلی این واژه "شکافتن" و "شق کردن" بوده است که در زبان‌های ژرمنی نوین تبدیل به "خونریزی" و "ریختن" و "ناپود کردن" شده است.

فارسی (PERSIAN):	سپۆز (به چم "طحال")	SEPORZ
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:		SPLEEN
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):		*SP(H)ELGH(EN), *SP(H)ELGHĀ, *SPLENGH-, *SPLĒGH-

SELG: ایرلندی کهن (OLD IRISH)
 FELCH: گالیک (GAELIC)

اوستایی (AVESTAN): SPEREZAN

پهلوی (PAHLAVI): SPĀRZ, SPURZ

سانسکریت (SANSKRIT): PALIĀN

ارمنی (ARMENIAN): P'ALCALN

یونانی (GREEK): SPIĒN

لاتین (LATIN): LIĒN, LIĒNIS, SPLĒN

فرانسوی کهن (OLD FRENCH): ESPLEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): (از فرانسه کهن)

SPLEN

انگلیسی (ENGLISH): SPLEEN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

SLĒZENA

پسگشت ها	REFERENCES
987	POKORNY:
(SPLEEN) 1048	BARNHART:
(RATE) 109	DELAMARRE:
(SPLEEN) 134	MACKENZIE:
(SPLEEN) 855	ONIONS:
(SPLEEN) 589	SKEAT:
فرهنگ معین:	۱۸۲۴
لغت نامه دهخدا:	۱۳۴۳۳

فارسی (PERSIAN):	سپنتا، اسپنتا	SEPANTĀ, ESPANTĀ
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:		HOLY
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):		*KWEN-, *KWENTO-

پهلوی (PAHLAVI): SPENĀG

گونیک (GOTHIC): HUNSL

اوستایی (AVESTAN):

SPENTA-, SPĀNAH, SPANYAH

SWENTA, SWINTS

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	630
DELAMARRE:	(SAINT) 78
MACKENZIE:	(HOLY) 118
BUCK:	(HOLY) 1475-1476
لغت‌نامه دهخدا: ۱۳۴۳۷ و ۲۰۷۴	

HÜSL : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

SVETŪ

SWIETY : (POLISH) لهستانی

SUJATÓJ : (CZECH) چک

SVĀTÝ : (SLOVAK) اسلواکی

SHVENTAS : (LITHUANIAN) لیتوانی

SVINĒT, SVETS : (LATVIAN) لتونی

: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن

SEPEHR	فارسی (PERSIAN): سپهر
SPHERE, FIRMAMENT	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWEI-, *KWEIT-, *KWEITIO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ESFERA : (PORTUGUESE) پرتغالی

*SPITRÁ : (OLD PERSIAN) پارسی باستان

SPIHR, HUSPITR : (PAHLAVI) پهلوی

CHVITRA : (SANSKRIT) سانسکریت

SPHAIRA : (GREEK) یونانی

SPHÈRE, SPHAERA : (LATIN) لاتین

SPHÈRE : (FRENCH) فرانسه

ÉSFERA : (SPANISH) اسپانیایی

SFERA : (ITALIAN) ایتالیایی

SFERA : (RUMANIAN) رومانی

یادداشت:

۱- بازگشت به: سپید.

۲- واژه‌های رومانس (برگرفته از لاتین) در این فهرست در آغاز چَم "گوی" و "فلک" را داشتند و بعداً چَم آنها "کره‌ی سماوی یا جغرافیایی" چیز شد.

SEPĒD, SEFĒD, ESPĒD	فارسی (PERSIAN): سپید، سفید، اسپید
WHITE	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWEI-, *KWEID-, *KWID-, *KWITNO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SIPĪ : (KURDISH) کردی

SPAETA : (AVESTAN) اوستایی

ISPĒT, SAFĒTH : (BALUCHI) بلوچی

SPĒT, SPĒD : (PAHLAVI) پهلوی

WIT : (DUTCH) هلندی

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

SVĚTŮ

SVŮNUTI : (RUSSIAN) روسی

: (LITHUANIAN) لیتوانی

SHVIECHIV, SHVISTI

KVITU : (LATVIAN) لتونی (لتی)

SPIN : (AFGHANI) (پشتو) افغانی

: (SANSKRIT) سانسکریت

SVĚTA, SVET, CHEVETA, SVINDATE

SPITAK : (ARMENIAN) ارمنی

WHEITS, HWEITS : (GOTHIC) گوتیک

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

HWEITL, HWITR

HWIT : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

HWIT : (OLD FRISIAN) فریزی کهن

HWIZ : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

WEISS : (GERMAN) آلمانی

HWIT : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

WHITE : (ENGLISH) انگلیسی

HVID : (DANISH) دانمارکی

HVIT : (SWEDISH) سوئدی

HVID, KVIT : (NORWEGIAN) نروژی

REFERENCES	پسگشت ما
POKORNY:	628-629
BARNHART:	(WHITE) 1233
MACKENZIE:	(WHITE) 140
BUCK:	1054
ONIONS:	(WHITE) 1004
SKEAT:	(WHITE) 712
۱۰۹۳	برهان قاطع:

SETĀRĒ	فارسی (PERSIAN): ستاره
STAR	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*STER-, *STĒR-, *STR-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ASTER : (GREEK) یونانی

: (AVESTAN) اوستایی

STĒLLA, STĒRLĀ : (LATIN) لاتین

STAR-, STARŌ, STĀREM

ÉTOILE : (FRENCH) فرانسه

: (PAHLAVI) پهلوی

ESTRELLA : (SPANISH) اسپانیایی

STĀRAK, STĀRAG, STAR

STELLA : (ITALIAN) ایتالیایی

STALI : (OSSETIC) اوسنی

STEA : (RUMANIAN) رومانی

ISTIRK : (KURDISH) کردی

ESTRELA : (PORTUGUESE) پرتغالی

STORAI, STORI: (AFGHANI) (پشتو) افغانی

STAIRNŌ : (GOTHIC) گوتیک

SREN : (TOKHARIAN A) A تخاری

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

SCIRYE : (TOKHARIAN B) B تخاری

STJARNA

STĀR-, TĀRAS : (SANSKRIT) سانسکریت

STERRO : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

ASTE : (ARMENIAN) ارمنی

STUKTL, STABAS

STŪPS : (LATVIAN) لتونی (لتی)

SAB : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

STOK : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

STOKK : (OLD FRISIAN) فریزی کهن

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

STOC, STUKI

STOCK, STÜCK : (GERMAN) آلمانی

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

STOCKE, STOCC

STOCK : (ENGLISH) انگلیسی

STOK : (DANISH) دانمارکی

STUKA : (SWEDISH) سوئدی

STAUKA : (NORWEGIAN) نروژی

STOK : (DUTCH) هلندی

: (LITHUANIAN) لیتوانی

یادداشت:

۱- به احتمال زیاد واژه‌های فارس "ساق" و "ساقه" هم از همین واج‌برش‌هاست.

۲- هم این واژه در زبان سانسکریت: فشار آوردن، فشردن، (ضربه) زدن.

هم این واژه در زبان ایتالیایی: شمشیر.

هم این واژه در زبان یونانی: چوبدستی، عصا.

۳- همدار: خویشی واژه‌های ایرانی این فهرست با واج‌برش‌های هند و اروپایی و دیگر واژه‌های این فهرست مورد تأیید همه‌ی خبرگان نیست به ویژه برای اینکه شکل اوستایی و پهلوی آن هم در دست نمی‌باشد.

SETABR, ESTABR	فارسی (PERSIAN): ستبر، استبر
BIG, STRONG	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*STEB(H), *STĒB(H)-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

STABH, : (SANSKRIT) سانسکریت : (AVESTAN) اوستایی

ASTEMPHĒS : (GREEK) یونانی

STAWRA, STMBHRA

STAFS : (GOTHIC) گوتیک

: (OLD PERSIAN) پارسی باستان

: (OLD SCANDINAVIAN) ایلندی کهن

STAMBAVA

STAFR, STEFJA

: (PAHLAVI) پهلوی

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

STABR, STAPR, STAWR -

STABĒN

STAWD : (OSSETIC) اوستی

STAB : (GERMAN) آلمانی

STŪR : (KURDISH) کردی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1012
BARNHART:	(STAFF) 1056
MACKENZIE:	
(BIG) 104, (STRONG) 134	
ONIONS:	(STAFF) 860-861
SKEAT:	
(STAFF) 595, (STEMBH, STEBH) 759	
AMINDAROV:	(THICK) 298
۱۰۹۸	برهان قاطع:

STAF	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
STAFF	: (ENGLISH) انگلیسی
STAB, STAV	: (DANISH) دانمارکی
STAV	: (SWEDISH) سوئدی
STAV	: (NORWEGIAN) نروژی
STAV	: (DUTCH) هلندی
STEBÁTE	: (RUSSIAN) روسی
	: (LITHUANIAN) لیتوانی
STAMBÚS, STABAS	
STUBROS	: (LATVIAN) لتونی (لثی)

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: چوبدستی.

SATARVAN, ASTARVAN	فارسی (PERSIAN): سترون، استرون
STERILE, BARREN	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*STER-, *STERI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید)

STIERC	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	ASTAR-VUND	یهودی - فارسی
STERILE	: (ENGLISH) انگلیسی (از فرانسه)	STARÍS	: (SANSKRIT) سانسکریت
STERICA	: (BULGARIAN) بلغاری	STERJ	: (ARMENIAN) ارمنی
SHTJERRË	: (ALBANIAN) آلبانی	STÉRESTHAI, STEIRA	: (GREEK) یونانی

STERILIS	: (LATIN) لاتین
STÉRILE	: (FRENCH) فرانسه
ESTÉRIL	: (SPANISH) اسپانیایی
STERIL	: (ITALIAN) ایتالیایی
ESTÉRIL	: (PORTUGUESE) پرتغالی
STÁIRÖ	: (GOTHIC) گوتیک

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

STIRTLA	
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
STERO	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1031
BARNHART:	(STERILE) 1066
DELAMARRE:	(STÉRILE) 235
ONIONS:	(STERILE) 868
SKEAT:	(STERILE) 602
۱۱۰۰	برهان قاطع:
۲۸۴۸ و ۱۳۴۶	لغت‌نامه دهخدا:
۱۸۳۳	فرهنگ معین:

یادداشت:

- ۱- فقدان واژه‌های هم‌ریشه در زبان‌های اوستایی و پهلوی و دیگر زبان‌های ایرانی وابستگی "سترون" یا واجریشه‌ی هند و اروپایی -STER- را ناشی‌کننده می‌کند و بهمین دلیل در جلو واجریشه‌ی هند (پهلایی) (شاید) آورده‌ام.
- ۲- به احتمال زیاد واژه‌های "استر" (به چم "قاطر" که جانوری مفلوح النسل است) و "سترون" (به چم "پاک‌کردنده") تراشیدن نیز از همین واجریشه‌اند.

فارسی (PERSIAN):	ستنبه، ستمبه (به چم "مرد درشت و قوی و دلیر")	SETAMBÉ
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:		SETANBÉ,
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):		BURLY, HUSKY
		*STEB(H)-, *STOMB(H)OS

ارمنی (ARMENIAN): STAMBAK

اوستایی (AVESTAN): STMBANA

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

*STAMBAKA

سانسکریت (SANSKRIT):

STAMBHA, STABDHA-

یادداشت:

بازگشت به: ستبر

فارسی (PERSIAN):	ستودن، ستاییدن	SOTŪDAN, SETAĒDAN
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:		PRAISE (VERB), COMMEND
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):		*STEU-, *STĒUMI-

یونانی (GREEK): STEUTAL, STEUTI

اوستایی (AVESTAN):

STAV-, STAOMI, STAOITI, STAOTAR

پهلوی (PAHLAVI): STŪDAN, STĀYIDAN

اوستی (OSSETIC): STUO, STID, STAUN

افغانی (پشتو) (AFGHANI): STĀYAL

سانسکریت (SANSKRIT):

STU-, STAU-, STĀVATĒ, STAUTI

یادداشت:

بازگشت به: ستایش.

پسگشت‌ها	REFERENCES
1012	POKORNY:
برهان قاطع:	۱۱۰۰-۱۱۰۱

پسگشت‌ها	REFERENCES
1035	POKORNY:
287	DELAMARRE:
128 (PRAISE)	MACKENZIE:
برهان قاطع:	۱۱۰۱

SOTÛR	فارسی (PERSIAN): ستور
CATTLE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*STEUROS, *STEWƏROS, *(S)TAUROS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

TJOR, TYR	نروژی (NORWEGIAN):	STAORA, STAWRA	اوستایی (AVESTAN):
STIE	هلندی (DUTCH):	STÖR	پهلوی (PAHLAVI):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	STURTĀ	اوستی (OSSETIC):
TURŪ		ASTÖR	کردی (KURDISH):
TAŪRAS	لیتوانی (LITHUANIAN): (شاید)	SUTÛR	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): (شاید)	STHÁVIRAS	سانسکریت (SANSKRIT):
TAURIS		STHÁURIN	ارمنی (ARMENIAN):
TARB	ایرلندی کهن (OLD IRISH): (شاید)	TAŪROS	یونانی (GREEK): (شاید)
TARVOS	گالی (GAULISH): (شاید)	TAURUS	لاتین (LATIN): (شاید)
TARW	ولزی (WELSH): (شاید)	TAUREAU	فرانسه (FRENCH): (شاید)
TARO	برتونی (BRETON): (شاید)	TORO	اسپانیایی (SPANISH): (شاید)
TAROK	آلبانی (ALBANIAN): (شاید)	TORO	ایتالیایی (ITALIAN): (شاید)
		TAUR	رومانی (RUMANIAN): (شاید)
		TOURO	پرتغالی (PORTUGUESE): (شاید)
		STIUR	گوتیک (GOTHIC):
			ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1010
BARNHART:	(STEER) 1064
DELAMARRE:	(TAUREAU) 137
MACKENZIE:	
(CATTLE) 106, (HORSE) 118	
BUCK:	152-155, 145
ONINOS:	(STEER) 866
SKEAT:	(STEER) 601
۱۱۰۲	برهان قاطع:
۱۳۴۷۲	لغت‌نامه دهخدا:

STJÖRR, THJÖRR	
STIÖR:	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
STIER	آلمانی (GERMAN):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
STĒOR, STÖR	
STEER	انگلیسی (ENGLISH):
TYR, STOR	دانمارکی (DANISH):
TJUR, STOR	سوئدی (SWEDISH):

پادداشت:

چشم این واژه در سانسکریت: قوی و مترگ.

چشم این واژه در زبان‌های ژرمنی و رومانس و سلتی: گاو نر، گوساله‌ی نر.

فارسی (PERSIAN):	ستوسه، شنوسه، اشنوسه، سنوسه (به چم* عطسه*)
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	SETŪSÉ, SHENŪSÉ, ESHNŪSÉ, SENUSÉ
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*SKEU-, *NEU-

پهلوی (PAHLAVI):	SHNŌSHAG	سوئدی (SWEDISH):	VYSA
سانسکریت (SANSKRIT):	KSHU-	نروژی (NORWEGIAN):	NYSE
ارمنی (ARMENIAN):	PHIARCHEM	هلندی (DUTCH):	NIEZEN
یونانی (GREEK):	PTARNUMAI	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	STREOD, SREOD

لاتین (LATIN):	STERNŪ, STERNUER
فرانسوی (FRENCH):	ÉTERNUER
اسپانیایی (SPANISH):	ESTORNUDAR
ایتالیایی (ITALIAN):	STARNUTARE
رومانی (RUMANIAN):	STRĀNUTA

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	HNJŌSA, FNŌSA
-------------------------------	---------------

آلمانی (GERMAN):	NIOSAN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	NIESEN

انگلیسی (ENGLISH):	FNESAN, FNĒOSAN
دانمارکی (DANISH):	SNEEZE
	NYSE

پسگشت‌ها

REFERENCES	
POKORNY:	838-839
BARNHART:	(SNEEZE) 1026
DELAMARRE:	(ÉTERNUER) 275
MACKENZIE:	(SNEEZE) 133
BUCK:	263-264
ONINOS:	(SNEEZE) 840
SKEAT:	(SNEEZE) 576

برهان قاطع:	۱۲۱ و ۱۱۰۲
لغت‌نامه دهخدا:	۱۳۲۷۳ و ۱۴۵۳۲
فرهنگ معین:	۲۸۹ و ۲۰۸۴

یادداشت:

۱- واژه‌های ژرمنی وابسته به "دمزدن" نیز از این واگیره‌اند: آلمانی کهن: FNEHAN، ایسلندی کهن: FNȳSA. همچنین واژه‌های یونانی PNEIN (به چم "دمزدن") و PNEŪMA (به چم "دمزدنی یا تنفس") نیز از همین واگیره‌اند.

۲- BUCK واژه‌های این فهرست را از واگیره‌ی هند و اروپایی -KSEU یا -SKEU می‌داند.

فارسی (PERSIAN):	ستون	SOTŪN	
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:		COLUMN, PILLAR	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):		*STŌU-	
اوستایی (AVESTAN):	STŪNA, STUNĀ	پهلوی (PAHLAVI):	STŪN, STŪNAG

- STEOR : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
 STEER : (ENGLISH) انگلیسی
 STUUR : (DUTCH) هلندی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1008-1009
BARNHART:	
(STYLUS) 1081, (STEER) 1065	
MACKENZIE:	
(COLUMN) 107, (PILLAR) 127	
ONINOS:	(STEER) 866
SKEAT:	(STEU) 789
۱۱۰۲	برهان قاطع:

- STŪN, ISTUN : (KURDISH) کردی
 STAN : (AFGHANI) افغانی (پشتو)
 STHŪNĀ : (SANSKRIT) سانسکریت
 SIUN, SIUNAG : (ARMENIAN) ارمنی
 STYLOS, STAUROS : (GREEK) یونانی
 -STAU-, (IN-STAU-RĀRE): (LATIN) لاتین
 STIU-RJAN : (GOTHIC) گوتیک
 : (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
 STYRI
 STIURE : (OLD FRISIAN) فریزی کهن
 : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
 STIU-RA
 STEUR : (GERMAN) آلمانی

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: سکان، (باسکان یا فرمان) راندن، برقرار کردن

SETIGH, SETIKH	فارسی (PERSIAN): ستېغ، ستېخ
CREST(OFF MOUNTAIN)	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
* (S)TEI-, *ST(O)I-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
STIL	اوستایی (AVESTAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1015
MACKENZIE:	(ERECT) 112
SKEAT:	(STEIG) 759
۱۱۰۲	برهان قاطع:

- STIJA, STAĒRA, TAĒRA
 STĒGH : (PAHLAVI) پهلوی
 STYGH, STĒGH : (SOGADIAN) سغدی
 TIVRĀ- : (SANSKRIT) سانسکریت
 STILUS, STIVA : (LATIN) لاتین
 STIL : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

یادداشت:

۱- بازگشت به: تیغ، تیز.

۲- چم این واژه در زبان لاتین: قلم حکاکی.

SAXT	فارسی (PERSIAN): سخت
HARD	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KAK-, *KEK-,	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

HATCH	انگلیسی (ENGLISH):	SACHAITI	اوستایی (AVESTAN):
HAKKE	دانمارکی (DANISH):	SAXT	پهلوی (PAHLAVI):
HÄCKA	سوئدی (SWEDISH):	SAK, SUKT	بلوچی (BALUCHI):
CÉCHT	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	KĀKMART	تخاری A (TOKHARIAN A):
		KAMART	تخاری B (TOKHARIAN B):
			سانسکریت (SANSKRIT):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	522
BARNHART:	(HATCH) 468
MACKENZIE:	(HARD) 117
ONINOS:	(HATCH) 430
SKEAT:	(HATCH) 263
۱۱۰۶	برهان قاطع:

SAKNÖTI, SAKTA	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
HAGR	آلمانی میانه (MIDDLE HIGH GERMAN):
HAGEN	آلمانی (GERMAN):
HECKEN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
HAGAN	

یادداشت:

- ۱- POKORNY واژه‌های ژرمنی این فهرست را با دیگر واژه‌های این فهرست هم‌ریشه می‌داند ولی ONIONS و BARNHART و SKEAT ریشه‌ی واژه‌های ژرمنی را ناشناخته می‌داند.
- ۲- چشم این واژه در زبان‌های ژرمنی: روی تخم خوایدن، به وجود آوردن.
- ۳- واژه‌ی انگلیسی HARD (انگلیسی کهن: HRARD) آلمانی: HART از ریشه‌ی هند و اروپایی (*KAR) آمده‌اند (POKORNY: 531)

SOXAN	فارسی (PERSIAN): سخن
SPEECH	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SEKW-, *SOKW-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید)

CHANS-, SÁCATE	اوستایی (AVESTAN):	SAXVAR	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
ASEM, AGEM	ارمنی (ARMENIAN):	SAX-, SOX-	پهلوی (PAHLAVI):
ENNEPE	یونانی (GREEK):	SAXWAN, SOXVAN	سانسکریت (SANSKRIT):
INSEQUE	لاتین (LATIN):		

لیتوانی (LITHUANIAN):
 SAKÝTI, SEKŪ, SAKAŪ
 ایرلندی کهن (OLD IRISH):
 INSCE
 گالی (GAULISH):
 HEPP
 ولزی (WELSH):
 EB, EBR, HEB
 آلبانی (ALBANIAN):
 THOM

ایسندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
 SEGJA
 ساکسونی کهن (OLD SAXON):
 SEGIAN
 فریزی کهن (OLD FRISIAN):
 SEDZA
 آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
 SAGĒN
 آلمانی (GERMAN):
 SAGEN
 انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
 SECGAN
 انگلیسی (ENGLISH):
 SAY
 دانمارکی (DANISH):
 SIGE
 سوئدی (SWEDISH):
 SÅGA
 هلندی (DUTCH):
 SEGGEN, ZEGGEN
 اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
 SOCHITI
 لهستانی (POLISH):
 OSOKA
 روسی (RUSSIAN):
 SKAZAT

REFERENCES	پسگت‌ها
POKORNY:	897
BARNHART:	(SAY) 961
DELAMARRE:	(DIRE) 279
MACKENZIE:	(SPEECH) 134
BUCK:	1256-1258
ONINOS:	(SAY) 792
SKEAT:	(SAY) 536
۱۱۰۶	برهان قاطع:

یادداشت:

- ۱- واژه فارسی "پاسخ" از واج‌های "پاد" و "سخن" تشکیل شده است، (پهلوی آن: PĀSOX, PASSOX, کردی: BERSIV, ارمنی: PATASXANI).
- ۲- چم این واژه در لاتین: به ترتیب گفتن.
- ۳- ONIONS معتقد است که واژه‌های این فهرست با واژه‌های ایرانی - هندی این فهرست رابطه‌ای ندارد. سایر پسگت‌ها هم واژه‌های ایرانی - هندی این فهرست را مورد بررسی قرار نداده‌اند، لذا جلو واج‌های هندی و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

SAR	فارسی (PERSIAN): سر
HEAD	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KER-, *KER̥-, *KRĀ-, *KEREI-, *KEREU-, *KRS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
SAR	بلوچی (BALUCHI):
SAR	افغانی (پشت) (AFGHANI):
SIRAS, CHIRAS	سانسکریت (SANSKRIT):
SAR	ارمنی (ARMENIAN):
SARAH-	اوستایی (AVESTAN):
SAR	پهلوی (PAHLAVI):
SĀR	اوسنی (OSSETIC):
SAR, SER, SEROK	کردی (KURDISH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	574
DELAMARRE:	(JÊTE) 101
MACKENZIE:	(HEAD) 117
BUCK:	212-213
AMINDAROV:	(HEAD) 234
۱۱۱۱	برهان قاطع:

KERAS, KARĀ	یونانی (GREEK):
CERE(BRUM)	لاتین (LATIN):
HIRNI:	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
STIRN	آلمانی (GERMAN):

یادداشت:

چم این واژه در زبان ارمنی: بلندی.
چم این واژه در زبان آلمانی: پیشانی.

SARĀ, SARĀY	فارسی (PERSIAN): سر، سرای
HOUSE, PLACE, HALL	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KEL, *KOL, *KĒL	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

HEAL	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
HALL	انگلیسی (ENGLISH):
HAL	هلندی (DUTCH):
CUTLE,	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
CELM	

SRĀDHA	اوستایی (AVESTAN):
*SRĀDA	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
SRĀY	پهلوی (PAHLAVI):
SĀLĀ, SARANĀ	سانسکریت (SANSKRIT):
SRAH, SRAHAK	ارمنی (ARMENIAN):
KALIĀ	یونانی (GREEK):
CELLA	لاتین (LATIN):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

HOLL	
HALLA	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
HALLA	
HALLE	آلمانی (GERMAN):

یادداشت:

- ۱- واژه‌های CELLULE, CELLAR, CELL نیز از همین واکه‌هاست.
- ۲- چم این واژه در زبان‌های سانسکریت و یونانی: کلبه، خانه‌ی کوچک.

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	553
BARNHART:	(HALL) 462
MACKENZIE:	(HALL) 117
SKEAT:	(HALL) 258
MALLORY & ADAMS:	KELS, K(L)LOS
۱۱۱۲	برهان قاطع:

SARD	فارسی (PERSIAN): سرد
COLD	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KEL-, *KELTOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SLANA	بلغاری (BULGARIAN):	SARJTO	اوستایی (AVESTAN):
SALTAS, SHALŪ	لیتوانی (LITHUANIAN):	SART, SARD	پهلوی (PAHLAVI):
SALTS	لتونی (لتی) (LATVIAN):	SALD	اوستی (OSSETIC):
PASSALIS	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	SĀR, SARAYI	کردی (KURDISH):
CLYD	گالی (GAULISH):	SART, SARD	بلوچی (BALUCHI):
		SÖR	افغانی (پشتو) (AFGHANI):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	551
DELAMARRE:	
(GELÉ, FROID) 225	
MACKENZIE:	(COLD) 107
AMINDAROV:	(COLD) 201
۱۱۲۱	برهان قاطع:

SISIRA	سانسکریت (SANSKRIT):
SARN, SAR	ارمنی (ARMENIAN):
CALIDUS	لاتین (LATIN):
	ایسندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

HÉLA	
HĀLI	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
HĀLIG	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

یادداشت:

- ۱- چشم این واژه در زبان‌های لاتین و گالی: گرم (تغییر معنی این واژه در این زبان‌ها بسیار جالب است).
- ۲- واژه‌ی "سرما" نیز از همین واژه است.

SARDÉ	فارسی (PERSIAN): سرده (به چشم نوع، قسم)
KIND, SORT, GENUS	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KERDHA	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	SAREDHA	اوستایی (AVESTAN):
HERTA		THARD-	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
HERDE	آلمانی (GERMAN):	SARTAK, SARDAR	پهلوی (PAHLAVI):
HEORD	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	SĀRDHAS	سانسکریت (SANSKRIT):
HERD	انگلیسی (ENGLISH):		یونانی (GREEK):
HJORD	دانمارکی (DANISH):	KÓRTHYS, CHÓRTHYS	
HJORD	سوئدی (SWEDISH):	HAIRDA	گوتیک (GOTHIC):
HJORD	نروژی (NORWEGIAN):		ایسندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
HERDER	هلندی (DUTCH):	HJORDH	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	579
BARNHART:	(HERD) 477
MACKENZIE:	(KIND) 120, (SORT) 134
ONINOS:	(HERD) 437
SKEAT:	(HERD) 249
۱۸۶۵	فرهنگ معین:
۱۱۲۲	برهان قاطع:

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

CHĚDA

TRZODA (POLISH): لهستانی

CHĚDA (OLD BULGARIAN): بلغاری کهن

KERZHIUS (LITHUANIAN): لیتوانی

KĚDAN (OLD PRUSSIAN): پروسی کهن

CROD (OLD IRISH): ایرلندی کهن

CORDD (WELSH): ولزی

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: توده، آبشسته، تل

چم این واژه در زبان ایرلندی کهن و ولزی: گروه، گروه سربازان.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: گله، دسته‌ی گوسفند یا گاو، گروه.

SERESHK	فارسی (PERSIAN): سرشک (به چم "اشک چشم"، "قطره"
TEAR(S), DROP	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SRESK	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SRASKA (AVESTAN): اوستایی

(PAHLAVI): پهلوی

SRISHK, SRIXT, SRESHK

SIRISHK (KURDISH): کردی

SRSKEL (ARMENIAN): ارمنی

(LITHUANIAN): لیتوانی

SHLĀKAS, SHLAKĒTI

یادداشت:

چم این واژه در اوستایی: تگرگ.

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1002
MACKENZIE:	(DROP) 111, (TEAR) 136
AMINDAROV:	297
۱۱۲۴	برهان قاطع:

SARGIN	فارسی (PERSIAN): سرگین
DUNG, FECES	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SKER-, *SKWER-, *KOKWR-, *SKOR-, *SKEN-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SARGŌN, SARGĪN, SARGĒN

SAIRYA

(AVESTAN): اوستایی

SĒRA (AFGHANI): افغانی (پشتو)

(PAHLAVI): پهلوی

SRÁTI : (BOHEMIAN) بوهمی
: (LITHUANIAN) لیتوانی
SHARWAI, SHIKŪ
SARNI : (LATVIAN) لتونی (لتی)
SHAKKAR, SAKNAS : (HITTITE) هیتی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	947-948
BARNHART:	(SCATOLOGY) 965
MACKENZIE:	(DUNG) 111
BUCK:	275-278
MALLORY & ADAMS:	KÓKWR
۱۱۲۸	برهان قاطع:

SÁKRT : (SANSKRIT) سانسکریت
: (GREEK) یونانی

SKŌR, SKATÓS, KOPROS

-CERDA, STERCUS : (LATIN) لاتین
: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن

SKARN

SKERN : (OLD FRISIAN) فریزی کهن
SCEÁRN : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

SKAREDŪ

SRÁĆ : (POLISH) لهستانی
SÓR, SRAT : (RUSSIAN) روسی
SRATI : (SERBIAN) صربی

SORŪD, SORŪDAN	فارسی (PERSIAN): سرود، سرودن
SONG, SING	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KLEU-, *KLEUǵ-, *KLEU-TROM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

HLUSTA, HLUST : (AVESTAN) اوستایی

HLUST : (OLD SAXON) ساکسونی کهن
: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

HLÖSEN

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

HLYSNAN, HLYSTAN, HLYST

LISTEN : (ENGLISH) انگلیسی

LYSSNA : (SWEDISH) سوئدی

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

SLYSHATI

SLYSHATI : (BULGARIAN) بلغاری

SLŪSHATI : (SERBIAN) صربی

KLAUSAŪ : (LITHUANIAN) لیتوانی

KLÁUSIT : (LATVIAN) لتونی (لتی)

SRAOTHRA, SRAOTA

: (PAHLAVI) پهلوی

SRŌT, SRŪT, SRŌD, SRŪDAN

SARŌDH : (BALUCHI) بلوچی

SAROD : (AFGHANI) افغانی (پشتو)

KLYOS : (TOKHARIAN A) A تخاری

KLYAUS : (TOKHARIAN B) B تخاری

: (SANSKRIT) سانسکریت

SRUDHL, SRUTA, CRU

LUR : (ARMENIAN) ارمنی

ĒCHLUON, KLUEIN : (GREEK) یونانی

CLUEŌ, CLUĒRE : (LATIN) لاتین

: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	605-607
BARNHART:	(LISTEN) 601
MACKENZIE:	(SONG) 133, (SING) 133
ONINOS:	(LISTEN) 531, (LOUD) 538
SKEAT:	(KLEU) 755, (LISTEN) 344, (LOUD) 348
۱۱۳۲	برهان قاطع:

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):

KLAUSITON

CLUAS : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

CLUST : (WELSH) ولزی

CLEVOUT : (BRETON) برتونی

یادداشت:

۱- واژه‌ی انگلیسی LOUD (آلمانی کهن HLUT، آلمانی LAUT، یونانی KLUTOS لاتین CULTUS، هلندی LEID، فریزی کهن، HLUÐ) نیز از همین واژه است. ضمناً احتمال دارد که واژه‌ی فارسی "شنیدن" نیز از همین واژه باشد (فارسی باستان *XSHNAVĀMIY، پهلوی ASHNŪTAN و SHNAVSHN و XSHNUDAN و SANAGH بلوچی).

۲- چم این واژه در همه‌ی زبان‌های این فهرست به جز پهلوی و فارسی و بلوچی و افعانی: شنوایی، شعور، شنیدن، گوش، گوش کردن و واژه‌های وابسته به فهمیدن یا شنوایی.

SORŪN, SORŪ	فارسی (PERSIAN): شرون، شرو (به چم شاخ)
HORN	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KER-, *KERŠ-, *KORNO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
CORNO	اوستایی (AVESTAN): SRŪ, SRVĀ
CORN	پهلوی (PAHLAVI): SRUV, SRŪB, SRŪ
HAURN	بلوچی (BALUCHI): SURUM, SRUNBE
	سانسکریت (SANSKRIT):
HORN	CHIRAS, CHRNGA
HORN: (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن KÉRAS : (GREEK) یونانی
HORN	CIRNŪ : (LATIN) لاتین
HORN : (OLD ENGLISH)	CORNE : (FRENCH) فرانسه
HORN : (ENGLISH)	انگلیسی CUERNO : (SPANISH) اسپانیایی

REFERENCES	پسگشت ما
POKORNY:	574
BARNHART:	(HORN) 491
MACKENZIE:	(HORN) 118
BUCK:	208-209
ONINOS:	(HORN) 448
SKEAT:	(HORN) 277
۱۱۳۴ و ۱۱۳۰	برهان قاطع:
۱۸۷۶ و ۱۸۷۸	فرهنگ معین:

HORN	دانمارکی (DANISH):
HORN	سوئدی (SWEDISH):
HORN	نروژی (NORWEGIAN):
HOORN	هلندی (DUTCH):
CORN	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
CORN	سلتی (کلتی) (CELTIC):
CORN	ولزی (WELSH):
KORN	برتونی (BRETON):

SORIN, SORUN	فارسی (PERSIAN): سرین، سرون (به چم "کبل"، "نشستگاه"، "تحت")
BUTTOCK	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KLOUNI, *KLOUNIS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

CLUAIN	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	اوستایی (AVESTAN):
CLUN	ولزی (WELSH):	SRAONI, SRAONISH
KLUN	برتونی (BRETON):	SARIN, SARUK
CLUN	گالیک (GAELIC):	پهلوی (PAHLAVI):
		SREN, SAREN
		بلوچی (BALUCHI):
		یونانی (GREEK):
		KLONIS
		لاتین (LATIN):
		CLUNIS

REFERENCES	پسگشت ما
POKORNY:	607-608
DELAMARRE:	102
۱۱۳۷	برهان قاطع:
۱۸۸۱ و ۱۸۷۸	فرهنگ معین:

	ایسندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
	KLAUN
	لیتوانی (LITHUANIAN):
	SHLAUNIS
	پروسس کهن (OLD PRUSSIAN):
	SLAUNIS

SOFT	فارسی (PERSIAN): شفت (به چم "شانه" و "کف")
SHOULDER	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KUP, *(S)KUPT-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SUFT	پهلوی (PAHLAVI):	SUPTI	اوستایی (AVESTAN):
SUPTI	سانسکریت (SANSKRIT):		پارسی باستان (OLD PERSIAN):
SUP	ارمنی (ARMENIAN):	CUTI, SUPTI	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	627
DELAMARRE:	109 (PAULE)
MACKENZIE:	132 (SHOULDER)
BUCK:	238
۱۱۲۳	برهان قاطع:

SCHOFT :فریزی کهن (OLD FRISIAN)
 آلمانی میانه (OLD HIGH GERMAN)
 SCHUFT
 SCHOFT :هلندی (DUTCH)
 SUPĒ, SUP :آلبانی (ALBANIAN)

یادداشت:

چم این واژه در هلندی: شانه‌ی اسب.

SAG	فارسی (PERSIAN): سگ
DOG	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWŌN, *K(U)WO(N), *KUNÓS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

HUNDS :گوتیک (GOTHIC)
 ايسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SPĀ :اوستایی (AVESTAN)
 پارسی باستان (OLD PERSIAN):

HUNDR

*SAKA, *SPAKA, SPAXA

HUND :ساکسونی کهن (OLD SAXON)

SAK, SAG :پهلوی (PAHLAVI)
 کردی (KURDISH):

HUND :فریزی کهن (OLD FRISIAN)

HUNT :آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

SEH, SAH, SACH, SEG

HUND :آلمانی (GERMAN)

SPAI :افغانی (پشتو) (AFGHANI):

HUND :انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

KU :تخاری A (TOKHARIAN A):

HUND :انگلیسی (ENGLISH)

:تخاری B (TOKHARIAN B):

HUND :دانمارکی (DANISH)

KU, SHUWANA

HUND :سوئدی (SWEDISH)

SYA, SŪNĀŚ :سانسکریت (SANSKRIT):

HUND :نروژی (NORWEGIAN)

SHUN :ارمنی (ARMENIAN):

HOND :هلندی (DUTCH)

KŪŌN, KÝON, KYNÓS: یونانی (GREEK):

SAMIEC :لهستانی (POLISH)

CANIS :لاتین (LATIN):

SUKA, SOBAKA :روسی (RUSSIAN)

CHIEN :فرانسه (FRENCH):

SHUŌ, SHUNS :لیتوانی (LITHUANIAN)

CAN :اسپانیایی (SPANISH):

CŪ, CON :ایرلندی کهن (OLD IRISH)

CANE :ایتالیایی (ITALIAN):

CI, CWN :ولزی (WELSH):

CĪNE :رومانی (RUMANIAN):

KI :برتونی (BRETON):

CĀO :پرتغالی (PORTUGUESE):

BUCK:	178-179	REFERENCES	پسگشت‌ها
ONINOS:	(HOUND) 449	POKORNY:	633
SKEAT:	(HOUND) 279	BARNHART:	(HOUND) 493
۱۱۵۵	برهان قاطع:	DELAMARRE:	(CHIEN) 135
		MACKENZIE:	(DOG) 111

SOM	فارسی (PERSIAN): پشم
HOOF	چشم انگلیسی سروازدی فارسی:
*KAPHO, *KOPHO.	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

HOV	: (DANISH) دانمارکی	SAFA	: (AVESTAN) اوستایی
HOV	: (SWEDISH) سوئدی		: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
HOV	: (NORWEGIAN) نروژی	*SUMBA, *SUMP	
HOEF	: (DUTCH) هلندی	SUMB	: (PAHLAVI) پهلوی
KOPYTO	: (POLISH) لهستانی	SIM	: (KURDISH) کردی
KOPYTO	: (RUSSIAN) روسی	SUM	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
KOPYTO	: (SLOVAK) اسلواکی	SAPHAS	: (SANSKRIT) سانسکریت
		SIMBAK, SUMPAG	: (ARMENIAN) ارمنی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	530
BARNHART:	(HOOF) 489
DELAMARRE:	(SABOT) 147
MACKENZIE:	(HOOF) 118
ONINOS:	(HOOF) 447
۱۱۶۳	برهان قاطع:

	: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن
HÖFR	
HÖF	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
HÖF	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
HUOF	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
HUF	: (GERMAN) آلمانی
HÖF	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
HOOF	: (ENGLISH) انگلیسی

SAMŪR	فارسی (PERSIAN): سمور
ERMINE, SABLE (MARTEN)	چشم انگلیسی سروازدی فارسی:
*KORMŌN, KORMEN, KER-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید)

HERMINE, HERMELINE	SAMŌR, SIMŌR	: (PAHLAVI) پهلوی
: (SPANISH) اسپانیایی		: (FRENCH) فرانسه

SERMULIS :لونی (لٹی) (LATVIAN)

ARMELINA, ARMIÑO

ERMELLINO :ایتالیایی (ITALIAN)

ARMINHO :پرتغالی (PORTUGUESE)

:آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

HARMO, HARMIN

:آلمانی (GERMAN)

HARME, HERMELIN

HEARMA :انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

ERMINE :انگلیسی (ENGLISH)

:لیتوانی (LITHUANIAN)

SARMUO, SHZERUO

یادداشت:

در مورد پیگیری سیر تطور این واژه میان دانشمندان اختلاف عقیده وجود دارد (BARNHART: 341-340).

SANG	فارسی (PERSIAN): سنگ
STONE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*AKEN, *AK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

EGENU, AGNAN

:اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

KAMY

KAMEN :روسی (RUSSIAN)

AKMUO, ASHNIS: لیتوانی (LITHUANIAN)

ASNS :لونی (لٹی) (LATVIAN)

ASONGA :اوستایی (AVESTAN)

ATHANGA :پارسی باستان (OLD PERSIAN)

SANG, SAG :پهلوی (PAHLAVI)

SENK, SENG :کردی (KURDISH)

SING :بلوچی (BALUCHI)

SANG :افغانی (پشتو) (AFGHANI)

ASANI, ASMAN :سانسکریت (SANSKRIT)

AKONE, AKMON :یونانی (GREEK)

ACUNA, AGNA :لاتین (LATIN)

AHANA :گوتیک (GOTHIC)

OGN :ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

:آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

AGANA

AHNE :آلمانی (GERMAN)

:انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	19-20
BARNHART:	(HAMMER) 463
DELAMARRE:	
(PIERRE, CIEL) 178	
MACKENZIE:	(STONE) 135
11۷۵	برهان قاطع:

یادداشت:

- ۱- برخی پسگشت‌ها واژه‌ی انگلیسی HAMMER و هم‌ریشه‌های ژرمنی آنرا نیز از همین واچریشه می‌دانند.
۲- بازگشت به: آس، آسمان.

SŪT	فارسی (PERSIAN): سوت (به چم صغیر)
WHISTLE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SWEI-, *SWEIGHL-, *SWEIZDŌ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

لیتوانی (LITHUANIAN):

سانسکریت (SANSKRIT):

SHVIRKSHTI, SHVILPTI

SVĒDATI, KSVEDATI

SIKT (لاتونی (LATVIAN):

SIZŌ (یونانی (GREEK):

SĒTIM, SĒT (ایرلندی کهن (OLD IRISH):

SĪBILŌ, SIBILĀRE (لاتین (LATIN):

CHWYTHEL, CHWYTH (ولزی (WELSH):

SIFFLET (فرانسوی (FRENCH):

CHOUÉZA (برتونی (BRETON):

SILBATO (اسپانیایی (SPANISH):

SWIGLON (گوتیک (GOTHIC):

SWĒGLŌN (انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

(اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

SVISTATI, ZVIZDATI

ŚWIST, ŚWISTĀC (لهستانی (POLISH):

SĪPATI (چک (CZECH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1040-1041, 632
DELAMARRE:	(SIFFLER) 287
۱۳۸۳	لغت نامه دهخدا:
۱۹۴۴	فرهنگ معین:

یادداشت:

POKORNY (صفحه‌ی ۴۱-۱۰۴) می‌گوید واژه‌ی فارسی نوین "سفیدن" یا "سیفلیدن" (SIFLIDEN) نیز از همین واچریشه است ولی این واژه را در هیچ کدام از فرهنگ‌ها نیافتیم. شاید منظور "سرفیدن" به چم "سرفه کردن" باشد (لغت نامه دهخدا: ۱۳۶۰۸).

SŪXTAN	فارسی (PERSIAN): سوختن
BURN	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KFUK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SUCAG, SUSHAGH (بلوچی (BALUCHI):

اوستایی (AVESTAN):

SĒZAL, SĒJAL (افغانی (افغانی (AFGHANI):

SAOCHINT, SAOC-, SAOCHAYEITI

سانسکریت (SANSKRIT):

SOXTAN, SŌZISHN (پهلوی (PAHLAVI):

SŌCATI, SŪCYATI

SOJUN, SŪJIN (اوستی (OSSETIC):

SŌTIN (کردی (KURDISH):

پسگشت‌ها	REFERENCES	(BURN, BURNING) 105
597	POKORNY:	برهان قاطع: ۱۱۸۳
	MACKENZIE:	

یادداشت:

۱- واژه‌ی فارسی "سرخ" (اوستایی: SUXRA، پهلوی: SUXR) نیز از همین ریشه است. (POKORNY: 597)

۲- بازگشت به: سرگ

فارسی (PERSIAN):	سور (به چم "جشن و مهمانی"، "خوراک")	SŪR
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	FEAST, BANQUET, MEAL	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*KEU-	

پسگشت‌ها	REFERENCES
595	POKORNY:
	MACKENZIE:
(MEAL) 123, (FEAST) 114	
(FEAST) 223	AMINDAR:
فرهنگ معین: ۱۱۲۹	
برهان قاطع: ۱۱۸۵	

اوستایی (AVESTAN): SŪRAM, SUIRYA

پهلوی (PAHLAVI): SŪR

کردی (KURDISH): SŪR

بلوچی (BALUCHI): SIR

سانسکریت (SANSKRIT): *SAVAH, ŚVAH

ارمنی (ARMENIAN): SHUKH

لیتوانی (LITHUANIAN): KIĀUNE

لتونی (لتی) (LATVIAN): CAŪNA, CAŪNE

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): CAUNE

یادداشت:

چم این واژه در زبان اوستایی: سحر

چم این واژه در زبان بلوچی: جشن عروسی

چم این واژه در زبان لومنی: درختش

فارسی (PERSIAN):	سوراخ	SŪRĀX
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	HOLE	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*KEU-, *KUWR-, *KOWOS-	

SÁVIRA, SU-ÁYATI

اوستایی (AVESTAN): SŪRĀ-, SISPIMNA

ارمنی (ARMENIAN): SOR, SUN

پهلوی (PAHLAVI): SŪRĀG, SŪRĀX

یونانی (GREEK): KUAR, KOILOS

کردی (KURDISH): SURAX

لاتین (LATIN): CAVUS, CAVA, CAVERNA

افغانی (پشتو) (AFGHANI): SŪRAI

فرانس (FRENCH): CAVERN

سانسکریت (SANSKRIT):

REFERENCES	پسگت ها
POKORNY:	592-594
BARNHART:	(CAVE) 152
DELAMARRE:	(TROU) 185
MACKENZIE:	(HOLE) 118
ONINOS:	
(CAVE, CAVERN) 155	
SKEAT:	(CAVE) 98
۱۱۸۵	برهان قاطع:

CAVERNA : (SPANISH) اسپانیایی

CAVERNA, CAVA : (ITALIAN) ایتالیایی

CAVERNA : (PORTUGUESE) پرتغالی

: (OLD SCANDINAVIAN) کهن ایسندی

HUNA

(ENGLISH) (از لاتین)

CAVE, CAVERN

SHAŪNAS : (LITHUANIAN) لیتوانی

SHĀVA : (LATVIAN) لونی (لونی)

: (MIDDLE IRISH) ایرلندی میانه

CUA, CŪASS

SŪZAN	فارسی (PERSIAN): سوزن
NEEDLE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KŪ.	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SŪCL, SŪLA, SŪKA-

SŪKA : (AVESTAN) اوستایی

SLAK : (ARMENIAN) ارمنی

: (PAHLAVI) پهلوی

CUNEUS : (LATIN) لاتین

SŪCAN, SŌZAN, SŪZAN

CUIL : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

SOJINE, SUJIN : (OSSETIC) اوسنی

CYLION-EN : (WELSH) ولزی

: (KURDISH) کردی

SHŪZHIN, BEZHUZHIN

: (BALUCHI) بلوچی

SŪCIN, SISHIN, SICIN

STĒN : (AFGHANI) افغانی (پشتو)

: (SANSKRIT) سانسکریت

REFERENCES

POKORNY: 626

MACKENZIE: (NEEDLE) 124

۱۱۸۷ برهان قاطع:

یادداشت: "سوزن"

۱- چشم کلی این واژه در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی: نیز

چشم این واژه در زبان لاتین: گوه

۲- واژه‌های فارسی "شک" و "شکه" هم از همین ریشه‌اند.

فارسی (PERSIAN): سوگ (به چم "عزا")		SÜG
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: SORROW, MOURNING, BEREAVEMENT		
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): *KEUK-		
اوستایی (AVESTAN): SAOKA	پسگشت‌ها	REFERENCES
پهلوی (PAHLAVI): SÖK	597	POKORNY:
سانسکریت (SANSKRIT): CHOKA	75 (2 SÖG)	MACKENZIE:
ارمنی (ARMENIAN): SUG	برهان قاطع:	1189-1190

یادداشت:

پازگشت به: سوختن

فارسی (PERSIAN): سوم، سیم		SEVOM, SAYOM
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: THIRD		
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): *TRITYOS, *TRTYOS		
اوستایی (AVESTAN): THRITYA	فریزی کهن (OLD FRISIAN): THREDDA	
پارسی باستان (OLD PERSIAN): THRITIYA-	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	
پهلوی (PAHLAVI): SIDĠ-, SEYOM	DRITTO	
افغانی (پشتو) (AFGHANI): DREYAM	آلمانی (GERMAN): DRITTE	
تخاری B (TOKHARIAN B): TRITE	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): THRIDDA	
سانسکریت (SANSKRIT): TRITĪYAS	انگلیسی (ENGLISH): THIRD	
ارمنی (ARMENIAN): ERIR	دانمارکی (DANISH): TREDJE	
یونانی (GREEK): TRITOS	سوئدی (SWEDISH): TREDJE	
لاتین (LATIN): TERTIUS	نروژی (NORWEGIAN): TREDJE	
فرانسé (FRENCH): TROISIÈME	هلندی (DUTCH): DERDE	
اسپانیایی (SPANISH): TERCERO	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	
ایتالیایی (ITALIAN): TERZO	TRETIJI	
رومانی (ROMANIAN): AL TREILEA	لهستانی (POLISH): TRCEZI	
پرتغالی (PORTUGUESE): TERCIERO	روسی (RUSSIAN): TRETJ	
گوتیک (GOTHIC): THRIDJA	صربی (SERBIAN): TREC'I	
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	بوهمی (BOHEMIAN): TRETI	
THRIDHI	لیتوانی (LITHUANIAN): TRĖCHIAS	
ساکسونی کهن (OLD SAXON): THRIDDIO	لتونی (LATVIAN): TRESHIAS	

پښت ما	REFERENCES
1091	POKORNY:
1135 (THIRD)	BARNHART:
211 (TROISIÈME)	DELAMARRE:
136 (THIRD)	MACKENZIE:
941	BUCK:
برهان قاطع:	1191

TĪRTS	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن
TRESS	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
TRYDYDD	: (WELSH) ولزی
TREDE, TRIVET	: (BRETON) برتونی
TRETË	: (ALBANIAN) آلبانی
TARRHANALLI-	: (HITTITE) هیت

SŌHĀN, SĀV, SĀN	فارسی (PERSIAN): سوهان، ساو، سان
FILE	چتم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KE(I)-, *KĒ-NO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

HEN	: (SWEDISH) سوئدی
HEN	: (NORWEGIAN) نروژی
HEN	: (DUTCH) هلندی

SAENI	: (AVESTAN) اوستایی
	: (SANSKRIT) سانسکریت
SĀNAS, SAYATI, SHĀ-TI	

پښت ما	REFERENCES
542	POKORNY:
489 (HONE)	BARNHART:
446 (HONE)	ONINOS:
276 (HONE)	SKEAT:
برهان قاطع:	۱۰۷۷ و ۱۱۹۳

SAIR, SROY, SUR	: (ARMENIAN) ارمنی
KŌNOS	: (GREEK) یونانی
CŌS, CŌTIS, CATAS	: (LATIN) لاتین
HEIN:	(OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن
HĀR	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی میانه
HAN	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
HONE	: (ENGLISH) انگلیسی
HEN	: (DANISH) دانمارکی

SĒ	فارسی (PERSIAN): سه
THREE	چتم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TREI-, *TREYES, *TISORES,	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

DRE	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
TRE, TRI-	: (TOKHARIAN A) A تخاری
TRAI, TARYA	: (TOKHARIAN B) B تخاری
	: (SANSKRIT) سانسکریت

THRAY, THRI-	: (AVESTAN) اوستایی
	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
SAYA, THRAYAM	
SĒ, SĒ-	: (PAHLAVI) پهلوی

TRĀYAS, TISRÁS, TRI	
EREKH, SE	: (ARMENIAN) ارمنی

SĪ	: (KURDISH) کردی
SAI	: (BALUCHI) بلوچی

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

TRIJE, TRI

TRZY لهستانی (POLISH):

TRI روسی (RUSSIAN):

TRI چک (CZECH):

TRI صربی (SERBIAN):

TRI یومس (BOHEMIAN):

TRI (SLOVAK) اسلواکی

DRYS, TRYS لیتوانی (LITHUANIAN):

TRIS لتونی (LATVIAN):

TRÍ, TEOIR ایرلندی کهن (OLD IRISH):

TRI ولزی (WELSH):

TRI برتونی (BRETON):

TRE, TRI آلبانی (ALBANIAN):

TRI- هیتی (HITTITE):

TREIS, TRIA یونانی (GREEK):

TRES لاتین (LATIN):

TROIS فرانسه (FRENCH):

TRES اسپانیایی (SPANISH):

TRE ایتالیایی (ITALIAN):

TREI رومانی (RUMANIAN):

TRES پرتغالی (PORTUGUESE):

THREIS, THRIJA گوتیک (GOTHIC):

(OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن

THRIR, THRJŪ

(OLD SAXON) ساکسونی کهن

THRIA, THRIU

THRIA فریزی کهن (OLD FRISIAN):

THRE

DRĪ آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

DREI آلمانی (GERMAN):

(OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

THRI, THREO

THREE انگلیسی (ENGLISH):

TRE دانمارکی (DANISH):

TRE سوئدی (SWEDISH):

TRE نروژی (NORWEGIAN):

DRIE هلندی (DUTCH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1090
BARNHART:	(THREE) 1137
DELAMARRE:	211
MACKENZIE:	(THREE) 136
BUCK:	941
1117	برهان قاطع:

SIYĀH, SIYAH	فارسی (PERSIAN): سیاه، سیه
BLACK	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KIE-, *KĪ-, *KIEMO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
SAU	اوستایی (AVESTAN):
SIYĀH	کردی (KURDISH):
SIYĀH	بلوچی (BALUCHI):
	سانسکریت (SANSKRIT):
SYĀVÁ, SYĀ-, SYĀMAS	
SYĀVA, SĀMŌ, SAMA-	
	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
SIYĀVAH, SĀ-	
SIYAK, SYAH, SYĀ	پهلوی (PAHLAVI):

SIJWAN : (OLD PRUSSIAN) بروسی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	541
DELAMARRE:	
(GRIS SOMBRE) 239	
MACKENZIE:	(BLACK) 104
۱۱۹۹	برهان قاطع:

SEAV : (ARMENIAN) ارمنی

KIMON (GREEK) (اسم خاص)

CĪMEX : (LATIN) لاتین

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

SIVŌ

SÍVYJ : (RUSSIAN) روسی

SIV : (SERBIAN) صربی

: (LITHUANIAN) لیتوانی

SHYVAS, SHEMAS

SIZDAH	فارسی (PERSIAN) : سیزده
THIRTEEN	چتم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*TREI+DEKM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

THRETEN : (OLD FRISIAN) فریزی کهن

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

DRĪZEHAN

DREIZEHN : (GERMAN) آلمانی

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

THRĒOTĒNE

THIRTEEN : (ENGLISH) انگلیسی

TRETEN : (DANISH) دانمارکی

TRETTON : (SWEDISH) سوئدی

TRETEN : (NORWEGIAN) نروژی

DERTIEN : (DUTCH) هلندی

TRZYNÁSIE : (POLISH) لهستانی

TRINÁCT : (CZECH) چک

TRINÁST : (SLOVAK) اسلواکی

TRYDYDD : (WELSH) ولزی

THRIDASA : (AVESTAN) اوستایی

: (OLD PERSIAN) پارسی باستان

THRAYADATH

SĪCDAK, SĒZDAH : (PAHLAVI) پهلوی

SIZDEH, SĒZDĒ : (KURDISH) کردی

: (AFGHANI) افغانی (پشتو)

DYĀRLAS, DYĀRLĒS

: (SANSKRIT) سانسکریت

TRÁYŌDASA, THRYODACA

TREDECIM : (LATIN) لاتین

TREIZE : (FRENCH) فرانسه

TRECE : (SPANISH) اسپانیایی

TREDICI : (ITALIAN) ایتالیایی

TREIDPREZECE : (RUMANIAN) رومانی

TREZE : (PORTUGUESE) پرتغالی

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسندی کهن

THRETTĀN

: (OLD SAXON) ساکسونی کهن

THRIUTEIN, THRUTEIN

پسگشت‌ها	REFERENCES	SEAT:	(THIRTEEN) 642
(THIRTEEN) 1135	BARNHART:	برهان قاطع:	۱۲۰۵
(THIRTEEN) 136	MACKENZIE:		

فارسی (PERSIAN):	سیم (به چم بخشی از یوغ)	SĒM
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	(THE NECKPIECE OF A) YOKE	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):		*KEM-, *KAM-

اوستایی (AVESTAN):	SIMĀ, SIMŌITHRĀ	سوئدی (SWEDISH):	HAMMEL
پهلوی (PAHLAVI):	SĒM, ASĒM	نروژی (NORWEGIAN): (محلی)	HUMUL

سانسکریت (SANSKRIT):	SĀMYĀ
----------------------	-------

ارمنی (ARMENIAN):	SAMIK
-------------------	-------

یونانی (GREEK):	CHĀMAX
-----------------	--------

آلمانی میانه (MIDDLE HIGH GERMAN):	
------------------------------------	--

	HAMEL
--	-------

دانمارکی (DANISH):	HAMMEL
--------------------	--------

یادداشت:

چم‌های این واژه در دیگر زبان‌های هند و اروپایی این فهرست: تیر چوبی، ستون چوبی، دیرک

فارسی (PERSIAN):	شاخه، شاخ	SHĀXĒ, SHĀX
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:		BRANCH, HORN
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):		*KĀK-, *KĀKHĀ

اوستایی (AVESTAN):	YAXSHTI, SHAKHA	نورس کهن (OLD NORSE):	HĀR
--------------------	-----------------	-----------------------	-----

پهلوی (PAHLAVI):	SHAX	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	
------------------	------	-------------------------------	--

کردی (KURDISH):	SHAKH
-----------------	-------

بلوچی (BALUCHI):	SHĀH, SHAX
------------------	------------

افغانی (پشتو) (AFGHANI):	
--------------------------	--

	SHKĒR, XĀX, SHAX
--	------------------

سانسکریت (SANSKRIT):	
----------------------	--

	SĀXĀ, SĀKHĀ, SAKTI
--	--------------------

ارمنی (ARMENIAN):	CAX, CHAX
-------------------	-----------

گوتیک (GOTHIC):	HOHA
-----------------	------

		لوتونی (لاتی) (LATVIAN):	SAKNE
--	--	--------------------------	-------

		پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	SAGNIS
--	--	---------------------------	--------

		لهستانی (POLISH):	ROZSOCHA
--	--	-------------------	----------

ایرلندی کهن (OLD IRISH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	523
DELAMARRE:	(BRANCH) 170
۱۲۱۹	برهان قاطع:

GĒSCAE, CĒCHT

CAINC : (GAULISH) گالی

CAINC : (WELSH) ولزی

THĒKĒ : (ALBANIAN) آلبانی

یادداشت:

در فارسی شاد دارای دو چم است: سرودن یا شاد جانور و شاخه‌ی گیاه.

SHĀD	فارسی (PERSIAN): شاد
HAPPY, JOYFUL	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWEIŁ-, *KWIŁĒ-, *KWIŁO-, *KWIŁĒ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

اوستایی (AVESTAN):

HVILA

SHAYĀTŌ, SHĀTA-, SHĀITI

HVILD : (OLD NORSE) نورس کهن

SHIYĀTIS : (OLD PERSIAN) پارسی باستان

HWĪL : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

SHĀD, SHĀ : (PAHLAVI) پهلوی

HWĪLE : (OLD FRISIAN) فریزی کهن

: (OSSETIC) اوستی

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

ANCAYUM, ĀNCHAD, ANCĀIN

HWĪLA, WĪLA

SHĀD : (KURDISH) کردی

WEILE : (GERMAN) آلمانی

SHĀD : (BALUCHI) بلوچی

HWIL : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

SHĀTE : (TOKHARIAN B) B تخاری

WHILE : (ENGLISH) انگلیسی

SHT : (SOGADIAN) سفدی

HVILE : (DANISH) دانمارکی

CIRĀM : (SANSKRIT) سانسکریت

VILA : (SWEDISH) سوئدی

: (ARMENIAN) ارمنی

HVILE, KVILE : (NORWEGIAN) نروژی

HANGCHIM, HANGIST

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

QUIES, QUIETUS : (LATIN) لاتین

POKOJ, POCHITI

QUIETE : (OLD FRENCH) فرانسه کهن

QUIETO, QUEDO : (SPANISH) اسپانیایی

QUIETO, CHETO : (ITALIAN) ایتالیایی

QUIETO : (PORTUGUESE) پرتغالی

HVEILA : (GOTHIC) گوتیک

BUCK:	1104, 840	REFERENCES	پسگشت‌ها
ONIONS:	(WHILE) 1002	POKORNY:	638
SKEAT:	(WHILE) 711	BARNHART:	(WHILE) 1232
ALVANDAROW:	234	DELAMARRE:	
۱۲۲۲	برهان قاطع:	(PAISIBLE, HEUREUX) 226	
		MACKENZIE:	(HAPPY) 117

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در اوستایی و پارسی باستان: استراحت.
- چم این واژه در زبان‌های رومانس: آرام، آرامش.
- چم این واژه در زبان اسپندی کهن: بستر، استراحت‌گاه.
- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: استراحت، مدت، هنگام.
- ۲- واژه‌ی انگلیسی QUIET نیز از همین جریبه است (از لاتین به فرانسه کهن و سپس به انگلیسی).

SHĀNZDAH	فارسی (PERSIAN): شانزده
SIXTEEN	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SWEKS+DEKM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
SAISPREZECE	رومانی (RUMANIAN):
DEZESSEIS	پرتغالی (PORTUGUESE):
SECHZEHN	آلمانی (GERMAN):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
SIXTYNE, SIXTENE	
SIXTEEN	انگلیسی (ENGLISH):
SZESNASTU	لهستانی (POLISH):
SHESTNADTSAT	روسی (RUSSIAN):
SHESTNÁCT	چک (CZECH):
SHESTNAYSET	بلغاری (BULGARIAN):
SHESTNÁST	اسلواکی (SLOVAK):
	آلبانی (ALBANIAN):
GSHĀTEMBĒDHJETĒ	
XSHVASH-DASA	اوستایی (AVESTAN):
	پهلوی (PAHLAVI):
SHĀNCHDAH, SHĀNZDAH, SHĀZDAH	کردی (KURDISH):
SHĀNZDEH, SHĀNZDĒ	
SHANZDAH	بلوچی (BALUCHI):
SHPARĒS	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
SÓDASHAN	سانسکریت (SANSKRIT):
HEKKAIDECA	یونانی (GREEK):
SEDECLM	لاتین (LATIN):
SEIZE	فرانسه (FRENCH):
DIECISÉIS	اسپانیایی (SPANISH):
SEDICI	ایتالیایی (ITALIAN):

MACKENZIE:	(SIXTEEN) 133	REFERENCES	پسگشت‌ها
AMINDAROV:	(SIXTEEN) 287	POKORNY:	1044, 191
۱۲۳۰	برهان قاطع:	BARNHART:	(SIXTEEN) 1011

SHĀNĒ	شانه (به چم "استخوان کتف" و "کتیف")	فارسی (PERSIAN):
SHOULDER	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
* (S)KEL, * (S)KOL, * SKL-DHRĀ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید)	

SHOULDER	انگلیسی (ENGLISH):	SHĀNAG, SHĀNAK	پهلوی (PAHLAVI):
SCULDER	دانمارکی (DANISH):	SHAK, SHĀNŪG	بلوچی (BALUCHI):
SCULDRA	سوئدی (SWEDISH):	OSHA	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
SCULDER	نروژی (NORWEGIAN):	SKÁLLEIN, SKALIS	یونانی (GREEK):
SCHOUDER	هلندی (DUTCH):	CULTER, SCAPULA	لاتین (LATIN):
		ÉPAULE	فرانسوی (FRENCH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	925
BARNHART:	(SHOULDER) 1000
DELAMARRE:	(ÉPAUL) 109
MACKENZIE:	
(SHOULDER-BLADE)	132
ONIONS:	(SHOULDER) 823
SKEAT:	(SHOULDER) 558
۱۲۳۰	برهان قاطع:
۲۰۰۳	فرهنگ معین:
۱۴۰۴۷	لغت نامه دهخدا:

ESPALDA	اسپانیایی (SPANISH):
SPALLA	ایتالیایی (ITALIAN):
FSPADUA	پرتغالی (PORTUGUESE):
SKILDUS	گوئیک (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
SCULDRA	
SCULDERE	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
SCULTRA, SCULTERRA	
SCHULTER	آلمانی (GERMAN):
SCULDOR	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
	یادداشت:

- ۱- رابطه‌ی میان واژه‌های ایرانی و دیگر واژه‌های این فهرست احتمالی است و بهین دلیل در جلو واجریه‌ی هند و اروپایی نشان (شاید) آورده شده است. ضمناً این احتمال هم وجود دارد که "شانه" از هند و اروپایی *KUP- (ساتسکریت: SUPTI، اوستایی: SUPTI، آلبانی: SUP) باشد (624: POKOANY)
- ۲- ONIONS ریشه‌ی واژه‌های ژرمنی این فهرست را "ناشناخته" می‌داند.
- ۳- چم این واژه در یونانی: کج بیل، بیل باغبانی.
- چم این واژه در زبان لاتین: چاقو.

چم این واژه در زبان گرتیک: سهر.

۴- در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی این واژه به چم "استخوان کف" بکار می‌رفته و شکل و کاربرد این استخوان برای کندن و ضربه زدن منجر به پیدایش واژه‌ها و چم‌های دیگر شده است.

SHĀH	فارسی (PERSIAN): شاه
KING	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KTHĒ(I)-, *KTHǝ(I)-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
KSI-, KSÁYATI, KSATRÁ	اوستایی (AVESTAN):

یونانی (GREEK):

XSHAYATI, XSHAYŌ, XSHI-

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

KHTÁOMAI, KHTĒNA

KSHATHRA-, XSHĀYTHIYA,

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	626
MACKENZIE:	(KING) 120
BUCK:	(RULE) 1319-1321,
(KING) 1321-1322	
۱۲۳۱	برهان قاطع:

SHĀH, SHATHR (PAHLAVI): بهلوی

SHAH, PADSHAH (KURDISH): کردی

SHAH (BALUCHI): افغانی

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

PĀCHA, PĀCHAH, CHAH

سانسکریت (SANSKRIT):

یادداشت:

چم این واژه در سانسکریت و یونانی: امتیلا، قدرت، تخریب‌سازی.

SHAB	فارسی (PERSIAN): شب
NIGHT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWSEP-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اوستایی (AVESTAN): XSHAP, XSHAPAN

پارسی باستان (OLD PERSIAN): XSHAP

SHAB, SHAWĀX (PAHLAVI): بهلوی

ĀXSĀW (OSSETIC): اوسنی

SHEW (KURDISH): کردی

SHAP (BALUCHI): بلوچی

SHPA (AFGHANI): افغانی (پشتو)

KSÁP, KSAPÁ (SANSKRIT): سانسکریت

PSĒPHAS (GREEK): یونانی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	649
DELAMARRE:	195
MACKENZIE:	(NIGHT) 125
BUCK:	992
AMINDAROV:	(NIGHT) 259
RAMAT:	132
۱۲۳۹	برهان قاطع:

SHABĀN	فارسی (PERSIAN): شیان
SHEPHERD	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PEK-, *PEKU-, *PEKOS-, *PEKT-(+PŌI-)	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

FAIHU	گوتیک (GOTHIC):	اوستایی (AVESTAN):
FĒ	ایسندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	*FSHU-PAITI, PASU-
FIHU	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	*FSHU-PĀVAN
FEOH, FEHU		پهلوی (PAHLAVI): SHUPĀN, SHUBĀN
PEKUS	لیتوانی (LITHUANIAN):	کردی (KURDISH): SHIWAN
PECKU	پروس کهن (OLD PRUSSIAN):	بلوچی (BALUCHI): SHAWĀNK,
		SHIPĀNK

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	797
DELAMARRE:	(BERGER) 52
MACKENZIE:	(SHEPHERD) 132
BUCK:	160-164
۱۲۴۰	برهان قاطع:

SHPŪN	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
	سانسکریت (SANSKRIT):
PASVĀH, PASU-, FSŪ-	
SHPET	ارمنی (ARMENIAN):
(TŌ)PĒCHOS	یونانی (GREEK):
PECŪ, PECUS, PECORIS:	لاتین (LATIN):
PECORA	ایتالیایی (ITALIAN):

یادداشت:

- ۱- واژه‌ی "شیان" از دو واج‌ریسه درست شده است: FSHU- به چشم "رَمَه" یا "گوسفند" (هند و اروپایی: PEK- و پسوند PAITI به چشم "پاییدن" (هند و اروپایی: PŌI-) بازگشت به: پاییدن)
- ۲- به احتمال زیاد واژه‌ی "چوپان" هم از همین واج‌ریسه است.
- ۳- آیا رابطه‌ای میان اوستایی FSHU- و انگلیسی SHEEP (انگلیسی کهن: SCĒAP، آلمانی کهن: SCĀF، آلمانی: SCHAF) وجود دارد؟
- ۴- بازگشت به: چشم

SHOTOR, OSHTOR	فارسی (PERSIAN): شتور، اشتور
CAMEL	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WES-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

USTRA	سانسکریت (SANSKRIT):	اوستایی (AVESTAN): ŪSHRŌ, USHTRA
VERRĒS, VERRIS	لاتین (LATIN):	پهلوی (PAHLAVI):
VERRAT	فرانسه (FRENCH):	USHTAR, USHTR, USTR

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1172
MACKENZIE:	(CAMEL) 106
BUCK:	(CAMEL) 189-190
۱۳۸ و ۱۲۵۲	برهان قاطع:
۲۰۲۵ و ۲۷۸	فرهنگ معین:

VERRACO	: (SPANISH) اسپانیایی
VERRO	: (ITALIAN) ایتالیایی
BARRÃO	: (PORTUGUESE) پرتغالی

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین و دیگر زبان‌های رومانس: گراز، خوک و حشی

SHARM	فارسی (PERSIAN): شرم
SHAME, MODESTY	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KORMOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

HARM	: (SWEDISH) سوئدی	FSHARMA	: (AVESTAN) اوستایی
HARME	: (NORWEGIAN) نروژی	SHARM	: (PAHLAVI) پهلوی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	ĀFSĀRM, ĀFSĀRMI	: (OSSETIC) اوستی
SRAMŪ		SHERM	: (KURDISH) کردی
SRAME	: (RUSSIAN) روسی	SHARM	: (BALUCHI) بلوچی
SRAMU	: (BULGARIAN) بلغاری		: (AFGHANI) افغانی (پشتو)

SHARM, SHARAM

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

HARMR

HARM	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
HERM	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

HARM, HARAM

HARM	: (GERMAN) آلمانی
HEARM	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
HARM	: (ENGLISH) انگلیسی
HARME	: (DANISH) دانمارکی

یادداشت:

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	615
BARNHART:	(HARM) 466
MACKENZIE:	(SHAME) 132
BUCK:	
	(SHAME) 1141, (HARM) 760
ONIONS:	(HARM) 428
SKEAT:	(HARM) 262
AMINDAROV:	(SHAME) 284
۱۲۶۴	برهان قاطع:

۱- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: غم، خشم، صدمه، آسیب.

۲- شاید واژه‌ی انگلیسی SHAME و واژه‌های هم‌ریشه‌ی آن در زبان‌های ژرمنی هم از همین ریشه باشند.

SHOSTAN	فارسی (PERSIAN): شستن
WASH, RINSE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GHEU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید)

GIOTA	به‌لری (PAHLAVI): SHISTAN
GIOTAN : (OLD SAXON) ساکسونی کهن	کردی (KURDISH): SHUSHTIN
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	بلوچی (BALUCHI):
GIOZZAN	SHŌZAG, SHŌDAG
GIessen : (GERMAN) آلمانی	سانسکریت (SANSKRIT):
FOUNDEN : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	JUHÓTL, AHUTIS
FOUND : (ENGLISH) انگلیسی	ارمنی (ARMENIAN): JOYL
GIETEN : (NORWEGIAN) نروژی	یونانی (GREEK):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	447
BARNHART:	(FOUND) 404
MACKENZIE:	(WASH) 139
ONIONS:	(FOUND) 373
SKEAT:	(FOUND) 224
۱۲۶۷	برهان قاطع:

CHEIN, KHÉEIN
FUNDERE : (LATIN) لاتین
FONDRE : (FRENCH) فرانسه
FUDIR : (SPANISH) اسپانیایی
FODERE : (ITALIAN) ایتالیایی
FONDRE : (PORTUGUESE) پرتغالی
GIUTAN : (GOTHIC) گوتیک
: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

یادداشت:

۱- هیچ‌کدام از پسگشت‌های من اشاره‌ای به خویشی واژه‌های ایرانی این فهرست با دیگر واژه‌های این فهرست نکرده‌اند و به‌این دلیل جلو و اجریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

۲- چشم این واژه در زبان‌های رومانی و یونانی و انگلیسی: ذوب کردن، آسان کردن. چشم این واژه در زبان‌های ژرمنی: جاری شدن.

SHESH	فارسی (PERSIAN): شش
SIX	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SEKS, *SWEKS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ĀXSĀZ : (OSSETIC) اوستی	XSHVASH : (AVESTAN) اوستایی
SHESH : (KURDISH) کردی	SHASH : (PAHLAVI) به‌لری

SEX	: (SWEDISH) سوئدی
SEKS	: (NORWEGIAN) نروژی
ZES	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
SHESTI	
CZESEIU	: (POLISH) لهستانی
SHEST	: (RUSSIAN) روسی
SHEST	: (CZECH) چک
SHEST	: (BULGARIAN) بلغاری
SHEST	: (SLOVAK) اسلواکی
SHESHI	: (LITHUANIAN) لیوانی
SÉ	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
CHWECH	: (GAULISH) گالی
GJASHTË, GASHTË	: (ALBANIAN) آلبانی

SHPAZH	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
SĀK	: (TOKHARIAN A) A تخاری
SKAS	: (TOKHARIAN B) B تخاری
	: (SANSKRIT) سانسکریت
SHASH, SHAT, SAS, SAT	
VECH, VETSS	: (ARMENIAN) ارمنی
HÉKS, WÉKS, HÉX	: (GREEK) یونانی
SEX	: (LATIN) لاتین
SIX	: (FRENCH) فرانسه
SEIS	: (SPANISH) اسپانیایی
SEI	: (ITALIAN) ایتالیایی
SASE	: (RUMANIAN) رومانی
SEIS	: (PORTUGUESE) پرتغالی
SAIHS	: (GOTHIC) گوتیک
SEX	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
SEHS	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
SEX	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
SEHS	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
SECHS	: (GERMAN) آلمانی
SIEX	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
SIX	: (ENGLISH) انگلیسی
SEKS	: (DANISH) دانمارکی

REFERENCES	پیگنت‌ها
POKORNY:	1044
BARNHART:	(SIX) 1011
DELAMARRE:	212-213
MACKENZIE:	(SIX) 133
۱۲۶۶	برهان قاطع:

SHOSH	فارسی (PERSIAN): شش
LUNG	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KUESH, *KUS, *KWES-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)	SUSHI	: (AVESTAN) اوستایی
SAZHAL, SAGHĀI		SHUSH, SUSH	: (PAHLAVI) پهلوی
KWĀS	: (TOKHARIAN A) A تخاری	PISHIK	: (KURDISH) کردی

HVASE هلندی (DUTCH)
SHUSHINTI لیتوانی (LITHUANIAN)

REFERENCES	پسگنت‌ها
POKORNY:	631-632
BARNHART:	(WHEEZE) 1230
MACKENZIE:	(LUNG) 122
MALLORY & ADAMS:	KUESH
۱۲۶۷	برهان قاطع:

CVAS, SHVĀSITI: (SANSKRIT) سانسکریت
SHUNCH ارمنی (ARMENIAN)
QUEROR, QUERI لاتین (LATIN)
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

HVASA
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
HWŌSAN, HWAST
انگلیسی (ENGLISH)
WHEEZE
سوئدی (SWEDISH)
VĀSA
نروژی (NORWEGIAN)
HVESE, KVESE

یادداشت:

جم این واژه در زبان‌های غیرایرانی: نفس نفس زدن، با صدا یا به سختی نفس کشیدن.
جم این واژه در زبان لیتوانی: دمزی، نفس.
جم این واژه در زبان لاتین: غرولند کردن، شکایت.

SHESHOM, SHISHOM	فارسی (PERSIAN): ششم
SIXTH	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SEKS+DEKM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SEXTOTA, SEXTO
سایستا: (GOTHIC) گوتیک
SENSTO: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
SENSTO
SECHSTE: (GERMAN) آلمانی
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
SIEXTA, SYXTE
SIXTH: (ENGLISH) انگلیسی
ZESDE: (DUTCH) هلندی
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
SHESTŪ
SZÓSTY, SZÓSTA: (POLISH) لهستانی
لیتوانی (LITHUANIAN)

XSHIVA: (AVESTAN) اوستایی
SHASHUM: (PAHLAVI) پهلوی
SHPAZHAM: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
SKĀST: (TOKHARIAN A) تخاری A
SKASTE: (TOKHARIAN B) تخاری B
SASTHĀS: (SANSKRIT) سانسکریت
HEKTOS: (GREEK) یونانی
SEXTUS: (LATIN) لاتین
SIXIÉME: (FRENCH) فرانسه
SEXTO: (SPANISH) اسپانیایی
SESTO: (ITALIAN) ایتالیایی
رومانی (RUMANIAN)
AS SASELEA, A SASEA
پرتغالی (PORTUGUESE)

REFERENCES	پسگنت‌ها
POKORNY:	1044
BARNHART:	(SIXTH) 1011
DELAMARRE:	(SIXIÈME) 213
۱۷۶۸	برهان قاطع:

SHISHTAS, SHESTY

USCHTS	:(OLD PRUSSIAN) پروسی کهن
SESSED	:(OLD IRISH) ایرلندی کهن
CHWECHED	:(GAULISH) گالی

SHAST	فارسی (PERSIAN): شصت، شست
SIXTY	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SEKS, *SWEKS+DEKM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SIXTY	انگلیسی (ENGLISH):	XSHVASHTI	اوستایی (AVESTAN):
SEKSTI	نروژی (NORWEGIAN):	SHAST	پهلوی (PAHLAVI):
ZESTIG	هلندی (DUTCH):	SHEST	کردی (KURDISH):
SZEŚCDZIESIECIU	لهستانی (POLISH):		افغانی (پشت) (AFGHANI):
SHESTDESAT	روسی (RUSSIAN):	SHPETĒ, SHPĒTA	
SHEDESÁT	چک (CZECH):	SHASHTI, SASTI	سانسکریت (SANSKRIT):
SHEYSET	بلغاری (BULGARIAN):	VATSOUN	ارمنی (ARMENIAN):
SHEST'DESIAT	اسلواکی (SLOVAK):	EXHNTA	یونانی (GREEK):
GJASHTĒDHJETĒ	آلبانی (ALBANIAN):	SEXAGINTA	لاتین (LATIN):

REFERENCES	پسگنت‌ها
POKORNY:	1044, 191
BARNHART:	(SIXTY) 1011
MACKENZIE:	(SIXTY) 133
۱۲۶۵	برهان قاطع:

SOIXANTE	فرانس (FRENCH):
SESENTA	اسپانیایی (SPANISH):
SESSANTA	ایتالیایی (ITALIAN):
SAIZECI	رومانی (RUMANIAN):
SESENTA	پرتغالی (PORTUGUESE):
SECHZIZ	آلمانی (GERMAN):
SIXTIG	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

SHEKĀFTAN, SHEKĀF	فارسی (PERSIAN): شکافتن، شکاف
SPLIT, SLIT, CUT, RIP, CLEAVE, CLEAVAGE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
* (S) KEL-, *SKEL(E)P-, *SKOL(E)P-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SHIKĀFTIN	کردی (KURDISH):	-SCAPTĪ, SKAPH	اوستایی (AVESTAN):
	سانسکریت (SANSKRIT):	SHKĀFTAN, SHKĀF-	پهلوی (PAHLAVI):

SHELF	: (ENGLISH) انگلیسی
SCHELF	: (DUTCH) هلندی
KÁLPA	: (LITHUANIAN) لیتوانی
KALPUS	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن

REFERENCES	پیگشت‌ها
POKORNY:	923-927
BARNHART:	(SHELF) 995-996
MACKENZIE:	(SHKAF TAN) 80
۱۲۷۵	برهان قاطع:

KÁLPATĒ, KALPÁYATI

: (GREEK) یونانی

SKÁLOPS, SCHIALOP, SKHOLOP

SCALPŌ, SCALPERE : (LATIN) لاتین

: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن

SKJOLF

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

SCELIFA

SCHELFE : (GERMAN) آلمانی (محلی)

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

SCIELF, SCYLFE

پادداشت:

چم این واژه در ايسلندی کهن: نیمکت، پاره‌سنگ.

چم این واژه در آلمانی کهن و آلمانی نوین: (گردو و ذرت و غیره) پوست، پوست‌کنند.

چم این واژه در انگلیسی کهن و انگلیسی نوین: ناچه، شکاف دیوار.

چم این واژه در پروسی کهن: بدنی ستون یا تیر.

SHEKASTAN, SHEKAST	فارسی (PERSIAN): شکستن، شکست
BREAK, SMASH	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SKEI-, *SKAITO-, *SKEID-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SCIZAN	
SCHAISSAN	: (GERMAN) آلمانی
SCITAN	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
SHIT	: (ENGLISH) انگلیسی
SKID, SKIDE	: (DANISH) دانمارکی
SCHIJTEN	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
CHEDITI	

: (LITHUANIAN) لیتوانی

SK' AIDYATI, SKIEDZIU

SHKIEDU : (LATVIAN) لتونی (لتی)

CHWYDU : (WELSH) ولزی

C'HOUEDA : (BRETON) برتونی

SAED-, SĀNEM	: (AVESTAN) اوستایی
SHKASTAN	: (PAHLAVI) پهلوی
SHIKANDIN	: (KURDISH) کردی
	: (SANSKRIT) سانسکریت

CHINÁTTI, CHYÁTI

CHTEM : (ARMENIAN) ارمنی

SKHIZŌ, SKHAŌ : (GREEK) یونانی

: (LATIN) لاتین

SCINDŌ, SCIO, SCINDĒRE

SKAIDAN : (GOTHIC) گوتیک

: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن

SKITA

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

MACKENZIE:	(BREAK) 105	REFERENCES	پسگشت‌ها
ONIONS:	(SHIT) 821	POKORNY:	919-920
AMINDAROV:	(BREAK) 194	DELAMARRE:	
			(COUPER, SÉARER) 281

یادداشت:

چم اصلی این واژه: شکافتن، جدا کردن، خرد کردن، قطع کردن.
چم این واژه در زبان‌های ژرمنی نوین: ریدن (ترکیدن)، ترکمان.

SHOKŪH	شکوه	فارسی (PERSIAN):
CLORY, MAJESTY, DIGNITY		چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KEUS-, *SKEU-, *(S)KOU-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SKUE : (DANISH) دانمارکی

SKYGNE : (NORWEGIAN) نروژی

SCHOUWEN : (DUTCH) هلندی

CHŪCHATU : (RUSSIAN) روسی (محلی)

CHICH : (CZECH) چک

CHUHAM : (SLOVAK) اسلواکی

: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن

AU- SCAUDITWEI

SHKŌH : (PAHLAVI) پهلوی

SHKULĀ : (AFGHANI) افغانی (پشتو)

KAVIS : (SANSKRIT) سانسکریت

: (ARMENIAN) ارمنی

CHCANEM, SHUKEGH

: (GREEK) یونانی

THYOSKŌOS, SKŌWOS, KOÉO

CAVĒRE, COVĒRE : (LATIN) لاتین

USKAWS : (GOTHIC) گوتیک

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

SKYGN

SKAUWON : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

SKĀWIA : (OLD FRISIAN) فریزی کهن

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

SCOUWŌN

SCHAUEN : (GERMAN) آلمانی

SCĒAWIAN : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

SHOW : (ENGLISH) انگلیسی

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: بینا، دارای بصیرت

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	587-588
BARNHART:	(SHOW) 1000
MACKENZIE:	
	(DIGNITY) 110, (MAJESTY) 122
ONIONS:	(SHOW) 823
SKEAT:	(SHOW) 559
۱۲۸۳	برهان قاطع:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: نمایاندن، به نظر رسیدن یا رساندن، جلوه کردن
چم این واژه در زبان لاتین: احتیاط کردن
چم این واژه در زبان‌های چک و روسی: احساس، شعور

SHEMORDAN, SHOMĀR	فارسی (PERSIAN): شمردن، شمار
COUNT, ENUMERATE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*(S)MER-, *(S)MEMOR	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): MURNAN, MORNEN	اوستایی (AVESTAN): MAR-, MARAITI, HISHMARAITI, HISHMAR-
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): MURNAN	پهلوی (PAHLAVI): MAR-, MARAG, OSHMĀR, ŌSHMARTAN,
انگلیسی (ENGLISH): MOURN	ŌSHMURDAN, SHUMAR
لیتوانی (LITHUANIAN): MERETI	کردی (KURDISH): SHIMARTIN, ASHMARDIN, ISHMĀR, ZHIMARTIN

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	969-970
BARNHART:	
(MEMORY) 650, (MOURN) 682	
DELAMARRE:	
(SE SOUVENIR) 282	
BUCK:	1228-1229
ONIONS:	(MOURN) 593
SKEAT:	(MOURN) 388
AMINDAROV:	(COUNT) 205
۱۲۹۳ و ۱۲۹۱	برهان قاطع:

افغانی (پشی) (AFGHANI):
SHUMAR, SHMERĒL
سانسکریت (SANSKRIT):
SMAR-, SMARATI
یونانی (GREEK):
MÉRIMNA, MÉRMÉRA, MERMAIREIN
لاتین (LATIN): MEMOR, MEMORIA
گوتیک (GOTHIC): MAURNAN
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
MORNA
ساکسونی کهن (OLD SAXON): MORNIAN

یادداشت:

چم آغازین این واژه: در اندیشه بودن، برشمردن، نگران بودن
چم این واژه در زبان لاتین: در اندیشه بودن، یاد آوردن، یادبود.
چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: (به یادبود کسی) سوگواری کردن.

SHENĀ	فارسی (PERSIAN): شنا
SWIM	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SNĀ-, *SNĀMI, *SNĀ-, *SNET-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

INOTA	رومانی (RUMANIAN):	اوستایی (AVESTAN):
NADAR	پرتغالی (PORTUGUESE):	سانسکریت (PRAKṚIT):
	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	اوستی (OSSETIC):
SNĀID, SNĀM		
NAWF	ولزی (WELSH):	
NEUNVI, NEUI	برتونی (BRETON):	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	971-972
DELAMARRE:	(NAGER) 282
MACKENZIE:	(SWIM) 136
BUCK:	681-682
۱۷۹۸	برهان قاطع:

SANAYETĒ, SNĀTA-, SNĀ-	
SNĀZ, SNĀCIDAN	پهلوی (PAHLAVI):
	اوستی (OSSETIC):
NAIN, AXSNIN, AXSNUN	
NĀSK	تخاری (TOKHARIAN B) B:
SNĀTI, SNĀYĀTI:	سانسکریت (SANSKRIT):
NAY	ارمنی (ARMENIAN):
NĒKHÖ, NĒÖ	یونانی (GREEK):
	لاتین (LATIN):
NÖ, NĀRE, NATÖ, NATARE	
NAGER	فرانس (FRENCH):
NADAR	اسپانیایی (SPANISH):
NUOTARE	ایتالیایی (ITALIAN):

یادداشت:

چم این واژه در ارمنی: نندار.

SHENĀXTAN	فارسی (PERSIAN): شناختن
KNOW, RECOGNIZE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GEN-, *GENØ-, *GNO-, *GNĒ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KNĀ-	تخاری (TOKHARIAN A) A:	اوستایی (AVESTAN):
KNĀ-	تخاری (TOKHARIAN B) B:	
	سانسکریت (SANSKRIT):	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
JĀNĀMI, JANATI, JNĀ-, JANDTI		XSHNĀSĀTIY, XSHNA-
CANEAY	ارمنی (ARMENIAN):	پهلوی (PAHLAVI):
	یونانی (GREEK):	کردی (KURDISH):
-GNÖSKÖ, GIGNOSKEIN		افغانی (پشتو) (AFGHANI):
	لاتین (LATIN):	PĒ-ZHANI

ZNATE : (RUSSIAN) روسی
 ZNÁT : (CZECH) چک
 (PO) ZNAT : (SLOVAK) اسلواکی
 : (LITHUANIAN) لیتوانی
 PA-ZHISU, ZHINŌTI
 ZNATI : (LATVIAN) لتونی (لتی)
 : (OLD IRISH) ایرلندی کهن
 -GNINAIM, GNATH, GNINIM
 NJOH : (ALBANIAN) آلبانی

(G)NŌSCŌ, NŌCERE, COGNOSCERE
 CONNAÎTRE : (FRENCH) فرانسه
 CONOCER : (SPANISH) اسپانیایی
 CONOSCERE : (ITALIAN) ایتالیایی
 CUNOASTE : (RUMANIAN) رومانی
 CONHOCER : (PORTUGUESE) پرتغالی
 KUNNAN : (GOTHIC) گوتیک
 : (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
 KUNNA, KNĀ

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

CUNNEN, CHNĀAN

KENNEN : (GERMAN) آلمانی
 : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

CNĀWAN, CNĒOW

KNOW : (ENGLISH) انگلیسی

KENDE : (DANISH) دانمارکی

KĀNNA : (SWEDISH) سوئدی

KENDE : (NORWEGIAN) نروژی

KENNEN : (DUTCH) هلندی

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

ZNATI

ZNAC̣ : (POLISH) لهستانی

یادداشت:

واژه‌ی انگلیسی CAN (انگلیسی کهن: CUNNAN) نیز از همین واژه‌ی است. بازگشت به: دانستن

SHŪR	فارسی (PERSIAN): شور
SALTY	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KSEU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SKUTŪ, SKŪSTI : (LITHUANIAN) لیتوانی

SÖR, SÖRAG : (PAHLAVI) پهلوی

SKUVU, SKŪT : (LATVIAN) لتونی (لتی)

SHŪR, SHOR : (KURDISH) کردی

KSURĀ : (SANSKRIT) سانسکریت

XVŌ, XYDTRA : (GREEK) یونانی

AMINDAROV:	(SALTY) 281	REFERENCES	پسگشت‌ها
۱۳۰۷	برهان قاطع:	POKORNY:	586
		MACKENZIE:	(SALTY) 131

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های غیرایرانی این فهرست: ابزار بریدن یا خراشیدن.

SAD	فارسی (PERSIAN): صد
HUNDRED	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KMTOM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ALMANI KHN (OLD HIGH GERMAN):	SATEM	اوستایی (AVESTAN):
HUNDERT, HUNT	SAD, SAT	پهلوی (PAHLAVI):
HUNDERT	SĀDĀ	اوستی (OSSETIC):
HUND	SED	کردی (KURDISH):
HUNDRED	SAL, SIL, SĒL	افغانی (پشت) (AFGHANI):
HUNDRA	KĀNT	تخاری A (TOKHARIAN A):
HUNDRA	KĀNTE	تخاری B (TOKHARIAN B):
HUNDRE	SATA	خشنی (KHOTANESE):
HONDERD	SATĀM, SHATĀ	سانسکریت (SANSKRIT):
(OLD CHURCH SLAVIC):	HEKATON, EKATO	یونانی (GREEK):
SŪTO	CENTUM	لاتین (LATIN):
STU, SETKA	CENT	فرانسه (FRENCH):
STO	CIENTO	اسپانیایی (SPANISH):
STO	CENTO	ایتالیایی (ITALIAN):
STO	SUTĀ	رومانی (RUMANIAN):
STO	CEM	پرتغالی (PORTUGUESE):
SHIMTAS	HUNDA	گوتیک (GOTHIC):
SIMTS		ایسکندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
CET	HUNDRADH	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
CANT	HUNDEROD, HUND	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
CANT		
CANT		

DELAMARRE:	(CENT) 216	REFERENCES	پسگشت ها
MACKENZIE:	(HUNDRED) 118	POKORNY:	192
۱۳۳۳	برهان قاطع:	BARNHART:	(HUNDRED) 497

ANN	فارسی (PERSIAN):	عن (به چم 'پراز، 'خه)
SHIT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*ĀNO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	(شاید)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	47
BARNHART:	(ANUS) 40
DELAMARRE:	(ANNEAU) 117
۱۶۳۸۲	لفت نامه دمخدا:

ANUR	ارمنی (ARMENIAN):
ĀNUS	لاتین (LATIN):
ĀNUS	فرانسه کهن (OLD FRENCH):
ANUS	انگلیسی (ENGLISH): (از فرانسی کهن)
	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
ĀINN, ĀNNE	

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در زبان‌های غیر از فارسی: متعهد، دایره، گردی.
- ۲- رابطه‌ی این واژه فارسی با واج‌ریشه هند و اروپایی و دیگر واژه‌های این فهرست احتمالی است و بهمین دلیل در جلو واج‌ریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) آمده است.

GHORRESH,	فارسی (PERSIAN):	غرش، غرنبه، غرمبه، غرنبیدن، غریدن
GHORONB`E, GHOROMBÉ, GHORONBIDAN, GHORRIDAN		
ROAR, THUNDER, GRUMBLE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*GHREM-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	

GRIM	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
GRIM	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
GRIM, GREMMAN	
GRIMM,	آلمانی (GERMAN):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
GRIMM, GREMIAN	
GRIM	انگلیسی (ENGLISH):
GRUM	دانمارکی (DANISH):

GRAM	اوستایی (AVESTAN):
	پهلوی (PAHLAVI):
GHARRĀNIDAN, GHARRĀNĀG	
GURIN, GURE-GUR	کردی (KURDISH):
GHUSA	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
CHREMETIZEIN	یونانی (GREEK):
GRAMJAN	گوتیک (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
GRIMM	

GREMJU : (LATVIAN) لتونی (لثی)
GRUMINS : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن

GRYMTA : (NORWEGIAN) نروژی
GRIMMIG : (DUTCH) هلندی
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

GRŪMITI, GROMŪ

GREMÉT, GROM : (POLISH) لهستانی
GREMĚTU, GROM : (RUSSIAN) روسی
: (CZECH) چک

HRMÍTI, HRIMATI, HRMIT

GROM : (SERBIAN) صربی
HROM : (BOHEMIAN) بوهمی
HRMENIE, HROM : (SLOVAK) اسلواکی
: (LITHUANIAN) لیتوانی

GRUMĪŪ, GRUMĚTI

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	458-459
BARNHART:	(GRIM) 449-450
MACKENZIE:	
(ROAR) 131, (THUNDER) 136	
BUCK:	57-58
CNIONS:	(GRIM) 414
AMINDAROV:	(THUNDER) 299
۱۴۰۹ و ۱۴۰۷ و ۱۴۰۴	برهان قاطع:
۲۰۲۵ و ۲۰۴۴	فرهنگ معین:

یادداشت:

چم‌های این واژه در زبان‌های هند و اروپایی گوناگون: فریدن، آسان غرنه، خشمگین.
چم این واژه در زبان یونانی: شبیه کشیدن.

FAR, FARĀ-	فارسی (PERSIAN): فر-، فرا- (به چم "پیش"، به سوی جلو)
FORWARD, PRO-	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PER, *PERI, *PRO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

FYR : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

PER, PRE-

PRO- : (RUSSIAN) روسی
: (CZECH) چک
PRĀ- : (SERBIAN) صربی
PER- : (BOHEMIAN) بوهمی

PER, PRA- : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن

IR, RO- : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

ER, ERI- : (GAULISH) گالی

RY- : (WELSH) ولزی

FRA, PAIRI- : (AVESTAN) اوستایی
پارسی باستان (OLD PERSIAN):

PARIY, PARI, PER-

FRĀ : (PAHLAVI) پهلوی

PRA, PARI, : (SANSKRIT) سانسکریت

HRA- : (ARMENIAN) ارمنی

PERI : (GREEK) یونانی

PER, PERI, PRO- : (LATIN) لاتین

FAIR, FRA- : (GOTHIC) گوتیک

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

PARIY, VER, FIR-

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	810
۱۴۴۳	برهان قاطع:
۱۷۰۰۱-۱۷۰۰۲	لغت نامه دهخدا:

ER-, RO-	برتونی (BRETON):
PĒR-	آلبانی (ALBANIAN):
PRA-	هتیت (HITTITE):

FARĀX	فارسی (PERSIAN): فراخ
LARGE, AMPLE, SPACIOUS	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PLĀT, *PLĒT-, *PLŌT-, *PLTU.	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

لیتوانی (LITHUANIAN):

اوستایی (AVESTAN):

SPLECHIU, SPLĒSTI

FRATHAH, PəRəTHWI

PLANDIT لونی (لاتی) (LATVIAN):

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):

*FRĀ(H)UVA-

PLASMENO

FRĀH, FRĀX پهلوی (PAHLAVI):

LETH ایرلندی کهن (OLD IRISH):

FEREH کردی (KURDISH):

LLED ولزی (WELSH):

PĀRH بلوچی (BALUCHI):

LET, LED برتونی (BRETON):

سانسکریت (SANSKRIT):

PARTHVI, PRĀTHAS, PRĀTHATI

LAIN ارمنی (ARMENIAN):

PLATŌS, PLATŪS یونانی (GREEK):

PLANTA, PLANTĀRE لاتین (LATIN):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

PLESNA

یادداشت:

چشم این واژه در لاتین: کاشتن، نهال.

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	833
MACKENZIE:	(LARGE) 121
۱۴۴۴	برهان قاطع:

FARĀMŪSH, FARĀMŪSHIDAN	فارسی (PERSIAN): فراموش، فراموشیدن
FORGET, FORGOTTEN	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MRS-, *MER-, *MORSEYŌ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

بلوچی (BALUCHI):

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

SHAMUSHAG, SHAMŌSHAGH

*FRAMURSH

HERAWĒL افغانی (پشتو) (AFGHANI):

FRĀMURSH, پهلوی (PAHLAVI):

MĀRS تخاری (TOCHAALAN B) B:

FRĀMUSHTAN, FRAMŌSH

-MARSHA :لونی (لی) (LATVIAN)

REFERENCES	پسگشت ما
POKORNY:	737-738
DELAMARRE:	(OUBLIER) 269
MACKENZIE:	
(FORGET, FORGOTTEN) 115	
BUCK:	1230-1231
۱۴۴۸	برهان قاطع:

:سانسکریت (SANSKRIT)

MRS., PRAMARSH,
MARSHAYAT, MARSHYATE, MRSYAT
MORANAM :ارمنی (ARMENIAN)
MARZJAN :گوئیک (GOTHIC)
:آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
MERREN
MIERRAN :انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
MIRSHTI :لیتوانی (LITHUANIAN)
یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: آزدن، دودسر و نگرانی.

FARĀVĀN	فارسی (PERSIAN): فراوان
MUCH, LOTS, MANY	چم انگلیسی سرواژه فارسی:
*PELU, *LLEIS.	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

FELA, FEOLA
VEEL :هلندی (DUTCH)
PILOS :لیتوانی (LITHUANIAN)
IL, LĪA :ایرلندی کهن (OLD IRISH)
LIAUS, LĪAWS :ولزی (WELSH)

REFERENCES	پسگشت ما
POKORNY:	800
MACKENZIE:	(MUCH) 124
BUCK:	922
۱۴۴۸	برهان قاطع:

POURU, FRĀYAH. :اوستایی (AVESTAN)
PARU :پارسی باستان (OLD PERSIAN)
FRĀY, FREH :پهلوی (PAHLAVI)
FERĀWIN :کردی (KURDISH)
PURÚ :سانسکریت (SANSKRIT)
POLÚS, PLEIADES :یونانی (GREEK)
FILU :گوئیک (GOTHIC)
FIOL. :ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
:آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
FILO, FILU
VIEL :آلمانی (GERMAN)
:انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

یادداشت:

بازگشت به: پر

FERESHTE	فارسی (PERSIAN): فرشته
ANGEL	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PĒLU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	800
MACKENZIE:	(ANGEL) 102
۱۴۴۳	برهان قاطع:

FRAĒSHTA	اوستایی (AVESTAN):
FRAISHTA	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
FĒSHTAG	پهلوی (PAHLAVI):
PERISHTA	سانسکریت (SANSKRIT):
HRESHTAK	ارمنی (ARMENIAN):

FAR-, FARĀ-	فارسی (PERSIAN): فر- (به چشم پیش، به سوی جلو)
FORWARD, PRO	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*PRO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

PRA-, PRO-	لیتوانی (LITHUANIAN):
PRA-, PRO-	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):
RO-	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
RO-, RU-	برتونی (BRETON):
PRA	هیتی (HITTITE):

FRA-, FRĀ-	اوستایی (AVESTAN):
FRA-	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
FRA	پهلوی (PAHLAVI):
HIL, HAL	کردی (KURDISH):
PRA-	سانسکریت (SANSKRIT):
HRA	ارمنی (ARMENIAN):
PRO-	یونانی (GREEK):
PRŌ-	لاتین (LATIN):
FRA-	گوتیک (GOTHIC):
FIR-	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
VER-	آلمانی (GERMAN):
PRO-, PRĀ-	روسی (RUSSIAN):
PRO-	چک (CZECH):
PRĀ-	صربی (SERBIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	813-814
BARNHART:	(PRO-) 841
DELAMARRE:	
(DEVANT, AVANT) 300	
ONIONS:	(PRO-) 711
SKEAT:	(PRO-) 476
۱۴۴۳	برهان قاطع:

FARMĀN, FARMŪDAN	فارسی (PERSIAN): فرمان، فرمودن
COMMAND, ORDER, SAY, SPEAK	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WER-, *VERDHO-, *URDHO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

FRAMĀNĀ, FRAMĀ

URVĀTA

اوستایی (AVESTAN):

پهلوی (PAHLAVI):

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

WORD : (ENGLISH) انگلیسی
 ORD : (DANISH) دانمارکی
 ORD : (SWEDISH) سوئدی
 WORD : (NORWEGIAN) نروژی
 WOORD : (DUTCH) هلندی
 : (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

ROTA, RESHTI

URÁKA : (RUSSIAN) روسی
 RĖKIÙ, RĖKTI : (LITHUANIAN) لیتوانی
 RĖKT : (LATVIAN) لتونی (لتی)
 : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن

WERTEMMAL, WIRDS

UERILA, WERIYA : (HITTITE) هیتی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1162-1163
BARNHART:	(WORD) 1244
MACKENZIE:	(COMMAND) 107
BUCK:	1259
ONIONS:	
(WORD) 1012, (FIRMAN) 357	
SKEAT:	(WORD) 722
AMINDAROV:	(COMMAND) 202
۱۴۷۰ و ۱۴۶۹	برمان قاطع:

FRAMĀN, FRAMŪTAN, FRAMŪDAN
 FERMUN, FERMAN : (KURDISH) کردی
 FARMĀYIL : (AFGHANI) افغانی (پشتو)
 VRATĀ, : (SANSKRIT) سانسکریت
 VRĀTAM, FRAMĀNAM
 : (ARMENIAN) ارمنی

HARAMAN, HRAMAYEL

EIRO, IERĒO : (GREEK) یونانی
 VERBUM : (LATIN) لاتین
 VERBE, VERBAL : (FRENCH) فرانسه
 : (SPANISH) اسپانیایی

VERBO, VERBAL

VÉRBO, VERBAL : (ITALIAN) ایتالیایی
 VERB, VERBAL : (RUMANIAN) رومانی
 : (PORTUGUESE) پرتغالی

VERBO, VERBAL

WAÚRD : (GOTHIC) گوتیک
 : (OLD SCANDINAVIAN) اسلندی کهن

ORDH

WORD : (OLD SAXON) ساکسونی کهن
 WORD : (OLD FRISIAN) فریزی کهن
 : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

WORT

WORT : (GERMAN) آلمانی
 WOR : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

یادداشت:

- ۱- واژه‌ی پارسی‌باستان FRAMĀTAR (فرماندار) نیز از همین ریشه است.
 - ۲- واژه‌ی فرمان FIRMAN به زبان انگلیسی هم وارد شده و چم "دستور" و "اجازه" و "حکم" را دارد.
 - ۳- چم این واژه در زبان‌های رومانس و ژرمنی: سخن، واژه، گفتار.
- چم این واژه در زبان‌های اسلاوی کهن و روسی: سوگند.
- چم این واژه در زبان لیتوانی و لتونی: فریاد زدن.

FARIFTAN, FARIB	فارسی (PERSIAN): فریفتن، فریب
CHEAT, DECEIVE	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*LEI-, *LIBH-, *LEIP-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

LIF, LEVEN : (DUTCH) هلندی
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

LĒPITY

: (LITHUANIAN) لیتوانی

LIPNUS, LIPŪS, LIPTI

LĪPU, LIPT : (LATVIAN) لتونی (لتی)
آلبانی (ALBANIAN):

LEPARÓS, LEPEŔDHI

LIP : (HITTITE) هیتی

FRĒFTAN, FRĒB : (PAHLAVI) پهلوی

LIP- : (TOKHARIAN A) A نخاری

: (SANSKRIT) سانسکریت

LIP-, LIPÁTI, LIPYÁTE

LIPOS, LIPA : (GREEK) یونانی

LIPPUS : (LATIN) لاتین

: (GOTHIC) گوتیک

LAIBA, LIBAN, BILEIBAN, BILAIBJAN

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

LEIFA, LEIF, LIF

LĪF : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

LĪF : (OLD FRISIAN) فریزی کهن

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

BELIBAN, LEIBEN, LEIPA, LEIP, LĪB

: (GERMAN) آلمانی

BLEIBEN, LEIB, LEBEN

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

BELIFAN, LIF, LAF

LIFE, LEAVE : (ENGLISH) انگلیسی

LIV, LEVE : (DANISH) دانمارکی

LIF, LEFVA : (SWEDISH) سوئدی

LIV : (NORWEGIAN) نروژی

پادداشت:

۱- واژه‌ی انگلیسی LIVE نیز از همین واژه است: انگلیسی کهن: LIFIAN، فریزی کهن: LIBBA، ساکسونی

کهن: LIBBIAN، هلندی: LEVEN، آلمانی کهن: LEBĒN، ایسلندی کهن: LĪFA، گوتیک: LIBAN

۲- چَم این واژه در زبان لاتین: دارای چشم ثار.

چَم این واژه در زبان‌های ژرمنی و زبان نخاری: ماندن، بجا ماندن، رفتن.

چَم این واژه در زبان آلبانی و هیتی: کثیف (کردن).

چَم این واژه در زبان لیتوانی و لتونی: پیروی کردن، رهبری کردن.

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	670
BARNHART:	
	(LIVE) 603, (LIFE) 594
MACKENZIE:	
	(DECEIVE, DECEPTION) 107
ONIONS:	
	(LIFE) 527, (LEAVE) 521
SKEAT:	
	(LIFE) 340, (LIVE) 345
۱۳۸۴	برهان قاطع:

چم این واژه در زبان یونانی: چری.

FAH, FII	فارسی (PERSIAN): فه، فیه (به چم "پارو" و "سکان")
OAR, PADDLE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SP(H)Ē-, *SPHEN-, *SPHI-, *SPHA-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SPAAK : (DUTCH) هلندی
SPHYAS : (SANSKRIT) سانسکریت
یونانی (GREEK):

SOND SPĤĤĤ, SPĤTHĤ, SPĤĤNŌS
SOND : (LATIN) لاتین
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SPĤNN, SPŌNN
SPĤN : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
SPAN : (GERMAN) آلمانی
SPŌN : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
SPOŌN : (ENGLISH) انگلیسی
SPAK : (NORWEGIAN) نروژی

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: گره.

چم این واژه در زبان لاتین: چهارچوب تختخواب.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: قاشق، (در آغاز) قاشق چوبی، تراشه‌ی چوب.

GHĤZ	فارسی (PERSIAN): قاز، غاز
GOOSE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GHANS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

GĤS : (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
GŌS, GŌZ : (OLD FRISIAN) فریزی کهن
GANS : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
GANS : (GERMAN) آلمانی
GŌS : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
GOOSE : (ENGLISH) انگلیسی
GAAS : (DANISH) دانمارکی
GAS : (SWEDISH) سوئدی
ZĤO : (AVESTAN) اوستایی
GHĤZ : (BALUCHI) بلوچی
QĤZ : (AFGHANI) افغانی (پشت)
HANSĤ, HANSI : (SANSKRIT) سانسکریت
CHĤĤ, KHĤĤ : (GREEK) یونانی
ANSER : (LATIN) لاتین
GANSO : (SPANISH) اسپانیایی
GISCĤ : (RUMANIAN) رومانی

GEISS, GĒD : ایرلندی کهن (OLD IRISH)
 GWYDD : ولزی (WELSH)
 GWAZ : برتونی (BRETON)

GAAS : نوروی (NORWEGIAN)
 GANZ : هلندی (DUTCH)
 : اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

GOSL, GUSI

GES : لهستانی (POLISH)
 GUS, GUSI : روسی (RUSSIAN)
 HUSA : چک (CZECH)
 GUSKA : صربی (SERBIAN)
 HUSA : بوهمی (BOHEMIAN)
 HUS : اسلواکی (SLOVAK)
 ZHASIS : لیتوانی (LITHUANIAN)
 ZASS : لتونی (LITHUANIAN)
 SANSY : پروسی کهن (OLD PRUSSIAN)

یادداشت:

این واژه در اصل ترکی نیست و از یک زبان هند و اروپایی (شاید ایرانی) به ترکی راه یافته است.

GHŪZAK	فارسی (PERSIAN): فوزک، غوزک، (کوژک)
MALLEOLUS, ANKLE	چشم انگلیسی سرواژه فارسی:
*GUT, *GŪET, *GUPĀ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

GIDZHA : صربی (SERBIAN)
 GUZA : اسلواکی (SLOVAK)
 GŪZAS, GŪZYS : لیتوانی (LITHUANIAN)
 GŪZA, GUZA : لتونی (LITHUANIAN)

GYPĒ : یونانی (GREEK)
 KŌFL: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن
 : آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

KUBISI
 KOBEN : آلمانی (GERMAN)

COFA : انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
 COVE : انگلیسی (ENGLISH)
 KOVE : نوروی (NORWEGIAN)
 : اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

GYZHA
 GIZHA, GIZA, GUZ : لهستانی (POLISH)
 HYZĒ : چک (CZECH)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	395
BARNHART:	(COVE) 228
ONIONS:	(COVE) 222
SKEAT:	(COVE) 140
۲۴۵۱	فرهنگ معین:
۱۶۸۵۷	لغت نامه دهخدا:

یادداشت:

۱- بازگشت به: گو، گوی

۲- چم این واژه در زبان‌های غیراز فارسی: اتاتک، خوک دونی، غار، کلبه، قلعه الهی.

چم این واژه در زبان‌های انگلیسی نوین: خلیج کوچک

۳- واژه‌های "کرز" و "قوز" نیز از همین ریشه‌اند.

KĀR-, KĀRZĀR	فارسی (PERSIAN): کار (به چم "ارنش" و "جنگ")، کارزار
WAR, BATTLE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KOROS, *KORIOS, *KYOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KRIG	سوئدی (SWEDISH):	KĀRA, KĀRAVAITI	اوستایی (AVESTAN):
KRIG	نروژی (NORWEGIAN):	KĀRA	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
KRIJG	هلندی (DUTCH):	KĀR	پهلوی (PAHLAVI):
	لیتوانی (LITHUANIAN):	KAR	کردی (KURDISH):
KARAS, KARIAS, KARE		KĀR	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
KARSH	لتونی (لتی) (LATVIAN):	KĀRYA	سانسکریت (SANSKRIT):
KARGIS	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	KORIANOS	یونانی (GREEK):
CUIR	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	HARJIS, HARJA-	گوتیک (GOTHIC):
			ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	615-616
DELAMARRE:	84
MACKENZIE:	49
AMINDAROV:	(WORK) 311
۱۵۵۸	برهان قاطع:
۲۷۸۹	فرهنگ معین:

HERR	
HERI	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
HERE	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
HARI, HERI	
HEER	آلمانی (GERMAN):
HERE	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
KRIG	دانمارکی (DANISH):

یادداشت:

۱- امروزه بیشتر دانشمندان معتقدند که واژه‌های انگلیسی WAR و فرانسه‌ی GUERRE از این واج‌ریشه مشتق شده‌اند بلکه از واج‌ریشه‌ی هند و اروپایی *WERS هستند.

۲- در فارسی واژه‌ی "کارزار" یعنی "محل نبرد": "کار" = نبرد و یا جنگ و "زار" = محل (مانند "گلزار").

۳- البته این واژه در فارسی امروز به چم "عمل" و "پیشه" و "کردار" بکار می‌رود.

KĀRD	فارسی (PERSIAN): کارد
KNIFE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*K(O)RT, *(S)KERT, *(S)KRET	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اوستایی (AVESTAN): چک (CZECH): CHRUSHTA

لیتوانی (LITHUANIAN): KERTU, KIRSTI

لهستانی (LATVIAN): CĒRTU, CIRST

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): KIRTIS

آلبانی (ALBANIAN): KJĒTH

هیتی (HITTITE): KARTAI

پهلوی (PAHLAVI): KĀRD

اوستی (OSSETIC): KAR, KĀRDIN

کردی (KURDISH): KIRD, KĒR

بلوچی (BALUCHI): KĀRC, KĀRCA

تخاری B (TOKHARIAN B): KERTTE

سانسکریت (SANSKRIT):

KRNĀTI, KART, KRNŌTI, KRTIS

لاتین (LATIN): CORTEX, CURTUS

گوتیک (GOTHIC): HAIKUS

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

CHRTU, CHRĚSTI

لهستانی (POLISH): KRAJAC

روسی (RUSSIAN): KROTHI, KROJIT

یادداشت:

چم این واژه در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی: آلت برنده
چم این واژه در زبان لاتین: بریدن و کوتاه کردن، پوسته، رویه.

KĀM, KĀMÉ	فارسی (PERSIAN): کام، کامه (به چم 'میل'، 'آرزو'، 'خواست')
DESIRE, LONGING	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KĀ, *KĀMO-, *KARO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اوستایی (AVESTAN): KĀMA

پارسی باستان (OLD PERSIAN): KĀMA

پهلوی (PAHLAVI): KĀM

اوستی (OSSETIC): KOM

سانسکریت (SANSKRIT): KĀM, KĀMAS

ارمنی (ARMENIAN): KAM, KĀMIM

لاتین (LATIN): CĀRUS

فرانسوی (FRENCH): CHER

اسپانیایی (SPANISH): CARO, QUERIDO

ایتالیایی (ITALIAN): CARO

پرتغالی (PORTUGUESE):

CARO, QUERIDO

گوتیک (GOTHIC): HORS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

KARS :لونی (لشی) (LATVIAN)
ایرلندی کهن (OLD IRISH):

CARAE, CARAIM

KAEZ :گالیک (GAELIC)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	515
BARNHART:	
(WHORE) 1234, (CHARITY) 160	
DELAMARRE:	(CHER) 224
MACKENZIE:	48
۱۵۷۹ و ۱۵۷۸	برهان قاطع:

HÓRR, HÖRA

:آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

HOURLA

HURE :آلمانی (GERMAN)

WHORE :انگلیسی (ENGLISH)

HORE, HÖRR :دانمارکی (DANISH)

HORA, HÖRR :سروندی (SWEDISH)

HORE, HÖRR :نروژی (NORWEGIAN)

HOER, HÖRR :هلندی (DUTCH)

:اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

KOXATI

KURWA :لهستانی (POLISH)

KURVA :لیتوانی (LITHUANIAN)

یادداشت:

چم این واژه در لاتین و زبان‌های رومانس: گرامی، عزیز، گران.
چم این واژه در زبان‌های ژرمنی و اسلاوی: فاحشه، روسپی.

KĀVIDAN, KĀVESH, KĀFTAN	فارسی (PERSIAN): کاویدن، کاوش، کافتن
EXCAVATE, DIG	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*(S)KĒP-, *(S)KŌP-, *(S)KAPA	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KOPAT	:چک (CZECH)	-SCAPTI	:اوستایی (AVESTAN)
KOPÁ	:بلغاری (BULGARIAN)	KĀFTAN	:پهلوی (PAHLAVI)
KOPA	:صربی (SERBIAN)	CHOPÁS, CHOMMA	:یونانی (GREEK)
KOPAT	:اسلواکی (SLOVAK)	CAPPŌ, CAPPULĀRE	:لاتین (LATIN)
KAPÓTI	:لیتوانی (LITHUANIAN)		:آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
KAPÁT	:لونی (لشی) (LATVIAN)	HŪBBA, HĀPPA	
CAPANNA	:گالی (GAULISH)	HIPPE	:آلمانی (GERMAN)
	:آلبانی (ALBANIAN)		:اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
KEP, KMEŠĖ, KAMÉS		KAPAJO, KOPATI	
		KOPAC	:لهستانی (POLISH)
			:روسی (RUSSIAN)
		SHCHEPĀTU, SHCHEPĪTU	

کپ (به چم "دهان"، "دهانه"، "ظرف شیشیه‌ای بزرگ"، "قوابه") / ۳۹۹

پسگشت‌ها	REFERENCES	برهان قاطع:	۱۵۷۰ و ۱۵۸۳
931-932	POKORNY:		

یادداشت:

۱- واژه‌ی "شکافتن" نیز از همین واژه‌ی هندی و اروپایی است (پهلوی: SHKAFTAN) کردی SHIKAFTIN
 یونانی: SXAPTO، اوستایی: SCAPTI-)

۲- چم این واژه در زبان لاتین: خرد کردن، کوفتن.

چم این واژه در زبان‌های آلمانی و لیتوانی و لتونی: داس دسته بلند، داس

فارسی (PERSIAN):	کپ (به چم "دهان"، "دهانه"، "ظرف شیشیه‌ای بزرگ"، "قوابه")	KOP
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	OPENING, CARBOY, JEROBOAM	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*KŪPĀ, *KEUP-	

کردی (KURDISH):	GĤĤP, KAS	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	CUPPE
سانسکریت (SANSKRIT):	KŪPAS	انگلیسی (ENGLISH):	CUP
یونانی (GREEK):	KŪPE	هلندی (DUTCH):	KOPJE
لاتین (LATIN):	CŪPA, CUPPA	ولزی (WELSH):	CWPAN
فرانسه (FRENCH):	COUPE	برتونی (BRETON):	KOP

اسپانیایی (SPANISH):	COPA
ایتالیایی (ITALIAN):	COPPA
رومانی (RUMANIAN):	CUPĀ
پرتغالی (PORTUGUESE):	COPA

ایسکندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

HŪFR

نورس کهن (OLD NORSE): KOPPR

فریزی کهن (OLD FRISIAN): KOPP

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): KOPF

آلمانی (GERMAN): KOPF

پسگشت‌ها	REFERENCES
591	POKORNY:
242 (CUP)	BARNHART:
120 (CUVE)	DELAMARRE:
348-349	BUCK:
231 (GOBLET)	AMINDAROV:
برهان قاطع:	۱۵۹۲
لغت‌نامه دهخدا:	۱۸۱۵۶

یادداشت:

چم این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی امروزی: کاپ، فنجان، گنجان بزرگ.

چم این واژه در کردی: گونه، لپ.

چم این واژه در سانسکریت: چاه، سوراخ.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: قوابه، سر، کله.

KAD-, KADÉ	فارسی (PERSIAN): گد- کده (به چم "خانه")
HOUSE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KED-, *KOT-, *KOTOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KOTULU : (BULGARIAN) بلغاری
KĀTILAS : (LITHUANIAN) لیتوانی

KATA, KOTA : (AVESTAN) اوستایی
KATAK, KADAK : (PAHLAVI) پهلوی
KOR : (AFGHANI) افغانی (پشتو)
CATTÁ : (SANSKRIT) سانسکریت
KOTŪLE : (GREEK) یونانی
HĒTHJŌ : (GOTHIC) گوتیک
HEATHOR : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
KOTICI
KOTĒC : (RUSSIAN) روسی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	586-587
DELAMARRE:	62
MACKENZIE:	(HOUSE) 118
MALLORY & ADAMS:	KET-
۱۶۰۴	برهان قاطع:

یادداشت:

چم این واژه در گوتیک و اسلاوی کهن و اوستایی: اتاق.
چم این واژه در انگلیسی کهن: محوطه، حصار.
چم این واژه در سانسکریت: نهفته، پنهان.
چم این واژه در روسی: سد رودخانه (برای ماهی‌گیری).

KODĀM	فارسی (PERSIAN): کدام
WHICH	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

UTER : (LATIN) لاتین
HWATHAR : (GOTHIC) گوتیک
: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
HVDHARR
HWETHAR : (OLD SAXON) ساکسونی کهن
: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
HWEDER, HWEDDER
: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

KATĀRŌ, KATĀRA : (AVESTAN) اوستایی
KATĀMA : (OLD PERSIAN) پارسی باستان
KADĀM, KATĀM : (PAHLAVI) پهلوی
KU : (KURDISH) کردی
KUM : (AFGHANI) افغانی (پشتو)
: (SANSKRIT) سانسکریت
HATARĀ, KATARĀS
PÓTEROS, KÓTEROS : (GREEK) یونانی

KOTERYJU, KOTORYJU

KTORY : (SLOVAK) اسلواکی

KATRĀS : (LITHUANIAN) لیتوانی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	645-646
MACKENZIE:	(WHICH) 140
ONIONS:	(WHETHER) 1002
SKEAT:	(WHETHER) 7/0
۱۶۰۴	برهان قاطع:

HWEDAR, WEDAR

WEDER : (GERMAN) آلمانی

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

HWATHER, HWETHER

WHETHER : (ENGLISH) انگلیسی

HVER : (DANISH) دانمارکی

VAR : (SWEDISH) سوئدی

HVER, KVAR : (NORWEGIAN) نروژی

KTÓRY : (POLISH) لهستانی

KTERÝ : (CZECH) چک

: (BULGARIAN) بلغاری

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: آبا، که.

KARDAN	فارسی (PERSIAN): کردن
DO	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWER-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
KURIŪ, KŪRTI	لیتوانی (LITHUANIAN):
KURT	لتونی (LATVIAN):
KURA	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	641
MACKENZIE:	(DO) 111, (MAKE) 122
BUCK:	537-539
۱۶۱۷	برهان قاطع:
KAR-, KERENAOTI	اوستایی (AVESTAN):
	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
KAR-, KUNĀVAHY	
KARTAN, KARDAN	پهلوی (PAHLAVI):
KĀNIN, KĀNUN	اوستی (OSSETIC):
KIRIN	کردی (KURDISH):
KANAG, KANAGH	بلوچی (BALUCHI):
KAWĒL	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
	سانسکریت (SANSKRIT):
KAR-, KRNOTI, KRTA-	

یادداشت:

چم این واژه در گذشته "ساختن" هم بوده است.

KARK	فارسی (PERSIAN): کرک (به چم "مرغ خانگی")
HEN, POULTRY	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KERK-, *KRQK-, *KREK-, *KRENK-, *KRONK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KRECHETU, KRĖK	روسی (RUSSIAN):	KAHRKĀ-	اوستایی (AVESTAN):
SHKERK	چک (CZECH):	KARK	پهلوی (PAHLAVI):
KROKON	بلغاری (BULGARIAN):	KARK	اوستی (OSSETIC):
KRĖKA	صربی (SERBIAN):	KURK	کردی (KURDISH):
KRAKATI	اسلواکی (SLOVAK):	CIRG	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
	لیتوانی (LITHUANIAN):	KRANKO	تخاری A (TOKHARIAN A):
KROKIŪ, KARKIŪ			سانسکریت (SANSKRIT):
	لتونی (LATVIAN):	KRKARA-, KRAKARA-, KARKA-VĀKU-	
KRĀCU, KRECĒT		KARKACH	ارمنی (ARMENIAN):
KACTO	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	CHERKAS	یونانی (GREEK):
CRAIN	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	CRŌCIŌ, CROCARE	لاتین (LATIN):
			ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	568
BARNHART:	(RING) 930
MACKENZIE:	(KARRK) 49
ONJONS:	(RING) 768
SKEAT:	(RING) 520
۱۸۷۷	لغت‌نامه دهخدا:
۱۶۲۲	برهان قاطع:

HRANG, HRINGJA
HRINGAN: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
RING: (ENGLISH) انگلیسی
RINGE: (DANISH) دانمارکی
RINGA: (SWEDISH) سوئدی
RINGE, RINGIE: (NORWEGIAN) نروژی
RINGEN: (DUTCH) هلندی
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
KRUKNOTI

یادداشت:

- ۱- واژه‌های فارسی "کرکس" و اوستایی KAHRKASA و سانسکریت KRKASA نیز از همین واژه‌ها آمده‌اند.
- ۲- چم این واژه در زبان پهلوی: قرقاول
- چم این واژه در زبان‌های غیرایرانی و غیرهندی: غریه، غدغد کردن، صدای قورباغه ایجاد کردن.

KERM	فارسی (PERSIAN): کرم
WORM	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWRMI-, *KWRMIS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

GIRMIS	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	Kərəma	اوستایی (AVESTAN):
CRUIM	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	KARM, KIRM	پهلوی (PAHLAVI):
PRĒNU	ولزی (WELSH):	KALM	اوستی (OSSETIC):
KRIMP	آلبانی (ALBANIAN):	KURUM, KURM	کردی (KURDISH):
		KIRM	بلوچی (BALUCHI):
		CHINJ	افغانی (پشتو) (AFGAANI):
			سانسکریت (SANSKRIT):

REFERENCES	پسگت‌ها
POKORNY:	649
BARNHART:	(CRIMSON) 235
MACKENZIE:	(WORM) 140
SKEAT:	(CRIMSON) 144
AMINDAROV:	(WORM) 311
MALLORY & ADAMS:	(KWRIMS)
۱۶۲۵	برهان قاطع:

KRMI, KRMIS, KRIMI

CZERN	لهستانی (POLISH):
CHERVU	روسی (RUSSIAN):
CHRM	اسلواکی (SLOVAK):
KIRMIS	لیتوانی (LITHUANIAN):
	لتونی (لتی) (LATVIAN):

CIRMINS, CĒRME

یادداشت:

واژه‌ی "کرم" نیز از همین واژه‌هاست. ضمناً واژه‌های انگلیسی CRIMSON و فرانسوی CRAMOISI و اسپانیایی CARMESI و ایتالیایی CREMESINO و لاتین CREMESINUS از ریشه‌ی سانسکریت یا ایرانی این واژه ناشی شده‌اند.

KORRÉ	فارسی (PERSIAN): کُزَه (به چم بچه‌ی اسب و خر و غیره)
COLT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GELT-, *GLET-, *GEL-, *GLDOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KULD	دانمارکی (DANISH):	KURRAG	پهلوی (PAHLAVI):
KULT	سوئدی (SWEDISH) (محلی):	KUR	اوستی (OSSETIC):
KULT	هلندی (DUTCH):	KOR, KUR	کردی (KURDISH):
KÚRVOS	صربی (SERBIAN):	KULA	سانسکریت (SANSKRIT):
KURKA	هیتی (HITTITE):	KÓR(R)OS	یونانی (GREEK):
		COLT	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
		COLT	انگلیسی (ENGLISH):

MACKENZIE:	(COLT) 107	REFERENCES	پسگشت‌ها
MALLORY & ADAMS:	KORUS	POKORNY:	358
۱۶۳۲	برهان قاطع:	BARNHART:	(COLT) 191

یادداشت:

چم این واژه در کردی و برخی گویش‌های محلی ایرانی: فرزند ذکور، پسر.
چم این واژه در زبان هلندی: تومند، گردن کلفت.
چم این واژه در زبان صربی: حرام‌زاده.

KAS	فارسی (PERSIAN): کس
PERSON, SOMEONE, ONE (PERSON)	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KĀS : (SANSKRIT) سانسکریت
KAS-, (KAS-CHIT) (AVESTAN): اوستایی
پارسی باستان (OLD PERSIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
MACKENZIE:	(KAS) 50
RAMAT:	137
۱۶۴	برهان قاطع:

KASH-, (KASHCHI)
KAS : (PAHLAVI) پهلوی
KES, KESEK : (KURDISH) کردی
KAS : (BALUCHI) بلوچی
KAS : (AFGHANI) افغانی (پشتو)

KOS	فارسی (PERSIAN): کس
CUNT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
* (S)KEUK-, *KUKSIS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

KUPU
KIEP : (POLISH) لهستانی
KEP : (CZECH) چک
KUSHYS : (LITHUANIAN) لیتوانی
KŪSIS, KŪSA : (LATVIAN) لتونی (لشی)

QUZ : (KURDISH) کردی
KUS : (BALUCHI) بلوچی
KUS : (AFGHANI) افغانی (پشتو)
KUKSIS : (SANSKRIT) سانسکریت
CUNNUS : (LATIN) لاتین
CUNTE : (OLD ENGLISH) انگلیسی میانه
CUNT : (ENGLISH) انگلیسی
KUSSE : (DANISH) دانمارکی
KUT : (DUTCH) هلندی

کش، کشال، کشاله (به چم "بغل"، "آغوش"، "سینه"، "زیربغل"، "کشاله ی / ۴۰۵

DELAMARRE:	108	REFERENCES	پسگشت‌ها
۱۶۴۲	برهان قاطع:	POKORNY:	953

فارسی (PERSIAN):	کش، کشال، کشاله (به چم "بغل"، "آغوش"، "سینه"، "زیربغل"، "کشاله ی
KASH, KASHAL, KASHALÉ	(ران)
چم انگلیسی سرواژه ی فارسی:	ARMPIT, CROTCH
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*KOKSĀ, *HOKSA

اوستایی (AVESTAN):	KASHA	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	COSS
پهلوی (PAHLAVI):	KASH	ولزی (WELSH):	COES
بلوچی (BALUCHI):	KASH		
سانسکریت (SANSKRIT):			

پسگشت‌ها	REFERENCES
611	POKORNY:
50 (ARMPIT)	MACKENZIE:
برهان قاطع:	۱۶۴۶
لغت‌نامه دهخدا:	۱۸۳۴۳ و ۸-۱۸۳۴۷
فرهنگ معین:	۲۹۷۶

کاکسا، کاکشا	KAKSĀ, KAKSHA
لاتین (LATIN):	COXA
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	
HĀHSINA	
آلمانی (GERMAN):	HACHSE

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: کهل، سرین، باسن.
چم این واژه در زبان آلمانی: پند انگشت.
چم این واژه در زبان ایرلندی کهن: پا.

فارسی (PERSIAN):	کشتن
چم انگلیسی سرواژه ی فارسی:	KILL, SLAY, SLAUGHTER
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*GWHEN-, *GWHNTÓS-, *GWHENTEL-

سانسکریت (SANSKRIT):

KUSHNATI, KUSH-

THEINEIN (GREEK): یونانی

KUENZI (HITTITE): هیتی

KAOSH, KUSHAITI, KUSHĀTI

پهلوی (PAHLAVI):

KUSHTAN, KOXSHITAN

کردی (KURDISH): KUSHTIN

بلوچی (BALUCHI): KUSHAG, KUSHAGH-

BUCK:	(KILL) 288-290	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:	(GWHEN) 754	POKORNY:	291-293
۱۶۴۸-۱۶۴۹	برهان قاطع:	MACKENZIE:	(KILL) 120

پادداشت:

۱- BUCK اصل این واژه هند و ایرانی را "ناشناخته" می‌داند.

۲- چم این واژه در زبان سانسکریت: کشیدن، دریدن

۳- واژه‌ی "کشتن" با واژه‌های "زدن" و "زهر" هم‌ریشه است.

KESHTAN, KĀSHṬAN	کِشتن، کاشتن	فارسی (PERSIAN):
CULTIVATE, TILL	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*KWEL, *KWELE	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	

CULTIVAR: (PORTUGUESE) پرتغالی

انگلیسی (ENGLISH): (از فرانسه)

CULTIVATE

KĀRAYEITI: (AVESTAN) اوستایی

KISHTAN: (PAHLAVI) پهلوی

KISHAGH: (BALUCHI) بلوچی

(AFGHANI) (پشتو)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	639
BARNHART:	
(COLONY) 190, (CULTIVATE) 241	
MACKENZIE:	(TILL) 137
BUCK:	
(CULTIVATE, TILL) 493-494	
SKEAT:	(COLONY) 122
۱۵۶۷	برهان قاطع:

KĀRAL, KARĒL

CĀRATI, (SANSKRIT): سانسکریت

CALATI, KARSŪS, CHAR

TELOS, PÓLOS: (GREEK) یونانی

COLERE: (LATIN) لاتین

CULTIVER: (FRENCH) فرانسه

CULTIVAR: (SPANISH) اسپانیایی

COLTIVARE: (ITALIAN) ایتالیایی

CULTIVA: (RUMANIAN) رومانی

پادداشت:

۱- بازگشت به: کشیدن، چرخ.

۲- چم این واژه در زبان یونانی: پایان، محور.

KASHIDAN, KESHIDAN	فارسی (PERSIAN): کشیدن
DRAW, PULL, DRAG	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWEL-, *KWOL-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KJEL آلبانی (ALBANIAN): KARSH-, KARSHA اوستایی (AVESTAN):
پهلوی (PAHLAVI):

KASHITAN, KESHIDAN, KESH-

KISHĀN کردی (KURDISH):

KASHAG, KASHAGH (BALUCHI): بلوچی

افغانی (پشت) (AFGHANI):

KXÁL, KASHAWĒL

KARSH-, KRSH- سانسکریت (SANSKRIT):

KARSHEM ارمنی (ARMENIAN):

یادداشت:

بازگشت به: کشتن، چرخ.

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	639
MACKENZIE:	
(DRAM) 111, (PULL) 129	
BUCK:	
(DRAW, PULL) 571-572	
۱۶۵۷	برهان قاطع:

KAM	فارسی (PERSIAN): کم
LITTLE, SMALL (AMOUNT), FEW	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*(S) KREMB-, *(S)KRMB-, *(S)KERB(H)-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SKARP, SKERP اوستایی (AVESTAN):

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) (شاید)

SCARF

SCHARF آلمانی (GERMAN) (شاید)

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) (شاید)

SCEARP

SHARP انگلیسی (ENGLISH) (شاید)

SHARP دانمارکی (DANISH) (شاید)

SKARP سوئدی (SWEDISH) (شاید)

SKARP نروژی (NORWEGIAN) (شاید)

SCHERP هلندی (DUTCH) (شاید)

KAMNA, KAMBISHEM

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

KAMNA, *KANBIYAH, KANBISHTA

KAM, KEM پهلوی (PAHLAVI):

KĒM, KIM کردی (KURDISH):

KAM بلوچی (BALUCHI):

KAM افغانی (پشت) (AFGHANI):

KHRÁMBOS یونانی (GREEK):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) (شاید)

SKARPR

ساکسونی کهن (OLD SAXON) (شاید)

فریزی کهن (OLD FRISIAN) (شاید)

پسگشت‌ها		REFERENCES	(LITTLE, FEW) 925-926
943, 948, 938	POKORNY:	(SCRAPE) 811	ONIONS:
994,	BARNHART:	(SHARP) 554,	SKEAT:
1001	(SCRIMP) 972, (SHRIMP)	(SHRIMP) 559	(SCRAPE) 542,
	MACKENZIE:	(LITTLE) 249	AMINDAROV:
133	FEW) 114, (LITTLE) 122, (SMALL)	برهان قاطع:	۱۶۸۹
	BUCK:		

یادداشت:

- ۱- چون خوشی واژه‌های ژرمنی این فهرست یا واژه‌های ایرانی آن مسجل نیست، در جلو واژه‌های ژرمنی (شاید آورده‌ام.
- ۲- BUCK معتقد است که واژه‌های فارسی این فهرست احتمالاً با واژه‌های آلمانی کهن HAMMER و ایسلندی کهن SKAMR هم‌ریشه‌اند (BUCK: 926).

فارسی (PERSIAN):	کمر	KAMAR
چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	BACK, WAIST	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*KAMER-	

اوستایی (AVESTAN):	KAMARĀ	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
پهلوی (PAHLAVI):	KAMAR	HAMR
اوستی (OSSETIC):	KAMĀRI	KAMIĖSIS : (LATVIAN) لتونی (لتی)
کردی (KURDISH):	KEMER, KEMBER	CAYMOIS : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن
افغانی (پشتو) (AFGHANI):	KAMAR	
سانسکریت (SANSKRIT):		

پسگشت‌ها	REFERENCES
524-525	POKORNY:
	BARNHART:
	(CAMERA) 137, (CHAMBER) 158
139	MACKENZIE: (WAIST)
161	ONIONS: (CHAMBER)
101	SKEAT: (CHAMBER)
191	AMINDAROV: (BELT)
برهان قاطع:	۱۶۹۴

KMARATI, KMAR	
K'AMAK	: (ARMENIAN) ارمنی
KAMĀRĀ	: (GREEK) یونانی
KAMERA	: (LATIN) لاتین
CHAMBRE	: (FRENCH) فرانسه
CĀMARA	: (SPANISH) اسپانیایی
CAMERA	: (ITALIAN) ایتالیایی
CAMERĂ	: (RUMANIAN) رومانی
CĀMARA	: (PORTUGUESE) پرتغالی

یادداشت:

چم این واژه در اوستایی و اوستی و کردی: کمریند، سمه.
چم این واژه در سانسکریت: خمیده، قوسدار.
چم این واژه در زبان‌های یونانی و رومانس: هرچیز دارای سرپوش یا تاق قوسدار، تاق غریبی، اتاق.

KEKÉ, KEKA	ککه، که که، ککا(به چم سرگین، 'پراز'، 'کُه')	فارسی (PERSIAN):
FECES, SHIT, EXCREMENT		چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KAKKA-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KAKATI		KAK-, CAKNAS	سانسکریت (SANSKRIT):
KAKAC	لهستانی (POLISH):	KAKOR	ارمنی (ARMENIAN):
KAKAT	روسی (RUSSIAN):	KAKKÁŌ, KÁKKÉ	یونانی (GREEK):
KAKATI, KAKITI	صربی (SERBIAN):	CACŌ, CACĀRE	لاتین (LATIN):
KAKATI	بوهمی (BOHEMIAN):	CHIER	فرانسه (FRENCH):
	ایرلندی میانه (MIDDLE PERSIAN):	CAGAR	اسپانیایی (SPANISH):
CACCAIM, COCC		CACARE	ایتالیایی (ITALIAN):
CACH	ولزی (WELSH):	CĀCA, CĀCAT	رومانی (RUMANIAN):
CAC'H	برتونی (BRETON):	CAGAR	پرتغالی (PORTUGUESE):
			ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	521
DELAMARRE:	(CHIER) 262
BUCK:	275
THE NEW SHORTER OXFORD ENGLISH	
DICTIONARY:	314
MALLORY:	32
۱۶۶۵	برهان قاطع:

KUKA	
KACKEN, GEGGA	آلمانی (GERMAN):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
CAC-, CACKEN	
CACK	انگلیسی (ENGLISH): (محلی)
KAKKE	دانمارکی (DANISH):
KAKKEN	هلندی (DUTCH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

KAL, KACHAL	فارسی (PERSIAN): کل، کچل
BALD	چتم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KELEWO-, *KLWOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KAAL	هلندی (DUTCH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
COLŪ	
HOLÝ	چک (CZECH):
HOLÝ	اسلواکی (SLOVAK):
KAILS	لتونی (LATVIAN):

KAURVA	اوستایی (AVESTAN):
KECHEL	کردی (KURDISH):
KULVAS	سانسکریت (SANSKRIT):
CALVUS	لاتین (LATIN):
CHAUVE	فرانسوی (FRENCH):
CALVO	اسپانیایی (SPANISH):
CALVO	ایتالیایی (ITALIAN):
CHEL	رومانی (RUMANIAN):
CALVO	پرتغالی (PORTUGUESE):
KALO	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
KAHL	آلمانی (GERMAN):
CALU	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
CALLOW	انگلیسی (ENGLISH):
KAL	سوئدی (SWEDISH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	554
BARNHART:	(CALLOW) 136
DELAMARRE:	(CHAUVE) 316
BUCK:	317-318
ONIONS:	(CALLOW) 137
۱۶۶۵ و ۱۶۰۰	برهان قاطع:

یادداشت:

چم این واژه در انگلیسی نوین: جوجه، بی تجربه.

KALĀGH	فارسی (PERSIAN): کلاغ
CROW	چتم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KER-, *KOR-, *KR-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

CORBEAU	فرانسوی (FRENCH):
CUERVO	اسپانیایی (SPANISH):
CORNACCHIA	ایتالیایی (ITALIAN):
CORVO	پرتغالی (PORTUGUESE):
	نورس کهن (OLD NORSE):
SKRAUMI, SKRUM	
SKRUMMEL	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
SCHRUMMLN	آلمانی (GERMAN):
	نروژی (NORWEGIAN):

VĀRAGHNA	اوستایی (AVESTAN):
WARĀGH, VARĀK	پهلوی (PAHLAVI):
KALA	کردی (KURDISH):
GURAGH	بلوچی (BALUCHI):
	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
KĀRGHA, KĀRGHĒ	
KERU	تخاری B (TOKHARIAN B):
KHORAX	یونانی (GREEK):
CORVUS	لاتین (LATIN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	567, 570
MACKENZIE:	(CROW) 109
۱۶۶۹	برهان قاطع:
۳۰۱۶	فرهنگ معین:

SKAAT, SKRATE, SKRATLE

KARKAC	لهستانی (POLISH):
KRÁKORATI	چک (CZECH):
KRAKORITI	صربی (SERBIAN):
SKRIUNŪ	لیتوانی (LITHUANIAN):
CRŪ	ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH):

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در زبان‌های اسلاوی این فهرست: غارغار کردن
- ۲- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی این فهرست: جیغ و داد کردن، صدای گوشخراش
- ۳- شاید واژه‌های انگلیسی CROW و آلمانی KRÄHE نیز از همین واج‌ریشه باشند.

KALLÉ	فارسی (PERSIAN):	کله
HEAD	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*KAPUT, *KAPOLO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	

HOUBIT	اوستایی (AVESTAN):	KAMERθTHA
HAUPT	آلمانی (GERMAN):	KELLE
HĒFOD	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	KAPÚCCHALAM
HEAD	انگلیسی (ENGLISH):	KULOUKH
HOVED	دانمارکی (DANISH):	KÁPĀ, KEPHALĒ
HOVUD	سوئدی (SWEDISH):	یونانی (GREEK):
HOVED	نروژی (NORWEGIAN):	لاطین (LATIN):
HOOFD	هلندی (DUTCH):	CAPUT, CAPITIUM
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	CAP
GLAWA		فرانس (FRENCH):
GLOWA	لهستانی (POLISH):	CABEZA
GOLOVA	روسی (RUSSIAN):	اسپانیایی (SPANISH):
HLAVA	چک (CZECH):	ایتالیایی (ITALIAN):
GLAVA	صربی (SERBIAN):	رومانی (RUMANIAN):
HLAVA	یهومی (BOHEMIAN):	CABECA
HLAVA	اسلواکی (SLOVAK):	پرتغالی (PORTUGUESE):
GALVA	لیتوانی (LITHUANIAN):	گوتیک (GOTHIC):
GALVA	لتونی (LATVIAN):	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
		HOVID
		ساکسونی کهن (OLD SAXON):
		فریزی کهن (OLD FRISIAN):
		HĀVED, HĀFD
		آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

پسگشت‌ها	REFERENCES	212-213	BUCK:
529	POKORNY:	(HEAD) 432	ONIONS:
(HEAD) 470	BARNHART:	(HEAD) 234	AMINDAROV:
(TETE) 100	DELAMARRE:	برهان قاطع:	۱۸۸۲

فارسی (PERSIAN):	کندن
چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	DIG, CARVE
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید)	*KH, *KHAN, *KHN

اوستایی (AVESTAN):	KAN-
پارسی باستان (OLD PERSIAN):	KAN-
پهلوی (PAHLAVI):	KANDAN, KANTAN
اوستی (OSSETIC):	-GANIN
کردی (KURDISH):	KENÁN, CHIKANDIN:
افغانی (Pشتی) (AFGHANI):	
KANDAL, KINDEL	
سانسکریت (SANSKRIT):	
یادداشت:	

۱- واژه‌های این فهرست با واژه‌های انگلیسی CARVE و آلمانی KERBEN و واژه‌های اسکاتلندی همریشه آنها شباهت دارند ولی ظاهراً این واژه‌ها از یک واج‌ریشه‌ی هند و اروپایی دیگر (*GERBH) آمده‌اند (147: BARNHART)

۲- بازگشت به پانوش POKORNY در صفحه‌ی ۹۳۴.

۳- رابطه‌ی واژه‌های هند و ایرانی این فهرست با واج‌ریشه‌ی هند و اروپایی فوق احتمالی است و بهمین دلیل در جلوه آن (شاید) بکار رفته است.

فارسی (PERSIAN):	کو، کجا
چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	WHERE
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*KWÖ-, *KWÜ-, *KWUR-, *KWER-

اوستایی (AVESTAN):	KIDERĒ, KUDER, KUDA, KUVA
افغانی (Pشتی) (AFGHANI):	KUM
سانسکریت (SANSKRIT):	
KÜ, KÜTHRA, KUDĀ	
پهلوی (PAHLAVI):	KÜ
کردی (KURDISH):	KÜ, KÜVA, KVĀ, KÜTRA, KUHĀ

	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
KŪDE	
GDZIE	لهستانی (POLISH):
KDE, KAM	چک (CZECH):
KDE, KAM	بوهمی (BOHEMIAN):
KDE, KAM	اسلواکی (SLOVAK):
KURĖ, KUR	لیتوانی (LITHUANIAN):
QUEI	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):
CW, CWD	گالی (GAULISH):
CW, CWD	ولزی (WELSH):
KU, KUR	آلبانی (ALBANIAN):
KUWABI	هیتی (HITTITE):

UR, OUR	ارمنی (ARMENIAN):
PU-	یونانی (GREEK):
UBI	لاتین (LATIN):
OŪ	فرانس (FRENCH):
DONDE	اسپانیایی (SPANISH):
DOVE	ایتالیایی (ITALIAN):
UNDE	رومانی (RUMANIAN):
ONDE	پرتغالی (PORTUGUESE):
HWAR	گوتیک (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
HVAR	
HWĀR	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
HWĒR	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
HWĀR	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
WO	آلمانی (GERMAN):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
HWAR, HWAR	
WHERE	انگلیسی (ENGLISH):
HVOR	دانمارکی (DANISH):
VAR	سوئدی (SWEDISH):
HVOR, KVAR	نروژی (NORWEGIAN):
WARR	هلندی (DUTCH):

REFERENCES	پسگشت ما
POKORNY:	647-648
BARNHART:	(WHERE) 1231
DELAMARRE:	(OŪ) 304
MACKENZIE:	(WHERE) 140
SKEAT:	(WHERE) 710
AMINDAROV:	(WHERE) 309
۱۵۹۷ و ۱۷۱۶	برهان قاطع:

KŪTĀH, KŪTĀH	فارسی (PERSIAN):	کوتا، کوته
SHORT	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*(S)KER, *KORTU, *(S)KRTĀ, *KRTOS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	(شاید)
KATU-	سانسکریت (SANSKRIT):	
KOTAK	ارمنی (ARMENIAN):	
KIERŌ	یونانی (GREEK):	
CURTUS	لاتین (LATIN):	
COURT	فرانس (FRENCH):	
CORTO	اسپانیایی (SPANISH):	
KUTAKA, KAUTAKA	پهلوی (PAHLAVI):	
KOTAK, KŌTĀH, KUK		
KŪT, KŪTĀH, KUK	کردی (KURDISH):	
KŌTĀH	افغانی (پشتو) (AFGHANI):	

KORTKIJ	روسی (RUSSIAN):
KRÁTKÝ	چک (CZECH):
KRATAK	صربی (SERBIAN):
KRÁTKY	برهمنی (BOHEMIAN):
KRÁTKY	اسلواکی (SLOVAK):
KARTUS	لیتوانی (LITHUANIAN):
KURTAI-	هیتی (HITTITE):

CORTO	ایتالیایی (ITALIAN):
SCURT	رومانی (RUMANIAN):
CURTO	پرتغالی (PORTUGUESE):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
SKORT, SKOTR	
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
SCURZ	
KURZ	آلمانی (GERMAN):

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

SCEORT, SCORT

SHORT	انگلیسی (ENGLISH):
KORT	دانمارکی (DANISH):
KORT	سوئدی (SWEDISH):
KORT	نروژی (NORWEGIAN):
KORT	هلندی (DUTCH):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

KRATŪKŪ

لهستانی (POLISH):

KROTKI

یادداشت:

۱- واژه‌های فارسی "کودک" و "کوچک" هم از همین ریشه‌اند.

۲- رابطه‌ی واژه‌های ایرانی و سانسکریت این فهرست با دیگر واژه‌های آن احتمالی است و لذا جلو و اجریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

KŪD, KŪT	فارسی (PERSIAN): کود، کوت
FERTILIZER, DUNG, MANURE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KŪDH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

CWĒAD : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

GONVO

SHŪDAS : (LITHUANIAN) لیتوانی

SŪDS : (LATVIAN) لتونی (لتی)

GŪTHA : (AVESTAN) اوستایی

GŪTHA : (SANSKRIT) سانسکریت

KU, KOY : (ARMENIAN) ارمنی

US-KHUTHÁ : (GREEK) یونانی

QUAT : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

KOT : (GERMAN) آلمانی

BUCK:	276	REFERENCES	پسگشت‌ها
۱۷۲۳	برهان قاطع:	POKORNY:	627

KŪR	فارسی (PERSIAN): کور
BLIND	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KAIKO-, *KĀID-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

CAECH	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	KŌR	پهلوی (PAHLAVI):
COEG	ولزی (WELSH):	KOR, KUR, KURI	کردی (KURDISH):

سانسکریت (SANSKRIT): KEKARA

ارمنی (ARMENIAN): GOUYR

لاتین (LATIN): CAECUS

اسپانیایی (SPANISH): CIEGO

ایتالیایی (ITALIAN): CIECO

پرتغالی (PORTUGUESE): CEGO

گوتیک (GOTHIC): HAIHS

لیتوانی (LITHUANIAN): KEIKTI

یادداشت:

چم این واژه در سانسکریت: چپ چشم.

چم این واژه در گوتیک و ایرلندی کهن و ولزی: یک چشمی.

چم این واژه در لیتوانی: با سوئیت نگاه کردن.

KŪZH, KŪZ, GHŪZ	فارسی (PERSIAN): کوژ، کوز، قوز
HUMP, HUNCH, CONVEX	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KEUK-, *KOUK, *KUK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

پهلوی (PAHLAVI): KŌF

کردی (KURDISH): KŪZ

سانسکریت (SANSKRIT): KUCAS

گوتیک (GOTHIC): HAUHS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): HIGH

HŌR, HĀR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): HŌH

سوئدی (SWEDISH): HÖG

فریزی کهن (OLD FRISIAN): HĀCH

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): HŌH

آلمانی (GERMAN): HOCH

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): HĒAH

انگلیسی (ENGLISH): HIGH

دانمارکی (DANISH): HOI

CUAR : ایرلندی کهن (OLD IRISH)

REFERENCES	پیگشت ها
KORNY:	589
BARNHART:	(HIGH) 481
MACKENZIE:	(HUMP) 118
ONIONS:	(HIGH) 440
SKEAT:	(HIGH) 271
۱۷۲۷	برهان قاطع:
۲۷۴۵	فرهنگ معین:

HOY : نروژی (NORWEGIAN)

HOOG : هلندی (DUTCH)

KUEZKI : لهستانی (POLISH)

KÜCHA : روسی (RUSSIAN)

KUCHE : چک (CZECH)

KUKA : بلغاری (BULGARIAN)

KAŪKAS : لیتوانی (LITHUANIAN)

: لونی (LATVIAN)

KUKURS, KUKUMS

CAWX : پروسی کهن (OLD PRUSSIAN)

یادداشت:

چم این واژه در سانسکریت: پشان زن

چم این واژه در زبان های ژرمنی: برجسته، بلند

چم این واژه در زبان لیتوانی: ورم، برآمدگی

چم این واژه در زبان بلغاری: فلاپ

چم این واژه در زبان روسی: انباشته.

KŪFTAN, KŪBIDAN, KŪSTAN	فارسی (PERSIAN): کوفتن، کوبیدن، کوستن
POUND, SMASH, CRUSH,	چم انگلیسی سرواژه های فارسی:
*KĀU-, *KĀU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

HAWA, HOWA

: آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

HOUWAN

HAVEN : آلمانی (GERMAN)

HĒAWAN : انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

HEW : انگلیسی (ENGLISH)

HUGGE : دانمارکی (DANISH)

HUGGA : سوئدی (SWEDISH)

HOGGE : نروژی (NORWEGIAN)

HOUWEN : هلندی (DUTCH)

: اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

KUJU

KWBG, KWSTN : پارسی (اوراق مانوی)

: پهلوی (PAHLAVI)

KŌFTAN, KŌSTAN, KŌB

KŪTAN : کردی (KURDISH)

KO : نخاری A (TOKHARIAN A)

KAU : نخاری B (TOKHARIAN B)

CŪDŌ, CŪDERE : لاتین (LATIN)

HAWI : گوئیک (GOTHIC)

: ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

HUGGVA

HAUWAN : ساکسونی کهن (OLD SAXON)

: فریزی کهن (OLD FRISIAN)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	535
BARNHART:	(HEW) 479
DELAMARRE:	
	(BATTRE, FORGER) 262
MACKENZIE:	(POUND) 127
۱۷۳۲ و ۱۷۲۹	برهان قاطع:

KUZNO, KOVATE	: (RUSSIAN) روسی
KOVATI	: (BULGARIAN) بلغاری
KŪJĖM	: (SERBIAN) صربی
KÁUJU, KÁUTI	: (LITHUANIAN) لیتوانی
-KAUT	: (LATVIAN) لونی (لتی)
CUGIS	: (OLD PRUSSIAN) پروس کهن

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های تخیلی: کشتن.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: (با غریبی شمشیر و غیره) بریدن، غریب زدن.

KŪKŪ	فارسی (PERSIAN): کوکو (به چم "فاخته")
CUCKOO	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KAW-, *KAUKŌLOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

: (RUSSIAN) روسی	KOKILAS	: (SANSKRIT) سانسکریت
KUKUSHKA, KUKUSA	KAUKALIAS, KOKKYX	: (GREEK) یونانی
: (LITHUANIAN) لیتوانی	CUCŪLUS	: (LATIN) لاتین
KAUKALE, KUKUOTI	COUCOU	: (FRENCH) فرانسه
CUACH	CUCO	: (SPANISH) اسپانیایی
: (MIDDLE IRISH) ایرلندی میانه	CUCULO	: (ITALIAN) ایتالیایی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	536
BARNHART:	(CUCKOO) 240
DELAMARRE:	(COUCOU) 140
MALLORY:	116
۱۷۳۴	برهان قاطع:
۳۱۳۰	فرهنگ معین:

COGUL	: (PORTUGUESE) پرتغالی
KUCKUCK	: (GERMAN) آلمانی
CUCKOO	: (ENGLISH) انگلیسی
KOEKOEK	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
KUKAVIKA	: لهستانی
KUKULKA	: (POLISH) لهستانی

یادداشت:

نام این پرندۀ یک واژه‌ی آوایی (نام آوا ONOMATOPOEIA) است که در بسیاری از زبان‌های هند و اروپایی وجود دارد. کاربرد آن توسط شاعران فارسی (مثلاً خیام و امیرخسرو) نشان می‌دهد که این واژه از دیرباز در زبان فارسی وجود داشته است.

KŪN	فارسی (PERSIAN): کون
RECTUM, ANUS	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KUL-, *KAUL-, *KUTSŌS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

HOLE	انگلیسی (ENGLISH):	KŪN	پهلوی (PAHLAVI):
HUL	دانمارکی (DANISH):	KUN, QING, KIN	کردی (KURDISH):
HÅL	سوئدی (SWEDISH):	KŪN, KIN	بلوچی (BALUCHI):
HUL, HOL	نروژی (NORWEGIAN):	KULYĀ	سانسکریت (SANSKRIT):
HOL	هلندی (DUTCH):	KAULŌS	یونانی (GREEK):
KĀULAS	لیتوانی (LITHUANIAN):	CŪLUS, CAULIS	لاتین (LATIN):
KAŪLS	لتونی (LATVIAN):	CUL	فرانسه (FRENCH):
CAULAN	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	CULO	اسپانیایی (SPANISH):
		CULO	ایتالیایی (ITALIAN):
		CULO	پرتغالی (PORTUGUESE):
		HULUNDI	گوتیک (GOTHIC):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	537
BARNHART:	(HOLE) 486
MACKENZIE:	(ANUS) 102
ONIONS:	(HOLE) 444
SKEAT:	(HOLE) 274
MALLORY & ADAMS:	
KUTSŌS	
۱۷۳۸	برهان قاطع:

HOLR	
HOL	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
HOL	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
HOL	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
HOHL	آلمانی (GERMAN):
HOL	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: سوراخ.

KŪH	فارسی (PERSIAN): کوه
MOUNTAIN	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KEUP-, *KEUB-, *KOU-, *KOUH	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KVAB	افغانی (پشتر) (AFGHANI):	KAOFA	اوستایی (AVESTAN):
KOC	تخاری A (TOKHARIAN A):	KAUFA	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
KAUC	تخاری B (TOKHARIAN B):	KŌF, KOFAK	پهلوی (PAHLAVI):
KOHAK	ارمنی (ARMENIAN):	KŪWI	کردی (KURDISH):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	KŌPAK, KOFAGH	بلوچی (BALUCHI):

KUPU	: (BULGARIAN) بلغاری
HUP	: (SERBIAN) صربی
KOPEC	: (SLOVAK) اسلواکی
KAUPAS, KUPRA	: (LITHUANIAN) لیتوانی
KURS	: (LATVIAN) لتونی
CŪAN	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
KJIPI	: (ALBANIAN) آلبانی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	589-591
BARNHART:	(HEAP) 470-471
MACKENZIE:	(MOUNTAIN) 124
BUCK:	25, 852
۱۷۳۹	برهان قاطع:

HOF, HOPR

HÖP	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
HÄP	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
HOVAR, HUBIL	
HÜGEL, HAUFE	: (GERMAN) آلمانی
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

HOFER, HĒAP

HEAP	: (ENGLISH) انگلیسی
HOP	: (DANISH) دانمارکی
HOV	: (NORWEGIAN) نروژی
HEUVEL, HOOP	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
KUPŮ	
KOPIEC, KUPA	: (POLISH) لهستانی

یادداشت:

چم برخی از واژه‌های این فهرست: کوهان، تپه، توده یا انباشته‌ی بلند.

KI	فارسی (PERSIAN): کی (به چم "چه کسی")
WHO	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWE-, *KWA-, *KWL-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

QUI	: (FRENCH) فرانسه
QUE, QUIEN	: (SPANISH) اسپانیایی
CHI	: (ITALIAN) ایتالیایی
CINE	: (RUMANIAN) رومانی
QUE, QUEM	: (PORTUGUESE) پرتغالی
HWAS, HWŌ	: (GOTHIC) گوتیک
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

HVERR

HWĒ	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
HWĀ	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

KŌ, KĀ	: (AVESTAN) اوستایی
KASH	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
KĒ	: (PAHLAVI) پهلوی
CHĀ	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
KUS	: (TOKHARIAN A) A تخاری
KUSE	: (TOKHARIAN B) B تخاری
	: (SANSKRIT) سانسکریت

KAS, KĀ, KIS

OV, VOR	: (ARMENIAN) ارمنی
TIS, TĒO	: (GREEK) یونانی
QUL, QUIS, QUAE	: (LATIN) لاتین

KAS :لیتوانی (LITHUANIAN)

:ایرلندی کهن (OLD IRISH)

NECH, CĒ, CIA

:ولزی (WELSH)

PWY

KUIS, KUIT

:هیتی (HITTITE)

HWER, WER

WER :آلمانی (GERMAN)

HWA :انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

WHO :انگلیسی (ENGLISH)

HVO :دانمارکی (DANISH)

HVAR, HVEM :سوئدی (SWEDISH)

HVO :نروژی (NORWEGIAN)

WIE :هلندی (DUTCH)

:اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

KŪTO, CHITO

KTO, KTORY :لهستانی (POLISH)

KTO, CHTO :روسی (RUSSIAN)

KDO, KTERÝ :چک (CZECH)

KTO, KTORÝ :اسلواکی (SLOVAK)

یادداشت:

واژه‌های اوستایی KAS و پارسی باستان KASH (به چم کس، "شخص") نیز از همین واژه‌اند. همچنین واژه‌های اوستایی KAS-CHIT و پارسی باستان KASH-CHI نیز از همین واژه‌اند (RAMA: 137)

فارسی (PERSIAN): کی (به چم چه وقت، چه هنگام)	
WHEN	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWA-, *KWO-, *KWE-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

QUOM, CUM, QUAND :لاتین (LATIN)

QUAND :فرانسه (FRENCH)

CUANDO :اسپانیایی (SPANISH)

QUANDO :ایتالیایی (ITALIAN)

CIND :رومانی (RUMANIAN)

QUANDQ :پرتغالی (PORTUGUESE)

HWAN :گوتیک (GOTHIC)

HWAN :ساکسونی کهن (OLD SAXON)

HWENNE :فریزی کهن (OLD FRISIAN)

:آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

WANNE, WENNI

KADHA, KEM, KO :اوستایی (AVESTAN)

:پارسی باستان (OLD PERSIAN)

KADHĀ, KĀ, KASH

KA, KAY :پهلوی (PAHLAVI)

KĀD :اوستی (OSSETIC)

KI, KENGĒ :کردی (KURDISH)

KADI :بلوچی (BALUCHI)

KALA :افغانی (پشتو) (AFGHANI)

KĀH, KADĀ :سانسکریت (SANSKRIT)

UR :ارمنی (ARMENIAN)

POI :یونانی (GREEK)

CAN	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
PON	ولزی (WELSH):
KĒ	آلبانی (ALBANIAN):

WANN	آلمانی (GERMAN):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
HWANNE, HWENNE	
WHEN	انگلیسی (ENGLISH):
WANNEER	هلندی (DUTCH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	644-648
BARNHART:	(WHEN) 1230
DELAMARRE:	303
MACKENZIE:	(WHEN) 140
ONIONS:	(WHEN) 1001
۱۷۴۸	برهان قاطع:

KOGDA	
KIEDY, KIEDYZ	لهستانی (POLISH):
KDY, KDYZH	روسی (RUSSIAN):
KED, KEDY	اسلواکی (SLOVAK):
KA, KUR, KADA	لیتوانی (LITHUANIAN):
KAN	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):

KIN, KINĒ	فارسی (PERSIAN): کین، کینه
HATE, MALICE, HATRED	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWEL, *KWOINA-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KAJATU	روسی (RUSSIAN):
CĒNA	بلغاری (BULGARIAN):
KĀINA	لیتوانی (LITHUANIAN):
ER-KININT:	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):
CIN, CINAD	ایرلندی کهن (OLD IRISH):

KAĒNĀ, KĀY	اوستایی (AVESTAN):
KĒN	پهلوی (PAHLAVI):
CHITHĀ	اوستی (OSSETIC):
KIN	کردی (KURDISH):
KINAGH	بلوچی (BALUCHI):
KINA	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
KĀY, CĀYATI	سانسکریت (SANSKRIT):
KĒN	ارمنی (ARMENIAN):
KEDOS, KEDEIN	یونانی (GREEK):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
CĒNA	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	637
MACKENZIE:	
(HATE) 117, (MALICE) 122	
۱۷۵۹	برهان قاطع:

یادداشت:

- ۱- شاید واژه‌ها انگلیسی HATE و آلمانی HASS و فرانسوی HAIN و گوئییک HATIS هم از همین ریشه باشند.
- ۲- چم این واژه در اوستی و بلغاری: شرف.
- چم این واژه در روسی و ایرلندی کهن: تقصیر.
- چم این واژه در پروسی کهن: خلاص از شر شیطان.

چم این واژه در لیتوانی و اسلاوی کهن: بها، قیمت.
چم این واژه در زبان‌های اوستایی و سانسکریت: تقاضا، دیده، جریمه‌ی قتل.

GAEDAN, GĀDAN	فارسی (PERSIAN): گائیدن، گاییدن، گادن
COPULATE, FUCK	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GWEI-, *GWI-, *GWĒY-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KVEISA	نروژی (NORWEGIAN):	GĀDAN	پهلوی (PAHLAVI):
		JINAS	سانسکریت (SANSKRIT):
		QUISTJAN	گوتیک (GOTHIC):
			ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	470
BARNHART:	(QUENCH) 874
MACKENZIE:	(COPULATE) 108
SKEAT:	(QUENCH) 492
۱۸۸۷ و ۱۸۸۶	لغت‌نامه دهخدا:
۳۱۱۲	فرهنگ معین:

KVEITA	
QUINKA	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
QUIST:	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
-CWENCAN:	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
QUENCH	انگلیسی (ENGLISH):

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: پیری
چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: فروشاندن، ضایع کردن

GĀZ	فارسی (PERSIAN): گاز (به چم 'علف')
GRASS	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GHR̥s-, *CHR̥s-, *GHR̥-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید):

GRAS	آلمانی (GERMAN):	GIHA	کردی (KURDISH):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	GHAS	سانسکریت (SANSKRIT):
GRAS, GARS		GRAS	گوتیک (GOTHIC):
GRASS	انگلیسی (ENGLISH):		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
GRās	دانمارکی (DANISH):	GRAS	
GRās	سوئدی (SWEDISH):	GRAS	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
GRESS	نروژی (NORWEGIAN):	GRES	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
GRAS	هلندی (DUTCH):	GRAS	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

SKEAT:	(GRASS) 248	REFERENCES	پسگشت‌ها
AMINDAROV:	(GRASS) 231	POKORNY:	454
۳۱۶۵	فرهنگ معین:	BARNHART:	(GRASS) 447
۱۷۶۳	برهان قاطع:	ONIONS:	(GRASS) 410

یادداشت:

هیچکدام از پسگشت‌ها (مراجع) من به رابطه‌ی واژه‌های ایرانی و سانسکریت این فهرست با دیگر واژه‌های این فهرست اشاره‌ای نمی‌کنند. بهمین دلیل در جلوه‌ی واژه‌ی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

GĀM	فارسی (PERSIAN): گام
STEP, PACE	پدم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GWĀ-, *GWEM-, *GWAMN-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KOMMEN (GERMAN): آلمانی (AVESTAN): اوستایی

(OLD ENGLISH): انگلیسی کهن

GĀMAN, GĀYA-, GATISH

CUMAN, COMEN

GĀTHU (OLD PERSIAN): پارسی باستان

COME (ENGLISH): انگلیسی

GĀM (PAHLAVI): پهلوی

KOMME (DANISH): دانمارکی

GAW (KURDISH): کردی

KOMMA (SWEDISH): سوئدی

GĀM (AFGHANI): افغانی (پشتو)

KOMME (NORWEGIAN): نروژی

KĀM (TOKHARIAN A): تخاری A

KOMEN (DUTCH): هلندی

KĀM (TOKHARIAN B): تخاری B

GŌTI (LITHUANIAN): لیتوانی

(SANSKRIT): سانسکریت

GĀJU (LATVIAN): لتونی

GĀYAM, -GAMAN, GĀTIS

GĀTRAM (OLD IRISH): ایرلندی کهن

KAM (ARMENIAN): ارمنی

NGĀ (ALBANIAN): آلبانی

BĒMA, BAINEIN (GREEK): یونانی

VENIR (LATIN): لاتین

GA-QUMTH, QIMMAN (GOTHIC): گوتیک

(OLD SCANDINAVIAN): ايسلندی کهن

KOMA

CUMAN (OLD SAXON): ساکسونی کهن

KUMA (OLD FRISIAN): فریزی کهن

(OLD HIGH GERMAN): آلمانی کهن

QUEMAN, COMAN

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	463-464
BARNHART:	(COME) 192
DELAMARRE:	(FAS) 84
MACKENZIE:	(STEP) 134
۱۷۶۵	برهان قاطع:

GĀV	فارسی (PERSIAN): گاو
COW	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GWŌUS, *GWŌM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
KRAVA, GOVEDO	
KROWA	لهستانی (POLISH):
KOROVA, GOVIADO	روسی (RUSSIAN):
KRÁVA	چک (CZECH):
KRAVA	صربی (SERBIAN):
KRÁVA	بوهمی (BOHEMIAN):
KRAVA	اسلواکی (SLOVAK):
KARVE	لیتوانی (LITHUANIAN):
GŪOVŠ	لتونی (LATVIAN):
BŌ	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
BUW	ولزی (WELSH):
BUCH	برتونی (BRETON):
BÓ	گالیک (GAELIC):

GĀUSH, GAO-	اوستایی (AVESTAN):
GAV	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
GĀW	پهلوی (PAHLAVI):
QŪG, YOG	اوسنی (OSSETIC):
GĀ	کردی (KURDISH):
GŌK, GŌX	بلوچی (BALUCHI):
GHWĀ	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
KO	تخاری A (TOKHARIAN A):
KAU	تخاری B (TOKHARIAN B):
GĀŪS, GO-	سانسکریت (SANSKRIT):
KOV, GOV	ارمنی (ARMENIAN):
BOŪS	یونانی (GREEK):
BŌS	لاتین (LATIN):
BAUF	فرانسé (FRENCH):
BUEY	اسپانیایی (SPANISH):
BUE, BOVE	ایتالیایی (ITALIAN):
KŶR	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
KŌ	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
KŪ	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
KUO	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
KUH	آلمانی (GERMAN):
CŪ	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
COW	انگلیسی (ENGLISH):
KO	دانمارکی (DANISH):
KO	سوئدی (SWEDISH):
KU	نروژی (NORWEGIAN):
KOE	هلندی (DUTCH):

REFERENCES	پیگشت‌ها
POKORNY:	482
BARNHART:	(COW) 229
DELAMARRE:	133-134
MACKENZIE:	(COW) 109
BUCK:	152-155
ONIONS:	(COW) 223
SKEAT:	(COW) 140
RAMAT:	34
AMINDAROV:	(BULL) 195
۱۷۶۶	برهان قاطع:

GORĀZ	فارسی (PERSIAN): گراز
BOAR	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WER-, *WEROS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید)

VIER	رومانی (RUMANIAN):	VARĀZA	اوستایی (AVESTAN):
VERVEK	لتونی (لتی) (LATVIAN):	VARĀZ, WARĀZ	پهلوی (PAHLAVI):
VIRSES	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	BERĀZ	کردی (KURDISH):
		VARĀHA	سانسکریت (SANSKRIT):

REFERENCES	پسگشت‌ها
MACKENZIE:	(BOAR) 104
BUCK:	160-164
AMINDAROV:	(BOAR) 192
۱۷۷۹	برهان قاطع:

VARAZ	ارمنی (ARMENIAN):
VERRĒS	لاتین (LATIN):
VERRAT	فرانس (FRENCH):
VERRACO	اسپانیایی (SPANISH):
VERRO	ایتالیایی (ITALIAN):

یادداشت:

رابطه‌ی واژه‌های ایرانی و سانسکریت و ارمنی این فهرست با واج‌ریشه‌ی هند و اروپایی و دیگر واژه‌های این فهرست احتمالی است و به‌عین دلیل در جلوه‌ی واج‌ریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

GERĀMI, GERĀM	فارسی (PERSIAN): گرامی، گرام
DEAR, TREASURED, VALUABLE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GWER-, GWERǵ-, GWRTÓS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید)

GRACA	پرتغالی (PORTUGUESE):		اوستایی (AVESTAN):
GRACE	انگلیسی (ENGLISH): (از فرانس)	GAR-, GARO-, GARAH-	پهلوی (PAHLAVI):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):		

GRANU	لیتوانی (LITHUANIAN):	GRĀMĪG, GARĀMIK, GARĀM,	
		GRĀMIH, GRĀMAG	سانسکریت (SANSKRIT):

GIRIÙ, GIRTĪ, GĒRAS	لتونی (لتی) (LATVIAN):	GŪRTÁS, GIRÁS, GRNATI, GIRÁH	
DZIRTIĒS	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	GRĀTIA, GRĀTUS	لاتین (LATIN): (شاید)
GIRTWEI	آلبانی (ALBANIAN):	GRACE	فرانس (FRENCH):
GRISH, GĒRSHÁ		GRACIA	اسپانیایی (SPANISH):
		GRAZIA	ایتالیایی (ITALIAN):
		GRATIE	رومانی (RUMANIAN):

ONIONS:	REFERENCES	پسگشت‌ها
(GRACE) 408, (GRATEFUL) 411	POKORNY:	478
SKEAT: (GRACE) 249	BARNHART:	
۳۲۱۴ : فرم‌نگ معین	(GRACE) 444, (GRATEFUL) 447	
۱۷۸۱ : برهان قاطع	MACKENZIE:	
	37, (DRAR) 109, (TREASURED) 137	

یادداشت:

- ۱- چم‌های گوناگون این واژه در زبان‌های این فهرست: خوشایند، تعریف، تحسین، لطف، سپاس، عزیز
- ۲- چون رابطه‌ی واژه‌های فارسی و پهلوی این فهرست با دیگر واژه‌های آن در هیچ‌کدام از پسگشت‌هایم ذکر نشده برای احتیاط جلوه‌ی اجریشی هند و اروپایی (شاید) گذاشته‌ام.

GERĀN-	فارسی (PERSIAN): گران
HEAVY, SERIOUS, GRAVE, DIFFICULT, EXPENSIVE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GWER-, *GWR-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KYRR, KUIRR	اوستایی (AVESTAN): GOURO, GARU
GRAVE انگلیسی (ENGLISH): (از فرانسه)	پارسی باستان (OLD PERSIAN): *GRANA
GŪRSTU, GŪRTI: (LITHUANIAN) لیتوانی	پهلوی (PAHLAVI): GARĀN
GRŪTS: (LATVIAN) لتونی	کردی (KURDISH): GHIRAN, GIRAN
BAIR: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	افغانی (افشو) (AFGHANI): GRĀN
BRYW: (WELSH) ولزی	تخاری A (TOKHARIAN A): KRAMARTS
	سانسکریت (SANSKRIT): GURŪH, GURŪS

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	476-477
BARNHART:	(GRAVE) 447
DELAMARRE:	(LOURD) 223
MACKENZIE:	(HEAVY) 117
ONIONS:	(GRAVE) 411
SKEAT:	(GRAVE) 248
AMINDAROV:	(HEAVY) 235
۱۷۸۱	برهان قاطع:

BARŶS, BĀROS	یونانی (GREEK):
GRAVIS	لاتین (LATIN):
GRAVE	فرانسه (FRENCH):
GRAVE	اسپانیایی (SPANISH):
GRAVE	ایتالیایی (ITALIAN):
GREU	رومانی (RUMANIAN):
GRAVE	پرتغالی (PORTUGUESE):
KAŪRUS	گوئیک (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

یادداشت:

چم این واژه در ایسلندی کهن: آرام، باوقار.
چم این واژه در لیتوانی: غنودن، درازکشیدن.

GORBÉ	فارسی (PERSIAN): گربه
CAT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WLP-, *LUP-, *ULPOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1179
۱۷۸۴	برهان قاطع:

پارسی باستان (OLD PERSIAN): *URPA
پهلوی (PAHLAVI): GURPAK, GURBAG
سانسکریت (SANSKRIT): URUPIS
ارمنی (ARMENIAN): GADOU

یادداشت:

شاید واژه‌های انگلیسی CAT و آلمانی KATZE و لاتین CATUS و فرانسی CHAT و اسپانیایی GATO نیز از همین واژه‌ها آمده باشند ولی برخی واژه‌شناسان معتقدند که اصل این واژه از آفریقا یا آسیا می‌باشد. (BARNHART: 149)

GERD	فارسی (PERSIAN): گرد (به چم "شهر" مثلاً در "دستگرد" یا "پروگرد")
CITY, FORTRESS	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GHER-, *GHORDHOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

GARDHR	اوستایی (AVESTAN): GəRəDHO
ساکسونی کهن (OLD SAXON):	پارسی باستان (OLD PERSIAN): *KRTA
GARD, GARD	پهلوی (PAHLAVI): KART
GARDA: (OLD FRISIAN) فریزی کهن	اوستی (OSSETIC): GORAD, GORAE
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	تخاری (TOKHARIAN B) B: KERCŪYE
GARTO, GART	سانسکریت (SANSKRIT): GRHÁS
GARTEN: (GERMAN) آلمانی	ارمنی (ARMENIAN): GARTH
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): GEARD	یونانی (GREEK): KORTHIS, KORTOS
انگلیسی (ENGLISH): YARD, GARDEN	لاتین (LATIN): HORTUS
GÅRD: (DANISH) دانمارکی	فرانسه (FRENCH): JARDIN
GÅRD: (SWEDISH) سوئدی	اسپانیایی (SPANISH): JARDIN, HUERTO
نروژی (NORWEGIAN): GÅRD	گوئیک (GOTHIC): GARDS, GARDA
هلندی (DUTCH): GAARD	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

GURTAS

: (HITTITE) هیت

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	444
BARNHART:	(YARD) 1251
BUCK:	1307-1309
ONIONS:	(YARD) 1018
SKEAT:	(YARD) 727
۱۷۷۷	برهان قاطع:

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

GRADŪ

GRÓD : (POLISH) لهستانی

-GRAD, GÓROD : (RUSSIAN) روسی

HRAD : (CZECH) چک

GRADU : (BULGARIAN) بلغاری

HRAD : (BOHEMIAN) بوهمی

GRAD : (SLOVAK) اسلواکی

GARDAS : (LITHUANIAN) لیتوانی

GORT : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

یادداشت:

چم این واژه در اکثر واژه‌های این فهرست: شهر، قلعه، حصار، محوطه، باغ.

GARDAN, GORM	: (PERSIAN) فارسی
NECK	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GUER-, *GUERð-, *GWRIWĀ	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی

KRAGEN : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

GRIVA

GRĪVA : (LATVIAN) لونی

GRĪVĀ : (AVESTAN) اوستایی

GERDĀN, GARTAN : (PAHLAVI) پهلوی

GERDĀN : (KURDISH) کردی

GARDAN : (BALUCHI) بلوچی

: (AFGHANI) افغانی

GARDAN, GHĀRA

GRĪVĀ : (SANSKRIT) سانسکریت

DÉRE : (GREEK) یونانی

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

KRAGE

KRAGEN : (GERMAN) آلمانی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	474-475
DELAMARRE:	100
MACKENZIE:	(NECK) 124
BUCK:	231-233
۱۷۹۰	برهان قاطع:

GORDÉ	فارسی (PERSIAN): گُرده (به چم "کلیه" یا "قلوه")
KIDNEY	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WERT-, *WORTO-, *WRTI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

VRKKÁ	سانسکریت (SANSKRIT):	اوستایی (AVESTAN):
VRITI	لیتوانی (LITHUANIAN):	VEREDHKA, VERETKA

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1157
MACKENZIE:	(KIDNEY) 120
۱۷۹۲	برهان قاطع:

*VRT	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
GURTAK, GURDAK	پهلوی (PAHLAVI):
GURDALE, GURDILE	کردی (KURDISH):
GUTTIGH	بلوچی (BALUCHI):
-WĒRGAY	افغانی (افشتر) (AFGHANI):

GORS	فارسی (PERSIAN): گُرس (به چم "گیسوی بافته")
BRAIDED HAIR	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WEL-, *WLNA-, *WOLKO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

VOLOKNÓ, VOLOS	روسی (RUSSIAN):	VARṣSA	اوستایی (AVESTAN):
----------------	-----------------	--------	--------------------

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1139
BARNHART:	(WOOL) 1243-1244
۱۷۹۴	برهان قاطع:
۱۹۰۶۲	لغت‌نامه دهخدا:
۳۲۵۸	فرهنگ معین:

VALKA	سانسکریت (SANSKRIT):
LAXNM	یونانی (GREEK):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
LAGTHR	
WLOH	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
VALKNO, VALSU	

یادداشت:

۱- بازگشت به: وُزیر

۲- چم این واژه در دینلیر: زمان‌های این فهرست: نخ پشمی، وِسمان (از الیاف گیاهی).

۳- واژه‌های انگلیسی WOOL و آلمانی WOLLE و سانسکریت URNA (همه به چم "پشم") نیز از همین واج‌ریشه‌اند (POKORNY: 1139)

فارسی (PERSIAN):	گرسنه، گشته، گرسنگی، گشنگی
GOROSNĒ, GOSHNĒ, GOROSNEĠ, GOSHNEĠ	
چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	HUNGRY, HUNGER
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*KENK-

پارسی باستان (OLD PERSIAN):	HUNGER	سوئدی (SWEDISH):
*VRSA, *VRNA	HUNGER	نروژی (NORWEGIAN):
پهلوی (PAHLAVI):	HONGER	هلندی (DUTCH):
GURSAG, GURSAGIH, GUSHNAG		اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
GORSNEH	کردی (KURDISH):	لهستانی (POLISH):
GUSHNAG	بلوچی (BALUCHI):	روسی (RUSSIAN):
افغانی (پشتو) (AFGHANI):		چک (CZECH):
WĒSHAY, WĒZHA		صربی (SERBIAN):
سانسکریت (SANSKRIT):	GHASATI,	برمی (BOHEMIAN):
KĀNKSAṬI, KAKATĒ, KAKAT		اسلواکی (SLOVAK):
یونانی (GREEK):	KĒNKEI, KĒGKEIN	لیتوانی (LITHUANIAN):
گوتیک (GOTHIC):	HŪHRUS	
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):		

پسگشت‌ها	REFERENCES
565	POKORNY:
(HUNGER) 497	BARNHART:
(HUNGER, HUNGRY) 118	MACKENZIE:
332	BUCK:
(HUNGER): 453	ONIONS:
(HUNGER): 282	KEAT:
برهان قاطع: ۱۷۹۴-۱۷۹۵	

HUNGR	
HUNGAR	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
HUNGER	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
HUNGAR	
HUNGAR	آلمانی (GERMAN):
HUNGAR	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
HUNGER	انگلیسی (ENGLISH):
HUNGER	دانمارکی (DANISH):

فارسی (PERSIAN):	گرفت
چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	GRAB, HOLD, TAKE, SEIZE
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*GHREBH-, *GHROBH-
اوستایی (AVESTAN):	

GRAB-, GARBAYAITI

GRAB-, GEREPTA-, GERIWNAITI

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

GRABITL, GREBT

GRABIC لهستانی (POLISH):

GREBŪ روسی (RUSSIAN):

HRABATI چک (CZECH):

ZGRABITI صربی (SERBIAN):

GRABUS لیتوانی (LITHUANIAN):

لتونی (لتی) (LATVIAN):

GRABJU, GREBT

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	455
BARNHART:	(GRAB) 443
DELAMARRE:	(SAISIR) 258
MACKENZIE:	
	(TAKE) 136, (HOLD) 118
BUCK:	744-746
۱۷۱۷	برهان قاطع:

GRIFTAN, پهلوی (PAHLAVI):

GARAFTAN

GIRTIN کردی (KURDISH):

GIRAG بلوچی (BALUCHI):

GRABH, سانسکریت (SANSKRIT):

GRAH, GRBHNATI, AGRABHAT

GRABŪS لاتین (LATIN):

GREIPAN گوتیک (GOTHIC):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

GRĀPA

GRAPSEN فریزی کهن (OLD FRISIAN):

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

GRABELN

GREIFEN آلمانی (GERMAN):

GRAPPIAN انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

GRAB انگلیسی (ENGLISH):

GRABBA سوئدی (SWEDISH):

GRAFSA نروژی (NORWEGIAN):

GRABEL هلندی (DUTCH):

GORG	فارسی (PERSIAN):	گرگ
WOLF	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*WLKWOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	

LUPUS لاتین (LATIN):

LOUP فرانسه (FRENCH):

LOBO اسپانیایی (SPANISH):

LUPO ایتالیایی (ITALIAN):

LUP رومانی (RUMANIAN):

LOBO پرتغالی (PORTUGUESE):

WULFS گوتیک (GOTHIC):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

ULFR

WULF ساکسونی کهن (OLD SAXON):

VǝHRKA, VǝHRKŌ اوستایی (AVESTAN):

VARKĀNA پارسی باستان (OLD PERSIAN):

GURG پهلوی (PAHLAVI):

VARG, GUR کردی (KURDISH):

GYRG بلوچی (BALUCHI):

LEWĒ افغانی (پشتو) (AFGHANI):

WALKWE تخاری (B) (TOKHARIAN B):

VṚKAS, VRKIS سانسکریت (SANSKRIT):

GAIL, KAYL, LAPEL ارمنی (ARMENIAN):

LŪKOS, LŪKOS یونانی (GREEK):

چشم

VLK	: (BOHEMIAN) بومی
VLK	: (SLOVAK) اسلواکی
VILKAS, VILKE	: (LITHUANIAN) لیتوانی
VILKS	: (LATVIAN) لتونی (لتی)
VLK	: (ALBANIAN) آلبانی
ULIPPAN	: (HITTITE) هیت

REFERENCES	پسگنت ما
POKORNY:	1178
BARNHART:	(WOLF) 1242
DELAMARRE:	138
MACKENZIE:	(WOLF) 140
BUCK:	185
MALLORY & ADAMS:	ULKWOS
AMINDAROV:	(WOLF) 311
۱۹۰۸۰	برهان قاطع:

WOLF	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
WOLF	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
WOLF	: (GERMAN) آلمانی
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
WEARG, WULF	
WOLF	: (ENGLISH) انگلیسی
ULV	: (DANISH) دانمارکی
VARG, ULV	: (SWEDISH) سوئدی
ULV	: (NORWEGIAN) نروژی
WOLF	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
VLIKŪ, VLŪKU	
WILK	: (POLISH) لهستانی
VOLK	: (RUSSIAN) روسی
VIK	: (CZECH) چک
VUK	: (SERBIAN) صربی

GARM, GARMĀ, GARMĪ	فارسی (PERSIAN): گرم، گرما، گرمی
WARM, HOT	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GWHER-, *GWHORMÓS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

	اوستایی (AVESTAN): GAROMŌ, GAROMA
	پارسی باستان (OLD PERSIAN): GARMA-
JERM, CHERM, CHERMOUTIUN	پهلوی (PAHLAVI): GARM, GARMOG
THERMOS, THÉRMĒ	: (GREEK) یونانی
FORMUS	: (LATIN) لاتین
*WARMS, WARMJAN	: (GOTHIC) گوتیک
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
VARMR	
WARM	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
WARM	
WARM	: (GERMAN) آلمانی
	بلوچی (BALUCHI): GARM
	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
GARAM, GHARMA	
SĀRME	: (TOKHARIAN A) نخاری
GHARMÁS	: (SANSKRIT) سانسکریت

ایرلندی کهن (OLD IRISH):

FOGEIR, GORIM

ZJARM آلبانی (ALBANIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	493
BARNHART:	(WARM) 1219
DELAMARRE:	223
MACKENZIE:	
	(WARM) 139, (HOT) 118
BUCK:	1077
AMINDAROV:	(WARM) 308
۱۸۰۰	برهان قاطع:

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

WARM, WEARM

WARM انگلیسی (ENGLISH):

VARM دانمارکی (DANISH):

VARM سوئدی (SWEDISH):

VARM نروژی (NORWEGIAN):

WARM هلندی (DUTCH):

(OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

GORĒTI

GORACO لهستانی (POLISH):

GORĀK, HORKY چک (CZECH):

HORÚCI اسلواکی (SLOVAK):

GĀRAS لیتوانی (LITHUANIAN):

GORME پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):

GEREH	فارسی (PERSIAN): گره
KNOT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GRETH, *GROTH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

CREATHAL گالیک (GAELIC):

*GRATH- پارسی باستان (OLD PERSIAN):

GRAH, GRIH پهلوی (PAHLAVI):

GHIRI کردی (KURDISH):

سانسکریت (SANSKRIT):

GRATH, GRATHNĀS, GRATHNĀMI

(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

KRATTO, KREZZO

CRADOL انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

CRADLE انگلیسی (ENGLISH):

CRADHAL ایرلندی (IRISH):

یادداشت:

چم این واژه در زبان آلمانی کهن: سید.

چم این واژه در زبان انگلیسی: گهواره (که در آغاز مشکل از یک سید بوده است).

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	386
BARNHART:	(CRADLE) 230
MACKENZIE:	(KNOT) 121
BUCK:	551
SKEAT:	(CRADLE) 141
۱۸۰۳	برهان قاطع:

GORIXTAN, GORIZ	فارسی (PERSIAN): گریختن، گریز
ESCAPE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*LIEKW, *LIKWTOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
	پارسی باستان (OLD PERSIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	669
MACKENZIE:	(ESCAPE) 112
1۸۰۶	برهان قاطع:

VIRAIK, VIRĀĒK	
WIRĒXTAN, WIRĒG	پهلوی (PAHLAVI):
FELITĪN	کردی (KURDISH):
LINGUERE	لاتین (LATIN):
	یادداشت:
	بازگشت به: ریختن.

GARIVÉ	فارسی (PERSIAN): گریوه (به چم "تپه"، "پشته")
HILL, MOUND	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GWER-, *GWOR-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

GARS	لونی (LITIC):	GAIRIVA, GAIRI	اوستایی (AVESTAN):
GARIAN	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	GRIWAG	پهلوی (PAHLAVI):
GUR	آلبانی (ALBANIAN):	GIRIS	سانسکریت (SANSKRIT):
		DEIRÓS	یونانی (GREEK):
			اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	477
MACKENZIE:	(HILL) 118, (NECK) 124
BUCK:	25
MALLORY:	159
1۸۰۷	برهان قاطع:
۳۲۹۷	فرهنگ معین:
۳۲۹۷	لغت‌نامه دهخدا:

GORA	
GÓRKA	لهستانی (POLISH):
GORA	روسی (RUSSIAN):
HORA	چک (CZECH):
GORA	صربی (SERBIAN):
HORA	برهمی (BOHEMIAN):
HORA	اسلواکی (SLOVAK):
GIRIA	لیتوانی (LITHUANIAN):
	یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان آلبانی: سنگ.

۲- این واژه در برخی زبان‌های اسلاوی چم "جنگل" و "کوه" را هم دارد.

GERYĒ, GERYĒDAN, GERISTAN	فارسی (PERSIAN) گریه، گرییدن، گریستن
CRYING, WEEPING, CRY, WEEP	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GHER-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

GRADE	دانمارکی (DANISH):	GAREZ-	اوستایی (AVESTAN):
GRATA	سوئدی (SWEDISH):		پهلوی (PAHLAVI):
GRÅTE	نروژی (NORWEGIAN):	GRIYSTAN, GRISTAN, GRIY-	
GROETEN	هلندی (DUTCH):		کردی (KURDISH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	GHIRĪĀN, GHIRIN, GIRIN	
GERKATI		GHARGHARA,	سانسکریت (SANSKRIT):
GURKATI	روسی (RUSSIAN):	GHURGHURĀYATĒ, GHARGHARITA	
HERCHETI	چک (CZECH):	HIRRĪRE	لاتین (LATIN):

گوتیک (GOTHIC):
ایسندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	439
BARNHART:	(GREET) 449
MACKENZIE:	(CRY) 109, (WEEP) 140
ONIONS:	(GREET) 413
AMINDAROV:	(CRY) 207
۱۸۰۷ و ۱۸۰۶	برهان قاطع:
۳۲۹۸ و ۳۲۹۵	فرهنگ معین:

GRĀTA
ساکسونی کهن (OLD SAXON):
GRĀTAN
فریزی کهن (OLD FRISIAN):
GRĒTA
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
GRUOZEN
آلمانی (GERMAN):
GRÜSSEN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
GRĀTAN, GRĒTAN
انگلیسی (ENGLISH):
GREET

یادداشت:

۱- در اسکانلند و شمال انگلستان هنوز هم واژه‌ی GREET چشم "گریه کردن" را دارد.

۲- چشم این واژه در زبان سانسکریت: خیرخیرکردن، تلقی تلقی کردن، غرغره کردن

چشم این واژه در زبان فارسی: فویزی کهن و آلمانی و انگلیسی و هلندی: سلام کردن، خوش آمد گفتن.

چشم این واژه در زبان‌های اسلاوی: صدای کبوتر، صدا ایجاد کردن.

GOSTARDAN	فارسی (PERSIAN): گستریدن
SPREAD, STREW	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*STER-, *STERU-, *STRTO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
STĀRĀNATI, STAR-, STĀRĀNATI	اوستایی (AVESTAN):

STRÖ (SWEDISH) سوئدی

STRO (NORWEGIAN) نروژی

STROOIJEN (DUTCH) هلندی

(OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

PROSTRĚTI

PROSTIRAT (RUSSIAN) روسی

PROSTERITI (BOHEMIAN) بوهمی

SERNIM (OLD IRISH) ایرلندی کهن

YSTRAD (GAULISH) گالی

STRAD (BRETON) برتونی

SHTRINJ (ALBANIAN) آلبانی

(PAHLAVI) پهلوی

WISTARDAN, WISTAR-

(SANSKRIT) سانسکریت

STRNĀTI, STRNŌTI, STRA-

(GREEK) یونانی

STRONŪMI, STORNŪNAI

STERNŌ, STERNERE (LATIN) لاتین

STRAUJAN (GOTHIC) گوتیک

(OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

STRĀ

STRŌIAN (OLD SAXON) ساکسونی کهن

STRĒWA (OLD FRISIAN) فریزی کهن

(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

STERWEN

STREUEN (GERMAN) آلمانی

(OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

STRĒOWIAN

STREW (ENGLISH) انگلیسی

STRO (DANISH) دانمارکی

یادداشت:

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	1029-1030
BARNHART:	(STREW) 1076
DELAMARRE:	286
MACKENZIE:	(SPREAD) 134
BUCK:	573-575
۱۸۱۶	برهان قاطع:

۱- واژه فارسی "بستر" (پهلوی WISTAR, WISTARAG, VISTARAK نیز از همین ریشه است (برهان قاطع: (۷۷۸) (BEDDING): MACKENZIE (104)

GAST	فارسی (PERSIAN): گست (به چم "بد"، "زشت"، "قبیح")
UGLY, BAD, FOUL	چم انگلیسی سرواژه فارسی:
*	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

STINKAN	GASTA (OLD PERSIAN) پارسی باستان
STINKEN (GERMAN) آلمانی	STIGGKWAN, (GOTHIC) گوتیک
(OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	STIGGAN, STINGAN
STINKAN	(OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
STINKE (ENGLISH) انگلیسی	STŌKHIVAT
STINKE (DANISH) دانمارکی	(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

REFERENCES	پسگت ما
POKORNY:	466-467
BARNHART:	(STINK) 1068-1069
BUCK:	1024
SKEAT:	
(STENCH) 601, (STINK) 604	
۱۸۱۴	برهان قاطع:

STINKA	: (SWEDISH) سوئدی
STINKEN	: (DUTCH) هلندی
GESTI	: (LITHUANIAN) لیتوانی

یادداشت:

۱- BARNHART معتقد است که ریشه اصلی واژه‌های ژرمنی این فهرست ناشناخته است.

۲- بازگشت به: گند.

GOSASTAN, GOSISTAN	فارسی (PERSIAN): گسستن، گسبستن
BREAK, SPLIT, CUT	چم انگلیسی سرواژه‌های فارسی:
*KER-, *KERṭ-, *KRĒ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

CARIES	: (PORTUGUESE) پرتغالی	SARṬA-, SARI-	: (AVESTAN) اوستایی
CARIES	: (ENGLISH) انگلیسی (از فرانسه)		: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	*VIS-DRĀMIY	
ARACHRIN, CRĪN-		WISISTAN, WISIN	: (PAHLAVI) پهلوی
THER	: (ALBANIAN) آلبانی	KĀRYAP	: (TOKHARIAN A) آ تخاری
		KAREP	: (TOKHARIAN B) ب تخاری

REFERENCES	پسگت ما
POKORNY:	578
BARNHART:	(CARIES) 145
MACKENZIE:	
(BREAK) 105, (SPLIT) 134	
۱۸۱۶	برهان قاطع:

SANĀTI, SIRYĀTE, SŪRTA-	
CHERĀ-, CHERAIZO	: (GREEK) یونانی
CARIES, CARIOSUS	: (LATIN) لاتین
Co RIE	: (FRENCH) فرانسه
CARIES	: (SPANISH) اسپانیایی
CARIE	: (ITALIAN) ایتالیایی

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های کهن این فهرست: فرورهاشیدن، صدمه‌ی شدید دیدن.

چم این واژه در زبان‌های رومانس نوین: فساد دندان.

GESH	فارسی (PERSIAN): گیش (به چم قلب)
HEART	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KĒRD-, *KRD-, *KRED-, *KERED-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

اوستایی (AVESTAN):

SRĪDĪCE, SRŪDĪCE

ZərəD, ZərəTHAYA

SERCE لهستانی (POLISH):

ZRĒ افغانی (افغانی) (AFGHANI):

SĒRDTSE روسی (RUSSIAN):

HRD, SRÁD- سانسکریت (SANSKRIT):

SRDCE چک (CZECH):

SIRT ارمنی (ARMENIAN):

SRCE صربی (SERBIAN):

KARDIA, KARDIO- یونانی (GREEK):

SRDCE اسلواکی (SLOVAK):

COR, CORDIS لاتین (LATIN):

SHIRDIS لیتوانی (LITHUANIAN):

C UR فرانسه (FRENCH):

SIRDS لتونی (لتونی) (LATVIAN):

CUER, CORAZON اسپانیایی (SPANISH):

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):

CUORE ایتالیایی (ITALIAN):

SEYR, SIRAN

CORACÃO پرتغالی (PORTUGUESE):

CRIDE ایرلندی کهن (OLD IRISH):

HAIRTŌ گوتیک (GOTHIC):

CRAIDD ولزی (WELSH):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

KREIS برتونی (BRETON):

HJARTA

KARDI, KARDIYASH هیتی (HITTITE):

HERTA ساکسونی کهن (OLD SAXON):

فریزی کهن (OLD FRISIAN):

HERTE, HIRTE

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

HERZA

HERZ آلمانی (GERMAN):

HEORTE انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

HEART انگلیسی (ENGLISH):

HJERTE دانمارکی (DANISH):

HJARTA سوئدی (SWEDISH):

HJERTE نروژی (NORWEGIAN):

HART هلندی (DUTCH):

یادداشت:

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	579-580
BARNHART:	(HEART) 471
DELAMARRE:	(Co UR) 101
BUCK:	251
ONIONS:	(HEART) 433
SKEAT:	(HEART) 265
۱۸۱۸	برهان قاطع:
۳۳۲۲	فرهنگ معین:
۱۹۱۶۵	لغت‌نامه دهخدا:

واژه‌های انگلیسی و فرانسه (و غیره) CARDIAC و CARDIOLOGY نیز از همین واج‌ریشه مشتق شده‌اند.

GASHTAN, GARDIDAN, GASHT	گشتن، گردیدن، گشت	فارسی (PERSIAN):
TURN, REVOLVE, MOVE AROUND		چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WERT, *WORTO, *WRTO-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

WEORTHAN	VARET-	اوستایی (AVESTAN):
		پهلوی (PAHLAVI):
VRATITI, VRŪTETI	GARDIDAN, GARDANIDAN,	
(OD)WRÓCIC	WASHTAN, GARTITAN	
OBRATIT	GHERUĀN	کردی (KURDISH):
	AWĒSHTĒL	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
	WĀRT	تخاری (TOKHARIAN A) A:
VARTYTL, VERSTI, VERCHIU		سانسکریت (SANSKRIT):
VERST		

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1156-1157
DELAMARRE:	(TOURNER) 292
MACKENZIE:	(TURN) 137
BUCK:	664-667
۱۷۹۲	برهان قاطع:

VARTATE, VART-, VRT-	
VERTŌ, VERTĒRE	لاتین (LATIN):
INVIRTI	رومانی (RUMANIAN):
WAIRTHAN	گوتیک (GOTHIC):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
WERDEN	
WERDED	آلمانی (GERMAN):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

یادداشت:

چشم این واژه در تخاری A: افکندن، گرداندن.

چشم این واژه در آلمانی: شدن، گردیدن.

GOFTAN, GOFT, GŪ	گفتن، گفت، -گو	فارسی (PERSIAN):
SAY, UTTER		چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GWET-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید):

EŪKTO	یونانی (GREEK):	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
QUITAN, QATH	گوتیک (GOTHIC):	پهلوی (PAHLAVI):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	کردی (KURDISH):
KVEDHA, KVATH		سغدی (SOGADIAN):
	ساکسونی کهن (OLD SAXON):	سانسکریت (SANSKRIT):
QUETHAN, QUATH		ارمنی (ARMENIAN):

GAUB-	
GUFTAN	
GUTIN, GOTIN	
ZHAM, ZHĀYĀM	
GĀDATI, GAD	
KOCHEM	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	480-481
BARNHART:	(QUOTH) 878
DELAMARRE:	(DIRE) 259
MACKENZIE:	(SAY) 131
BUCK:	1257
ONIONS:	(QUOTH) 734
SKEAT:	(QUOTH) 494
RAMAT:	39
۱۸۲۱	برهان قاطع:

QUETHA	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
QUETHAN, QUEDAN	
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
CWETHAN, CWATH	
KVADE	دانمارکی (DANISH):
KVĀDA	سوئدی (SWEDISH):
KVADE	نروژی (NORWEGIAN):

یادداشت:

رابطه‌ی این واژه‌های ایرانی با دیگر واژه‌های این فهرست احتمالی است و بهمین علت جلو واج‌ریشه‌ی هند و اروپایی، (شاید) آمده است.

GELŪ	فارسی (PERSIAN): گلو
THROAT	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GWER-, *GWRIWA	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KELA	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	اوستایی (AVESTAN):
KEHLE	آلمانی (GERMAN):	-GAR, GARAH, GRIW
CEOL	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	پهلوی (PAHLAVI): GARŪK, GALŌG
KEEL	هلندی (DUTCH):	کردی (KURDISH):
GARDLO	لهستانی (POLISH):	GERŪ, GHEŪRI, GHEŪRŪ
GORLO	روسی (RUSSIAN):	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
HRDLO	اسلواکی (SLOVAK):	GHARAI, GHĀRA
GRKLE	لیتوانی (LITHUANIAN):	سانسکریت (SANSKRIT): GALA, GALAH

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	474
DELAMARRE:	99
MACKENZIE:	(THROAT) 136
BUCK:	233-234
۱۸۳۲	برهان قاطع:

GOGORT, KUL	ارمنی (ARMENIAN):
GULA	لاتین (LATIN):
GUEULE	فرانس (FRENCH):
GOLA	اسپانیایی (SPANISH):
GOLA	ایتالیایی (ITALIAN):
GURĀ	رومانی (RUMANIAN):
GOLA	پرتغالی (PORTUGUESE):

یادداشت:

چم این واژه در زبان فرانسه: پوزه، فک.
چم این واژه در زبان‌های اسپانیایی و پرتغالی: بقه.
چم این واژه در زبان رومانی: دهان.

GOLŪLÉ	فارسی (PERSIAN): گلوله
BALL, CLUE, CLEW, SKEIN	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GLEU-, *GLOU-, *GLU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KLUWEN : (DUTCH) هلندی

GRUDA : (POLISH) لهستانی

GLUDA : (RUSSIAN) روسی

HROUDA : (CZECH) چک

HRUDA : (SLOVAK) اسلواکی

: (OLD IRISH) ایرلندی کهن

GLŌ, GLÁO

: (KURDISH) کردی

GULŪR, GULŌK, GŪLŪLÉ

: (AFGHANI) افغانی (پشتو)

GOLÉY, GULÉY

GLĀŪS : (SANSKRIT) سانسکریت

GIG-GLU-MOS : (GREEK) یونانی

KLŌ : (OLD SCANDINAVIAN) اسکندیناوی کهن

KLĒ : (OLD NORSE) نورس کهن

KLEUWIN : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

KLĒ : (OLD FRISIAN) فریزی کهن

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

KLIUWA

KNĀUEL : (GERMAN) آلمانی

CLIEWEN : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

CLUE, CLEW : (ENGLISH) انگلیسی

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: گلوله یا گوی نخ
چم این واژه در زبان‌های هانگاری و رومانی: قلاب.
چم این واژه در زبان یونانی: بند استخوان، فوزک.

GELÉ	فارسی (PERSIAN): گله (به چم شکوه و شکایت)
COMPLAINT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GALGH-, *G(A)LAGH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

GAREZ, GR̥ZA, GAREZA, G̥R̥ZATI

: (AVESTAN) اوستایی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	361-362
BARNHART:	
	(CLUE) 182, (CLUMP) 183
SKEAT:	(CLEW, CLUE) 114
۱۸۳۲	برهان قاطع:

CLINK	: (ENGLISH) انگلیسی
KLINGA	: (DANISH) دانمارکی
KLINGA	: (SWEDISH) سوئدی
KLINGE	: (NORWEGIAN) نروژی
KLINKEN	: (DUTCH) هلندی
GLĀM	: (MIDDLE IRISH) ایرلندی میانه

*GRZĀ-	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
GLAG, GILAK,	: (PAHLAVI) پهلوی
GARZIDAN, GARZISHN	
GHAZIN, GHARZUM:	: (OSSETIC) اوسنی
GILĪ	: (KURDISH) کردی
	: (SANSKRIT) سانسکریت

GARH, GARATĒ, GARHATI

GHLAGGN	: (GREEK) یونانی
CLANGOR	: (LATIN) لاتین
	: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن

KLING

KLINKEN	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

KLAGŌN

KLAGE, KLAGEN	: (GERMAN) آلمانی
KLINKAN	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: صدا ایجاد کردن، سرو صدا کردن.

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	350-351
DELAMARRE:	
	(SE PLAINDRE) 255
MACKENZIE:	
	(COMPLAINT, COMPLAIN) 107
SKEAT:	(CLINK) 114
۱۸۳۲	برهان قاطع:

GONBAD	فارسی (PERSIAN): گنبد
DOME	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GUPA-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KUFFA	: (SWEDISH) سوئدی
KUVEN	: (NORWEGIAN) نروژی
KUIF, KOM	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
GOBA	
GUBĀ	: (RUSSIAN) روسی
GUMBAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی
GUMBA	: (LATVIAN) لتونی

GUMBAT, GUMBAD	: (PAHLAVI) پهلوی
GUMBED	: (KURDISH) کردی
CŪPA	: (LATIN) لاتین
KUFR	: (OLD NORSE) نورس کهن
KOPP	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
KOPF	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
KOPF	: (GERMAN) آلمانی
CUMB	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
COOMB	: (ENGLISH) انگلیسی

گند، گن (به چم "خایه" و "غده") / ۴۴۳

SKEAT:	REFERENCES	پسگشت‌ها
(COMB, COOMB) 122	POKORNY:	395-395
۱۸۳۶ : برهان قاطع	MACKENZIE:	(DOME) 111

یادداشت:

چم‌های این واژه در زبان‌های غیرایرانی: کاسه، ظرف گرد و گنبد مانند، فرورفتگی گرد به شکل کاسه، سر، کله.

GOND, GON	گند، گن (به چم "خایه" و "غده")	فارسی (PERSIAN):
TESTICLE, TUMOR		چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
GOND-, *GONOS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

GONADE	ایتالیایی (ITALIAN):	GUND	پهلوی (PAHLAVI):
GONADA	پرتغالی (PORTUGUESE):	GUN	کردی (KURDISH):
		GENO	سانسکریت (SANSKRIT):

REFERENCES	پسگشت‌ها	GONĒ, GONOS	یونانی (GREEK):
POKORNY:	373-374	GONAS	لاتین (LATIN):
MACKENZIE:	(TESTICLE) 136	GONADE	فرانس (FRENCH):
۱۸۴۱ : برهان قاطع		GONADA	اسپانیایی (SPANISH):

یادداشت:

واژه‌ی انگلیسی GONAD (به چم "گناد" و "خایه" و "تخمدان") نیز از همین واژه‌ی آمده است.

GAND	گند (به چم "بوی بد")	فارسی (PERSIAN):
STENCH, FOUL SMELL		چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GWEDH-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

GANDHĀ	سانسکریت (SANSKRIT):	GAINTI, GANTI, GANTAY-	اوستایی (AVESTAN):
GENDU	لیتوانی (LITHUANIAN):	GASTA	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
GINSTU	لتونی (LATVIAN):		پهلوی (PAHLAVI):

REFERENCES	پسگشت‌ها	GAND, GANDAGIH, GANDAK	بلوچی (BALUCHI):
POKORNY:	466-467	GAND, GANDAG, GANDAGH	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
MACKENZIE:	(STENCH) 134	GANDA, GANDAL	
BUCK:	1024, 1179		
۱۸۴۱ : برهان قاطع			

یادداشت:

- ۱- به عقیده POKORNY واژه‌های انگلیسی STINK و آلمانی STINKEN (آلمانی کهن: STINKAN و گوئیک: STINGAN) نیز از همین واژه‌های هند و اروپایی هستند.
- ۲- چم این واژه در بلوچی: بد، شرور، فزله.
- چم این واژه در اوستایی و سانسکریت: بد.

GANDOM	فارسی (PERSIAN): گندم
WHEAT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GER-, *GRNOM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KAN هیت (HITTITE):

اوستایی (AVESTAN): GANTUMA

پهلوی (PAHLAVI): GANDUM, GANTUM

کردی (KURDISH): GENIM

بلوچی (BALUCHI): GANDIM

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

GHANĒM, GHANUM

تخاری B (TOKHARIAN B): KANTI

خنثی (KHOTANESE): GANAMA

سانسکریت (SANSKRIT): GODHŪMA

یادداشت:

شاید واژه‌های انگلیسی CORN و آلمانی KORN (گوئیک: KAURN) نیز از همین واژه‌های هند و اروپایی باشند.

GŪ, GŪY	فارسی (PERSIAN): گُو، گُوِی (به چم توپ (بازی))
BALL, SPHERE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GEULOS, *GUGĀ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KJUKA

پهلوی (PAHLAVI): GŌY

KŪLA نوردس کهن (OLD NORSE):

کردی (KURDISH): GŪ, GOI

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

سانسکریت (SANSKRIT):

KIOL, CLIUWA

GŌLAH, GŌLĀ, GŌLAM

KUGEL آلمانی (GERMAN):

ارمنی (ARMENIAN): KALUM

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

یونانی (GREEK): GUALON

CĒOL, KLIUWE

لاتین (LATIN): CULLEUS

KOGEL هلندی (DUTCH):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	394-397
MACKENZIE:	(BALL) 103
BUCK:	907-908
۱۸۴۶ و ۱۸۴۴	برهان قاطع :

GUGA	لهستانی (POLISH):
GUGLJA	روسی (RUSSIAN):
GUGA	لیتوانی (LITHUANIAN):

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: فرورفتگی، گودی
چم این واژه در زبان لاتین: کبیهی جرمی

GOVARIDAN, GOVARDAN	فارسی (PERSIAN): گواریدن، گواردن
DIGEST	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GWER-, *GWERØ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید)

ZHERU	روسی (RUSSIAN):
ZHERU	چک (CZECH):
GERTI, GERIÙ	لیتوانی (LITHUANIAN):

JARAJTI	اوستایی (AVESTAN):
GUKARITAN,	پهلوی (PAHLAVI):

GUGĀRDAN, GUGĀRIDAN

GIRĀTI سانکریت (SANSKRIT):

KERAY ارمنی (ARMENIAN):

BORĀ, BIBROSKEIN یونانی (GREEK):

VORĀRE, VORŌ لاتین (LATIN):

VORACE فرانسه (FRENCH):

VORAZ اسپانیایی (SPANISH):

VORACE ایتالیایی (ITALIAN):

VORAZ پرتغالی (PORTUGUESE):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

ZRĒTI

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	474-475
BARNHART:	
	(VORACITY) 1211-1212
DELAMARRE:	(AVALER) 259
MACKENZIE:	(DIGEST) 110
ONIONS:	(VORACIOUS) 986
SKEAT:	(VORACITY) 695
۱۸۴۷	برهان قاطع :

یادداشت:

۱- هوشمان این واژه‌ی فارسی را با واژه‌ی سانکریت VI-KAR هم‌ریشه می‌داند (برهان قاطع :: ۱۸۴۷)

۲- پسوند -VOROUS (مثلاً در واژه‌ی CARNIVOROUS) نیز از همین واژه‌ی سانکریت است.

۳- چم این واژه در زبان‌های سانکریت و اوستایی و یونانی و چک: بلعیدن.

۴- هیچکدام از پسگشت‌ها (مراجع) من به رابطه‌ی واژه‌های ایرانی این فهرست با دیگر واژه‌های این فهرست اشاره نکرده‌اند و بهمین دلیل در جلو واژه‌های هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

GÜR	فارسی (PERSIAN): گور (به چم "قبر"، آرامگاه)
TOMB, GARAVE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GREBH-, *GROBH-, *GRABH-, *GHREBH	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
GROBŪ	کردی (KURDISH): GÜR, GÖRN
GRÓB	افغانی (پشتو) (AFGHANI): GOR
GROB	سانسکریت (SANSKRIT): GIRI-H
HROB	گوتیک (GOTHIC): ZRAB, GRABA
HROB	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
HROB	GROF, GRABŌ
HROB	ساکسونی کهن (OLD SAXON): GRAF
GUR	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): GRAB
	آلمانی (GERMAN): GRAB
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): GRAF
	انگلیسی (ENGLISH): GRAVE
	دانمارکی (DANISH): GRAVE
	سوئدی (SWEDISH): GRAV
	نروژی (NORWEGIAN): GRAVE
	هلندی (DUTCH): GRAF
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	455
BARNHART:	(GRAVE) 447
BUCK:	293, 593
ONIONS:	(GRAVE) 411
SKEAT:	(GRAVE) 248
۱۸۵۰	برهان قاطع:

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

یادداشت:

چم پیشین این واژه در زبان‌های ژرمنی: کندن، چال کردن.

GUSH	فارسی (PERSIAN): گوش
EAR	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GHOUS-, *ŌUS, *ǵUS-, *US-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

	اوستایی (AVESTAN): GAOSHA, ŪSHI
GHVAGH, GHWAZH	پارسی باستان (OLD PERSIAN): GAUSHA
GHŌSHA	پهلوی (PAHLAVI): GŌSH
UNKN	اوستی (OSSETIC): GHOS, QUS
ŌŪS	کردی (KURDISH): GUH
AURIS, AURICULA	بلوچی (BALUCHI): GŌSH

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

سانسکریت (SANSKRIT):

ارمنی (ARMENIAN):

یونانی (GREEK):

لاتین (LATIN):

oor	هلندی (DUTCH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
UCHO	
UCHO	لهستانی (POLISH):
ÚKHO	روسی (RUSSIAN):
AUSIS, UCHO	لیتوانی (LITHUANIAN):
AUSS	لتونی (لتی) (LATVIAN):
AUSIN	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):
ĀU, Ō	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
VESH	آلبانی (ALBANIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	785
BARNHART:	(EAR) 310
DELAMARRE:	(OREILLE) 106
MACKENZIE:	(EAR) 112
۱۸۵۵	برهان قاطع:

OREILLE	فرانسه (FRENCH):
OREJA	اسپانیایی (SPANISH):
ORECCHIO	ایتالیایی (ITALIAN):
URECHE	رومانی (RUMANIAN):
OREHA	پرتغالی (PORTUGUESE):
AUSŌ	گوتیک (GOTHIC):
	ایسکلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
EYRA	
ŌRE, ŌRA	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
ARE	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
ŌRA	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
OHR	آلمانی (GERMAN):
ĒARE	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
EAR	انگلیسی (ENGLISH):
ORE	دانمارکی (DANISH):
ŌRA	سوئدی (SWEDISH):
ORE	نروژی (NORWEGIAN):

یادداشت:

- ۱- بازگشت به: هوش
- ۲- در اوستایی "گوش" و "هوش" هم چم بوده‌اند.

GŪSHĒ	فارسی (PERSIAN): گوشه
CORNER, ANGLE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GEUSOS, *GOUSOS, *GŪSOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KŪS	نروژی (NORWEGIAN): (محلی)
KŪSE	هلندی (DUTCH):

*GAOSHAKA	اوستایی (AVESTAN):
GŌSHAG	پهلوی (PAHLAVI):
GŪSHE, GUSH	کردی (KURDISH):
GŌSHAK	بلوچی (BALUCHI):
GŪĒS	یونانی (GREEK):
KJŌS	نورس کهن (OLD NORSE):
KJUSA, KJUS	سوئدی (SWEDISH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	398
MACKENZIE:	(CORNER) 108
۱۸۵۹	برهان قاطع:

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: چوب خیسده، چوب دستگاه شخم زنی.
چم این واژه در زبان نورس کهن: سوراخ، خیسدگی ساحل، خور.
چم این واژه در زبان نروژی: قوز، کوزی.
چم این واژه در زبان هلندی: ته عتنگ.

GŪN	گون، گونه (به چم "رنگ"، "رخسار")	فارسی (PERSIAN):
COLOR, TINT, HUE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*GUT-, *GUET-, *GOUNOM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	

GAURAI	لیتوانی (LITHUANIAN):	GAONA	اوستایی (AVESTAN):
		GŌN, GŌNAK	پهلوی (PAHLAVI):
		GUNA	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
		GOIN	ارمنی (ARMENIAN):
		KUNA-	گوتیک (GOTHIC):
		KAUN	نورس کهن (OLD NORSE):
		KOON	هلندی (DUTCH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	397
BUCK:	1050-1051
۱۸۶۱	برهان قاطع:

یادداشت:

چم این واژه در اوستایی: مو، رنگ مو

GOH, GŪH	گه، گوه (به چم "سرکین")	فارسی (PERSIAN):
SHIT, EXCREMENT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*GWŪ-, *GWOU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	

KOT	آلمانی (GERMAN):	-GŪTHA, GŪTHŌ	اوستایی (AVESTAN):
CWEAD	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	GŪH, GŪHVART	پهلوی (PAHLAVI):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	GŪ	کردی (KURDISH):
GOVNO		GITH	بلوچی (BALUCHI):
GÓWNO	لهستانی (POLISH):	GHUL	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
GOVNO	روسی (RUSSIAN):	GŪTHAH	سانسکریت (SANSKRIT):
OHAVITI	چک (CZECH):	KU, GUGH-, KOY	ارمنی (ARMENIAN):
GAVITI	صربی (SERBIAN):	(IM)BUBINĀRE	یونانی (GREEK): (شاید)
OHUDA	اسلواکی (SLOVAK):	QUĀD	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
GEDA	لیتوانی (LITHUANIAN):	QUAT	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

BUCK:	276	REFERENCES	پسگشت‌ها
MALLORY & ADAMS:	GWUH	POKORNY:	483-485
۱۸۶۲	برهان قاطع:	MACKENZIE:	(EXCREMENT) 113

GĒS, GESŪ	فارسی (PERSIAN): گیس، گیسو
HAIR, LOCKS, TRESS	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GHAIT-, *GHAES-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	410
MACKENZIE:	
(CURLS) 109, (LOCKS) 122	
۱۸۶۹	برهان قاطع:

GAĒSA, GAĒSU	اوستایی (AVESTAN):
GĒS	پهلوی (PAHLAVI):
GHĒSĀ, QIS	اوستی (OSSETIC):
GES	ارمنی (ARMENIAN):
CHAITĒ, XAITĒ	یونانی (GREEK):
GAĪSET	ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH):

LĀBĒ	فارسی (PERSIAN): لابه (به چشم 'سفن' و 'چاپلوسی' و 'عجز و خواهش')
FLATTERY, ENTREATY, IMPLORATION, SUPPLICATION	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*LEP-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

LOPOTIVU	بلغاری (BULGARIAN):
LĀIG	ایرلندی کهن (OLD IRISH):

LĀBAG, LĀBAKKARĪH	پهلوی (PAHLAVI):
-------------------	------------------

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	677-678
MACKENZIE:	
(SUPPLICATION) 135	
۱۸۷۳	برهان قاطع:

LABEHI	کردی (KURDISH):
LĀPA, LĀFA	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
	سانسکریت (SANSKRIT):
LEWAM, LÓWAM, LĀPATI	
LAPIZŌ	یونانی (GREEK):
LEPETĀTU	روسی (RUSSIAN):

LĀL	فارسی (PERSIAN): لال (به چشم 'کنتک' و 'زبان گرفته')
DUMB	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*LAL-, *LALLA-, *LUL-, *LEL-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

LALALLĀ, LÓLATI	
LALĒŌ, LĀLOS	یونانی (GREEK):

LAL	کردی (KURDISH):
	سانسکریت (SANSKRIT):

LĀLA :روسی (RUSSIAN)
LALUÓTI :لیتوانی (LITHUANIAN)

LALLŌ :لاتین (LATIN)
:آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

LALLEN

LALLEN :آلمانی (GERMAN)

LULLEN :انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

LULL :انگلیسی (ENGLISH)

LULLE :دانمارکی (DANISH)

LULLA :سوئدی (SWEDISH)

LULLE :نروژی (NORWEGIAN)

LOLLEN :هلندی (DUTCH)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	650
BARNHART:	(LULL) 614
DELAMARRE:	(BÉGAYER) 266
ONIONS:	(LULL) 539
SKEAT:	(LULL) 351
۱۸۷۹	برهان قاطع:

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: سکوت و آرامش، بی سرو صدایی و سکون، خواباندن.

LĀLĀE	فارسی (PERSIAN): لالایی، لای لای (به چم "آواز برای خواباندن کودک")
LULLABY	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*LALLA-, *LĀIŌ-, *LĒIŌ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

LULLEN :هلندی (DUTCH)

LŪRĪ :کردی (KURDISH)

LALLUM, LALLĀRE :لاتین (LATIN)

(EIN)LULLEN :آلمانی (GERMAN)

:انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

LULLEY, LULLEN, LULLAI

LULLABY :انگلیسی (ENGLISH)

LULLE :نروژی (NORWEGIAN)

یادداشت:

۱- بازگشت به: لال.

۲- چم این واژه در هلندی: بر حرفی کردن (جالب این است که در برهان قاطع: نیز [صفحه‌ی ۱۸۷۹] واژه‌ی "لای" چنین معنی شده است: پرگوئی، هرزه چانگی.

۳- واژه‌ی کودکانه‌ی "لای" و "لای کردن" نیز از همین واج‌ریشه است.

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	650
BARNHART:	(LULLABY) 614
AMINDAROV:	251
۳۵۳۶	فرهنگ معین:

LĀNÉ	فارسی (PERSIAN): لانه
NEST, DEN	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*NIZDOS, *NIZDOM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

GNĒZD اوستایی (AVESTAN):

GNIAZDO لهستانی (POLISH):

HNÍZDIT روسی (RUSSIAN):

HNIEZDO اسلواکی (SLOVAK):

LIZDAS لیتوانی (LITHUANIAN):

LIGZDA لتونی (LATVIAN):

NET ایرلندی کهن (OLD IRISH):

NYTH ولزی (WELSH):

NEIZ برتونی (BRETON):

NEAD گالیک (GAELIC):

MEID کورث والی (CORNISH):

NISHI-, NISHITHAITI

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

NIYASHĀ-, NIYASHĀDYAM

پهلوی (PAHLAVI): NISHIN-, NISHĒM

کردی (KURDISH):

LAN, LĀNÉ, HILIN, HILUN

افغانی (پشت) (AFGHANI): NĀST

سانسکریت (SANSKRIT): NĪDAS

ارمنی (ARMENIAN): NIST, NUSDIL

لاتین (LATIN): NĪDUS

NID فرانسه (FRENCH):

NIDO اسپانیایی (SPANISH):

NIDO ایتالیایی (ITALIAN):

NINHO پرتغالی (PORTUGUESE):

NEST آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

NEST آلمانی (GERMAN):

NEST انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

NEST انگلیسی (ENGLISH):

NEST هلندی (DUTCH):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	887
BARNHART:	(NEST) 701
DELAMARRE:	(NID) 148
MACKENZIE:	(PERCH) 126
ONIONS:	(NEST) 607
SKEAT:	(NEST) 399
۱۸۸۲	برهان قاطع:

یادداشت:

۱- چشم این واژه در سانسکریت: استراحت‌گاه.

۲- برخی واژه‌شناسان معتقدند که ریشه‌ی این واژه "محل نشستن" است و لذا با واژه‌ی انگلیسی SIT (به چشم "نشستن") خویشی دارد.

۳- چشم این واژه در افغانی: نشسته.

LAB	فارسی (PERSIAN): لب
LIP	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*LEB-, *LÖB-, *LÄB-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

LIP	انگلیسی (ENGLISH):	LAP-, LAB-	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
LABE	دانمارکی (DANISH):	LAP, LAW, LAB	پهلوی (PAHLAVI):
LÄPPE	سوئدی (SWEDISH):	LĒW	کردی (KURDISH):
LEPPE	نروژی (NORWEGIAN):	LAP	بلوچی (BALUCHI):
LIP	هلندی (DUTCH):		سانسکریت (SANSKRIT):
LŪPA	لیتوانی (LITHUANIAN):	LAMBATE, RÁMBATE	
LŪPA	لتونی (لتی) (LATVIAN):	LABÓS	یونانی (GREEK):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	655-657
BARNHART:	(LIP) 600
MACKENZIE:	(LIP) 122
BUCK:	229-230
ONIONS:	(LIP) 530
SKEAT:	(LIP) 343
RAMAT:	34
۱۸۸۵	برهان قاطع:

LABIUM, LABRUM	لاتین (LATIN):
LÈVRE	فرانس (FRENCH):
LABIO	اسپانیایی (SPANISH):
LABBRO	ایتالیایی (ITALIAN):
LÁBIO	پرتغالی (PORTUGUESE):
LEPOR	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
LIPPA	فریزی کهن (OLD FRISLAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
LEFFUR, LEFS	
LIPPE	آلمانی (GERMAN):
LIPPA	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

یادداشت:

- ۱- چشم این واژه در سانسکریت: آویزان، آویختن.
- ۲- واژه‌های "لب" فارسی و "LOBE" انگلیسی نیز از همین واج‌ریشه‌ی هند و اروپایی آمده‌اند.

LASH	فارسی (PERSIAN): لش (به چشم "بیکاره و کاهل"، "بی‌عاز"، "تغییل")
LAZY, SLACK, LANGUID	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
* (S) LĒG, * (S) LEG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

LÂCHE	فرانس (FRENCH):	SLAKKĀR	تخاری A (TOKHARIAN A):
LASSISTA	ایتالیایی (ITALIAN):	LANGA	سانسکریت (SANSKRIT):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	LĒGEIN, LĒHŌ	یونانی (GREEK):
SLAKR		LAXUS	لاتین (LATIN):

REFERENCES	پسگنت‌ها
POKORNY:	959-960
BARNHART:	
	(LAX) 582, (SLACK) 1014
ONIONS:	(SLACK) 833
SKEAT:	(SLACK) 568
۳۵۸۴	برفنگ معین:
۱۹۶۸:	نفت‌نامه دمغدا:

SLAK	:(OLD SAXON) ساکسونی کهن
SLAH	:(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
SLAC	:(OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
SLACK	:(ENGLISH) انگلیسی
SLAP, SLAKKE	:(DANISH) دانمارکی
SLAK	:(SWEDISH) سوئدی
SLAKK	:(NORWEGIAN) نروژی
LEGĒNS	:(LATVIAN) لتونی (لشی)
LACC	:(OLD IRISH) ایرلندی کهن
LLACC	:(WELSH) ولزی

یادداشت:

- ۱- واژه‌های "لاش" و "لاشه" هم از همین واژه‌هاست.
- ۲- چم این واژه در زبان تزاری: افسرده
- چم این واژه در زبان‌های لاتین و سانکریت: شل، لنگ

LANG, LANGIDAN	فارسی (PERSIAN):	لنگ، لنگیدن
LAME, PARALYZED, HALTING, CRIPPLED, MAIM	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*LEM, *LOM, *LM-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	(شاید)
LOMITI	سانکریت (SANSKRIT):	LANGA
LAMAC	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	
LOM, LOMATE	روسی (RUSSIAN):	LAMI
ZLOMIT	چک (CZECH):	LAMO
LOMITI	بلغاری (BULGARIAN):	LAM, LOM
ZLOMIT	اسلواکی (SLOVAK):	LAM
LIMTI	لیتوانی (LITHUANIAN):	LAHM
LIMT	لتونی (لشی) (LATVIAN):	LAMA
LIMTWEI	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	LAME
LEM	ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH):	LAM
LLEFRITH	ولزی (WELSH):	LAM
LIVRIZ	برتونی (BRETON):	LAM
LEMĒ, LAMĒ	آلبانی (ALBANIAN):	LAM
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	

ONIONS:	(LAME) 513	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:	(LAME) 327	POKORNY:	674
۱۹۰۷	برهان قاطع:	BARNHART:	(LAME) 574
۳۶۳۱	فرهنگ معین:	BUCK:	(LAME) 318-319

یادداشت:

- ۱- رابطه‌ی "لنگ" با این واژه‌های هند و اروپایی و دیگر واژه‌های این فهرست در هیچ یک از مراجع من داده نشده، بهمین دلیل برای احتیاط در جلو واژه‌های هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.
- ۲- پنجم این واژه در زبانهای اسلاوی و بالتیک: شکستن
- پنجم این واژه در زبانهای ولزی و ایرلندی میانه و برتونی: ناتوان، از کار افتاده.

LENG	لینگ (مثلاً در "لنگ و پاچه")	فارسی (PERSIAN):
LEG	پنجم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*LEK-, *LOK-, *LK-, *LəK-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
LĀG	سوئدی (SWEDISH):	کردی (KURDISH): LINK, LANK, LINGĒ
LEGG	نروژی (NORWEGIAN):	افغانی (پشتو) (AFGHANI): LENGAY
LAKŪS	لیتوانی (LITHUANIAN):	سانسکریت (SANSKRIT): RKSĀLĀ
LEZU, LĒKT	لتونی (لتی) (LATVIAN):	یونانی (GREEK): LĀX
LAGNO	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	لاتین (LATIN): LACERTUS
		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	673
BARNHART:	(LEG) 587
ONIONS:	(LEG) 522
SKEAT:	(LEG) 335
۳۶۳۱	فرهنگ معین:
۱۹۰۷	برهان قاطع:

LEGGR

آلمانی فرودین میانه (MIDDLE LOW GERMAN):

LECKEN

آلمانی فرودین (LOW GERMAN): LÖKEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): LĪRA

انگلیسی (ENGLISH): LEG

دانمارکی (DANISH): LAG

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: بازو

چم این واژه در زبان آلمانی فرودین و لتونی: جست و خیز

چم این واژه در زبان لیتوانی: فراری

چم این واژه در زبان پروسی کهن: شلوار

LISIDAN, LESHTAN	فارسی (PERSIAN): لیسیدن، لشتن
LICK	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*LĒIGH-, *LOIGH-, *LEIGMI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

LICK	انگلیسی (ENGLISH):	RAĒZ-, RAĒZAITE	اوستایی (AVESTAN):
LIKKEN	هلندی (DUTCH):		پارسی باستان (OLD PERSIAN):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	LIZ-, *LISHTANAIY, LAIZĀMIY	
LIZATI, LIZHO		LISHTAN, LISTAN	پهلوی (PAHLAVI):
LIZAC, LIZNIECIE	لهستانی (POLISH):	ALASTIN, ALISTIN	کردی (KURDISH):
LIZATE	روسی (RUSSIAN):		سانسکریت (SANSKRIT):
LIZATI	صربی (SERBIAN):	LIHATI, LIH-, LÉDHI, RÉDHI	
LIZATI	بوهمی (BOHEMIAN):	LIZUM, LIZEM	ارمنی (ARMENIAN):
LÍZAT	اسلواکی (SLOVAK):	LEICHEIN, LEIKHŌ	یونانی (GREEK):
	لیتوانی (LITHUANIAN):		لاتین (LATIN):

LĪŠHTI, LĪEZHIŪ		LINGERE, LIGURRIRE, LINGŌ	
LAIZIT, LIZHO	لتونی (LATVIAN):	LÉCHER	فرانسه (FRENCH):
LIGIM	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	LECCARE	ایتالیایی (ITALIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	668
BARNHART:	(LICK) 593
DELAMARRE:	(LÉCHER) 266
BUCK:	267
ONIONS:	(LICK) 526
SKEAT:	(LICK) 339
۱۸۹۵	برهان قاطع:

LINGE	رومانی (RUMANIAN):
LAMBER	پرتغالی (PORTUGUESE):
BILAGŌN	گوتیک (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
SLEIKJA	
LIKKŌN	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
LECKŌN	
LECKEN	آلمانی (GERMAN):
LICCIAN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

MĀ	فارسی (PERSIAN): ما
WE, US, OUR	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*NE-, *NŌ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

AMĀ, AMĀH, ĒMĀ	پهلوی (PAHLAVI):	AHMAKEM, AHMA	اوستایی (AVESTAN):
MAX	اوستی (OSSETIC):	AMĀXAM	پارسی باستان (OLD PERSIAN):

ŪS	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
US	: (ENGLISH) انگلیسی
OS	: (OSSETIAN) داتمارکی
OSS	: (SWEDISH) سوئدی
OSS	: (NORWEGIAN) نروژی
ONS	: (DUTCH) هلندی
NASŪ	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
NÁS, NÁM	: (CZECH) چک
NÁS, NÁM	: (SLOVAK) اسلواکی
NŌUSON	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن
NI, NY	: (WELSH) ولزی
NE, NA	: (ALBANIAN) آلبانی
ANZHASH, NAS	: (HITTITE) هیتی

ME, MĒ, MA	: (KURDISH) کردی
	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
MUZH, MUNZH	
NĀSH	: (TOKHARIAN A) A تخاری
NASH	: (TOKHARIAN B) B تخاری
	: (SANSKRIT) سانسکریت
ASMAKA, NAS, ASMAN	
MENK	: (ARMENIAN) ارمنی
ĒMAS	: (GREEK) یونانی
NŌS	: (LATIN) لاتین
NOUS	: (FRENCH) فرانسه
NOSOTROS, NOS	: (SPANISH) اسپانیایی
NOI	: (ITALIAN) ایتالیایی
	: (RUMANIAN) رومانی

NOI, NOSTRI, NOASTRE

NÓS	: (PORTUGUESE) پرتغالی
UNS	: (GOTHIC) گوتیک
OSS	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
ŪS	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
ŪS	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
UNS	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
UNS	: (GERMAN) آلمانی

REFERENCES	پسگنت ها
POKORNY:	758
BARNHART:	(US) 1189
MACKENZIE:	(WE) 139
ONIONS:	(US) 965
SKEAT:	(US) 681
۱۹۳۱	: برهان قاطع

MĀDAR	فارسی (PERSIAN): مادر
MOTHER	چشم انگلیسی سرواژه ی فارسی:
*MĀTER-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
MOR	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
MĀCAR	: (TOKHARIAN A) A تخاری
MĀCER	: (TOKHARIAN B) B تخاری
MĀTAR, MĀTA	: (SANSKRIT) سانسکریت
MAYR, MAIR	: (ARMENIAN) ارمنی
METER	: (GREEK) یونانی
*MĀTAR	: (AVESTAN) اوستایی
*MĀTĀ	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
MĀDAR, MĀD	: (PAHLAVI) پهلوی
MĀDE, MADĀ, MĀD	: (OSSETIC) اوستی
MĀK	: (KURDISH) کردی
MĀT, MĀTH, MĀS	: (BALUCHI) بلوچی

MAT	: (RUSSIAN) روسی	MATER	: (LATIN) لاتین
MATKA	: (CZECH) چک	MÈRE	: (FRENCH) فرانسه
MATI	: (SERBIAN) صربی	MADRE	: (SPANISH) اسپانیایی
MĀTKA, MĀTI	: (BOHEMIAN) بوهمی	MADRE	: (ITALIAN) ایتالیایی
MATKA	: (SLOVAK) اسلواکی	MAMĀ	: (RUMANIAN) رومانی
MŌTYNA, MOTĒ	: (LITHUANIAN) لیتوانی	MĀE	: (PORTUGUESE) پرتغالی
MĀTE	: (LATVIAN) لتونی		: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن
MĀTHIR	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	MÓTHIR	
MATREBO	: (GAULISH) گالی	MŌDAR	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
MAM	: (WELSH) ولزی	MŌDER	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
MAM	: (BRETON) برتونی		: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
MĀTHAIR	: (GAELIC) گالیک	MOUTAR	
MOTRĒ	: (ALBANIAN) آلبانی	MUTTER	: (GERMAN) آلمانی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	700-701
BARNHART:	(MOTHER) 680
DELAMARRE:	(MÈRE) 40
MACKENZIE:	(MOTHER) 124
BUCK:	103-104
ONIONS:	(MOTHER) 592
۱۹۳۲	برهان قاطع:

MŌDOR	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
MOTHER	: (ENGLISH) انگلیسی
MŌDER	: (DANISH) دانمارکی
MODER	: (SWEDISH) سوئدی
MŌDER, MOR	: (NORWEGIAN) نروژی
MOEDER	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
MATI	
MATKA	: (POLISH) لهستانی

MĀST	ماست	فارسی: (PERSIAN)
YOGURT	چشم انگلیسی سروا (چاقو) فارسی:	
*MAD-	هند و اروپایی	: (INDO-EUROPEAN)

MACUM, MACUN	: (ARMENIAN) ارمنی	MĀZD, MĀST	: (KURDISH) کردی
MASTÓS	: (GREEK) یونانی	MASTAGH	: (BALUCHI) بلوچی
MADEŌ, MADĒRE	: (LATIN) لاتین		: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
MATS	: (GOTHIC) گوتیک	MĀSTA, MASTE	
		MĀSTU	: (SANSKRIT) سانسکریت

MAT :سوئدی (SWEDISH)
 MAT :نروژی (NORWEGIAN)
 MANJ, MAZE :آلبانی (ALBANIAN)

REFERENCES	پیگنت‌ها
POKORNY:	694-695
BARNHART:	646
ONIONS:	565
۱۹۳۱-۱۹۳۲	برهان قاطع:

:ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
 MATR
 METI :ساکسونی کهن (OLD SAXON)
 METI :فریزی کهن (OLD FRISIAN)
 :آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
 MAST, MAZ
 MÄSTUNG :آلمانی (GERMAN)
 METE :انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
 MEAT :انگلیسی (ENGLISH)
 MAD :دانمارکی (DANISH)

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: خوراک، چاق کننده، گوشت.
- چم این واژه در زبان یونانی: پستان.
- چم این واژه در زبان لاتین: پُر، سرشار، خیس بودن.
- ۲- واژه فارسی "شَکِه" (به چم "چری ماست") نیز از همین واژه آمده است (694-POKORNY).
- ۳- واژه فارسی "ماسیدن" نیز از همین واژه آمده است.

MĀLIDAN	فارسی (PERSIAN): مالیدن
RUB, WIPE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MELG-, *MELĠG-, *MOLG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اوستایی (AVESTAN):

MARZ-, MRJ-, MARSHTI, MARJATI
 AMÉLGŌ, AMÉLGEIN :یونانی (GREEK)
 MULGEŌ, MULĠĒRE :لاتین (LATIN)
 MUNGERE :ایتالیایی (ITALIAN)
 MULGE :رومانی (RUMANIAN)
 MILUKS :گوتیک (GOTHIC)
 :ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

MARZ-, MAREZAITI, MĀRĠZAITI
 MĀLIDAN, :پهلوی (PAHLAVI)
 MĀL-, MŪSHAN, MALITAN
 MĀRZIN :اوسنی (OSSETIC)
 MĀLIN :کردی (KURDISH)
 :بلوچی (BALUCHI)

MALAGH, MALĒNAGH

تخاری A (TOKHARIAN A):

MJOLKA
 MILUK :ساکسونی کهن (OLD SAXON)
 MELOK :فریزی کهن (OLD FRISIAN)
 :آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
 MELCHAN, MILUH

MALKE, MALKLUNE
 MALK-WER :تخاری B (TOKHARIAN B):
 :سانسکریت (SANSKRIT)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	722-723
BARNHART:	
(MILK) 661-662, (MEAL) 645	
DELAMARRE:	269
MACKENZIE:	(RUB) 131
BUCK:	385-386, 569
ONIONS:	(MILK) 576
SKEAT:	(MILK) 375
۱۹۲۸	برهان قاطع:

MELKEN, MILCH	: (GERMAN) آلمانی
MELCAN	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
MILK	: (ENGLISH) انگلیسی
MALKE	: (DANISH) دانمارکی
MJÖLK	: (SWEDISH) سوئدی
MELK, MJÖLK	: (NORWEGIAN) نروژی
MELK	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
MLŪZO, MLĚSTI	
MĒLZHU	: (LITHUANIAN) لیتوانی
BLIGIM	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
MIEL	: (ALBANIAN) آلبانی

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در کردی: جاروب کردن.
- ۲- شاید بدین علت که شیر دوشیدن مستلزم "مالش" یا "مالیدن" است.
- ۳- میان این واچریه و واچریه MEL (POKORNY: 716-1717) خویشی نزدیکی وجود دارد.

MĀM, MĀMI, MĀMĀ	مام، مامی، ماما (به چم "مادر")	: (PERSIAN) فارسی
MAMA, MAMMA		: چم انگلیسی سرواژه‌های فارسی:
*MĀ, *MĀMĀ, *MAMMĀ, *MAMMĀ, *M-AM		: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی

MĀM	پهلوی (PAHLAVI): (پازند)
MĀMI	افغانی (بشتر): (AFGHANI)
MĀ, MĀMA	سانسکریت: (SANSKRIT)
MAMA, MAM	ارمنی: (ARMENIAN)
MĀMMA, MĀMMĒ	یونانی: (GREEK)
MAMMA	لاتین: (LATIN)
MAMAN	فرانس: (FRENCH)
MAMĀ	اسپانیایی: (SPANISH)
MAMMA	ایتالیایی: (ITALIAN)
MUMĀ	رومانی: (RUMANIAN)
MĀM	ایسلندی کهن: (OLD SCANDINAVIAN)
MŌNA	آلمانی کهن: (OLD HIGH GERMAN)
MUOMA	
MAMA, MŪMME	آلمانی: (GERMAN)
MAMMA	انگلیسی کهن: (OLD ENGLISH)
	انگلیسی: (ENGLISH)
MAMA, MAMMA, MUM, MUMMY, MA	
MAMA	هلندی: (DUTCH)
	اسلاوی کهن: (OLD CHURCH SLAVIC)

MAM	کورن والی (CORNISH)
MAMĒ, MĒMĒ	آلبانی (ALBANIAN)
MAMMA	هیت (HITTITE)

MAMA	لهستانی (POLISH)
MAMA	روسی (RUSSIAN)
MÁMA	چک (CZECH)
MÁMA, MAMINKA	اسلواکی (SLOVAK)
MAMA	لیتوانی (LITHUANIAN)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	694
BARNHART:	(MAMMA) 627
DELAMARRE:	(MAMAN) 37
ONIONS:	(MAMMA) 549
SKEAT:	(MAMMA) 358
MALLORY & ADAMS:	M-AM
۱۹۴۸	برهان قاطع:

MA, MAMĀ, MOMĀ	لتونی (لتی) (LATVIAN)
MĀMA	ایرلندی کهن (OLD IRISH)
MAMĀ, MAM	ولزی (WELSH)
MAM	برتونی (BRETON)
MAM	

یادداشت:

- این واژه‌ی کودکانه تقریباً در تمام زبان‌های هند و اروپایی وجود دارد و رابطه‌ی آن با "مادر" و "پستان" "شسه" آشکار است ولی واج‌پیشی آن با واج‌پیشی "مادر" (MĀTER) فرق دارد. علت ناپایی آن در متون زبان‌های کهن شاید این باشد که این واژه بچه‌گانه است.
- چم این واژه در افغانی و آلمانی کهن: خاله، عمه.
- ضمناً واژه‌ی MOMMY در لاتین به چم "مادر بزرگ" بکار رفته.

MĀN	فارسی (PERSIAN): مان (به چم "خان" و "خانه" مثلاً در "خان‌ومان" یا "خانمان")
HOUSE, HOME	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DEM-, *DOMUS, *DŌMOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

TANU-, (TANU-TĒR)	اوستایی (AVESTAN): NMĀNA, DĀMĀNA
DOMÓS, DŌMA	پارسی باستان (OLD PERSIAN): MANIYA
DOMUS, DOMŌ	پهلوی (PAHLAVI):
DÔME	کردی (KURDISH): MĀN, MANISHN, MĀND
DOMO	تخاری A (TOKHARIAN A): MAL
DOMO	تخاری B (TOKHARIAN B): TAM-, TĀM-
	سانسکریت (SANSKRIT): TEM-, TĀM-, TSĀM-
TIMBR	سانسکریت (SANSKRIT): DAMŪ,
TIMBAR	(DAMŪ-NAS), MĀNAH, DĀMAS

ارمنی (ARMENIAN):

یونانی (GREEK):

لاتین (LATIN):

فرانس (FRENCH):

اسپانیایی (SPANISH):

پرتغالی (PORTUGUESE):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

ساکسونی کهن (OLD SAXON):

- مان (به چم "مرد"، "هوشمند" - در نام‌ها: هومان، تریمان) / ۲۶۱

DŪM	: (BOHEMIAN) بوهمی	TIMBER	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
DOM, DOMA	: (SLŮVAK) اسلواکی		: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
NĀMAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی	ZIMBER	
NAMS	: (LATVIAN) لتونی (لتی)	ZIMMER	: (GERMAN) آلمانی
DAMNAE	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	TIMBER	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
DEFNYDD	: (WELSH) ولزی	TIMBER	: (ENGLISH) انگلیسی
DEFFNEZ	: (BRETON) برتونی	TOMMER	: (DANISH) دانمارکی
		TIMMER	: (SWEDISH) سوئدی
		TOMMER	: (NORWEGIAN) نروژی
		TIMMER	: (DUTCH) هلندی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	198-199
BARNHART:	(DOME) 294-295
DELAMARRE:	(MAISON) 59
MACKENZIE:	(HOUSE) 118
BUCK:	(HOUSE) 457-459
۳۷۱۸	نرمنگ معین:
۲۰۴۲	برهان قاطع:

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

DOMŪ	
DOM	: (POLISH) لهستانی
DŌMA, DOM	: (RUSSIAN) روسی
DOMA, DOMÁCI	: (CZECH) چک
DOM	: (SERBIAN) صربی

یادداشت:

- ۱- در زبان پهلوی XĀN UD MĀN "خانمان" یا "خان و مان" هم چم HOUSE AND HOME انگلیسی بود.
- ۲- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی کهن: خانه.
- چم این واژه در زبان آلمانی: اتاق.
- چم این واژه در زبان‌های انگلیسی و هلندی و اسکاندیناوی: هیزم، الوار ساختمانی.
- چم این واژه در زبان‌های رومانی امروزی: گنبد.

MĀN	فارسی (PERSIAN): - مان (به چم "مرد"، "هوشمند" - در نام‌ها: هومان، تریمان)
MAN	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MANUS, *MONUS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

MAN	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن	MANUS-	: (AVESTAN) اوستایی
MONN	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن	-MĀN (ZAR-MĀN)	: (PAHLAVI) پهلوی
MAN	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	MĀNU-, MĀNUS	: (SANSKRIT) سانسکریت
MANN	: (GERMAN) آلمانی	MANNA	: (GOTHIC) گوتیک
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن		: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن
MANN, MON, MANNA		MATHA, MANNR	

نسخه چاپی

MUZH : (BOHEMIAN) برهمی

MAN : (ENGLISH) انگلیسی

MAND : (DANISH) دانمارکی

MAN : (SWEDISH) سوئدی

MAND : (NORWEGIAN) نروژی

MAN : (DUTCH) هلندی

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

MOZHI

MAZH : (POLISH) لهستانی

MUZH : (RUSSIAN) روسی

MUZH : (SERBIAN) صربی

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	700
BARNHART:	(MAN) 627
DELAMARRE:	(HOMME) 51, 74
MACKENZIE:	(MAN) 122
ONIONS:	(MAN) 550
SKEAT:	(MAN) 358

MANDAN	ماندن	فارسی (PERSIAN)
STAY, REMAIN, WAIT	بم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*MEN-, *MN-	هند و اروپایی	(INDO-EUROPEAN)

RIMANERE : (ITALIAN) ایتالیایی

RAMINERA : (RUMANIAN) رومانی

AINMNE : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

MI-IMNA, MI-IMMAI : (HITTITE) هیتی

MAN-, MANAYA : (AVESTAN) اوستایی

: (OLD PERSIAN) پارسی باستان

MAN-, MANAYA

: (PAHLAVI) پهلوی

MAN-, MANDAN, MANISTAN

MAIN, MANDU : (KURDISH) کردی

MANTA, MĀNAGH : (BALUCHI) بلوچی

MANDA : (AFGHANI) افغانی (پشتو)

MĀSK : (TOKHARIAN A) A نخاری

MĀSK : (TOKHARIAN B) B نخاری

: (SANSKRIT) سانسکریت

MAN-, MAMANDHI

MNAM, MUNAL : (ARMENIAN) ارمنی

MENŌ, MĒNEIN : (GREEK) یونانی

MANĒŌ, MANĒRE : (LATIN) لاتین

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	729
BARNHART:	(MANSION) 631
MACKENZIE:	(REMAIN) 130, (STAY) 134
BUCK:	838
ONIONS:	(MANSION) 533
SKEAT:	(REMAIN) 509
۱۹۵۰	برهان قاطع:

MĀH, MAH	فارسی (PERSIAN): ماه، مه (به چم "قمر")
MOON	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MĒNŌT, *MĒNESES, *MĒNES, *MĒNS, *MĒS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

اوستایی (AVESTAN):

MĚSECĭ

MAWNGH, MĀ, MĀH

MĚSÍC (CZECH): چک

MĀH (OLD PERSIAN): پارسی باستان

MJESIC (SERBIAN): صربی

MĀH (PAHLAVI): پهلوی

MĚSIC (BOHEMIAN): بوهمی

MEH (KURDISH): کردی

MESIAC (SLOVAK): اسلواکی

-MĚY (AFGHANI): افغانی (پشتو)

(LITHUANIAN): لیتوانی

MAÑ (TOKHARIAN A) A: تخاری

MĒNUO, MĒNULIS

MEM (TOKHARIAN B) B: تخاری

MĒNESS (LATVIAN): لتونی

MĀS, MĀSAS (SANSKRIT): سانسکریت

MĪ (OLD IRISH): ایرلندی کهن

MĒNĒ, MĒN (GREEK): یونانی

MIS (WELSH): ولزی

MENA (GOTHIC): گوتیک

MIZ (BRETON): برتونی

(OLD SCANDINAVIAN): ايسلندی کهن

MUAI (ALBANIAN): آلبانی

MĀNI

MĀNO (OLD SAXON): ساکسونی کهن

MŌNA (OLD FRISIAN): فریزی کهن

MĀNO (OLD HIGH GERMAN): آلمانی کهن

MOND (GERMAN): آلمانی

MŌNA (OLD ENGLISH): انگلیسی کهن

MOON (ENGLISH): انگلیسی

MĀNE (DANISH): دانمارکی

MĀNE (SWEDISH): سوئدی

MĀNE (NORWEGIAN): نروژی

MAAN (DUTCH): هلندی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	731
BARNHART:	(MOON) 676
DELAMARRE:	(LUNE) 186
MACKENZIE:	(MOON) 124
BUCK:	54-55
AMINDAROV:	(MOON) 256
۱۹۵۶	برهان قاطع:

یادداشت:

در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی واژه‌ی "ماه" (به چم "قمر") یا واژه‌ی "ماه" (به چم "شهر" یا "یک دوازدهم سال" فرق دارد. این فهرست حاوی واژه‌هایی است که فقط چم "قمر" را دارند و با هم چم "قمر" و هم چم "شهر" را دارند.

MĀH	فارسی (PERSIAN): ماه (به چم "شهر" یا "یک دوازدهم سال")
MONTH	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MENÖT	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

MĀH, MĀ	اوستایی (AVESTAN):
MĀH	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
MĀH, MAHAK, MĀHIGĀN	پهلوی (PAHLAVI):
MEH	کردی (KURDISH):
MYĀSHT	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
MĀN	تخاری A (TOKHARIAN A):
MEÑE	تخاری B (TOKHARIAN B):
MĀS, MASĀ	سانسکریت (SANSKRIT):
AMIS	ارمنی (ARMENIAN):
MĒN, MĒS	یونانی (GREEK):
MENSIS	لاتین (LATIN):
MOIS	فرانس (FRENCH):
MES	اسپانیایی (SPANISH):
MESE	ایتالیایی (ITALIAN):
MÊS	پرتغالی (PORTUGUESE):
MĒNÖTHS	گوتیک (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
MÖNATHR	
MĀNÖTH	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
MÖNATH	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
MĀNÖT, MĀNÖD	
MONAT	آلمانی (GERMAN):
MÖNATH	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
MONTH	انگلیسی (ENGLISH):
MANED	دانمارکی (DANISH):
MĀNAD	سوئدی (SWEDISH):
MANED	نروژی (NORWEGIAN):
MAAND	هلندی (DUTCH):

REFERENCES	پیگنت ما
POKORNY:	731-732
BARNHART:	(MONTH) 675
DELAMARRE:	(MOIS) 186
MACKENZIE:	(MONTH) 124
BUCK:	1010-1011
ONIONS:	(MONTH) 587
SKEAT:	(MONTH) 384
AMINDAROV:	(MONTH) 256
۱۹۵۶	برهان قاطع:

یادداشت:

بازگشت به: ماه (به چم "قمر")

MĀHI	فارسی (PERSIAN): ماهی
FISH	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MAD-, *MAD-, *DO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

MOJADO, MOJAR : (SPANISH) اسپانیایی
 : (PORTUGUESE) پرتغالی
 MOLHADO, MOLHAR

MASYA : (AVESTAN) اوستایی
 MĀHIK, MĀHĪG : (PAHLAVI) پهلوی
 MĀSĪ : (KURDISH) کردی
 : (BALUCHI) بلوچی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	694-695
MACKENZIE:	(FISH) 114
BUCK:	(FISH) 184
AMINDAROV:	(FISH) 225
۱۹۶۱	برمان قاطع:

MĀHI, MĀHIG, MĀHIGH
 MĀHI : (AFGHANI) افغانی (پشتو)
 MĀTSYA : (SANSKRIT) سانسکریت
 MADAŌ : (GREEK) یونانی
 MADĒRE, MADEŌ : (LATIN) لاتین
 MOUILLER : (FRENCH) فرانسه

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های یونانی و رومانی: تر، خیس بودن، خیسیدن.

MĀHICHĒ, MĀYCHĒ	فارسی (PERSIAN): ماهیچه، مایچه
MUSCLE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MŪS, *MUS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

MŪS : (OLD SCANDINAVIAN) ایلندی کهن
 MŪS : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
 MUSKEL : (GERMAN) آلمانی
 MŪS : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
 MUSCLE : (ENGLISH) انگلیسی
 MUSKLE : (DANISH) دانمارکی
 MUSKEL : (SWEDISH) سوئدی
 MUSKEL : (NORWEGIAN) نروژی

MUSHKA : (SANSKRIT) سانسکریت
 MUKN : (ARMENIAN) ارمنی
 : (GREEK) یونانی
 MŪS, MŪS, MŪS, MŪS
 MŪSCULUS : (LATIN) لاتین
 MUSCLE : (FRENCH) فرانسه
 MŪSCULO : (SPANISH) اسپانیایی
 MUSCULO : (ITALIAN) ایتالیایی
 MUSCHI : (RUMANIAN) رومانی
 MŪSCULO : (PORTUGUESE) پرتغالی

ONIONS:	(MUSCLE) 598	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:	(MUSCLE) 391	POKORNY:	752-753
۳۷۴۵ و ۳۷۴۴	فرهنگ معین	BARNHART:	(MUSCLE) 687
		DELAMARRE:	135

یادداشت:

۱- بازگشت به: موش.

۲- چم این واژه در سانسکریت: خایه.

۳- واجریشی شناسان معتقدند که واژه‌ی "مایچه" (که شاید در اصله "موشچه" بوده است) با واژه‌ی "موش" خویشی دارد و بهین دلیل واژه‌ی مایچه در لاتین (MUSCULUS) مصدر واژه‌ی MŪS به معنی "موش" است. دلیل این خویشی، شباهت شکل مایچه‌ی دوسر و "موش" است. ضمناً در زبان‌های ارمنی و یونانی واژه‌های MŪS, MUKN (یا MŪS) دو چم دارند: موش و عضله.

۴- واژه‌های ژرمنی این فهرست همه از لاتین مشتق شده‌اند.

MĀYĒ	فارسی (PERSIAN): ماهیه
MATTER, CAPITAL, ESSENCE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MĀTER	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید)

MATTER

MĀDISHT, MATAK	پهلوی (PAHLAVI):
MAYE, SERMAYE	کردی (KURDISH):
MĀTAR	سانسکریت (SANSKRIT):
MĒTER	یونانی (GREEK):
MĀTERIA, MĀTER	لاتین (LATIN):
MATIÉTRE	فرانسه (FRENCH):
MATERIA	اسپانیایی (SPANISH):
MATERIA	ایتالیایی (ITALIAN):
MATÉRIA	پرتغالی (PORTUGUESE):
MATERIE	آلمانی (GERMAN): (از لاتین)
	انگلیسی (ENGLISH): (از فرانسی کهن)

یادداشت:

برخی از واجریشه شناسان معتقدند که واژه‌ی فارسی "مایه" با واژه‌ی لاتین MATERIA خویشی دارد و هر دوی این واژه‌ها (و واژه‌های مشابه در دیگر زبان‌های هند و اروپایی) همه از واجریشی "مادر" (MĀT, MĀTER) آمده‌اند. ضمناً واژه‌ی "ماده" هم از همین واجریشه است. شاید واژه‌ی عربی "ماده" هم اصلاً از یک زبان هند و اروپایی اخذ

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	700
BARNHART:	
(MATTER) 642, (MATERIAL) 640	
MACKENZIE:	(MATTER) 123
AMINDAROV:	(CAPITAL) 196
۱۹۳۴ و ۱۹۶۴	برهان قاطع:
۱۹۹۳۲ و ۲۰۰۶۸	لفت نامه دهخدا:
۳۶۴۸ و ۳۷۳۶	فرهنگ معین:

شده باشد (و در این صورت آن هم از واچریه‌ی MĀTER آمده است). چون این رابطه مسلم نیست در جلوی واچریه‌ی هند و اروپایی این فهرست (شاید) آورده‌ام.

MARD	فارسی (PERSIAN): مرد
MAN	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MER-, *MERE-, *MORTO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	735
BARNHART:	(MORTAL) 679
DELAMARRE:	(HOMME) 51
MACKENZIE:	(MAN) 122
BUCK:	81, 79
ONIONS:	(MORTAL) 591
AMINDAROV:	(MAN) 253
MALLORY:	49
۱۹۸۲	برهان قاطع:

اوستایی (AVESTAN): MARETA, MASHA

پارسی باستان (OLD PERSIAN): MARTIYA

پهلوی (PAHLAVI): MART, MARD

کردی (KURDISH): MERD, MĒR

بلوچی (BALUCHI): MAR

سانسکریت (SANSKRIT):

MARTA, MARTYA, MANU-

ارمنی (ARMENIAN): MARD

یونانی (GREEK): MORTÓS, BROTÓS

لاتین (LATIN): MORTALIS

انگلیسی (ENGLISH): MORTAL (از لاتین)

یادداشت:

پازگشت به: مرگ.

MORZIDAN, MORZ	فارسی (PERSIAN): مرزیدن (به چشم جمع کردن)، مرز
COPULATE, COPULATION, INTERCOURSE, FUCK	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MELG-, *MOLGO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	722
MACKENZIE:	(COPULATE) 108
۱۹۸۷	برهان قاطع:
۴۰۱۲	فرهنگ معین:
۲۰۶۵۹-۲۰۶۶۰ و ۲۰۶۵۴	لغت‌نامه دهخدا:

اوستایی (AVESTAN): MARZ-, MITHW-

پهلوی (PAHLAVI): MARZĪDAN,

MARZISHN, MARZ-, MARZITĀN

سانسکریت (SANSKRIT):

MITH-, MARZ-, MĀRSTI

یادداشت:

پازگشت به: مالدین.

MARZ	فارسی (PERSIAN): مرز
BOUNDARY, BORDER, FRONTIER	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MORG-, *MERG-, *MROG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
MARK	دانمارکی (DANISH):
MARK	سوئدی (SWEDISH):
MARK	نروژی (NORWEGIAN):
MARK	هلندی (DUTCH):
	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
MRUIG, MARUIG	
BROGI-	گالی (GAULISH):
BRO	ولزی (WELSH):
BRO, BROGAE	برتونی (BRETON):
MAREZA, MARZU	اوستایی (AVESTAN):
MARZ	پهلوی (PAHLAVI):
MARYĀDA	سانسکریت (SANSKRIT): (شاید)
MARZ	ارمنی (ARMENIAN):
MARGŌ, MARGINIS	لاتین (LATIN):
MARQUE	فرانسه (FRENCH):
MARCA	اسپانیایی (SPANISH):
MARKA	ایتالیایی (ITALIAN):
MARCA	پرتغالی (PORTUGUESE):
MARKA	گوتیک (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پیگشت‌ها
POKORNY:	738
BARNHART:	(MARK) 634
DELAMARRE:	63
MACKENZIE:	(BOUNDARY) 105
BUCK:	1311-1312
ONIONS:	(MARK) 556
SKEAT:	(MARK) 362
۴۰۰۹	فرهنگ معین:
۱۹۸۶-۱۹۸۷	برهان قاطع:

MORK	
MARKA	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
MERKE	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
MARCA, MARTHA	
MARK	آلمانی (GERMAN):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
MEARC, MEARKE, MERKE	
MARK	انگلیسی (ENGLISH):

یادداشت:

در انگلیسی نوین و برخی زبان‌های ژرمنی دیگر این واژه چشم "شان" و "شان سرحدی" را دارد.

MARG, MORDAN, MORDÉ	فارسی (PERSIAN): مرگ، مردن، مرده
DEATH, DIE, DEAD	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MER-, *MERZ-, *MRTIS, *MORTOS, *MRTOM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
A-MARIYATĀ, MAR-	اوستایی (AVESTAN):
	پهلوی (PAHLAVI):
MARIYEITE, MƏRZTA, MAHRKA	
MARG, MURTAN, MURDAN	پارسی باستان (OLD PERSIAN):

MORD : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

MIRQ, MRĚTI, MRŮTVŮ

: (POLISH) لهستانی

SMIERC, MARTWY, UMIERAĆ

: (RUSSIAN) روسی

UMERET, UMIRAT, SMERT

MORITI, MRTAV : (SERBIAN) صربی

: (BOHEMIAN) بوهمی

MORTVÝ, (U)MRITI

: (SLOVAK) اسلواکی

MRTVY, SMERT, ZOMRIET

: (LITHUANIAN) لیتوانی

MIRSHTU, MARINTI, MIRTİ, MIRTIS

MIRSTU, MIRT : (LATVIAN) لتونی (لتی)

MARB : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

MARW : (WELSH) ولزی

MARO, MARVEL : (BRETON) برتونی

MER-, MEIRTA : (HITTITE) هیتی

: (OSSETIC) اوسنی

MĀRYN, MARG, MARD

: (KURDISH) کردی

MERK, MYR, MYRI, MIRIN

: (BALUCHI) بلوچی

MARK, MIRAG, MIRAGH

: (AFGHANI) افغانی (پشتو)

MRAL, MER, MARG, MRINA

: (SANSKRIT) سانسکریت

AMRTA, MARIYÁTE, MÁRATE

MARTĀ, MRTI-, MARAS

MERANIM, : (ARMENIAN) ارمنی

MARH, MAH, MERDZ, MERNIL

: (LATIN) لاتین

MORIOR, MORS, MORTIS, MORI

MORT, MOURIR : (FRENCH) فرانسه

: (SPANISH) اسپانیایی

MUERTO, MORIR, MUERTE

: (ITALIAN) ایتالیایی

MORTO, MORIRE, MORTE

: (RUMANIAN) رومانی

MORT, MURI, MOARTE

: (PORTUGUESE) پرتغالی

MORTO, MORRER, MORTE

BROTÓS : (GOTHIC) گوتیک

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

MORD

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

MORD

REFERENCES

POKORNY: 735

BARNHART: (MORTAL) 679

DELAMARRE: 89, 270

MACKENZIE:

(DEATH) 109, (DIE) 110

BUCK: 286, 290

۱۹۸۶ و ۱۹۹۵ : برهان قاطع

MARMAR	فارسی (PERSIAN): مرمر
MARBLE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MER-, *MERō-, *MR-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

MARBLE	انگلیسی (ENGLISH):	MERMER	کردی (KURDISH):
MARMOR	دانمارکی (DANISH):		سانسکریت (SANSKRIT):
MARMOR	سوئدی (SWEDISH):	MŪRNÁS, MRNĀTI	
MARMOR	نروژی (NORWEGIAN):	MARMAR	ارمنی (ARMENIAN):
MARMER	هلندی (DUTCH):	MÁRMAROS	یونانی (GREEK):
MARMUR	لهستانی (POLISH):	MARMOR	لاتین (LATIN):
MRAMUR	چک (CZECH):	MARBRE	فرانسوی (FRENCH):
MARMOR	اسلواکی (SLOVAK):	MÁRMOL	اسپانیایی (SPANISH):
MARRIATTARI	هیتی (HITTITE):	MARMO	ایتالیایی (ITALIAN):
		MARMURE	رومانی (RUMANIAN):
		MÁRMO	پرتغالی (PORTUGUESE):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

MERJA	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
MARMUL	
MARMOR	آلمانی (GERMAN):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
MARMA, MARMO	

یادداشت:

۱- چشم این واژه در سانسکریت و هیتی: کوبیده، خرد شده.

۲- برخی واژه‌ها نشان معتمدند که شکل‌های کنونی این واژه در اکثر زبان‌ها از واژه‌ی یونانی MÁRMAROS مشتق شده‌اند.

MOZD	فارسی (PERSIAN): مزد
WAGE(S), PAY	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MIZDHÓS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

MUZD	کردی (KURDISH):	MIZHDA	اوستایی (AVESTAN):
	سانسکریت (SANSKRIT):	MIZD, MOZD	پهلوی (PAHLAVI):
MIDHÁ, MIDHĀMA		MIZD, MYZD	اوستی (OSSETIC):

MZDA	روسی (RUSSIAN):
MZDA	چک (CZECH):
MZDA	بوهمی (BOHEMIAN):
MZDA	اسلواکی (SLOVAK):

پسگشت‌ها	REFERENCES
746	POKORNY:
648 (MEED)	BARNHART:
	MACKENZIE:
	(HIRE) 118, (PAY) 126
567 (MEED)	ONIONS:
369 (MEED)	SKEAT:
38	RAMAT:
برهان قاطع:	۲۰۰۰

MISTHÓS	یونانی (GREEK):
MIZDŪ	گوتیک (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
MĒDA, MIEDA	
MĒDA	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
MĒDE	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
MĒTA, MIATA	
MIETE	آلمانی (GERMAN):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
MEORD, MĒD, MĒDA	
MEED	انگلیسی (ENGLISH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
MŪZDA, MĪZDA	

یادداشت:

واژه‌ی "مژده" نیز به احتمال قوی از همین واژه است.

MAZDA	فارسی (PERSIAN): مزدا
MAZDA, GOOD	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MENDH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

MODRŪ	بلغاری (BULGARIAN):
	لیتوانی (LITHUANIAN):
MANDRAS, MUNTER	
	لتونی (لاتی) (LATVIAN):
MUÓDRS, MUOZHS	
MYNNU	ولزی (WELSH):
MUND	آلبانی (ALBANIAN):
MAZDĀ, MAZDĀH,	اوستایی (AVESTAN):
MAZDRA-	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
MAZĀ, MĀZDĒSN	پهلوی (PAHLAVI):
MĒDHĀ	سانسکریت (SANSKRIT):
	یونانی (GREEK):
MANTHANO, MATHEIN	
	گوتیک (GOTHIC):

MUNDŌN, MUNDERI	
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
MUNDA	
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
MUNTAR, MUNTER, MENDI,	
MENDEN	

پسگشت‌ها	REFERENCES
730	POKORNY:
123 (MAZDEAN)	MACKENZIE:
1222	BUCK:
لغت‌نامه دهخدا:	۲۰۷۴۶

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در سانسکریت و بلغاری: خرد، عاقل.
چم این واژه در یونانی: آموختن.
چم این واژه در گوئیک: هدف، سر منزل مقصود.
چم این واژه در آلمانی کهن و ولزی: اشتیاق، خواستن.
چم این واژه در لیتوانی و لتونی: دلیر، دلاور.
چم این واژه در آلبانی: پیروزی.
۲- در اوستایی MAZDĀ به چم "خردمند" و "عاقل" هم بوده است.

MOZHĒ, MOZHGĀN	فارسی (PERSIAN): مژه، مژگان
EYELASH	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MEIK-, *MEIGH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

MUCHUTU

پهلوی (PAHLAVI):

ایرلندی کهن (OLD IRISH):

MICHAK, MIZH, MIZHAG

DE-MECCIM

کردی (KURDISH):

MYGR

ولزی (WELSH):

MIJGAN, MIZHL, MIZHĀNK, MUJŪAL

بلوچی (BALUCHI):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	712-713
MACKENZIE:	(EYELASH) 113
۲۰۰۵ و ۲۰۰۶	برهان قاطع:

MICĀC, MISHASH, MIZHAGHĀN

NIMISHA سانسکریت (SANSKRIT):

MICŌ, MICĀRE لاتین (LATIN):

بلغاری کهن (OLD BULGARIAN):

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: سوسوزدن، سوسر.

MOST	فارسی (PERSIAN): مُست (به چم 'شکایت' و 'کله')
COMPLAINT, GRIPE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MĒUDH-, *MŪDH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

MYSLU بلغاری کهن (OLD BULGARIAN):

پارسی باستان (OLD PERSIAN): *MUSTI

لیتوانی (LITHUANIAN):

پهلوی (PAHLAVI): MUST

MAUDZHIŪ, MAŪSTI

یونانی (GREEK): MUTHOS

گوئیک (GOTHIC): MAUDJAN

MACKENZIE:	(COMPLAINT) 107	REFERENCES	پسگشت‌ها
۲۰۰۷	برهان قاطع:	POKORNY:	743

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: سخن، حرف.

MAST	فست	فارسی (PERSIAN):
INTOXICATED, DRUNK		چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MAD-, *DO-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	694
AMINDAROV:	(DRUNK) 215
۲۰۰۷	برهان قاطع:

MADHA-, MAD-: (AVESTAN) اوستایی
 MAST: (PAHLAVI) پهلوی
 MEST: (KURDISH) کردی
 MÁDYATI, (SANSKRIT): سانکریت
 MAMÁTTI, MÁNDATI, MATTÁ-

MASHK	مشک	فارسی (PERSIAN):
SHEEPSKIN, MUSSUCK		چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MOISOS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

MĚCH: (RUSSIAN) روسی
 MECHŪ: (BULGARIAN) بلغاری
 MÁISHAS: (LITHUANIAN) لیتوانی
 MÁISS: (LATVIAN) لتونی (لتی)
 MOASIS: (OLD PRUSSIAN) پروس‌سی کهن

MARSHA: (AVESTAN) اوستایی
 (PAHLAVI) پهلوی
 MASHK, MASHKIZAG
 MSHK: (SOGADIAN) سغدی
 (SANSKRIT): سانکریت

MĚSHAS, MASHAKA
 (OLD SCANDINAVIAN): ايسلندی کهن

MEISS
 (OLD HIGH GERMAN): آلمانی کهن

MEISA
 (OLD CHURCH SLAVIC): اسلاوی کهن

MĚCHŪ
 MIECH: (POLISH) لهستانی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	747
DELAMARRE:	
	(SAC EN PEAU) 148
MACKENZIE:	(MUSSUCK) 124
۲۰۱۴	برهان قاطع:

MOSHK	فارسی (PERSIAN): مشک
MUSK	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MŪS, *MUS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	753
BARNHART:	(MUSK) 688
MACKENZIE:	(MUSK) 124
ONIONS:	(MUSK) 598
SKEAT:	(MUSK) 392
۲۰۱۴	برهان قاطع:

MUSHK	پهلوی (PAHLAVI):
MUSKAH	سانسکریت (SANSKRIT):
MOSKHOS	یونانی (GREEK):
MUSCUS	لاتین (LATIN):
MUSC	فرانس (FRENCH):
MUSCH, MOSCHUS	آلمانی (GERMAN):
MUSK	انگلیسی (ENGLISH):
MUSKUS	هلندی (DUTCH):
	یادداشت:

چشم این واژه در زبان سانسکریت: خایه.

MOGH, MAJŪS	فارسی (PERSIAN): مغ، مجوس
*MAGUS, MAGI, (ZOROASTRIAN) PRIEST	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MAGH-, *MĀGH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

MAGO	پرتغالی (PORTUGUESE):
MAGAN, MAHTS	گوتیک (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
MEGA, MAGA, MUGA, MĀ	
MUGA, MEI	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
MAGAN, MUGAN, MAG	
MAGIE	آلمانی (GERMAN):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
MAGAN, MAG	
MIGHT	انگلیسی (ENGLISH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
MOGŪ, MOSHTI	
MOSHŪ	روسی (RUSSIAN):
	لیتوانی (LITHUANIAN):
MĀGULAS, MOKETI	

MAGU, MAGA	اوستایی (AVESTAN):
	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
MAGUSH, MAGUS, MAG	
	پهلوی (PAHLAVI):
MAGU, MAGUPAT, MOGHMARD	
MOKATS	تخاری A (TOKHARIAN A):
	سانسکریت (SANSKRIT):
MAGHĀ, MAGHĀVAN-	
	ارمنی (ARMENIAN):
MOG, MOGPET, MARTHANX	
	یونانی (GREEK):
MAGIKĒ, MAGIKÓS, MAGOS	
MAGICĒ, MAGUS	لاتین (LATIN):
MAGE	فرانس (FRENCH):
MAGO	اسپانیایی (SPANISH):
MAGO	ایتالیایی (ITALIAN):

MACKENZIE-MOGH (MOGHMARD) 56	REFERENCES	پسگشت‌ها
ONIONS:	POKORNY:	695
MOGH (MOGHMARD) 56	BARNHART:	
۲۰۳۰	برهان قاطع:	(MAGIC, MAGI) 622

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در زبان‌های ایرانی: روحانی زرتشتی.
چم این واژه در دیگر زبان‌های هند و اروپایی این فهرست: جادوگر، توانا، دانا.
چم این واژه در سانسکریت: توانمندی، دارایی.
۲- واژه‌های انگلیسی MAGICIAN, MAGIC نیز از همین واج‌ریشه‌اند.

MAGHZ	فارسی (PERSIAN): مغز
MARROW, PITH, BRAIN, KERNEL	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MOSGH-, *MOZGHO-, *MOSGOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
MARG, MARAG	اوستایی (AVESTAN): MAZGA
MARK	پارسی‌باستان (OLD PERSIAN): MAZGH
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	پهلوی (PAHLAVI): MAZGA, MASG
MEARH, MEARG	اوستی (OSSETIC): MAGHZ
MARROW	کردی (KURDISH): MEGZ, MEJU
MARV	بلوچی (BALUCHI): MAZHG
MERG	افغانی (پشتو) (AFGHANI): MĀGHZA
MARV	تخاری A (TOKHARIAN A): MASSUNT
MERG	سانسکریت (SANSKRIT): MAJJĀN
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	ارمنی (ARMENIAN): MICHOUG, MIDK
MOZGŪ	فرانسوی (FRENCH): MOELLE
MÓZG	اسپانیایی (SPANISH): MOELLO
لهستانی (POLISH):	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
MOZG	روسی (RUSSIAN):
MOZAK	صربی (SERBIAN):
MOZEG	بوهمی (BOHEMIAN):
MOZOG	اسلواکی (SLOVAK):
لیتوانی (LITHUANIAN): SMĀGENES	ساکسونی کهن (OLD SAXON): MARG
MUSGENO: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	MERG, MERCH
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

MACKENZIE:	REFERENCES	پیگشت‌ها
(BRAIN) 105, (MAROW) 123	POKORNY:	750
BUCK: 215	BARNHART:	
ONIONS: (MARROW) 557		(MARROW) 635-636
SKEAT: (MARROW) 363	DELAMARRE:	
۲۰۲۱ برهان قاطع:	(MOELLE, CERVELLE) 148	

MAGAS	فارسی (PERSIAN): مگس
FLY	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MUS-, *MUKYON, *MUGHYŌN, *MŪSA	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
MÜCKE: آلمانی (GERMAN)	MAKHSHI: اوستایی (AVESTAN)
:انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	:پهلوی (PAHLAVI)
MYGG, MYCG, MYCGE	MAKSH, MAGAS, MAKAS
MIDGE: انگلیسی (ENGLISH)	MĒSH, MYSH: کردی (KURDISH)
MYG: دانمارکی (DANISH)	:بلوچی (BALUCHI)
MYGG: سوئدی (SWEDISH)	MAGISK, MAKASH, MAHISK
MYGG: نروژی (NORWEGIAN)	MĒCH, MAC: افغانی (پشتو) (AFGHANI)
MUG: هلندی (DUTCH)	:سانسکریت (SANSKRIT)
:اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	MAKSHIKA, MAKSH-, MAKSHA-
MUCHA	MUN: ارمنی (ARMENIAN)
MUCHA: لهستانی (POLISH)	MYIA, MUSYA, MUIA: یونانی (GREEK)
MUKHA: روسی (RUSSIAN)	MUSCA: لاتین (LATIN)
MOUCHA: چک (CZECH)	MOUCHE: فرانسه (FRENCH)
MUHA: صربی (SERBIAN)	MOSCA: اسپانیایی (SPANISH)
MOUCHA: بوهمی (BOHEMIAN)	MOSCA: ایتالیایی (ITALIAN)
MUCHA: اسلواکی (SLOVAK)	MUSCĂ: رومانی (RUMANIAN)
MUSHĒ: لیتوانی (LITHUANIAN)	MOSCA: پرتغالی (PORTUGUESE)
MŪSA: لتونی (لتی) (LATVIAN)	Mȳ: ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
MUSO: پروسی کهن (OLD PRUSSIAN)	MUGGIA: ساکسونی کهن (OLD SAXON)
MŪZĚ: آلبانی (ALBANIAN)	:آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
	MUCKA, MUGGA

پسگشت‌ها	REFERENCES	193	BUCK:
752	POKORNY:	(MIDGE) 575	ONIONS:
659-660	BARNHART:	(MIDGE) 374	SKEAT:
143	DELAMARRE:	برهان قاطع:	۲۰۲۹
114	MACKENZIE:		
(FLY)			

یادداشت:

چم این واژه در ارمنی و زبان‌های ژرمنی: پشیرزه، انواع حشرات دوباله و کورچک.

فارسی (PERSIAN):	ملیس، ملیس (به چم ترش و شیرین، "میخوش")	MALAS, MALĒS
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	SWEET AND SOUR	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید)	*AMROS, *MROS	

سانسکریت (SANSKRIT):	AMLĀS	آلمانی (GERMAN):	AMPFER
ارمنی (ARMENIAN):	AMOKH	سوئدی (SWEDISH):	AMPER
لاتین (LATIN):	AMĀRUS	لتونی (LITHUANIAN):	AMUOLS
فرانسé (FRENCH):	AMER	آلبانی (ALBANIAN):	TAMLĒ, ĒMBLĒ
اسپانیایی (SPANISH):	AMARG		
ایتالیایی (ITALIAN):	AMARO		
رومانی (ROMANIAN):	AMAR		
پرتغالی (PORTUGUESE):	AMARGO		
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):			
APR			

پسگشت‌ها	REFERENCES
163,230	DELAMARRE:
1033-1035	BUCK:
لفظ نامه دهخدا:	۲۱۵۱۵ و ۲۱۴۷۱
فرهنگ معین:	۲۳۴۴ و (ملیس) ۲۳۵۵

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان‌های ناشی از لاتین (زبان‌های رمانس): ملخ.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی این فهرست: (گیاه) ترشک، ریواس.

چم این واژه در زبان آلبانی: شیرترش.

۲- چون نتوانستیم برابری "ملس" را در زبان‌های ایرانی به ویژه پهلوی و اوستایی پیدا کنیم، جلو و اجریشی هند و اروپایی این فهرست (شاید) گذاشته‌ام.

MAME	فارسی (PERSIAN): ممه
BREAST	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MAMMĀ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
BUCK:	248
ONIONS:	(MAMMA) 549
SKEAT:	(MAMMALIA) 358
۲۱۵۴۱	لغت‌نامه دهخدا:
۴۳۶۲-۴۳۶۵	فرهنگ معین:

MAMMĒ	یونانی (GREEK):
MAMMA, MAMMILLA	لاتین (LATIN):
MAMMELLE	فرانس (FRENCH):
MAMA	اسپانیایی (SPANISH):
MAMELLA	ایتالیایی (ITALIAN):
MAMA	پرتغالی (PORTUGUESE):
MAMMA	انگلیسی (ENGLISH):

یادداشت:

- ۱- واژه‌های انگلیسی MAMMARY, MAMMALIAN, MAMMAL نیز از همین واج‌پیشه‌اند.
- ۲- بازگشت به: مادر.
- ۳- واژه هائی مانند "مه" و "یا" غلّس چون کودکانه یا کم کاربرد هستند کمتر در نوشتار به کار می‌روند و شاید به همین علت باشد که در نوشتارهای پهلوی و اوستایی موجود وجود ندارند.

MAN, MA	فارسی (PERSIAN): من، (کاشانی) مَ
ME, I, MY, MINE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MĒ, *ME, *MEGE, *MĒM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

MĒ, MI, MIHI	لاتین (LATIN):	اوستایی (AVESTAN):
ME, MOI	فرانس (FRENCH):	MANA, ME, MĀ, MAM
ME, MI	اسپانیایی (SPANISH):	MANĀ
MI, ME	ایتالیایی (ITALIAN):	پهلوی (PAHLAVI):
MI, MĀ	رومانی (RUMANIAN):	MIN
ME, MIM	پرتغالی (PORTUGUESE):	کُردی (KURDISH):
MIK, MIS, MEINS	گوتیک (GOTHIC):	MĀTA
	ایسندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
MIK, MĒR		نخاری A (TOKHARIAN A):
MI	ساکسونی کهن (OLD SAXON):	NI, *MANI
MI, MIR	فریزی کهن (OLD FRISIAN):	نخاری B (TOKHARIAN B):
		سانسکریت (SANSKRIT):
		MĀ, ME, MAHYAM
		ME, EME, MOI
		یونانی (GREEK):

MIEN,	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن
MAIY, MAIS	
MĒ	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
MI	: (WELSH) ولزی
ME	: (BRETON) برتونی
MI	: (GAELIC) گالیک
MUA, MUE, IM	: (ALBANIAN) آلبانی
AMUG, -MI, -MU	: (HITTITE) هیت

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	702
BARNHART:	(ME) 644
MACKENZIE:	(I) 119, (MAN) 53
ONIONS:	(ME) 564
SKEAT:	(ME) 368
۲۰۳۶	برهان قاطع:

	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
MIH, MIR, MIN	
MICH, MIR	: (GERMAN) آلمانی
MĒ, MEC	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
ME, MY, MINE	: (ENGLISH) انگلیسی
MIG	: (DANISH) دانمارکی
MIG	: (SWEDISH) سوئدی
MIG	: (NORWEGIAN) نروژی
MIJ	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

ME, MENE	
ME, MNIE, MNA	: (POLISH) لهستانی
MNE, MĚ, MNĚ	: (CZECH) چک
MOJ	: (BULGARIAN) بلغاری
MI, MAN, MNE	: (SLOVAK) اسلواکی
MANĖ, MANAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی

MANJ	فارسی (PERSIAN): منج (به چم "زنبور" یا "زنبور عسل"، "عسل")
HONEYBEE, HONEY	چم انگلیسی سرواژه فارسی:
*MELI, *MELIT, *MELNES	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

MILDEU	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	MADU, MATHU	: (AVESTAN) اوستایی
MILDEW	: (ENGLISH) انگلیسی	MEDHU	: (SANSKRIT) سانسکریت
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	MELUI, MEGHOU	: (ARMENIAN) ارمنی
MEDU		MELINNA, MITHU	: (GREEK) یونانی
MIOD	: (POLISH) لهستانی	MEL, MELLIS	: (LATIN) لاتین
MED	: (RUSSIAN) روسی	MIEL	: (FRENCH) فرانسه
MED	: (CZECH) چک	MIEL	: (SPANISH) اسپانیایی
MED	: (BOHEMIAN) برهمی	MIELE	: (ITALIAN) ایتالیایی
MED	: (SLOVAK) اسلواکی	MIERE, MIED	: (RUMANIAN) رومانی
MEDUS	: (LITHUANIAN) لیتوانی	MEL	: (PORTUGUESE) پرتغالی
MIL	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	MILITH	: (GOTHIC) گوتیک

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	723-724
BARNHART:	(MILDEW) 661
DELAMARRE:	147,149
BUCK:	389
۲۰۳۸	برهان قاطع:
۲۱۵۹۸-۲۱۵۹۹	لغت نامه دهخدا:

MEL	ولزی (WELSH):
MEL	برتونی (BRETON):
MJAL, MJALTË	آلبانی (ALBANIAN):
MILIT	هیتی (HITTITE):

یادداشت:

- ۱- بازگشت به: می
- ۲- چم واژه‌های یونانی و ارمنی این فهرست: زنیور.
- چم دیگر واژه‌های این فهرست: عمل.

MANESH	فارسی (PERSIAN): منش
DISPOSITION, THOUGHT, INTENTION	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MEN-, *MNE-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

MUNDS	گوتیک (GOTHIC):	MANAH-, MATHRÖ	اوستایی (AVESTAN):
MENTIS	لیتوانی (LITHUANIAN):		پارسی باستان (OLD PERSIAN):
MENTIMAI	پروسی کهن (OLD PRUSSIN):	(HAKHA)MANESH	
MUND, MEND	آلبانی (ALBANIAN):	MËNISHN, MAN-,	پهلوی (PAHLAVI):
		MANIDAN	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	724
MACKENZIE:	(THOUGHT) 136,
	(INTENTION) 120
۲۰۴۲	برهان قاطع:

MANTRA,	سانسکریت (SANSKRIT):
MANAS-, DURMANAS	
MEMONA	یونانی (GREEK):
MËN, COMMENTOR,	لاتین (LATIN):
MENTIS	

یادداشت:

- ۱- بازگشت به: مینو.
- ۲- واژه‌ی انگلیسی MENTAL هم از همین واژه‌ی است.

فارسی (PERSIAN): مور، مورچه		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	
MÜR, MÜRCHÉ		*MORWI, *MORMO, *WORMO	
MYRA	سوئدی (SWEDISH):	MAOIRI-	اوستایی (AVESTAN):
	نروژی (NORWEGIAN):	MÖR, MÖRCAK	پهلوی (PAHLAVI):
-MAUR (MIGEMAUR)		MÄLJIG, MULJUG	اوستی (OSSETIC):
MIERE	هلندی (DUTCH):	MÜRI	کردی (KURDISH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	MÖR, MORIK	بلوچی (BALUCHI):
MRAVI		MÖR, MORIK,	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
MRÓWKA	لهستانی (POLISH):	MEZHAY	
MURAVĚJ	روسی (RUSSIAN):	MARME	تخاری B (TOKHARIAN B):
MRAVENEC	چک (CZECH):	M'WRCH	سغدی (SOGHDIAN):
MRAVI, MRAVIJÁ	بلغاری (BULGARIAN):	VARMĭ,	سانسکریت (SANSKRIT):
MRAVEC	اسلواکی (SLOVAK):	VALMIKA	
MOIRB	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	MURCHIUN	ارمنی (ARMENIAN):
MYRION	ولزی (WELSH):	WORMĪKAS, MURMEX	یونانی (GREEK):
MERIEIN	بریتونی (BRETON):	-MICA (FORMICA)	لاتین (LATIN):
MURYON	گالیک (GAELIC):	FOURMI	فرانسوی (FRENCH):
		HORMIGA	اسپانیایی (SPANISH):
		FORMICA	ایتالیایی (ITALIAN):
		FURMICA	رومانی (RUMANIAN):
		FORMIGA	پرتغالی (PORTUGUESE):
			ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
		MAURR, MYRE	
		MIRE	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
		MYRE	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
		-MIRE (PIS-MIRE)	انگلیسی (ENGLISH):
		MYRE	دانمارکی (DANISH):

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	749
DELAMARRE:	(FOURMI) 143
MACKENZIE:	(ANT) 102
ONIONS:	(PISMIRE) 684
SKEAT:	(PISMIRE) 454
AMINDAROV:	(ANT) 185
۲۰۴۹	برهان قاطع:

MÜSH	فارسی (PERSIAN): موش
MOUSE	چشم انگلیسی سرواژه فارسی:
*MÜS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
MÜSHIKĀ	اوستایی (AVESTAN): MÜSH, MÜSHAKA

MUS	: (NORWEGIAN) نروژی	MŪSHK	: (PAHLAVI) پهلوی
MUIS	: (DUTCH) هلندی	MIST, MISTE	: (OSSETIC) اوستی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	MISHK	: (KURDISH) کردی
MYSHI		MUSHK, MŪSHK	: (BALUCHI) بلوچی
MYSZ	: (POLISH) لهستانی	MOZHAK,	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
MYSH	: (RUSSIAN) روسی	MAGHAK	
MYSH	: (CZECH) چک	MŪS, MŪSH	: (SANSKRIT) سانسکریت
MISH	: (SERBIAN) صربی	MUKN, MOUG,	: (ARMENIAN) ارمنی
MYSH	: (BOHEMIAN) بوهمی	MUGNIG	
MYSH	: (SLOVAK) اسلواکی	MŪS, MŪS	: (GREEK) یونانی
MI	: (ALBANIAN) آلبانی	MŪS	: (LATIN) لاتین
			: (OLD SCANDINAVIAN) اسکاندیناوی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	752
BARNHART:	(MOUSE) 682
DELAMARRE:	(SOURIS) 135
MACKENZIE:	(MOUSE) 124
BUCK:	182
ONIONS:	(MOUSE) 593
SKEAT:	(MOUSE) 388
AMINDAROV:	(MOUSE) 254
۲۰۵۳	برهان قاطع:

MŪS	
MŪS	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
MŪS	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
MŪS	
MAUS	: (GERMAN) آلمانی
MŪS	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
MOUSE	: (ENGLISH) انگلیسی
MUS	: (DANISH) دانمارکی
MUS	: (SWEDISH) سوئدی

یادداشت:

بازگشت به: ماهیچه.

MŪYĒ, MŪĒDAN	فارسی (PERSIAN): مویه، موبیدن (به چَم کَرِه و نوحه کردن)
MOAN, LAMENT	چَم انگلیسی سوزاژه‌ی فارسی:
*MŪ-, *MUG-, *MUGYO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

MÓJATI		MAUDHA	:(OLD PERSIAN) پارسی باستان
MOIR	:(ARMENIAN) ارمنی	MŌYAG, MŌDHAK	:(PAHLAVI) پهلوی
MUZŌ	:(GREEK) یونانی	MŪNJATI,	:(SANSKRIT) سانسکریت

MUGGA- هیت (HITTITE)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	751-752
DELAMARRE:	(MUGIR) 270
MACKENZIE:	(LAMENTATIO) 121
۲۰۵۷	برهان قاطع:

MŪGIŌ, MUGIRE (LATIN) لاتین

MUGIR (FRENCH) فرانسه

MUGIR (SPANISH) اسپانیایی

MACHARRE (ITALIAN) ایتالیایی

(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

MUCKAZZEN

MUCKEN (GERMAN) آلمانی

یادداشت:

چم این واژه در ارمنی: گدایی کردن.

MEH, MEHTAR	فارسی (PERSIAN): مه، مهتر
GREAT, OLD(ER), ELDER	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MEG-, *MEGH	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

MIKILS (GOTHIC) گوتیک
(OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

MIKILL

MIKIL (OLD SAXON) ساکسونی کهن
(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

MIHHIL, MICHIL

MICEL (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

MUCH, MICKLE, (ENGLISH) انگلیسی

MASTER

MEGET (DANISH) دانمارکی

MYCKEN (SWEDISH) سوئدی

MYKE, MYE (NORWOLIAN) نروژی

MAG, MAIGE (OLD IRISH) ایرلندی کهن

MAGIO (GALISH) گالی

MEISTR (WELSH) ولزی

MESTR (BRETON) برتونی

MATH, MADHI (ALBANIAN) آلبانی

MEKKISH (HITTITE) هیت

MASYĀO, MAZANT, (AVESTAN) اوستایی
MAZ-

پارسی باستان (OLD PERSIAN)

*MATHIYAH, *MASIYAH, MATHISHTA

MEH, MAS, MAHIST, (PAHLAVI) پهلوی

MAHESHT

MASTIR (KURDISH) کردی

MASHAR (AFGHANI) افغانی (پشتو)

MAK (TOKHARIAN A) A تخاری

MAKĀ (TOKHARIAN B) B تخاری

MAHĀ-, (SANSKRIT) سانسکریت

MAHĀNT

MEC (ARMENIAN) ارمنی

MEGAS, MEGÁLOU (GREEK) یونانی

MAGNUS, MAGISTER (LATIN) لاتین

MAITRE (FRENCH) فرانسه

MAESTRO (SPANISH) اسپانیایی

MAESTRO (ITALIAN) ایتالیایی

MASTRE (PORTUGUESE) پرتغالی

DELAMARRE:	(GRAND) 227	REFERENCES	پسگنت‌ها
MACKENZIE:	(GREAT) 116	POKORNY:	708
BUCK:	1329, 878-880	BARNHART	
۷۰۵۸	برهان قاطع:	(MASTER) 639, (MUCH) 683	

یادداشت:

واژه‌های هندی "مهارج" و "مهانتا" و "ماهرت" (MAHOUT) نیز از همین ریشه‌اند.

MEH, MĒGH	فارسی (PERSIAN): مه، میغ (به چَم "ابر"، "سحاب")
MIST, FOG, CLOUD	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MEIGH-, *MEIK-, *MIGHLĀ-, *MOIGH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

MGLA	: (POLISH) لهستانی	MARGHA	: (AVESTAN) اوستایی
MGLA, MZHIT	: (RUSSIAN) روسی	MĒGH, MIZNĒ	: (PAHLAVI) پهلوی
MĀGLA	: (SERBIAN) صربی	MIGH, MĪGHĀ	: (OSSETIC) اوسنی
MHA	: (BOHEMIAN) بوهمی	MIH, MEGHĀ	: (SANSKRIT) سانسکریت
MIGLĀ	: (LITHUANIAN) لیتوانی	MĒG, MEK	: (ARMENIAN) ارمنی
MIGLA	: (LATVIAN) لتونی	OMIKHLĒ	: (GREEK) یونانی
			: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن

REFERENCES	پسگنت‌ها
POKORNY:	712
BARNHART:	(MIST) 668
DELAMARRE:	(BROUILLARD) 186
MACKENZIE:	(CLOUD) 107, (MIST) 124
BUCK:	65-66
ONIONS	(MIST) 581
SKEAT:	(MIS) 380
۲۰۵۸-۲۰۵۹ و ۲۰۷۹	برهان قاطع:

MISTR, MISTUR	
MIGGELJE	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
MIST	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
MIST	: (ENGLISH) انگلیسی
MIST	: (SWEDISH) سوئدی
MIST	: (NORWIGIAN) نروژی
MIST, MIGGELN	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
MĪGLA	

MOHR	فارسی (PERSIAN): مُهر
SEAL	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MEI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
MUDRÁK, MUDAR	پهلوی (PAHLAVI): MUHR, MUTRAK,

پسگشت‌ها	REFERENCES
710	POKORNY:
131 (SEAL)	MACKENZIE:
برهان قاطع :	۲۰۶۲
فرهنگ معین :	۲۲۶۲

MIXUR	اوستی (OSSETIC):
	کردی (KURDISH):
MUHUR, MOOR, MOHR	
	بلوچی (BALUCHI):
MURDĀN, MURDĀNAGH	
MUDRA	سانسکریت (SANSKRIT):
MURHAK	ارمنی (ARMENIAN):

MAY	فارسی (PERSIAN): می (به چَم "شراب")
WINE	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MEDHU	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

MATHU, MADHA	اوستایی (AVESTAN):
MADHU	
MAI, MADH, MAY	پهلوی (PAHLAVI):
MID, MUD	اوستی (OSSETIC):
MEI, MEYA	کردی (KURDISH):
MEY	افغانی (بشتی) (AFGHANI):
MUDH	سغدی (SOGHDIAN):
MĀDHU, MĀDA	سانسکریت (SANSKRIT):
MÉTHU, MÉLI	یونانی (GREEK):
MÉTHY	
(HYDRO)MELI	لاتین (LATIN):
(HYDRO)MEL	فرانس (FRENCH):
(HIDRO)MEL	اسپانیایی (SPANISH):
(IDRO)MEL	ایتالیایی (ITALIAN):
(HIDRO)MEL	پرتغالی (PORTUGUESE):
MIDUS	گوتیک (GOTHIC):
	ایسلندی (OLD SCANDINAVIAN):
MJODHR	
MEDE	فریزی (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
METU	
MET	آلمانی (GERMAN):
MEDU	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
MEAD	انگلیسی (ENGLISH):
MJOD	دانمارکی (DANISH):
MJÖD	سوئدی (SWEDISH):
MJOD	نروژی (NORWOLAN):
MEE, MEDE	هلندی (DUTCH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
MEDŮ	
MIOD	لهستانی (POLISH):
MED	روسی (RUSSIAN):
MEDUS	لیتوانی (LITHUANIAN):
MEDDO	پروسی کهن (OLD PRUSSIN):
MID, MEDO	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
MEDD	ولزی (WELSH):

BUCK:	389	REFERENCES	پسگشت‌ها
ONIONS:	(MEAD) 564	POKORNY:	707
SKEAT:	(MEAD) 368	BARNHART:	(MEAD) 644
AMINDAROV:	(WINE) 310	DELAMARRE:	147, 148
۲۰۷۱ و ۲۰۳۰	برهان قاطع:	MACKENZIE:	(WINE) 140

یادداشت:

ریشه این واژه و ریشه واژه‌ی "انگبین" یا "عسل" در زبان هند و اروپایی یکی است و شاید علت این باشد که در دوران باستان نوشابه‌ی الکی مردمان هند و اروپایی عبارت بود از عسل تخمیر شده یا شراب عسل (بعدها ساختن شراب از انگور مرسوم‌تر شد). امروزه واژه شراب در اکثر زبان‌های اروپایی از واژه‌ی لاتین VINUM آمده است و اصل این واژه درست معلوم نیست.

MĪĀN	فارسی (PERSIAN): میان
MIDDLE, MID-, BETWEEN	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*ME-, *MEDHI-, *MĀDHYA-, *MĒDHYO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ایتالیایی (ITALIAN):	اوستایی (AVESTAN): MAITHA, MAIDHYA
MEDIO, (NEL) MEZZO	پهلوی (PAHLAVI): MIYĀN, MAYĀN
(DO) MEIO (PORTUGUESE):	اوستی (OSSETIC): MIDĀG, MEDĀG,
MIDJIS (GOTHIC):	MEFIIO
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	MAYĀN (KIRIN) (KURDISH):
MEDHAL, MIDHR	بلوچی (BALUCHI): NIYĀMAGH,
MIDDIL (OLD SAXON) کهن	NIYĪMIG, NIYĀM
MIDDEL (OLD FRISIAN) کهن	افغانی (پشتو) (AFGHANI): MANJ, MIYANJ,
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	MANDZ
MITTIL, MITTI	سانسکریت (SANSKRIT): MĀDHYA
MITTEL آلمانی (GERMAN):	ارمنی (ARMENIAN): MĒJ, MICHAG,
MIDDEL انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	MICHIN, MECHDEGH
MIDDLE, MID- انگلیسی (ENGLISH):	یونانی (GREEK): MÉSOS, MÉTHYOS,
MIDDLE, MIDT- دانمارکی (DANISH):	MESO-
MEDEL, MID- سوئدی (SWEDISH):	MEDIUS لاتین (LATIN):
MIDDEL, MIDT- نروژی (NORWEGIAN):	فرانس (FRENCH): (AU) MILIEU, MI-
MIDDEL, MIDDEN- هلندی (DUTCH):	MEDIO اسپانیایی (SPANISH):

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	706
BARNHART:	(MIDDLE) 659
DELAMARRE:	(AU MILIEU) 227
MACKENZIE:	(BETWEEN) 104,
(MIDDLE) 124	
BUCK:	863
ONIONS	(MIDDLE) 575
SKEAT:	(MIDDLE) 374
RAMAT:	46
۲۰۷۲	برهان قاطع :

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

MEZHDU	
MIEDZY	لهستانی (POLISH):
MEZHÁ	روسی (RUSSIAN):
MEZI	چک (CZECH):
MEZHDA	بلغاری (BULGARIAN):
MEDZI	اسلواکی (SLOVAK):
IMMEDŌN,	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
MIDE, MID-	
MEDIO-	گالی (GALISH):

MĒX	فارسی (PERSIAN): میخ
NAIL, PEG	چم انگلیسی سرواژه ای فارسی:
*MEI-, *MOI-RO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

-MĀRI	*MAIXA پارسای باستان (OLD PERSIAN):
MĀRE, (OLD ENGLISH) کهن	MĒX پهلوی (PAHLAVI):
GEMĀRE	MĪX, MĒX اوستی (OSSETIC):
-TUIDMEN, (OLD IRISH) کهن	MĪX کردی (KURDISH):
TUIDME	MĒH بلوچی (BALUCHI):
	MĒX, MĒXCŪ افغانی (پشت) (AFGHANI):

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	709
MACKENZIE:	(NAIL) 124
۲۰۷۳	برهان قاطع :

MYGHK	سغدی (SOGHDIAN):
MAYŪKHA	سانسکریت (SANSKRIT):
MOENIA, MOENIUM	لاتین (LATIN):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: استحکامات.

MITRA, MEHR	فارسی (PERSIAN): میترا، مهر
MITRA (NAME OF A GOD), KINDNESS, AFFECTION, AMITY, FRIENDSHIP, LOVE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	710
AMINDAROV:	(MIHR) 117
THE AMERICAN HERITAGE DICTIONARY OF THE ENGLISH LANGUAGE:	(MEI-) 2073
۲۰۶۰-۲۰۶۱	برهان قاطع:
۴۴۶۲	فرهنگ معین:

MITHRA	اوستایی (AVESTAN):
MITHRA	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
MITR, MITHR, MIHR	پهلوی (PAHLAVI):
MIHR	کردی (KURDISH):
MEHR	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
	سانسکریت (SANSKRIT):
MITRÁ, MITRAH	
MITRHĒ	یونانی (GREEK):
	لتونی (لتی) (LATVIAN):
MIEMURI, MEIMURI	

MĒZ, MĒX, MĒXTAN	فارسی (PERSIAN): میز، میخ، میختن (به چشم شاش، شاشیدن)
URINE, PISS	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MEIGH, *MOIGHO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

OMIKHÉO	یونانی (GREEK):
MICTUM, MINGŌ,	لاتین (LATIN):
MINGĒRE	
MEAR	اسپانیایی (SPANISH):
MAIHSTUS	گوتیک (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
MIGA	
MJUKS	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
MIST	
MIST	آلمانی (GERMAN):
MIGAN,	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
MEOX	
MOCZ	لهستانی (POLISH):
MĒZAITI, MAEZ,	اوستایی (AVESTAN):
MAĒSMA, MIZ-	
(GŌ-)MĪZ, MISTAN,	پهلوی (PAHLAVI):
MĪZĪTAN	
MĒZUM, MIZIN	اوستی (OSSETIC):
MIZ, MIZTIN,	کردی (KURDISH):
MISTIN	
MĒZAGH,	بلوچی (BALUCHI):
MIZHAGH	
MITAL	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
MISO	تخاری B (TOKHARIAN B):
MĒHATĪ,	سانسکریت (SANSKRIT):
MEHAS, MIH-	
MIZEM, MIZ, MEZ	ارمنی (ARMENIAN):

MŪNAIM

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	713
DELAMARRE:	(URINER) 268
MACKENZIE:	(URINE) 138
BUCK:	273
۲۰۷۶ و ۲۰۷۳	برهان قاطع:

MOCHA, MOCHIT	روسی (RUSSIAN):
MIZHA, MIZA	چک (CZECH):
MIZĀM	صربی (SERBIAN):
MOCHITI	بوهمی (BOHEMIAN):
MOCH	اسلواکی (SLOVAK):
MĒZHU,	لیتوانی (LITHUANIAN):
MYSHTI, MINZHU	
MIZHU, MIEZNU	لتونی (LATVIAN):
MŪN,	ایرلندی کهن (OLD IRISH):

یادداشت:

چم این واژه در زبان آلمانی: کود حیوانی، کفایت.

MĒSH	فارسی (PERSIAN): میش
EWE, SHEEP	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MOISO-, *MAISO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

MIECH	لهستانی (POLISH):
MĒCH	روسی (RUSSIAN):
MĒCHU	بلغاری کهن (OLD BULGARIAN):
MÁISHAS,	لیتوانی (LITHUANIAN):
MÁISHE	
MÁISS, MÁIKES	لتونی (LATVIAN):
MOASIS	پروسی کهن (OLD PRUSSIN):

MAĒSHA	اوستایی (AVESTAN):
MĒSH	پهلوی (PAHLAVI):
MEH, MIH, MERR,	کردی (KURDISH):
MĪ	
MĒSH	بلوچی (BALUCHI):
MĒGH, MĒSH,	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
MAZH	
MĒSHA, MĒSI-	سانسکریت (SANSKRIT):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

MEISS	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
MEIS	
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
MECHU	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	747
MACKENZIE:	(SHEEP) 132
BUCK:	158
AMINDAROV:	(SHEEP) 284
۲۰۷۸	برهان قاطع:

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های اسلاوی و بالتیک و ژرمنی: پوست گوسفند، کبهدی چرمی، دم آهنگری.

MINU	فارسی (PERSIAN): مینو
SPIRIT, INTELLECT (UAL), SPIRITUAL	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MEN-, *MEMONA, *MNYETOL, *MENĒI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

GEMUNT, MINNA	اوستایی (AVESTAN): MENOI, MAINYA,
GEMIND (OLD ENGLISH) کهن انگلیسی	MAINYEITE
MIND (ENGLISH) انگلیسی	پارسی باستان (OLD PERSIAN): MANIYU-,
(OLD CHURCH SLAVIC) کهن اسلاوی	MAINYĀHAY
MINJO, MINETI	پهلوی (PAHLAVI): MĒNŪK, MĒNOG,
-MIONE (POLISH) لهستانی	MEN-, MĒNŌGIG
-MENU (CZECH) چک	MNU (TOKHARIAN A) A تخاری
MENU, MINTI (LITHUANIAN) لیتوانی	MANU (TOKHARIAN B) B تخاری
-MOINIUR, (OLD IRISH) ایرلندی کهن	MANAS, (SANSKRIT) سانسکریت
MENME	MANATI, MAMNĒ, MANYATI, MANYU
MEMMĀI (HITTITE) هیتی	MAINOMAI, MÉNOS (GREEK) یونانی
	MENEŌ, MEMINI, (LATIN) لاتین
	MENS

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	726-727
BARNHART:	(MIND) 663
DELAMARRE:	270
MACKENZIE:	
	(MĒNŌG) 55, (SPIRITUAL) 134
BUCK:	1198
ONIONS:	(MIND) 577
SKEAT:	(MIND) 755
۲۰۸۳	برهان قاطع:

MENTE (SPANISH) اسپانیایی
MENTE (ITALIAN) ایتالیایی
MINTE (RUMANIAN) رومانی
MAN, MUNAN, (GOTHIC) گوتیک
GEMUNDS
(OLD SCANDINAVIAN) کهن اسکاندیناوی
MUNR, MINI
MINNEA (OLD SAXON) ساکسونی کهن
MINNE (OLD FRISIAN) فریزی کهن
(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

یادداشت:

چم‌های مختلف این واژه در زبان‌های هند و اروپایی: یاد، حافظه، اندیشه، روح، یادآوری.

۲- واژه‌های MANIC, MANIA- نیز از همین ریشه‌اند.

NĀXON	فارسی (PERSIAN): ناخن
NAIL	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*ONOGH-, *ONGH-, *NOGH-, *NGH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

NAGEL	سوئدی (SWEDISH):	NĀXON	پهلوی (PAHLAVI):
NEGL	نروژی (NORWEGIAN):	NAXONB	کردی (KURDISH):
NAGEL	هلندی (DUTCH):	KĀKUN, NĀHUN,	بلوچی (BALUCHI):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	NĀXUN	
NOGŪTI		NUK	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
NOGOT	روسی (RUSSIAN):	NAKHĀS,	سانسکریت (SANSKRIT):
NEHET	چک (CZECH):	NAKHĀM	
NOGA	بلغاری کهن (OLD BULGARIAN):	ŌNYX, ŌNYCHOS	یونانی (GREEK):
NOKAT	صربی (SERBIAN):	UNGUIS	لاتین (LATIN):
NEHET	بوهمی (BOHEMIAN):	ONGLE	فرانسé (FRENCH):
NECHT	اسلواکی (SLOVAK):	UŇA	اسپانیایی (SPANISH):
NĀGAS	لیتوانی (LITHUANIAN):	UNGHIA	ایتالیایی (ITALIAN):
NĀGAS	لتونی (لتی) (LATVIAN):	UNGHIE	رومانی (RUMANIAN):
NAGE	پروسی کهن (OLD PRUSSIN):	UNHA	پرتغالی (PORTUGUESE):
INGEN, IONGA:	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	GA-NAGLJAN	گوتیک (GOTHIC):
EGUIN	ولزی (WELSH):		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
IVIN	برتونی (BRETON):	NAGL	

NAGAL : ساکسونی کهن (OLD SAXON)

NEIL : فریزی کهن (OLD FRISIAN)

: آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

NAGAL

NAGEL : آلمانی (GERMAN)

: انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

NEIL, NEGL

NAIL : انگلیسی (ENGLISH)

NEGL : دانمارکی (DANISH)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	780
BARNHART:	(NAIL) 692
DELAMARRE:	(ONGLE) 105
MACKENZIE:	(NAIL) 124
BUCK:	۷۸۵
۲۰۸۹	برهان قاطع:

NĀSHTĀ	فارسی (PERSIAN): ناشتا(به چم "خوراک نخورده")
NOT HAVING EATEN, HUNGRY	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*ED-, *OD-, *EDQNO-, *EDMEN-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ETEN	هلندی (DUTCH):	ATHAITI	اوستایی (AVESTAN):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	EDUM	اوستی (OSSETIC):
JASTŪ, ĪSTI		NASHTA	کردی (KURDISH):
ĒSTI, EDU, EMI	لیتوانی (LITHUANIAN):	NĀTSW	تخاری A (TOKHARIAN A):
ĒST	لتونی (LATVIAN):	ĀDMI, ACHNATI	سانسکریت (SANSKRIT):
ĪST	پروسی کهن (OLD PRUSSIN):	AD-	
ESSE, ITHIM	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	UTEM	ارمنی (ARMENIAN):
YS, ITH	گالی (GALISH):		یونانی (GREEK):
YSU	ولزی (WELSH):	EDMENAI, EDŌ, ÉDEIN	
ETMI, ET, ETIR	هیتی (HITTITE):	ĒDŌ, ESSE, EDERE	لاتین (LATIN):
		ITAN, ETUM	گوتیک (GOTHIC):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

ETA	
ETAN	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
ĪTA	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
EZZAN	
ESSEN	آلمانی (GERMAN):
ETAN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
EAT	انگلیسی (ENGLISH):
ĀTA	سوئدی (SWEDISH):

یادداشت:

- ۱- واژه فارسی "ناشتا" از پیشوند "نا" (نشان منفی) و ریشه‌ی "شتا" (به چم "خوردن") درست شده است.
- ۲- چم این واژه در زبان‌های این فهرست (به جز سانسکریت و زبانهای ایرانی): خوردن، خورد.

NĀF	فارسی (PERSIAN): ناف
NAVEL,	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*NOBH-, *NŌBH-, *ONBH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

NAPAT	پارسی باستان (OLD PERSIAN):	NĀFA, NABĀ	اوستایی (AVESTAN):
-------	-----------------------------	------------	--------------------

NABULA	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	NĀFAG, NĀF	: (PAHLAVI) پهلوی
NAFELA		NAFFĀ	: (OSSETIC) اوستی
NAVEL	: (ENGLISH) انگلیسی	NAW, NĀV	: (KURDISH) کردی
NAVLE	: (DANISH) دانمارکی	NĀFAGH, NĀFAG,	: (BALUCHI) بلوچی
NAVLE	: (SWEDISH) سوئدی	NĀPAG	
NAVLE	: (NORWGLAN) نروژی	NUM, NU	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
NAVEL	: (DUTCH) هلندی	NĀBHIS,	: (SANSKRIT) سانسکریت
NABA	: (LATVIAN) لثونی (لثی)	NĀBHYAM	
NABIS	: (OLD PRUSSIN) پروسی کهن	OMPHALÓS, NĒUS	: (GREEK) یونانی
IMBLIU	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	UMBILICUS, IMBŌ	: (LATIN) لاتین

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	314
BARNHART:	(NAVEL) 696
DELAMARRE:	(NOMBRIL) 104
MACKENZIE:	(NAVEL) 124
BUCK:	250
ONIONS	(NAVEL) 604
SKEAT:	(NAVEL) 396
۲۱۰۰	برهان قاطع:

OMBLIGO	: (SPANISH) اسپانیایی
BELLICO	: (ITALIAN) ایتالیایی
BURIC	: (RUMANIAN) رومانی
UMBIGO	: (PORTUGUESE) پرتغالی
	: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن
NAFL, NOF, NOR	
NAVLA	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
NABALO, NABA	
NABEL, NABE	: (GERMAN) آلمانی

NĀM	فارسی (PERSIAN): نام
NAME	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*EN(0)MN, *(0)NOMN, *NŌMN	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی
NŌM	: (TOKHARIAN B) B تخاری
NĀMA	: (KHOTANESE) ختنی
NĀMAN	: (SANSKRIT) سانسکریت
ANUN, ANOUN	: (ARMENIAN) ارمنی
ÓNOMA, ÓNYMA	: (GREEK) یونانی
NOMEN	: (LATIN) لاتین
NOM	: (FRENCH) فرانسه
NOMBRE	: (SPANISH) اسپانیایی
NAMAN	: (AVESTAN) اوستایی
NĀMAN	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
NĀM	: (PAHLAVI) پهلوی
NOM, NON	: (OSSETIC) اوستی
NĀM, NĀV, NAW	: (KURDISH) کردی
NĀM	: (BALUCHI) بلوچی
NUM	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
NĒM	: (TOKHARIAN A) A تخاری

IMJA	: (RUSSIAN) روسی
JMĚ	: (CZECH) چک
MENO, NÁZOV	: (SLOVAK) اسلواکی
EMNES,	: (OLD PRUSSIN) پروسی کهن
EMMENS	
AINM	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
ENW	: (WELSH) ولزی
HANO, ANO	: (BRETON) برتونی
ÉMĚN	: (ALBANIAN) آلبانی
LĀMAN	: (HITTITE) هیت

REFERENCES	بسیگشت ما
POKORNY:	321
BARNHART:	(NAME) 693
DELAMARRE:	(NOM) 52
MACKENZIE:	(NAME) 124
BUCK:	1263
ONIONS:	(NAME) 602
SKEAT:	(NAME) 395
۲۱۰۶	: برهان قاطع

NOME	: (ITALIAN) ایتالیایی
NUME	: (RUMANIAN) رومانی
NOME	: (PORTUGUESE) پرتغالی
NAMŌ	: (GOTHIC) گوتیک
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
NAFN	
NAMO	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
NAMA	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
NAMO	
NAME	: (GERMAN) آلمانی
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

NAMA, NOMA	
NAME	: (ENGLISH) انگلیسی
NAVN	: (DANISH) دانمارکی
NAMN	: (SWEDISH) سوئدی
NAVN	: (NORWEGIAN) نروژی
NAAM	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
IME	
IMIE, NAZWA	: (POLISH) لهستانی

NĀV	: (PERSIAN) فارسی
SHIP	: چم انگلیسی سرواژه فارسی
*NĀUS	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی

NAŪS	NAVĀZA, NAVAYA	: (AVESTAN) اوستایی
NAV, NAVEM		: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
NAŪS, NĒUS		
NĀVIS, NAVIGARE		: (PAHLAVI) پهلوی
NAVIRE		: (OSSETIC) اوستی
NAVE, NAVIO		: (KURDISH) کردی
NAVE		
	NĀV, NĀVAJĀ	: (SANSKRIT) سانسکریت

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	755-756
BARNHART:	(NAVY) 696
DELAMARRE:	(NAVIRE) 126
MACKENZIE:	(NAVIGABLE) 124
BUCK:	1380
ONIONS:	(NAVAL) 604
SKEAT:	(NAVE) 396, (NAVY) 397
MALLORY:	121
۲۱۱۰	برهان قاطع:

NAVĀ	رومانی (RUMANIAN):
NAVIO	پرتغالی (PORTUGUESE):
	ایسکندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
NÓR	
NAVIE,	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
NŌWEND	
NAVY	انگلیسی (ENGLISH):
ŪAU, NAUE	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
NOE, NĀVĀ	گالی (GALISH):
NOE	ولزی (WELSH):
NEO	برتونی (BRETON):

یادداشت:

چم این واژه در انگلیسی: ناوگان، نیروی دریایی.

NĀY, NEY	فارسی (PERSIAN): نای، نی
CANE, REED, PIPE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*NEDO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

NASHLI, NASLI : (LATVIAN) لتونی (لتی)

*NADA : (OLD PERSIAN) پارسی باستان

NĀY, NĀDH, NAI : (PAHLAVI) پهلوی

NEI : (KURDISH) کردی

NĀRA : (AFGHANI) افغانی (پشو)

NADĀ, NADHĀ : (SANSKRIT) سانسکریت

NET : (ARMENIAN) ارمنی

NĒNDRE : (LITHUANIAN) لیتوانی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	759
MACKENZIE:	(REED, CANE) 58
MALLORY & ADAMS:	NEDÓS
۲۱۱۳ و ۲۲۲۱	برهان قاطع:

یادداشت:

۱- این واژه با واژه‌ی "نی" خویشی نزدیک دارد.

۲- چم این واژه در زبان ارمنی: پیکان.

NAR, NARRÉ, NARINĒ	فارسی (PERSIAN): نر، نره - (مثلاً در "نره خر")، نرینه
MALE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*NER-, *ANER-, *NĀRO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

NRAVE	اوستایی (AVESTAN): NAR, NARA,
NORIU, NORETI, (LITHUANIAN)	لیتوانی
NORAS, NARTSAS	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
NERTIEN	پروسی کهن (OLD PRUSSIN):
NĀR, NERT	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
NER	ولزی (WELSH):
NERZA	برتونی (BRETON):
NJER	آلبانی (ALBANIAN):
	MAIRYA
	MARTIYA, NAR
	NAR
	NART-, NALE, NAL
	کردی (KURDISH): NER, NĒR
	بلوچی (BALUCHI): NAR
	افغانی (پشتو) (AFGHANI): NĀR, NĀRINA
	سانسکریت (SANSKRIT): NĀR, NARAH,
	NARYA
	ارمنی (ARMENIAN): AIR, ARN
	یونانی (GREEK): NOREI, ANDRÓS
	لاتین (LATIN): NERŌ, NERIOSUS,
	گوئیک (GOTHIC): NERIO
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): NJORDA

REFERENCES	پیگشت‌ها
POKORNY:	765
MACKENZIE:	(MALE) 122
BUCK:	85, 81, 139
AMINDAROV:	(MALE) 251
۲۲۴۰۶	لغت نامه دهخدا:
۲۱۲۶	برهان قاطع:

یادداشت:

- ۱- چشم این واژه در زبان لاتین (به ویژه به عنوان اسم خاص یا ویژه نام): نیرومند. چشم این واژه در زبان‌های ولزی و برتونی: قهرمان. چشم این واژه در زبان پروسی کهن: خشم. چشم این واژه در زبان گوئیک: (اسم خاص) نام خدا. چشم این واژه در ایرلندی کهن: شریف، بزرگوار.
- ۲- بازگشت به: نیرو، نیر.

NAZD, NAZDIK	فارسی (PERSIAN): نزد، نزدیک
NEAR, NIGH, CLOSE (BY)	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SED-, *SĒD-, *SEDŌ-, *NEDŌ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
NAZDISHTA-, NAZDA-	اوستایی (AVESTAN): NAZDYŌ, ĀSNA

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	886
DELAMARRE: (NEAR) 697, (NIGH) 704	
MACKENZIE: (NEAR) 124	
BUCK: (NEAR) 867-868	
۲۱۳۳	برهان قاطع:

NAZD, NAZDIK	: (PAHLAVI) پهلوی
NIZDĒ, NIZUK,	: (KURDISH) کردی
NEZIK	
NAZIK, NAZIX, NAZI	: (BALUCHI) بلوچی
NĒZHDE	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
NĒDĪYAS-	: (SANSKRIT) سانسکریت
NĒDISTHA-, ĀSANNA-	

یادداشت:

شباهت واژگان این فهرست با واژه‌های انگلیسی NIGH, NEAR (و هم‌ریشه‌های ژرمنی آنها) چشمگیر است ولی واج‌ریشه‌شناسان ریشه‌ی این واژه‌های ژرمنی را ناشناخته می‌دانند.

NOS	فارسی (PERSIAN): نُس (به چَم "پوزه"، "اطراف دهان")
SNOUT	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*NAS-, *NĀS-, *NES-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	755
BARNHART: (NOSE) 710	
۲۱۳۵-۲۱۳۶	برهان قاطع:
۴۷۱۳	فرهنگ معین:
۲۲۴۴۸	لغت‌نامه دهخدا:

NĀH-	: (AVESTAN) اوستایی
NOS, NS	: (SOGHDIAN) سفدی
NĀS	: (SANSKRIT) سانسکریت
NOSU	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

یادداشت:

- ۱- بازگشت به: بینی.
- ۲- چَم این واژه به زبان سفدی: بینی.

NASĀ	فارسی (PERSIAN): نَسا (به چَم "نعش")
CORPSE	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*NEK-, *NEKUS-, *NK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

NASĀ, NASTĀ,	: (SANSKRIT) سانسکریت	NASUSH, NASHTA,	: (AVESTAN) اوستایی
NASEYATI, NASTI, -NĀS		NASYEITI, NASTĀ	
NEKROS, NEKUS	: (GREEK) یونانی	NASĀ	: (PAHLAVI) پهلوی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	762
BARNHART:	(NECROLOGY) 698
DELAMARRE:	(CADAVRE) 51
MACKENZIE:	(CORPSE) 108
BUCK:	290-291
ONIONS:	(NECROSIS) 605
SKEAT:	(NECROMANCY) 397
۲۱۳۶	برهان قاطع:

NOCEO,	لاتین (LATIN):
NEX, Ē-NECTUS, NOCERE, NECIS	
ĒC	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
ANGEU	ولزی (WELSH):
ANKOU	برتونی (BRETON):

NESHAST, NESHĀNDAN, NESHASTAN	فارسی (PERSIAN): نشست، نشاندن، نشستن
SITTING, SETTING	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SED-, *SIZDŌ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
SEDERE	ایتالیایی (ITALIAN):
SEDEA	رومانی (RUMANIAN):
SENTAR	پرتغالی (PORTUGUESE):
SITAN, SAHISA	گوتیک (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
SITJA, SIT	
SITTIAN	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
SITTA	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
SIZZEN, SIZZU	
SITZEN	آلمانی (GERMAN):
SITTAN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
SIT	انگلیسی (ENGLISH):
SIDDE	دانمارکی (DANISH):
SITTA	سوئدی (SWEDISH):
SITTE	نروژی (NORWEGIAN):
ZITTEN	هلندی (DUTCH):
NISHASTI,	اوستایی (AVESTAN):
NISHIDHAITI	
	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
NIYASHADAYAM, (NI)SHASTA	
NISHASTAN,	پهلوی (PAHLAVI):
NISHĒM	
NISHIN	کردی (KURDISH):
NINDAG, NINDAGH,	بلوچی (BALUCHI):
NISHTAINAGH	
NĀSTAL, NĀS	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
SĪDATI, SATTĀ	سانسکریت (SANSKRIT):
NISTIM	ارمنی (ARMENIAN):
HEZESTHAI, HĒDARĀ,	یونانی (GREEK):
HĒKTOS	
SEDĒRE, SĒDĒS,	لاتین (LATIN):
SEDEO, SĪDŌ	
ASSEOIR	فرانسه (FRENCH):
SENTAR	اسپانیایی (SPANISH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	884
BARNHART:	(SIT) 1011
DELAMARRE:	(ASSEOIR) 255
MACKENZIE:	(SIT) 133, (SEAT) 131
BUCK:	833-834
ONIONS:	(SIT) 830
SKEAT:	(SIT) 565
۲۱۴۵	برهان قاطع:

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

SĚDĚTI, SESTI

SEDZIEĆ: لهستانی (POLISH)

SIDIET: روسی (RUSSIAN)

SEDĚT: چک (CZECH)

SEDIET: اسلواکی (SLOVAK)

SĚDĚTI, SEDU: لیتوانی (LITHUANIAN)

SEST: لتونی (لتی) (LATVIAN)

SESS: ایرلندی کهن (OLD IRISH)

یادداشت:

چم این واژه در ایرلندی کهن: ستلی.

NEKŪHESH, NEKŪHIDAN	نکوهش، نکوهیدن	فارسی (PERSIAN)
BLAME, EXECRATE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*KEUǾD-, *KŪD-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	

HUTA: سوئدی (SWEDISH)

HUTA: نروژی (NORWEGIAN) (محلی)

PRZE-, PRZY-: لهستانی (POLISH) (محلی)

PROKŪDITU: روسی (RUSSIAN)

:بلغاری کهن (OLD BULGARIAN)

KUZHDO, KUDITI

UT: ایرلندی کهن (OLD IRISH)

NIKŌHIDAN, :پهلوی (PAHLAVI)

NIKOHISHN

KUTSA, :سانسکریت (SANSKRIT)

KUTSĀYATI

CHUDĀZŌ: یونانی (GREEK)

:ایسندیکهن (OLD SCANDINAVIAN)

HŌTA, SKŪTA

:آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

HOSC

HUI: آلمانی (GERMAN)

HŪSC: انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

HOOT: انگلیسی (ENGLISH)

HUJE: دانمارکی (DANISH)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	595-596
MACKENZIE:	(BLAME) 104
SKEAT:	(HOOT) 276
۲۱۶۱	برهان قاطع:

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی و اسلاوی: فریاد، داد زدن.

۲- احتمال دارد که واژه‌ی انگلیسی SHOUT هم از همین ریشه باشد.

NEGĀH	نگاه	فارسی (PERSIAN):
LOOK, GLANCE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*KWEK-, *KWOK-, *KWEKS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	638
MACKENZIE:	(LOOK) 122
۲۱۶۳	برهان قاطع:

AKASAT, *NIKĀSA: (AVESTAN) اوستایی
 NIKĀS, NKĀS, (PAHLAVI) پهلوی
 NIGĀH, NIGARIDAN
 NEKĀ: (KURDISH) کردی
 NIKĀH: (BALUCHI) بلوچی
 KĀSTE, KĀSATE: (SANSKRIT) سانسکریت

یادداشت:

بازگشت به: آگاه.

NAM	نم	فارسی (PERSIAN):
MOISTURE, DAMP(NESS), HUMIDITY	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*NEBH-, *MBH-, *OMB	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	

NUBĒS	: (ITALIAN) ایتالیایی	NABAH-	: (AVESTAN) اوستایی
NOR	: (RUMANIAN) رومانی	NAMNA,	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
NUVEM,	: (PORTUGUESE) پرتغالی	NABNA-	
NEBULOSO		NAM, NAMB,	: (PAHLAVI) پهلوی
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن	NAMBĪTAN	
NIFLE, NJOL		NEMI, NEM	: (KURDISH) کردی
NEBLA	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن	NAMB	: (BALUCHI) بلوچی
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	NUMD, NŪMD	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
NEBULE		NĀBHAS	: (SANSKRIT) سانسکریت
NEBEL	: (GERMAN) آلمانی	NÉPHOS, NEPHÉLĒ	: (GREEK) یونانی
NIFOL	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	NEBULA	: (LATIN) لاتین
NEVEL	: (DUTCH) هلندی	NEBLEUX, NUE,	: (FRENCH) فرانسه
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	NUAGE	
NEBO, NEBESA		NUBE, NEBULOSO	: (SPANISH) اسپانیایی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	315-316
BARNHART:	(NEBULA) 637
DELAMARRE:	(NUAGE, NUÉE) 187
MACKENZIE:	(MOISTURE) 124
BUCK:	1074-1075
ONIONS:	(NEBULA) 605
SKEAT:	(NEBULA) 397
MALLORY:	76
۲۱۶۷	برهان قاطع:
۴۸۰۹	فرهنگ معین:

NIEBO	لهستانی (POLISH):
NEBO	روسی (RUSSIAN):
NEBE	چک (CZECH):
DEBESIS	لیتوانی (LITHUANIAN):
NEM, NĒL	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
NEPIS, NEPISAS	هیتی (HITTITE):

یادداشت:

- ۱- پنجم این واژه در زبان‌های غیرایرانی: ابر، سحابی، آسمان.
 ۲- واژه‌ی فارسی "نفت" نیز از همین واژه است (سانسکریت: NABHANŪ اوستایی: NAFTA پهلوی: NAFT). ضمناً واژه‌ی انگلیسی NAPHTHA از همین واژه‌ی فارسی گرفته شده است.

NAMĀZ	فارسی (PERSIAN): نماز
PRAYER	پنجم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*NEM-, *NMTO-, *NEMOS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

NEMED,	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
NIMIDAS	
NANTO	گالی (GALISH):
NANT	ولزی (WELSH):

NEMAH, NEMAITI	اوستایی (AVESTAN):
NAM-	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
NAMĀC, NAMAZH,	پهلوی (PAHLAVI):
NAMĀZ	

NYMIJ, NYMI	کردی (KURDISH):
NAMĀSH, NAWĀSH	بلوچی (BALUCHI):
NMŪNJ	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
NĀMAŚ,	سانسکریت (SANSKRIT):

NAMATI, NATA-	
NĒMOS	یونانی (GREEK):
NEMOS, NEMORIS	لاتین (LATIN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	764
MACKENZIE:	(PROSTRATION) 128,
	(REVERENCE) 130
۲۱۶۸	برهان قاطع:

یادداشت:

- ۱- چم اصلی این واژه در هند و اروپایی و پارسی باستان و اوستایی: تعظیم و تکریم، دعا.
 ۲- چم این واژه در یونانی و لاتین: یشی مقدس، چراگاه.

NEMŪDAN	فارسی (PERSIAN): نمودن
SHOW, REVEAL	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*NEI-, *NEIǵ-, *NI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

NĪATH	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	NAYEITI	اوستایی (AVESTAN):
NĀI-	هیتی (HITTITE):	NI-MĀ-, NI-MĀY	پارسی باستان (OLD PERSIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	760
MACKENZIE:	
(GUIDE) 117, (SHOW) 132	
۲۱۱۷	برهان قاطع:

NĪTAN, NIMŪDAN,	پهلوی (PAHLAVI):
NIMŪTAN	
NIMAIŃ, NIMAYUN	اوستی (OSSETIC):
NĀYATI, NĪTA-,	سانسکریت (SANSKRIT):
NITHĀ, NĒTĀR	

یادداشت:

چم این واژه در اوستی: شمردن، حساب نمودن.

NANĒ	فارسی (PERSIAN): ننه، نه نه (به چم 'مادر'، 'دایه'، 'مادر بزرگ')
*NANA, *NENA	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

NAIN	ولزی (WELSH):	NANĀ	سانسکریت (SANSKRIT):
NĀNE, NĒN	آلبانی (ALBANIAN):	NĀNNA, NINNĒ,	یونانی (GREEK):
		NENNOS	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	754
MALLORY & ADAMS:	N-HEN, N-AN
۲۸۲۴	فرهنگ معین:
۲۲۷۶۳-۲۲۷۶۴	لغت‌نامه دهخدا:

NONNUS, NONNA	لاتین (LATIN):
NJANJA	رومانی (RUMANIAN):
NENNE	آلمانی (GERMAN):
NANNY, NANA	انگلیسی (ENGLISH):
NJANJA	روسی (RUSSIAN):
NENI	بلغاری (BULGARAIN):

یادداشت:

چم این واژه در زبان آلمانی: (زبان کودکان) شیر.
چم این واژه در زبان بلغاری: ارشد، بزرگتر.

NŌ, NAVIN	فارسی (PERSIAN): نو، نوین
NEW	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*NEWO-, *NEWYOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): NIUWE	اوستایی (AVESTAN): NAVŌ, NAVA
آلمانی (GERMAN): NEU	پارسی باستان (OLD PERSIAN): NEUWENEN, NAUNS
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): NĪWE,	پهلوی (PAHLAVI): NŌG, NAVAK, NŌK,
NĒOWE, NĪOWE	NŌ
انگلیسی (ENGLISH): NEW	اوستی (OSSETIC): NVOG, NĀVĀG
دانمارکی (DANISH): NY	کردی (KURDISH): NŪ, NEŪ
سوئدی (SWEDISH): NY	بلوچی (BALUCHI): NŌK, NŌX
نروژی (NORWEGIAN): NY	افغانی (پشتو) (AFGHANI): NAU, NAVAĪ,
هلندی (DUTCH): NIEUW	NAWE
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): NOVŪ	تخاری A (TOKHARIAN A): NŪ
لهستانی (POLISH): NOWY	تخاری B (TOKHARIAN B): NŪWE, NŪNE
روسی (RUSSIAN): NOVYĬ, NOVIKŪ	سانسکریت (SANSKRIT): NĀVAS, NĀVYAS
چک (CZECH): NOVÝ	ارمنی (AREMIAN): NOR
صربی (SERBIAN): NOV	یونانی (GREEK): NÉOS, NEIOS
بوهمی (BOHEMIAN): NOVÝ	لاتین (LATIN): NOVUS, NOUVĀRE
اسلواکی (SLOVAK): NOVÝ	فرانسé (FRENCH): NOUVEAU, NEUF
لیتوانی (LITHUANIAN): NAUJAS, NAVAS	اسپانیایی (SPANISH): NUEVO, NUEVA
ایرلندی کهن (OLD IRISH): NŪE	ایتالیایی (ITALIAN): NUOVO
گالی (GALISH): NOVIO	رومانی (RUMANIAN): NOV
ولزی (WELSH): NEWYDD	پرتغالی (PORTUGUESE): NOVO, NOVA
برتونی (BRETON): NEVEZ	گوتیک (GOTHIC): NIUJIS
گالیک (GAELIC): NUADH	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): NŪR
هیتی (HITTITE): NĒWAS	ساکسونی کهن (OLD SAXON): NIUWI
	فریزی کهن (OLD FRISIAN): NĪE, NĪ

BUCK:	957	REFERENCES	پگشت‌ها
ONIONS:	(NEW) 608	POKORNY:	769
SKEAT:	(NEW) 399	BARNHART:	(NEW) 702
۲۱۷۳	برهان قاطع:	DELAMARRE:	(NOUVEAU) 229
		MACKENZIE:	(NEW) 125

یادداشت:

این واژه‌های هند و اروپایی با واژه‌های هند و اروپایی *NEU- یا *NŪ- (به چم 'اکنون') خوشی دارد.

فارسی (PERSIAN): نوا، نوانیدن، نویدن (به چم 'نغمه'، 'خواندن'، 'نالیدن')	
NAVĀ, NAVĀNIDAN, NAVIDAN	
چم انگلیسی سوزاژه‌ی فارسی:	SONG, MELODY, SINGING, GROANING, MOANING
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*NEU-, *NEWŌ, *NEŪMI

اوستایی (AVESTAN):	NAD-
پهلوی (PAHLAVI):	NIWAG,
	NIWĒYĒNIDAN, NIWISTAN

REFERENCES	پگشت‌ها
POKORNY:	759
DELAMARRE:	(CRIER) 271
ACKENZIE:	(MELODY) 123,
MALLORY & ADAMS:	
(ANNOUNCCE) 102	
AMINDAROV:	(MELODY) 253
۲۱۸۰ و ۲۱۷۴ و ۲۲۰۹	برهان قاطع:

کردی (KURDISH):	NEWA
تغاری B (TOKHARIAN B):	NU
سانسکریت (SANSKRIT):	NĀVATE, NĀUTI
ارمنی (AREMLIAN):	NUAG, NUAGEM
یونانی (GREEK):	NĒDA, NĒDŌN
لاتین (LATIN):	NUNTIVS, NUNTIVM
لتونی (LITHUANIAN):	NAUJU

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: پیام رسان، فرستاده.

فارسی (PERSIAN): نود	NAVAD
چم انگلیسی سوزاژه‌ی فارسی:	NINETY
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*NEUN+DEKEM
اوستایی (AVESTAN):	NAVATI
پهلوی (PAHLAVI):	NAVAT, NAVAD
کردی (KURDISH):	NUD, NEHVID,
پارسی باستان (OLD PERSIAN):	NAVATI

NINETY	: (ENGLISH) انگلیسی
NEGENTIG	: (DUTCH) هلندی
DZIEWIEĆDZIESIAT	: (POLISH) لهستانی
DEYATDESYAT	: (RUSSIAN) روسی
DEVADESÁT	: (CZECH) چک
DEVETSET	: (BULGARIAN) بلغاری
DEVÄT'DESIAT	: (SLOVAK) اسلواکی
NËNTËDHJETË	: (ALBANIAN) آلبانی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	318,191
BARNHART:	(NINETY) 705
MACKENZIE:	(NINETY) 125
ONIONS:	(NINETY) 611
۲۱۸۲	برهان قاطع:

NĀWĒ, NEHVED	
NAVĒ, NAWI	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
NVIT, NAVATI	: (SANSKRIT) سانسکریت
INNUSOUN	: (ARMENIAN) ارمنی
ENENHTNA	: (GREEK) یونانی
NONAGINTA	: (LATIN) لاتین
QUATRE-VINGT-DIX	: (FRENCH) فرانسه
NOVENTA	: (SPANISH) اسپانیایی
NOVANTA	: (ITALIAN) ایتالیایی
NOUĂZECI	: (RUMANIAN) رومانی
NOVETA	: (PORTUGUESE) پرتغالی
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
NIUNZIG	
NEUNZIG	: (GERMAN) آلمانی
NIGENTY, NIGONTIG	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

NŪZDAH	فارسی (PERSIAN): نوزده
NINETEEN	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*NEUN+DEKM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
DIX-NEUF	: (FRENCH) فرانسه
DIECINUEVE	: (SPANISH) اسپانیایی
DICIANNOVE	: (ITALIAN) ایتالیایی
NOUĂSPREZECE	: (RUMANIAN) رومانی
DEZENOVE	: (PORTUGUESE) پرتغالی
	: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن
NITJAN	
NIGENTEIN	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
NIOGENTENA	
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
NIUNZEHEN	
NAVADASA	: (AVESTAN) اوستایی
	: (PAHLAVI) پهلوی
NAVAZDAH, NŌZDAH	
NÄUDĀS, NUDĀS	: (OSSETIC) اوستی
	: (KURDISH) کردی
NOZDEH, DEH, DĀNEH	
NULAS, NŪNAS	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
	: (SANSKRIT) سانسکریت
NĀVADASA, NVDZN, NIVZIT	
DASNUINU	: (AREMIAN) ارمنی
DEKAENNA	: (GREEK) یونانی
UNDEVIGINTI	: (LATIN) لاتین

BEVETNAYSET : (BULGARIAN) بلغاری
DEVĀTNĀST : (SLOVAK) اسلواکی
NĒNTĒMĒDHJĒTĒ : (ALBANIAN) آلبانی

NEUNZEHN : (GERMAN) آلمانی
: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

NIGONTĒNE

NINETEEN : (ENGLISH) انگلیسی

NITTEN : (DANISH) دانمارکی

NIOTEN : (SWEDISH) سوئدی

NITTEN : (NORWIGIAN) نروژی

NEGENTĒN : (DUTCH) هلندی

DZIEWIETNASTU : (POLISH) لهستانی

DEVYATNADTSAT : (RUSSIAN) روسی

DEVATENĀST : (CZECH) چک

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	318, 191
BARNHART	(NINETEEN) 705
MACKENZIE:	(NINETEEN) 125
ONIONS:	(NINETEEN) 611
AMINDAROV:	(NINETEEN) 260
۲۱۹۵	برهان قاطع:

NAVĒ, NAVĀDĒ	فارسی (PERSIAN): نوه، نواده
GRANDCHILD	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*NĒPŌT-, *NĒPŌTS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

NEVO

NABĀ-, NAPĀT-, : (AVESTAN) اوستایی

NEVA : (OLD FRISIAN) فریزی کهن

NAPTAR

NEVO : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

NAPĀT-, : (OLD PERSIAN) پارسی باستان

NEFFE : (GERMAN) آلمانی

NAPĀ

NEFA : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

NAB : (PAHLAVI) پهلوی

NEPHEW : (ENGLISH) انگلیسی

NEVI : (KURDISH) کردی

NEVE : (DANISH) دانمارکی

NĀPĀT : (SANSKRIT) سانسکریت

NEVO : (SWEDISH) سوئدی

ANEPSIÓS, NEPOUS : (GREEK) یونانی

NEVE : (NORWIGIAN) نروژی

NEPOS, NEPOTIS : (LATIN) لاتین

NEEF : (DUTCH) هلندی

NEVEU : (FRENCH) فرانسه

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

NIPOTE : (ITALIAN) ایتالیایی

NETUJI

NEPOT, NEPOATĀ : (RUMANIAN) رومانی

WNUK : (POLISH) لهستانی

NEPOT : (PORTUGUESE) پرتغالی

VNUK, VNOUCHE : (CZECH) چک

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

NEČAK : (SERBIAN) صربی

NEFI

SYNOVEC, VNUK : (SLOVAK) اسلواکی

NEBO, : (OLD SAXON) ماسونی کهن

REFERENCES	پسگنت‌ها
POKORNY:	764
BARNHART:	(NEPHEW) 700
DELAMARRE:	(NEVEU) 40
MACKENZIE:	(GRANDSON) 116
BUCK:	115, 111
ONIONS:	(NEPHEW) 607
SKEAT:	(NEPHEW) 398
MALLORY	123
۲۱۱۷ و ۲۲۰۸	برهان قاطع:

NIPOTIS	(LITHUANIAN): لیتوانی
NIAE, NIE	(OLD IRISH): ایرلندی کهن
NAL, NEI	(WELSH): ولزی
NIZ, NI	(BRETON): برتونی
NIP	(ALBANIAN): آلبانی

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های غیر ایرانی در غیر سانسکریت: پسر برادر، پسر خواهر.

NOH	فارسی (PERSIAN): نه (عدد ۹)
NINE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
(E)NEWN-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

NIUN	گوتیک (GOTHIC):	NAVA	اوستایی (AVESTAN):
	ایسندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	NAVA-	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
NĪŪ		NAUM, NAH, NŌ	پهلوی (PAHLAVI):
NIGUN	ساکسونی کهن (OLD SAXON):	NŪ, NĒH, NAH, NEH	کردی (KURDISH):
NIGUN	فریزی کهن (OLD FRISIAN):	NUH, NU	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
NIUN	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	NŪ	تخاری A (TOKHARIAN A):
NEUN	آلمانی (GERMAN):	NŪ	تخاری B (TOKHARIAN B):
NIGEN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	NÁVA, NÁVAN	سانسکریت (SANSKRIT):
NINE	انگلیسی (ENGLISH):	INN, INEH	آرمنی (ARMENIAN):
NI	دانمارکی (DANISH):	ENNĒA, ENNĪA	یونانی (GREEK):
NIO	سوئدی (SWEDISH):	NOVEM	لاتین (LATIN):
NI	نروژی (NORWEGIAN):	NEUF	فرانسه (FRENCH):
NEGEN	هلندی (DUTCH):	NUEVO	اسپانیایی (SPANISH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	NUOVO, NOVE	ایتالیایی (ITALIAN):
DEVETI		NOUĂ	رومانی (RUMANIAN):
DEZIEWIAC	لهستانی (POLISH):	NOVE	پرتغالی (PORTUGUESE):

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	318
BARNHART:	(NINE) 705
DELAMARRE:	(NEUF) 214
MACKENZIE:	(NINE) 125
ONIONS:	(NINE) 611
SKEAT:	(NINE) 401
۲۲۱۰	برهان قاطع:

DEVYAT	روسی (RUSSIAN):
DEVĚT	چک (CZECH):
DEVET	بلغاری (BULGARIAN):
DEVĀT	اسلواکی (SLOVAK):
DEVYNI	لیتوانی (LITHUANIAN):
NEWINTS	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):
NŌI	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
NĚNĚ, NĚNĚ	آلبانی (ALBANIAN):

NA, N-	فارسی (PERSIAN): نه، ن (نشان نفی)
NO, NOT	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*NE, *NĒ, *N-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
NE, NI, NEO, NIO	اوستایی (AVESTAN): NA, NAĒ, NOIT
NE, NI, NĀ : (OLD FRISIAN) فریزی کهن	*NAIT, NA : (OLD PERSIAN) پارسی باستان
: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	NĒ, NA : (PAHLAVI) پهلوی
NE, NI, NEO, NIO	NĀ, NE : (OSSTIC) اوستی
NIE, NEIN, NICHT : (GERMAN) آلمانی	NE, NA, NAN, NI : (KURDISH) کردی
NĀ, NE, NŌ : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	NA, NĒ : (AFGHANI) افغانی (پشتو)
NO, NOT, NAY : (ENGLISH) انگلیسی	NĀ, NĒD, NOIT : (SANSKRIT) سانسکریت
NO, NĀ : (NORWEGIAN) نروژی	NE : (ARMENIAN) ارمنی
NEEN, NIET : (DUTCH) هلندی	NĒ, NEA, NEAN, NON- : (GREEK) یونانی
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	NE, NĒ, NEI, IN- : (LATIN) لاتین
NE	NE(PAS), NON : (FRENCH) فرانسه
NIE : (POLISH) لهستانی	NO : (SPANISH) اسپانیایی
NE, NIET : (RUSSIAN) روسی	NON, NO : (ITALIAN) ایتالیایی
NE : (CZECH) چک	NICI, NU : (RUMANIAN) رومانی
NIE : (SLOVAK) اسلواکی	NĀO : (PORTUGUESE) پرتغالی
NE, NEI : (LITHUANIAN) لیتوانی	NI, NEI, UN- : (GOTHIC) گوتیک
NI, NĪ, IN- : (OLD IRISH) ایرلندی کهن	: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن
NATTA : (HITTITE) هیتی	NE, NĒ, NEI
	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن

MACKENZIE:	(NO, NOT) 123	REFERENCES	پسگشت ها
ONIONS:	(NO) 612	POKORNY:	756
SKEAT:	(NO) 401	BARNHART:	(NO) 706
۲۲۱۱	برهان قاطع:	DELAMARRE:	(NO PAS) 302

NAHĀDAN	فارسی (PERSIAN): نهادن
PUT, PLACE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DHĒ-, *DHŌ-, *DHE-, *DHA-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

TUON, TETA
TUN : (GERMAN) آلمانی
DŌN, DŌM: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
DO : (ENGLISH) انگلیسی
DOEN : (DUTCH) هلندی
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

DĒTI
DĒNU, DĒNATU : (RUSSIAN) روسی
DĒJU : (CZECH) چک
DAT : (SLOVAK) اسلواکی
DĒTI : (LITHUANIAN) لیتوانی
DET, DEJU : (LATVIAN) لتونی
DEDE : (GAULISH) گالی
DĀI- : (HITTITE) هیتی

NIDAHĀT, : (AVESTAN) اوستایی
(NI)DADHATI, DĀ
NI-DĀ- : (OLD PERSIAN) پارسی باستان
NIHĀDHAN, : (PAHLAVI) پهلوی
NIHATAN, NIHĀDAN
NADIN, DANIN : (KURDISH) کردی
TĀ-, TĀS-, : (TOKHARIAN A) A تخاری
TAS-
TES- : (TOKHARIAN B) B تخاری
DĀDHAṬI, : (SANSKRIT) سانسکریت
DAHĀMI, NIDADHĀTI, DHĀ-
DNEM : (ARMENIAN) ارمنی
TITHENAI, TITHĒMI : (GREEK) یونانی
FACER-, DERE-, DITUS : (LATIN) لاتین

FAIR : (FRENCH) فرانسه
HACER : (SPANISH) اسپانیایی
FARE : (ITALIAN) ایتالیایی
FACE : (RUMANIAN) رومانی
FAZER : (PORTUGUESE) پرتغالی
DŪAN, : (OLD SAXON) ساکسونی کهن
DEDE
DUĀ, DEDE : (OLD FRISIAN) فریزی کهن
: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	235
BARNHART:	(DO) 292
MACKENZIE:	(PLACE) 127, (PUT) 129
BUCK:	537-539
ONIONS:	(DO) 279-280
SKEAT:	(DO) 177
AMINDAROV:	(PUT) 275
۲۲۱۱	برهان قاطع:

یادداشت:

۱- واژه‌های ایرانی و سانسکریت این فهرست از پیشوند **NIH-** و ریشه‌ی **DHĀ-** یا **DHĒ-** (به چم "قرار دادن" ساخته شده‌اند).

۲- چم واژه‌های رومانس (ناشی از لاتین) و واژه‌های ژرمنی این فهرست: کردن، انجام دادن.

NOHOM	فارسی (PERSIAN): نهم
NINTH	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*(E)NEWEN	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

NEGONTHE	اوستایی (AVESTAN):	NAOMA	
NINTH	انگلیسی (ENGLISH):	NAVAMA	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
NIDEL	دانمارکی (DANISH):	NOHOM	پهلوی (PAHLAVI):
NIODEL	سوئدی (SWEDISH):	NEHEM	کردی (KURDISH):
NIDEL	نروژی (NORWEGIAN):	NAHAM	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
NEGENDE	هلندی (DUTCH):	NUNTE,	نخاری B (TOKHARIAN B):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	NUNCE	
DEVETU		NAVAMĀ	سانسکریت (SANSKRIT):
DZIEWIATY	لهستانی (POLISH):	ĒNATOS, ĒINATOS	یونانی (GREEK):
DEVYATI	روسی (RUSSIAN):	NŌNUS	لاتین (LATIN):
DEVATÝ	چک (CZECH):	NEUVIEM	فرانس (FRENCH):
DEVATY	بلغاری (BULGARIAN):	AL NOUĀLEA,	رومانی (RUMANIAN):
DEVINTAS	لیتوانی (LITHUANIAN):	A NOUA	
NEWĪNTS	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	NONO, NONA	پرتغالی (PORTUGUESE):
NŌMAD	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	NIUNDA	گوتیک (GOTHIC):
NAWFED	ولزی (WELSH):		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	319
BARNHART:	(NINTH) 705
MACKENZIE:	(NINTH) 125
SKEAT:	(NINE) 401

NIONDE	
NIUGUNDA	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
NIUNTO	
NEUNT	آلمانی (GERMAN):
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

NIRŪ		فارسی (PERSIAN): نیرو
FORCE, POWER, STRENGTH		چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*NER-, *NERIO-, *NÖRO-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
REFERENCES	پسگشت‌ها	NAIRYAVA, (AVESTAN):
POKORNY:	765	NAIRYA-
MACKENZIE:	(POWER) 128	NĒROK, NĒROG (PAHLAVI):
۲۲۲۵	برهان قاطع:	NĀRYA- (SANSKRIT):

یادداشت:

- ۱- چشم این واژه در اوستایی و سانسکریت: مردانگی، رجولیت.
- ۲- بازگشت به: نر

NĒM, NĒMĒ		فارسی (PERSIAN): نیم، نیمه
HALF, DEMI-, HEMI-		چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SĒMI-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید)
SĀM-	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	NAEMA (AVESTAN):
		پهلوی (PAHLAVI):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	905-906
BARNHART:	
	(HEMI-) 475, (SEMI-) 982
DELAMARRE:	(DEMI, SEMI-) 233
MACKENZIE:	(HALF) 117
BUCK:	935-936
AMINDAROV:	(HALF) 233
۲۲۳۳ و ۲۲۳۷	برهان قاطع:

NĒM, NĒMAK, NĒMAG
NIW, NIVEK (KURDISH):
بلوچی (BALUCHI):
NĒMAG, NĒRÖC, NĒMOC
NIM, NĒMAI (AFGHANI):
NĒMA (SANSKRIT):
HEMI- (GREEK):
SEMI- (LATIN):
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
SĒMI-, SĀMI-

یادداشت:

رابطه‌ی واژه‌های ایرانی و سانسکریت این فهرست با دیگری واژه‌های این فهرست و واج‌ریشه‌ی هند و اروپایی آنها مشکوک است لذا در جلو واج‌ریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) نوشته شده است.

NĒV	فارسی (PERSIAN) نیو (به چَم "دلاور"، پهلوان، "رادمرد"، "نیک")
BRAVE	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*NEI-, *NĪ-, *NEITH-, *NĪTU-, *NOIBHO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

NOIB, NIA	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	NAIBA-	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
NWYF, NWYD	ولزی (WELSH):	NĒV	پهلوی (PAHLAVI):
			لاتین (LATIN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	760
MACKENZIE:	(BRAVE) 105
۲۲۳۷	برهان قاطع:

NITEŌ, NITĒRE, NITIDUS, NITOR	
NEITH	گوتیک (GOTHIC):
NID	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
NITH	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
NID	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

یادداشت:

- ۱- چَم این واژه در زبان‌های ژرمنی: حد، رشک، جنگ و خصومت.
- ۲- شاید واژه‌های "نیک" و "نیکو" نیز از همین واج‌ریشه باشند.

NIŪSHIDAN	فارسی (PERSIAN) نیشیدن (به چَم "شنیدن" و "گوش کردن")
HEAR, LISTEN	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*GHOUS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

NGVALAL, NGHVATAL اوستایی (AVESTAN):

سانسکریت (SANSKRIT):

GHŌSHATĪ, GHŌSAYATĪ

HEUS لاتین (LATIN):

GŪSHAYAT-, NI-GAOSH

پارسی باستان (OLD PERSIAN): GAUSHA-

پهلوی (PAHLAVI):

NIGHŌSHITAN, NIOXSHIDHAN

اوستی (OSSETIC): QŪSIN, GHOSSUN
بلوچی (BALUCHI):

NIGŌSHAG, NIGHOSHAGH

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

یادداشت:

چَم این واژه در زبان لاتین: گوش بدها

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	454
MACKENZIE:	(HEAR) 117
۲۲۳۹	برهان قاطع:

VĀZHÉ, VĀT, VĀJ	فارسی (PERSIAN): واژه، وات، واج
WORD, SAYING	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WEKW-, *WOKW-, *WÖKW-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	
اوستایی (AVESTAN):	

GIWAHNEN

VĀXSH, VAK-, VACHAH

آلمانی (GERMAN):

پهلوی (PAHLAVI):

ERWÄHNEN, GIWAHT

WĀZ, VĀCHAK, WĀZAG, VĀJ,

VOICE انگلیسی (ENGLISH): (از فرانسه)

WĀK, VĀCAK اوستی (OSSETIC):

WACKIS پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):

BĒJE, VĀTIN کردی (KURDISH):

HWEK هیتی (HITTITE):

WAK نخاری (TOKHARIAN A) A:

WEK نخاری (TOKHARIAN B) B:

سانسکریت (SANSKRIT):

REFERENCES

پسگشت‌ها

POKORNY:	1135-1136
BARNHART:	(VOICE) 210
DELAMARRE:	(PARLER) 293
MACKENZIE:	
(WORD) 140, (SAYING) 131	
BUCK:	1248
ONIONS:	(VOICE) 985
SKEAT:	(VOICE) 1248
AMINDAROV:	(WORD) 311
RAMAT:	137

برهان قاطع: ۲۲۴۴ و ۲۲۴۵ و ۲۲۴۸

VĀK, VĀKAS, VĀKTI, VĪVAKTI

GOCHEM ارمنی (ARMENIAN):

ÉPOS, É(W)EIPON یونانی (GREEK):

VOX, VŌCEM لاتین (LATIN):

VOIX فرانسه (FRENCH):

VOS اسپانیایی (SPANISH):

VOCE ایتالیایی (ITALIAN):

VOCE رومانی (RUMANIAN):

VOZ پرتغالی (PORTUGUESE):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

VĀTTAN, VATTR

پسگشت‌ها داشت:

چم این واژه در زبان‌های اینچیم و پروسی کهن: فریاد، داد زدن.

چم این واژه در زبان‌های هیتی و ایسلندی کهن: گواهی، شهادت دادن.

چم این واژه در زبان‌های آلمانی: ذکر کردن، گفتن.

چم این واژه در زبان‌های رومانس: صدا، آواز.

VĀS, VĀSH	فارسی (PERSIAN): واس، واش (به چم "علوفه‌ی ستوران"، "خوشه‌ی گندم")
FODDER	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WES-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید)

GWEST	ولزی (WELSH):	VASTR̥M, VĀSTRA-	اوستایی (AVESTAN):
-VES (BANVES)	برتونی (BRETON):	VĀSTŌH, VAS-	سانسکریت (SANSKRIT):
WESHI	هیتی (HITTITE):	VESCOR	یونانی (GREEK):
			گوتیک (GOTHIC):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY: 1171	
۲۳۰۷۹ و ۲۳۰۷۴	لغت‌نامه دهخدا:
۲۹۴۸	فرهنگ معین:
۲۲۴۸	برهان قاطع:

WISAN (WAILA WISAN)
VIST: (OLD SCANDINAVIAN) کهن
WIST: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
WIST: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
(MIDDLE IRISH) ایرلندی میانه
FESS, FEISS

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان یونانی: خوردن.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: خوراکی، بزم

۲- چون رابطه‌ی واژه‌ی فارسی "واش" (یا "واس") با دیگر واژه‌های این فهرست توسط هیچکدام از پسگشت‌های در دسترس من ذکر نشد، جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی آن (شاید) می‌گذارم.

۳- در فرهنگ معین این واژه "ترکی" قلمداد شده و در لغت‌نامه دهخدا، به اصل این واژه اشاره نشده است.

VĀL, BĀL	فارسی (PERSIAN): وال، بال (به چم "ماهی بزرگ"، "نهنگ")
WHALE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KWALOS, *(S)KWALOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید)

HWæl	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	PHÁLAINA	یونانی (GREEK): (شاید)
WHALE	انگلیسی (ENGLISH):	SQUALUS	لاتین (LATIN):
HVAL	دانمارکی (DANISH):	BALEINE	فرانسه (FRENCH): (شاید)
VAL	سوئدی (SWEDISH):		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
KVAL, HVAL	نروژی (NORWEGIAN):	HVALR	
WALVIS	هلندی (DUTCH):	HWAL	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
KALIS	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):		آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
		WAL, WALFISC	
		WAL, WALFISCH	آلمانی (GERMAN):

پسگشت‌ها	REFERENCES	لغت‌نامه دمخدا:	۲۳۰۹۹
958	POKORNY:	برهان قاطع:	۲۲۲ و ۲۲۵۲
(WALF) 1229	BARNHART:		

یادداشت:

- ۱- SKEAT معتقد است که واژه‌های یونانی و فرانسه‌ای این فهرست با دیگر واژه‌های این فهرست رابطه‌ای ندارند.
- ۲- ONIONS فقط واژه‌های ژرمنی این فهرست را می‌دهد و اجریشه‌ی هند و اروپایی را نمی‌دهد.
- ۳- BARNHART رابطه‌ی واژه‌های ژرمنی این فهرست را نشان داده و اجریشه‌ی هند و اروپایی آن را نیز می‌دهد.
- ۴- POKORNY واژه‌های اوستایی KOLA, *KOLA, KAL (به چم "ماهی") را نیز از این اجریشه می‌داند.
- ۵- شاعدی برای "وال" و "بال" در زبان‌های پهلوی و اوستایی نیافتم ولی این واژه در زمان فرخی سیستانی (وفات ۴۲۹ هجری قمری) و اسدی طوسی (اواخر قرن چهارم هجری قمری) در فارسی کاربرد داشته است. در مورد این واژه در فرهنگ معین تناقض وجود دارد: در (صفحه‌ی ۴۶۴) واژه‌ی "بال" با واژه‌های لاتین BALAENA و فرانسه‌ی BALEINE مقایسه شده است ولی از سوی دیگر واژه‌ی "وال" با واژه‌ی یونانی PHALAINA مقایسه شده است (صفحه‌ی ۴۹۶۳). چون در ریشه‌یابی این واژه شک وجود دارد جلو اجریشه هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

فارسی (PERSIAN):	والانه، ولانه (به چم زخم، جراحت)	VĀLĀNĒ, VALĀNĒ
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	WOUND	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*VEL, *VOL, *VÖL, *WEL	
سانسکریت (SANSKRIT):	VRAVĀ, VRANA	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): WAL
یونانی (GREEK):		انگلیسی (ENGLISH): (از فرانسه)
لاتین (LATIN):	ANĀLŌMŌ, ANALMŌ, OULĒ VULNERĀRE, VOLNUS, VULNUS, VULNERIS	VULNERABLE WAKA, WALCZYC VÁLETI, VÁCHIT, VÁLKA
فرانسه (FRENCH):	VULNÉRABLE	لیتوانی (LITHUANIAN): VĖLES
اسپانیایی (SPANISH):	VULNERABLE	لتونی (LATVIAN): VELI
ایتالیایی (ITALIAN):	VULNERÁBILE	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): ŪLINT
پرتغالی (PORTUGUESE):	VULNERÁVEL	ایرلندی کهن (OLD IRISH): FLANN
گوتیک (GOTHIC):	WITWAN, WULWA	ولزی (WELSH): GWELI
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):		برتونی (BRETON): GOULYOW
	VALR, VALKYRIA	هیتی (HITTITE): VALHMI, HULLĀI
فریزی کهن (OLD FRISIAN):	WLEMMA	
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	WAL	

SKEAT:	(VULNERBLE) 696	REFERENCES	پسگشت‌ها
۲۲۹۰ و ۲۲۵۳	برهان قاطع:	POKORNY:	1144-1145
۴۹۶۶	فرهنگ معین:	BARNHART:	
		(VULNERABLE) 1213	

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی و اسلاوی: جنگیدن، صدمه زدن، نبرد، خونریزی.

چم این واژه در زبان ایرلندی کهن: خون.

چم این واژه در زبان‌های رومانس: زخم، زخم‌پذیر، آسیب‌پذیر.

VĀY	فارسی (PERSIAN): وای (نشان "حسرت" و "افسوس")
WOE, ALAS, WELLAWAY	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WAI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

WOE	انگلیسی (ENGLISH):	اوستایی (AVESTAN):
VE	دانمارکی (DANISH):	VAYŌI, AVŌI, VĀE, ĀVŌYA
VE	سوئدی (SWEDISH):	پهلوی (PAHLAVI): WĀY, VĀE, VVEH
VE	نروژی (NORWEGIAN):	کردی (KURDISH):
VEE	هلندی (DUTCH):	VAAL, VEL, WAY, WEY-WEY
VAI	لتونی (LATVIAN):	ارمنی (ARMENIAN): VAY
FĀE	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	یونانی (GREEK): OÁ
GWAE	گالی (GAULISH):	لاتین (LATIN): VAE
GWAE	ولزی (WELSH):	فرانسé (FRENCH): OUAIS
VAJ	آلبانی (ALBANIAN):	اسپانیایی (SPANISH): OUAI
		ایتالیایی (ITALIAN): GUAI
		گوتیک (GOTHIC): WAI

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVAN):

VEL, VA

WĒ : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

WĒ : (OLD FRISIAN) فریزی کهن

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

WĒ, WEHE

WEH : (GERMAN) آلمانی

WĀ : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1110
BARNHART:	(WOE) 1242
DELAMARRE:	(MALHEUR) 303
MACKENZIE:	(WOE) 140
ONIONS:	(WOE) 1011
SKEAT:	(WOE) 720
AMINDAROV:	(ALAS) 183
۲۲۵۵-۲۲۵۶	برهان قاطع:

VABAR	فارسی (PERSIAN): وَبَر (به چَم "پشم")
WOOL	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WLŌN-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید)

VLŪNA	اوستایی (AVESTAN): VARENĀ
WELNA	پهلوی (PAHLAVI): WARR
VOLNA	افغانی (پشتو) (AFGHANI): WARĒY
VLNA	سانسکریت (SANSKRIT): ŪRNĀ
VŪNA	ارمنی (ARMENIAN): GELMN
ULNA	یونانی (GREEK): LĒNOS
VILNA, VILNUS	لاتین (LATIN): LĀNA, VELLUS
VILNA	فرانس (FRENCH): LAINE
WILNA	اسپانیایی (SPANISH): LANA
OLANN	ایتالیایی (ITALIAN): LANA
GWLAN	رومانی (RUMANIAN): LĪNĀ
GWLAN	پرتغالی (PORTUGUESE): LĀ
GLOAN	گوتیک (GOTHIC): WULLA
HULANA	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): ULL
	فریزی کهن (OLD FRISIAN):

WOLLE, ULLE

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

WOLLA

آلمانی (GERMAN): WOLLE

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): WULL

انگلیسی (ENGLISH): WOOL

دانمارکی (DANISH): ULL

سوئدی (SWEDISH): ULL

نروژی (NORWEGIAN): ULL

هلندی (DUTCH): WOL

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

REFERENCES	پیگنت‌ها
POKORNY:	1139
BARNHART:	(WOOL) 1244
DELAMARRE:	(LAINE) 151
MACKENZIE:	(WOOL) 140
BUCK:	204
ONIONS:	(WOOL) 1012
SKEAT:	(WOOL) 722
۲۲۵۶-۲۲۵۷	برهان قاطع:
۲۳۱۱۷	لغت‌نامه دهخدا:
۴۹۷۷	فرهنگ معین:

یادداشت:

در واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌های فارسی واژه‌ی "وبر" عربی شناخته شده است ولی به احتمال زیاد این واژه عربی از

فارسی یا یک زبان ایرانی دیگر گرفته شده است. بهر حال به منظور هشدار به خواننده واژه‌ی "شاید" جلو و اجریشده‌ی هند و اروپایی آورده شده است.

فارسی (PERSIAN): وِز (به چَم "زنبور"، مُنْجک)	
چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
BEE, WASP	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	
*WOBHES-, *WOBHSA-, *WEBH-	
OSLAU: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	VAWZAKA (AVESTAN): اوستایی
OSA (POLISH): لهستانی	WABZ (PAHLAVI): پهلوی
OSA (RUSSIAN): روسی	GWABZ (BALUCHI): بلوچی
VOSA (CZECH): چک	ŪRNA-VĀBHI (SANSKRIT): سانسکریت
OSA (SLOVAK): اسلواکی	VESPA (LATIN): لاتین
VAPSA, VAPSĀ (LITHUANIAN): لیتوانی	AVISPA (SPANISH): اسپانیایی
WOBSE (OLD PRUSSIAN): پروسی کهن	VESPA (ITALIAN): ایتالیایی
FOICH (OLD IRISH): ایرلندی کهن	WASPA (OLD SAXON): ساکسونی کهن
GUOHI (BRETON): برتونی	(OLD HIGH GERMAN): آلمانی کهن

WAFSA, WEFSA

WESPE (GERMAN): آلمانی
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

WASP, WAFS

WASP (ENGLISH): انگلیسی
دانمارکی (DANISH): HVEPS
سوئدی (SWEDISH): (محلی) VAFS
نروژی (NORWEGIAN): VEPS
هلندی (DUTCH): WESP

یادداشت:

- ۱- DELAMARRE واژه‌ی "وِز" را بعنوان یک واژه‌ی فارسی ذکر می‌کند ولی من این واژه را در هیچ‌کدام از فرهنگ‌های فارسی در دسترس خود نیافتم.
- ۲- چَم این واژه در اوستایی: کُزدم، عَرقَب.
- چَم این واژه در سانسکریت: تَندو، عَنکوت.

پسگشت‌ها	REFERENCES
1179	POKORNY:
(WASP) 1221	BARNHART:
(GUÊPE) 144	DELAMARRE:
(WASP) 139	MACKENZIE:
(WASP) 993	ONIONS:
(WASP) 703	SKEAT:

فارسی (PERSIAN):	وخش، وخشیدن (به چَم افزودن، تافتن، افزایش، رشد)
	VAXSH, VAXSH, VAXSHIDAN
چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	ADD, WAX, GROW, GROWTH
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*WEG-, *WOKS-, *UG-, *AWEG-, *WEKS-

اوستایی (AVESTAN):	UKHSHYEITI,	انگلیسی (ENGLISH):	WAX
	VAKHSHAITI, UXSH-, UXSHYEITI	دانمارکی (DANISH):	VOKSE
پهلوی (PAHLAVI):		سوئدی (SWEDISH):	VÅXA
	WAXSHIDAN, WAXSH-, WAXSHISHN	نروژی (NORWEGIAN):	VOKSE
تخاری A (TOKHARIAN A):	OKS-, OKSU-	هلندی (DUTCH):	WASSEN
تخاری B (TOKHARIAN B):	AUKSU	لیتوانی (LITHUANIAN):	ĀUGU, AUGTI
سانسکریت (SANSKRIT):	UKSH,	لتونی (LATVIAN):	AUDZET, AUGT
	UKSHATI, VAKSHATI, VAKSH, UKS-	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	
یونانی (GREEK):	AÚKSO, AUXANEIN		AUGINNONS
لاتین (LATIN):	AUGĒRE, AUGEO		
فرانسé (FRENCH):	AUGMENTER		
اسپانیایی (SPANISH):	AUMENTAR		
ایتالیایی (ITALIAN):	AUMENTARE		
پرتغالی (PORTUGUESE):	AUMENTAR		
گوتیک (GOTHIC):	WAHSJAN		
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):			
	VAXA		
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):			
	WAHSEN		
آلمانی (GERMAN):	WACHSEN		
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	WEAXAN		

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	85
BARNHART:	(WAX) 1223
MACKENZIE:	
(GROW) 117, (WAX) 139, (GROWTH) 117	
BUCK:	(GROW) 876-877
ONIONS:	(WAX) 995
SKEAT:	(WAX) 704
۲۲۵۹	برهان قاطع:
۲۳۱۴۱ و ۲۳۱۴۲	لغت‌نامه دهخدا:

فارسی (PERSIAN):	ونک، ورنیج، وردیج (به چَم بلدرچین)
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*WAT-, VART-
پهلوی (PAHLAVI):	VARTAK
اوسنی (OSSETIC):	VĀRDKA
کردی (KURDISH):	VERDĠ, HAVARDE
بلوچی (BALUCHI):	GWARDĀG
افغانی (پشتو) (AFGHANI):	NAVARAZ
سانسکریت (SANSKRIT):	VARTIKĀ
یونانی (GREEK):	ORTUX

پسگشت‌ها	REFERENCES	برهان قاطع:	۲۲۶۵، ۲۲۵۷، ۲۲۶۸
1113	POKORNY:	فرهنگ معین:	۴۹۷۸، ۴۹۹۹، ۴۹۹۸
لغت نامه دهخدا:	۲۲۵۳		

فارسی (PERSIAN):	وزن، برز، ورزیدن، ورزش	VARZ, BARZ, VARZIDAN, WARZESH
چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	WORK, SPORT(S)	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*WERG-, *WREG-, *WERGOM	

اوستایی (AVESTAN):	WEORC	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
	WORK	انگلیسی (ENGLISH):
پهلوی (PAHLAVI):	VARZA, VəRəZYEITI	دانمارکی (DANISH):
	VARZ, VARZISHN, WARZIDAN	سوئدی (SWEDISH):
کردی (KURDISH):	WERZA, WERZ	نروژی (NORWEGIAN):
افغانی (پشتو) (AFGHANI):	WARZISH	هلندی (DUTCH):
تخاری (TOKHARIAN A) A:	WARK	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
ارمنی (ARMENIAN):	GORC	OPAIR, FAIRGED
یونانی (GREEK):	ERGON, ĒRDŌ	
گوتیک (GOTHIC):		

WAURSTW, WAURKJAN
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
VERK, YAKJA, VERKA
ساکسونی کهن (OLD SAXON):
WERK, WIRKIAN
فریزی کهن (OLD FRISIAN):
WERK, WERKIA
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
WERAH, WERC, WIRCHEN
آلمانی (GERMAN):
WERK, WIRKEN

یادداشت:

۱- این واچریشه در واژه‌های فارسی "برزگر" و "ورزاو" (ورزگار) هم دیده می‌شود.

۲- چشم این واژه در زبان کردی: گاو نر ویژه‌ی کار و شخم‌زنی، در کردی WERZ یعنی "زمین کشت و کار شده".

پسگشت‌ها	REFERENCES
1168-1170	POKORNY:
(WORK) 1244	BARNHART:
(WORK) 140, (WARZ-) 88	MACKENZIE:
539-542, 537	BUCK:
(WORK) 1012	ONIONS:
(WORK) 732	SKEAT:
برهان قاطع:	۲۲۶۸ و ۲۵۴
لغت نامه دهخدا:	۲۳۱۶۲ و ۲۳۱۶۰

فارسی (PERSIAN):	ورزا، ورزاو (به چم گاو نر)	VARZĀ, VARZĀV
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	OX	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*VAKĀ, *WAKĀ	

پهلوی (PAHLAVI):	VARZĀ, WARZĀG	صربی (SERBIAN): (شاید)	VOL
کردی (KURDISH):	WERSA	بوهمی (BOHEMIAN): (شاید)	VŮL
سانسکریت (SANSKRIT):	VASĀ, VRSABHA	لیتوانی (LITHUANIAN):	VERSHIS
لاتین (LATIN):	VACCA	لتونی (LATVIAN):	VĒRSIS
فرانسه (FRENCH):	VACHE		
اسپانیایی (SPANISH):	VACA		
ایتالیایی (ITALIAN):	VACCA		
رومانی (RUMANIAN):	VACĀ		
پرتغالی (PORTUGUESE):	VACA		
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):			
(شاید)	VOLŮ		
لهستانی (POLISH): (شاید)	WÓL		
روسی (RUSSIAN): (شاید)	VOL		

پسگشت‌ها	REFERENCES
1111	POKORNY:
(VACCINE) 1191	BARNHART:
(VACHE) 139	DELAMARRE:
	MACKENZIE:
(PLOUGHING OX) 127	
(OX) 152-155	BUCK:
برهان قاطع:	۲۲۶۹-۲۲۷۰

فارسی (PERSIAN):	وروره (به چم سنجاب)	VARVARÉ
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	SQUIRREL	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*WERWE, *WEWERĀ, *WER-	

لاتین (LATIN):	VĪVERRA	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	WEWARE
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	-WEORNA	ولزی (WELSH):	GTWIER
روسی (RUSSIAN):	NĒVERICA	برتونی (BRETON):	GWIBER
چک (CZECH):	VEVERKA		
بلغاری (BULGARIAN):	VERVERIKA		
لیتوانی (LITHUANIAN):			
	VAIVERE, VOVERE		
لتونی (LATVIAN):			
	VĀVERE, VĀVERIS		

پسگشت‌ها	REFERENCES
1166	POKORNY:
(ECUREIL) 138	DELAMARRE:
لغت نامه دهخدا:	۲۳۱۷۲

فارسی (PERSIAN):	ورزیدن، وزش	VAZĒDAN, VAZESH
چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:		BLOW
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):		*WEGH-, *WEGHOS-, *WOGH-

اوستایی (AVESTAN):		VĀGA	سوئدی (SWEDISH):
VAZ-, VAZAITI, VAZAH-		VEIE	نروژی (NORWEGIAN):
پهلوی (PAHLAVI):		WEGEN	هلندی (DUTCH):
کردی (KURDISH):			اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
افغانی (پشتو) (AFGHANI):		VEZO, VESTI	
سانسکریت (SANSKRIT):			لیتوانی (LITHUANIAN):
VAH-, VĀHATI, VĀHĀYATI		VEZHU, VEZO, VĒZHTI	
یونانی (GREEK):		FĒN	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
لاتین (LATIN):		VJZHŪ	آلبانی (ALBANIAN):

VEHŌ, VEHĒRE, VEHICULUM	
گوتیک (GOTHIC):	GAWIGAN
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	
VEGA	
ساکسونی کهن (OLD SAXON):	WEGAN
فریزی کهن (OLD FRISIAN):	WEGA, WEIA
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	
WEGAN	
آلمانی (GERMAN):	BEWEGEN, WĀGEN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	WEGAN
انگلیسی (ENGLISH):	WEIGH
دانمارکی (DANISH):	VEJE

پسگشت‌ها	REFERENCES
1118-1119	POKORNY:
1226 (WEIGH)	BARNHART:
291 EN CHAR	DELAMARRE:(ALLER)
104 (BLOW)	MACKENZIE:
998 (WEIGH)	ONIONS:
760 (WEGH)	SKEAT:
(WEGH-)	MALLORY & ADAMS:
برهان قاطع:	۲۲۷۹

پادداشت:

چم این واژه در زبان‌های سانسکریت و لیتوانی: حمل کردن، بردن، کشیدن.

چم این واژه در زبان افغانی: پریدن.

چم این واژه در زبان ایرلندی کهن: ارابه، وسیله‌ی ترابری.

چم این واژه در زبان ژرمنی: تکان خوردن، جنبیدن، وزن کردن.

VAMIDAN, VĀMIDAN	فارسی (PERSIAN): و میدن، وامیدن (به چم "استفراق کردن")
VOMIT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WEM-, *WĒMEMI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

VĀMA	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	VAM-	اوستایی (AVESTAN):
	لهستانی (POLISH):	WĀM-, WĀMIDAN	پهلوی (PAHLAVI):
WOMITOWAĆ, WYMIOTY		VAMATI, VAMITI-	سانسکریت (SANSKRIT):
VĒMITI	لیتوانی (LITHUANIAN):	EMĒŌ, EMĒIN	یونانی (GREEK):
VEMI, VEMT	لتونی (LATVIAN):		لاتین (LATIN):
		VOMITUS, VOMŌ, VOMERE	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1146-1147
BARNHART:	(VOMIT) 1211
DELAMARRE:	(VOMIR) 292
MACKENZIE:	(VOMIT) 139
BUCK:	265-266
ONIONS:	(VOMIT) 986
SKEAT:	(VOMIT) 695
۱۱۹-۱۲۰	واژه‌یاب: (استفراق)

VOMIR	فرانس (FRENCH):
VOMITAR	اسپانیایی (SPANISH):
VOMITARE	ایتالیایی (ITALIAN):
VOMITA	رومانی (RUMANIAN):
	پرتغالی (PORTUGUESE):

VŌMITO, VOMITAR	
	ایسندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
VĀMA	
VOMYTE	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
VOMIT	انگلیسی (ENGLISH):
VIMLA	نروژی (NORWEGIAN): (محلی)

VANG	فارسی (PERSIAN): ونگ (به چم "تهی"، "خالی")
EMPTY, VOID, VACUUM	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WŃK-, *WĀ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

VACIO	اسپانیایی (SPANISH):	ŪNA-, UYAMNA-	اوستایی (AVESTAN):
VACO, VUOTO	ایتالیایی (ITALIAN):	VENG	پهلوی (PAHLAVI):
VACANT	رومانی (RUMANIAN):	ŪNĀ	سانسکریت (SANSKRIT):
VÁCUO	پرتغالی (PORTUGUESE):	UNAIN	ارمنی (ARMENIAN):
WANS	گوتیک (GOTHIC):	KENŌZ, EUNIZ	یونانی (GREEK):
	ایسندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):		لاتین (LATIN):
WAN-R		VACUUM, VĀSTUS, VACĀRE, VANUS	
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):	VIDE	فرانس (FRENCH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	345-346
BARNHART:	(VAST) 1195,
(VOID) 1210, (VACUUM) 1191	
BUCK:	932
ONIONS:	
(VOID) 985, (WASTE) 994	
SKERT:	
(VACUUM) 683, (VAST) 685, (WASTE)	
703	
۲۲۹۳	برهان قاطع:
۱۶۰: (ونگ)	فرهنگ پیدوی:
۵۰۶۱	فرهنگ معین:

VAN, WUOSTI

WÜST : (GERMAN) آلمانی

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

WAN, WESTE

: (ENGLISH) انگلیسی

VAST, VOID, WASTE

WOEST : (DUTCH) هلندی

VĀNS- : (LITHUANIAN) لیتوانی

VĀN- : (LATVIAN) لتونی (لتی)

FĀS : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

پادداشت:

۱- واژه‌های انگلیسی VACATION, VACANT هم از همین واژه‌هاست.

۲- ممکن است واژه‌های فارسی "وید" و "ویدا" (برهان قاطع :: ۲۲۹۷) هم از همین واژه‌ها باشند.

فارسی (PERSIAN):	ویختن، بیختن، بیزیدن (به چَم "غریال کردن")
VIXTAN, BIXTAN, BIZIDAN	
SIFT	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WEIK-, *WEIG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

WICGA, WAG

VAĒG-, VAĒYA : (AVESTAN) اوستایی

VIKSTU, VIKNE : (LATVIAN) لتونی (لتی)

VIXTAN, WEXTAN : (PAHLAVI) پهلوی

VĒYUN : (OSSETIC) اوستی

GĒJAG : (BALUCHI) بلوچی

: (SANSKRIT) سانسکریت

VIGN-, VĪCI, VĪJATE

VINCI, VICIA : (LATIN) لاتین

WAIHSTA : (GOTHIC) گوتیک

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1130
MACKENZIE:	(SIFT) 133
۳۳۳	برهان قاطع:
۵۱۵۴	لغت‌نامه دهخدا:

VĒR, BĒR	فارسی (PERSIAN): ویر، بیر (به چم "هوش"، "حافظه"، "نیرو" (مند))
INTELLECT, INTELLIGENCE, MEMORY	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*WIROS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

WIJRS : (OLD PRUSSIAN) بروسی کهن
FER : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

VĪRA, VĪRŌ : (AVESTAN) اوستایی

WIR, WIROMANDĪH : (PAHLAVI) پهلوی

BIR : (KURDISH) کردی

GIR : (BALUCHI) بلوچی

WIR : (TOKHARIAN A) نخاری

VIRÁ : (SANSKRIT) سانسکریت

(W)ĪROS : (GREEK) یونانی

VIR : (LATIN) لاتین

WAJRS : (GOTHIC) گوتیک

WER- : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

VYRAS : (LITHUANIAN) لیتوانی

WĪRS : (LATVIAN) لونی (لتی)

یادداشت:

در پهلوی این واژه هم به چم "یاد" و "حافظه" و "هوش" بوده و هم به چم "نیرومند"، "قهرمان".

VISH	فارسی (PERSIAN): ویش (به چم "پرنده"، "زغن")
BIRD, KITE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*AWEL, *AWIS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

AVE : (PORTUGUESE) پرتغالی

HWYAD : (GAULISH) گالی

HOUD : (BRETON) برتونی

VIDO, VITO : (ALBANIAN) آلبانی

VĪSH, VAZ : (AVESTAN) اوستایی

: (PAHLAVI) پهلوی

-WĪZAG, VĀI, VĀYANDAK

: (SANSKRIT) سانسکریت

VIS, VES, VAYASĀH

HAW : (ARMENIAN) ارمنی

A(W)IETÓS : (GREEK) یونانی

AVIS : (LATIN) لاتین

OISEA : (FRENCH) فرانسه

AVE : (SPANISH) اسپانیایی

UCELLO : (ITALIAN) ایتالیایی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	36
DELAMARRE:	(OISEAU) 139
MACKENZIE:	(BIRD) 104
BUCK:	183
۲۳۲۶۷	لغت‌نامه دهخدا:

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: عقاب.

چم این واژه در زبان آلبانی: کیوتر.

HĀMŪ, HĀMON	هامون، هامن (به چم "دشت هموار")	فارسی (PERSIAN):
PLAIN, FLAT, LEVEL (LAND)		چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SOM-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

SAMŪ

SAM, SŌMI : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

HĀMA- اوستایی (AVESTAN):

HĀMŌN, HĀMŪN پهلوی (PAHLAVI):

SANSKRIT (SANSKRIT):

SĀMAN-, SĀMANĀ-

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SŌMA

ZIEMEN آلمانی (GERMAN):

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

SŌM, SĒMAN

SEEM انگلیسی (ENGLISH):

یادداشت:

۱- بازگشت به: هم، همه.

۲- چم این واژه در زبان‌های کهن: راحت، دلپسند.

چم این واژه در زبان‌های انگلیسی نوین: برآزیدن، نمودن.

HĀMIN, HAMIN	هامین، همین (به چم "تابستان")	فارسی (PERSIAN):
SUMMER		چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SEM-, *SMMERO-, *SMĀ		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SUMAR

SUMAR : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

SUMUR : (OLD FRISIAN) فریزی کهن

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

SUMAR

SOMMER آلمانی (GERMAN):

HAM-, HAMA-, HAMINA

پهلوی (PAHLAVI):

HĀMĪN, HĀMĪNĪG

HAVIN کردی (KURDISH):

SĀMĀ سانسکریت (SANSKRIT):

AM, AMARN ارمنی (ARMENIAN):

REFERENCES	پښت ما
POKORNY:	905
BARNHART:	(SUMMER) 1090
DELAMARRE:	(ÉTÉ) 195
MACKENZIE:	(SUMMER) 135
BUCK:	1013-1014
ONIONS:	(SUMMER) 885
SKEAT:	(SUMMER) 615
AMINDAROV:	(SUMMER) 295
۲۳۷۴	برهان قاطع:

SUMOR : (OLD ENGLISH) انګلیسي کهن

SUMMER : (ENGLISH) انګلیسي

SOMMER : (DANISH) دانمارکي

SOMMAR : (SWEDISH) سوېډي

SOMMER : (NORWEGIAN) نروژي

ZOMER : (DUTCH) هلندي

: (OLD IRISH) ایرلندي کهن

SAM, SAMRAD

SAMONIOS : (GAULISH) گالي

HAF : (WELSH) ولزي

HANŪ : (BRETON) برتوني

HEZĀR	فارسي (PERSIAN): هزار
THOUSAND	چټم انګلیسي سرواژه‌ی فارسي:
*GHESLO, *GHESLOM	هند و اروپايي (INDO-EUROPEAN):

MIL : (SPANISH) اسپانيايي

: (AVESTAN) اوستايي

MILLE : (ITALIAN) ايټاليايي

HAZAN(G)RA, HAZANREM

MIE : (RUMANIAN) روماني

HAZĀR : (PAHLAVI) پهلوي

MIL : (PORTUGUESE) پرتغالي

HEZAD, HAZAR : (KURDISH) کردي

ZAR, ZĒR : (AFGHAN) افغاني (پشتو)

Z/R : (SOGADIAN) سغدي

: (SANSKRIT) سانسکریت

-HĀSRAM, SAHĀSRA

HAZAR : (ARMENIAN) ارمني

KHĒLLIOI : (GREEK) يوناني

MĪLLE : (LATIN) لاتين

MILLE : (FRENCH) فرانسې

REFERENCES	پښت ما
POKORNY:	446
DELAMARRE:	(MILLE) 216
MACKENZIE:	(THOUSAND) 136
AMINDAROV:	(THOUSAND) 298
۲۳۳۱	برهان قاطع:

HAST, HASTAN	فارسی (PERSIAN): هست، هستن
BE, IS	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*ES0, *ĒSMI, *ESI, *ESTI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SEIN	آلمانی (GERMAN):	اوستایی (AVESTAN):
IS	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	AH, AHMI, AHI, ASHTI
IS	انگلیسی (ENGLISH):	پارسی باستان (OLD PERSIAN): AST
ER	دانمارکی (DANISH):	پهلوی (PAHLAVI): AST, HAST
ÄR	سوئدی (SWEDISH):	کردی (KURDISH): HEYIN, HEBÛN
IS	هلندی (DUTCH):	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	DA, DI, DAY, YĀST
JESMI, JESTŪ		تخاری B (TOKHARIAN B): STAR, STE
JEST	لهستانی (POLISH):	سانسکریت (SANSKRIT):
EST	روسی (RUSSIAN):	ĀSMI, ĀSI, ĀSTI, AS-
STÁT	چک (CZECH):	ارمنی (ARMENIAN): EM, Ē
ESMI, ESTI, ESSĪ	لیتوانی (LITHUANIAN):	یونانی (GREEK): ESTI, EIMI, EĪNAI
ESMŪ	لتونی (لی) (LATVIAN):	لاتین (LATIN): ESSE, EST, ES, SUM
IS, AM	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	فرانسه (FRENCH): EST, ÊTRE
JAM	آلبانی (ALBANIAN):	اسپانیایی (SPANISH): ES, SER
ESMI, ESHZI	هیتی (HITTITE):	ایتالیایی (ITALIAN): ESSERE
		رومانی (RUMANIAN): ISTE
		پرتغالی (PORTUGUESE): SER
		گوئیک (GOTHIC): IS, IST, IM
		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
		EM, ES, ER
		ساکسونی کهن (OLD SAXON): IS
		فریزی کهن (OLD FRISIAN): IS
		آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
		IST, WESEN

پادداشت:

- ۱- در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی کارواژ (فعل) "وجود داشتن" با بکارگیری دو ریشه‌ی BH- و ES- صرف می‌شود.
- ۲- بازگشت به: بودن.

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	146, 340-342
BARNHART:	(IS) 545
DELAMARRE:	(ÊTRE) 255
MACKENZIE:	(IS) 120
BUCK:	635-636
SKEAT:	(ARE) 29
AMINDAROV:	189

HASHT	هشت	فارسی (PERSIAN):
EIGHT	هشتم	انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*OKTŌ	هشت و اروپایی	(INDO-EUROPEAN):

OTTE	دانمارکی (DANISH):	ASHTA, ASTA	اوستایی (AVESTAN):
ÅTTE	نروژی (NORWEGIAN):	HASHT	پهلوی (PAHLAVI):
ACHT	هلندی (DUTCH):	AST	اوستی (OSSETIC):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	HEYSHT, HASHT	کردی (KURDISH):
OSMĪ		ATĒ, ATA	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
OSIEM	لهستانی (POLISH):	OKĀT	تخاری A (TOKHARIAN A):
VOSEM	روسی (RUSSIAN):	OKT	تخاری B (TOKHARIAN B):
OSM	چک (CZECH):		سانسکریت (SANSKRIT):
OSEM	بلغاری (BULGARIAN):	ASTĀŪ, ASHTĀŪ, ASTĀ, ASTAN	
OSEM	اسلواکی (SLOVAK):		ارمنی (ARMENIAN):
ASHTUONI	لیتوانی (LITHUANIAN):	UTH, OUTEH, OU, U	
OCHT	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	OKTŌ	یونانی (GREEK):
WYTH	گالی (GAULISH):	OCTO	لاتین (LATIN):
EIZ, EICH	بریتونی (BRETON):	HUIT	فرانسé (FRENCH):
OCHD	گالیک (GAELIC):	OCHO	اسپانیایی (SPANISH):
TETĒ	آلبانی (ALBANIAN):	OTTO	ایتالیایی (ITALIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	775
BARNHART:	(EIGHT) 318
DELAMARRE:	(HUIT) 213
MACKENZIE:	(EIGHT) 112
ONIONS:	(EIGHT) 304
SKEAT:	(EIGHT) 189
AMINDAROV:	(EIGHT) 217
۲۳۳۸	برهان قاطع:

OPT	رومانی (RUMANIAN):
OITO	پرتغالی (PORTUGUESE):
AHTAU	گوتیک (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

ĀTTA	
AHTO	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
ACHTA	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
AHTO	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
ACHT	آلمانی (GERMAN):
EAHTA	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
EIGHT	انگلیسی (ENGLISH):

یادداشت:

واژه‌ی "هشتم" هم از همین ریشه است (صفحه‌ی ۷۷۵ در POKORNY)

HASHTAD	فارسی (PERSIAN): هشتاد
EIGHTY	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*OKTŌ + DEKM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

EIGHTETI: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	ASHTĀITI: (AVESTAN) اوستایی
EIGHTY: (ENGLISH) انگلیسی	PAHLAVI: (PAHLAVI) پهلوی
ĀTTI: (NORWEGIAN) نروژی	HASHTAT, ASHTAT, HASHTĀD
ACHTIG: (DUTCH) هلندی	(KURDISH) کردی
OSIEMDZIESIAT: (POLISH) لهستانی	HESHTI, ASHTE, HASHTEH
VOSEMDESİYAT: (RUSSIAN) روسی	ATTĀ, ATYĀ: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
OSMDESÁT: (CZECH) چک	ASHITI: (SANSKRIT) سانسکریت
OSEMDESET: (BULGARIAN) بلغاری	OUTSOUN: (ARMENIAN) ارمنی
OSEMDESIAT: (SLOVAK) اسلواکی	EBDOMHTA: (GREEK) یونانی
TETĒDHJETĒ: (ALBANIAN) آلبانی	OCTOGINT: (LATIN) لاتین

REFERENCES	پسگشت‌ها
BARNHART:	(EIGHTY) 318
MACKENZIE:	(EIGHT) 112
ONIONS:	(EIGHTY) 304
۲۳۳۸	برهان قاطع:

QUATRE-VINGTS: (FRENCH) فرانسه
OCHENTA: (SPANISH) اسپانیایی
OTTANTA: (ITALIAN) ایتالیایی
OPTZECI: (RUMANIAN) رومانی
OITENTA: (PORTUGUESE) پرتغالی
ACHTICH: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
ACHTZIG: (GERMAN) آلمانی

یادداشت:

بازگشت به: هشت، ده.

HAR	فارسی (PERSIAN): هر (مثلاً در "هرجا" یا "هرکس")
EACH, EVERY	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SOL, *SEL, *SOLWOS, *SOLNOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

HER: (KURDISH) کردی	HAURVA: (AVESTAN) اوستایی
HAR: (BALUCHI) بلوچی	HARUVA: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
HAR: (AFGHANI) (پشتو) افغانی	HAR, HARW: (PAHLAVI) پهلوی

HOLL, OLL : (BRETON) برتونی
CJALË : (ALBANIAN) آلبانی

SALU : (TOKHARIAN A) A تخاری

SOLME : (TOKHARIAN B) B تخاری

SÁRVA, SÁRVAS : (SANSKRIT) سانسکریت

OLJ : (ARMENIAN) ارمنی

HÓLOS, OLOS : (GREEK) یونانی

SALVUS, SHLŪS : (LATIN) لاتین

SAUF : (FRENCH) فرانسه

SALVO : (SPANISH) اسپانیایی

SALVO : (ITALIAN) ایتالیایی

SALVO : (PORTUGUESE) پرتغالی

OLL : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

یادداشت:

۱- واژه "فراهم" (پارسی‌یستان: FRA-HARAVAM) نیز از همین ریشه است.

۲- چَم این واژه در زبان‌های رومانس: سالم، بی‌خطر، بی‌آسیب.

HESHTAN	هشتن (به چَم "گذاشتن"، "رها کردن")	فارسی (PERSIAN)
RELEASE, PUT, PLACE, LET	چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*SELG	هند و اروپایی	(INDO-EUROPEAN)

SULKE : (ENGLISH) انگلیسی

اوستایی (AVESTAN)

SELG : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

HARZ, HEREZENTI,

HELA : (WELSH) ولزی

HISHTAN, HIRZ-

بلوچی (BALUCHI): ILAG, LIAG, ILAGH

افغانی (پشتو) (AFGHANI): ISHODĒL

سانسکریت (SANSKRIT): SRJ-, SRJATI,

SRSHTA

آلمانی میانه (MIDDLE HIGH GERMAN):

SELKEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): ASOLCEN,

SULKE, ASEOLCAN, BESYLCAN

یادداشت:

چَم این واژه در ایرلندی کهن و ولزی: شکار.

چَم این واژه در انگلیسی نوین: آخمو، عبوس.

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	900
BARNHART:	(SULKY) 1089
MACKENZIE:	(HISHTAN) 43
ONIONS:	(SULK) 884
SKEAT:	(SULKY) 614-615
۲۳۳۹	برهان قاطع:

HAFT	هفت	فارسی (PERSIAN):
SEVEN	هفت	انگلیسی سرواژه فارسی:
*SEPM-	هفت	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SEVEN	انگلیسی (ENGLISH):	HAPTA	اوستایی (AVESTAN):
SYV	دانمارکی (DANISH):	HAFT	پهلوی (PAHLAVI):
SJU	سوئدی (SWEDISH):	AFT, AWD, AVD	اوسنی (OSSETIC):
SJU	نروژی (NORWEGIAN):		کردی (KURDISH):
ZEVEN	هلندی (DUTCH):	HEFT, HAFT, AHFT, HEVFT	

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

SEDMI		OWĖ, AWA	افغانی (افشتر) (AFGHANI):
SIEDEM	لهستانی (POLISH):	SPĀT	تخاری A (TOKHARIAN A):
SEM	روسی (RUSSIAN):	SAPTĀ	سانسکریت (SANSKRIT):
SEDM	چک (CZECH):		ارمنی (ARMENIAN):

EWTHN, YOTEH, YOTU

SEDEM	بلغاری (BULGARIAN):	HEPTĀ	یونانی (GREEK):
SEDEM	اسلواکی (SLOVAK):	SEPTEM	لاتین (LATIN):
SEPTYNI	لیتوانی (LITHUANIAN):	SEPT	فرانسو (FRENCH):
SECHT	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	SIETE	اسپانیایی (SPANISH):
SHTATĖ	آلبانی (ALBANIAN):	SETTE	ایتالیایی (ITALIAN):
SIPTA, SIPTAMIA	هیتی (HITTITE):	SAPTE	رومانی (ROMANIAN):
		SETE	پرتغالی (PORTUGUESE):

SIBUN: گوئیک (GOTHIC):

SJAU: (OLD SCANDINAVIAN) ايسلندی کهن
SIBUN: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
(OLD FRISIAN) فریزی کهن

SOVEN, SIGUN

SIBUN: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
SIEBEN: (GERMAN) آلمانی
SEOFON: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	909
BARNHART:	(SEVEN) 989
DELAMARRE:	(SEPT) 213
MACKENZIE:	(SEVEN) 132
ONIONS:	(SEVEN) 813
SKEAT:	(SEVEN) 551
۱۳۴۱	برهان قاطع:

HAFTĀD	فارسی (PERSIAN): هفتاد
SEVENTY	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SEPM+TDEKM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SEOVENTI: انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
 SEVENTY: انگلیسی (ENGLISH)
 SJUTIO: سوئدی (SWEDISH)
 ZEVENTIG: هلندی (DUTCH)
 SIEDEMDZIESIAT: لهستانی (POLISH)
 SEMDESYAT: روسی (RUSSIAN)
 SEDMDESAT: چک (CZECH)
 SEDEMDEST: بلغاری (BULGARIAN)
 SEDEMDESIAT: اسلواکی (SLOVAK)
 SHTATĒDHJETĒ: آلبانی (ALBANIAN)

HAPTĀITI: اوستایی (AVESTAN)
 HAFTĀD, HAFTĀT: پهلوی (PAHLAVI)
 کردی (KURDISH):
 HEFTĒ, HEFTI, AHFTĒ
 AWYĀ: افغانی (پشتو) (AFGHANI)
 SEPTATI: سانسکریت (SANSKRIT)
 YOTANASOUN: ارمنی (ARMENIAN)
 HEPTOMHTA: یونانی (GREEK)
 SEPTUAGINTA: لاتین (LATIN)
 SOIXANTE-DIX: فرانسه (FRENCH)
 SETENTA: اسپانیایی (SPANISH)
 SETTANTA: ایتالیایی (ITALIAN)
 SAPTIZECI: رومانی (RUMANIAN)
 SETENTA: پرتغالی (PORTUGUESE)
 SJAUTIGR: نورس کهن (OLD NORSE)
 آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
 SIBUNZUG
 SIEBZIG: آلمانی (GERMAN)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	909
BARNHART:	(SEVENTY) 989
MACKENZIE:	(SEVENTY) 132
ONIONS:	(SEVENTY) 813
۲۳۴۲	برهان قاطع:

یادداشت:

بازگشت به: هفت، ده.

HAFTOM	فارسی (PERSIAN): هفتم
SEVENTH	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SEPTIMOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

YOTNERORT: ارمنی (ARMENIAN)
 HÉBDOMOS: یونانی (GREEK)
 SEPTIMUS: لاتین (LATIN)
 SEPTIEM: فرانسه (FRENCH)
 SEPTIMO: اسپانیایی (SPANISH)

HEPTATHA: اوستایی (AVESTAN)
 HAFTUM: پهلوی (PAHLAVI)
 HEFTEM: کردی (KURDISH)
 OWĒM: افغانی (پشتو) (AFGHANI)
 SEPTAMAS: سانسکریت (SANSKRIT)

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
SEDMŮ
 لهستانی (POLISH):
 لیتوانی (LITHUANIAN):
SEKMAS, SEPTINTAS
 پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):
 ایرلندی کهن (OLD IRISH):
SECHTM, SECHTMAD
 گالی (GAULISH):
 ولزی (WELSH):

ایتالیایی (ITALIAN):
SETTIMO
 رومانی (RUMANIAN):
AL SAPTELEA, A SAPTEA
 پرتغالی (PORTUGUESE):
SÉTIMO
 ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
SJAUNDI
 ساکسونی کهن (OLD SAXON):
SIVONDO
 فریزی کهن (OLD FRISIAN):
SIGUNDA
 آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
SEBUNTO
 آلمانی (GERMAN):
SIEBTE, SIEBENTE
 انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

SEOFUNDA
 انگلیسی (ENGLISH):
SEVENTH
 دانمارکی (DANISH):
SYVENDE
 نروژی (NORWEGIAN):
SJUENDE
 هلندی (DUTCH):
SEVENDE

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	909
BARNHART:	(SEVENTH) 989
DELAMARRE:	(SEPTIEM) 213
ONIONS:	(SEVENTH) 813
۲۳۴۹۹	لغت‌نامه دهخدا:

HOL	فارسی (PERSIAN): هل (در گویش دهستان ابیانه نزدیک کاشان، به چم "سوراخ")
HOLE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*KUL-, *KAUL-, *KE-, *KOLIA	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید)

آلمانی (GERMAN):
HOHL
 انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
HOL
 انگلیسی (ENGLISH):
HOLE
 دانمارکی (DANISH):
HUL
 سوئدی (SWEDISH):
HÅL
 نروژی (NORWEGIAN):
HUL
 هلندی (DUTCH):
HOL
 لیتوانی (LITHUANIAN):
KĀULAS
 لونی (لاتی) (LATVIAN):
KAŪLS
 پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):
CAULAN

سانسکریت (SANSKRIT):
KULYÁ
 یونانی (GREEK):
KAULÓS
 لاتین (LATIN):
CAULIS
 فرانسه (FRENCH):
CUL
 گوئیک (GOTHIC):
HOHL
 ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
HOLA, HOLR
 ساکسونی کهن (OLD SAXON):
HOL
 فریزی کهن (OLD FRISIAN):
HOL
 آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
HOL

ONIONS:	(HOLE) 444	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:	(HOLE) 274	POKORNY:	537
		BARNHART:	(HOLE) 486

یادداشت:

۱- شاید واژه‌ی فارسی "کون" (پهلوی: KŪN؛ کردی: QING, KUN؛ بلوچی: KUN, KIN) نیز از همین واژه باشد.

۲- چم این واژه در سانسکریت: واه آبی، آبراه.
چم این واژه در یونانی: ساقه.

HAM, HAMĀN, HAM-	فارسی (PERSIAN): هم، همان، -هم، -هم
TOO, ALSO, SYN-	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SOM-, *SEM-, *SM-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SWĀ	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	اوستایی (AVESTAN):
SAME	انگلیسی (ENGLISH):	HAM, HĀMA-, HAMŌ
SO-	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
SAMUII	روسی (RUSSIAN):	HAM-, HAMA-, EM-, HA-
SAM-	لیتوانی (LITHUANIAN):	HAMI, HAM-, (PAHLAVI): پهلوی
SEN, SAN-	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):	HAMĀN
SOM	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	اوستی (OSSETIC): ĀM-, ĀN-
		کردی (KURDISH):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	903
BARNHART:	(SAME) 954
DELAMARRE:	
	(MÊME) 234, (AVEC) 301
MACKENZIE:	
	(ALSO) 102, (SAME) 131
BUCK:	911
ONIONS:	(SAME) 785
SKEAT:	(SAME) 533
۲۳۶۲	برهان قاطع:

AM, HEM, HIM, HEMR, HEMAN	
HAM, HAM-, HAW-	:(BALUCHI) بلوچی
	:(AFGHANI) افغانی (پشتو)
HAMAGHĒ, HAM	
SOMA-	:(TOKHARIAN A) A تاجاری
SĀM-, SAMĀS-	:(SANSKRIT) سانسکریت
HOMÓS, HOMO-	:(GREEK) یونانی
SIMILIS, SIMUL	:(LATIN) لاتین
SAMA-	:(GOTHIC) گوتیک
	:(OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
SAMR	
SAMA	:(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

یادداشت:

۱- بازگشت به: همه.

۲- واژه‌های SIMULTANEOUS, SIMILE, SIMILAR نیز از همین ریشه‌اند.

HAMÉ	فارسی (PERSIAN): همه
ALL, EVERYONE	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SEM-, *SEMGH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SUMS	گوتیک (GOTHIC):	HĀMA-, HATHRĀ	اوستایی (AVESTAN):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):		پارسی باستان (OLD PERSIAN):
SUMR		*HAMAKA, HAMA	
SUM	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):		پهلوی (PAHLAVI):
SUM	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	HAMAG, HAMAK, HAMĀK, HAMAGIH	
		HEMŪ, HIM	کردی (KURDISH):
			بلوچی (BALUCHI):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	903-904
MACKENZIE:	
(ALL) 102, (TOTALITY) 137	
۲۳۷۳	برهان طالع:

HAMA, HAMUK, HAMAK	
	سانسکریت (SANSKRIT):
SAMĀ, SAHĀ, SADHRI	
AMĒN, AMĒN-AIN	یونانی (GREEK):

یادداشت:

بازگشت به: هم.

HONAR	فارسی (PERSIAN): هنر
SKILL, ABILITY	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*NER-, *ANER	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

HNAR	ارمنی (ARMENIAN):	HUNARA	اوستایی (AVESTAN):
EU-ĒNÖR	یونانی (GREEK):	HUNAR	پهلوی (PAHLAVI):
SO-NIRT	ایرلندی کهن (OLD IRISH):	HŪNER	کردی (KURDISH):
HY-NERTH	ولزی (WELSH):	HUNAR	بلوچی (BALUCHI):
NERZ	برتونی (BRETON):	HUNAR	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
			سانسکریت (SANSKRIT):

SŪNĀRA, SŪNRĀ

MACKENZIE:	(HUNAR) 44	REFERENCES	پسگشت‌ها
۲۳۸۱	برهان قاطع:	POKORNY:	765

یادداشت:

بازگشت به: نر، نیرو

HÜSH	هوش	فارسی (PERSIAN):
INTELLIGENCE, MEMORY	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*OUS-, *US-, *ðUS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	785
MACKENZIE:	
	(INTELLIGENCE) 120
۲۳۹۳	برهان قاطع:

USH- اوستایی (AVESTAN):

پهلوی (PAHLAVI):

HÜSH, HÖSH, ÖSH, ÜSHIH

HISH کردی (KURDISH):

WISH افغانی (پشتو) (AFGHANI):

USH ارمنی (ARMENIAN):

یادداشت:

بازگشت به: گوش.

*HIZOM	هیزم	فارسی (PERSIAN):
FIREWOOD	چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*AIDH-, *IDH-, *INDH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	

ID سوندی (SWEDISH):

ID نروژی (NORWEGIAN):

NISTIJ چک (CZECH):

ISTĚJE اسلواکی (SLOVAK):

IESMĖ لیتوانی (LITHUANIAN):

AISTRA لونی (LATVIAN):

AED ایرلندی کهن (OLD IRISH):

AEDUI گالی (GAULISH):

AESMA, ĀESMŌ اوستایی (AVESTAN):

HĒZAM, ĒSIM, ĒZM: پهلوی (PAHLAVI):

کردی (KURDISH):

HEZ, HEZINK, HEZING

سانسکریت (SANSKRIT):

IDHMĀH, EDHMA, ĒDHAS, IDHMĀS

ATHEIN یونانی (GREEK):

AESTUS, AID- لاتین (LATIN):

EISA: ايسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

EIT آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

ĀD انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

پسگشت‌ها	REFERENCES		
11-12	POKORNY:	(ETHER) 329	(FIREWOOD) 114
(ETHER) 345	BARNHART:		
	DELAMARRE:		
(BOIS A BRÛLER) 127		برهان قاطع:	۲۴۰۷

یادداشت:

- ۱- واژه انگلیسی ESTUARY (لاتین: AESTUARIUM) نیز از همین ریشه است.
 ۲- چم این واژه در زبان‌های یونانی و ایتالیایی کهن و ایرلندی کهن و گالی: آتش، سوختن.
 چم این واژه در زبان لاتین: گرماء، جوشش.

فارسی (PERSIAN):	یازده	YĀZDAH
چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:		ELEVEN
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):		*OINOS, *OIKOS+DEKM, *DEKU-
اوستایی (AVESTAN):	AEVADASA	ELLEBAN : (OLD SAXON) ساکسونی کهن
پهلوی (PAHLAVI):	YACDAH, YĀZDAH	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
کردی (KURDISH):	YĀNZDEH	EINLIF
افغانی (افشو) (AFGHANI):		ELF : (GERMAN) آلمانی
	YŌLAS, YTWOĻĒS	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
سانسکریت (SANSKRIT):		ENDLEOFAN
ارمنی (ARMENIAN):	KADZN, ĒKAADASHAN	ELEVEN : (ENGLISH) انگلیسی
یونانی (GREEK):	DASSNEH MEG	ELLEVE : (DANISH) دانمارکی
لاتین (LATIN):	ENTEKA	ELFVA : (SWEDISH) سوئدی
فرانسé (FRENCH):	UNDECIM	ELLEVE : (NORWEGIAN) نروژی
اسپانیایی (SPANISH):	ONZE	ELF : (DUTCH) هلندی
ایتالیایی (ITALIAN):	ONCE	JEDENASTU : (POLISH) لهستانی
رومانی (RUMANIAN):	UNDICI	ODINNADTSAT : (RUSSIAN) روسی
پرتغالی (PORTUGUESE):	UNSPREZECE	JEDENÁCT : (CZECH) چک
گوتیک (GOTHIC):	ONZE	EDYNAYESET : (BULGARIAN) بلغاری
ایتالیایی کهن (OLD SCANDINAVIAN):	AINLIF	JEDENAST : (SLOVAK) اسلواکی
	ELLIFU	NJĚMBĚDHJETĚ : (ALBANIAN) آلبانی

MACKENZIE:	(ELEVEN) 112	REFERENCES	پسگشت ما
SKEAT:	(ELEVEN) 190	POKORNY:	286, 191
۲۴۱۷	برهان قاطع:	BARNHART:	(ELEVEN) 321
		DELAMARRE:	209, 214

YAX	فارسی (PERSIAN): یخ
ICE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*EIS-, *EI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

IS	نروژی (NORWEGIAN):	AEX, AEXA, ISU-	اوستایی (AVESTAN):
IJC	هلندی (DUTCH):	YAH	پهلوی (PAHLAVI): (پازند)
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):	YEX, IX	اوستی (OSSETIC):
INEJ, INIJ		YEX	کردی (KURDISH):
ÍNEJ	روسی (RUSSIAN):	YEX	بلوچی (BALUCHI):
JÍNE	چک (CZECH):		افغانی (پشتو) (AFGHANI):
ÝNIS	لیتوانی (LITHUANIAN):	ASAI, YEX, YAKH	

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

REFERENCES	پسگشت ما
POKORNY:	301
BARNHART:	(ICE) 503
DELAMARRE:	(GLACE) 182
BUCK:	69-70
ONIONS:	(ICE) 458
SKEAT:	(ICE) 285
MALLORY & ADAMS:	HEIHX
۲۴۲۷	برهان قاطع:

ISS, ISSAR

Īs	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
Īs	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
Īs	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
EIS	آلمانی (GERMAN):
Īs	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
ICE	انگلیسی (ENGLISH):
IS	دانمارکی (DANISH):
Īs	سوئدی (SWEDISH):

YAZDĀN	فارسی (PERSIAN): یزدان
GOD	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*IAG-, *IAGOS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

YAZTĀN, YAZDAN, YAZD	اوستایی (AVESTAN): YAZATA
ĒZDAN	پهلوی (PAHLAVI): (KURDISH):

REFERENCES	پسگنت‌ها
POKORNY:	501
MACKENZIE:	(GOD) 116
AMINDAROV:	(GOD) 231
۲۴۳۲	برهان قاطع:

YEZDĀN	بلوچی (BALUCHI):
	سانسکریت (SANSKRIT):
YAJATI, YASTA-, IJYĀ, YĀJYA-, YAJAS-	
AGIOS, AHIOS	یونانی (GREEK):

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در زبان سانسکریت: قربانی، نایش، پرستش.
- ۲- واژه‌ی "یسنا" (اوستایی: YASNA، سانسکریت: YAJNĀH، یونانی: ÁGNOS) نیز از همین واج‌ریزه است.

YASNA	فارسی (PERSIAN): یسنا (بخشی از کتاب مقدس اوستا)
YASNA	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*IAG-, *YAG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
REFERENCES	پسگنت‌ها
POKORNY:	501
BARNHART:	
(HAGIOLOGY) 460-461	
MACKENZIE:	(WORSHIP) 140
۲۴۳۲	برهان قاطع:
YASNA-, YESNYA-	اوستایی (AVESTAN):
	پهلوی (PAHLAVI):
YASN, YASHT, YAZISHN	
	سانسکریت (SANSKRIT):
YAJNĀH, IJYA-, YĀJYA-, YĀJATI	
HĀGIOS	یونانی (GREEK):

YEK, YAK	فارسی (PERSIAN): یک
ONE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*OINOS, *OIKOS,	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
YAW, YĒW, YŌ	افغانی (AFGHANI) (پشتو):
ĒKAS, ĒKA	سانسکریت (SANSKRIT):
AID, ITA, VOK	ارمنی (ARMENIAN):
	یونانی (GREEK):
OINOS, OINĒ, ENA, HEN	
ŪNOS	لاتین (LATIN):
UN, UNE	فرانسه (FRENCH):
AĒVA	اوستایی (AVESTAN):
	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
AIVAKA, AIVA	
ĒV, ĒVAK, ĒK, YAK	پهلوی (PAHLAVI):
YU, YEU	اوستی (OSSETIC):
YEK, IKI	کردی (KURDISH):
ĒVŌK	بلوچی (BALUCHI):

JEDEN	: (CZECH) چک
EDNO	: (BULGARIAN) بلغاری
JEDEN	: (BOHEMIAN) بوهمی
JEDEN	: (SLOVAK) اسلواکی
VIENAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی
VIENS	: (LATVIAN) لتونی
AINS	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن
ÖEN, AON	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
UN	: (GAULISH) گالی
UN	: (WELSH) ولزی
UN, UNAN	: (BRETON) برتونی
NJË	: (ALBANIAN) آلبانی

UNO, UNA	: (SPANISH) اسپانیایی
UNO, UNA	: (ITALIAN) ایتالیایی
UN, UNO, UNA	: (RUMANIAN) رومانی
UM, UMA	: (PORTUGUESE) پرتغالی
AINS	: (GOTHIC) گوتیک
EINN	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
ĒN	: (OLD SAXON) ماکسونی کهن
ĀN	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
EIN, EINZ	
EIN	: (GERMAN) آلمانی
ĀN	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
ONE	: (ENGLISH) انگلیسی
EN	: (DANISH) دانمارکی
EN	: (SWEDISH) سوئدی
EN	: (NORWEGIAN) نروژی
EEN	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
INŪ, JEDAN	
JEDEN	: (POLISH) لهستانی
	: (RUSSIAN) روسی
ODIN, JEDNA, JEDNO	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	286
BARNHART:	(ONE) 728
DELMARRE:	(UN) 209
MACKENZIE:	(ONE) 125
BUCK:	937-939
ONIONS:	(ONE) 627
SKEAT:	(ONE) 411
۲۴۴۰	برهان قاطع:

YŪGH, JUGH	: (PERSIAN) فارسی
YOKE	: یوگ، جوغ
*YEUG-, *YOUG-, *YUG-	: (INDO-EUROPEAN) هندی و اروپایی
YUGĀ, YUGĀM, YUNAKTI	: (AVESTAN) اوستایی
ZOUYK, ZOUKEL	: (ARMENIAN) ارمنی
ZYGÓN, ZEUGNÝNAI	: (GREEK) یونانی
JUGUM, JUNGERE	: (LATIN) لاتین
JOUG	: (FRENCH) فرانسه
YUGO	: (SPANISH) اسپانیایی
YAOG	: (PAHLAVI) پهلوی
JHUGH, ĀYŌXTAN	: (BALUCHI) بلوچی
JŌGH	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
JUGH	: (TOKHARIAN A) تخاری A
YOKAM	: (SANSKRIT) سانسکریت

JŪNGAS, JŪNGTĪ	(LITHUANIAN) لیتوانی
JŪGS	(LATVIAN) لونی (اتی)
CUING	(OLD PRUSSIAN) ایرلندی کهن
IAU	(GAULISH) گالی
IAU	(WELSH) ولزی
YEO, IEO	(BRETON) برتونی
YUKAN, YUGAN	(HITTITE) هیتی

REFERENCES	پسگشت ما
POKORNY:	508
BARNHART:	(YOKE) 1254
DELAMARRE:	(JOUG) 119
MACKENZIE:	(YOKE) 141
BUCK:	726
ONIONS:	(YOKE) 1020
SKEAT:	(YOKE) 729
RAMAT:	45
۲۴۵۸	برهان قاطع:

GIOGO	(ITALIAN) ایتالیایی
JUG	(RUMANIAN) رومانی
JUGO, JUNTA	(PORTUGUESE) پرتغالی
JUK	(GOTHIC) گوتیک
OK	(OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
JUK	(OLD SAXON) ساکسونی کهن
JOH	(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
JOCH	(GERMAN) آلمانی
	(OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

GEOC, GEOHT

YOKE	(ENGLISH) انگلیسی
ĀG	(DANISH) دانمارکی
OK	(SWEDISH) سوئدی
ĀK	(NORWEGIAN) نروژی
JUK	(DUTCH) هلندی
IGO	(OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
JARZMO	(POLISH) لهستانی
JARMO	(RUSSIAN) روسی
JHO, JARMO	(BOHEMIAN) بوهمی

- AMINOARDV, AZIZ. *KURDISH-ENGLISH AND ENGLISH-KURDISH DICT-IONRY*. NEW YORK: HIPPOCRENE BOOKS, 1994.
- AWDE, NICHOLASE & SARWAN, ASMATULLAH. *PASHTO-ENGLISH, ENGLISH-PASHTO DICTIONARY*. NEW YORK: HIPPOCRENE, 2002.
- BARNHART, ROBERT K., ED. *THE BARNHART DICTIONARY OF ETYMOLOGY*, NEW YORK: THE H. W. WILSON CO., 1988.
- BARTHOLOMAE, CH. *ALTIRANISCHES WORTERBUCH*. STRASSBURG, 1950.
- BASTIDS, J.A.J., VAN KOOTEN, G. *CASELL'S ENGLISH-DUTCH, DUTCH- ENGLISH DICTIONARY*. NEW YORK: MATMILAN, 1988.
- BENVENISTE, EMIL. *LE VOCABULAIRE DES INSTITUTION INDO- EUROPEEN*. PARIS, LES EDITION DE MINUIT, 1969.
- BROWN, LESLEY, *THE NEW SHORTER OXFORD ENGLISH DICTIONARY*. OXFORD: CLARENDON PARSS, 1993.
- BUCK, CARL DARLING. *A DICTIONARY OF SELECTED SYNONYMS IN THE PRINCIPAL INDO-EUROPEAN LANGUAGES*. CHICAGO, THE UNIVERSITY OF CHICAGO PRESS, 1988.
- CHILDE, V. GORDON. *THE ARYANS: A STUDY OF INDO-EUROPEAN ORIGINS*. DORSET PRESS, 1987.
- COLINS: *DIZIONARIO INGLESE-ITALIANO, ITALIAN-ENGLISH DICTOINARY*. GLASGOW: HARPER COLINS PUBLISHERS, 1995.
- DELAMRRE, X. *LE VOCABULAIRE INDO-EUROP' EEN*. PARIS: MAISON- NEVVE, 1984.
- GHIRSHMAN, R. *IRAN ET LA MIGRATION DES INDO-ARYENS ET DES IRANIENS*. LEIDEN, 1977.
- HANNESSIAN, OHANNES. *ENGLISH-ARMENIAN DICTIONARY*. LOS ANGELES: SHIRAK PUBLISHING HOUSE, 1998.
- HAUGEN, EINAR. *NORWEGIAN-ENGLISH DICTIONARY*. MADISON, WICONSIN: UNIVERISTY OF WISCONSIN PRESS, 1974.
- HOLMAN, MARIANNE. *DANISH-ENGLISH, ENGLISH-DANISH DICTOINARY*. NEW YOURK: HIPPOCRENE, 2000.
- KENT, ROLAND. *OLD PERSIAN*. NEW HAVEN: AMERICAN ORIENTAL SOCIETY, 1953.
- LAMB, SYDNEY M. *SPRUNG FROM COMMON SOURCE: INVESTIGATION INTO THE PREHISTORY OF LANGUAGES*. STANFORD UNIVERSITY PRESS, 1991.
- LAROUSSE. *PORTUGUESE-ENGLISH, ENGLISH-PORTGUESE DICTIONARY*. NEW YORK: LAROUSSE, 2003.
- MACKENZIE, D. N. *A CONISE PAHLAVI DICTIONARY*. LONDON: OXFORD UNIVERSITY PRESS, 1971.

- MALLORY, J.P. & D.Q. ADAMS. *ENCYCOPHEDIA OF INDO-EUROPAN CULTURE*. LONDON: FITZROY DEARBORN PUBLISHERS, 1997.
- MALLORY, J. P. *IN SEARCH OF INDO-EUROPEANS*. LONDON: THAMES & HUDSON LTD, 1989.
- MANN, SURAT. *AN INDO-EUROPEAN COMPARATIVE DICTIONARY*. HAMBURG: HELMUT BUSKE VELAG, 1987.
- MANSION, J.E. *HARPER'S NEW COLLEGIATE FRENCH AND ENGLISH DICTIONARY*. NATIONAL TEXTBOOK CO., 1980.
- MESSINGER, HEINZ. *LANGENSHEIDT'S NEW COLLEGE DICTIONARY*. BERLIN: LANGENSHEIDT, 1973.
- MIROIU, MIHAI. *ROMANIAN-ENGLISH, ENGLISH-ROMANIAN DICTIONARY*. NEW YORK: HIPPOCRENE, 2002.
- ONIONS, C. T. *THE OXFORD DICTIONARY OF ENGLISH ETYMOLOGY*. OXFORD: CLARENDON PRESS, 1983.
- PERKS, ROBERT S. P. *COMPARATIVE INDO-EUROPEAN LINGUISTICS*. AMSTERDAM: JOHNS BENJAMINS PUBLISHERS, 1995.
- POGONOWSKI, CYPRIAN. *POLISH-ENGLISH, ENGLISH-POLISH DICTIONARY*. NEW YORK: HIPPOCRENE, 1993.
- POKORNY, JULIUS. *INDOGERMANICHES ETYMOLOGISCHES WÖRTERBUCH*. MÜNCHEN: 1959.
- RAMAT, G.R. & RAMAT, PAOLO. *THE INDO-EUROPEAN LANGUAGES*. LONDON: ROUTLEDGE, 1993.
- RENFREW, COLIN. *ARCHAEOLOGY AND LANGUAGE: THE PUZZLE OF INDO-EUROPEAN ORIGINS*. CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS, 1990. SHAHZADI, M. F. *KHORDEH AVESTA*. SAN DIEGO: THE COUNCIL OF IRANIAN MOBEDS, 1990.
- SHIPLEY, JOSEPH T. *THE ORIGINS OF ENGLISH WORDS*. BALTIMORE: JOHNS HOPKINS UNIVERSITY PRESS, 1984.
- SMITH, COLIN, ET AL. *COLLINS SPANISH-ENGLISH AND ENGLISH-SPANISH DICTIONARY*. LONDON: COLLINS, 1981.
- SKEAT, W.W. *AN ETYMOLOGICAL DICTIONARY OF THE ENGLISH LANGUAGE*. OXFORD: CLARENDON PRESS, 1983.
- STEVENSON, VICTOR. *WORDS, THE EVOLUTION OF WESTERN LANGUAGES*. VAN NOSTRAND REINHOLD, 1983.
- THE AMERICAN HERIATCE DICTIONARY OF THE ENGLISH LANGUAGE*. BOSTON: HOUTON MIFFLIN, 2000.
- TRAUPMAN, JOHN. *THE BANTAM NEW COLLEGE LATIN AND ENGLISH DICTIONARY*. NEW YORK: BANTAM BOOKS, 1995.

- TANKA, NINA. *CZECH-ENGLISH, ENGLISH-CZECH DICTIONARY*. NEW YORK: HIPPOCRENE, 2002.
- TRNKA, NINA. *SLOVAK-ENGLISH, ENGLISH-SLOVAK DICTIONARY*. NEW YORK: HIPPOCRENE: 2001.
- TURNER, R.L. *A COMPARATIVE DICTIONARY OF THE INDO-ARYAN LANGUAGES*. LONDON: SCHOOL OF ORIENTAL AND AFRICAN STUDIES, 1985.

پسگشت‌های فارسی:

- برهان قاطع تألیف محمد حسین بن خلف تبریزی (زیرنویس‌ها از دکتر محمد معین). تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- غیاث اللغات تألیف غیاث‌الدین محمد بن جلال‌الدین رامپوری (به کوشش منصور ثروت). تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- فرهنگی بزرگ سخن به سرپرستی دکتر حسن انوری. تهران: انتشاران سخن، ۱۳۸۱.
- فرهنگی پیلدوی تألیف محمد مزرعتی و علی مزرعتی. تهران: طلوع، ۱۳۷۷.
- فرهنگی فارسی تألیف محمد معین. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۰.
- لغت نامه: تألیف علی اکبر دهخدا. تهران: مؤسسه لغت نامه‌ی دهخدا، ۱۳۷۷.

FORWARD

THIS PERSIAN BOOK IS THE FIRST ATTEMPT TO TRACE THE ROOTS OF PERSIAN WORDS (THROUGH PAHLAVI, AVESTAN, AND OLD PERSIAN) TO THEIR INDO-EUROPEAN ROOTS. ITS MAIN FEATURES ARE THE FOLLOWING:

- 1- ONLY PERSIAN WORDS WITH KNOWN INDO-EUROPEAN ROOTS HAVE BEEN INCLUDED. THIS HAS LED TO THE EXCLUSION OF HUNDREDS OF PERSIAN WORDS WITH KNOWN PAHLAVI OR AVESTAN COGNATES OR ROOTS. SOME OF THESE ARE PROBABLY INDO-EUROPEAN; MANY ARE PROBABLY NOT.
- 2- WHERE POSSIBLE, I HAVE GIVEN COGNATES OF EACH PERSIAN HEADWORD IN KURDISH, AFGHANI, BALUCHI AND OTHER IRANIAN LANGUAGES.
- 3- TO DEMONSTRATE THE KINSHIP OF OTHER INDO-EUROPEAN LANGUAGES, I HAVE GIVEN AS MANY COGNATES IN SANSKRIT, GREEK, LATIN, GERMAN, ENGLISH, RUSSIAN, ETC., AS POSSIBLE.
- 4- MUCH OF WHAT IS PRESENTED IN THIS BOOK HAS BEEN GLEANED FROM THE WORK OF OTHER SCHOLARS (PARTICULARLY J. POKORNY AND M. MOIN), BUT THERE ARE ALSO MANY WORDS WHOSE COGNATION AND ETYMOLOGY HAVE BEEN PRESENTED FOR THE FIRST TIME IN THIS BOOK. FOR THESE AS WELL AS FOR THE OVERALL ACCURACY AND VERACITY OF THIS BOOK, I TAKE FULL RESPONSIBILITY.

M. ARYANPUR KASHANI